



BP۱۴۸۴.ج۱ .

## تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۷)  
مجموعه مقالات سبک زندگی و گام دوم / جلد اول  
زیر نظر: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی / به کوشش: ابراهیم رضایی آدریانی  
چاپ اول: ۱۴۰۰ ش / ۱۴۴۳ ق  
ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ  
● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۴۴۴ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

## مراکز پخش

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸؛  
تلفن: ۰۲۵ ۳۷۸۳۶۱۳۴ +۹۸ ۲۵ ۳۷۸۳۶۱۳۴ / تلفکس: (داخلی ۱۰۵) / ۰۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵  
◀ ایران، قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه. تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۳۳۱۰۶

✉ miup@pub.miu.ac.ir    🌐 http://buy-pub.miu.ac.ir    📧 pub\_almustafa

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثریاری رساندند.

- مدیر انتشارات: مصطفی نوبخت
- مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری
- ناظر فنی: سید محمد رضا جعفری
- ناظر گرافیک: مسعود مهدوی
- ناظر چاپ: ایوب جمالی



این اثر با حمایت «دیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی»  
معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه چاپ شده است.

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۷)

## مجموعه مقالات سبک زندگی و گام دوم

### جلد اول

زیر نظر: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

به کوشش: ابراهیم رضایی آدریانی



مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی، فراوری اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پایبندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو، مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و اندیشه‌های ناب و ژرف، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم، با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند، گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

بالندگی مراکز آموزشی، در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و پژوهشی و به‌روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه، نشاط علمی مراکز آموزشی و پژوهشی را در پی دارد.

«جامعة المصطفی علیه السلام العالمية» به‌عنوان بخشی از این مجموعه، که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی علیه السلام



کنگره بین المللی گام دوم انقلاب  
اسلامی از منظر قرآن و حدیث

### امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام:

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن‌سازی شده است.

بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

### تقدیم به:

روح ملکوتی بنیان گذار تمدن نوین اسلامی حضرت روح الله موسوی خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و شهدای گران قدر راه انقلاب اسلامی که با خون خود نهال انقلاب را آبیاری نموده تا به درخت پربار تمدن نوین اسلامی بدل گشته و مقدمات طلوع خورشید عظمای ولایت فراهم گردد.



---

## فهرست

---

- مقدمه ریاست کنگره ..... ۱۱
- مقدمه مدیر علمی ..... ۱۳
- مقدمه معاون علمی ..... ۲۷
- مقدمه مدیر کمیته ..... ۳۱

### فصل اول: سبک زندگی معنوی در آینه قرآن و حدیث

۱. مستندسازی قرآنی و حدیثی دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام در سبک زندگی اسلامی ..... ۳۵
- صاحبه عاشوری ..... ۳۵
۲. منشور اخلاق فردی - اجتماعی سبک زندگی در گام دوم انقلاب اسلامی با محوریت نامه ۶۹ نهج البلاغه ..... ۶۸
- زینب طیبی (نویسنده مسئول) ..... ۶۸
- سیده معصومه معنوی ..... ۶۸
- صفیه گرجی ..... ۶۸
۳. نقش وعده‌های الهی در تحقق سبک زندگی انقلابی - اسلامی ..... ۹۶
- رضا مهدیان فر (نویسنده مسئول) ..... ۹۶
- سیده آرزو بنی صدر ..... ۹۶
۴. تأثیر سبک زندگی اسلامی در ایجاد شادی و نشاط از منظر قرآن کریم ..... ۱۲۵
- مریم فخرالدینی (نویسنده مسئول) ..... ۱۲۵
- حمید طهماسبی قرابی ..... ۱۲۵

۵. نقش همدلی و مواسات در سبک زندگی اسلامی ..... ۱۵۰  
سمیه کریمی ..... ۱۵۰  
زهرا توکلی (نویسنده مسئول) ..... ۱۵۰

### فصل دوم: معنویت و اخلاق در سبک زندگی

۱. تبیین چگونگی تأثیر دعا بر معنویت و اخلاق به عنوان یکی از اهداف بیانیه گام دوم انقلاب با تأکید بر دعای مکارم الاخلاق ..... ۱۷۹  
طاهره عبداللهی (نویسنده مسئول) ..... ۱۷۹  
احسان شکوهمند ..... ۱۷۹
۲. راهکارهای موثر بر توسعه معنویت از طریق خویشن‌سازی در جوانان ..... ۲۰۵  
نسترن بهرمان (نویسنده مسئول) ..... ۲۰۵  
نرگس نجاتی ..... ۲۰۵
۳. عوامل تقویت‌کننده حیا در سبک زندگی اسلامی ..... ۲۳۴  
پرستو مجیدی پور (نویسنده مسئول) ..... ۲۳۴  
پروانه اسدی ..... ۲۳۴
۴. عوامل و موانع رشد معنویت و اخلاق و تأثیر آن در پیشرفت جامعه اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب ..... ۲۶۰  
سعید خدادادی ..... ۲۶۰
۵. گام دوم انقلاب و مولفه‌های دستیابی به سبک زندگی اخلاقی جامعه از منظر قرآن و حدیث ..... ۲۸۱  
مهسا قربانی (نویسنده مسئول) ..... ۲۸۱  
سید معصوم حسینی ..... ۲۸۱
۶. واکاوی مولفه‌های معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب ..... ۳۰۶  
زهرا توکلی (نویسنده مسئول) ..... ۳۰۶

### فصل سوم: سبک زندگی و علوم انسانی

۱. واکاوی همبستگی معنویت و اقتصاد در سبک زندگی جوانان به سنجه آیات و روایات؛ با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ..... ۳۳۲  
دکتر سید مهدی رحمتی (نویسنده مسئول) ..... ۳۳۲  
کوثر الشادات آقاپور حصیری ..... ۳۳۲



۲. کارکرد اعتقاد به توحید ربوبی در بُعد اقتصادی سبک زندگی از منظر قرآن ..... ۳۶۷  
فاطمه همایون (نویسنده مسئول) ..... ۳۶۷  
احمد خدارحمی ..... ۳۶۷
۳. مبانی نظری و مؤلفه‌های سبک زندگی در حوزه اقتصاد مقاومتی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی — ۳۹۳  
محمد قربانی مقدم ..... ۳۹۳

#### فصل چهارم: آسیب شناسی سبک زندگی معنوی

۱. موانع امید و راهکارهای مقابله با ناامیدی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ..... ۴۲۰  
محترم قوی (نویسنده مسئول) ..... ۴۲۰  
فاطمه بغدادی ..... ۴۲۰
۲. آسیب شناسی ترویج سبک زندگی غرب با تاکید بر آیات و روایات ..... ۴۴۹  
علی حسن بگی ..... ۴۴۹  
ملیحه غلامی (نویسنده مسئول) ..... ۴۴۹
۳. چالش‌های تحقق بیانیه گام دوم انقلاب از منظر آموزه‌های دینی ..... ۴۷۶  
ابراهیم رضایی آدریانی (نویسنده مسئول) ..... ۴۷۶  
عبدالمجید فقیهی ..... ۴۷۶



---

## مقدمه ریاست کنگره

---

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن به عنوان کتاب هدایت، تبیان هر چیزی است که سعادت دنیوی و اخروی انسان در گرو آن است. آموزه‌های وحیانی قرآن، به گونه‌ای است که هر کسی در هر سطحی از ادراک و دانش که باشد می‌تواند نیازهای اندیشه‌ای و انگیزشی خود را از آن تأمین کند.

از طرف دیگر هر انسانی نیازمند الگوهای عینی و ملموسی است که به او نشان دهند که آثار و برکات راه چیست و چگونه می‌توان به سلامت به مقصد و مقصود رسید. از این رو خداوند، پیامبر مکرم ﷺ و عترت طاهره آن حضرت را به عنوان «مبین» و اسوه‌های عینی و عملی حسنه برای مردمان شمرده تا ایشان را سرمشق خویش قرار دهند.

بر اساس بیان قرآن نتیجه تمسک به عروة الوثقی الهی و حبل الله المتین که همان قرآن و عترت است، هدایت در صراط مستقیم و رهایی از گمراهی و گمگشتگی در ظلمت‌ها است. امروز که جهان به شدت گرفتار فتنه‌های گوناگون است، نیاز بشر به این مشعل هدایت برای برون رفت از بحران‌ها بیش از هر زمان دیگر است.

انقلاب اسلامی و گفتمان برآمده از آن در چارچوب و با محوریت اسلام ناب محمدی ﷺ به دنبال ارائه نظام جامع تمدن اسلامی در جهان معاصر است. امامان انقلاب اسلامی بر آن بوده و هستند تا تمدن نوین اسلامی را شکل دهند و الگویی عینی از زیست مؤمنانه در جهان معاصر را به بشریت ارائه کنند.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری علیه السلام ابلاغ فرمودند، در حقیقت منشوری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم است که شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را مدنظر قرار داده و بنا دارد جهت‌گیری‌ها را در راستای تحقق آن سامان دهد.

تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و شناسایی و تبیین مبانی و اصول قرآن و حدیثی آن بی‌شک می‌تواند راهگشای تحقق آرمان‌های گفتمان انقلاب اسلامی باشد. جامعه المصطفی العالمیه در همین راستا و بر اساس رسالت و مأموریت خویش اقدام به برگزاری همایشی با موضوع تبیین مبانی و اصول قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نمود. ضمن تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان این همایش ارزشمند به‌ویژه همکاران گرامی در مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث و همچنین فضلاء و اساتیدی که با ارائه بیش از ۱۰۸۰ مقاله به دبیرخانه دائمی همایش قرآن و حدیث المصطفی در این رویداد بزرگ علمی مشارکت داشته‌اند برای همگان توفیق خدمت به ساحت قرآن کریم را از خدای بزرگ مسألت دارم.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی عباسی

آذرماه ۱۴۰۰

---

## مقدمه مدیر علمی

---

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾؛ (اسراء، آیه ۹).

قرآن کریم نوری در ظلمات جهل و کفر و شرک و خرافات جاهلیت بود جهان را در چهارده قرن پیش روشن ساخت و انقلابی در جهان برپا کرد که گام اول آن در عصر پیامبر اسلام ﷺ برداشته شد و گام دوم آن در عصر امام علی عليه السلام برداشته شد و گام‌های بعدی توسط امامان اهل بیت عليهم السلام پیموده شد و گام آخر آن توسط مهدی آل محمد عليه السلام برداشته خواهد شد.

یکی از جلوه‌های این انوار الهی در انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ شمسی درخشید و گام اول آن توسط امام خمینی رحمته الله علیه برداشته شد و تا چهل سال ادامه یافت، و اینک گام دوم آن توسط جانشین علی وار ایشان امام خامنه‌ای عنه الله برداشته می‌شود و می‌رود تا این انقلاب به دست صاحب اصلی آن حضرت بقیه الله وعنه الله تعالی داده شود تا گام نهایی آن به دست ایشان رقم بخورد (ان شاء الله) حضرت امام خامنه‌ای عنه الله برای پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای گرانسنگ صادر فرمودند و برنامه‌ای راهبردی و آینده پژوهانه را ترسیم نمودند که چراغ راه ایران و امت اسلامی باشد.

از آنجاکه مفاد این بیانیه مستند به آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت عليهم السلام است. دانشوران «مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه» بر خود فرض دیدند که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث اهل بیت عليهم السلام تبیین کنند تا

مبانی، مستندات و لوازم قرآنی حدیثی محتوای عالی این بیانیه روشن گردد و زیر ساخت فرهنگی جهت عملیاتی شدن بیانیه گام دوم فراهم گردد.

بر این یک ماه بعد از صدور بیانیه گام دوم در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ شمسی یعنی در اسفند ۱۳۹۸ شمسی نخستین جلسات کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث برگزار شد و شروع آن اعلام شد.

لیکن مراحل اداری و مقدمات کار در سال ۱۳۹۸ شمسی انجام و جذب مقالات و نشست‌های علمی آن آغاز شد و با استقبال زیاد قرآن پژوهان و مراکز علمی روبه‌رو شد لیکن به خاطر شیوع بیماری کرونا (اسفند ۱۳۹۸ ش) برگزاری اجلاس نهایی کنگره به تاخیر افتاد تا در زمستان ۱۴۰۰ شمسی این شجره طیبه به بار نشست و به همت همکاران کنگره به ویژه قائم مقام مدیر و معاون علمی کنگره حجت‌الاسلام والمسلمین محمد امینی تهرانی و با حمایت خاص ریاست جامعه المصطفی‌العالمیه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و دیگر مسئولان؛ کاری عظیم سامان یافت که در زمره بزرگترین کنگره‌های تاریخ ایران گشت، والحمد لله رب العالمین.

---

## گزارش اجمالی کنگره

---

### ۱. اهداف کنگره:

همایش گام دوم دارای اهدافی است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

۱. تبیین مبانی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۲. تبیین راهکارهای اجرایی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۳. تبیین جایگاه قرآن و حدیث در گام دوم انقلاب اسلامی
۴. تقویت و تعمیق گام دوم انقلاب اسلامی در اندیشه دینی
۵. تبیین الگوی قرآنی و حدیثی انقلاب اسلامی برای جهانیان
۶. تبیین نقش نهادهای قرآنی به‌ویژه در جامعه المصطفی‌العالمیه در گام دوم انقلاب اسلامی
۷. تبیین مبانی گام دوم انقلاب اسلامی انقلاب با توجه به آموزه‌های قرآنی و حدیثی.

### ۲. محورهای کنگره:

گام دوم، عقلانیت و قرآن و حدیث	گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث
گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث	گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی
گام دوم و غرب و شرق	گام دوم و آینده‌پژوهی
گام دوم و دانش‌های قرآنی و حدیثی	راهکارهای اجرایی سازی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
مبانی و مستندات قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم	رسالت طلاب جامعه المصطفی‌العالمیه در تحقق بیانیه گام دوم
نقش جوانان در تحقق بیانیه گام دوم	نقش بانوان و خانواده در گام دوم انقلاب اسلامی

### ۳. شورای سیاست‌گذاری کنگره

حضرت آیت‌الله اعرافی رئیس هیئت امنای جامعه المصطفی العالمیه و ریاست حوزه‌های علمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسی رئیس جامعه المصطفی العالمیه
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبادی معاونت پژوهش جامعه المصطفی العالمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر قنبری معاونت ارتباطات و بین‌الملل جامعه المصطفی العالمیه
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی العالمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی عراقی مسئول دفتر مقام معظم رهبری در قم
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رستم نژاد معاونت آموزش حوزه‌های علمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی العالمیه
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکرم‌مبیدی رئیس مدرسه عالی قرآن و علوم	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی رئیس مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی رئیس مدیر گروه علمی قرائات	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر رئیس مدرسه عالی تفسیر
حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسن پیرولی معاونت آموزش مجتمع قرآن و حدیث	حجت‌الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی معاونت پژوهش مجتمع قرآن و حدیث
حجت‌الاسلام والمسلمین حسن رضایی رییس پژوهشگاه المصطفی	حجت‌الاسلام والمسلمین مسلم احمدلومعاون فرهنگی تربیتی مجتمع قرآن و حدیث

### ۴. شورای علمی کنگره

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی معاون اجتماعی حوزه‌های علمیه	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی ریاست محترم مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبد‌الکریم بهجت پور ریاست حوزه‌های علمیه خاوران	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکر میبیدی ریاست مدرسه عالی قرآن و علوم
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبد‌الکریم بی‌آزار شیرازی	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر ریاست مدرسه عالی تفسیر و علوم قرآن



حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن پیرولی معاون آموزش مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی مدیر گروه علوم و فنون قرانات مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین محمدی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حیدر طباطبائی مدیر گروه علوم حدیث مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر صاعد رازی نماینده انتشارات انقلاب اسلامی و سایت اینترنتی مقام معظم رهبری	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید یوسف موسوی معاون پژوهش مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا ستوده نیا عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو مدیر گروه علوم قرآن مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر روشن ضمیر معاون پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی	حجت الاسلام والمسلمین حسین شیرافکن عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی مدیر گروه قرآن و علوم طبیعی مجتمع عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد معاون آموزش حوزه های علمیه سراسر کشور
حجت الاسلام دکتر غلام جابر جعفری از کشور پاکستان و نمایندگی روسیه	دکتر حمیدرضا طوسی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی
دکتر فائق ولی زاده از کشور روسیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد یعقوب بشوی از کشور پاکستان
دکتر سید علی سید اف از کشور تاجیکستان	دکتر رییس اعظم شاهد از کشور هندوستان

## ۵. ارکان کنگره

مدیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی (ریاست مجتمع عالی قرآن و حدیث)  
 معاونت علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی  
 معاونت اجرایی: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی  
 مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین

### ۶. کمیته اجرایی کنگره

معاون علمی کنگره و قائم مقام مدیر: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی  
 معاون اجرایی کنگره: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی  
 معاون پیشتیبانی و منابع انسانی: حجت الاسلام والمسلمین خلیل زاد  
 معاون ارتباطات و بین الملل: جناب آقای حسین حیدری  
 معاون فرهنگی مجتمع عالی قرآن و حدیث: حجت الاسلام والمسلمین احمدلو

### دبیرخانه کنگره

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین  
 مسئول ارزیابی: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی  
 مسئول روابط عمومی: حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی  
 مسئول سایت و نشست های علمی: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت سمنانی

### ۷. کمیته های علمی کنگره

اول: کمیته گام دوم، علوم عقلی و قرآن و حدیث

مدیر کمیته:	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد
دبیر کمیته:	حجت الاسلام دکتر محمد جواد دشتی

### اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد باقر قیومی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی یوسفی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی عزیززی علویجه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد غفاری	

دوم: کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر سید عیسی مسترحمی	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
--	---

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین صاعد رازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی واشیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی آقاصفیری	جناب حجت الاسلام والمسلمین میثم ناظمی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حامد دادسرشت تهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی همتیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالمومن حکیمی	حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالله توکلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین رفیعی	

سوم: کمیته گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت
---	--

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین عباس الهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسین شفیعی دارابی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی منصوری	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی زکی مرتضوی

چهارم: کمیته گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی آدریانی	دبیر کمیته: جناب آقای محمد زینلی
---	-------------------------------------

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست	حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم ملکی
حجت الاسلام والمسلمین محسن جلالی	حجت الاسلام والمسلمین محمد قربانی مقدم
جناب آقای دکتر احمدی فراز	جناب آقای محسن برقی کار
سرکار خانم زهرا سهرابی	سرکار خانم زهرا توکلی

**پنجم: کمیته گام دوم، انقلاب اسلامی و غرب و شرق از منظر قرآن و حدیث**

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسن زمانی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر باقر ریاحی مهر
---	--

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد نوروزی	جناب آقای دکتر غلام حسین مقیمی
جناب آقای دکتر حسن رضایی هفتادر	جناب آقای دکتر سید حسین علوی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی براتی یزدی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر باقر ریاحی مهر

**ششم: کمیته گام دوم، و دانش های قرآنی و حدیثی**

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر فاکر میبدی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر عبدالله جبرئیلی
--	---

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی طهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجعلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدحیدر طباطبائی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصادق یوسفی مقدم

**هفتم: کمیته گام دوم، آینده پژوهی قرآنی و حدیثی**

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
---	---

**اعضای کمیته:**

دکتر اسماعیل شراهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید جعفر رحمان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد کوهی	دکتر محمد رحیم عیوضی

**هشتم: کمیته تخصصی بانوان**

مدیر کمیته: سرکار خانم زینب بهجت پور	دبیر کمیته: سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی
--------------------------------------	--

**اعضای کمیته:**

سرکار خانم دکتر زینب طیبی	سرکار خانم دکتر طاهره ماهرو زاده
سرکار خانم دکتر رقیه جاویدی	سرکار خانم دکتر عاطفه صادقی
سرکار خانم دکتر راضیه زارعی	سرکار خانم دکتر معصومه شریفی

**نهم: کمیته بین الملل**

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر محمد یعقوب بشوی از پاکستان	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمد عسکری از پاکستان
--	--

**اعضای کمیته:**

جناب آقای دکتر غلام جابر محمدی از پاکستان	جناب آقای دکتر رئیس اعظم شاهد از پاکستان
جناب آقای سید مجتبی رضوی از هندوستان	دکتر ترلان سیف الله اف از آذربایجان
دکتر منظر بیاتی از عراق	جناب آقای استیفان شفر از آلمان
جناب آقای رحمان دهلان از اندونزی	جناب آقای عبدالقادر محمد بلو از نیجریه
جناب آقای عباس خان فاضل اف از تاجیکستان	

### ۸. آثار کنگره

۱. شناخت نامه کنگره	۲. منبع شناخت بیانیه گام دوم
۳. نشست‌ها، کرسی‌ها و کارگاه‌های کنگره	۴. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد اول)
۵. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد دوم)	۶. چکیده مقالات کنگره (غیر فارسی)
۷. علم و عقل در گام دوم انقلاب اسلامی	۸. علوم و بیانیه گام دوم (جلد اول) (علوم اجتماعی. اقتصاد. سیاست. مدیریت)
۹. علوم و بیانیه گام دوم (جلد دوم) (علوم تعلیم و تربیت، روانشناسی و پزشکی)	۱۰. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد اول)
۱۱. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد دوم)	۱۲. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد اول)
۱۳. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد دوم)	۱۴. انقلاب اسلامی و غرب
۱۵. رویکرد قرآنی بانوان به گام دوم	۱۶. آینده‌پژوهی و مهدویت در گام دوم
۱۷. سبک زندگی و گام دوم (جلد اول)	۱۸. سبک زندگی و گام دوم (جلد دوم)
۱۹. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد اول) (زبان اردو)	۲۰. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد دوم) (زبان اردو)
۲۱. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد سوم) (عربی، انگلیسی)	۲۲. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد چهارم) (هندی، آذری، بنگالی، برمه‌ای، آلمانی، اندونیزی، تاجکی، فرانسوی، روسی، ترکی، بلتی و...)

تذکره: تمام آثار در سمیم بررسی و مشابهت‌یابی انجام شد و سه مقاله به خاطر مشابهت

بالا حذف شد.

۹. مجلات منتشرکننده مقالات کنگره:

۱. مجله علمی قرآن و علم
۲. مجله علمی مطالعات قرائت قرآن
۳. مجله علمی قرآن پژوهی خاورشناسان
۴. مجله علمی علوم حدیث تطبیقی
۵. مجله تخصصی مطالعات حدیث پژوهی
۶. مجله تخصصی قرآن و علوم
۷. مجله تخصصی مطالعات قرآن پژوهی نور وحی

۱۰. کنگره در آینه آمار

تعداد کل چکیده‌ها: ۱۶۹۶	مقالات پذیرفته شده: ۹۵۸
مقالات چاپ شده در مجلات: ۴۲	مجموع مقالات رسیده به کنگره: ۱۰۸۲
مقالات چاپ شده در مجلدات: ۲۸۲	مجلدات منتشرشده: ۲۲
تعداد ارزیابان: ۷۱	تعداد نشست‌ها: ۱۶۳
تعداد کرسی‌های علمی و ترویجی: ۸	تعداد کارگاه‌ها: ۴۰

تذکر: دو جلد مجموعه مقالات کنگره به صورت جداگانه توسط مرکز خواهران هرمزگان منتشر می‌شود.

۱۱. نرم افزارهای کنگره:

مجموعه آثار کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

## ۱۲. ارزیابان مقالات:

آقایان: محمد علی رضایی اصفهانی، محمدفاکر میبیدی، محمدحسن زمانی، مهدی رستم نژاد، غلامرضا بهروزی لک، حسین علوی مهر، سید عیسی مسترحمی، محمد امینی تهرانی، عباس علی واشیان، عباس الهی، محمد حسین صاعد رازی، علی کریم پور قراملکی، عبدالله جبرئیلی، حسن رضا رضایی، علی آقا صفری، محمدرضا حقیقت سمنانی، مهدی جهانی، علی رضا شاهین، محمداقبر ریاحی مهر، محمد جواد دشتی، محمد یعقوب بشوی، محمد عسکری ممتاز، عقیل یوسفی زارمی، سید مجتبی رحمانی، سید مجتبی رضوی اصیل، سیدرضی زکی مرتضوی، میثم ناظمی، علی فرهنگدیان، محمد حسین رفیعی، سید علی حسینی، سعید حسنی، حسین مرکزی مقدم، مجتبی انصاری مقدم، کامران اویسی، مهدی سازندگی، نجات یحیی، مجید ابوالقاسم زاده، عباس جوانشیر، علی اصغر کوراوند، محمدهادی منصوری، محمد حسین محمدی، علی محمد راهی، مهدی همتیان، ابوذر رجبی، حمید رضا کاظمی.

بانوان: زینب بهجت پور، زینب طیبی، نسترن بهرمان، منیژه کاشانی، محبوبه جوکار، معصومه حاجی مقصودی، مریم رمضانیان، نرگس رشیدی راوندی، سیده نفیسه حسینی واعظ، فاطمه طائبی، سمیه پاپی، حمیده کرمی، عفت رمضانیان، صدیقه بهرامی، فاطمه حسین آبادی، مریم افشارویگنی، حدیثه سلیمانی، فهیمه ربیعی، فاطمه قنبری، طاهره سادات ضیاء حسینی، فاطمه عطارد، مهدیه علوی فر، طیبه توکلی، سیده معصومه فاطمی، طاهره عبداللهی، زهرا فتحی، الناز جهان پور، راضیه شیرینی، پریوش علیزاده، فاطمه درویشی، صدیقه کاویانی.



۱۳. مراکز علمی همکار کنگره

۱. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	۲. دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۳. مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه	۴. مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۶. مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۷. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>	۸. مؤسسه پژوهش‌های قرآنی المهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۹. پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی	۱۰. مرکز تخصصی کلام ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>
۱۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	۱۲. مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن
۱۳. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم	۱۴. دانشگاه میبد
۱۵. دانشگاه معارف	۱۶. انجمن‌ها و قطب‌های علمی حوزه علمیه قم
۱۷. رادیو معارف	۱۸. شبکه قرآن و معارف سیمای جمهوری اسلامی ایران
۱۹. مؤسسه مطالعات اسلامی	۲۰. مرکز تخصصی امام خمینی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>
۲۱. دانشگاه امام صاق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۲۲. دانشگاه قم
۲۳. مرکز تخصصی تفسیر ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>	۲۴. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم اصفهان
۲۵. انجمن قرآن پژوهی حوزه	۲۶. دانشگاه علامه طباطبائی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>
۲۷. جامعه الزهرا <small>عَلَيْهَا السَّلَام</small>	۲۸. مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران
۲۹. پژوهشگاه امام صاق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۳۰. سیلیویکا
۳۱. مؤسسه فتوح اندیشه	۳۲. دانشگاه آزاد اسلامی
۳۳. دانشکده شهید محلاتی	۳۴. دانشگاه فرهنگیان
۳۵. معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه	۳۶. دانشگاه اشرفی اصفهان
۳۷. نمایندگی المصطفی اصفهان	۳۸. پژوهشگاه المصطفی

۱۴. نشانی پایگاه اطلاع رسانی کنگره

<http://hamayesh.miu.ac.ir/hadith/fa>

نشانی کانال کنگره در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/Conferencegam2>

---

## سخن پایانی

---

در پایان لازم است از همه کارگزاران کنگره به ویژه مدیران محترم کمیته های علمی کنگره، معاونان محترم حجج اسلام دکتر امینی تهرانی و موسوی و اعضای دبیرخانه که با زحمات شبانه روزی و نویسندگان و ارزیابان محترم کتابها و مقالات و نیز همه کسانی که در آماده سازی آثار و برگزاری کنگره زحمت کشیدند به ویژه مسئول محترم انتشارات بین المللی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین نویخت و همکاران انتشارات و ریاست امور مشترک مجتمع عالی امام خمینی رحمته الله علیه حجت الاسلام والمسلمین زهادت و به صورت خاص ریاست جامعه المصطفی عليه السلام العالمیه حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و معاون پژوهش المصطفی عليه السلام حجت الاسلام والمسلمین عبادی و نیز معاونت پژوهش حوزه های علمیه حجت الاسلام والمسلمین مقیمی که حمایت خاص از این کنگره نموده اند، تشکر کنم. اجرهم علی الله.

والحمد لله رب العالمین

مدیر علمی کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

محمد علی رضایی اصفهانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

---

## مقدمه معاون علمی

---

بسم الله الرحمن الرحيم

هر روزی که سپری می‌شود و هر لحظه‌ای که به جلو می‌رویم برگه‌ای زرین از مدیریت داهیانه و حکیمانه ناخدای مدبر انقلاب اسلامی ایران مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای عنه‌السلام هویدا و آشکار می‌گردد.

یکی از این برگه‌های زرین و جلوه‌های درخشان مدیریتی ایشان «بیانیه گام دوم» انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران است. این بیانیه صحبت‌های بی‌پرده و شفاف یک مدیر و پدر دلسوزی برای فرزندان و ملت خود است که پس از طی زمانی ۴۰ ساله با همه سختی‌ها در حال عبور از مرحله‌ای سخت و ورود به مرحله مهم دیگری هستند که قرار است با پیمودن صحیح آن یک «پیچ تاریخی» در جهان معاصر اتفاق افتد.

بیانیه گام دوم آگاهی بخشی به منظور آماده کرده ملتی بزرگ برای مسئولیت‌های پیش روست. این بیانیه نقش راه انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به یک تمدن نوین اسلامی است. این بیانیه نشان از صداقت مدیری و رهبری فرزانه دارد که بدون تعارف همه خطرهای سختی‌های راه را برای روندگان آن، روشن می‌نماید و علاوه بر بیان نعمت‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی، ضعف‌ها و سختی‌ها را نیز بیان می‌نماید.

روشن و واضح است که بیانات و نوشته‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران متأثر از اندیشه‌های ناب ایشان است و این اندیشه‌های ناب در بستر قرآن و احادیث نورانی

اهل بیت علیهم السلام شکل یافته است. اندیشه‌هایی که از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی تا میان سالی و بزرگ سالی همگی در اثر انس بسیار ایشان با قرآن و عترت شکل گرفته است. به یقین می‌توان گفت که برای همه عبارات ایشان در «بیانیه گام دوم» می‌توان مستندی از قرآن و حدیث یافت و به نوعی آن را با قرآن و حدیث ارتباط داد. وظیفه همه علاقه مندان به انقلاب اسلامی است تا ارتباط این بیانیه ارزشمند را با قرآن کریم بیش از پیش روشن نمایند و این امر مستلزم تلاشی در خور و شایسته است.

بر همین اساس کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث در مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه و زیر نظر استاد فرزانه حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی که خود مفسری انقلابی و نواندیش است، شکل گرفت تا در این راستا به نوعی بیانیه گام دوم را با قرآن و حدیث بسنجد و مبانی و راهکارهای اجرایی این بیانیه را از قرآن و حدیث استخراج نماید.

در بررسی مقالات رسیده به کنگره مراحل متعددی طی شده است تا این کتب به حالت فعلی تبدیل شود. اگر چه ممکن است در رسیدن به این شرایط فعلی همه مقالات یکسان نباشند اما اهم مراحل که برای هر مقاله طی شده است را می‌توان در مراحل زیر معرفی نمود:

۱. ارسال مقاله توسط نویسنده به سایت کنگره
۲. ارزیابی اولیه چکیده توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۳. ارزیابی اولیه مقاله توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۴. ارزیابی ثانویه توسط ارزیاب تخصصی
۵. برخی از مقالات دو یا سه ارزیاب داشته‌اند به خاطر تخصصی بودن
۶. ارسال فایل اصلاحات به نویسنده
۷. ارسال مقاله اصلاح شده توسط نویسنده به دبیرخانه
۸. رویت مقاله اصلاح شده توسط ارزیاب و تأیید نهایی

۹. ارسال مقاله به کمیته مربوطه
۱۰. ارزیابی مجدد در کمیته جهت بررسی چاپ در کتاب
۱۱. ارسال اصلاحات کمیته به نویسنده
۱۲. ارزیابی توسط معاون علمی و دبیر علمی کمیته
۱۳. رفع اشکالات و ارسال به دبیر کمیته توسط نویسنده
۱۴. تأیید نهایی مقاله توسط کمیته و چاپ در کتاب
۱۵. بررسی مقالات در سمیم جهت مشابهت‌یابی
۱۶. بررسی مجدد چکیده و یکسان‌سازی چکیده‌ها
۱۷. شکل دهی مقالات تأیید نهایی معاون و دبیر علمی
۱۸. ارسال برای انتشارات

امید است تا این فعالیت‌ها گامی در راستای رسیدن به تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد و موجبات خشنودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

قائم مقام و معاون علمی کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی ایران از منظر قرآن و حدیث

محمد امینی تهرانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

---

## اعضاء کمیته گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی

---

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی آدریانی

دبیر کمیته: جناب آقای محمد زینلی

### اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم ملکی

حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست

حجت الاسلام والمسلمین محمد قربانی مقدم

حجت الاسلام والمسلمین محسن جلالی

جناب آقای محسن برقی کار

جناب آقای دکتر احمدی فراز

سرکارخانم زهرا توکلی

سرکارخانم زهرا سهرابی

---

## مقدمه مدیر کمیته

---

در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم همچون خونی تازه در رگ‌های انقلاب جریان یافت و افق پیش روی مردم و مسولان را ترسیم کرد؛ این بیانیه که از قلم یک مجتهد آگاه به زمان و سیاستمدار بی نظیر و مسلط بر اوضاع منطقه و جهان صادر شده بود، اولویت‌ها و ضروریات‌های علمی و اجرایی نظام را به خوبی تبیین نمود.

به لطف الهی، جامعه علمی واکنش‌های درخوری به این بیانیه نشان دادند که از جمله آن، برگزاری همایش‌های علمی بود. گنگره بین‌المللی "بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث" به همت و تلاش مدرسه عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام از بارزترین این فعالیت‌هاست که نظر به گستردگی موضوعات و دانش‌ها، در قالب کمیته‌های تخصصی فعالیت خود را دنبال کرد.

کمیته تخصصی سبک زندگی اسلامی در دو بخش "سبک زندگی مادی و معنوی" سامان یافت و با همت جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام نمایندگی اصفهان و مشارکت اعضای زیر کار خود را آغاز کرد:

اعضای کمیته سبک زندگی اسلامی - مجتمع آموزش عالی اصفهان		
ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت
۱	حجت الاسلام والمسلمین سید امیررضا طاهایی	رئیس مجتمع آموزش عالی اصفهان
	دکتر محمدرضا ستوده نیا	دانشیار دانشگاه اصفهان
	دکتر محمد مهدی احمدی فراز	عضو هیأت علمی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی
۲	دکتر ابراهیم رضایی آدریانی	مسئول کمیته سبک زندگی اسلامی و رئیس مدرسه عالی علوم انسانی جامعه المصطفی اصفهان
۳	دکتر مرتضی فدایی	معاون محترم پژوهش و عضو هیئت علمی نمایندگی اصفهان
۴	فتح الله دهقانی	معاون آموزش نمایندگی اصفهان
۵	محمد محبی اشنی	معاون فرهنگی - تربیتی نمایندگی اصفهان
۶	اسماعیل قاسمیان	رئیس اداره ارتباطات و بین الملل جامعه المصطفی اصفهان
۷	محسن برقی کار	رئیس مدرسه عالی علوم اسلامی جامعه المصطفی اصفهان
۸	زهرا توکلی	رئیس مدرسه عالی بنت المصطفی
۹	سید عبدالله موسویان	رئیس مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی جامعه المصطفی اصفهان
۱۰	حمید الهی دوست	مدیر گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی اصفهان
۱۱	دکتر محمد قربانی مقدم	مدیر گروه فقه و اصول و عضو هیئت علمی نمایندگی اصفهان
۱۲	محمد زینلی خوزانی	دبیر کمیته سبک زندگی اسلامی

برگزاری نشست‌های علمی، کارگاه‌های علمی - پژوهشی، اختصاص نشریه‌های علمی به موضوع کنگره، فراخوان و دریافت مقالات، ارزیابی مقالات و در نهایت ساماندهی مجلد حاضر از جمله فعالیت‌های این کمیته بوده است.

آنچه رسالت جامعه علمی را در پرداختن به مقوله "سبک زندگی اسلامی" سنگین‌تر و انگیزه‌ها را فزون‌تر می‌کند تعبیر گلابه آمیز مقام معظم رهبری علیه السلام است که فرمودند: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست.»



امید آن که کوشش جامعه علمی به ویژه دست اندرکاران این همایش، مورد رضای حق تعالی واقع شود؛ جا دارد از تمام مسئولان جامعه الصمطفی العالمیه رَضِيَ اللهُ عَنْهُم و دست اندرکاران کنگره به ویژه استاد معزز حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم.

ابراهیم رضایی آدریانی

مسئول کمیته سبک زندگی

کنگره بین المللی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

۱۴۰۰/۰۸/۱

## فصل اول

---

سبک زندگی معنوی در آینه قرآن و حدیث

---

---

## مستندسازی قرآنی و حدیثی دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام در سبک زندگی اسلامی

---

صاحبه عاشوری<sup>۱</sup>

### چکیده

فرهنگ و سبک زندگی، برگرفته از نگرش ما به زندگی است. ارائه الگوی سبک زندگی متناسب با آموزه‌های اسلامی بسیاری از چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را برطرف خواهد کرد. تحقق سبک زندگی اسلامی یکی از ضرورت‌های اساسی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی است و همین موضوع مستلزم توجه جدی در این زمینه و راه‌های واقع شدن آن در جامعه و افراد می‌باشد. رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر درباره اصلاح سبک زندگی، و توجه به ترویج سبک زندگی غربی و جلوگیری از آن، تأکید داشتند. در این مقاله که به توصیف و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری درباره سبک زندگی و نگاه ویژه ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب به سبک زندگی اسلامی با نگاهی به آیات و روایات است و به روش اسنادی - کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده می‌توان با توجه به بیان مولفه‌های مؤثر در جنبه‌های مختلف زندگی، به این مطلب رسید که اصلاح سبک زندگی بر اساس آموزه‌های دینی و

اسلامی، زمینه رشد فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و اندیشه و در نتیجه ایجاد تمدن نوین اسلامی را در پی خواهد داشت.

کلید واژگان: سبک زندگی. بیانات. اصلاح. آموزه‌های اسلامی.

### مفهوم شناسی

سبک زندگی: مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین، برخوردار از نوعی وحدت است. (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱)

از دیدگاه مقام رهبری، سبک زندگی در حقیقت همان «عقل معاش» است

(۱۳۹۱ / ۷ / ۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>)

دیدار با جوانان خراسان شمالی) که در روایات از آن سخن رفته است. این موضوع در حقیقت؛ «نرم افزار تمدن اسلامی» است (همان). ایشان دو سبک کلی را برای زندگی تعریف کرده‌اند: سبک زندگی غیرتوحیدی، که در آن تعالیم مکاتب مادی در صدر است و مفاهیم مصرف‌گرایی، لذت‌گرایی و عرفی بودن دین حاکم است و سبک زندگی توحیدی، که در آن دستورات الهی در صدر است و سیاست، فرهنگ و اقتصاد از این مفاهیم تأثیر می‌پذیرد. (همان)

## مقدمه

سبک زندگی، بخش اصلی تمدن اسلامی است. برای زندگی راحت و برخورداری از امنیت روانی اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. در سال‌های گذشته دشمن توانسته است با نفوذ خود به واسطه شبکه‌های مجازی و امور دیگر سبک زندگی غربی را در کشور رواج دهد و مردم را از سبک زندگی اسلامی دور نماید. بنابراین باید سبک زندگی اسلامی که خداوند دستورات لازم را چه در جهت پیشرفت فردی چه اجتماعی بیان فرموده است، در جامعه رواج پیدا کند تا دستیابی به سعادت ممکن شود. از جمله منابعی که تاکنون به بررسی این موضوع پرداخته‌اند می‌توان اشاره کرد به: ۱. کتاب مفاتیح الحیات علامه جوادی آملی که این کتاب متشکل از ۴ بخش؛ ارتباط انسان با خود، با دیگران، با طبیعت و با حیوانات می‌باشد. ذیل این بخشها، عناوینی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲. کتاب سنن النبی علامه طباطبائی: از کتب بسیار پر محتوا در سبک زندگی بر اساس سیره نبی مکرم می‌باشد و در ۲۱ باب آداب را بیان می‌دارد. این کتب بسیار با ارزشمند می‌باشند اما بجهت دشواری محتوایی و کلی بودن مطالب، ممکن است راهگشای برخی مسائل روز برای مطالعه‌کننده نباشد بنابراین نوشتار روانی که بر مبنای مسائل روز به سبک زندگی اسلامی پردازد مورد نیاز می‌باشد.

۳. کتاب مصرف و سبک زندگی آقای محمد فاضلی: رویکرد این کتاب بیشتر مفهوم‌شناسی سبک زندگی و بررسی چالشها می‌باشد بنابراین به صورت کاربردی نمیتواند راهگشا باشد. در مقاله پیش رو به اصول سبک زندگی اسلامی در پنج حوزه فکر، فرد، خانواده، اجتماع و کسب و کار از دیدگاه رهبر معظم پرداخته شده است و هر کدام از این موارد و زیر مجموعه‌های آنان نیز بر اساس قرآن و روایات بررسی شده است.

## مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه رهبری

رهبر معظم در پایان بیانیه گام دوم انقلاب به مبحث بسیار مهم سبک زندگی اشاره نموده و می‌فرمایند: تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران

اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است که مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع در دیدگاه رهبری و اجرای سبک زندگی اسلامی لازم است با دیدگاه ایشان و دستورات قرآنی و سیره اهل بیت بیشتر آشنا شویم.

اندیشه رهبری را می‌توان در پنج حوزه کلی ترسیم کرد که هر یک از این حوزه‌ها دارای مؤلفه‌هایی است که خطوط کلی زندگی یک مسلمان را ترسیم می‌کنند. این مؤلفه‌ها را به ترتیب بررسی خواهیم کرد.

## ۱. مؤلفه‌های سبک زندگی دینی در حوزه فکر و اندیشه

### یک) ایمان

ایمان تابع تعریف انسان از زندگی و هدف آن است. رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است. «هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، به‌طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌کند. باید هدفی را ترسیم کنیم و بدان ایمان بیاوریم. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>، ۲۳ / ۷ / ۱۳۹۱، بیانات در دیدار با جوانان خراسان شمالی). ایشان تبیین هدف زندگی و ترسیم اهداف والا برای زندگی را از جوانان کشور می‌خواهند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2884>، ۷ / ۲ / ۱۳۷۷، بیانات در دیدار جوانان)

بین بالا بودن ایمان و رضایت از زندگی، حتی در جوامع غربی، ارتباط مستقیم وجود دارد. از دیدگاه رهبری، افرادی دارای سلامت روانی هستند که دو ویژگی داشته باشند: از زندگی خود راضی باشند، دیگران از رفتار و اندیشه آن‌ها احساس رضایت کنند. از قرآن و سنت و نیز تجربه انسانی دریافته می‌شود که ایمان دینی دستاوردهایی دارد. می‌توان این دستاوردها را در نگاهی کلی به دو گروه تقسیم کرد: دنیوی، اخروی. دستاوردهای دنیوی نیز در دو بخش فردی و اجتماعی قابل بررسی است.

## الف) دستاوردهای دنیوی و فردی

### ۱. آرامش و طمأنینه

در این که ایمان مایه آرامش آدمی است، آیات و روایاتی فراوان در دست است؛ از جمله: «او است همان که بر دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد...» (فتح/۴)

### ۲. امیدواری

«چشم داشتن به رحمت پروردگار، مایه امیدواری و دوری از یأس است» (یوسف/ ۸۷). در دانش روز نیز به اثبات رسیده است که اهل ایمان کمتر به یأس و افسردگی دچار می‌شوند

### ۳. جلب عنایت الهی

خداوند به مؤمنان عنایتی ویژه دارد و دعای آنان را اجابت می‌کند. این حقیقت هم در روایات و هم در آیات قرآن کریم بارها به اشارت و صراحت آمده است (به‌عنوان نمونه: شوری/ ۲۶)

### ۴. رشد و بالندگی معنوی

پایداری بر ایمان معنویت را در انسان رشد می‌دهد و ایمان را ریشه دارتر می‌سازد (توبه/ ۱۲۴) تا آن جا که ظرفیت و شایستگی میزبانی ملائک را می‌یابد (فصلت/ ۳۰)

### ۵. رحمت ویژه الهی

رحمت خداوند همه آفریدگان را می‌پوشاند؛ اما برای مؤمنان گسترده‌تر و عمیق‌تر است (نساء/ ۱۷۵)

### ۶. پشتیبانی الهی

از بشارت‌های آشکار الهی آن است که اهل ایمان در حمایت و پشتیبانی الهی‌اند و خداوند آنان را در سختی‌ها و دشواری‌ها یاری می‌دهد (غافر/ ۵۱)

### ۷. شکیبایی و پایداری

به تجربه ثابت شده است و نیز در گفتار بزرگان دین آمده است که میوه ایمان، استواری



و پایداری است (غرر الحکم و درر الکلم، ۱ / ۱۷۸)

#### ۸. امان از ترس و اندوه

بنابر آیات قرآنی یکی از پیامدهای ایمان آن است که انسان نه بر گذشته خویش اندوه می‌کشد و نه از آینده می‌هراسد (مائده / ۶۹؛ یونس / ۶۲)

#### ۹. عزت

هرچند دریافتن این حقیقت بر بی‌ایمانان دشوار است، اما عزت و سربلندی راستین از آن خداوند و رسول و مؤمنان است (منافقون / ۸)

#### ۱۰. غیرت و جوانمردی

قرآن کریم درباره اهل ایمان می‌فرماید، آنان کسانی‌اند که به زنا و هرزگی تن نمی‌آلایند (فرقان / ۶۸). از پاره‌ای روایات نیز بر می‌آید که غیرتمندی و دوری از بی‌بند و باری، از ایمان سرچشمه می‌گیرد (نهج الفصاحه، ۴۳۳)

#### ۱۱. فضیلت و برتری

قرآن کریم درباره مؤمنان می‌فرماید: «آنان که ایمان آورده و کارهای نیک انجام می‌دهند، بهترین انسان‌ها هستند.» (بینه / ۷)

#### ۱۲. هدایت و فراست

از نشانه‌های آشکار ایمان، هدایت و فراست است که خداوند ارزانی می‌کند (یونس / ۹). در روایت آمده است: «از فراست مؤمن بپرهیزید که او به نور خدا می‌نگرد.» (بصائر الدرجات، ۳۵۷؛ عیون اخبار الرضا، ۲ / ۲۰۰)

#### ۱۳. دیگر آثار

افزون بر آنچه گذشت، دیگر نشانه‌ها و پیامدهای ایمان عبارت‌اند از: مسئولیت‌پذیری، دل‌ن بستن به دنیا، سلامت جسم و جان، خوش‌بینی به جهان هستی، هدف‌داری و...

### ب) دستاوردهای دنیوی و اجتماعی

#### ۱. آرامش اجتماعی

ایمان، مایه پای‌بندی انسان به ضوابط اخلاقی و احکام عملی است و مسلمانان از تعدی به حقوق یکدیگر می‌پرهیزند و بدین سان، جامعه اسلامی پیوسته در آرامش و آسایش است. مؤمن در رفتار و کردار و گفتار خویش، می‌کوشد تا به دیگران آسیب نرساند و بر کسی ستم نکند. رفتار او به گونه‌ای است که در برخی روایات آمده است: «مؤمن گویی لجام بر دهان دارد.» (خصال، ۱/ ۲۲۹) نیز در روایتی آمده است: «مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش ایمن‌اند.» (مستدرک الوسائل، ۲/ ۴۰۳)

## ۲. برکت الهی

قرآن آشکارا می‌فرماید: اگر مردم ایمان آورند و پرهیزگاری کنند، برکات آسمان و زمین بر آنان گشوده می‌شود (اعراف / ۹۶)

## ۳. همیاری و همدردی

از وظایف دینی مؤمنان است که به یاری یکدیگر بشتابند و به آنچه در جامعه اسلامی می‌گذرد، حساسیت نشان دهند؛ چنان‌که در روایتی از پیامبر اسلام ﷺ پرداختن به امور مسلمانان، شرط مسلمانی دانسته شده است. همچنین در برخی روایات آمده است که آن مسلمانی بهتر است که نفع او برای مردم بیشتر است (مستدرک الوسائل، ۲/ ۴۰۳؛ غرر الحکم و درر الکلم، ۱/ ۳۹۰)

## ۴. برادری و محبت

ایمان مایه برادری و محبت مؤمنان است. این حقیقت را قرآن آشکار بیان می‌فرماید: «مؤمنان، برادر یکدیگرند.» (حجرات / ۱۰)

## ۵. خلافت و حکومت الهی

از وعده‌های الهی به مؤمنان، حکومت یافتن در زمین است و شایسته گشتن برای خلافت الهی (نور / ۵۷)

## ج) دستاوردهای اخروی

### ۱. آموزش

آیاتی پرشمار از قرآن کریم بیان می‌فرمایند که خداوند گناهان مؤمنان را می‌آمرزد (از جمله: انفال / ۷۴)

## ۲. پاداش الهی

ایمان، انسان را شایسته پاداش الهی می‌کند و او را از نعمت‌های اخروی بهره‌مند می‌سازد (بقره / ۲۷۷)

## ۳. جاودانگی در بهشت

آرزوی انسان جاودانگی است؛ اما آن جاودانگی که همراه سعادت و آسایش و راحتی باشد. قرآن کریم بارها فرموده است که ایمان مایه جاودانگی در بهشت است (به عنوان نمونه: مائده / ۶۵)

## ۴. روزی نیکو

قرآن می‌فرماید: «آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و به راه خدا به جهاد برخاستند و... روزی نیکو از آنان است.» (انفال / ۷۴)

## ۵. لذت پیوسته

قرآن می‌فرماید: «ای پیامبر ما! به آنان که ایمان آورده و اعمال شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که برایشان باغ‌هایی است که در آن‌ها نهرها جاری است. هر گاه از میوه‌های آن روزی خورند، گویند: پیش از این در دنیا، از چنین میوه‌هایی برخوردار شده بودیم، که این میوه‌ها شبیه به یکدیگرند. و نیز در آن جا همسرانی پاکیزه دارند و در آن جا جاودانه باشند.» (بقره / ۲۵)

در روایات هم آثار ایمان آمده است از جمله روایتی از امام صادق علیه السلام که سکینه و آرامش را همان ایمان می‌دانند. (حویزی، ج ۵، ص ۵۸)

## دو) علم و آگاهی

«علم؛ عامل عزت، قدرت و امنیت ملت است» (<https://farsi.khamenei.ir/speech->)

،content?id=3399، ۸۶/۶/۱۲، بیانات در دیدار نخبگان جوان

«کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزت، استقلال، هویت و شخصیت، امنیت و رفاه داشته باشد». (همان) رهبری، نقش علم را حتی در ساده‌ترین امور زندگی، مثل آرایش و پوشش نیز پررنگ قلمداد می‌کنند: «من می‌خواهم بگویم اگر شما موی سرتان را می‌خواهید آرایش کنید، لباس بپوشید، سبک راه رفتن را تغییر دهید، بکنید؛ اما خود انجام دهید؛ از دیگران یاد نگیرید» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3243>، ۱۳۸۳ / ۴ / ۱۷، بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های همدان)

حضرت در بیانیه دوم انقلاب از اولین توصیه شان بحث علم و پژوهش بوده است. ایشان می‌فرمایند: دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است.

دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار، سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکدانه نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دوپست کشور جهان رسانید و مایه شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه و همه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.

اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان این است که این راه را با احساس مسولیت بیشتر و همچون یک جهاد درپیش گیرید. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

در نگاهی به آیات الهی در می‌یابیم که ارزش علم و آگاهی در قرآن کریم بسیار بالاست چنان که هدف از نزول آیات الهی را تعقل و اندیشه مردم ذکر می‌کند و با تعبیر به «لعل» که در این‌گونه موارد که برای بیان هدف است این حقیقت را آشکار می‌سازد.

بعضی دیگر از آیات قرآن، مطلب را از این فراتر برده و با لحن سرزنش باری مردم را به خاطر عدم تفکر و تعقل، مورد مؤاخذه قرار داده، می‌گوید: «افلا تعقلون». (آل عمران، ۶۵، انعام ۳۲، یونس ۱۶، هود ۵۱، یوسف ۱۰۹، انبیا ۱۰ و ۶۷، مؤمنون ۸۰، قصص ۶۰، صفات ۱۳۸).

و در آیات دیگری، همین معنا را به صورت جمله شرطیه ذکر کرده، می‌فرماید: «قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»؛ ما آیات را برای شما تبیین کردیم اگر تعقل کنید». (آل عمران، ۱۱۸).

این سه تعبیر مختلف (لعلکم تعقلون - افلا تعقلون - ان کنتم تعقلون) به وضوح این حقیقت را روشن می‌سازد، که خداوند، نیروی تعقل را در اختیار انسان نهاده که برای درک واقعیت‌ها از آن استفاده کند، و اگر نکند در خور ملامت و توبیخ است.

در روایات نیز اشاره زیادی به ارزش علم آگاهی شده است از جمله: خصال مرحوم صدوق از پدرش... از امام ششم که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود ارزش علم و دانش در نزد خدا بیشتر از ارزش عبادت است و بهترین و با ارزش‌ترین دین دارای ورع و پرهیزگاری است.

(مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۱۰)

### سه) پرهیز از تقلید

رهبر معظم انقلاب یکی از برکات انقلاب را در بیانیه گام دوم، پایان دادن به یک انحطاط طولانی که عقب ماندگی و تحقیر بود، و تبدیل آن به قرار گرفتن کشور در مسیر رشد و وارد کردن جوانان به عرصه مدیریت و خودباوری و انتقال روحیه ما میتوانیم دانسته‌اند. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲،

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های رهبری، تلاش برای ساختن نسلی است که از تقلید کورکورانه دور باشند

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>، ۲۳ / ۷ / ۱۳۹۱، بیانات

در دیدار جوانان)

«تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ ... فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم و نابودکننده فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجایی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند»

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6934>، ۲۸ / ۲ / ۱۳۸۸، بیانات در

دیدار مردم بیجار)

از دیدگاه رهبری اگر انسان از بند تقلید رهایی یابد، عنصری می‌شود که مثل یک ستون، سقف مدنیت کشور و تمدن حقیقی ملت بر روی آن قرار می‌گیرد.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3064>، ۱۲ / ۲ / ۱۳۸۰، بیانات در

دیدار جوانان و فرهنگیان رشت)

قرآن نیز برای هویت بخشی به انسان‌ها آیات فراوان دارد از جمله:

۱. معرفی خداوند بعنوان، خدای علیم حکیم قادر رثوف. مانند آیه ۹ سوره نمل و آیات

دیگر

۲. بیان این که راهنما پیامبر و امامان معصوم هستند. مانند سوره ابراهیم آیه ۱ یا سوره نساء آیه ۵۹.

### ۳. اعلام آن که قانون، وحی آسمانی است

اگر انسان قرآنی را با انسانی که مکتب‌های غیرالهی ترسیم کرده‌اند، در دو تابلو روبروی هم قرار بدهیم، به هویت انسان در اسلام و بی‌هویتی در مکتب‌های دیگر پی می‌بریم. بنابراین تقلید از بیگانگان سرانجامی جز پوچی و انحراف ندارد. در بسیاری از آیات نیز قرآن کریم انسان‌ها را از تقلید ناپسند نهی کرده است. از جمله: عدم پیروی از نیکان در آیه ۱۷۰ سوره بقره «تَبِعْ مَا الْفِئْتَانَا عَلَيْهِ ابْتِغَاءً...». پیروی ضعیفان از مستکبران: «فَقَالَ الضَّعُفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا» (سوره ابراهیم، ۲۱)

پیروی از بزرگان گمراه: «إِنَّا اطَّعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَاضْلُوا» (سوره احزاب، ۶۷) در روایات نیز تقلید و پیروی ناپسند مذمت شده است چنان که امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از اصحاب خود می‌فرماید: هرگز هم‌رنگ جماعت نباش که بگویی: من تابع مردم هستم و من هم مثل بقیه مردم. (ابن بابویه، ج ۱، ۱۴۰۳، ص ۲۶۶)

### چهار) توجه به نماد دینی

نمادها نوعی علامت است که بر اساس یک اندیشه یا احساس، ظهور و در فضای رفتاری، تأثیر خاصی ایجاد می‌کند. در اصل، نمادها که هویت بصری دارند، ابزار ارتباط ذهنی می‌شوند و به مرور، انفکاک و جداسازی فرد از نماد مشکل می‌شود. نمادها می‌توانند به مرور زمان بر اثر توجه، انسان را به سوی فضای مثبت یا منفی سوق دهند و این مطلب در حوزه دین به فراوانی یافت می‌شود. از دیدگاه رهبری، در حوزه دینی، شعائر چنین فرایندی را در انسان ایجاد می‌کنند. دقت در رعایت شعائر و احترام و التزام به آن‌ها، نشان از اثری است که فراتر از فضای مادی است. «مطلقاً نباید نشانه‌های اسلامی را تضعیف کرد.

بعضی‌ها به اسم این‌که ما اهل ریا نیستیم و نمی‌خواهیم تظاهر کنیم، شعائر اسلامی، علامت‌های اسلامی، رفتار اسلامی و پرچم‌های اسلامی را از زندگی خودشان و مردم جمع می‌کنند. بنده مطلقاً این را توصیه نمی‌کنم» (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3304، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت)

خداوند در قرآن کریم نیز درباره شعایر می‌فرماید: ﴿مَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (سوره حج، آیه ۳۲) شعائر جمع "شعیره" است، و شعیره به معنای علامت است، و شعائر خدا علامتهایی است که خداوند آن‌ها را برای اطاعتش نصب فرموده، هم چنان‌که خودش فرمود: ﴿إِنَّ الصَّفاَ وَالْمَرْوََةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ (سوره بقره، آیه ۱۵۸) ﴿فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ یعنی تعظیم شعائر الهی از تقوا است. (طباطبائی، ج ۱۴، ۱۳۷۴ ص: ۵۲۸)

### پنج) توجه به ارزشهای فرهنگی تاریخی:

در بیانیه گام دوم انقلاب، رهبر معظم درباره شناخت و اهمیت توجه به گذشته تاریخی چنین می‌فرمایند: برای برداشتن گامهای استوار در آینده باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت. اگر از این راهبرد غفلت شود دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهند گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌های قوی تحریف درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند. (بیانیه گام دوم انقلاب https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

ایشان هویت ملی را که از تاریخ و فرهنگ هر کشور نشئت می‌گیرد، اساس همه پیشرفت‌ها می‌دانند: «اساس تحول باید بر ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی قرار داده شود، که آرمان‌های اساسی و اصولی، مهم‌ترین آنهاست.... اگر یک کشوری همه پیشرفت‌ها را داشت، اما.. از گذشته و تاریخ خود هیچ بهره‌ای نداشت و نبرده بود، این کشور مطلقاً پیشرفت نخواهد کرد؛ زیرا هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است.» (https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)



[//farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3362](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3362)، ۱۸ / ۸ / ۱۳۸۵، بیانات در دیدار

دانشگاهیان سمنان)

قرآن کریم نیز در آیات بسیاری به جهت بهره تربیتی به بیان تاریخ گذشته پرداخته است و برای هدایت قلوب، دعوت به واقع گرایی تاریخی و روی گرداندن از افسانه گرایی است.

﴿من کفر فعليه کفره ومن عمل صالحا فلانفسهم يمهدون﴾ (سوره روم، آیه ۴۲)

در احادیث نیز توجه با تاریخ و ارزشهای گذشته بیان شده است؛ از جمله امیرالمومنین در نامه خود به فرزندشان امام حسن ع می فرمایند: برای امور واقع نشده به آنچه واقع شده است استدلال نما و با مطالعه قضایای تحقق یافته حوادث یافت نشده را پیش بینی کن (نهج البلاغه، نامه ۴۶۷)

### شش) الگوگیری از اهل بیت

یکی از مهم ترین مؤلفه های سبک زندگی اسلامی، بازخوانی سبک زندگی پیشوایان و انبیای الهی است. مقام رهبری می فرماید: «خدای متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله تبعیت کنیم.... جامعه اسلامی ما آن وقتی به معنای واقعی کلمه جامعه اسلامی کامل است، که خود را بر رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله منطبق کند»

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2497>، ۵ / ۷ / ۱۳۷۰، خطبه های

نماز جمعه) ایشان حتی در بعد حکومتی نیز بر این باورند که حاکمان باید الگویی داشته باشند و بهترین الگو، حکومت علوی است ([https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3096) content?id=3096، ۱۶ / ۹ / ۱۳۸۰، خطبه های نماز جمعه)

در قرآن کریم نیز خداوند به صراحت پیامبر اکرم ص را الگو معرفی می کند: لقدکان لکم فی رسول الله اسوه حسنه (سوره احزاب، آیه ۲۱)

رفتارهای ظاهری انسان برگرفته از اندیشه اوست بنابراین لازم است انسان عقایدش را از منبع مطمئن به دست آورد تا دچار انحراف نگردد و این راه درست همان اطاعت پیامبر و اهل بیت می باشد. اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم (سوره نساء، آیه ۵۹)

در روایات متعدد نیز به بهره‌گیری از سبک زندگی اهل بیت سفارش شده است از جمله امیرالمومنین ع می‌فرمایند که اهل بیت بهترین الگوی عملی هستند که اطاعت از آن‌ها می‌تواند بشریت را از لجنزار فساد اخلاقی نجات دهد و به بالاترین مقام انسانی نائل گرداند. (جمال خوانساری، ج ۴، ۱۳۶۶، ص ۱۱)

## ۲. مولفه‌های سبک زندگی در حوزه رفتار فردی

یک (لباس و پوشش: در هر جامعه‌ای، نوع و کیفیت لباس زنان و مردان علاوه بر این که تابع شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی است، تابع جهان بینی و ارزش‌های حاکم بر آن جامعه هم می‌باشد. رهبر معظم در بیان اهمیت بحث پوشش می‌فرمایند:

«کشف حجاب، از بین بردن آن حائل و فاصله‌ای است که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است که این برای سلامت زن و سلامت مرد است؛ برای سلامت جامعه است تا همان بلایی که بر سر زن در جوامع غربی آمد، بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورد» ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3419>، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۸۶، بیانات در دیدار مردم قم) «در دنیا، سررشته فرهنگ دست عده‌ای است که آن‌ها چگونگی لباس و پوشش و کیفیت زندگی و... اخلاق و معرفت را برای انسانهای بی‌گناه و بی‌خبر در سرتاسر عالم رقم می‌زنند. اگر ملتی بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی ساخته و پرداخته بیگانگان حفظ کند، این ملت مستقل خواهد بود؛ اما اگر نتواند، این ملت، ملتی وابسته و اسیر است.» ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2230>، ۱۵ / ۹ / ۱۳۶۸، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم)

با نگاهی به قرآن کریم می‌توان یافت که آیات مربوط به موضوع حجاب در دو سوره از قرآن آمده است، یکی سوره نور و دیگر سوره احزاب. در بخشی از آیه ۳۰ سوره نور اشاره می‌کند که زنان باید پوشش داشته باشند و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکارن سازند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان برنیایند. در آیه ۵۹ سوره احزاب نیز به زنان پیامبر و مؤمن دستور پوشش داده شده است برای آن که مورد اذیت قرار نگیرند.

اهمیت پوشش در روایات نیز بیان شده است از جمله از ام سلمه روایتی آمده است که می‌گوید: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم، و می‌مونه هم حاضر بود، که پسر ام مکتوم آمد، و این در موقعی بود که ما را به حجاب امر فرموده بود، به ما فرمود: در پرده شوید، عرضه داشتیم یا رسول الله صلی الله علیه و آله ابن ام مکتوم که نابینا است ما را نمی‌بیند؟ فرمود آیا شما هم نابینا هستید؟ مگر شما او را نمی‌بینید؟ (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۰۳)

## دو) خوراک

مقام رهبری شیوع بیماری‌های بی‌درمان و صعب‌العلاج و شیوع مرگ و میرهای ناگهانی و سکنه را نتیجه دوری از اصول تغذیه اسلامی و سبک زندگی دینی می‌داند. به باور ایشان، بسیاری از انحرافات اخلاقی غیر قابل کنترل نیز می‌تواند حاصل دوری از اصول اساسی تغذیه در مکتب اسلام باشد، که باید هزینه‌های سنگین آن را بپردازیم، درحالی‌که همین هزینه را می‌توان در راه توسعه رفاه عمومی و فرهنگی مصرف کرد. در اقتصاد مقاومتی این نوع نگاه مهم است که برای کاستن از هزینه‌های زاید باید دنبال راهکارهایی بود. یکی از بهترین راهکارها، توجه به اصول تغذیه است. ([https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252)، بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱ / ۷ / ۲۳، content?id=21252)

بحث خوراک و طعام اثر زیادی در زندگی انسان‌ها دارد و خداوند در قرآن کریم به همین امر اشاره کرده است و به انسان دستور می‌دهد به غذای خود نگاه کند و توجه نماید. ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ (سوره عبس، آیه ۲۴)

بعضی معتقدند که در این آیه منظور از نگاه کردن به مواد غذایی این است که انسان هنگامی که بر سر سفره می‌نشیند دقیقاً بنگرد که آن‌ها را از چه راهی تهیه کرده؟ حلال یا حرام؟ مشروع یا نامشروع؟ و به این ترتیب جنبه‌های اخلاقی و تشریحی را مورد توجه قرار دهد.

در بعضی از روایات که از معصومین نقل شده نیز آمده است که منظور از "طعام" در این‌جا "علم و دانشی" است که غذای روح انسان است، باید بنگرد که آن را از چه کسی

گرفته؟ از جمله از امام باقر ع نقل شده که در تفسیر این آیه فرمود: ﴿علمه الذی یاخذه عنم یاخذه﴾ (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۵۸۵)

### سه) تفریح

چگونگی گذراندن اوقات فراغت و نوع تفریح می‌تواند نشانه تفکر فرد و فرهنگ جامعه باشد. رهبر معظم درباره اهمیت بحث تفریح چنین می‌فرمایند: «درس خواندن، پاکدامنی و پرهیز از سرگرمی‌های عاطل و باطل، جزء وظایف جوان‌هاست».

، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3273>، ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۸۳

بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان (ایشان جوانان را از اسراف حتی در این حوزه از زندگی نیز برحذر می‌دارند و می‌فرمایند:

«کسانی هستند که حتی در کارهای تفننی و تفریحی خودشان هم اسراف می‌کنند. مثلاً به خارج از کشور مسافرت می‌کنند. در این کشور به این بزرگی، خیلی‌ها همین تفریح و تفرج را هم نمی‌توانند بکنند. بعضی‌ها تا دستشان به دهانشان می‌رسد، برای تفریح و تفرج خودشان یا خانواده‌هایشان، به فلان کشور خارجی می‌روند. اینها اسراف قطعی و حرام است».

، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2922>، ۴ / ۱۰ / ۱۳۷۷، خطبه‌های نماز جمعه)

مقوله تفریح برای تعالی روح در راستای تعالیم قرآنی و رسیدن به سعادت نهایی از ضروریات مباحث اسلامی است. در آیاتی سیر و سفر مقدمه علم آموزی و عبرت‌اندوزی می‌باشد. (سوره انعام، آیه ۱۱) و در روایتی از پیامبر نیز آمده است: مسافرت کنید تا صحت بیا بید و غنیمت به دست آورید. (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۳۴۵)

### چهار) اصلاح الگوی مصرف

رهبر انقلاب، ضمن تشریح زمینه‌های تغییر و تحول جدی در جامعه و با اشاره به موضوع «اسراف‌های شخصی و عمومی» و مصرف بی‌رویه منابع کشور، مسئولان قوا و مردم را

به برنامه‌ریزی و حرکت در مسیر اصلاح الگوی مصرف دعوت کردند. فهم الگوی مصرف، آسیب‌شناسی و بهینه‌سازی آن، با در نظر گرفتن سبک زندگی طبقات مختلف جامعه میسر می‌شود. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2744>، ۳ / ۱ / ۱۳۷۴، سخنرانی در حرم رضوی) ایشان اشرافی‌گری و مصرف بی‌رویه را یک بیماری ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3415>، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۸۶، بیانات در دیدار مردم یزد) و دارای تبعات منفی فرهنگی برای کشور می‌دانند ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6082>، ۱ / ۱ / ۱۳۸۸، بیانات در حرم رضوی) و می‌فرمایند: «صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ به معنای ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است». (همان)

در قرآن کریم گاهی اسراف به معنی زیاده‌روی در خوردن و مصرف زیادی در آنچه حلال است، آمده از جمله آیات ۳۱ سوره اعراف، ۶ نساء، ۱۴۱ انعام. راههای برون رفت از مصرف‌گرایی را می‌توان بنابر آیات الهی و روایات این‌گونه بیان کرد:

اول) میانه‌روی و اعتدال در امور زندگی: در برخی آیات اسراف را مذمت کرده و می‌فرماید: خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد. (سوره انعام، آیه ۱۴۱) و یا در آیه‌ای اسراف‌کنندگان را برادر شیطان خوانده است. (سوره اسراء، آیه ۳۷) و در آیه‌ای میانه‌روی را الگوی مصرف و عامل پایداری خانواده و جامعه معرفی می‌نماید. (سوره فرقان، آیه ۶۷)

دوم) قناعت و صرفه‌جویی: قناعت رضایت به کم و حسن تدبیر معاش است. دین اسلام علاوه بر ترغیب بر کسب رزق و روزی و تلاش کردن، از طرفی در قرآن کریم فرموده است رزق مخلوقات برعهده خداوند است. (سوره ذاریات، آیه ۵۸) برای این‌که انسان به کسب حلال خود راضی شود و دچار حرص و آزنشود. حضرت علی ع نیز در نهج البلاغه می‌فرمایند: روزی شما را خداوند مقدر کرده و شما مامور به عمل هستید. (امیرالمؤمنین علی علیه السلام، خطبه ۱۱۴)

سوم) شناخت شیوه‌های صحیح مصرف: در دعای ۳۰ صحیفه سجاده، امام سجاده ع

از خداوند در خواست دارند راههای صحیح مصرف رو اندازه گیری در معیشت را به ایشان تعلیم نمایند. (امام سجاده، دعای ۳۰)

چهارم) توجه عملی به نمونه های عینی از الگوی مصرف: ائمه معصومین بهترین الگوی مصرف هستند. چنانچه در روایتی آمده است روزی یکی از اصحاب امام صادق ع برایشان وارد شده و بر پینه گریبان حضرت چشم اندوختند و حضرت در برابر او فرمودند: آن کتاب را بردار و بخوان. آن مرد دید نوشته است: ایمان ندارد کسی که حیا ندارد و از ثروت بی بهره است کسی که در معاش خود تقدیر و اندازه ندارد و نو ندارد کسی که کهنه ندارد. (قمی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۷)

### ۳. مولفه های سبک زندگی دینی در حوزه خانواده

اهمیت و تقدس خانواده در اسلام از تأکیدهایی که در روایات بر تشکیل خانواده وارد شده، قابل اثبات است. در این حوزه نیز مؤلفه هایی چند مورد توجه رهبری است. یک ازدواج: در مسئله ازدواج، امر نخست، سن ازدواج است. رهبر انقلاب در این زمینه می فرمایند:

«سنین ازدواج، نه به آن شوری شور باید باشد که بعضی ها فکر کردند باید در سنین کاملاً جوانی زودرس باشد...، نه هم به آن بی نمکی که غربی ها انجام می دهند و در سن سی، چهل سالگی ازدواج می کنند» (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2884، ۷ / ۲ / ۱۳۷۷، بیانات در دیدار جوانان). مسئله دوم، سهولت ازدواج است. ازدواج باید امری آسان باشد، نه امری دشوار، پرهزینه و خارق العاده. (بیانات در دیدار جوانان https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2884) امر سوم، لزوم حذف برخی از قید و بندهای باطل در ازدواج است: «اگر ما کاری کنیم که عقد و ازدواج ما از آن چیزهایی که اسلام ازاله کرده، دور و پاک باشد و به آن سنت هایی که اسلام بنیانگذاری کرده است، آراسته و مزین باشد، عقد و ازدواج ما اسلامی خواهد شد و عقد بر اساس رضای پیامبر اسلام ﷺ و رهبر عظیم الشان بشریت خواهد شد». (خطبه عقد، ۲۲ / ۱ / ۱۳۷۴)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21438>

«بهترین دخترهای عالم، حضرت زهرا (س) بود. بهترین پسرهای عالم و بهترین دامادها هم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود.... آنهایی که هم از لحاظ معنوی و الهی آن مقامات را داشتند، هم بزرگان زمان خودشان بودند، ببینید چطوری ازدواج کردند؟... همان زمان هم جاهلانی بودند که مهریه دخترانشان بسیار زیاد بود؛ مثلاً هزار شتر. آیا اینها از دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بالاتر بودند؟ از دختر پیامبر صلی الله علیه و آله تقلید کنید» (خطبه عقد، ۱۷ / ۲ / ۱۳۷۵ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21438>). ایشان در تبیین معیارهای یک ازدواج خوب می‌فرمایند: «بعضی خیال می‌کنند که تشریفات و توی هتل چنین و چنان رفتن، سالن‌های گران گرفتن، خرج‌های زیادی کردن، عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر را زیاد می‌کند. نخیر؛ عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر به انسانیت و تقوا و پاکدامنی و بلندنظری آنهاست» (خطبه عقد، ۱۸ / ۹ / ۱۳۷۵ [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21438) content?id=21438) ایشان درباره لزوم حذف برخی از تشریفات مضر از مسیر ازدواج جوانان می‌فرمایند: «از بعضی‌ها وقتی می‌پرسیم که شما چرا برای دو نفری که می‌خواهند زندگی بکنند، بازار را می‌خواهید خالی کنید که جهیزیه برای خودتان درست کنید؟ می‌گویند: خب ما داریم. چون داریم می‌خواهیم بکنیم. آیا این استدلال کافی است؟ این استدلال غلطی است. در یک جامعه همه جور انسان زندگی می‌کند. شما باید کاری کنید که آن دختری هم که ندارد، اگر خواست شوهر بکند، بتواند.» (خطبه عقد، ۵ / ۸ / ۱۳۷۵ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21438>)

در قرآن کریم نیز به اهمیت مسئله ازدواج اشاره دارد آنجا که می‌فرماید: ﴿لینفق ذو سعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتیه الله﴾. (سوره طلاق، آیه ۷)

روایت‌های در این زمینه نیز بسیار زیاد است از جمله روایت پیامبر ص که می‌فرماید: هیچ خانه‌ای آبادتر و بافضیلت‌تر از خانه‌ای نیست که با ازدواج آباد شود. (شیخ حرعاملی،

دو) روابط خانوادگی: ایجاد روابط سالم خانوادگی از اهمیت بالایی برخوردار است، این روابط در ارتقای روابط اجتماعی نیز موثر است و رهبر معظم نیز به اهمیت این مسئله اشاره‌های فراوانی داشته‌اند.

مقام رهبری می‌فرمایند: «آن کشورهایی که در آن خانواده دارد ضایع می‌شود، در واقع پایه‌های مدنیت آن‌ها دارد می‌لرزد و نهایتاً فروخواهد ریخت» (خطبه عقد، ۹ / ۱۱ / ۱۳۷۶) آن‌گاه برای رفع این معضل می‌فرمایند: «همت مهمتان باید این باشد که واقعا از کار زن گره‌گشایی کنید؛ یکی از مهم‌ترین گره‌ها در خانواده است». ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2536> ، ۴ / ۱۰ / ۱۳۷۰، بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان) ایشان بر مبنا قرار گرفتن خانواده در همه مسائل کشور تأکید (همان) و به لزوم کیفیت بخشی به حضور زنان در خانواده‌ها اشاره می‌کنند و به زنان توصیه می‌فرمایند که خانواده را فدای شغل‌های اجرایی بیرون از خانه نکنند (همان) ایشان برای حل بحران زن در جهان، دو اقدام ضروری را متذکر می‌شوند: نخست درست فهمیدن جایگاه زن در جامعه و دوم، درست فهمیدن جایگاه خانواده ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12518> ، ۱ / ۳ / ۱۳۹۰، بیانات در دیدار بانوان نخبه)

همسر و خانواده در دیدگاه قرآن کریم دارای جایگاه خاص و ویژه‌ای است و خداوند توجه خاصی بدان داشته و احکام آنرا به خوبی بیان کرده است. از جمله در ارتباط فرزندان با والدین، آن‌ها را به احسان به والدین توصیه می‌کند. ﴿و بالوالدین احسانا﴾ (سوره نساء، آیه ۳۶) و همچنین دستور به احسان به خویشاوندان (سوره بقره، آیه ۲۱۵) و آیات دیگری از این قبیل که توصیه به احسان و مودت و... می‌نماید.

روایات بسیاری نیز به معاشرت نیکو در خانواده اشاره می‌کنند از جمله روایتی از پیامبر ص که می‌فرمایند: بهترین شما کسی است که برای اهل خانه‌اش نیکو باشد و من نیکوترین شما برای خانواده ام هستم. (نراقی، ۱۳۱۲، ج ۲، ص ۱۳۹)



### سه) تعداد فرزندان:

رهبر انقلاب با اشاره به ضرورت کثرت جمعیت می‌فرمایند: «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۶/۵/۱۳۹۰). ایشان با تأکید بر لزوم بازنگری در سیاست‌های جمعیتی می‌فرمایند: «کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود؛ ... یک زمانی را مشخص کردند و به من نشان دادند که در آن زمان، ما از جمعیت فعلی مان کمتر جمعیت خواهیم داشت. اینها چیزهای خطرناکی است؛ در این سیاست تحدید نسل حتماً بایستی تجدیدنظر شود و کار درستی باید انجام بگیرد.» ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16889> ، ۳ / ۵ / ۱۳۹۱، بیانات در دیدار مسئولان نظام)

در قرآن کریم اصل وجود فرزند بعنوان نعمت الهی یاد شده است. «واله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفده.....» (سوره نحل، آیه ۷۲) جهت گیری کلی روایات معصومین به سمت فرزند زیاد داشتن می‌باشد. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: با یکدیگر ازدواج کنید و بر تعدادتان بیفزایید همانا من به تعداد شما مباحثات میکنم. (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۰)

### ۴. مولفه‌های سبک زندگی در حوزه روابط اجتماعی

مقام معظم رهبری، در حوزه فرهنگ زندگی جمعی نیز مؤلفه‌هایی را برای سبک زندگی اسلامی تبیین فرموده‌اند که این مؤلفه‌ها را ذیل دو عنوان انضباط اجتماعی و قانون مداری می‌توان گردآوری نمود.

یک) انضباط اجتماعی: ایشان با اشاره به تأثیر رفتارهای تک تک افراد جامعه در دیگران می‌فرمایند: «آنچه که ما در تحول همراه با پیشرفت، مورد نظرمان است، مبارزه با فقر، تبعیض، بیماری، جهل، ناامنی، بی‌قانونی، مدیریت‌ها را به سطح علمی‌تر ارتقا دادن، انضباط اجتماعی، رشد امنیت و... است» (<https://farsi.khamenei.ir/speech->

content?id=3362، ۱۸ / ۸ / ۱۳۸۵، بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان)

ایشان می‌فرمایند: «باید کسانی که منادی و محافظ مسائل فرهنگی هستند، ... برای دمیدن دو روحیه وجدان کاری و انضباط اجتماعی در مردم برنامه‌ریزی کنند». ( <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2743>، ۱ / ۱ / ۱۳۷۴، پیام نوروزی)

اگر قرآن کریم با رویکرد تحلیل محتوایی کمی بررسی شود، ملاحظه می‌شود ریشه و مشتقات دو واژه «نظم» و «ضبط» هیچ مصداقی در قرآن ندارد و در روایات معصومان علیهم‌السلام که در مجموعه‌های حدیثی گردآوری شده، در مقایسه با دیگر موضوعات کمترین فراوانی را دارند. این رویکرد، برآیند بی‌توجهی منابع دینی به موضوع نظم و انضباط نمی‌باشد. در قرآن کریم واژگانی که از ریشه‌های «سوی»، «وزع»، «صف»، «خلق»، «قدر» گرفته شده‌اند، همگی بار معنایی نظم و انضباط و به تعبیر دیگر، نظم‌پذیری یا نظم‌دهی را در خود جای داده‌اند. عنوان دو سوره شریفه «صف» و «صافات» مربوط به معنای نظم و انضباط است. قرآن کریم با تقسیم کار اجتماعی و تبیین ساز و کارهای وابسته در روابط اجتماعی، برای نهادینه کردن انضباط اجتماعی در میان شهروندان پیشگام است. پیشی نگرفتن بر خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که در قرآن مطرح شده (سوره حجرات، آیه ۱) نحوه سلوک با پیامبر (مانند آیه شریفه نجوا) و سلوک مؤمنان با یکدیگر (همه آیات سوره حجرات) یا با مردم (سوره توبه، آیه ۱۲۲) و مانند اینها همگی برای باز تعریف و استقرار نظم جدید و مطلوب قرآنی است. قرآن با احکام اجتماعی مانند نماز جمعه و جماعت و حج احکام متعددی برای تنظیم نسبت مؤمنان با یکدیگر و برنامه‌ای عملی برای آموزش انضباط اجتماعی به مؤمنان دارد. قرآن با بیان داستان طالوت و نبرد او با جالوت، داستان بنی اسرائیل و داستان جنگ احد نمونه‌هایی حقیقی از پیامدهای بی‌انضباطی را برای مسلمانان روایت می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر، و امور حسبه، ساز و کار همیشگی قرآنی برای جنبه کنترل و مهار کارگزاران انسانی در چارچوب نظم نهادینه شده اجتماعی است. (تاج مزینانی،

این که امیر مؤمنان علی در وصف قرآن می‌فرمایند: «بدانید که در آن علم آینده و سخن از گذشته و دوی درد شما و باعث تنظیم و ساماندهی میان شماست». (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۳) می‌تواند اشارتی باشد بر این معنا که قرآن در باب نظم و انضباط اجتماعی که موضوعی حیاتی است، خود اقدام به تربیت و آموزش کرده و تنها به ذکر قاعده و چارچوب و تفویض مسئولیت به مؤمنان اکتفا نکرده است. افزون بر قرآن، سیره رفتاری و گفتاری معصومان علیهم السلام و اولیای الهی که در این مکتب تربیت شده و رشد یافته‌اند، سرشار از مصادیق رعایت نظم و انضباط فردی و اجتماعی در حوزه مسائل فردی و اجتماعی است که در کتب سیره، نمونه‌های متعددی از آن درج شده است.

پیشوای هفتم، امام کاظم علیه السلام نیز، به پیروان قرآن سفارش می‌کند که زندگی خویش را بر نظم و برنامه‌ریزی دقیق استوار سازند. تلاش کنید که شبانه روز خویش را به چهار بخش تقسیم کنید: بخشی برای مناجات با خدا، بخشی برای گذران زندگی، بخش سوم برای معاشرت با برادران دینی و مورد اطمینانی که عیوب و نارسایی‌ها را به شما نشان دهند و در نهان با شما یکرنگ باشند و بخش چهارم را در خوشی‌های حلال صرف کنید تا برای سه بخش دیگر توان و نیرو بگیرید. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۶)

## دو) قانون مداری

جامعه اسلامی (همانند همه جوامع دیگر) برای حفظ نظم و انسجام نیازمند به قانون است، چرا که آزادی مطلق و بی‌حدومرز انسان موجب اضمحلال جامعه است.

قانون از دیدگاه رهبری، از اغتشاش جلوگیری می‌کند ( ) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3028>، ۱۴ / ۷ / ۱۳۷۹، بیانات در اجتماع مردم قم) قالب عملکرد همگان است ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5703>، ۲۶ / ۹ / ۱۳۸۲، بیانات در دیدار دانشجویان قزوین) و حتی قانون بد، از بی‌قانونی بهتر است ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18496>، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۹۰، بیانات در دیدار مردم قم) قانون، معیار و شاخص عدل است ( ) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18496>

بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه) «توصیه من به همه مسئولان، به همه مراکز قانونگذاری و به همه آحاد ملت، رعایت قانون است. اگر ما قانون را رعایت کنیم، دشمن نمی‌تواند به طمع‌ورزی خود ادامه دهد.» (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3028، ۱۴ / ۷ / ۱۳۷۹، بیانات در اجتماع مردم قم)

اجرای قانون از دیدگاه قرآن جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد. خدا در چند آیه قرآن در مورد قانون صحبت کرده است:

خداوند هدف از فرستادن انبیا را اجرای حق و قانون بیان کرده است.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا﴾ (سوره نسا آیه ۱۰۵) ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم تا به آنچه خداوند به تو آموخته در میان مردم قضاوت کنی و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی.

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (سوره بقره آیه ۲۱۳) در این حال خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می‌کرد با آن‌ها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند داوری کند....

قانون مداری به قدری اهمیت دارد که خداوند در قرآن اطاعت و تسلیم در برابر قانون را شرط تحقق ایمان دانسته است:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (سوره نسا آیه ۶۵) به پروردگارت سوگند که آن‌ها مؤمن نخواهند بود، مگر این‌که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

قرآن کسانی را که اگر قانون به صلاح شان باشد از آن اطاعت می‌کنند و در سایر موارد از

آن سرپیچی می‌کنند به شدت مورد سرزنش قرار می‌دهد:

﴿وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ. وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ﴾ (سوره نور آیات ۴۸ و ۴۹) و هنگامی که از آنان دعوت شود که به سوی خدا و پیامبرش بیایند تا در میانشان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان رویگردان می‌شوند. ولی اگر حق داشته باشند (و داوری به نفع آنان شود) با سرعت و تسلیم به سوی او می‌آیند.

احادیث زیادی در رابطه با قانونمداری وجود دارد که به بخشی از آن اشاره میکنیم:

امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر:

حق را از آن هر که باشد، نزدیک یا دور (خویش یا بیگانه) رعایت و اجرا کن و در این باره، شکیباش و این شکیبایی... بحساب خدا بگذار، هرچند این رفتار با خویشاوندان و اطرافیان باشد و عاقبت آن را با همه دشواری که دارد، چشم دار، که پایان آن پسندیده است و سرانجامش فرخنده. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

امام کاظم علیه السلام: تنها زمین را به وسیله باران زنده نمی‌کند، بلکه مردانی را بر می‌انگیزد که عدالت را زنده کنند، سپس زمین به خاطر احیای عدالت زنده می‌شود. به یقین اجرای یک حد در طریق عدالت سودمندتر است از چهل روز باران در زمین. (بروجردی، ۱۳۸۶، ص ۴۹۷)

## ۵. مولفه‌های سبک زندگی در کسب و کار

یکی دیگر از حوزه‌هایی که در سبک زندگی باید بدان توجه شود، حوزه کسب و کار است. در این حوزه، ایشان بر دو عنصر وجدان کاری و توجه به کار جمعی تأکید فراوان دارند.

### یک) وجدان کاری

رهبر انقلاب از مسئولان می‌خواهد به مسئله ساعات مفید کار توجه و کار را برای مردم به عنوان یک عبادت ترسیم نمایند (<https://farsi.khamenei.ir/speech->)

content?id=16889، ۱۶ / ۵ / ۱۳۹۰، بیانات در دیدار مسئولان نظام). ایشان کار را عمل صالح (بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان، ۱۴ / ۲ / ۱۳۸۷) و وجدان کاری را یک ضرورت قلمداد می‌کند (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2835، ۱۰ / ۲ / ۱۳۷۶، دیدار کارگران و معلمان) و در بیان علائم تحقق وجدان کاری می‌فرماید: «اگر تولید در زمینه اقتصادی زیاد شده باشد؛ کارهای اجتماعی، اداری و اقتصادی، روان‌تر و آسان‌تر شده؛ اجناس مورد استفاده مردم فراوان‌تر باشد، نشانه آن است که وجدان کاری در جامعه ما بیدار شده است». (https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2743، ۱ / ۱ / ۱۳۷۴، پیام نوروزی)

در قرآن مجید آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی را برای انسان بیان کرده است؛ به‌عنوان مثال قبول مسئولیت در قرآن، به بار سنگین تشبیه شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ...﴾ هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد. در این آیه «وزر» به معنی سنگین است و در برخی از تفاسیر به معنای «گناه» و «مسئولیت» نیز آمده است. خداوند در این آیه ما را به این معنا رهنمون می‌شود که بار سنگین مسئولیت را احدی خود انسان بر دوش نمی‌کشد و در روز رستاخیز هر کس مسئول پاسخگویی به اعمال خویش است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱۸، ص ۲۲۴) و ابعاد این پاسخگویی به قدری وسیع است که حتی اعضاء و جوارح انسان را نیز در بر می‌گیرد خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (سوره اسراء، آیه ۳۶) از آن چه نمی‌دانی پیروی نکن؛ چرا که گوش و چشم و دل‌ها همه مسئولند. خداوند در وصف مؤمنان می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ﴾ (سوره انفال، آیه ۲) مؤمنان کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود دل‌هایشان ترسان گردد. «وجل»؛ همان حالت خوف و ترسی است که سرچشمه آن گاهی به خاطر درک مسئولیت‌ها و احتمال عدم قیام به وظایف لازم در برابر خدا می‌باشد که این حالت به‌عنوان یکی از صفات مؤمنان ذکر شده است. (مکارم شیرازی، همان، ج ۷،

ص ۸۶) مسئولیت‌پذیری از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از تفاسیر از امانت الهی، به همان تعهد و قبول مسئولیت یاد شده است و علت این که این امانت عظیم، به انسان سپرده شد این بود که او این قابلیت را داشت و می‌توانست ولایت الهی را پذیرا گردد؛ یعنی در جاده عبودیت و کمال بسوی معبود لایزال سیر کند. (همان، ج ۱۷، ص ۴۰۹)

چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (سوره احزاب، آیه ۷۲) امام علی علیه السلام آن چنان خود را در پیشگاه خدا مسئول می‌داند که حتی درباره آن چه می‌گوید وجود خویش را ضامن قرار داده و می‌فرماید: «دَمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِيئَةً وَ أَنَا بِهِ رَعِيمٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶)

عهد ام در گرو درستی سخنم قرار دارد و نسبت به آن ضامن و پای بندم. و همین احساس مسئولیت بود که ایشان را به قبول خلافت وادار کرد چنان که می‌فرمایند: هان به خدایی که دانه را شکافت و انسان را بوجود آورد. اگر حضور حاضر و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکمبارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت نمایند دهنه شتر خلافت را بر کوهانش می‌انداختم و پایان خلافت را با پیمانانه خالی اولش سیراب می‌کردم آن وقت می‌دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از اخلاط دماغ بز کمتر است. (همان، خطبه ۳) امام علی علیه السلام بارها پیروان خود را به تقوا در قبال مسئولیت‌هایی که بر دوش گرفته‌اند سفارش کرده و حتی آنان را در مقابل زمین و حیوانات نیز مسئول دانسته و می‌فرمایند: اِتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ (همان، خطبه ۱۶۶) از خدا نسبت به بندگان و شهرهایش پروا کنید زیرا دارای مسئولیت هستید حتی نسبت به زمین‌ها و حیوانات و خداوند را اطاعت کنید و از نافرمانی او بپرهیزید..

## دو) توجه به کار جمعی

اسلام، مسلمانان را به تعاون و همکاری فرا می‌خواند (سوره مائده، آیه ۵). کارشناسان علوم اجتماعی بر این باورند که مهم‌ترین عامل توسعه در هر کشوری، ابزار، فناوری و پول

نیست، بلکه نیروی انسانی است که اتحاد و همکاری این نیروها می‌تواند موانع پیشرفت و آبادانی را سریع‌تر و با زحمت کمتری از سر راه بردارد. رهبر انقلاب بی‌توجهی به کار جمعی را یکی از عیوب ملت ایران می‌داند (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8824، ۱۳ / ۱۱ / ۱۳۸۸، بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران) «کار جمعی، تعاون و همکاری با یکدیگر و همت بلند است. کودکان و همچنین جوانان را از آغاز عادت بدهیم که با همت بلند نگاه کنند». (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21153، ۲۰ / ۷ / ۱۳۹۱، بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی)

خداوند در قرآن کریم و مجموعه معارف اسلامی و دینی بر تلاش‌های جمعی و دست در دست هم قرار دادن برای نتیجه بهتر بسیار توصیه فرموده و جماعت را در موارد فراوانی اعم از کارهای اقتصادی و معنوی و علمی مورد تأکید قرار داده است.

یکی از میدانهایی که خداوند بر کار گروهی و جمعی تأکید ورزیده است میدان امر به معروف و نهی از منکر برای اصلاح جامعه و تغییر روند ناتدرست آن به سوی خوبی‌ها و شایستگی‌ها است، چرا که در این عرصه کارهای فردی کمتر می‌تواند پاسخگو باشد، بلکه چنانچه گروهی باشند و با هم یک دست شده و با برنامه منسجم و متحد به صورت هماهنگ به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند و با تداوم در این امر تلاش خود را ادامه دهند، به طور قطع و یقین تاثرگذاری بیشتری خواهد داشت.

قرآن کریم گروه امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک امت یعنی گروهی منسجم با برخوردار از یک رهبری آگاه و با در دست داشتن قانون خوب، معرفی می‌کند.

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾. (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴).

و باید از میان شما، گروهی، مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند.



اتحاد و انسجام در میان ملت و یا ملتها یک امر عقلانی و مورد توجه همه عاقلان جهان می باشد که اسلام نیز بر آن تأکید ورزیده و توصیه های فراوانی را فرموده است و حتی در همه ادیان توحیدی نیز نسبت به اتحاد و پرهیز از تفرقه تأکید شده و عصاره مشترک و پیام واحد در میان همه ادیان نیز دعوت به اتحاد است.

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...﴾ (سوره شوری، آیه ۱۳).

از احکام دین، آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید.

اما این امر در صورتی تحقق می یابد که همه ملت ها و گروه ها بخواهند و اراده جمعی نسبت به آن ایجاد شود و قرآن کریم نیز به همین موضع تصریح می کند و همگان را به این امر دعوت می کند.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾. (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید.....

در روایات نیز به مسئله کارجمعی سفارش شده است. درباره اهمیت کارهای گروهی حتی می توان به موضوع مهم دعا نیز تمسک نمود چرا که در روایات به دعای دسته جمعی و گروهی توجه داده شده و این شیوه را برای اجابت مناسب تر دانسته اند و فرموده اند این گونه دعا کردن به اجابت مقرون تر است.

از جمله روایت پیامبر اسلام که فرمود: هر گاه یک نفر دعا می کند خوب است برای همه دعا کند، چرا که این دعا به اجابت نزدیکتر است (مجلسی، ج ۹۳، ص ۳۱۳)

عبادت نیز یکی از راهکارهای توجه به خداوند و تقرب به سوی اوست که هم قالب های

فردی آن بیان شده و هم قالب‌های جمعی و گروهی آن مورد توصیه و تعریف قرار گرفته است. به طور نمونه موضوع نماز جماعت و نماز جمعه است که با وجود امکانم برگزاری نماز فردی به جماعت بسیار سفارش شده و ثواب آن را نیز فراوان روایت کرده‌اند.

### نتیجه‌گیری

یکی از عوامل مؤثر در تربیت و داشتن خانواده و جامعه سالم و صالح، رعایت سبک زندگی اسلامی می‌باشد. از جمله مواردی که امروزه موجب معضلاتی در خانواده و جامعه شده است، دور شدن از سبک زندگی درست و برگرفته از مبانی و آموزه‌های دینی می‌باشد. مقام معظم رهبری نیز تأکید ویژه دارند بر احیای سبک زندگی اسلامی که متأسفانه دشمن سعی دارد با تبلیغ سبک زندگی غربی آن را از بین ببرد. در این مقاله سبک زندگی اسلامی را در حوزه‌های مختلف فکر و اندیشه، خلیات فردی، خانواده، خلیات اجتماعی و کسب و کار پرداخته شده است. هرکدام از این حوزه‌ها و عوامل مؤثر بر آن‌ها نیز در نگاه رهبری و تاییدات قرآنی و روایی آن را بررسی کرده‌ایم.

از عوامل مؤثر در حوزه فکر و اندیشه، ایمان، علم، پرهیز از تقلید، توجه به نماد دینی و ارزشهای فرهنگی و تاریخی همچنن الگوگیری از اهل بیت می‌باشد. در حوزه خلیات فردی، لباس، خوراک، تفریح و مصرف درست بسیار مؤثر می‌باشد. در حوزه خانواده نیز باید به امر ازدواج، روابط خانوادگی و حد زاد و ولد توجه داشت. در حوزه خلیات اجتماعی، دو امر انضباط اجتماعی و قانونمداری مورد توجه است. در حوزه کسب و کار دو عامل وجدان کاری و کار جمعی بسیار تاثیرگذار است.

## منابع

### قرآن کریم

۱. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جعفری، تهران، ۱۳۸۱، دارالکتب الاسلامیه.
۲. بروجردی، حسین، ترجمه جامع الاحادیث شیعه، تهران، ج ۳، ۱۳۸۶، فرهنگ سبز.
۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، برهان فی تفسیر القرآن، قم، ج ۵، ۱۴۱۵، مؤسسه البعثه.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، ج ۱۱ و ۱۴، ۱۴۰۹، مؤسسه آل البيت.
۵. حویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، قم، ج ۵، ۱۴۱۵، بی جا.
۶. خوانساری، محمد بن حسین، شرح غررالحکم، تهران، ج ۴، ۱۳۶۶، دانشگاه تهران.
۷. سجاد بن علی ع، صحیفه سجادیه، کاظم ارفع، تهران، ۱۳۷۹، نشر تربت.
۸. سیدرضی، نهج البلاغه، محمد دشتی، مشهد، ۱۳۷۹، مؤسسه امیرالمومنین.
۹. صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، ج ۱، ۱۴۰۳، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. من لا یحضره الفقیه، تهران، ج ۵، ۱۳۶۷، نشر صدوق.
۱۱. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی، قم، ج ۱۴، ۱۳۷۴، جامعه مدرسین.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، قم، ۱۴۱۲، حوزه قم.
۱۳. قمی، عباس، منتهی الامال، قم، ج ۲، ۱۴۱۰، هجرت.
۱۴. گیدنز، آنتونی، تجرد و تشخیص، ناصر موفقیان، تهران، ۱۳۸۷، بی جا.

---

## منشور اخلاق فردی - اجتماعی سبک زندگی در گام دوم انقلاب اسلامی با محوریت نامه ۶۹ نهج البلاغه

---

زینب طیبی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

سیده معصومه معنوی<sup>۲</sup>

صفیه گرجی<sup>۳</sup>

### چکیده

سبک زندگی در منظومه فکری مقام معظم رهبری از جمله مسائل مهمی است که تمامی شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد. سبک زندگی نشان دهنده میزان نفوذ یک نظام، فرهنگ و تمدن در متن جامعه است. امام علی علیه السلام در نامه ۶۹ نهج البلاغه خطاب به همدان به روابط فردی اجتماعی اشاره کرده است؛ این در حالی است که بسیاری گمان می‌کنند که در متون دینی درباره سبک زندگی و تعامل با دیگران چیزی گفته نشده است و باید آن‌ها را از کتاب‌های غربی الگوبرداری کرد. این مسئله فاصله‌گیری از اسلام و عبور از خط قرمزهای

---

۱. استاد یار علوم و قرآن حدیث دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Ztayyebi62@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه الزهرا علیها السلام، بندرعباس. s.ahmadi\_t@yahoo.com

۳. طلبة سطح ۲ مدرسه علمیه الزهرا علیها السلام، بندرعباس. s.ahmadi\_t@yahoo.com

دین است. این مقاله به تبیین روابط فردی اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه با تکیه بر نامه ۶۹ پرداخته است و در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که رفتار فردی اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه چیست و مصادیق آن کدام است. روش تحقیق در مقام گردآوری کتابخانه‌ای - اسنادی و در مقام داوری توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که امام علیه السلام در بیان فضایل و رذایل اخلاقی فرقی بین امیر و رعیت قائل نیست. در این کتاب به تمام مسائل اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی پرداخته شده است. از این رو می‌تواند به عنوان الگوی مطلوبی برای آحاد جامعه در هر زمانه‌ای باشد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، اخلاق اجتماعی، اخلاق فردی، نامه ۶۹ نهج البلاغه، گام دوم انقلاب اسلامی.

## مقدمه

سبک زندگی نشان دهنده میزان نفوذ یک نظام، فرهنگ و تمدن در متن جامعه است. همه تمدن‌های بشری و نظام‌های فکری برای حفظ بقای خود، تلاش می‌کنند تا سبک زندگی مشخصی به مردم ارائه دهند؛ زیرا تا اهداف یک نظام به سبک زندگی تبدیل نشود، آرمان‌هایش تحقق پیدا نمی‌کند. از این رو دشمنان انقلاب اسلامی و ملت ایران همواره در تکاپو برای ترویج سبک زندگی غربی در ایران اسلامی بوده‌اند و آسیب‌هایی را نیز وارد آورده‌اند که برطرف کردن این زیان‌ها نیازمند جهادی همه‌جانبه توسط جوانان است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌فرمایند:

«تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است». (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

سبک زندگی ناظر به مسائلی است که متن زندگی انسان را در دنیا شکل می‌دهد. امروز با گسترش وسایل ارتباط جمعی و تبدیل جهان به «دهکده جهانی» سبک زندگی افراد دچار تحول گردیده است؛ عواملی همچون فاصله گرفتن از زمان وحی، تهاجم فرهنگی، ولنگاری فرهنگی و... می‌تواند باعث کم‌رنگ شدن بسیاری از آموزه‌های دینی در شیوه زندگی افراد شود و این سبک زندگی، انسان را از رسیدن به کمال بازمی‌دارد؛ پس برای رسیدن به تعالی لازم است؛ بنابر دستور پیامبر ﷺ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِيَّاهُمَا لَنْ يُفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْصَ» (دیلمی، ۱۴۱۲هـ، ۱۳۱) مبنی بر رجوع به قرآن و سنت، می‌بایست به نهج‌البلاغه که منبعی غنی برای راهنمایی بشر برای رسیدن به کمال و سعادت است، رجوع کرد. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی بوده و به منظور گردآوری داده‌های لازم جهت دستیابی به اهداف پژوهش از نهج‌البلاغه و شرح‌های موجود و کتاب‌های اخلاقی استفاده شده است. در این رابطه (ارفع، سیدکاظم،

۱۳۹۰) کتابی تحت عنوان «حدیث زندگی» نگاشته که در آن به شرح حکمت‌های نهج البلاغه پرداخته است. همچنین در کتاب «راز خوشبختی» (بیستونی، محمد، ۱۳۸۵) نویسنده به عوامل خوشبختی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه اشاره نموده است. در کتابی تحت عنوان «نهج البلاغه موضوعی» به فضایل و رذایل اخلاقی مبنی بر نظر علی علیه السلام پرداخته است (عزیزی، عباس، ۱۳۸۱). پیرامون این موضوع مقالاتی همچون: «تبیین سبک زندگی مؤمنانه بر اساس خطبه ۹۳ نهج البلاغه» (معینی پور، مسعود، ۱۳۹۴) به بررسی شاخصه‌های مؤمنانه در عرصه زندگی عقلانی، اخلاق و رفتاری پرداخته است؛ و همچنین (پور محمد، محسن، ۱۳۹۵) ایشان به بررسی آسیب‌های سبک زندگی اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در مقاله‌ای با همین عنوان پرداخته است؛ ولی تاکنون مقاله‌ای که صرفاً به بررسی مسائل اخلاق فردی اجتماعی در نامه «۶۹» نهج البلاغه باشد یافت نشده یا از چشم نویسندگان پنهان مانده است. این مقاله در راستای منویات مقام معظم رهبری درباره سبک زندگی اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی، به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که: اخلاق فردی اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟ مصادیق اخلاق فردی اجتماعی کدام‌اند؟ در جامعه کنونی اصلاً نیازی به اخلاق اسلامی در سبک زندگی احساس می‌شود یا خیر؟ مفاهیم بیان شده در نامه ۶۹ نهج البلاغه می‌تواند پاسخگوی نیازهای اخلاق فردی اجتماعی باشد؟

برای دریافت درست اندیشه‌های امام علی علیه السلام در مورد سبک زندگی بهتر است ابتدا مفاهیم موضوع مورد بررسی قرار بگیرد.

## الف) مفهوم‌شناسی

### ۱. اخلاق

اخلاق در لغت جمع «خُلُق» است و در عربی به معنای قوا، سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود. (راغب اصفهانی، ص ۱۵۹) و خُلُق همان حالت نفسانی

است که انسان را به انجام کارهایی بدون نیاز به تفکر و اندیشه دعوت می‌کند (مسکویه رازی، ۱۳۷۱، ص ۵۱).

از نظر مفهومی اخلاق، بیان‌گر سرشت‌ها، خصوصیت‌ها و مجموعه صفات روحی و باطنی انسان گفته می‌شود. محور و موضوع علم اخلاق، «انسان» و رفتارها و حالات او است. شناخت فضایل اخلاقی و رذایل اخلاقی نیز، گاهی در قلمرو حالات و رفتار شخصی انسان است، گاهی در ارتباط با دیگران، به نام «اخلاق فردی» و «اخلاق اجتماعی» شناخته می‌شود.

**اخلاق فردی:** یعنی کارهایی که به خود شخص مربوط می‌شود و در انجام آن‌ها اصالتاً رابطه با خدا منظور نیست؛ مانند شکم‌بارگی و شهوت‌رانی.

**اخلاق اجتماعی:** محور اصلی اخلاق اجتماعی ارتباط انسان با دیگران است و بر اساس معاشرت با افراد و زندگی اجتماعی پدید می‌آید. مثل احسان به دیگران، احترام یا توهین به دیگران (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۷۴۱).

## ۲. سبک زندگی

واژه سبک زندگی از کلماتی است که در چند دهه اخیر وارد فرهنگ زبان فارسی شده است؛ در زبان انگلیسی از واژه (Style Life) استفاده می‌شود. در لغت‌نامه وبستر<sup>۱</sup>، واژه «سبک زندگی» به معنای تطابق با معیار و شیوه‌ای برآورده و مناسب توصیف‌شده (سیمپسون، ۱۹۸۹) و در لغت‌نامه آکسفورد<sup>۲</sup> آن را به معنای روش خاصی از زندگی یک شخص یا گروه تعریف شده است (سیمپسون، ۱۹۸۹). در زبان عربی واژه «سبک» از مصدر ثلاثی مجرد، به معنی «گداختن و قالب‌گیری کردن زر و نقره» اخذ شده است (زمخشری، مقدمه الاداب متن، ص ۹۹)؛ اما امروزه از معادل «اسلوب» برای معنای سبک بهره می‌برند.

1. Webster Dictionary

2. Oxford Advanced Learner's Dictionary



در زبان فارسی، این کلمه به معنای مورد نظر تا این اواخر کاربردی نداشته، همچنان که اصل بحث سبک‌شناسی هم مربوط به دوره معاصر است.

سبک زندگی شامل اموری است که به زندگی انسان، اعم از بعد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی مربوط هست؛ اموری نظیر بینش‌ها و گرایش‌ها که ذهنی و درونی هستند و امور بیرونی اعم از اعمال هوشیارانه و نا هوشیارانه، حالات و وضعیت جسمی، فرهنگ، فعالیت‌های اقتصادی، موقعیت‌های اجتماعی و دارایی‌ها که اموری عینی می‌باشند (فعالی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۴).

### ب) مؤلفه‌های سبک زندگی

یکی از راه‌هایی که می‌توان به درک بهتری از مفهوم «سبک زندگی» از نظر اندیشمندان مختلف دست‌یافت، بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی است که ایشان برای سبک زندگی برشمرده و یا در تحقیقات خود از آن‌ها به‌عنوان شاخص بهره‌برده‌اند. در این‌جا منظور از مؤلفه اموری است که مصداق عینی سبک زندگی محسوب می‌شوند. برخی از عناصری که اندیشمندان در آثار خود از آن‌ها یاد کرده‌اند، عبارت‌اند از: شیوه و نوع تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (آرایه‌گری، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل‌ونقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح، الگوی مصرف، نحوه صحبت کردن، نگرش‌ها و الگوهای مربوط به فرهنگ مانند عقلانیت، دین، خانواده، میهن‌پرستی، آموزش، هنر، موسیقی و ورزش، استفاده از فناوری، سلیقه‌های ورزشی، تفاوت‌های دینی و چشم‌اندازهای اخلاقی، ارزش‌های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، روابط زناشویی و تربیت کودک، تحصیلات و سایر مؤلفه‌ها (مهدوی کنی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹ - ۲۳۰). امروزه در جوامع مختلف سبک زندگی‌های گوناگونی بر اساس روش زندگی، عادات، رسوم و گرایش مذهبی تعریف شده و هر یک از این سبک‌ها اصول و قواعد ویژه خود را دارا هستند. به نظر می‌رسد دو موضوع مهم در تعریف سبک زندگی در جوامع مختلف تأثیر بسیار ویژه‌ای دارند که عبارت‌اند از: روش زندگی در بعد مادی آن و جهان‌بینی و ایدئولوژی یعنی نحوه نگرش

انسان به مبدأ و منتهای هستی. بر همین اساس موارد متعددی از انواع سبک زندگی مانند سبک زندگی شرقی، سبک زندگی غربی، سبک زندگی دینی، سبک زندگی مدرن (مدرنیته، مدرنیسم)، سبک زندگی سنتی، سبک زندگی قرآنی، سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی ایرانی - اسلامی و سایر انواع سبک زندگی تعریف شده است (رستمی، ۱۳۹۷، ص ۱۵). در این نوشتار سعی شده است اخلاق فردی اجتماعی در سبک زندگی از دیدگاه نهج البلاغه مورد بررسی قرار گیرد.

## ۱. اخلاق فردی

اولین گام در بحث اخلاق، خودشناسی فردی است. فضائل و رذایل مربوط به سبک زندگی فردی انسان‌ها، فارغ از ارتباط اجتماعی است. هرانسانی نسبت به خود وظایفی دارد. تقویت فضائلی مثل صبر، قناعت و محو رذایلی مانند عُجب و تفکر که در این مجال به آن‌ها پرداخته می‌شود.

### یکم: تفکر و اندیشیدن

انسان موجودی متفکر است و جب از طریق اندیشه‌ورزی قادر به حل مشکلات خویش نیست و تدبیر باعث می‌شود انسان از سطحی‌نگری به ژرف‌اندیشی برسد؛ و با تفکر بتواند به مشکلات فائق آید. فکر فعالیت و تکاپوی ذهنی که به وسیله آن آدمی خود را از آنچه نمی‌داند به آنچه می‌داند می‌رساند. این فعالیت ذهنی به منظور تبدیل مجهول به معلوم و گاه همین‌که مجهولی معلوم شد آن معلوم به دست آمده را مقدمه برای کشف مجهولات قرارداده و به همین شکل معلومات خود را بسط می‌دهد. (رضانیا، ۱۳۹۳، ص ۲۲). همچنین اگر شخص در وادی تفکر قرار بگیرد می‌تواند به شکل احسن خود را از ورطه گناهان نجات دهد؛ زیرا که به عاقبت اعمال می‌اندیشد و خود را در باتلاق گناه غوطه‌ور نمی‌کند.

نهج البلاغه از اندیشه و خیال و عاطفه نشانه‌هایی دارد تا هنگامی که انسان باقی است و

از خیال و عاطفه و اندیشه برخوردار است (خامنه‌ای، ۱۳۷۲، ص ۲۸). کیفیت تفکر به این صوت است که آدمی در هر ساعت از شبانه‌روز ساعتی اخلاق باطنی و ظاهری خود را تفحص کند و احوال دل و جوارح خود را تجسس نماید (نراقی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۳). علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعِلْمُ وَرَأْيَةُ كَرِيمَةٍ، وَ الْأَدَابُ حُلْلٌ مُجَدَّدَةٌ، وَالْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ» (سیدرضی، حکمت ۵) دانش میراثی است شریف. فرهنگ پیشرو، آرایش‌هایی است در حال نوبه نو شدن و اندیشه آینه‌ای است روشن.

ارث درآمدی است که بی‌زحمت حاصل می‌آید دانشی را نیز که انسان از استاد فرامی‌گیرد شبیه ارث است؛ ولی تفسیر اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد. در دومین جمله می‌فرماید: «آداب (انسانی)، لباس زیبا و کهنگی ناپذیر است» منظور از «آداب» فضایل اخلاقی مخصوصاً چیزهایی است که مربوط به روابط اجتماعی هست مانند تواضع، امانت، محبت، خوش رفتاری، فصاحت و بلاغت در بیان.

«حُلْلٌ» جمع «حُلَّة» به معنای لباس زینتی است. «مُجَدَّدَةٌ» به معنای چیزی است کهنه نخواهد شد. بر این پایه، مفهوم کلام امام علیه السلام چنین است که این صفات برجسته انسانی همچون لباس‌های زیبایی است که آدمی در تن می‌کند و هرگز فرسوده نمی‌شود برخلاف لباس‌های ظاهری که هم کهنه می‌شود و هم ممکن است دست سارقان به آن دراز شود و هم جنبه ظاهری دارد و در اعماق وجود انسان تأثیرگذار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵). این چنین است اگر آدمی سبک زندگی که مبنای آن گفتار امام علی باشد را داشته باشد قطعاً به سمت وسوی متعالی سوق داده می‌شود.

## دوم: شکرگزاری نعمت‌ها

شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین خصوصیت‌های یک انسان باایمان هست و از کمالات عالی‌ه هر انسان به شمار می‌آید. انسان با کفران نعمت و در نظر نگرفتن برکاتی که از جانب خدا بر او نازل می‌شود باعث خروج نعمت‌ها از زندگی خود می‌شود. رفتار و سبک زندگی امام همام حضرت علی سرتاسر شکرگزاری به

درگاه خدا بوده است (بردار، ۱۳۹۴، ص ۹۷).

حضرت در اهمیت این موضوع می‌فرماید: «إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النَّعْمِ، فَلَا تُنْفِرُوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳). چون نشانه‌های نعمت پروردگار آشکار شد، با ناسپاسی نعمت‌ها را از خود دور نسازید. امام علیه السلام در این سخن حکمت‌آمیز به نکته دیگری درباره آثار شکر نعمت و آثار کفران بیان می‌کند و می‌فرماید: «هنگامی که مقدمات نعمت‌ها به شما روی می‌آورد دنبال آن را به واسطه کمی شکرگزاری از خود دور نسازید» نعمت‌ها مانند گروه‌های پرندگان است که وقتی تعدادی از آن‌ها بر شاخه درختی نشستند بقیه تدریجاً به دنبال آن‌ها می‌آیند و شاخه‌ها را پر می‌کنند؛ ولی اگر گروه‌ها و صدای ناهنجار و حرکت ناموزونی بشنوند یا ببینند فرار نعمت‌ها غالباً به صورت تدریجی بر انسان وارد می‌شود و وظیفه انسان هوشیار این است که به استقبال نعمت برود و استقبال از آن راهی جز شکرگزاری ندارد. هرگاه با آغاز روی آوردن نعمت به شکر قلبی و زبانی و عملی پردازد ادامه خواهد یافت و تا پایان آن نصیب می‌کند و بقیه هم به دنبال آن‌ها می‌روند و صحنه از وجودشان خالی می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵). همچنین بسیاری از نعمت‌ها به صورت تدریجی زوال می‌پذیرند؛ هرگاه انسان در آغاز زوالش هوشیار باشد و به شکر قلبی و زبانی و عملی پردازد مانع بازگشت و زوال تدریجی آن می‌شود.

این سخن در اصل برگرفته از قرآن مجید است که می‌فرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (نعمت خویش را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی مجازاتم شدید است» (ابراهیم، ۷). قرآن مجید سرگذشت بسیار عبرت‌آموزی از قوم سبأ نقل می‌کند که خداوند نعمت بسیار وافر به آن‌ها داد و فرمود: «كَلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ عَفُورٌ» (سبأ، ۱۵). از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید؛ شهری پاک و پاکیزه در اختیار شماست پروردگاری بس آمرزنده. ولی آن‌ها به کفران پرداختند و سد عظیمی که سبب آبادی کشور آن‌ها شده بود بر اثر سیلاب و عوامل دیگر درهم شکسته و تمام آبادی و باغ‌ها و مزارع ویران شد به گونه‌ای که نتوانستند در آن جا بمانند

و ناچار در اطراف متفرق شدند. قرآن در این جا می‌افزاید: «ذَلِكَ جَزَائِنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَاهْلًا نُجَازِيَهُمْ إِلَّا الْكُفُورَ» (سبأ، ۱۷) این کیفر را بر اثر کفرانشان به آن‌ها دادیم و آیا جز کفران‌کننده را کیفر می‌دهیم» در این جا دو سؤال باقی می‌ماند: نخست این که حقیقت شکر چیست؟ شکر سه مرحله دارد: مرحله قلبی که انسان از نعمت‌های خدا خشنود و راضی و سپاسگزار باشد و مرحله زبانی که آنچه را درون قلب اوست بر زبان جاری سازد؛ ولی از همه مهم‌تر مرحله عملی شکر است و آن به‌طور شفاف این است که از نعمت‌های الهی درست به رهبرداری کند و اهداف این مواهب را در نظرگیرد و به سوی آن اهداف حرکت کند؛ اگر خدا عقلی برای درک نیکو بدی‌ها و داده از این عقل در مسیر شیطنت استفاده کند و اگر او را مشمول موهبت آزادی کرده از این آزادی برای پیشرفت و تکامل بهره‌گیرد نه در مسیر بی‌بندوباری و گناه و فساد همچنین در مورد اعضای بدن که هر کدام موهبتی عظیم است و در مورد مال، ثروت، فرزند و همسر. بسیار اند کسانی که شکر قلبی و زبانی دارند؛ ولی در مرحله شکر عملی مقصرونند. اگر در مفهوم شکر به آن‌گونه که در بالا گفته شد دقت کنیم فلسفه آن نیز روشن می‌شود، زیرا این مواهب مال ما نیست، از سوی دیگری است و آن را برای اهداف خاصی آفریده و اگر در غیر آن اهداف به کار گرفته شود خیانت در آن نعمت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵). در سبک زندگی امیرالمؤمنین کسانی که نعمت‌های الهی را ضایع می‌کنند و در غیر اهداف آن مصرف می‌نمایند در واقعاً اهانتی به ساحت قدس پروردگار کرده‌اند و از این جهت درخور عقوبت هستند.

#### سوم: تلخی‌ها و ناخوشی‌های زندگی

بر اساس تجربیات توانایی حل مسئله و رسیدن به اهداف و تسلط بر رویدادهای زندگی بسیار محدود و ناچیز است در این‌گونه موارد اگر اعتماد و تکیه به خداوند نباشد نمی‌توانیم به تنهایی بر موانع پیروز شویم. صبر و ایثار در یک سبک زندگی ایده آل بسیار مورد توجه قرار دارد؛ و این صفت عظیم روح شخص را تعالی می‌بخشد؛ و عمق ایمان انسان در سختی‌ها و تلخی‌های زندگی آشکار می‌شود. اغلب افرادی که درمانده و ناتوان می‌شوند به این دلیل

است که انعطاف ناپذیرند و برای حل مشکلات فقط از یک راه استفاده می‌کنند و چون این راه حل تأثیر ندارد احساس شکست می‌کنند (خطیب، ۱۳۹۶، ص ۷۴). حضرت امیر برای دعوت به امیدواری و گشایش بعد هر سختی در کلام خود فرموده‌اند: «عِنْدَ تَنَاهِي السِّدَّةِ، تَكُونُ الْفُرْجَةُ؛ وَ عِنْدَ تَضَائِقِ حَلَقِ الْبَلَاءِ، يَكُونُ الرَّخَاءُ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۱). چون سختی‌ها به نهایت رسد، گشایش پدید آید و آن هنگام که حلقه‌های بلاتنگ گردد آسایش فرارسد. این حقیقت برای ما روشن است که عاقبت گرفتاری‌ها راحتی و استراحت است. به همین دلیل انسان هرگز نباید به هنگام هجوم مشکلات و درد و رنج‌ها مأیوس گردد و دست‌به‌کارهای نامعقول بزند و یا زبان به ناشکری بگشاید و بی‌تابی کند، بلکه پیوسته امیدوار باشد که به دنبال این شدت‌ها و تنگی حلقه‌های بلا گشایش حاصل می‌شود، طوفان بلا فرومی‌نشیند و ابرهای نومیدی کنار می‌رود و آفتاب شفاف امید آشکار می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵).

بسیار می‌شود که این سختی‌ها و تنگی حلقه بلاها آزمون الهی و مقدمه‌ای است برای ترفیع مقام انسان. در حالات انبیای الهی نیز این مطلب بسیار دیده می‌شود؛ نمونه روشن آن زندگی ایوب علیه السلام است. این پیامبر دارای همه امکانات، زن، فرزند و زندگی مناسب بود؛ اما خدا در آزمونی سخت یکی را پس از دیگری از او گرفت و او همچنان صبر کرد. سرانجام دست به دعا برداشت و از پیشگاه پروردگار تقاضای گشایش کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵).

بی‌شک این کلام حکمت‌آمیز پیام‌های متعددی دارد: از یک سو پیام امید به همراه خود دارد و از سوی دیگر جلوی بی‌تابی‌ها و جزع را می‌گیرد و از سوی سوم به رهروان راه حق نوید می‌دهد که اگر صبر و استقامت پیشه کنند و با مشکلات به مبارزه برخیزند سرانجام امداد الهی و فرج بعد از شدت به سراغ آنان خواهد آمد. این نکته را نیز می‌توان از این کلام شریف و از سایر روایات اسلامی استفاده کرد که برطرف شدن مشکلات گاه نیاز به زمان دارد که اگر انسان پیش از رسیدن وقت آن زیاد دست و پا بزند مشکلی بر مشکلات خود می‌افزاید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵)

## چهارم: خشم

خشم حالتی است وقتی بر انسان عارض می‌شود حالات روحی و جسمی‌اش تغییر می‌کند و انسان همچون حیوانی درنده و شیطانی می‌شود. در رابطه با قوه غضب باید گفت: قوه غضب یکی از نیازهای حیاتی انسان است. بدون غضب نمی‌توان از مهلکه رها شد و خطرات را از خود دفع نمود؛ بنابراین ریشه‌کن کردن خشم از وجود آدمی نه ممکن است و نه لازم. تنها وظیفه‌ای که داریم و انجامش ممکن است این است که قدرت وصولتش را در هم بشکنیم تا به فرمان عقل گردن نهد و بیهوده آتش افروزی نکند. درون را دچار آشوب و بیرون را آشفته نسازد و به مرتبه لایق خود یعنی تحت هدایت عقل و شرع آن جا که شعله غضب لازم است بروز کند و در هر جا حلم لازم است خاموش باشد و عقب بنشیند (محمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۲). در سبک زندگی امام از انتقام خبری نیست و امام سفارش می‌نمایند که از انتقام پرهیزید «مَتَى أَشْفِي غَيْظِي إِذَا غَضِبْتُ؟ أَمْ حِينَ أَعْجِزُ عَنِ الْإِنْتِقَامِ، فَيُقَالُ لِي لَوْ صَبَرْتُ؛ أَمْ حِينَ أَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَيُقَالُ لِي لَوْ عَفَوْتُ؟» (نهج البلاغه، حکمت ۱۹۷).

امام علیه السلام در این گفتار حکیمانه‌اش به ترک انتقام و در پیش گرفتن روش صبر و عفو دعوت می‌کند و می‌فرماید: «من کی آتش خشمم را فرو نشانم آیا هنگامی که از انتقام ناتوانم که به من می‌گویند: اگر صبر کنی (تا توانا شوی) بهتر است یا هنگامی که قادر بر انتقامم که به من گفته می‌شود: اگر عفو کنی بهتر است؟» «مَتَى أَشْفِي غَيْظِي إِذَا غَضِبْتُ؟ أَمْ حِينَ أَعْجِزُ عَنِ الْإِنْتِقَامِ فَيُقَالُ لِي لَوْ صَبَرْتُ؟ أَمْ حِينَ أَقْدِرُ عَلَيْهِ فَيُقَالُ لِي: لَوْ عَفَوْتُ» این یک واقعیت است که انسان خشمگین در برابر ظلم و ستمی که بر او می‌رود دو حالت دارد: گاه می‌خواهد انتقام بگیرد؛ اما توان آن را ندارد و چه بسا به پرخاشگری و گفتن سخنان درشت و تهدید شخص ظالم برخیزد و گاه با او گلاویز شود اما هنگامی که ناتوانی خود را می‌بیند عقب‌نشینی می‌کند. در این هنگام همه به او می‌گویند: اگر می‌خواهی انتقام بگیری بگذار توانایی پیدا کنی و این‌گونه که مایه رسوایی و آبروریزی است به میدان دشمنت مرو، بنابراین در چنین حالتی مردم، او را به صبر و شکیبایی دعوت می‌کنند؛ اما اگر توان بر انتقام داشته

باشد و طرف مقابل در برابر ضعیف و ناتوان گردد همین‌که دست به انتقام بلند می‌کند مردم به او می‌گویند: شایسته است عفو کنی که زکات قدرت عفو است. به این ترتیب در هیچ حال، انتقام جویی عاقلانه و صحیح نیست (مانیان، سایت راسخون).

امام علیه السلام با این تعبیر لطیف می‌خواهد مردم را به ترک انتقام فراخواند همان چیزی که آتش‌هایی بر می‌فروزد و گاه سرچشمه جنگ‌های خونین و گسترده و دامنه‌دار می‌شود. البته عفو و گذشت در مورد کسانی است که از عفو سوءاستفاده نکنند و بر جنایات خود نیفزایند. هنگامی که خشمگین می‌شوم چه وقت باید انتقام‌گیرم و خشم خود را فرونشانم، هنگامی که از انتقام گرفتن ناتوانم، به من گفته می‌شود خوب است شکیباً باشی و هنگامی که توان آن را دارم، به من گفته می‌شود خوب است عفو کنی» (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵). گفته شده است که عقل چون آینه صافی است که خشم آن را تیره می‌گرداند، همان‌گونه که آینه با سرکه زنگار می‌گیرد و در آن صورت، تصویر خوبی و بدی در آن پایدار نیست (ابن ابی الحدید، ج ۸، ۱۳۷۵، ص ۴).

### پنجم: عجب و تکبر

عجب به معنای خویش‌تن‌بینی و خودپسندی است. در اخلاق عجب به این معناست که انسان عمل خود را بزرگ بشمرد و فراوان بداند و به سبب آن شادمان شده و باخدای خود ناز و دلالت کند تا آن‌جا که خود را از حد تقصیر بیرون ببیند. خداوند متعال در قرآن کریم نیز با استفاده از تعبیری چون: تزئین عمل، خودستایی، گمان به خوب عمل کردن، از زشتی خصلت عجب برداشته و فرموده است: آیا کسی که عمل بدش (به وسیله هواهای نفسانی خودش و وسوسه‌های شیطان) برایش زیبا نشان داده شد و آن را نیکو می‌پندارند (کهف: ۱۰۴). عجب و کبر همواره محصول امتیازات مادی و ظاهری نیست بلکه گاهی خودخواهی باعث می‌شود که امتیازات معنوی نیز اثرات غرورآفرین خطرناکی به همراه داشته باشد که رهایی از آن بسی دشوار است. این نوع آفت برخلاف سایر مظاهر خودخواهی گریبان‌گیر خواص و صاحبان فضیلت است و در میان طبقه عالم کمتر مصداق دارد (مؤسسه فرهنگی



هنری قدر ولایت، ۱۳۹۳، ص ۴۸۶). «سَيِّئَةٌ تَسُوءُكَ، خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ» (سید رضی، حکمت ۴۶). گناهی که تو را زشت نماید نزد خدا بهتر است از کار نیکی که پسندت آید.

امام علیه السلام در مورد بلای عجب در سخنی کوتاه و پرمحتوا به چنین نکات مهمی اشاره می‌فرمایند؛ که در سبک زندگی انسان و رسیدن به سوی خدا بسیار تأثیرگذار است: «کار بدی که تو را ناراحت و (پشیمان) می‌سازد نزد خدا بهتر است از کار نیکی که تو را مغرور می‌کند»؛ مقصود امام از بدی و گناهی که تو را غمگین سازد، عملی مانند گناهی است که از انسان سر می‌زند، در نتیجه او پشیمان شده و نسبت به انجام آن کار غمگین می‌شود و مقصود از عمل نیک که انسان را به خودبینی وادارد، امثال نماز و یا صدقه‌ای است که بدان وسیله خودبینی و غرور حاصل می‌شود؛ اما این‌که چنان گناه و بدی در نزد خدا بهتر از این نیکی است، از آن رو است که پشیمانی که به دنبال بدی می‌آید گناه را از بین می‌برد، در صورتی که آن خوبی که در پی آن خودخواهی است با نابودسازی و محو کردن نیکی دارای اثر بد و پستی است که صفحه دل را سیاه می‌سازد؛ بنابراین آن بدی سهل‌تر و در نزد خدا بهتر است. (ابن میثم، ۱۳۷۵) قطعاً عجب و تکبر در یک سبک زندگی روشمند و اصولی جایگاهی ندارد و عجب و تکبر مورد نکوهش امام قرار دارد.

### ششم: قناعت

قناعت از ماده قنع، به معنای راضی و خرسند به آنچه به او داده‌اند، بدون سؤال (غیاثی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۳). کسی می‌تواند قانع باشد که به آنچه موجود است راضی باشد هنگامی انسان از چیزی راضی می‌شود که آن را کافی بداند. کفایت شرط رضایت است. یکی از عوامل این پدیده، مقایسه صعودی است. مقایسه صعودی ناکافی بودن را به همراه می‌آورد، چون موجب ناچیز شماری داشته‌ها می‌گردد؛ اما مقایسه نزولی، منجر به احساس کافی بودن می‌شود چون داشته‌های زندگی را نمایان می‌سازد. ثمره مقایسه نزولی نشان دادن کفایت روزی است وقتی کفایت روزی خدا آشکار شد، انسان به هرچه هست راضی می‌شود

و بدین سان، قناعت شکل می‌گیرد. قناعت بسنده کردن به آنچه هست و راه رسیدن به آن مقایسه نزولی است. (پسنیدیه، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵ - ۱۳۴).

امام علیه السلام در اهمیت قناعت در سبک زندگی فرموده‌اند: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ». قناعت ثروتی است که از میان نرود. (نهج البلاغه، حکمت ۵۷). «گنج پایان‌ناپذیر» امام علیه السلام در این جمله کوتاه و حکیمانه به نکته مهمی درباره قناعت اشاره کرده، می‌فرماید: «قناعت ثروتی است پایان‌ناپذیر» مال و ثروت، مهم‌ترین وسیله برای زندگی مادی است که انسان به کمک آن به تمام خواسته‌های ضروری و رفاهی خود می‌رسد و حتی وسیله‌ای است برای رسیدن هوس‌بازان به هوس‌هایشان؛ اما این مال و ثروت هر قدر زیاد باشد بازهم پایان‌پذیر است به همین دلیل بسیار دیده‌شده جوانانی که از پدرانشان مال و ثروت هنگفتی به ارث می‌برند ولی بعد از مدتی همه آن را در راه شهوات و عیش و نوش و شراب و قمار و مانند آن تلف کرده و به روز فلاکت باری گرفتار می‌شوند و حتی اگر انسان ثروتش را در راه‌های غلط مصرف نکند؛ اما زندگی را بسیار مرفه سازد اموال رو به فنا می‌روند. در این جا امام علیه السلام ما را متوجه یک سرمایه معنوی، درونی و ذاتی می‌کند که هرگز پایان نمی‌گیرد و آن، روح قناعت است. افراد قانع زندگی ساده و بی‌تکلف خود را به راحتی می‌توانند تأمین کنند و معمولاً تهی دست نخواهند شد؛ زیرا اداره کردن یک زندگی ساده با یک کسب‌وکار ساده نیز امکان‌پذیر است در حالی که زندگی‌های پر زرق و برق روز به روز گسترده‌تر و پرهزینه‌تر می‌شود و حدّ توقفی ندارد و به همین دلیل حریصانی که به قناعت پشت کرده‌اند هر چه به دست آورند آن‌ها را راضی نمی‌کند اما قانعان همیشه از زندگی خود راضی‌اند. (ابن میثم، ۱۳۷۵).

کسی که به هرآن چه خداوند به او عطا کرده قانع نباشد، همواره حرص و آز دنیا را دارد و چشم‌وهم‌چشمی و در نتیجه ممکن است به خواسته‌های خود نرسد، اینجاست که دچار انواع بیماری‌های روحی و روانی شده و از هدف خود که یک سبک زندگی باکیفیت هست، دور می‌شود.

## ۲. اخلاق اجتماعی

اخلاق اجتماعی آن دسته از اخلاقیات است که تحقق آن‌ها مشروط به وجود دیگران؛ و در ارتباط با آنان است؛ مواردی چون کمک به دیگران، امانت‌داری، تکبر و غرور را می‌توان در زمره اخلاق اجتماعی برشمرد. در نهج البلاغه به موارد فراوانی برمی‌خوریم که امام به فضایل اخلاقی اجتماعی سفارش یا از رذایل اجتماعی نهی کرده است. در این جا به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

### یکم: وفای به عهد و پیمان

یکی از عالی‌ترین فضائل اخلاقی که در سبک زندگی عهد و پیمان است. کلمه وفا در لغت از ریشه «وفی» است. به معنی وفادار بودن به عهد و پیمان الهی و عهد و پیمان با مردم در هر حالی است (راغب اصفهانی، ص ۸۷۸) و (قاموس القرآن، ۱۳۷۱، ص ۲۳۰).

همیت وفای به عهد آن قدر زیاد است به طوری که آن را یکی از شرایط اساسی ایمان می‌داند. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «اعْتَصِمُوا بِالَّذِمِّمْ فِي أَوْتَادِهَا». (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷) میخ‌های عهد و پیمان‌ها را بگیرید (در حفظ و وفای به آن‌ها بکوشید، یا آن‌که شرایط عهد و پیمان را محکم و استوار نمایید، یا با وفادار پیمان بندید نه با کسی که شایسته نیست مانند کفار و منافقین؛ زیرا ایشان به عهد خود وفا نمی‌کنند). از دیدگاه ایشان وفای به عهد، عامل همبستگی و الفت؛ امنیت و سیادت نظام‌ها و حکومت‌ها و بنیاد دین‌داری است. این اصل در سبک زندگی امام فرقی بین مسلمین، بیگانگان و کفار نمی‌گذاشت و همیشه رعایت می‌کردند؛ می‌فرمودند: پیمان‌شکنی و ارج‌نهادن به تعهدات آثاریان بار و مخربی را به دنبال خواهد داشت. (وصالی، ۱۳۸۵، شماره ۱۸) نیز در نامه تاریخی خود به مالک اشتر فرمان می‌دهد که اگر به دشمن خود هم وعده‌ای داده‌ای، باید به پیمان خود وفا کنی؛ می‌فرماید: «وَ إِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عَدُوِّكَ عُقْدَةً أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحُطَّ عَنْكَ بِالْوَفَاءِ وَ أَرَعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ جُنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيتَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعاً مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَسْتُتِ أَرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ»

(زمانی، ۱۳۶۹، نامه ۵۳). اگر بین خود و دشمنت پیمانی بستی و یا تعهد کردی که به او پناه دهی، جامه وفا را بر عهد خود بپوشان و تعهدات خود را محترم بشمار و جان خود را سپر تعهدات خویش قرار ده؛ زیرا مردم، با همه خواسته‌های گوناگون و آرای پراکنده‌ای که دارند، نسبت به هیچ فریضه‌ای از فرایض الهی همچون بزرگ شمردن وفای به پیمان سخت هم‌داستان نیستند. همچنین در خطبه‌های دیگر ضمن ستودن وفا آن را ملازم راستی و صدق می‌داند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الْوَفَاءَ تَوْأَمُ الصِّدْقِ وَ لَا أَعْلَمُ جُتَّةً أَوْفَى مِنْهُ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۱)؛ ای مردم وفا همراه راستی است، که سپری محکمتر و نگه‌دارنده‌تر از آن سراغ ندارم.

یکی از مهم‌ترین آثار و برکات وفای به عهد در سبک زندگی این است که آن را به‌عنوان محکمترین سپر معرفی شده است؛ زیرا اساس زندگی بر تعاون و همکاری و اعتماد متقابل اعضای خانواده با به یکدیگر و پایبندی به قراردادهای و تعهدات فردی و اجتماعی است که اگر پایه‌های آن متزلزل شود چیزی جای آن را نمی‌گیرد. به تعبیر دیگر اگر سرمایه اعتماد وجود داشته باشد، مشکلات زندگی قابل‌تحمل است و اگر اعضا به هم اعتماد نداشته باشند تمام ثروت‌های دنیا هم که باشد برای انسان ارزشی ندارد. در سایه وفای به عهد و پیمان، باران رحمت الهی و مواهب و برکات او بر جوامع بشری سرازیر می‌شود و بلاها برطرف می‌گردد. (مکارم شیرازی، ج ۲، ۱۳۹۵، ص ۴۵۰). پدر و مادری که قول می‌دهند و می‌گویند: من فلان کار را انجام می‌دهم، هنگامی که به و عهد خود وفا نمی‌کند، در واقع دروغ گفته است و آدم پیمان‌شکن را می‌توان آدمی دروغ‌گو و تجاوزکاری به شمار آورد. در قرآن نیز در مورد می‌فرماید: ﴿لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ﴾ (توبه، ۱۰). (این روش آنهاست که) درباره هیچ فرد باایمانی رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی‌کنند؛ و آن‌ها همان تجاوزکاران‌اند. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۲، ص ۱۸).

## دوم: مشورت

در قرآن به اهمیت مشورت بیان شده است. ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ

شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ». (شوری، ۳۸) و آنان که امر خدایشان را اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می دهند و از آنچه روزی آن‌ها کردیم (به فقیران) انفاق می کنند. سبک زندگی باید بر پایه مشورت باشد؛ می بینیم که خداوند می فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ». (شوری، ۳۸) و امورشان در بینشان به مشورت صورت می گیرد. آیت الله مکارم در ذیل این آیه می نویسد: یک انسان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد، نسبت به مسائل مختلف تنها از یک یا چند بعد می نگرد، اما هنگامی که مسائل در شوری مطرح گردد و عقل‌ها و تجارب به کمک هم بشتابند، مسائل کاملاً پخته و کم عیب و نقص می گردد. (مکارم شیرازی، ج ۲، ۱۳۷۳، ص ۴۶۲)

در فرهنگ دینی مشورت به مثابه راهکاری برای جلوگیری از استبداد و لغزش و پشیمانی است. البته مشورتی موجب راهیابی درست و جلوگیری از لغزش و پشیمانی می شود؛ که برای هر امری از مشاورانی مناسب و شایسته بهره جست و از هر کس نمی توان نظرخواهی کرد. با کسانی باید مشورت کرد که آراسته صفاتی چون خداترسی، پروا پیشگی، رازداری، خیرخواهی و شجاعت باشند و از عقل و تجربه کافی برخوردار باشند؛ با اشخاص ترسو، حریص، دروغگو، جاهل، احمق و احساساتی نباید مشورت کرد؛ به عبارتی، مشاور باید دارای این ویژگی هاست؛ نه تابع جنسیت و حزب و گروهی خاصی (پور شافی، ۱۳۹۴).

امام علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر در این باره چنین فرموده است: «وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا، يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعِدُكَ الْفَقْرَ، وَ لَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ، وَ لَا حَرِيصًا، يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْحَبْوِ؛ فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ عَرَائِزُ سَقَى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ». (نهج البلاغه، نامه ۵۳) در مشورت خود سه کس را راه مده: بخیل را، که تو را از بخشندگی منحرف می کند و از فقر می ترساند؛ و ترسو را، که سبب سست شدن تو در کارها می شود؛ و حریص را، که حرص و آز را به ناحق در نظر تو می آراید. همچنین حریص را به مشاورت مگیر، که با ستمگری، حرص را در نظرت زینت می دهد. همه آنچه درباره این اشخاص گفتم به خاطر این است که بخل، ترس و حرص، غرایز و تمایلات مختلفی اند که از بدگمانی

به خدا سرچشمه می‌گیرند. (حکیمی، ج ۱، ۱۳۷۱، ص ۳۲۰).

امیرالمؤمنین علیه السلام حتی در امر سیاست نیز از مردمانش مشورت می‌گرفت و به کارگزاران خود می‌آموخت که چنین کنند. پیشوای آزادگان در نامه‌ای که به سران سپاه خود نوشته: «مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى أَصْحَابِ الْمَسَالِحِ ... أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَنْ لَا أُخْتَجَرَ دُونَكُمْ سِوَايَ إِلَّا فِي حَرْبٍ، وَ لَا أَطْوَى دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ» (نهج البلاغه، نامه ۵۰). از بنده خدا علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان علیه السلام به نیروهای مسلح و نگهدارنده مرزها... حق شما بر من این است که جز اسرار جنگی، هیچ سری را از شما پنهان نسازم و در اموری که پیش می‌آید، جز حکم الهی، بدون مشورت شما کاری انجام نده. امام علی علیه السلام با موضوع حقوق متقابل مردمان و زمامداران را بیان کرده است، نیز فرمود: «فَلَا تَكْفُوا عَن مَقَالَةٍ بِحَقِّ، أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَلٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). پس از گفتن حق یا رأی زدن در عدالت باز نایستید. «لَا مُظَاهَرَةَ أَوْ تُقَى مِنَ الْمُشَاوَرَةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳). هیچ پشتیبانی استوارتر از مشورت کردن نیست.

### سوم: عدالت

سبک زندگی امام علی علیه السلام چنان با عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی عجین بود که کمتر کسی پیدا می‌شود که تا نام عدل را می‌شنود نام آن بزرگوار در ذهنش تداعی نشود. نهج البلاغه اهمیتی فراوانی به سبک زندگی بر محور عدالت قائل است به طوری که بخش عمده‌ای از گفتارها و نوشتارهای امام (علیه السلام) در نهج البلاغه به طور مستقیم یا غیرمستقیم به این موضوع می‌پردازد. (علمی، ۱۳۹۵)

امام علیه السلام فرمود: عدل یعنی انصاف یعنی هرکسی را آنچه حقش هست دادن و بین افراد تبعیض قائل نشدن و احسان؛ یعنی بیش از آنچه را که حق اوست به او بخشیدن مثلاً وقتی خداوند سفارش می‌فرماید: «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء، ۲۳) به پدر و مادر احسان کنید؛ یعنی اضافه بر آنچه حقشان هست که باید بر اساس عدالت با آنها رفتار کنید به آنها بپردازید و رسیدگی کنی. (ارفع، ۱۳۹۰، ص ۳۷۷) امام عدالت را قرار دادن هرچیز جای

خودش می‌داند و آن را برتر احسان برمی‌شمارد «و سُئِلَ ﷺ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ الْعَدْلُ أَوْ الْجُودُ، فَقَالَ ﷺ: الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَ الْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا وَ الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَ الْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَ أَفْضَلُهُمَا». (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) و از آن حضرت سؤال شد: آیا عدالت برتر است یا جود و بخشش؟ آن حضرت ﷺ فرمود: عدالت امور حیات را در جاهای خود قرار می‌دهد و جود و بخشش امور را از جهت خود خارج می‌سازد و ابعاد عاطفی مردم را اشباع می‌کند. عدالت مدیر عام زندگی است. جود پدیده عارضی مخصوصی است. پس در مقایسه این دو باهم عدالت اشرف و برتر است. (جعفری، نرم‌افزار) امام در سبک زندگی‌شان انقدر به رعایت حقوق زیردستان سفارش می‌کند و می‌فرماید: أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ أَدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنَنُ. فَصَلَحَ بِذَلِكَ الرِّمَانُ وَ طُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ بَيِّنَتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ. وَ إِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَالِيَهَا أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِي بِرِعِيَّتِهِ اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ وَ ظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ وَ كَثُرَ الْإِدْغَالُ فِي الدِّينِ وَ تَرَكَّتْ مَحَاجِ السُّنَنِ فَعُمِلَ بِالْهَوَى وَ عَظِلَتِ الْأَحْكَامُ وَ كَثُرَتْ عِلَلُ التُّفُوسِ. فَلَا يَسْتَوْحِشُ لِعَظِيمِ حَقِّ عَظَلٍ وَ لَا لِعَظِيمِ بَاطِلٍ فَعِلَ فَهُنَالِكَ تَدَلُّ الْأَبْرَارُ وَ تَعَزُّ الْأَشْرَارُ وَ تَعْظُمُ تَبِعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ». (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) پس خدای سبحان برخی از حق‌های خود را برای بعضی مردمان واجب داشت، و آن حق‌ها را برابر هم‌نهاد، و واجب شدن حقی را مقابل گزاردن حقی گذاشت و حقی بر کسی واجب نبود مگر حقی که برابر آن است گزارده شود، و بزرگ‌ترین حق‌ها که خدایش واجب کرده است، حق والی بر رعیت است، و حق رعیت بر والی، که خدای سبحان آن را واجب نمود، و حق هر یک را به عهده دیگری واگذار فرمود، و آن را موجب برقراری پیوند آنان کرد، و ارجمندی دین ایشان. پس حال رعیت نیکو نگردد جز آنگاه که والیان نیکورفتار باشند، و والیان نیکورفتار نگردند، جز آنگاه که رعیت درستکار باشند. پس چون رعیت حق والی را بگذارد، و والی حق رعیت را به جای آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار شود، و راه‌های دین پدیدار، و نشانه‌های عدالت برجا، و سنت چنان که باید

اجرا پس کار زمانه آراسته گردد. (دشتی، ۱۳۸۵).

### چهارم: معاشرت نیکو

تمام اولیای الهی سبک زندگی شان بر پایه صفا و صمیمیت، محبت و همدلی بنا شده است و آموزه‌های خود را در رفتارهای اجتماعی، کرامت افراد، محبت، اخلاص و... را به منصفه ظهور می‌رساند. امیر مؤمنان علی علیه السلام، آداب معاشرت با مردم را در رفتار و کلمات ارزشمند خود بیان نموده است. وَ قَالَ علیه السلام: «خَالِطُوا النَّاسَ مُحَاطَةً إِنَّ مِثْمَ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ وَ إِنَّ عِشْتُمْ حَتَّىٰ إِلَيْكُمْ» با مردم آن‌گونه معاشرت کنید، که اگر مرید بر شما اشک ریزند، و اگر زنده مانندید، با اشتیاق سوی شما آیند. (نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۰).

### یک: خوش اخلاقی

خوش اخلاقی یکی دیگر از فضایل اخلاقی است که مولای متقیان علی علیه السلام از آن به حُسن خُلق تعبیر کرده‌اند و بسیار بدان سفارش نموده‌اند. ایشان درباره آثار آن چنین می‌فرمایند: «قَالَ علیه السلام: صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ وَ الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمُوَدَّةِ وَ الْإِحْتِمَالُ قَبْرُ الْعُيُوبِ» (نهج البلاغه، حکمت ۶). سینه عاقل مخزن راز اوست. خوش روئی، دام رفاقت است. از کارهای ناباب دیگران (که قابل سرپوشی است) چشم پوشیدن وسیله‌ای است برای پوشانیدن عیوب جامعه. سازش با مردم موجب پنهان شدن عیوب است. در این جا مقصود این است که گشاده‌رویی با مردم باعث به دست آوردن دل‌های آن‌ها و کسب محبتشان می‌شود. (زمانی، نرم‌افزار بلاغه)

همچنین یکی از وصایای ایشان به فرزندشان امام حسن علیه السلام، ایشان را به داشتن وجدان اخلاقی نسبت به دیگران سفارش می‌نماید. «وَلَا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقَكَ صَدِيقًا فَتُعَادِيَ صَدِيقَكَ، وَلَا تَوْلَا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقَكَ صَدِيقًا فَتُعَادِيَ صَدِيقَكَ، وَلَا تَعْمَلْ بِالْحَدِيعَةِ فَإِنَّهُ خُلِقَ لَيْمًا، وَ الْمُحْضُ أَخَاكَ النَّصِيحَةَ حَسَنَةً كَانَتْ أَوْ قَبِيحَةً، وَ سَاعِدُهُ عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ، وَ زَلَّ مَعَهُ حَيْثُ زَالَ، وَ لَا تَطْلُبَنَّ مُجَازَاةَ أَخِيكَ وَإِنْ حَتَّىٰ التَّرَابِ بِفِيكَ وَ حُذِّ عَلَىٰ عَدُوِّكَ بِالْفَضْلِ فَإِنَّهُ آخَرَىٰ



لِلظَّفَرِ، وَتَسْلِمِ مِنَ الدُّنْيَا [النَّاسِ] بِحُسْنِ الْخُلُقِ وَتَجَرُّعِ الْعَيْظِ، فَإِنِّي لَمْ آرْ جُرْعَةً أَحَلَى مِنْهَا عَاقِبَةً وَلَا أَلَذَّ مِنْهَا مَعَبَّةً وَلَا تَضْرِمُ أَحَاكَ عَلَى اِزْتِيَابٍ وَلَا تَقْطَعُهُ دُونَ اسْتِعْتَابٍ وَ لِنِ لِنِ غَالِظِكَ فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَلِينَنَّ لَكَ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). دشمن دوستت را به دوستی مگیر، که با دوستت دشمنی کرده‌ای و فریب‌کاری مکن که خوی لثیمان است. در پند و اندرز که به بردارت می‌دهی. نیک یا زشت. با اخلاص و بی‌غرض باش. در هر حال یاور او و هر کجا رفت همراه او باش. خواهان کیفر و مجازاتش مباش؛ هر چند خاک به دهانت بیاشد. با دشمن خود به احسان رفتار کن که برای پیروزی، عفو مؤثرتر است و با اخلاق پسندیده، خود را از دنیا (مردم) مصون نگهدار. خشم خود را اندک‌اندک بیاشام چه من جرعه‌ای که سرانجامش شیرین‌تر از این باشد، ننوشیدم و پایانی گوارتر از آن ندیدم. به مجرد تردید و شک، از برادرت مبر و بدون دلجویی از او مگسل و با کسی که با تو درشتی می‌کند نرمی کن چه بسا که به زودی با تو نرمی کند. (جعفری، ۱۳۸۰، نامه ۳۱).

### دو: برقراری روابط دوستانه با افراد خانواده

یکی از مسائل مهمی در سبک زندگی ارتباط با دیگران و برقراری پیوند دوستی با یکدیگر است؛ خداوند در درباره رفتار با زنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹). ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آن‌ها،) ارث ببرید و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را (به عنوان مهر) به آن‌ها داده‌اید، تملک کنید! مگر این‌که آن‌ها عمل زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، به طور شایسته رفتار کنید. و اگر از آن‌ها، (به جهتی) کراهت داشتید، (فورا) تصمیم به جدایی نگیرید. چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۸۰). با زنان به شایستگی رفتار کنید و اگر به جهتی از آن‌ها خوششان نمی‌آید، چه بسا چیزهایی که ناپسند شماست، درحالی‌که خداوند در آن، خیر فراوانی برای

شما قرار داده است. امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: خودت را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه برای خود دوست می‌داری، برای دیگران هم دوست بدار و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم می‌پسند. (محدثی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۴).

یا در جای دیگر خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: قلب خویش را از مهر مردم و دوستی و لطف آنان سرشار کن. مبادا هرگز که درنده خون‌آشام باشی که خوردن مردم را غنیمت بشماری، چراکه مردم دو گروه‌اند: یا برادران دینی تو بوده یا در آفرینش همانند تو هستند. (سید رضی، نامه ۵۳) بردباری و شکیبایی در رفتا و گفتار ایشان داری جایگاه والا و ارزشمندی است؛ و از آن به عنوان خیر و نیکی یاد می‌نماید قَالَ عَلِيُّ علیه السلام: «... لَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ...»... دانشت افزون و حلم و بردباریت بزرگ شود... (نهج البلاغه، حکمت ۹۱).

### سه: ارتباط با فرزندان

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در قالب وصیت به امام حسن علیه السلام به تبیین و تصویر درست رابطه بین پدر با فرزندان می‌پردازد. مواردی که از سوی والدین باید به فرزندان منتقل شود را، بیان می‌فرمایند: اجمالاً اشاره می‌کنیم. امام علیه السلام می‌فرماید: «وَأَنْ أُبْتَدِيَنَّكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ». (نهج البلاغه، نامه ۳۱). ابتدا خواستم تربیت تو را به تعلیم کتاب خداوند و بیان آن و مقررات و احکام اسلام و حلال و حرام آن آغاز کنم. در شیوه تربیتی امام، یک پدر مهربان و دلسوز فرزند خود را در قدم اول و قبل از این که دل و درونش آلوده به گناه شود باید حقایق دین را به فرزند خود بیاموزد و گرنه اگر تعلل نماید و این مهم را به تأخیر بیندازد، دل جوان به عقاید انحرافی آلوده می‌شود و اصلاح کردن او، بسیار دشوار است و زحمتی دوچندان می‌طلبد. (مصباح یزدی، ص ۱۵۸ - ۱۵۷).

هماهنگی میان افعال و گفتار والدین الگو، نکته دیگری است که بسیار حائز اهمیت است؛ مثلاً اگر الگوهای گفتاری آن‌ها با الگوی رفتاری شان هماهنگ باشند و قول و فعل یکدیگر را تصدیق کنند به وحدت رفتار و تثبیت آن در الگوپذیر بسیار کمک می‌کنند.

در حالی که عدم هماهنگی بین آن‌ها منجر به دوگانگی رفتار در تربی خواهد شد. (نجفی، ۱۳۹۵) امام علی علیه السلام که خود الگوی وارسته است به این هماهنگی در گفتار و اعمال خود اشاره کرده و می‌فرماید: «... أَذُنِّي وَ أَفْصَىٰ بِهِ إِلَيَّ أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَكُم عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنْتَاهَا عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَاهَا قَبْلَكُمْ عَنْهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵). ای مردم، سوگند به خدا، شما را به طاعتی ترغیب نمی‌کنم، مگر آن که از شما پیشی می‌گیرم و شما را از معصیتی منع نمی‌کنم، مگر آن که پیش از شما از آن باز می‌ایستم.

والدین مانند همه کسانی که می‌خواهند در جهت کمالات انسانی قدم بردارند باید بر اساس آیه: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲). با تاسی بر اسوه حسنه رسول الله، خود الگوی مناسبی برای فرزندان و کسانی که با آن‌ها زندگی می‌کنند، باشند. امام علی علیه السلام مؤمنین را به پیروی از اهل بیت پیامبر علیهم السلام به عنوان بهترین الگوی هدایت‌مند، سفارش می‌فرمودند: «أَنْظَرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزَمُوا سَمْتَهُمْ وَ اتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ فَلَن يُخْرِجُكُمْ مِنْهُدَىٰ وَ لَن يُعِيدُوكُمْ فِي رَدَىٰ فَإِن لَبَدُوا فَالْبُدُوا وَ إِن نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَ لَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضَلُّوا وَ لَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا» به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتان نمی‌اندازند. اگر نشستند، بنشینید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنان پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان پس‌نمانید که تباه می‌شوید». (نهج البلاغه، خطبه ۹۷).

## نتیجه‌گیری

سبک زندگی در منظومه فکری مقام معظم رهبری از جمله مسائل مهمی است که تمامی شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد. سبک زندگی نشان‌دهنده میزان نفوذ یک نظام، فرهنگ و تمدن در متن جامعه است. امروز گسترش رسانه‌های جمعی باعث تغییر و تحولات اخلاقی شده و همین باعث تغییر در الگوها، هنجارهای، نمادها، علایق و سلیق در سبک زندگی شده و الگوهای اسلامی رنگ باخته است و این در حالی است که انسان ذاتاً کمال‌گرا است و هدف خلقت، رسیدن انسان به کمال می‌باشد و لازمه رسیدن انسان به

چنین کمالی داشتن راهنمای و یک نقشه راه می‌باشد. از آن جایی که امام علی علیه السلام به عنوان یک انسان کامل و راهنمای بشریت و کتاب ارزشمند ایشان نهج البلاغه که حاوی الگوهای رفتاری و اخلاقی می‌باشد آن چنان که در نامه ۶۹ امام به همدان، به نکات اخلاق فردی اجتماعی بدان اشاره است.

۱. در نهج البلاغه رفتارها بر اساس کمال است و فرقی نمی‌کند فرد یک فرمانروا باشد یا یک انسان معمولی باید مزین به اخلاق اسلامی باشد.

۲. اخلاقی شامل شکرگزاری، قناعت، مشورت... و رزاییلی مانند خشم، پیمان شکنی و... است. برای داشتن یک جامعه سالم و مدینه فاضله باید سبک زندگی انسان بر پایه انجام فضایل اخلاقی و ترک رذایل اخلاقی فردی اجتماعی است.

۳. رعایت توصیه‌های امام علیه السلام می‌تواند زندگی فرد و جامعه را از اصلاح کند؛ چرا که اصلاح جامعه در گروی اصلاح فرد است.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: مشهور، ۱۳۸۰ ش.
۳. ابن میثم، میثم بن علی، عارف، شرح ابن میثم بحرانی، ترجمه محمدصادق، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵.
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن همیه الله، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ترجمه محمود، مهدی دامغانی، تهران: نی، ج ۸، ۱۳۷۵.
۵. احمد بن محمد مسکویه رازی، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: نشر بیدار، ۱۳۷۱.
۶. ارفع، سید کاظم، حدیث زندگی نهج البلاغه، تهران: پیام عدالت، ۱۳۹۰.
۷. بردبار، سهند، شکر منعم، بی‌جا: مینوفر، ۱۳۹۴.
۸. پور محمد، محسن، آسیب‌شناسی سبک زندگی اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه، اولین همایش کشوری سبک زندگی سالم، ۱۳۹۵.
۹. جورج، ترجمه محمدرضا انصاری محلاتی، شگفتی‌های نهج البلاغه، تهران: کانون انتشارات محمدی، ۱۳۷۳.
۱۰. جعفری، محمدتقی، نرم‌افزار بلاغه، مرکز اطلاع‌رسانی آل‌البیت، بی‌تا.
۱۱. جعفری، محمدتقی؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه؛ تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
۱۲. حکیمی، محمدرضا و دیگر برادران، الحیاء، ترجمه: احمد آرام، تهران: بی‌تا، ۱۳۷۱.
۱۳. خامنه‌ای، سید علی، بازگشت به نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۲.
۱۴. خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۷.
۱۵. خطیب، سید مهدی، مهارت‌های زندگی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۶.
۱۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین، معجم مفردات الفاظ قرآن، تحقیق ندیم مرعشی، قم: المكتبة المرتضویه، بی‌تا.
۱۷. رستمی، محمدعلی، سبک زندگی، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل‌الله، ۱۳۹۷.
۱۸. رضانیا، حمیدرضا، تفکر عقلی در کتاب و سنت، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

۱۳۹۳.

۱۹. زمانی، مصطفی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، قم: الزهراء، ۱۳۶۹.
۲۰. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر بن خوارزمی، مقدمه الاداب متن، ترجمه مهدی محقق، تهران: مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۲۱. سیمپسون، جان، واتنر، آدموند، لغت نامه ویستر، بریتانیا: دانشگاه آکسفورد، ۱۹۸۹ م.
۲۲. عزیزی، عباس، نهج البلاغه موضوعی، قم: صلاه، ۱۳۸۱.
۲۳. غیاثی، محمدرضا، لغت نامه قران کریم، قم: بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۸۹.
۲۴. فرحزاد، حبیب الله، یک گام تا خدا، قم: نشر عطش، ۱۳۹۳.
۲۵. فعالی، محمدتقی، نسبت سن سنجی سبک زندگی، تهران دانشگاه آزاد اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی نامه اخلاق، دوره ۱۱، شماره ۴۲، ۱۳۹۷.
۲۶. قریشی بنایی، علی اکبر، قاموس القرآن، تهران: دارالکتب امامیه، چاپ ۷، ۱۳۷۱.
۲۷. محدثی، جواد، اخلاق، قم: نورالسجاد، ۱۳۹۲.
۲۸. \_\_\_\_\_، اخلاق معاشرت، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۲۹. محمدی، نورمرا، خشم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی، پند جاوید، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱، ۱۳۸۵.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۴.
۳۲. \_\_\_\_\_، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران: دارالکتب السلامیه، ۱۳۷۵.
۳۳. \_\_\_\_\_، پیام و شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، قم: امام علی بن ابیطالب، ج ۲، ۱۳۹۵.
۳۴. \_\_\_\_\_، قرآن کریم با ترجمه جدید آیت الله مکارم شیرازی، تهران: عابد زاده، ۱۳۹۲.
۳۵. \_\_\_\_\_، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۰، ۱۳۷۳.
۳۶. نراقی، ملااحمد معراج السعاده، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۶.
۳۷. معینی پور، مسعود، تبیین سبک زندگی مؤمنانه بر اساس خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه، پژوهش نامه اخلاق، سال هشتم، ۱۳۹۴، شماره ۲۷.
۳۸. مهدوی کنی، محمد سعید، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه

تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، پائیز ۱۳۸۶.

۳۹. مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، چگونه رفتار کنیم، مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۳.

۴۰. نجفی، حسن، «بررسی راهکارهای کاربردی سازی سبک زندگی اسلامی در نهاد خانواده»،

۱۳۹۵.

۴۱. وصالی، سعید، دیدگاه اجتماعی حکمت‌های نهج البلاغه، فصلنامه پژوهشی، اطلاع رسانی

نهج البلاغه، ۱۳۸۵، شماره ۱۸.

۴۲. علمی، قربان، عدالت اجتماعی در نهج البلاغه، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۹، ۱۳۹۵،

شماره ۱.

---

## نقش وعده‌های الهی در تحقق سبک زندگی انقلابی - اسلامی

---

رضا مهدیان فر<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

سیده آرزو بنی صدر<sup>۲</sup>

### چکیده

سبک زندگی اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم استوار است و در تمام ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان تحقق می‌یابد. این شیوه زندگی، انسان را به سعادت جاودان خواهد رساند. با توجه به آن که انقلاب اسلامی بستری مناسب برای تجلی سبک زندگی اسلامی فراهم نمود و نیز با توجه به این که در بیانیه گام دوم امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) این انقلاب را انقلابی می‌دانند که دین و دنیا را در کنار هم مطرح نمود، این موضوع که وعده‌ها و بشارت‌های قرآنی در شکل‌گیری این سبک زندگی مؤثر هستند یا نه و اگر هستند دامنه تأثیرشان چقدر است، باید پاسخ داده شود. در این پژوهش سعی بر آن است تا به نقش وعده‌های الهی و اثرات آن در زندگی پرداخته شود. در نهایت درمی‌یابیم که وعده‌های الهی نقش مهمی در شکل‌گیری این سبک دارند. این وعده‌ها در ابعاد زندگی فردی و جمعی

---

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم rezamahtab52@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن. arezo.banisadr@yahoo.com



بررسی شده تا هم انگیزه و امید وافر گردد و هم بایدهای آموزه‌های اسلامی به‌طور جزئی‌تر تبیین شود که منجر به آگاهی و اصلاح عمل خواهد شد. این مهم از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی میسر گشته است.

واژگان کلیدی: گام دوم انقلاب، سبک زندگی، وعده‌های الهی، ایمان، عمل صالح.

## مقدمه

از ویژگی‌های مؤمن هوش و زیرکی اوست که در هر زمان بهترین تدبیر را به کار بندد تا بیشترین سود نصیبش گردد. در زندگی کوتاه دنیوی که قرار است سازنده زندگی جاودان ما باشد، فرد مؤمن بهترین راه را برمی‌گزیند تا بیشترین غنیمت را جمع کند. بهترین راه همان راهی است که خدای حکیم به انسان معرفی نموده است؛ راهی بر مبنای تعلیمات قرآنی. پیش برد زندگی بر این، همان سبک زندگی مؤمنانه و اسلامی است که ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز بر این طریقت بوده‌اند. باید‌ها و نباید‌هایی که در این شیوه رعایت می‌شود، بر مبنای انذارها و بشارت‌های قرآن استنباط شده‌اند.

از آنجاکه انسان کمال طلب همواره برای گام برداشتن در پی رسیدن به کمالات بیشتر است، لذا خدای رحمان به کرات از وعده‌های نیک سخن گفته تا او را به این مسیر مشتاق نماید و تا آن جا پیش رود که به فردوس مشرف گردد. پس نقش وعده‌های الهی در سبک زندگی اسلامی نقشی کلیدی و پیش برنده است که این نوشتار در حد بضاعت، عهده‌دار بیان این وعده‌ها در ابعاد مختلف زندگی انسان است.

در نوشتارهای پیشین صرفاً به بیان چیستی سبک زندگی با محوریت مباحث نظری پرداخته شده است که این مباحث به حد کافی ملموس و قابل درک نیستند. موضوع تحقق سبک زندگی اسلامی و ایرانی دو شرط دارد یکی آگاهی استدلالی است و دیگری عزم اجتماعی و ملی. یعنی تصمیم‌گیری برای این‌که بر طبق آن آگاهی‌ها عمل کنیم وگرنه صرف آگاهی و انباشتگی ذهن از مفاهیم نظری مشکل ما را حل نمی‌کند؛ البته آگاهی نسبت به مبانی نظری لازم است، اما کافی نیست (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۲). این تصمیم‌گیری بایمان مشوق‌هایی مثل وعده‌های الهی و نیز بیان آن‌که در هر بعد از زندگی چگونه سبک اسلامی تجلی می‌یابد، محقق می‌شود.

از باب نمونه به دو مورد از پژوهش‌ها در این زمینه اشاره می‌گردد:

مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۷) «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم

اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، ش ۱.  
منگالی، زهرا، مفهوم‌شناسی سبک زندگی اسلامی، پژوهش‌های معنوی، ۲۷ مهر  
۱۳۹۶.

جزئی‌نگری و بسط سبک زندگی اسلامی در ابعاد مختلف زندگی با این نوع تقسیم‌بندی  
شفاف و زاویه دید، از وجوه امتیاز این مقاله نسبت به پژوهش‌های پیشین است.  
در این مجال سعی ما بر تبیین نقش وعده‌های الهی و جلوه‌های بارز آن در زندگی، در  
سه سطح زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است که منجر به آگاهی و اصلاح عمل  
خواهد شد. این مهم از روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای  
میسر گشته است.

### معناشناسی

وعده: «وعد» در لغت به معنی عهد است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۲۷) و در اصطلاح  
عبارت است از تعهد کردن به انجام امری، خواه آن امر خیر باشد یا شر و اختصاص پیدا  
کردن به یکی از آن‌ها به واسطه قرینه، معین می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۱۹) از  
کاربردهای قرآنی این واژه به دست می‌آید که تعهد به انجام کاری در آینده را وعده می‌گویند.  
وعده برای امری است که در آینده مجال ظهور می‌یابد. بیشترین کاربرد این واژه در خیر  
است چنانچه در مفاهیم عرفی هم همین معنا را قصد می‌کنند (مهدیان فر، ۱۳۹۴، ص ۶۵).  
وعد به معنای نوید دادن و وعید به معنای تهدید کردن و ترساندن به کار می‌رود (غیاثی،  
۱۳۸۹، ص ۴۷۷).

وعده در قرآن: واژه وعد در قرآن بارها و در موقعیت‌های متفاوت صادر شده که نشان از  
اهمیت این مطلب دارد. این‌ها شامل وعده‌های دنیوی و اخروی می‌شود که نوشتار حاضر،  
به بررسی وعده‌های خیر دنیوی و نقش آن‌ها در سبک زندگی اسلامی می‌پردازد.

البته این آمار مربوط به مواردی هست که صریح و مستقیم و با بیان کلمه وعده‌ها  
بشارت داده شده‌اند؛ اما نباید غافل شد از وعده‌هایی که به نحوی دیگر بیان شده‌اند، مثل

وعده نصرت و آسانی همراه با سختی‌ها در سوره شرح: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (شرح - ۵)؛ (آری)؛ به یقین با سختی آسانی است. نیاز مسئله‌ساز است و مسئله انگیزه‌ساز. انگیزه هم عامل و سبب عمل و حرکت است. نیاز به راحتی، خوشی‌ها و لذت‌ها باعث ایجاد مسئله برای انسان خواهد شد و وعده‌هایی که در قرآن آمده منطبق بر این نیازهای ذاتی انسان است تا با ایجاد انگیزه در وی، عمل صالح را باعث شود.

سبک: واژه «سبک» به معنای طرز، شیوه، روش (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۸۲۱) می‌باشد و سبک زندگی عبارت است از: «شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های فرد یا گروه است و همچنین عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که باهم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را شکل می‌دهند» (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۵).

سبک زندگی توحیدی: اساس کار دعوت انبیا، دعوت به توحید است... عقیده به توحید، یک پایه و استوانه یا زمینه اساسی یک جهان‌بینی است که زندگی را می‌سازد. عقیده به توحید یعنی جامعه توحیدی به وجود آوردن؛ جامعه‌ای که بر مبنای توحید شکل بگیرد و اداره بشود؛ عقیده به توحید این است؛... انبیا آمدند، شکل جامعه را مورد اعتراض و تعرض خودشان قرار دادند؛ یک شکل جدید را، یک هندسه جدید را برای شیوه زندگی بشر ارائه کردند. آن شیوه زندگی، همان حیات طیبه است. آن همین زندگی است درحالی‌که با ایمان باشد... (بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران، ۹۶/۶/۶).

### ایمان به وعده‌های الهی

در فرهنگ قرآن، ایمان به خدا یک‌طرفه نیست. خداوند متعال در قبال ایمان آوردن بندگان همیشه یکسری از ثواب‌ها و پاداش‌ها را در نظر گرفته است. قرآن کریم در برخی موارد این وعده‌های جزای الهی را به صورت حقی بر عهده خداوند بیان می‌کند. اصطلاح «حقوق» و دوطرفه بودن آن، در روابط میان بندگان امری روشن و واضح است؛ یعنی هر یک از بندگان در قبال حقی که بر دیگران دارند، متقابلاً دیگران هم نسبت به او حقی دارند که

باید رعایت نمایند و اگر حقی بخواهد یک طرفه باشد، شایسته خداوند و به خاطر قدرت و عدالت او است. باین حال خداوند از سر تفضل، حقوق میان خود و بندگان را نیز دوطرفه قرار داده است، یعنی در قبال بندگی آن‌ها، جزای بهشت را قرار داده است (ر.ک: نهج البلاغه خطبه ۲۱۶).

اما این ایمان چیست و چگونه باید باشد تا وعده بهشت که جایگاه مقربان است، در قبال آن برابری کند؟ «برای این‌که ما ارزش ایمان را و نتیجه ایمان را بدانیم، لازم است از مژده‌ها و نویدهایی که خدا به مؤمنین داده است، آگاهی پیدا کنیم، ببینیم خدای متعال برای مؤمن، در مقابل ایمانش و در مقابل عمل شایسته‌اش و انجام تعهداتش، متقابلاً چه چیزی را تعهد می‌کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸)

در سبک زندگی مؤمنانه، ایمان به تحقق وعده‌های خداوند نقش به‌سزایی در ایجاد صبر و امید داشته و او را به حرکت وامی‌دارد تا به سوی هدف گام بردارد. از سوی دیگر این وعده‌ها نقش هدایتگری را نیز بر عهده‌دارند؛ زیرا وقتی جهت تشویق به انجام عملی، وعده‌ای نیکو داده می‌شود، مؤید آن است که آن عمل برای گزینش و انجام اصلح است. پس مؤمن با اندکی تأمل درمی‌یابد که چنین انتخابی در مسیر زندگی، هدایتگر به سوی تقرب محبوب است. این تأثیر هم در فرد و هم در جامعه متجلی خواهد شد زیرا جامعه اسلامی برآیندی است از باورهای تک‌تک افراد آن. «وعده الهی می‌گوید که اگر مجموعه‌ای، جامعه‌ای، دنبال دنیاطلبی باشند و تلاش کنند، به آن می‌رسند؛ اگر دنبال ارزش‌های معنوی و تعالی حقیقی باشند و تلاش کنند، به آن می‌رسند: ﴿كَلَّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا مِّنْ عَطَاٰ رَبِّكَ...﴾ (اسراء / ۲۰)؛ هر یک از این دو گروه را (به‌اندازه شایستگی آن‌ها) از عطای پروردگارت، بهره و کمک می‌دهیم.... هم دنیاطلبان را خدای متعال کمک می‌کند، هم ارزش طلبان و تعالی طلبان را خدای متعال کمک می‌کند؛ منتها آن کسانی که همتشان فقط به قدر فراورده‌های زندگی مادی است، به همین می‌رسند؛ معنای زندگی حقیقی را نمی‌فهمند، طعم معنویت را نمی‌چشند؛ البتّه این [طور] است.» (بیانات رهبری در دیدار

بسیجیان، ۹۶/۹/۱)

انسان مختار است تا هریک از این دو را برگزیند، اما آنچه می‌تواند انسان را به انتخابی درست رهنمون شود، عقل است؛ عقلی که ایمان آن را به کمال رسانده و تمیز دهنده حق و باطل خواهد بود. «قوه عاقله چیست؟ عقل چیست؟ عقل در ادبیات اسلامی فقط آن دستگاهی نیست که محاسبات مادی می‌کند برای ما؛ نه الْعَقْلُ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ؛ عقل این است. الْعَقْلُ يَهْدِي وَ يُنْجِي؛ عقل این است. عقل باید بتواند انسان‌ها را تعالی ببخشد. عقل در یک سطح، آن عاملی است که انسان را به مقام قُرب می‌رساند، به مقام توحید می‌رساند؛ در یک سطح پایین‌تر، عقل آن چیزی است که انسان را به سبک زندگی اسلامی می‌رساند؛ در یک سطح دیگر هم عقل آن چیزی است که ارتباطات مادی زندگی دنیا را تنظیم می‌کند؛ همه این‌ها کار عقل است.» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۳/۲۰)

اگر انسان به‌طور قطع و عاقلانه اسلام را برگزیند می‌باید مسیر و شیوه زندگی خود را منطبق بر آموزه‌های قرآن قرار دهد و طبق بایدها و نبایدهای اسلامی گام بردارد؛ این همان سبک زندگی اسلامی است که هادی انسان به سعادت جاودان خواهد بود. از مهم‌ترین و اصلی‌ترین آموزه‌های قرآن کریم که باید در سبک زندگی اسلامی، سرشار و مشهود باشد، ایمان و عمل صالح است که در نتیجه آن دو یکی از زیباترین وعده‌های خداوند تحقق می‌یابد و مؤمن به حیات طیبه می‌رسد:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْفَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل/۹۷)؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی‌که مؤمن است، به‌طور مسلم او را حیات پاکیزه‌ای می‌بخشیم و پاداش آن‌ها را مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد. یعنی تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود و از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هواپرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و

آسمان زندگی را تیره‌وتار می‌سازد در امان است (ر.ک، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، جلد ۱۱).

مصدق تجلی چنین ایمان و به تبع آن سبک زندگی در بیانیه گام دوم چنین ذکر شده است: رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدّس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است؛ و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

امروزه سبک زندگی اسلامی مورد هدف دشمن واقع شده باهدف دستیابی به سیاست‌های ضد اسلامی. در بیانیه گام دوم آمده است که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم‌امید در آن به شما جوان‌ها است. «در مقابل هجمه به سبک زندگی اسلامی، دفاع کردن و دور خود حصار کشیدن کافی نیست، بلکه می‌توان با تبیین سبک زندگی اسلامی و بیان مفاهیم

و مبانی اخلاقی، سیاسی و فرهنگی در قالب شعر به وظیفه خود عمل کرد (بیانات رهبری در دیدار جمعی از شاعران مذهبی سرا، ۹۵/۱۲/۵). در این راستا بر آنیم تا در این نوشتار به بیان نقش وعده‌های الهی در سبک زندگی اسلامی در ابعاد فردی و جمعی بپردازیم هرچند که ادای حق مطلب در این مقال نمی‌گنجد.

### الف) زندگی فردی

انسان مؤمن آنگاه که در مسیر دین قدم بگذارد باید قرآن را سرلوحه خود قرار دهد. آیات قرآن هم دربردارنده انذار و هم تبشیر است. اندازهای آن بازدارنده از ناپسندهای دین و تبشیرهای آن پیش برنده به سوی مسیر حق خواهد بود. اولین مجال بروز آثار ایمان به بشارت‌ها و وعده‌های خداوند حیطة زندگی فردی است. در ادامه به برخی از جلوه‌های آن اشاره می‌شود:

### تقویت ایمان

ایمان سبب اعتقاد و باور نسبت به وعده‌های خداوند می‌شود و همین وعده‌ها نیز سبب تقویت ایمان می‌گردد؛ به بیان دیگر این رابطه افزایشی دوسویه است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (حدید / ۲۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به پیامبرش ایمان بیاورید تا بهره‌ای دوچندان از رحمتش به شما بدهد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد و خداوند آمرزنده و مهربان است.

پاداش مضاعفی که در آیه آمده، پاداشی برای ایمان به انبیای پیشین و پاداشی برای ایمان به پیامبر اسلام ﷺ. این چنین وعده‌هایی سبب ازدیاد و عمق بخشی ایمان در دل مؤمن خواهد شد.

گمراهی بنی اسرائیل و گوساله پرستی ایشان، به سبب بی‌توجهی به وعده‌های خداوند



صورت پذیرفت و سبب بی‌صبری و بی‌تدبیری و در نتیجه نابودی ایمانشان گشت:

﴿... قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعُدًّا حَسَنًا أَ فَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي﴾ (طه / ۸۶)؛ ... گفت: «ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدّت (جدایی من از) شما به طول انجامید، یا می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که از وعده من تخلف کردید؟!»

وعده‌های الهی، به‌رغم تردید اکثر مردم در آن، تحقق می‌پذیرد اما صبر می‌طلبد و ایمان راسخ:

﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم / ۶)؛ این وعده خداست و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!

همانا خداوند ایمانشان را بی‌اجر نمی‌گزارد: ﴿أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (بقره / ۲۰۲)؛ این گروه به سبب آنچه انجام داده‌اند، نصیب و بهره‌ای (از فضل خدا) دارند و خداوند، سریع الحساب است.

### ایجاد صبر

از شاخصه‌های زندگی مؤمنانه به سبک اسلامی، صبر است. وعده خداوند به نجات مؤمنان از دشمنان، مایه دلگرمی آن‌ها و نیز سبب افزایش صبر و استقامت‌شان در سختی‌ها و ناملایمت‌ها خواهد بود:

﴿ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ﴾ (انبیاء / ۹)؛ سپس وعده‌ای را که به آنان داده بودیم، وفا کردیم. آن‌ها و هر کس را که می‌خواستیم (از چنگ دشمنانشان) نجات دادیم و مسرفان را هلاک نمودیم!

وعده نصرتی که به مسلمین داده و فرموده بود که: دین ایشان را یاری خواهد کرد و کلمه ایشان را که کلمه حق است بلندآوازه خواهد نمود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۵۷).

﴿فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ وَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾ (انبیاء / ۸۸)؛ ما دعای او را به اجابت رساندیم و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم و این‌گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.

این یک برنامه اختصاصی برای «یونس» نبود بلکه، هرکدام از مؤمنان از تقصیر خویش، عذر به درگاه خدا آورد و از ذات پاکش مدد و رحمت طلبید، ما دعایش را مستجاب و اندوهش را برطرف خواهیم کرد. پس مؤمن باایمان به این وعده خداوند، نگران سختی‌ها و ناملايمات زندگی نخواهد بود.

وعده نیک الهی به مؤمنان، در پی دارنده آرامش یافتن آنان در قیامت است که جبران صبرشان در همه ناآرامی‌های دنیا است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ... لَا يُحْزِنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (انبیاء / ۱۰۱ - ۱۰۳)؛ وحشت بزرگ، آن‌ها را اندوهگین نمی‌کند و فرشتگان به استقبالشان می‌آیند، (و می‌گویند): این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد.

در آخرت، بشرهای صالح به زودی با شکر خدا از ایشان مواجه گشته و به هیچ ناملايمي بر نمی‌خورند و مدام در نعمت و کرامت‌اند؛ و اما غیر صالحان، در عذاب و عقاب‌اند. این وضع آنان در آخرت و اما در دنیا که خدای عز و جل صالحان از ایشان را وعده داده که زمین را به ارث به ایشان دهد و خانه عاقبت را هم خاص ایشان کند؛ و طالحان و بدکاران را وعده داده که به هلاکت رساند و نابود سازد و سعی‌شان را بی‌نتیجه گذارد. کلمه (حسنى) مؤنث کلمه (احسن) است و وصفی است که در جای موصوف خود قرار گرفته و تقدیر آن (عدة الحسنی - وعده‌های نیک) و یا (موعدة الحسنی) می‌باشد، که عبارت است از نجات یا بهشت؛ و موعده به هر یک از این دو در کلام خدای تعالی آمده، یکجا فرموده «ثم ننجي الذين اتقوا و نذر الظالمين فيها جثيا» و در جای دیگر فرموده «وعد الله المؤمنين و المؤمنات جنات»

کلمه (حسیس) به معنای صوتی است که احساس شود؛ و کلمه (فزع اکبر) به معنای ترس بزرگ است که خدای تعالی خبر داده چنین ترسی در هنگام نفخ صور وقوع پیدا می‌کند و فرموده: «یوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السموات و من فی الارض» و معنای این که فرمود «تتلقیهم الملائكة» این است که ملائکه ایشان را با بشارت استقبال می‌کنند و

می‌گویند «هذا يومكم الذي كنتم توعدون» این بود آن روزی که وعده داده می‌شدید (رک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴).

### رسیدن به آرامش

تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح هست که قطعاً تحققش مصداق اجر عظیم است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... وَلَيَبْدَأَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...﴾ (نور / ۵۵)؛

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که به یقین، ... و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند....

مؤمن همواره در آرامش حاصل از یقینش به خداست. یقین به وعده آسانی امور به انفاق گران و متقین، از سوی خداوند نگرانی آن‌ها را از سختی امور به آرامش بدل می‌نماید:

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى﴾ (لیل / ۵)؛ اما آن‌کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد، ﴿فَسَنِّيئِرُهُ لِيُشْرَى﴾ (لیل / ۷)؛ ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم.

### گذر از سختی‌ها

در بیانیه گام دوم در اشاره به گذر از سختی‌های انقلاب چنین می‌خوانیم که زلزله انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد.

(بیانیه گام دوم <https://farsi.khamenei.ir/amp-content?id=41673>) «انسان‌ها گاهی که امواج متراکم ظلمت و ظلم را مشاهده می‌کنند، مأیوس می‌شوند. یاد امام زمان نشان‌دهنده این است که خورشید طلوع خواهد کرد، روز خواهد آمد؛ بله ظلمات هست، ظالمان و تاریکی آفرینان هستند در دنیا و قرن‌های متمادی بوده‌اند اما پایان این شب سیاه و ظلمانی، قطعاً طلوع خورشید است؛ این آن چیزی است که اعتقاد به امام زمان به ما می‌آموزد؛ این

وعده تضمین شده پروردگار است: **الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَتَّصِبُ وَالْعِلْمُ الْمَتَّصِبُ وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدَاً غَيْرَ مَكْذُوبٍ**؛ وعده تخلف ناپذیر الهی است. در اوّل زیارت [هم دارد]: **الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعَدَ اللَّهُ الَّذِي ضَمِنَهُ**؛ وعده ای که تضمین شده است از طرف پروردگار، ظهور این بزرگوار است؛ بنابراین این هم نکته دوّم است. معتقدین به ظهور ولی عصر و وجود ولی عصر (ارواحنا فداه) هیچ گاه دچار ناامیدی و یأس نمی شوند و می دانند که قطعاً این خورشید طلوع خواهد کرد و این تاریکی ها و این سیاهی ها را برطرف خواهد کرد. (بیانات رهبری در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ۹۶/۲/۲۰)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36490>

وعده خداوند به وارث زمین شدن در آخرالزمان، از سوی بندگان صالح همواره امیدآفرین است و سبب گذر از سختی ها می شود:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء / ۱۰۵)؛ در «زبور»

بعد از ذکر [= تورات] نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

اهل ایمان در مواجهه با دشواری های زندگی دست به دعا برمی دارند تا به این روش دل آرام کنند و عجز خود را به نمایش گزارند. دعا کردن باور به وعده اجابت دعا به درخواست کنندگان از سوی خدا است:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ

يُرْشِدُون﴾ (بقره / ۱۸۶)؛ و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم، دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند)

برخورداری از محبوبیت مردمی، وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار است که دل را گرم می کند به آن که در مسیر حق اگر با ناملاپتمی و درشتی مواجه شدند، عزت دهنده مقتدر، بیننده و حافظ آن هاست:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَانُ وُدًّا﴾ (مریم / ۹۶)؛ به یقین کسانی که

ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به زودی خداوند رحمان محبتی برای آنان (در دل‌ها) قرار می‌دهد!

وعده خداوند به جبران خسارت‌های مادی مؤمنان صدر اسلام، ناشی از قطع رابطه با مشرکان در همه دوران امیدبخش است که سختی‌هایی که از سوی دشمنان وضع می‌شود، از سوی خدای جبار جبران‌پذیر است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه / ۲۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاک‌اند پس نباید بعد از این سال به مسجد الحرام نزدیک شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به فضل (و کرم) خود بی‌نیاز می‌سازد (و از راه دیگر جبران می‌کند) خداوند دانا و حکیم است.

خدای دانا به همه ابعاد و مراحل زندگی انسان و سختی‌های محتمل آن عنایت دارد. وعده خداوند به برطرف ساختن نیاز غیر متأهلان فاقد امکانات ازدواج، در صورت رعایت عفت و پاک‌دامنی مثالی است مناسب:

﴿وَلَيْسَتَعْطِفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...﴾ (نور / ۳۳)؛ و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاک‌دامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند....

اما یکی از ارکان گذر از سختی‌ها امیدواری است که در بیانیه گام دوم چنین به آن توصیه شده است: در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.

### برکت در رزق و روزی

از جمله نصرت‌های الهی برای نیکوکاران، افزایش و برکت در رزق و روزی آن‌هاست که در موارد متعددی در قرآن وعده داده شده است؛ از جمله آیات ۱۵۱ سوره انعام و نیز ۳۱ سوره اسراء و همچنین ۱۳۲ سوره طه و ۶۰ سوره عنکبوت.

آسان شدن امور، وعده الهی به مؤمنان است تا بدون بیم از تنگی رزق و به امید گشایش چرخه روزی را به گردش درآورند:

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ (طلاق / ۷)؛ آنان که امکانات وسیعی دارند، باید (برای زنان شیرده) از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آن‌ها که تنگدست‌اند، از آنچه خدا به آن‌ها داده انفاق نمایند خداوند هیچ‌کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند، خداوند به زودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد.

وعده خداوند به رفاه و آسایش نوح و همراهان وی در کشتی مثالی است که قابل تعمیم برای همه مؤمنان در همه دوره‌ها است:

«قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ...» (هود / ۴۸)؛ (به نوح) گفته شد: «ای نوح! با سلامت و برکاتی از ناحیه ما بر تو و بر تمام امت‌هایی که با تواند، فرود آی!...»

بدون شک، «طوفان» همه آثار حیات را در هم کوبیده بود و طبعاً زمین‌های آباد، مراتع سرسبز و باغ‌های خرم، همگی ویران شده بودند و در این هنگام، بیم آن می‌رفت که نوح و یارانش از نظر «زندگی» و «تغذیه» در مضیقه شدید قرار گیرند، اما خداوند به این گروه مؤمنان اطمینان داد که، درهای برکات الهی به روی شما گشوده خواهد شد و از نظر زندگی هیچ‌گونه نگرانی به خود راه ندهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، جلد ۲۵، ص ۵۳).

وعده الهی به برخوردار نمودن بنی‌اسرائیل از رحمت خاص خود در دنیا و آخرت، در صورت رعایت تقوا، ایمان و پرداخت زکات مرده‌ای به پرداخت‌کنندگان زکات است که تسلیم امر خداوند خود شده‌اند:

﴿... وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف / ۱۵۶)؛ ... و رحمتم همه‌چیز را فراگرفته و آن را برای کسانی که تقوا پیشه کنند و زکات بپردازند و کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر خواهم داشت.

وعده خداوند به برخوردار ساختن مؤمنان انفاق‌گر، از رحمت خویش سبب تقرب روزافزون ایشان گشته که به اذن الهی سبب روزی‌رسانی به دیگران شده‌اند:

﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (توبه / ۹۹)؛ گروهی (دیگر) از عرب‌های بادیه‌نشین، به خدا و روز بازپسین ایمان دارند و آنچه را انفاق می‌کنند، مایه تقرب به خدا و دعای پیامبر می‌دانند، آگاه باشید این‌ها مایه تقرب آن‌هاست! خداوند به زودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت، به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است.

### سعادت اخروی

آن‌که یقین دارد به وعده‌های پروردگارش ترسی از روز حسابرسی نخواهد داشت زیرا دلگرم به وعده خداوند به قرار گرفتن مؤمنان دارای عمل صالح در زمره صالحان است که وعده‌ای تخلف‌ناپذیر است:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ﴾ (عنکبوت / ۹)؛ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، به یقین آن‌ها را در زمره صالحان وارد خواهیم کرد. و در نهایت، سپاسگزاری تقوایپیشگان از خداوند، به علت تحقق یافتن وعده‌های الهی درباره آن‌ها:

﴿وَسَيَقُولُ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾ (زمر / ۷۳)؛ و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه‌گروه به سوی بهشت برده می‌شوند؛ هنگامی‌که به آن می‌رسند درهای بهشت گشوده می‌شود و نگهبانان به آنان می‌گویند: «سلام بر شما! گوارایتان باد! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید!»

﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدُّهُ وَأَوْزَنَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾ (زمر / ۷۴)؛ آن‌ها می‌گویند: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و این سرزمین را میراث ما قرار داد که هر جای بهشت را بخواهیم منزلگاه

خود قرار دهیم و چه نیکوست پاداش عمل‌کنندگان!

### رسیدن به حیات جاودان

و سرانجامشان حیات جاودان در باغ‌های بهشت، با نهرهای روان است به سبب باور و ایمان راسخ‌شان به وعده‌های الهی؛ زیرا باورشان به این وعده‌ها سبب برگزیدن این نوع زندگی دنیوی شد و پیش‌روی در این مسیر همان کوششی است که منتهی به جمع‌آوری روزافزون زاد و توشه برای سرای آخرت و حیات ابدی در آن خواهد شد:

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنُؤُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره /

۲۵)؛ به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت‌ده که باغ‌هایی بهشتی برای آن‌هاست که نهرها از پای درختانش جاری است. هر زمان که میوه‌ای از آن، روزی آنان شود، می‌گویند: «این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده بود. (ولی این‌ها چقدر از آن‌ها بهتر و عالی‌تر است.)» و میوه‌هایی که برای آن‌ها آورده می‌شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسان‌اند؛ و برای آنان همسرانی پاکیزه است و جاودانه در آن خواهند بود.

### ب) زندگی خانوادگی

در سبک زندگی اسلامی، خانواده جایگاه ویژه و حائز اهمیتی دارد؛ لذا در دستورات و وعده‌های قرآن، مواردی در این خصوص می‌یابیم که به برخی از آنان اشاره می‌رود:

#### موفقیت در ازدواج

«انگیزه برای ازدواج، باید تبدیل بشود به یک اقدام عملی؛ یعنی ازدواج باید تحقق پیدا بکند. این که خدای متعال می‌فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، این یک وعده الهی است؛ ما باید به این وعده، مثل بقیه وعده‌های الهی که به آن وعده‌ها اطمینان می‌کنیم، اطمینان کنیم. ازدواج و تشکیل خانواده، موجب نشده است و موجب نمی‌شود



که وضع معیشتی افراد دچار تنگی و سختی بشود؛ یعنی از ناحیه ازدواج کسی دچار سختی معیشت نمی‌شود؛ بلکه ازدواج ممکن است گشایش هم ایجاد کند.» (بیانات رهبری در دیدار دانشجویان، ۱/۵/۹۳ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27046>)

وعده خداوند به تأمین نیازمندی‌های فقیران غیر متأهل، در صورت اقدام به ازدواج سبب تصمیم‌گیری آنان بر مبنای آموزه‌های اسلامی خواهد شد و آنان را به گزینش این عمل سوق خواهد داد:

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور / ۳۲)؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد (فضل) خداوند واسع و (از نیازهای بندگان) آگاه است.

### تعالی روابط خانوادگی

مؤمن، احسان به والدین و یا ایثار و از خودگذشتگی در زندگی زناشویی را با جان‌ودل و بی‌منت پذیرا است؛ زیرا طرف معامله خود را خداوندی رحیم می‌یابد:

﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ (الرحمن / ۶۰)؛ آیا جزای نیکی جز نیکی است؟!

این استفهام انکاری است و می‌خواهد احسانی را که خدا با دادن بهشت به اولیای خود کرده بود و نعمت‌های گوناگونی که در آن بهشت قرار داده بود تعلیل کند و بفرماید علت این احسان‌ها آن بود که ایشان نیز اهل احسان بودند، یعنی با ترس از مقام پروردگارشان هر چه می‌کردند احسان بود. البته از این آیه شریفه تنها این مقدار استفاده می‌شود که احسان بنده بدون تلافی و جبران نیست، خداوند پاداش آن را به احسانی نظیر آن می‌دهد؛ و اما نکته دیگری که از آیات دیگر استفاده می‌شود که احسان خدا بیش از احسان بنده است و اضافه بر جزای اعمال او است، در این آیات متعرضش نشده، مگر این که بگوییم: احسان از ناحیه خدای تعالی وقتی تمام می‌شود که بیشتر از احسانی باشد که محسنین و نیکوکاران در راه او می‌کنند، پس جمله "الا احسان" دلالت بر این زیادتی هم دارد.

﴿لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ (بقره / ۸۳) از این آیه و آیات مشابه معلوم می‌شود که عقوق والدین بعد از شرک به خدا در شمار بزرگترین گناهان و یا خود این از بزرگترین آن‌ها است و از آن طرف هم معلوم می‌شود که واجب‌ترین واجب‌ها احسان به پدر و مادر است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۵).

### ج) زندگی اجتماعی

معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند (رک: بیانیه گام دوم انقلاب)

انسان موجودی اجتماعی است و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری وی نسبت به اجتماع پیرامونش، امری بدیهی است. این تأثیر می‌تواند مثبت و در جهت کمال او باشد و یا منفی و مسبب پسرفت؛ همچنین شعاع این اثر، ممکن است محدود باشد و یا گسترده و وسیع. آنچه جامعه اسلامی را همسو و یکپارچه می‌کند، درون‌مایه اسلام است که هر فرد به اختیار و انتخاب خود به آن عمل می‌کند؛ لذا در بیانیه گام دوم مطرح شده است که انقلاب اسلامی تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است. در نتیجه ایمان به وعده‌های الهی که از همان اسلام سرچشمه می‌گیرد، در بعد اجتماعی نیز تأثیرگذار و محل تأمل است:

### بهبود شرایط اقتصادی

اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها

رسید (رک: بیانیه گام دوم انقلاب). از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های نظام اجتماعی، اقتصاد سالم و بارور است که در سایه آن، امنیت، سلامت، رشد علمی و صنعتی، آبادی و عمران... محقق می‌گردد؛ پس هم می‌تواند نقطه ضعف محسوب شود و هم نقطه قوت.

در بیانیه گام دوم در خصوص عدالت و موفقیت‌های اقتصادی چنین آمده است که انقلاب اسلامی کفه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها به ویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور و از مناطق مرقه‌نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است. ([https://farsi.khamenei.ir/amp-](https://farsi.khamenei.ir/amp-content?id=41673))

«خلاصه عرض ما در باب مسائل اقتصادی کشور این است که کشور به برکت ظرفیت‌ها، توانایی غلبه بر مشکلات اقتصادی را به طور کامل دارد. ظرفیت‌ها را شناسایی کنیم، توانایی‌ها را احصاء کنیم، تجربه‌ها را مدنظر قرار بدهیم و از همه این‌ها بالاتر، نصرت الهی را فراموش نکنیم. ما برای إعلاء کلمة الله داریم تلاش می‌کنیم، ما دنبال قدرت مادی و این چیزها نیستیم؛ ما می‌خواهیم اسلام سربلند بشود، ما می‌خواهیم شریعت اسلامی در جامعه تحقق پیدا کند؛ ما می‌خواهیم در دنیایی که مادی‌گری و فساد و انحراف‌های گوناگون از غرایز بشری آن را فراگرفته، یک حکومتی، یک جامعه‌ای، یک کشوری درست کنیم که با احکام دین اداره بشود؛ دنبال این هستیم. تا یک حدودی هم موفق شده‌ایم، در یک مواردی هم ناموفقیت داریم که تلاش می‌کنیم ان شاء الله در آن بخش‌هایی هم که موفق نبوده‌ایم موفق بشویم؛ هدف ما این است. با این هدف، نصرت الهی قطعی است؛ خدای

متعال وعده کرده و وعده الهی هرگز خلاف در نمی آید.» (بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۲/۳/۹۷/۳۹۶۵۵?id=39655 [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39655](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?))  
 به عبارت دیگر، مؤمنان در زندگی اجتماعی به سبک اسلامی دچار مشکل حل نشدنی در زمینه اقتصادی نخواهند شد، زیرا با پرداخت خمس و زکات و قرض الحسنه به امید بشارت‌های قرآنی و نیز دوری از ربا از بیم انذارهای قرآن، چرخه اقتصادی سالم و در گردش خواهد داشت.

﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجُمُعَانِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (انفال/۴۱)؛ بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی القربى و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی‌ایمان) [روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید و خداوند بر هر چیزی تواناست!

آیه ۲۴۵ سوره مبارکه بقره به قرض الحسنه اشاره می‌کند، قرض نیکویی که می‌تواند هم در دنیا و هم در آخرت موجب برکت و منفعت شود.

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْصُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (بقره / ۲۴۵)؛ کیست که به خدا قرض نیکویی دهد، (و بدون منت، انفاق کند) تا خداوند آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است که (روزی بندگان را) محدود یا گسترده می‌سازد (و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی کسی نمی‌شود)؛ و (سرانجام همگی) به سوی او بازمی‌گردید.

### مواجهه با جبهه باطل

ارتباطات جامعه را در دو حیطه می‌توان بررسی نمود: ارتباطات داخلی که در جامعه اسلامی بر مبنای آموزه‌های اسلام شکل می‌گیرد و ارتباطات خارجی که شکل دهی آن بر این مبنای، دشوارتر است چون طرف دوم رابطه الزاماً معتقد به این آموزه‌ها نخواهد بود. «خدای

متعال خطاب به پیغمبر می‌فرماید: «از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تبعیت نکردن آن قدر مهم است که خدای متعال پیغمبر خود را مکرّر به آن توصیه می‌کند. آیه تکان‌دهنده اوّل سوره مبارکه احزاب: پیغمبر! تقوا داشته باش و از کافران تبعیت نکن؛ كَانْ عَلِيْمًا حَكِيْمًا، ما می‌دانیم مشکلات تو را، ما می‌دانیم فشارهایی که بر تو وارد می‌کنند تا تو را وادار به تبعیت کنند - تهدید می‌کنند، تطمیع می‌کنند - اما شما مراقب امرونی‌های الهی باش، اِتَّقِ ا...، حواست جمع باشد. وَ لَا تُطْعِ الْكَافِرِيْنَ؛ این اطاعت نکردن از کافران، آن چیز بزرگ و مهمی است که خدای متعال با این لحن با پیغمبرش حرف می‌زند.» (بیانات رهبری، ۹۵/۳/۳)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33886>

حضور دشمن و جبهه کفر مایه تعجب نیست چون هر چیزی با ضد خودش شناخته می‌شود و تا باطل نباشد، حق جلوه‌گر نخواهد شد. حال چیزی که عیار مؤمن را می‌سنجد، ایمان او به وعده الهی است در این برهه خطیر. اگر استقامت، صبر و مبارزه صورت پذیرفت، پیروزی محقق شده است؛ خواه جلوه‌ظاهری نیز رنگ پیروزی داشته باشد، خواه نداشته باشد؛ اما اگر وسوسه‌ها بر ایمان غلبه کرد و ضعف و ناامیدی چیره شد، آن‌گاه از مسیر زندگی اسلامی انحراف ایجاد خواهد شد. در جریان این مبارزه تمام عیار و همه‌جانبه اما وعده پیروزی تنها در صورت رعایت شرایط خود محقق خواهد شد. «خدای متعال تضمین نکرده است که چون برحقید، حتماً پیروز خواهید شد؛ نه پیروزی خواهد رسید، چون در جبهه حق ایستادگی و استقامت شده است.

قطعاً وعده خداوند حق است که «اِنْ تَنْصُرُوا اللّٰهَ يَنْصُرْكُمْ». همت ما باید این باشد که ان تنصروا الله را تأمین کنیم؛ خدا را نصرت کنیم. اگر نیت ما، عمل ما، حرکت ما تطبیق کند با ان تنصروا الله، دنبالش ینصرکم حتماً وجود دارد؛ وعده الهی تخلف‌ناپذیر است؛ اما این‌که لایق تحقق این وعده باشیم یا نه این به اختیار و انتخاب ما، برمبنای باور و ایمانمان برمی‌گردد.

نمونه چنین ایستادگی را در دوره‌های مختلف تاریخی و به خصوص در دوره معاصر بارها شاهد بوده‌ایم؛ «گر ما ملت ایران به وعده‌ای که خدای متعال داده است خوش‌بین باشیم و مقدمات آن وعده را فراهم بکنیم، مشکلات برطرف خواهد شد. خدا فرموده است: *إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ*. اگر شما دین خدا را نصرت کنید و انگیزه‌های الهی را تقویت کنید، قطعاً خدای متعال شما را نصرت خواهد کرد؛ کسی را هم که خدای متعال نصرت بکند، هیچ موجودی در عالم نمی‌تواند او را تضعیف بکند؛ روزبه‌روز قوی‌تر و پیروزتر خواهد شد (بیانات رهبری در دیدار اқشار مختلف مردم، ۹۵/۵/۱۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33172>).

البته لازم به ذکر است همانگونه که در بیانیه گام دوم ذکر شده است، انقلاب اسلامی در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله اول را شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربه متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.

در این نوع ارتباطات که طرف مقابل از جبهه مشرکین یا منافقین باشد، توجه به وعده‌های الهی هم راهنما و راهگشا در پیش‌روی مسیر سبک زندگی اسلامی خواهد بود و هم دلگرم‌کننده و امیددهنده به آن‌که سختی‌های این مواجهه به خیر و سعادت منتهی خواهد شد. مقابله با دشمنان مراحل و مراتبی دارد که با تعمق در آیات قرآن می‌توان سرمشق درستی دریافت نمود:

دفع شر: وعده خداوند به حضرت محمد ﷺ مبنی بر دفع شر نصرانیان و یهود از ایشان، وعده‌ای امیدبخش برای مؤمنان است که زمینه‌ساز شکست دشمنان می‌شود:

﴿فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (بقره / ۱۳۷) گر آن‌ها به مانند آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید ایمان بیاورند، هدایت یافته‌اند و اگر سرپیچی کنند، از حق جدا شده‌اند و خداوند، شر آن‌ها را از تو دفع می‌کند و

اوست شنوای دانا.

شکست کافران: ایمان به وعده‌های خدا در مورد نصرت جبهه حق، زمینه‌ساز پیدایش روحیه صبر و شکیبایی در مؤمنان است، کسانی که دشواری‌ها را به جان خریدند اما از مسیر اسلام منحرف نشدند و زندگی‌شان قرین آموزه‌های قرآنی است:

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (روم / ۶۰)؛ اکنون که چنین است صبر و استقامت پیشه کن که وعده خدا حق است و هرگز کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین نسازند (و سبک نشمارند)!

شکست کافران، وعده خداوند به مؤمنان عصر بعثت است که سرانجام در همه دوران محقق خواهد شد و دشمنان اسلام عاقبتی جز شکست نخواهند داشت:

﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَ يُخْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمِهَادُ﴾ (آل عمران / ۱۲)؛ به کسانی که کافر شدند بگو: «(از پیروزی موقت خود در جنگ اُحد، شاد نباشید). به زودی مغلوب خواهید شد و (سپس در رستاخیز) به سوی جهنم، محشور خواهید شد؛ و چه بد جایگاهی است!»

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ﴾ (انبیاء / ۱۸)؛ بلکه ما حق را بر باطل می‌کوبیم و آن را هلاک می‌سازد و این‌گونه، باطل محو و نابود می‌شود؛ و وای بر شما از وصفی که می‌کنید!

این آیه شریفه نوید قطعی آمدن حق و اضمحلال و هلاکت باطل را می‌دهد. (چون هرگاه بخواهند خبر قطعی از وقوع عملی بدهند با فعل ماضی می‌آورند.) خداوند برای روشن کردن چگونگی تحقق این وعده، باطل را به کف‌هایی تشبیه می‌کند که بر روی آب غوطه‌ورند و از بین می‌روند و حق را به آبی تشبیه می‌کند که سودمند است و در زمین باقی می‌ماند و یا فلزاتی که به وسیله آتش ذوب می‌شوند تا از آن‌ها زینت‌آلات و یا وسایل زندگی بسازند آن‌ها نیز کف‌هایی همانند کف‌های آب دارند. (رعد/ ۱۷)

تشبیهی که خداوند ذکر کرده است، برای فهم این که چرا حق ماندنی و باطل از بین

رفتنی است ما را کفایت می‌کند. حق همچون آب و فلزاتی است که واقعیت دارد و باقی می‌ماند و باطل همچون کف‌های روی آب است که محکوم به هلاکت است. حق همچون آب و فلزات است که مفید، سودمند و باثبات است و باطل همچون کف‌هایی است که گرچه پرسروصداست اما توخالی، بی‌ریشه، بی‌فایده و بالاخره نابودشدنی است. چون حق ریشه‌دار و باطل بی‌ریشه است. همان‌طوری که آب و فلزات موجب نابودی کف‌ها می‌شوند، در جریان حق و باطل نیز حق است که به باطل چیره می‌شود و باطل را از بین می‌برد. همچنان که خداوند می‌فرماید:

﴿يَلْ نَقْدِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ...﴾

در آیه موردبحث نیز خداوند خبر از آمدن حق و نابودی باطل می‌دهد، با توجه به مطالبی که بیان شد روشن می‌شود که چون حق توأم با واقعیت، صدق، درستی، دارای عمق و ریشه، هماهنگ با قوانین خلقت، باثبات، سودمند و از جانب خدا و تاییدات اوست، باقی می‌ماند و چون باطل امری موهوم، ساختگی، بی‌ریشه، میان‌تهی، بی‌فایده، ناهماهنگ با آفرینش، بی‌ثبات و از جانب شیطان است، از بین رفتنی است.

نکته قابل توجه در این آیه و امثال آن این است که در این جا سخن از سیطره حق بر باطل نیست؛ بلکه سخن از ظهور مطلق حق و نابودی کامل باطل است. باطل ممکن است مدت کوتاهی جلوه‌گری کند، اما بالاخره عمر او کوتاه است و خاموش می‌شود. حق همانند درخت ریشه‌دار و پرباری است که طوفان‌ها و تندبادهای سهمگین هم نمی‌تواند او را از جا برکند و باطل همانند درخت بی‌ریشه‌ای است که از زمین کنده شده و هیچ رشد و نمو و ثمره‌ای ندارد و از ثبات و قرار محروم است (هادیان، ۱۳۷۷، شماره ۷، ص ۵۸).

پیروزی: سرانجام زندگی اسلامی و تبعیت از آموزه‌های قرآن، پیروزی است که نصیب مؤمنان می‌شود. «این معیت خدای عزوجل با مؤمنین، با پیامبران، با همراهان و اصحاب پیامبران، یک چیزی است که خدای متعال مکرر در قرآن آن را به رخ کشیده. آن وقت نتیجه این شده که پیغمبران به این وعده صادق الهی اعتماد کردند در این آیه شریفه که «فَلَمَّا



تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ \* قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ؛ به مجردی که دیدند که سیاهی لشکر فرعون از دور پیدا شد و الان است که برسد - جلوی شان دریا، پشت سرشان لشکر فرعون - دل‌ها لرزید، [گفتند] «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ»؛ پدرمان در آمد. این‌جا حضرت موسی به اعتماد همان وعده الهی می‌گوید: کَلَّا؛ چنین نیست؛ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ. یا پیغمبر اکرم در غار ثور؛ ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾؛ به اعتماد همین وعده الهی، پیغمبر اکرم می‌گوید «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»؛ ناراحت نباش، محزون نباش. پس هم خدای متعال این وعده را به‌طور قطعی داده است، هم اولیای الهی [مانند] حضرت موسی و پیغمبر اکرم این وعده را باور کرده‌اند و قبول کرده‌اند و به آن ترتیب اثر داده‌اند؛ و این یک حقیقت و یکی از سنت‌های قطعی تاریخ است؛ این یکی از آن سنت‌هایی است که ﴿لَنْ نَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾؛ بلاشک این همیشه هست.» (بیانات رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۴/۱۲/۹۶ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39229>)

وعده «نجات» و «نصرت» مؤمنین از این جمله‌اند:

﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس / ۱۰۳)؛ سپس (هنگام نزول بلا و مجازات)، پیامبران خود و کسانی را که (به آنان) ایمان می‌آوردند، نجات می‌دادیم و همین‌گونه، بر ما لازم است که مؤمنان (به تو) را (نیز) نجات بخشیم.

﴿... فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم / ۴۷)؛ و پیش از تو پیامبرانی را به‌سوی قومشان فرستادیم آن‌ها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی‌که اندرزاها سودی نداد) مجرمان را مجازات کردیم (و مؤمنان را یاری نمودیم) و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما.

عذاب و هلاکت ستم‌پیشگان، وعده خداوند به رسولان خویش از مصادیق همین

پیروزی است:

﴿وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ\* فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا

وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿ابراهیم / ۴۶ - ۴۷﴾؛ آن‌ها نهایت مکر (و نیرنگ) خود را به کار زدند و همه مکرها (و توطئه‌هایشان) نزد خدا آشکار است، هرچند مکرشان چنان باشد که کوه‌ها را از جا برکنند! \* پس گمان مبر که خدا وعده‌ای را که به پیامبرانش داده، تخلف کند! چراکه خداوند قادر و انتقام گیرنده است.

داوری: پس از غلبه بر دشمنان داوری میان مؤمنان و کافران، از سوی خداوند، مورد وعده به پیامبر ﷺ است که شامل جبهه حق می‌گردد تا آنچه شایسته است نصیب مؤمنین شود؛ اما لازمه‌اش توکل بر خدا است که یکی از شاخصه‌های زندگی اسلامی است و همواره در زندگی مؤمنان سرشار است:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ﴾ (نمل / ۷۸)؛ پروردگار تو میان آن‌ها در قیامت به حکم خود داوری می‌کند؛ و اوست توانا و دانا. ﴿فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ﴾ (نمل / ۷۹)؛ پس بر خدا توکل کن، به یقین تو بر حق آشکار هستی.

خلافت: و سرانجام خلافت و وراثت مستضعفان در زمین، مورد وعده خداوند است که کمال زندگی آدمی را تحقق می‌بخشد و سبک زندگی اسلامی را همان‌گونه که باید، به عرصه می‌نشانند؛ به‌گونه‌ای که تمام مظاهر و آموزه‌های اسلامی بدون هرگونه نقص و تحریف، متجلی می‌شود:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص / ۵)؛ ما اراده کرده‌ایم تا بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

روزگاری که تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش در آن، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...﴾ (نور / ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که به یقین،

خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، بر ایشان پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت.... باشد تا در پرتو الطاف پروردگار در تحقق وعده‌هایش و با سبک زندگی اسلامی، شاهد چنین دوران باشکوهی باشیم.

### نتیجه

طبق آنچه گذشت و بررسی آیات قرآن در زمینه‌های مختلف، مشخص گردید که وعده‌های الهی به‌عنوان مشوق‌های مؤثری در تحقق و شکل‌گیری سبک زندگی مؤمنانه به طریقت اسلامی، عمل نموده و ایمان به این وعده‌ها در تمام ابعاد فردی و جمعی زندگی بروز می‌یابند و به تبع آن، عمل صالح و انتخاب‌های درست، سبب رسیدن به حیات طیبه هست که همین از وعده‌های الهی است که تحققش همان سعادت و کمال آدمی است. این وعده‌ها در همه مراحل زندگی راهگشا و راهنما بوده که می‌توان با تعمق در آن‌ها و نیز مثال‌های قرآنی مرتبط، درست و نادرست را در تصمیم‌گیری‌ها تمیز دهیم؛ به‌طور مثال در مواجهه با جبهه باطل که همیشه در جایگاه دشمنی با جبهه حق است، به‌صورت آشکاری رهنمون پیروزی هستند و نیز سبب دلگرمی و امیدواری مؤمن می‌شود؛ تا در پرتو عنایات حق تعالی صبر پیشه کند تا به سعادت جاودان برسد. لذا انقلاب اسلامی با فراهم نمودن بستری امن و مناسب نقشی کلیدی در تحقق و تجلی این سبک زندگی در کشور ما داشته است.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: آیت... ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه
۳. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۲، طرح اندیشه کلی اسلامی در قرآن، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. طباطبائی، سید محمد حسین؛ ۱۳۷۴ ش، ترجمه المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، ج ۱۰، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۵. غیاثی کرمانی، سید محمدرضا، ۱۳۸۹؛ لغتنامه قرآن کریم، قم، چاپ اول، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۶. قرشی، سید علی اکبر؛ ۱۳۷۱ ش، قاموس قرآن، تهران، ج ۷، چاپ ششم، دارالکتب الإسلامیة.
۷. مصطفوی، حسن؛ ۱۳۸۰ ش، تفسیر روشن، تهران، ج ۳، چاپ اول، مرکز نشر کتاب.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۲، پیام قرآن: روش تازه‌ای در تفسیر موضوعی قرآن، ج ۵، چاپ دوم، مطبوعاتی هدف.
۹. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، ج ۱۰، دارالمکتب الاسلامیه.
۱۰. معین، محمد؛ ۱۳۸۱، فرهنگ فارسی معین، تهران، ج ۱، چاپ چهارم، ادنا: کتاب راه نو.
۱۱. مهدوی‌کنی، محمدسعید، ۱۳۸۷، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، ش ۱.
۱۲. مهدیان فر، رضا، ۱۳۹۴، رویکرد تطبیقی به پایان تاریخاز نگاه قرآن و نظریه‌های معاصر، قم، چاپ اول، مؤسسه آینده روشن.
۱۳. هادیان، عبد الرسول، ۱۳۷۷، پیروزی نهایی حق بر باطل، مجله موعود فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷، شماره ۷.
۱۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۳ ه. ش، فرهنگ قرآن، قم، چاپ دوم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۱۵. رحیم پور ازغدی، چیستی سبک زندگی اسلامی ایرانی، ۲۷ شهریور ۱۳۹۲، <http://www.sccr.ir>
۱۶. منگالی، زهرا، مفهوم‌شناسی سبک زندگی اسلامی، پژوهش‌های معنوی، ۲۷ مهر ۱۳۹۶، <http://pmbo.ir>

---

## تأثیر سبک زندگی اسلامی در ایجاد شادی و نشاط از منظر قرآن کریم

---

مریم فخرالدینی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)  
حمید طهماسبی قرابی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مباحث جدید برای بشر معاصر، بحث سبک زندگی است و از آن جایی که نیاز به شادی از هیجانانی است که بیش از امور دیگر مورد توجه قرار گرفته، از امتیازات هر سبک زندگی آن است که بتواند رهاوردی از نشاط و شادمانی را برای انسان به ارمغان آورد. در همین راستا پژوهش حاضر با استفاده از آیه ۹۷ سوره نحل که در آن خداوند به «حیات طیبه» اشاره دارد، در صدد تبیین ارتباط صحیح شادی و سبک زندگی از منظر آیات و روایات است. از این رو این پژوهش با رویکرد مسئله محور و اتخاذ روش عقلی - نقلی ابتدا به بررسی ماهیت سبک زندگی و شادی پرداخته و سپس آیه مورد بحث را از نگاه مفسران مختلف مورد تحلیل قرار داده است. در یافته‌های این پژوهش مشخص شد که بر مبنای آیه

---

۱. مدرس گروه کلام جامعة المصطفی العالمیه اصفهان mtaha\_anj@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان رشته منطق فهم دین h.tahmasebi44@gmail.com

مذکور می‌توان گفت حیات طیبه که نمودار سبک زندگی اسلامی است از سه جنبه جهان‌بینی، انسان‌شناسی و ارزش‌ها و معیارها می‌تواند از دو بعد احساسی و شناختی به ایجاد شادی در افراد کمک کند. در حقیقت، مشخص شد از حیث جهان‌بینی نشئت گرفته از سبک زندگی اسلامی، فرد به نگاهی جامع نسبت به خیر دنیا و آخرت رسیده و به نامحدود بودن نعمات الهی پی می‌برد. انسان‌شناسی برخاسته از این مدل زندگی نیز بر خلافت و جانشینی انسان و مسئولیت‌پذیری وی تأکید دارد. این نوع نگاه مبتنی بر چهار محور گفته شد از بعد شناختی فرد را به شادی می‌رساند. ضمن آن‌که از جنبه ارائه ارزش‌ها و معیارها نیز با تکیه بر ایمان و عمل صالح و صبر و توکل، فرد را از بعد احساسی با شادی و رضایتمندی قرین می‌سازد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، شادی، بیانیه گام دوم انقلاب، حیات طیبه.

## مقدمه

امروزه، «شادی» از مسائل مطرح در فضای فکری - فرهنگی جوامع مختلف و از دغدغه‌ها و نیازمندی‌های اساسی انسان است و به سبب تأثیر آن بر کیفیت بسیار مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. از سوی دیگر «سبک زندگی» به عنوان مفهومی که در جهان معاصر بسیار مورد توجه قرار گرفته، نه تنها در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بلکه در سخنرانی‌ها و مواضع متعدد توسط رهبر معظم انقلاب بدان اشاره شده است ( ) : <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

بنابراین جای آن دارد که پژوهش‌هایی در زمینه تأثیرات مهم سبک زندگی اسلامی که متأثر از قرآن و سنت است، صورت گیرد. طبق شواهد قرآنی می‌توان ادعا کرد که سبک زندگی اسلامی می‌تواند نیاز اساسی انسان‌ها و جوامع به شادی و نشاط را پاسخگو باشد. در این پژوهش، برآنیم تا از منظر آیات و روایات، ماهیت شادی و ارتباط آن با سبک زندگی انسان‌ها را مورد بررسی قرار داده و از رهیافت آن به راهکارهایی برای پایبندی و تعهد بیشتر به سبک زندگی و ایجاد شادی و نشاط در جوامع مسلمین دست یابیم.

اهمیت اثبات تأثیر سبک زندگی اسلامی در ایجاد شادی بدان سبب است که در سال‌های اخیر، جریان روشنفکری که بر بستر سکولاریزم تکیه کرده در تلاش است آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی را کم‌رنگ کرده و انسان را به گذراندن زندگی آرام و شادی بخش در این حیات چند روزه فراخواند (سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۴۸). آنان چون سعادت ابدی، تقرب الهی و کمال روحی را نادیده گرفته‌اند با مطرح کردن لذت‌های سطحی و ظاهری دنیایی بر این ادعا اصرار می‌ورزند که دین و دینداری موجب گوشه‌گیری و افسردگی افراد شده و انسان‌ها را از لذت بردن و رضایتمندی نسبت به زندگی محروم می‌سازد. بر همین اساس، هدف اصلی این پژوهش واکاوی ارتباط شادی با سبک زندگی از دیدگاه اسلام است. بدین منظور از یک آیه مهم در قرآن مجید بهره می‌گیریم.

آیه ۹۷ سوره نحل که از «حیاتی طیبه» برای انسان خبر می‌دهد: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ

أَوْ أَنْتَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ هر کس عمل صالح انجام دهد درحالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام دادند، خواهیم داد». اهمیت این آیه بدان سبب است که با قرار دادن آن در کنار آیه ۱۲۴ سوره طه که از «معیشت ضنک» سخن می‌گوید می‌توان ثابت کرد که حیات طیبه حیاتی همراه با سرور و شادمانی است. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾؛ و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت».

این مقابله بدان جهت می‌تواند در موضوع این پژوهش ما را یاری رساند که حیات طیبه در اصطلاح عبارت است از حیاتی واقعی و جدید که خداوند به کسانی که سزاوارند افزوده می‌فرماید و این حیات جدید و اختصاصی جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترک می‌باشند، نیست در عین این‌که غیر آن است، همان است. تنها اختلاف به مراتب است، پس کسی که دارای آن چنان زندگی است، دو نوع زندگی ندارد بلکه زندگی اش قوی‌تر، روشن‌تر و واجد آثار بیشتر است (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۱۲/۴۹۱).

حیات طیبه یعنی تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی که از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار، ظلم، طغیان، هواپرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تار می‌سازد در امان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۱/۳۹۱). ضمن آن که طبق نظر مفسرین کلمه «ضنک» در هر چیزی که به کار می‌رود تنگی آن را می‌رساند (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۱۴/۲۲۴). در حقیقت «ضنک» و «ضیق» به یک معنا به کار می‌روند (ابن منظور، ۱۴۲۶: ۱۰/۴۶۲).

طبق مطالب مطرح شده از آنجایی که در بیان متداول همه جوامع، شادی به نوعی انبساط خاطر و غم و اندوه به معنای گرفتگی و دلتنگی یاد می‌شود به نظر می‌رسد آیه حیات طیبه می‌تواند راهنمای بشر برای دوری از غم و غصه و رسیدن به شادی حقیقی



باشند. در این پژوهش به تبیین این مسئله خواهیم پرداخت.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱.۱. سبک زندگی

«سبک زندگی» مفهومی نسبتاً جدید است که در واقع شیوه زندگی خاص یک فرد، گروه، یا جامعه را دربرمی‌گیرد. سبک زندگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه است (آجیلی و بیگی، ۱۳۹۲: ۸۸). سبک‌های زندگی می‌تواند حوزه‌های مختلفی از قبیل طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را دربرگیرد. گروه‌های اجتماعی اغلب یک نوع سبک زندگی را انتخاب و یک سبک خاص را تشکیل می‌دهند. به‌طور کلی می‌توان گفت سبک زندگی، شیوه و روش زندگی فرد در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از فردی و اجتماعی است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۴ - ۱۶). سبک زندگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و سلیقه‌هاست که اغلب میان یک جمع ظهور می‌کند و شماری از افراد را صاحب نوعی سبک زندگی مشترک می‌سازد (مهدی زاده، ۱۳۹۰: ۵۷) و به آن‌ها هویتی ویژه می‌بخشد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۴۶) و علاوه بر برآورده ساختن نیازهای انسان، روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند، در برابر دیگران مجسم می‌سازد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷).

از دیدگاه مقام رهبری، سبک زندگی در حقیقت همان «عقل معاش» است (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>) که در روایات از آن سخن رفته است. این موضوع در حقیقت؛ «نرم افزار تمدن اسلامی» است (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>). ایشان دو سبک کلی را برای زندگی تعریف کرده‌اند: سبک زندگی غیرتوحیدی، که در آن تعالیم مکاتب مادی در صدر

است و مفاهیم مصرف‌گرایی، لذت‌گرایی و عرفی بودن دین حاکم است و سبک زندگی توحیدی، که در آن دستورات الهی در صدر است و سیاست، فرهنگ و اقتصاد از این مفاهیم تأثیر می‌پذیرد (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>).

الگوی سبک زندگی مدنظر در این پژوهش همان‌گونه که توضیح داده شد بر محور «حیات طیبه» ای که خداوند آن را وعده داده و «معیشت ضنک» که از آن پرهیز داده و در چهار حوزه «جهان‌بینی»، «انسان‌شناسی»، «ارائه ارزش‌ها و معیارها» و «معنا و هدف زندگی» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲.۱. شادی

در معنای لغوی شادی، در زبان فارسی، علی‌رغم تنوع واژه‌ها، معمولاً به شکل مترادف به کار می‌روند، چنان‌که معمولاً واژه شادی با واژه‌های شادمانگی و نشاط به شکل مترادف به کار می‌رود (عمید، ۱۳۷۹: ۲ / ۱۲۷۴). همچنین واژه خوشحالی به معنای مترادف با شادی به کار می‌رود (همان: ۱ / ۸۹۰). در زبان عربی نیز، واژه‌های مختلفی برای شادی به کار رفته است. از جمله این واژه‌ها «فرح» است که در قرآن هم آمدخ است. البته، فرح معمولاً به لذت‌های زودگذر دنیوی تعریف شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۶۲۸). از دیگر واژه‌ها «سرور» است. برخی آن را به معنای خلاف حزن و به همان معنای فرح دانسته‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۲۶: ۲ / ۱۸۰۲)، لیکن راغب اصفهانی آن را به معنای شادمانی و فرح مکتوم و درونی دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۴۰۴). واژه نشاط نیز در همین ردیف معنایی است و سرزندگی و سرحالی از انجام کاری تعریف شده (فراهیدی، ۱۴۲۵: ۳ / ۱۷۹۲). واژه دیگر «بهجت» است که به لحاظ لغوی به معنای ظهور و بروز شادی آمده و ابن‌سینا آن را در باب شادی معنوی به کار برده است (ابن‌سینا، ۱۳۸۴: ۳۸۸).

ماهیت شادی در دیدگاه روانشناسی بدین صورت بیان می‌شود که در کنار حالات دیگر انسان، مثل خشم و غم و ترس به‌عنوان یک هیجان قرار می‌گیرد (گنجی، ۱۳۸۶: ۱۹۸). روان‌شناسی شادی ماهیت شادی را مرکب از دو جزء احساسی و شناختی می‌داند (آرگایل،

۱۳۸۲: ۴۵). بر همین مبنا گروهی معتقدند که بایستی با تقویت عوامل شادی آفرین و توجه به بعد احساسی، شادی بیشتری به وجود آورد اما در مقابل، گروهی با تأکید بر بعد شناختی، شادی را با عقل و استدلال پیوند می‌زنند و آن را نتیجه شناخت می‌دانند.

رهبری معظم انقلاب در رابطه با معنای شادی و نشاط می‌فرمایند: «نشاط یعنی حوصله کار، نشاط کار، تحرک، که دل انسان آماده باشد برای حرکت کردن، کار کردن، فعالیت کردن؛ خسته و ملول و افسرده و مانند اینها نباشد؛ این معنای نشاط است» ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41779>).

با توجه به آنچه گفته شد بررسی خواهد شد که سبک زندگی در بعد شناختی و احساسی چگونه می‌تواند خالق شادی و نشاط باشد.

## ۲. محورهای الگوی سبک زندگی قرآنی

بر اساس آنچه در رابطه با «حیات طیبه» مطرح شد، الگوی سبک زندگی قرآنی را بر محور مؤلفه‌های «جهان بینی»، «انسان شناسی» به عنوان مهم‌ترین بخش جهان و «ارزش‌ها و معیارها» می‌توان بررسی کرد، زیرا طبق دیدگاه پژوهشگران جامعه‌شناسی نیز سرمایه‌هایی که دین در اختیار افراد قرار می‌دهد شامل اولاً یک جهان بینی و نظام معنایی است که این سرمایه فرهنگی موجب تعالی بخشی نزد افراد می‌شود؛ دوم دین دارای یک نظام نمادی و دارای شعائر است که به پیروان خود سرمایه‌ای نمادین می‌بخشد و سوم، دین دارای گروه یا اجتماعی از پیروان است و همچنین نهاد و سازمان نسبتاً منسجمی است که سرمایه‌های اجتماعی را در هر جامعه پدید می‌آورد (همیلتون، ۱۳۸۷: ۲۹). بنابراین باید تفاوت‌های اساسی حیات طیبه الهی را در این سه حوزه مهم مورد واکاوی قرار داد:

### ۱.۲. جهان بینی

یکی از دستاوردهای دین برای بشریت ارائه جهان بینی و نگرش پیرامون هستی است که بی‌گمان حاصل آن، علم و شهود به ملکوت است و نگرش جامع و کاملی از هستی را به

انسان می‌دهد. شاخصه‌های این جهان‌بینی حاصل از سبک زندگی اسلامی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

## ۱.۱-۱.۲. نگاهی جامع خیر دنیا و آخرت

خداوند در آیه «حیات طیبه» می‌فرماید چنین سبک زندگی، آدمی را به خدا یا عالم «عندیّت» می‌رساند. مهم‌ترین نکته درباره عالم «عندیّت» آن است که همان‌گونه که خداوند محدود به زمان و مکان نیست، محضر او و عالم «عندیّت» نیز در بند این امور نبوده و با پاس‌داری از عهد فطری و میثاق ملکوتی، درک آن و برخورداری از حیات طیبه امکان‌پذیر است. علامه طباطبائی تصریح می‌کنند که تقدّم آن جهان بر این دنیا زمانی نبوده، بلکه همراه آن و محیط بر آن است (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۸ / ۳۲۷). لازم به ذکر است عالم «عندیّت» نه در دوران حیات دنیایی محصور است و نه به حیات اخروی اختصاص دارد، بلکه خیر آن بر دنیا و آخرت گسترده شده و برخورداران از آن در همین دنیا از آن بهره‌مندند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۱ / ۳۸۹).

در آیات مورد بحث سوره نحل، خدای تعالی پس از آن‌که فرمود: عهد الهی را نفروشید، چرا که بهره‌مندالله برای شما نیکو و پسندیده یا بهتر است، برای استدلال بر این مدعا فرمود: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْقَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ؛ آنچه نزد شماست نابودشدنی، و آنچه نزد خداست ماندنی است» (نحل / ۹۶). در آیات دیگر نیز می‌خوانیم: «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (قصص / ۶۰؛ شوری / ۳۶). همچنین آمده است: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ؛ این زندگی دنیا نیست، مگر سرگرمی و بازی» (عنکبوت / ۶۴). لازم است به این نکته اشاره شود که بازی عمل یا مجموعه اعمالی است که برای هدفی خیالی، نظم‌ی خیالی پیدا کرده است مثل بازی کردن کودکان (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۱۶ / ۱۵۴). از همین رو است که می‌توان الگوی قرآنی را جامع تمام نیازهای اساسی انسان دانست به شکلی که مانع غفلت از نیازهای اساسی می‌شود. عالمی که پایدار و همیشگی است و زندگی و شادمانی و برخورداری در آن جا هرگز تباہ نمی‌شود و بدین سان، می‌توان جلال و جمال عالم «عندیّت»

را به تماشا نشست و در جوار قرب الهی و جایگاه صدق، در نور و سرور و سلامت و رحمت و نصرت و علم و کمال و کرامت نامتناهی حق تعالی، پاک زندگی کرد.

### ۱.۲-۲. نامحدود و پایدار بودن نعمت‌های الهی

همان‌طور که گفته شد از دستاوردهای حیات طیبه الهی رسیدن به عالم عنداللهی است. از آن جایی که سرچشمه بیکران و بی‌پایان همه چیز نزد خداست و حتی بهره‌های اندک دنیایی هم جلوه و جرعه‌ای از آن خزانة‌های بیکران عندالله است: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» و هیچ چیز نیست، مگر این‌که معادن آن نزد خداست و به اندازه معین از آن فرود می‌آید» (حجر/ ۲۱)، بنابراین راه یافتگان به عالم عنداللهی هر چه بخواهند، برایشان فراهم است و محدودیتی ندارند: «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (زمر/ ۳۴). این نگرش، اهتمام انسان را از دنیای زودگذر به سرمایه‌های الهی جلب می‌کند و او را از اندوه امور زودگذر دنیایی دور کرده و به نعمت‌های نامحدود و پایدار الهی امیدوار و دل‌بسته می‌سازد.

### ۱.۲-۳. جلوه آیات الهی

عالم عندیت جلوه روشن آیات الهی است؛ چنان‌که فرمود: «أَنَّ مَا الْآيَاتِ عِنْدَ اللَّهِ؛ تمام آیات الهی فقط نزد خداوند است» (انعام / ۱۰۹؛ عنکبوت: ۵۰). کسی می‌تواند آیات الهی را درک کند که چشمی به عالم عندالله گشوده و خبری از آن یافته باشد. عالم سراسر آیات الهی است، اما برای کسی که خداوند را مشاهده کرده و ربط پدیده‌های جهان را با حق تعالی به تماشا نشسته است. آیات الهی تنها برای یادآوری است (انعام / ۱۲۶؛ اعراف / ۲۶؛ کهف / ۵۷؛ سجده / ۲۲؛ نور / ۱؛ غافر / ۳؛ بقره / ۲۲۱؛ انبیاء / ۴۲). بنابراین الگوی قرآنی به انسان‌ها توصیه می‌کند در نگاه به هر چیزی در زندگی‌شان آن را به شکل یک نشانه از وجود خداوند ببینند. این چنین دید و شناختی نسبت به عالم باعث می‌شود افراد هر رویداد یا شیئی را به‌عنوان امری ارزشمند از جانب خداوند در نظر بگیرند و با عبور از ظواهر عالم ماده، باطن

آن را که سراسر یاد و نگاه خداوند است بدانند و این خود، عاملی انرژی بخش برای افزایش نشاط و شادی خواهد شد.

طبق مباحث مطرح شده باید گفت زندگی بر اساس سبک اسلامی و حیات طیبه مورد تأیید خداوند از بعد شناختی می‌تواند موجب ایجاد شادی شود، زیرا طبق دیدگاه‌های روانشناسی، آفریدن به معنی فرایندی است که به موجب آن، افراد رویدادهای زندگی خود را تعبیر می‌کنند و در این رویدادها، منافی می‌بینند و به اهمیت اتفاقاتی که برای آن‌ها پیش آمده پی می‌برند (ریو، ۱۳۸۵: ۴۷۰).

این نوع نگاه و بینش به جهان هستی، نورانیتی را برای انسان به ارمغان می‌آورد که با تاریکی هیچ کمبود و نقص دنیایی از بین نمی‌رود. کسانی به عالم عندالله راه پیدا می‌کنند، جان‌شان از همه تعلقات و تیرگی‌ها رها شده و چنین کسانی را خداوند به حضور خود می‌پذیرد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّاهِدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ؛ کسانی که به خدا و رسولش ایمان آوردند آن‌ها اهل راستی و گواهان نزد پروردگارانند که پاداش و نورشان برای آنهاست». (حدید / ۱۹). کسانی که ایمان آورده‌اند از این نور بهره‌مند می‌شوند همان‌ها که خداوند زندگی‌شان را به وصف حیات طیبه معرفی کرده است: «وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً».

اینها کسانی هستند که خدا را با تمام وجود درک کرده و در میان مردم با این نور حرکت کرده و مایه هدایت خلق هستند: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا؛ آیا کسی که مرده بود، پس او را زنده کردیم و برایش نوری قرار دادیم که با آن میان مردم حرکت کند، مثل کسی است که در تاریکی‌ها وامانده و راه‌گریزی ندارد؟» (انعام / ۱۲۲). بنابراین یکی از آثار حیات طیبه، نورانیت دل انسان است. نورانیتی که انسان با آن طی طریق تعالی می‌کند و شناختی به دست می‌آورد که او را از هر اندوهی دور می‌سازد. خداوند متعال می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا برای شما نوری قرار دهد که به آن راه سپرید» (حدید /

۲۸). نیز می‌فرماید: «آیا کسی که مرده بود و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود، چون کسی است که گرفتار در تاریکی هاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این‌گونه برای کافران آنچه انجام می‌دادند، زینت داده شده است» (انعام / ۱۲۲).

علامه طباطبائی نوشته‌اند: «خدای سبحان در کلام مجید خود، به انسان‌های الهی حیات جاویدی نسبت داده که با مردن سپری نمی‌شود و پس از مرگ در تحت ولایت خدا محفوظ است. در آن زندگی، سختی و فرسودگی نیست، ذلت و شقاوت وجود ندارد و صاحبان آن زندگی غرق در محبت پروردگار و خرسند از تقرب درگاه او هستند و جز با سعادت روبه رو نمی‌شوند و در امنیت و سلامت و نشاط و لذتی به سر می‌برند که با هیچ ترس و خطر و ناپودی آمیخته نیست. چیزهایی را می‌بینند و می‌شنوند که دیگران از آن محرومند و عقل و اراده شان به جایی رسیده که دیگران دست از آن کوتاه داشته‌اند» (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۷ / ۳۴۸).

## ۲.۲. انسان‌شناسی

تعریفی که از سبک زندگی ارائه می‌شود برحسب نگاهی که به انسان وجود دارد، متفاوت خواهد بود و نوع نگاه به انسان نیز خود در درجه اول منبعث از نوع نگاه و جهانی بینی است که مکتب و آیین مسلط در جامعه ارائه می‌دهد و در درجه دوم، ناشی از شناختی است که خود انسان از کارکردها، ویژگی، شاخص‌ها، فلسفه (وجودی) و اهداف خویش از مبحث سبک زندگی انتظار دارد (ولی زاده، ۱۳۹۲: ۳۴).

در سبک زندگی سرمایه‌داری غرب آنچه اهمیت پیدا کرده انسان محوری به جای خدا محوری است. انسان مصلحت‌اندیش منفعت طلبی، مادی‌گرایی و کسب قدرت و لذت را مبنای هر رفتار خود قرار داده است. او تعریفی که در دین در این فضا ارائه می‌دهد از قالب قواعد رفتاری و ارزشهای عقل خود فراتر نمی‌رود. در این تعریف، اگر برخی وجه معنوی قایل هستند، آن را منحصر در زندگی و اخلاق فردی می‌دانند، لذاست که دین خود یک میدان

(زیر فضای اجتماعی) است و افراد در آن در کسب قدرت و سرمایه‌ها به رقابت می‌پردازند (بورديو، ۱۳۸۱: ۱۷۵).

این موضوع بدان دلیل است که سبک زندگی نقش مهمی در تعیین هویت افراد دارد. هویت به معنی "چه کسی بودن" است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی برمی‌آید. در واقع، هویت مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات است که یک فرد را از دیگران متمایز می‌کند. این حس تعلق، بنیادی ذاتی در وجود انسان دارد (منصورنژاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰). آدمی به دلیل اقتضای وجود امکانی و اعتباری خویش هر وقت از اصل خویش بریده شود، هویت خود را از دست می‌دهد. فرد زمانی می‌تواند معنا و هویت پیدا کند که به اصل خویش بپیوندد.

در جوامعی که سبک زندگی آن‌ها اسلامی است ارتباط با خدا اصلی‌ترین رکن هویتی هر فرد است. انسان مستقل از هرگونه یادگیری در درونش تمایل به عبادت و بندگی خدا را احساس می‌کند. تجلی چنین احساس و تمایلی در اعمال و رفتار دینی آشکار می‌گردد و به‌طور کلی رابطه آدمی و دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند، در مقوله هویت دینی قابل تبیین و توضیح است. لیکن هویت در جوامع سرمایه‌داری درست مقابل هویت در جوامع اسلامی است. در این جوامع، ناسیونالیسم و ملی‌گرایی جای هویت دینی را می‌گیرد، هویت تاریخی را از بین می‌برد، و در چهار عرصه ارتباط با خدا، خود، جامعه و خانواده، فرد هویت خود را پیدا نمی‌کند. در این جوامع، صاحبان فناوری با ابداع فرهنگ‌های مهاجم، در صدد مقابله با هویت دینی انسان‌ها برآمدند و هرگونه ارتباط قدسی را در عالم انکار می‌کنند.

هویتی که قرآن از انسان ارائه می‌دهد هویتی جامع است که همه ابعاد وجودی او را در برمی‌گیرد و از آن جایی که شاخصه‌های مطرح شده مربوط به ذات و ماهیت انسان است همه انسان‌ها در هر زمان و مکانی را شامل می‌شود:

## ۲.۱- اصل خلافت و جانشینی انسان بر روی زمین

خداوند در آیه «حیات طیبه» می‌فرماید میان انسان و خداوند تعالی عهد و پیمانی



است که پاس‌داری از آن درهای معنوی را می‌گشاید و آدمی را به خدا یا عالم «عندیت» می‌رساند، عالمی که پایدار و همیشگی است و زندگی و شادمانی و برخورداری در آن‌جا هرگز تباه نمی‌شود. راه یافتن به عالم «عندالله» پاداش صبر و بردباری مؤمنانی است که عهد و پیمان خدا را نشکسته و به بهای ناچیز نفروخته‌اند و به نتیجه‌ای بهتر از عملشان می‌رسند. پاس‌داری و پای‌بندی به عهد الهی کلید ورود به عالم «عندیت» و برخورداری از بهره‌ماندگار و جاودان عندالله معرفی شده است: ﴿وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ﴾.

خداوند در آیه ۳۰ از سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت من بر روی زمین جانشینی قرار خواهم داد. فرشتگان گفتند پروردگارا آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟ ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم و تو را تقدیس می‌کنیم. پروردگار فرمود من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید». خلیفه به معنی جانشین است و در این آیه منظور، خلافت الهی و نمایندگی خدا در زمین است خداوند متعال همه مواهب زمین را برای انسان آفریده است و در این آیه رسماً مسئله رهبری و خلافت انسان را تشریح می‌کند و موقعیت معنوی او را که شایسته این مواهب است، روشن می‌سازد. خواست خداوند چنین بوده که بر روی زمین موجودی بیافریند که نماینده او باشد، صفاتش پرتوی از صفات پروردگار، مقام و شخصیتش برتر از فرشتگان است. خواست او این بوده که تمامی زمین و نعمت‌هایش را در اختیار چنین انسانی بگذارد. بنابراین چنین موجودی می‌بایست سهم وافری از عقل و شعور و ادراک و استعداد ویژه داشته باشد که بتواند رهبری و پیشوایی موجودات زمینی را بر عهده گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۱/ ۱۷۳-۱۷۱).

همچنین خداوند در آیه ۷ از سوره مبارکه حدید می‌فرماید: «به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده در آن قرار داده، انفاق کنید. کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند اجر بزرگی دارند». در این آیه استخلاف انسان به معنای خلیفه کردن اوست و مراد از خلیفه کردن انسان این است که خدای سبحان انسان را در زمین جانشین خود کند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۹/ ۲۶۶). انسانی که خلیفه خداوند است نمی‌تواند

به هر نحوی که تمایل دارد، نوع و سبک زندگی خود را انتخاب کند بلکه بایستی هماهنگ با جایگاه الهی او باشد پس خود را به امور پست و ناچیز که جز درد و رنج دنیایی و اخروی به همراه ندارند، آلوده نمی‌سازد. چنین انسانی معنایی خاص که همان جایگاه والایش در عالم است برای زندگی قائل می‌شود.

امروزه در روانشناسی نیز گفته می‌شود معناداری زندگی امری مهم و انکارناپذیر است، چراکه لزوم وجود معنا از نیازهای انسان است. از جمله عناصری که این نیاز را در انسان پوشش می‌دهد هدف و ارزش است. انسان، به عنوان فاعل بالقصد، نیازمند هدف است تا با توجه به آن، فعالیت‌های خود را سامان دهد (ریو، ۱۳۸۵: ۴۷۰). در نگاه دینی، هدف زندگی ساخته خداوندی است که خالق و آفریننده بشر است و رسیدن به بالاترین درجات قرب الهی را برای او ترسیم کرده است.

## ۲.۲-۲. اصل مسئولیت‌پذیری انسان

خداوند در آیه ۹۵ سوره نحل ابتدا می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَرْوُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» و در ادامه آمده است: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» تا در نهایت به آیه مورد بحث رسیده و به جزای حیات طیبه اشاره می‌کند: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل / ۹۷ - ۹۵). پیوند عمیق این آیات به خوبی نشان می‌دهد که ماندگاری بر عهد الهی مسیری است که انسان را به حیات طیبه می‌رساند و او را از اجری بهتر از آنچه انجام داده برخوردار می‌سازد. بنابراین باید گفت از شاخصه‌های انسان‌شناسی که سبک زندگی اسلامی معرفی می‌کند توجه به عهد و پیمان الهی در زندگی است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آن‌ها از حمل آن سر باز زدند و از آن هراسیدند اما انسان آن را بر دوش کشید. او بسیار ظالم و جاهل بود (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود، ستم کرد)» (احزاب / ۷۲). در این آیه خداوند به پذیرفتن امانت الهی از طرف انسان اشاره می‌کند و بسیار روشن است که

انسان در قبال پذیرفتن آن، مسئولیت دارد و مورد سؤال قرار خواهد گرفت. لذا آیه ۸ از سوره تکوین به همین نکته اشاره دارد: «سپس در آن روز از نعمت‌هایی که داشته‌اید سؤال خواهید شد». بنابراین هر انسانی در برابر هر نعمتی که خدا به او داده مسئول است و بازخواست خواهد شد. خدای تعالی انسان را آفریده، غایت و هدف نهایی از خلقتش را که همان سعادت او و منتهی درجه کمال او است، تقرب عبودی به درگاه خود قرار داده و این تقرب عبودی همان ولایت الهی نسبت به بنده‌اش می‌باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۶۰۵ - ۶۰۳).

بدین ترتیب باید گفت خداوندی که انسان را آفریده، غایت نهایی از خلقتش را که همان سعادت او است، تقرب عبودی به درگاه خود قرار داده است. یعنی باید نوع و سبک زندگی خداپسندانه را انتخاب کند و مسئولیت زندگی خویش را برعهده بگیرد. این رویکرد موجب می‌شود انسان بدون کاهلی و سستی و با مراقبت و تعهد کامل به امور زندگی خود بپردازد. چنین نگاهی جز انجام درست امور مهم زندگی و احساس رضایت و خشنودی، نتیجه‌ای ندارد که روز به روز نشاط، شادی و پویایی را به فرد و جامعه تزریق می‌کند.

آن چنان که ارسطو نیز شادی را نتیجه فعالیت انسان بر اساس شعور و استدلال و به کارگیری عقل و منطق می‌داند و معتقد است شادی حقیقی از ارضای امیال حاصل نمی‌شود، بلکه از انجام شدن چیزی که فضیلت نامیده می‌شود به دست می‌آید. از دیدگاه او سطح ابتدایی شادی لذت و سطح بالاتر موفقیت و در نهایت، بالاترین سطح آن شادی ناشی از معنویت خواهد بود (ارسطو، ۱۳۸۶: ۴۰۹).

همچنین در روانشناسی مثبت نگر، شادی عبارت است از هیجانی که با ارزیابی موقعیت‌های زندگی و احساس رضایت از رسیدن به مطلوبات برای انسان به وجود می‌آید. این دیدگاه با برجسته کردن بعد شناختی شادی، سعی دارد تا از طریق تکرار و عادت، اندیشه‌های خودآگاه را به ضمیر ناخودآگاه منتقل کند. این شاخه از روان‌شناسی بیشتر به دنبال تغییر تفکرات افراد درباره علت رویدادهاست. سلیگمن این رویکرد را «سبک تبیین» می‌نامد و معتقد است توجیه‌های متفاوت از علت وقایع و تفسیری مبتنی بر کلیت، دوام

واسناد درونی و بیرونی، فرد را بدبین یا خوشبین می‌سازد. اگر فردی در مواجهه با اتفاقات ناگوار برای آن‌ها علتی موقتی و گذرا و در عین حال، متأثر از عوامل بیرونی در نظر گیرد، از عزت نفس بالاتری برخوردار است و چنین فردی در برابر رویدادهای خوشایند نیز سبک درونی، کلی و دائمی خواهد داشت و امید و شادمانی در او افزایش می‌یابد (سلیگمن، ۱۳۸۳: ۷۳).

با بررسی انسان‌شناسی مطرح در آیه حیات طیبه این مسأله به خوبی روشن می‌شود که در این نوع از سبک زندگی با تأکید بر اختیار انسان در وفای به عهد در خلافت الهی و مسئولیت‌پذیری نسبت به زندگی خود، نوع شناختی را برای انسان مهیا می‌کند که احساس پوچی و یأس و ناامیدی را از او دور کرده و با تقویت تحرک و پویایی او در مسیر انجام امور مثبت، آدمی را به ارزشمند بودن وجود و زندگی‌اش منوجه ساخته و موجبات لذت‌های حقیقی از این وجود الهی و زندگی با ارزش را برایش فراهم می‌کند. مسیر تأثیر سبک زندگی در ایجاد شادی در این موقعیت، تغییر تفکر افراد و ایجاد حس رضایت از زندگی برای دستیابی به شادی است.

در تأیید این مطلب می‌توان به این آیه از قرآن اشاره کرد که خداوند در آیه ۱۱ از سوره مبارکه رعد می‌فرماید: «خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند». این آیه به این نکته اشاره دارد که سرنوشت هیچ قومی تغییر نخواهد کرد مگر با اراده و اختیار خود آن قوم. در حقیقت خداوند چنین حکم رانده و حکمش را حتمی کرده که نعمت‌ها و موهبت‌هایی که به انسان می‌دهد مربوط به حالات نفسانی خود انسان باشد مثلاً اگر مردمی به خاطر استقامت فطرتشان به خدا ایمان آورده و عمل صالح کردند، به دنبال آن نعمت‌های دنیا و آخرت به سویشان سرازیر شود و مادامی که آن حالت در دل‌های ایشان دوام داشته باشد این وضع هم از ناحیه خدا دوام یابد و هر وقت که ایشان حال خود را تغییر دادند خداوند هم وضع رفتار خود را عوض کند و نعمت را به نعمت مبدل سازد (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۴۲۳). بر این، انسان مختار است

که هر نوع سبک زندگی را برگزیند و نوع سبک زندگی او میزان شادی و فراغت او از دردها و رنج‌ها را تعیین می‌کند.

بر همین اساس است که تفاوت زندگی مادی و حیوانی با حیات واقعی انسان، مشخص می‌شود. خداوند زندگی دیگری را برای انسان مطرح می‌کند که نتیجه آن، کمال وجود آدمی و تحقق بخشیدن به اهداف روحی و معنوی انسان است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اجابت کنید خدا و رسولش را زمانی که شما را می‌خوانند بدانچه زنده تان می‌سازد» (انفال / ۲۴). این نوع نگاه در سبک زندگی اسلامی به انسان می‌آموزد که از نگاه محدود ظاهری به حیات پرهیز کنند. حیات بدین معنا نیست که آدمی چند روزی چون گیاهان و حیوانات حرکت و احساسی داشته باشد و با سپری ساختن روزگار، پرونده حیات او بسته شود، بلکه این پایین‌ترین مرتبه حیات اوست، حیاتی که حقیقی نیست. وی به حیات حسی و خیالی زنده است اما به حیات عقلی و معنوی مرده است. بر همین اساس، قرآن کریم، همین انسان‌های زنده را به حیات دعوت می‌کند. اگر حقیقت حیات تحرک و تنفس و گذراندن روزگار با اشتغال به امور مختلف فردی و اجتماعی بود، چه لزومی داشت خداوند بشر را به حیاتی دیگر فرا خواند. روشن است که مراد از حیات در این آیه، حیات ظاهری و جسمانی نیست. از این رو معنای دقیق‌تر و ظریف‌تر زندگی، حیات حقیقی انسان بر مبنای اندیشه و ایمان به خدا خواهد بود که در جهت هدف منطقی و متعالی قرار گرفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۷ / ۱۷۲؛ ۱۳ / ۶۲۱؛ ۱۳۸۷: ۱۱ / ۵۴۳).

کاملاً واضح است این مطلب که برای مؤمن، حیات و نور دیگری است، مجازگویی نبوده بلکه راستی در مؤمن حقیقت و واقعیتی دارای اثر وجود دارد که در دیگران وجود ندارد و این حقیقت سزاوارتر است که اسم حیات و زندگی بر آن گذاشته شود تا آن حقیقتی که در دیگر مردم است و آن را در مقابل حیات نباتی، حیات و زندگی حیوانی می‌نامیم (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۷ / ۴۶۷-۴۶۵).

### ۳.۲. ارزش‌ها و معیارها

اصلی‌ترین و زیربنایی‌ترین رکن زندگی انسان، اعتقادات می‌باشد که ارزش‌ها و مؤلفه‌های زندگی از آن نشئت می‌گیرد. ارزش عبارت است از عقایدی که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آنچه مطلوب، مناسب، خوب یا بد است؛ دارند. به عبارت دیگر، به اموری که برای اعضا گروه اهمیت دارند و آرمان مشترک اعضا گروه تلقی می‌شوند، ارزش می‌گویند (نجفی پور، ۱۳۸۶: ۷). سبک زندگی ناشی از تمایلات و ترجیح‌ها است و تمایلات، متأثر از نظام معنایی، آموزه‌ها، نهادها و ساختارهایی هستند که پیروانشان را در ایجاد سبک زندگی مبتنی بر آن‌ها توانمند می‌کنند. این‌گونه سبک‌های زندگی ناشی از یک فرهنگ دینی را می‌توان «سبک زندگی دینی» نامید (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۸۷). در نگاه غیردینی انتخاب سبک زندگی به سادگی صورت می‌گیرد چرا که اصالت با فرد و علاقه اوست و زیربنای سبک زندگی بر لذت و سود استوار است. اما یک مسلمان باید زندگی خود را بر اساس آموزه‌های دینی پی‌ریزی کند.

در سبک زندگی اسلامی بر مطلق بودن و فطری بودن ارزش‌های متعالی تأکید می‌شود. نگاه واقعی و غیرتشریفاتی به آموزه‌های دینی و حضور و نقش آفرینی دین در لایه مرکزی نظام ارزشی افراد سبک زندگی دینی را از سایر انواع آن متمایز می‌سازد. در سبک زندگی سرمایه‌داری، دین از مرکز نظام ارزشی فاصله می‌گیرد و اخلاق و ارزش نسبی می‌شود. مهم‌ترین ارزش‌هایی که رمز ورود به حیات طیبه دانسته شده و بی‌شک مؤثر در ایجاد شادی درونی است در موارد زیر خلاصه می‌شود:

### ۳.۲-۱. ایمان و عمل صالح

ایمان معیار حیات طیبه است، به این معنا که با ایمان، می‌توان به حیات طیبه وارد شد. کسی که ایمان کافی داشته باشد بدون تردید، از حیات طیبه برخوردار است و هر قدر ایمان بالاتر رود، درجات بالاتر حیات طیبه نصیب انسان می‌شود: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً». نقش ایمان در رفع غم و اندوه و ایجاد شادی به

صراحت در آیات قرآنی «نیز ذکر شده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِحِينَ مِنَ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛ در حقیقت، کسانی که [به اسلام] ایمان آورده، و کسانی که یهودی شده‌اند، و ترسایان و صابثان، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت، و نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهناک خواهند شد» (بقره / ۶۲).

لازم به ذکر است ایمان به معنای ضد کفر و تصدیق که ضدش تکذیب است آمده و همچنین به معنای رهایی از ترس می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۲۶: ۱۳ / ۲۱). راغب اصفهانی ایمان را از ماده «امن» به معنای طمأنینه داشتن روح، آرامش خاطر و از بین رفتن بیم و هراس می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۱ / ۹۰). از نشانه‌های ایمان حقیقی آن است که علاوه بر تصدیق قلب و اقرار زبان، عمل نیز با آن توأم باشد. آیات متعددی در قرآن همراهی ایمان و عمل صالح را بیان می‌کند از جمله آیه شریفه «و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً گناهانشان را می‌پوشانیم و بهتر از آنچه می‌کردند پاداششان دهیم (عنکبوت / ۷) همچنین در آیات (فاطر / ۷؛ شعرا / ۲۲۷؛ روم / ۱۵؛ عصر / ۳) قرین بودن ایمان و عمل صالح مطرح می‌شود، زیرا ایمان زمانی ارزشمند خواهد بود و می‌توان از آن به ایمان واقعی تعبیر کرد که عمل صالح آن را تأیید نماید.

یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین ارزش‌هایی که قرآن درباره ایمان به آن بحث گسترده‌ای دارد توحید است. بدون شک لازمه اصلی زندگی اسلامی، اصل یگانه دانستن خداوند می‌باشد که آیات متعددی به آن اشاره می‌کند. از جمله آیه شریفه ۸۲ سوره انعام می‌فرماید: «کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالودند، آنان راست‌ایمنی و ایشان راه‌یافتگان هستند». قرآن از موحد به زنده یاد می‌کند و کافر را برابر او قرار می‌دهد، یعنی انسان یا زنده است یا کافر: «لینذر من كان حياً و يحقّ القول علی الکافرین» (یس / ۷۰) و این تقابل نشان زنده بودن موحد و مرده بودن کافر است، چنان‌که در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «و تو

نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته‌اند برسانی» (فاطر / ۲۲). کسانی را که در قبر بدن و طبیعت گرفتارند و هم‌اکنون زنده به گور هستند، نمی‌توانی بشنوانی و هدایت کنی، یعنی کافر مرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۹ / ۵۸۸).

### ۲-۳-۲. صبر

طبق آیه حیات طیبه، صبر زمینه حضور در عالم عندالله و تحقق حیات طیبه می‌باشد: ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٌ وَلَنَجْزِيَنَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ آنچه نزد شماست نابود می‌شود و آنچه نزد خداست پایدار می‌ماند و بدون شک، کسانی که صبر ورزیدند به نیکوتر از عملشان پاداش می‌دهیم» (نحل / ۹۶).

در عالم عندالله، پاداشی است که بسیار نیکوتر از صبر بندگان صالح است و چه بسا نتوان آن را پاداش صبر آن‌ها برشمرد، بلکه این صبر زمینه ورود و حضور در عالم عندالله و برخوردار شدن از آن پاداش‌های نیکوست. این آیه شریفه «صبر» را زمینه ساز ورود به عالم عندالله و بهره‌مندی از حیات طیبه معرفی نموده و از سایر فضایل نامی نیآورده است، زیرا صبر و بردباری پایه عزم و اراده قوی و کارآمد در صحنه مبارزه با نفس است. صبر هنگامی معنا دارد که نفسانیت در برابر فطرت ایستادگی کرده، عامل گرایش به دنیا با عامل گرایش به عالم عندالله رو در روی هم قرار می‌گیرند و با بردباری و پایداری بر عهد فطری و ملکوتی، نفس از پا درآمده و عامل گرایش به عالم «عندیت» پیروز می‌شود. برای حضور در عالم «عندالله» و تحقق حیات طیبه، باید عوامل درونی وابستگی به حیات دنیا را از بین برد و لازمه این توفیق، صبر و استقامت بر عهد عبودیت است که موجب آزاد شدن دل از قید و بند دنیا می‌گردد و پیش از فرا رسیدن مرگ طبیعی، شهادت معنوی و حیات طیبه نصیب بنده بردبار و مجاهد فی سبیل الله می‌گردد.

چنین صبر عظیمی از آن جا نشئت می‌گیرد که فردی با سبک زندگی اسلامی همواره بر خدا توکل دارد. این مطلب در ادامه آیات مورد بحث نیز آمده است: «وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ». این آیه به روشنی نشان می‌دهد که توکل پیوندگاه با حیات حق تعالی و تکیه گاه حیات



طیبیه است، زیرا زنده کسی است که حیاتش به حیات خالقش بستگی داشته باشد و این همانا حیات طیبیه است. در غیر این صورت، حیات فیزیولوژیکی به حیات حق تعالی بستگی ندارد. خداوند در آیه دیگر، توکل را حلقه پیوند با حیات الهی معرفی کرده، می‌فرماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ؛ و توکل کن بر زنده‌ای که هیچ‌گاه نمی‌میرد» (فرقان / ۵۸). در هر عزم و اراده‌ای هم دستور توکل داده شده است: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛ پس هنگامی که عزم و اراده کردی بر خدا توکل کن» (آل عمران / ۱۵۹). بنابراین، برای توفیق یافتن در جهاد با نفس و بردباری و استقامت در آن میدان دشوار، صبر و توکل ضروری است.

با بررسی مؤلفه‌های مربوط به ارزش‌ها و معیارهای لازم جهت ورود به حیات طیبیه الهی، این موضوع به خوبی روشن شد که وجود چنین خصائص و ویژگی‌هایی باعث می‌شود هر فردی به لحاظ بعد احساسی، میزان خشنودی و رضایت بیشتری از زندگی خود داشته باشد و با ایمان و عمل صالح و صبر و توکل، احساسات منفی را از خود دور ساخته و به سمت احساسات مثبت و نشاط‌بخش، پیش رود.

ابن سینا در تعریف شادی می‌گوید شادی نوعی از لذت است و هر لذتی ادراک و آگاهی از حاصل شدن کمالی خاص برای آن قوه ادراک‌کننده است (ابن سینا، ۱۳۸۷: ۶۲). در علم روانشناسی نیز شادی به‌طور کلی به میزان و درجه‌ای از مطلوبیت گفته می‌شود که انسان بر اساس آن کیفیت زندگی خود را به‌عنوان یک کل ارزیابی می‌کند (شهیدی، ۱۳۸۹: ۲۴). البته باید توجه داشت رضایتی که در روان‌شناسی مطرح است از ارزیابی رویدادها و رسیدن به خواسته‌ها و امیال درونی حاصل می‌شود ولی رضایت در مفهوم دینی معنایی وسیع‌تر دارد، چراکه در تعالیم دینی، رضایت دوطرفه است که شامل رضایت فرد از زندگی‌اش و رضایت خداوند از سبک زندگی او را در بردارد:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ - جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ رَبَّهُ»؛ کسانی که ایمان

آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، بهترین مخلوقات‌اند که پاداش آنان نعمت‌های بهشتی و خشنودی خداوند است» (بینه ۸/ ۷-).

این احساس رضایت حاصل از اطاعت پروردگار است همان‌طور که در روایات هم آمده است امیرالمؤمنین فرمودند: «شُرورُ الْمُؤْمِنِ بِطَاعَةِ رَبِّهِ، وَ حُرْنُهُ عَلٰی ذَنْبِهِ؛ شادی مؤمن آن‌گاه است که پروردگارش را اطاعت کند، و اندوهش آن‌گاه که گناه کند» (آمدی، ۱۳۶۶: ۵۰۹).

### نتیجه‌گیری

سبک زندگی اسلامی را می‌توان در مباحث مطرح شده در آیه ۹۷ سوره نحل جست‌وجو کرد. تأثیرات این نوع از سبک زندگی در ایجاد شادی و نشاط از سه جهت جهان‌بینی، انسان‌شناسی و ارزش‌ها و معیارها مورد بررسی قرار گرفت.

از حیث جهان‌بینی می‌توان گفت سبک زندگی اسلامی از طریق ایجاد دو رویکرد «نگاه جامع به خیر دنیا و آخرت» و «نامحدود و پایدار بودن نعمت‌های الهی»، الگوی جامعی از تمام نیازهای اساسی انسان را به او نشان می‌دهد. سرّ بروز شادی از این طریق، ورود به عالم عندیّت است که پایدار و همیشگی است و زندگی و شادمانی در آن جا هرگز از بین نمی‌رود. این نگرش، توجه انسان را از دنیای زودگذر به سرمایه‌های الهی جلب می‌کند و او را از غصه امور زودگذر دنیایی دور کرده و به نعمت‌های نامحدود و پایدار الهی امیدوار و دل‌بسته می‌سازد و به انسان‌ها توصیه می‌کند در نگاه به هر چیزی در زندگی‌شان آن را به شکل یک نشانه از وجود خداوند ببینند و با عبور از ظواهر عالم ماده، باطن آن را که سراسر یاد و نگاه خداوند است بدانند و این خود، عاملی انرژی‌بخش برای افزایش نشاط و شادی خواهد شد. از جهت مبانی انسان‌شناسی نیز مشخص شد که در سبک زندگی اسلامی طبق اصول «خلافت و جانشینی انسان بر روی زمین» و «مسئولیت‌پذیری انسان» معنای زندگی برای انسان روشن می‌شود. انسانی که خلیفه خداوند است خود را به امور پست و ناچیز که جز درد و رنج دنیایی و اخروی به همراه ندارند، آلوده نمی‌سازد. در نگاه دینی، هدف زندگی ساخته خداوندی است که خالق و آفریننده بشر است و رسیدن به بالاترین درجات قرب

الهی را برای او تعیین کرده است. انسان باید نوع زندگی خداپسندانه را انتخاب کند و مسئولیت زندگی خویشتن را برعهده بگیرد و بدون کاهلی و سستی و با مراقبت و تعهد کامل به امور زندگی خود پردازد که موجب نشاط، شادی و پویایی فرد و جامعه می‌شود، زیرا چنین مسیری، نوع شناختی را برای انسان مهیا می‌کند که احساس پوچی و یأس و ناامیدی را از او دور کرده و با تقویت تحرک و پویایی او در مسیر انجام امور مثبت، آدمی را به ارزشمند بودن وجود و زندگی اش منوجه ساخته و موجبات لذت‌های حقیقی از این وجود الهی و زندگی با ارزش را برایش فراهم می‌کند.

سبک زندگی اسلامی از مسیر ارزش‌ها و معیارها نیز به واسطه تأکید بر «ایمان و عمل صالح» و «صبر و توکل» افراد را به لحاظ بعد احساسی، به سمت خشنودی و رضایت بیشتری از زندگی می‌کشاند و احساسات منفی را در آن‌ها از بین می‌برد.

در جمع‌بندی بحث باید گفت سبک زندگی اسلامی با تقویت جنبه شناختی از دو مسیر ایجاد جهان‌بینی و انسان‌شناسی صحیح و با تأکید بر جنبه احساسی از مسیر ارزش‌ها و معیارها موجبات بروز شادی و نشاط بیشتر در فرد و جامعه را ایجاد می‌کند.

## منابع

### کتب:

۱۷. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۸۴، الاشارات و التنبیہات، تحقیق کریم فیضی، قم، مؤسسه مطبوعات دینی.
۱۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، مقاله الاحکام الادویة القلبية، ترجمه حسین رضوی، تهران، نشر نی.
۱۹. ابن منظور، جمال الدین، ۱۴۲۶، لسان العرب، تونس، الدارالمتوسطیه للنشر و التوزیع.
۲۰. ارسطو، ۱۳۸۶، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه صلاح الدین سلجوقی، تهران، عرفان.
۲۱. آرگایل، مایکل، ۱۳۸۲، روانشناسی شادی، ترجمه مهرداد کلانتری، اصفهان: جهاددانشگاهی.
۲۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، ۱۳۶۶، غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۲۳. بوردیو، پیر، ۱۳۸۱، نظریه کنش اجتماعی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، نقش ونگار.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، تسنیم، قم، ج ۵، چ ۵، اسراء.
۲۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸، تسنیم، قم، ج ۹، چ ۳، اسراء.
۲۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، تسنیم، قم، ج ۱۱، چ ۲، اسراء.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۲۶، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، قم، طلیعة النور.
۲۸. ریو، جان مارشال، ۱۳۸۵، انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش.
۲۹. سبحانی، محمدتقی، ۱۳۸۵، مروری بر سنت و سکولاریزم، تهران، نشر و پژوهش معناگرا.
۳۰. سلیگمن، مارتین و همکاران، ۱۳۸۳، کودک خوش بین، فروزنده داورپناه، تهران، رشد.
۳۱. شریفی، احمد حسین و همکاران، ۱۳۹۱، اخلاق و سبک زندگی اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.
۳۲. شهیدی، شهریار، ۱۳۸۹، روانشناسی شادی، تهران، قطره.
۳۳. طباطبائی، سیدمحمد حسین، ۱۳۶۷، المیزان فی تفسیرالقران، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی، تهران، چاپ چهارم، انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
۳۴. عمید، حسن، ۱۳۷۹، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.
۳۵. فاضلی، محمد، ۱۳۸۲، مصرف و سبک زندگی، قم، انتشارات صبح صادق.

۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۲۵، کتاب العین، قم، اسوه.
۳۷. گنجی، حمزه، ۱۳۸۶، روانشناسی عمومی، تهران، انتشارات ساوالان.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳، تفسیر نمونه، قم، چ سیزدهم، دارالکتاب الاسلامی.
۳۹. منصورنژاد، محمد و پروین شیردل، ۱۳۸۵، دین و هویت، تهران، مؤسسه مطالعات ملی تمدن ایرانی.
۴۰. مهدوی کنی، محمدسعید، ۱۳۸۷، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴۱. نجفی پور، فرشاد، ۱۳۸۶، ارزش‌ها و اخلاق، تهران، انتشارات نسل نو اندیش.
۴۲. همیلتون، ملکم، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی دین، تهران، انتشارات ثالث.

#### مقالات:

۴۳. آجیلی، هادی و مهدی بیگی، ۱۳۹۲، «کالبدشکافی سبک زندگی در جامعه سرمایه‌داری»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال چهارم، ش ۱۳.
۴۴. مهدی زاده، حسین، ۱۳۹۰، «... و سبک زندگی»، نشریه سوره اندیشه، شماره ۵۰.
۴۵. ولی زاده، جواد، ۱۳۹۲، ضرورت ارائه تعریف بومی (اسلامی - ایرانی) از سبک زندگی، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷۵.

#### سایت:

<https://farsi.khamenei.ir->

## نقش همدلی و مواسات در سبک زندگی اسلامی

سمیه کریمی<sup>۱</sup>

زهرا توکلی<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)

### چکیده

همدلی و مواسات به معنای مشارکت و یاری عاطفی - اقتصادی در زندگی با دیگران، پیشینه‌ای به قدمت تاریخ آفرینش بشر دارد که به صورت یک ضرورت تکاملی در جامعه مطرح شده و باعث رشد و بالندگی جامعه می‌شود. تدبیر در قرآن و روایات اهل‌البیت علیهم‌السلام نشان می‌دهد که همدلی و مواسات با عناوینی همچون: زکات، احسان، عدل، صدقه، نیکوکاری و... تحت معنای همدلی و مواسات به عنوان یکی از اهداف تربیتی، سیاسی، اجتماعی و از ارزشمندترین دست‌آوردهای دین اسلام معرفی شده است. این دو مؤلفه به صورت بالقوه از دوران کودکی در انسان وجود دارد و تحت تربیت و پرورش والدین در خانواده بالفعل شده و در جامعه به صورت تعامل ارزش‌های ذاتی (مبانی عقل نظری) با خارجی (مبانی عقل عملی) نمود پیدا می‌کند. این نوشتار با استفاده از روش اسنادی و

۱. طلبه سطح ۳ مؤسسه آموزش عالی مجتهده امین و کارشناس ارشد دانشگاه اصفهان. @karimi.so.1387@gmail.com

۲. استادیار جامعه المصطفی العالمیه، نمایندگی اصفهان. Daneshgah56@gmail.com

تحلیل محتوا به تبیین مبانی همدلی و مساوات در آیات و روایات و به دنبال بررسی پیامدهای نهادینه‌سازی آن در جامعه از جمله رشد و پیشرفت در ساحت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و به این نتیجه رهنمون است که چنگ زدن به ریسمان الهی و اصل برادری میان مسلمانان دو مبنای مهم ایجاد همدلی و مساوات در جامعه اسلامی بوده و توجه به این دو اصل می‌تواند باعث رشد و تعالی سطح همدلی و مواسات در جامعه شده و زمینه را برای رسیدن به حکومت آرمانی تحت لقای ولایت صاحب‌العصر و الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم بر آن تأکید کرده را فراهم سازد.

کلیدواژه: همدلی، مواسات، خانواده، سبک زندگی، بیانیه گام دوم.

## مقدمه

وجود انسان به گونه‌ای خلق شده که به صورت فطری متمایل به جمع‌گرایی و شرکت در اجتماع است؛ زیرا بدون رابطه با دیگران، قادر نیست نیاز مادی و عاطفی خود را برطرف سازد. خانواده اولین نهادی است که انسان نیازهای مادی و عاطفی خود را به صورت ابتدایی در آن می‌یابد؛ لذا شخص برای رفع آن‌ها در صدد ایجاد رابطه با اعضای خانواده خویش برمی‌آید. خانواده محوری‌ترین و مناسب‌ترین نهاد اجتماعی است که بستر را برای پرورش و بالندگی انسان‌ها و نهادینه کردن آموزه‌های اخلاق اسلامی و پرورش دادن فطریات بشر مهیا می‌کند. این نهاد تربیتی به مثابه آموزشگاهی برای حرکت و سوق دادن افراد به سمت فضایل است. الگوهای تربیتی در پرورش انسان کارآمد و ناکارآمد مؤثر است. نظر به این‌که فضایی چون همدلی و مواسات بر ساحت جامعه‌پذیری بنیاد می‌گردد. توجه به این بستر تربیتی می‌تواند زمینه‌ساز شکوفایی و رشد ارزشهای بیرونی (وابسته به عقل عملی) و ارزشهای درونی (وابسته به عقل نظری) در انسان شود و فرد و جامعه را به سعادت و کمال ابدی رهنمون سازد. تحقق مواسات و همدلی هم به مثابه نظام‌سازی و هم به مثابه امر اخلاقی، هویتی، ناظر به خانواده و اجتماع اسلامی، اوج و نهایی دارد که در دوره ظهور امام زمان علیه السلام محقق خواهد شد. در اثر تربیت آن حضرت آن چنان اصول عدالت اجتماعی رعایت می‌شود که در آمد سرانه بالا می‌رود و همه افراد اجتماع از مواهب اولیه زندگی برخوردار می‌شوند و مستمند و بیچاره‌ای یافت نمی‌شود که برای رفع نیاز او پولی خرج شود. همان‌گونه که رهبر انقلاب در این‌باره می‌فرماید، حکومت صاحب‌العصر و الزمان (ارواحنا فداه) حکومت عدالت و مواسات است:

«حکومت الهی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) حکومتی است که در آن مقررات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرتهای زورگوی شرق و غرب نیست، بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات و حکومت معنویت و فضیلت است.» ( ) <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=17374>



همدلی و مواسات به انسان‌ها کمک می‌کند تا بتوانند محرومیت‌ها، مشکلات، کاستی‌ها و حوائج خود را تا حد ممکن برطرف کنند و در صورت عدم امکان، راحت‌تر با آن‌ها کنار بیایند و آن را بپذیرند. این امر به کاسته شدن آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق، اعتیاد، دزدی، فحاشی و... کمک می‌کند. از منظر اسلام هرچه انسان از ایمان قوی‌تری برخوردار باشد در یاری رساندن به هم‌نوع خویش استوارتر و محکم‌تر عمل خواهد کرد. از این رو همدلی و مواسات با هم‌نوع در میان فضایل اخلاقی یکی از برجسته‌ترین فرصت‌های رشد انسان و از جمله اصول اخلاق اجتماعی است که دین اسلام به آن اهتمام ویژه دارد و معصومین علیهم‌السلام همواره مسلمانان را به آن توصیه می‌کردند.

ما معمولاً همدلی را به عنوان اتفاقی که در سطح روابط فردی اتفاق می‌افتد، تصور می‌کنیم. اما گاهی اوقات، همدلی می‌تواند به یک پدیده کلان تبدیل شود که تغییرات اجتماعی گسترده‌ای را ایجاد می‌کند. بسیاری از مهم‌ترین تغییرات در تاریخ، نتیجه قوانین یا سیستم‌های اقتصادی دولت‌ها و حکومت‌ها نیست، بلکه در اثر همدلی و مواسات اجتماعی به وقوع پیوسته‌اند. بنابراین با توجه به نقش مهم این دو مؤلفه ضروری است مبنای همدلی و مواسات در آیات و روایات و چگونگی نهادینه‌سازی آن در جامعه و پیامدهای آن در سبک زندگی اسلامی مورد بررسی قرار گرفته تا گامی مؤثر جهت زمینه‌سازی تمدن اسلامی که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) بدان اشاره کرده است فراهم شود و بستر مناسبی جهت حکومت مهدوی در سراسر جهان مهیا گردد.

## ۱. مفهوم‌شناسی همدلی و مواسات

معانی واژگان همدلی و مواسات از بدو ظهور اسلام در کتاب و سُنّت مسلمانان آمده است. آنچه که دانشمندان غربی قدمت آن را حدود ۱۰۰ سال دانسته‌اند<sup>۱</sup>، در دین اسلام

---

۱. مفهوم واژه همدلی (empathy) بیش از یک قرن پیش توسط روان‌شناسان آلمانی اختراع شد. ( Krznaric, )

قریب به ۱۴۰۰ سال پیشینه دارد. تأمل در آیات قرآن کریم و روایات ائمه علیهم السلام در تعریف همدلی و مواسات در توجه به مفهوم واژه مواسات است.

مواسات از ریشه «أسى»، به معنای شریک ساختن، سهم کردن و همکاری نمودن به ویژه در رزق و امکانات زندگی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۳۵) مرد مال یا دارائی خود را با دیگران برابری دهد. (بستانی، ۱۳۷۵: ۷۷) مواسات در ریشه «أسو» به معنای درمان و تیمار و اصلاح کردن (همان همدلی و یاری کردن)، است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱ / ۹۰) در فرهنگ ابجدی مواسات یعنی تسلیت گفتن و نیکی کردن است. (بستانی، همان، ۷۷) و در تاج العروس به معنای مشارکت و یاری کردن دیگران در معاش و رزق است. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۹ / ۱۵۷)

همدلی در اصطلاح به معنای مواسات است. استناد ما به این معنا نقل از فیض کاشانی در کتاب الحیات است: «مواسات در میان برادران، عبارت است از یاری کردن با جان و مال و جز اینها است. درباره هر چیزی که نیاز به یاری کردن داشته باشد؛ در عربی گفته می شود: «أسیته بمالی مؤاساة؛ او را در مال خود شریک برابر قرار دادم.» (حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ۱۳۸۰: ۵ / ۱۵۴) پس مواسات را هم می توان به معنای مطلق همدلی و یاری کردن و هم به معنای کمک مالی اقتصادی و شریک کردن دیگران در اموال خود دانست.

## ۲. مبانی همدلی و مواسات بر اساس آیات و روایات

از آنجاکه همدلی و مواسات دو مؤلفه تأثیر گذار در شکل گیری سبک زندگی اسلامی هستند شناخت مبانی و چونگی نهادهای سازی آن در جامعه اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

6: (2014)، اولین فردی که به صورت علمی واژه همدلی را بیان کرد؛ روان شناس ادوارد برادفورد تیچنر

(Edward B. Titchener) در سال ۱۹۰۹ م بود. واژه empathy ترجمه کلمه آلمانی Einfühlung است.

### ۳.۱. ریسمان الهی

خداوند در قرآن مواسات و همدلی را یکی از مهم‌ترین اهداف تربیتی، سیاسی و اجتماعی و از ارزشمندترین دستاوردهای اسلام، در جامعه آشفته و پراکنده جاهلی صدر اسلام و عصر خاتم الانبیاء حضرت محمد ﷺ دانسته است؛ لذا خداوند به مسلمانان در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران سفارش می‌کند که محور همدلی و مساوات چنگ زدن به ریسمان الهی است:

«و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اهل‌البیت علیهم‌السلام) چنگ بزنید و پراکنده نشوید و گروه گروه نشوید. نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن‌گاه که با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما الفت و پیوند قرار کرد. به لطف و رحمت خداوند برادر هم شدید و در کنار گودالی از آتش بودید پس شما را از آن نجات داد.»

خداوند به مسلمانان یادآوری می‌کند که شما قبل از اسلام با یکدیگر دشمن بودید و خداوند بود که میان دل‌های شما الفت برقرار کرد. حبل‌الله محوری است که خداوند میان خود و خلق خود قرار داده تا مومنان با تمسک به آن به سوی خدا بروند و از عنایات و فضل خداوند بلندمرتبه بهره برده و به کمال و سعادت ابدی برسند. اما این‌که حبل‌الله چه تعریف شده، که به‌عنوان محور همدلی میان مسلمانان قرار گرفته است؟ جواب این سؤال در حدیث ثقلین از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که فرمودند من دو چیز ارزشمند، کتاب خدا و اهل‌بیت را در میان شما می‌گذارم و بنا بر سخن خداوند اگر به آن‌ها چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد. پس بنابر فضل خداوند دو مؤلفه همدلی و مواسات که خاستگاه و ریشه اتحاد و وحدت در جامعه است را می‌توان در (حبل‌الله) کتاب خدا و عترت اهل‌بیت ﷺ مجسم نمود.

اصول جامعه اسلامی، عقاید و احکام ما بر اساس این دو ثقل پایه‌گذاری شده‌اند. خانواده و اجتماع با تمسک به حبل‌الله می‌توانند به یک فهم، زبان و روش مشترک در زندگی دست یابند و با الفت میان دل‌ها و قلوب، خود را به همدیگر نزدیک گردانند. در تفسیر

حبل الله، امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

«بر شما باد عمل کردن به قرآن، که ریسمان محکم الهی، و نور آشکار و درمانی سودمند است، که تشنگی را فرونشاند، نگهدارنده کسی است که به آن تمسک جوید و نجات دهنده آن کس است که به آن چنگ آویزد، کجی ندارد تا راست شود، و گرایش به باطل ندارد تا از آن باز گردانده شود و تکرار و شنیدن پیاپی آیات، کهنه‌اش نمی‌سازد و گوش از شنیدن آن خسته نمی‌شود.» (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: خ ۱۵۹ / ۲۹۱)

دشمنی‌ها، کینه‌ها و درگیریهای اجتماعی، پدیده‌ای ناشی از درون انسانهایی است که مواهبشان عقب مانده و عقب رانده شده و رشد نیافته است. این‌گونه درگیری‌های درونی و نفسانی، به تدریج درون را تهی می‌کند و گودال عمیقی از جهنم می‌گردد که تکیه‌گاه‌ها، بناها و نهادهای انسانی و فطری را سست و بی‌پایه و مسیر حیات را متوقف می‌گرداند. به واسطه این دو مؤلفه و تمسک به حبل‌الله، افراد می‌توانند هرگونه تفرقه در اعتقاد، باور و گفتار را از میان بردارند و همدیگر را یاری، همراهی و درک نمایند.

## ۲.۳. اصل برادری

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مسلمان، برادر مسلمان است: بر او ستم نمی‌کند. تنهائش نمی‌گذارد. به او خیانت نمی‌ورزد.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۰۱)؛ همان‌گونه که در آیه ۲۹ سوره فتح آمده است: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، باید یار و غم‌خوار هم باشید، انسان که انصار مدینه در عهد رسول خدا یار و غم‌خوار مهاجران بودند. «از خدا بپرهیزید و با هم برادر مهربان باشید. به خاطر خدا دوست بدارید. به هم برسید. مهربانی کنید. به دیدار هم بروید. مجتمع شوید و با مذاکره، مکتبِ یاد ما را زنده کنید.» (فتح: ۲۹)

تعالیم فوق به ما می‌گویند که مهربان بودن مسلمانان با هم در گرو اصل برادری است و این هنگامی تحقق می‌یابد که اصل همدلی و مواسات اقتصادی و معیشتی در میان آنان حکم‌فرما باشد، اصولاً به یکدیگر رسیدن و مبادله عاطفه کردن، چیزی است که بر اساس بخشش و انفاق پدید می‌آید و به گردش مال در میان عموم مردم منجر می‌شود، نه بر شالوده

تکاثر و فقر، که مردمان را به مشتت خورندگان و توده‌هایی خورده شده تقسیم کند. (حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ۱۳۸۰: ۵/۱۴۰)

تأکید بر معنای مواسات و همدلی و شمردن آن از نعمت‌های الهی خداوند در آیه ۱۰ سوره حجرات مشاهده می‌شود: «جزء این نیست که همه مومنان با هم برادرند، بنابراین میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید و از خدا پروا نمایید که مورد رحمت الهی قرار گیرید» تأکید بر اخوت میان مسلمانان بیان می‌کند که همدلی و مواسات برای مومنان پشتوانه معنوی و الهی است. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید مسلمان بر برادر مسلمانش ۳۰ حق دارد که برائت ذمه از آن حاصل نمی‌کند مگر به ادای این حقوق یا عفو کردن برادر مسلمانش و آن‌ها چنین است:

«لغزشهای او را بیخشد، در ناراحتی‌ها نسبت به او مهربان باشد، اسرار او را پنهان دارد، اشتباهات او را جبران کند، عذر او را بپذیرد، در برابر بدگویان از او دفاع کند، همواره خیرخواه او باشد، دوستی او را پاسداری کند، پیمان او را رعایت کند، در حال مرض از او مراقبت کند، در حال مرگ به تشییع او حاضر شود، دعوت او را اجابت کند، هدیه او را بپذیرد، عطای او را جزا دهد، نعمت او را شکر گوید، در یاری او بکوشد، ناموس او را حفظ کند، حاجت او را برآورد، برای خواسته‌اش شفاعت کند، عطسه‌اش را تحیت گوید، گمشده‌اش را راهنمایی کند، سلامش را جواب دهد، گفته او را نیکو شمرد، انعام او را خوب قرار دهد، سوگندهایش را تصدیق کند، دوستش را دوست بدارد و با او دشمنی نکند، در یاری او بکوشد خواه ظالم باشد یا مظلوم، او را در برابر حوادث تنها نگذارد، آنچه را از نیکی‌ها برای خود دوست دارد برای او نیز دوست بدارد، و آنچه از بدی‌ها برای خود نمی‌خواهد برای او نخواهد.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲/۲۱۲)

پس یکی از حقوق مسلمانان بر یکدیگر مسئله یاری کردن، همراهی و اصلاح امور یکدیگر است که در سایه برداری مؤمنانه پدید می‌آید و این حاکی از برپائی دو مؤلفه همدلی و مواسات در میان مسلمانان است.

از امام صادق علیه السلام پرسیده شده است، کمترین حق مؤمن بر برادر مؤمن چیست؟ فرمود: «باید در چیزی که خود نیازمندتر به آن است، خود را بر برادر خویش ترجیح ندهد و با مواسات میان برادران خویش، به خداوند تقرب جوید و حرمت مؤمن، از کعبه بزرگتر است.» (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۶۱۴) همچنین در تفسیر آیه سوم سوره عصر فرمودند: «و عملوا الصالحات؛ و کارهای نیکو کردند»، : «بمؤاساة الأخوان؛ یعنی از راه مواسات با برادران». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۲۳) ایشان شایستگی اعمال صالحین را در داشتن ویژگی مواسات و همدلی با برادران خود می‌داند.

سیره و روایت ائمه معصومین علیهم السلام گویای اهمیت همدلی و مواسات است. به نحوی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «سرور اعمال، انصاف دادن مردم از خود و مواسات با برادر دینی و یاد خدای عزّ و جل در هر حال است.» (کلینی، همان، ۳ / ۲۱۵) و در حدیث دیگری بیان نمودند:

«مؤمن را بر مؤمن هفت حقّ و بهره است که از خدا بر او واجب گشته: تعظیم و بزرگداشت هنگام دیدن او، و دوست داشتن او در دل، و مواسات و برابری برای او در مال و دارائی خود، این که غیبت و سخن گفتن پشت سر او را حرام بداند، هنگام بیماری او را عیادت و دیدار نماید، جنازه او را تشییع کند، پس از مردن درباره او جز نیکی نگوید.» (علی ابن الحسین، ۱۳۷۶: ۱۶۱)

مسئله یاری کردن، همراهی و اصلاح امور یکدیگر و توصیه بر تقسیم اموال مسلمانان دارای تمکن مالی هستند به برادران خویش که در رتبه پایین‌تری نسبت به آن‌ها قرار دارند یکی از حقوق مسلمانان است که در سایه برداری مؤمنانه پدید می‌آید؛ به نحوی که پیامبر همدلی و مواسات را از ویژگی‌های مؤمن حقیقی می‌داند: «کسی که در مالش با فقیر مواسات کند و بمردم از خود انصاف دهد، او مؤمن حقیقی است.» (کلینی، همان، ۳ / ۲۱۸)

نمونه کامل الگوی همدلی و مواسات در سیره و سخنان امیرالمومنین علیه السلام مشاهده می‌شود. به گونه‌ای که می‌توان ایشان را ترویج دهنده الگوی همدلی و مواسات در جامعه

معرفی نمود. از اسوه‌های اخلاقی امام علی علیه السلام رسیدگی به وضعیت نیازمندان و فقرای جامعه است. ایشان در طول مدتی که ملبّس به لباس امامت گردیدند، شبانه در کوچه‌های شهر به دنبال منازل فقرا می‌گشتند و کیسه‌هایی از آرد و گندم را به در خانه آنان می‌بردند و بدون آن که کسی متوجه شود از آن جا دور می‌شدند. یا بدون آن که خود را معرفی نمایند به خانه فقرا وارد شده و به آنان خدمت می‌نمودند و حتی برای همدلی و التیام خاطر یتیمان هم بازی آنان می‌شدند. ایشان با این که ولی مسلمین بودند به اعضای خانواده مستضعفان در پخت نان و درست کردن آتش همکاری می‌کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱/۵۲)

سخنان امام علی علیه السلام مؤید سیره ایشان بر همدلی و مواسات با دیگران است:

«بهترین برادران تو کسی است که تو را در خیر (مال) خویش شریک کند، و بهتر از او آن

کس است که تو را از دیگران بی‌نیاز سازد.» (تمیمی آمدی، همان، ش ۴۲/۳۵۶)

«برترین مرتبه جوانمردی به برادران بخشیدن مال است، و همسان آنان زندگی کردن

است.» (همان، ش ۴۹/۷۲۳)

«هر کسی که خداوند مالی را به او ببخشد باید به خویشاوندان خود بخشش کند و

سفره‌های مهمانی بگستراند و اسیر را آزاد کند و از آن به نیازمندان و بدهکاران بپردازد و برای به دست آوردن ثواب الهی در برابر پرداخت حقوق الهی شکیبایی ورزد.» (شریف الرضی،

همان، خطبه ۱۴۲/۲۶۱)

«دست سخاوتمندی ندارد آن کس که از بخشش در راه خدا بخل می‌ورزد! آن کس که

خدا او را مالی بخشید، پس باید به خویشاوندان خود بخشش نماید، و سفره مهمانی خوب

بگستراند، و اسیر آزاد کند، و رنج‌دیده را بنوازد، و مستمند را بهرمنند کند، و قرض وامدار را

بپردازد، و برای درک ثواب الهی، در برابر پرداخت حقوق دیگران، و مشکلاتی که در این راه

به او می‌رسد شکیبا باشد، زیرا به دست آوردن صفات یاد شده، موجب شرافت و بزرگی دنیا

و درک فضائل سرای آخرت است انشاءالله.»<sup>۱</sup> (همان)

روی آورد ما از سخنان و سیره امام علی علیه السلام در ترویج مولفه‌های همدلی و مواسات همین بس که، مسلمانان با تمسک به ایشان، کمک مالی به نیازمندان و مواسات را از اضافه نیاز خود دهند، مسلمانان با یکدیگر در مشکلات شریک شوند، همدلی و غمخواری کنند تا به بالاترین ارزش‌های اخلاقی دست یابند. کسی که دارای دو مؤلفه همدلی و مواسات در رفتار خود باشد جوانمرد است، به ثواب الهی می‌رسد و شرافت و بزرگی و درک فضائل نصیب او خواهد شد.

در سیره و سخن ائمه دیگر نیز به اهمیت همدلی و مواسات در رفتار مسلمانان نسبت به یکدیگر، به نیکی توجه شده است. امام محمدباقر علیه السلام در داستان زیر معتقد است افرادی که از داشتن این دو صفت در اخلاق خود خودداری نموده‌اند، به رشد عقلانی مناسب نرسیده‌اند. سخن ایشان در این حدیث تعلیم بزرگی است که به ما می‌فهماند مواسات اقتصادی و معیشتی، از آثار رشد عقلی و تکامل اجتماعی انسان و تعالی جامعه مردمی است؛ همچنین تحقق یافتن جامعه قرآنی در گرو عملی شدن اصل مواسات است:

«آیا چنین هست که کسی از شما نزد برادرش بیاید و دست خود را در جیب او برد و نیاز خود را بردارد، و آن کس او را از این کار باز ندارد؟ راوی حدیث می‌گوید گفتم: در میان خود چنین کسی را نمی‌شناسم. فرمود: در این صورت (از اخلاق دینی) خبری نیست. گفتم: پس با این وضع همه هلاک شدیم؟ فرمود: این جماعت (شیعه) هنوز به رشد عقلی (لازم) دست نیافته‌اند.» (تمیمی آمدی، همان، ش ۷ / ۷۲۳)

امام صادق علیه السلام در سخنانشان، سرور اعمال را سه چیز دانستند:

«انصاف دادن به مردم از خود، تا آن جا که هر چه خشنودت کند مثلش را برای مردم بخواهی، و مواسات نمودن با برادرت در مال و یاد خدا در هر حال، و آن گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ

۱. برخی از شارحان وی نوشتند که این خطبه بخشی از خطبه ۱۲۶ می‌باشد.



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»، فقط نیست، بلکه هر گاه امر خدای عزّ و جل به تو رو آورد عمل کنی و چون نهی و بازداریش به تو رسد، ترک کنی.» (کلینی، همان، ۳ / ۲۱۴)

امام رضا علیه السلام خطاب به کسانی که توانمند بوده و دارای شرایط اقتصادی خوبی هستند می‌فرماید:

«خداوند فرد توانمند را مکلف کرده تا برای امور بیماران و نیازمندان قیام کنند.» (صدوق، ۱۳۷۸: جلد ۲ / ۸۹)

همچنین بیان نمودند:

«انسان سخاوتمند به خدا نزدیک است، به بهشت نزدیک است، به مردم نزدیک است و از آتش دوزخ دور است و انسان بخیل از بهشت دور است، از مردم دور است و به دوزخ نزدیک است.» (صدوق، ۱۳۷۸: جلد ۲ / ۱۲)

در تعریف ایشان در روایت از سخاوت و سخاوتمندی به تعریف همدلی و مواسات می‌رسیم. تبیین وظیفه انسان نسبت به نعمتهای الهی و اشتراک آن با افراد نیازمند، همدلی و همدردی با بیماران و نیازمندان همگی دلالت بر ضرورت ترویج الگوی مواسات و همدلی در جامعه اسلامی را دارد. همچنان‌که ثامن الحجج علیه السلام در سیره خود چنین عمل نمودند. حضرت مواسات را از بهترین دارایی‌های خویش آغاز می‌نمودند و تلاش جدی در راه اندازی امور مردمی داشتند. امام رضا علیه السلام در اموری که ظاهر و عرف آن‌ها را کارهای بسیار معمولی به‌شمار می‌رفت. ابایی از کمک به مومنان و همدلی و دلسوزی با آن‌ها نداشتند.

دست‌آورد مطالعه و تدبیر در آیات قرآن، روایات و سیره ائمه معصومین همه به اشکال مختلف به اهمیت مولفه‌های همدلی و مواسات در رسیدن به سعادت و کمال در جامعه آرمانی اشاره کرده‌اند.

### ۳. آثار ترویج همدلی و مواسات در جامعه:

همدلی و مواسات نقش تأثیرگذاری در رشد و پیشرفت جامعه دارد که در ذیل به آن‌ها

اشاره می‌شود:

## ۱.۴. رشد و پیشرفت در ساحت اقتصادی

اقتصاد و رفاه اجتماعی گستره وسیعی از مفاهیم و مقولات را دارا است و باعث ایجاد دیدگاه‌های متفاوت در میان اقشار مختلف جامعه شده است. برخی اقتصاد را دانش بررسی روشهای کسب درآمد، توزیع و مصرف کالاها و خدمات روابط سازماندهی امور مالی برای بهره‌برداری بهینه از منابع دانسته‌اند و برخی دیگر میانه راه رفتن برای رعایت اعتدال در دخل، خرج و صرفه‌جویی تعریف کرده‌اند. در نگرش به توسعه اقتصادی، نگاه تک‌محوری (خودشیفتگی)، افزایش کیفیت زندگی و برخورداری از امکانات و مواهب اقتصادی و رفاهی باعث افول کاهش سطح همدلی و مواسات در جامعه شده است. در تحقیقات دانشمندان در سال ۲۰۰۶ میلادی در ایالات متحده تأکید بیشتر افراد جامعه بر ارزش‌های ذاتی خودمحور و تأثیر خودشیفتگی و تمایل به موفقیت مالی است. به‌نحوی که مهم‌ترین هدف زندگی ۸۸ درصد از افراد ۱۸ تا ۲۵ سال در آمریکا ثروتمند شدن است و این خود باعث کاهش سطح همدلی در جامعه شده است. (Krznic, 2014: 5)

ساحت اقتصادی جامعه با مولفه‌های همدلی و مواسات رابطه دوطرفه دارد؛ هر دودسته این عناصر از همدیگر تأثیر متقابل می‌پذیرند. اقتصاد و معیشت از مولفه‌های مهم در سطح جامعه هستند، نیاز بشر به خوراک، پوشاک و سرپناه همیشه انسان را مجبور به فعالیت‌های مختلف برای تأمین نیازهای خود کرده است. پیام اصلی همدلی و مواسات در اقتصاد این است که ما باید به یک تغییر رفتاری از خرید و رفاه که متعلق به ارزشهای ذاتی و هویت شخصی ما است، به سوی بهبود اساس کیفیت روابط و احساس تعامل با دیگران در جامعه روی آوریم. به‌نحوی که منافع مشترک را بر منافع شخصی خود مقدم بدانیم. لازمه اتفاق فوق چنین است که ما باید، انقلابی در زندگی روزمره خود ایجاد کنیم، همدلی و مواسات زمینه‌ساز ارزش‌های ذاتی مبتنی بر روابط و پیوند با دیگران در جامعه است. استفاده از همدلی برای تغییر هویت از من به ما است؛ لذا سازمان‌های جامعه مدنی جهان، همه در حال توسعه استراتژی همدلی و مواسات در جامعه هستند. رهبر معظم انقلاب

اسلامی نیز به تأثیر همدلی و اقتصاد بر یکدیگر اشاره نمودند:

«بنده معتقدم مشکلات اقتصادی کشور که از جمله مهم‌ترین آن‌ها مسائل کارگری است، مسئله معیشت است، مسئله بی‌کار شدن کارگران است و اگر به مسئله تولید توجه شود، حل خواهد شد، اشتغال ایجاد می‌شود، احساس عزت و بی‌نیازی ایجاد می‌شود، البته لوازمی دارد هم سرمایه‌گذار، هم کارگر، هم مصرف‌کننده، هم دستگاه متولی دولتی، همه وظایفی دارند. این کار یک بعدی نیست. همه بایست با هم همکاری کنند تا این سنگ بزرگ را بردارند، این صخره بزرگ را از سر راه حرکت کشور بردارند.» ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29566> )

برای همین ترویج مولفه‌های همدلی و مواسات در جامعه یکی از موثرترین ابزارهای عالی موجود در اقتصاد و تغییر جهت ما از چهارچوب منافع شخصی به چهارچوب منافع مشترک است. آنچه که در جوامع غربی غالب است؛ چهارچوب منافع شخصی و فردگرایی است که در ایدئولوژی و فرهنگ مصرف به‌عنوان یک مشخصه سرمایه‌داری قرن بیستم دیده می‌شود. (ibid, 4) ایجاد همدلی و مواسات اصل ضروری برای تغییر موضوعاتی مانند: فقر و نیازمندی در کشورهای در حال توسعه است؛ زیرا به تغییر جهان‌بینی مردم در جهان کمک می‌کند و عمیق‌ترین سطح انتقال آن به خارج از مرزهای نفسانی، فردگرایی و جامعه مصرف‌کننده است.

اصولاً جامعه‌ای که گروهی از خانواده‌های آن در زندگی مرفه و اشرافی قرار داشته باشند و در ناز و نعمت و اسراف و تبذیر غوطه‌ور باشند. ممکن است خواسته یا ناخواسته آلوده انواع مفاسد گردند. در مقابل این قشر گروهی دیگر از خانواده‌ها که اکثریت افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، نسبت به گروه قبلی از داشتن خیلی از امکانات مورد نیاز زندگی محروم هستند و ممکن است در رفع مایحتاج خود هم دچار مشکل باشند. در این گروه نیز افرادی هستند که از فرط فقر و نیازمندی دچار آلودگی، انحراف جسمی، تجاوز، سرقت و غیره در جامعه می‌شوند. خوب مسلم است چنین جامعه‌ای رنگ جامعه اسلامی ندارد و روی

آرامش را نخواهد دید. ظلم، ستم، خفقان، سلب آزادی، استعمار و استکبار بر آن سایه خواهد افکند. چنین جامعه‌ای، جامعه‌ای نیست که اسلام آن را بپسندد.

دین اسلام به‌عنوان دین برتر بر سایر ادیان و مکاتب، به‌علاقه، محبت و همبستگی بین انسان‌ها اهمیت زیادی داده و سعی نموده در بین اشخاص رابطه عاطفی برقرار کند، به‌طوری‌که زندگی و برخورد آن‌ها توأم با مهر و عطف متقابل باشد. خداوند تبارک و تعالی اهل صحت و سلامت را مکلف ساخته تا قیام به نیازهای آفت‌زدگان و بلادیدگان نمایند، چنان‌که در آیه ۱۸۶ سوره آل‌عمران می‌فرماید: «لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ؛ یقیناً در اموال و جانهایتان، امتحان خواهید شد». یگانه آفریننده عالم هستی بندگان خود را به پرداخت زکات در اموال و جان‌ها را به مهیا شدن برای صبر بر بلائیات و ناگواری‌ها توصیه نموده است. پرداخت زکات، أداء شکر نعمتهای پروردگار عزّ و جلّ و امید زیادت نعمت است و نیز رأفت و رحمت بر پریشان‌حالان و مردم بینوا و کوخ‌نشین و ضعفا است. تحریص بر مواسات و همدردی با فقرا و اعانت ایشان بر امور دینی است. دیدن بینوایان خود موعظه و پندی باشد برای ثروتمندان که با دیدن بدبختی‌های اینان در این دنیا، اغنیاء، به یاد بینوائی آخرت افتند و از این تهیدستی فقرا درس گیرند، به فقیری عالم قیامت و به بیچارگی در آن سامان پی‌برند و تحریص شوند به دادن زکات، بر شکرگزاری خداوند تبارک و تعالی که به آن‌ها ثروت داده و آنان را بی‌نیاز فرموده است، همچنین تحریص شوند بر دعا، تضرّع و در بسیاری از امور مانند اینها چون؛ زکات، صدقه، صله‌ی‌رحم و احسان به دیگران و بترسند از این‌که روزی مانند این بینوایان گردند. (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۲/ ۱۷۳)

مواسات و همدلی در اسلام، مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاقی است که تأثیری به‌سزایی در پیشرفت اقتصاد و رفاه اجتماعی و زائل کردن رد پای فقر و فاصله طبقاتی در جوامع بشری دارد. آنچه که از آیات و روایات به‌دست آمد چنین است که در دین اسلام نیاز برادر مسلمان در جامعه عین نیاز خویش است؛ لذا هر فردی باید بر آن باشد که نیاز دیگری را بر نیاز خود برتری دهد و با کاستن از رنج برادران دینی خود با آن‌ها مشارکت در حل مشکلات و

نیازهای مادی و معنویشان داشته باشد. این عین ستاندن و افزودن بر خویش است و باعث پدیدار شدن آثار مثبت در زندگی فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی می شود و ثمره های معنوی و ملکوتی آن به مراتب بیشتر از فیوضات دنیوی آن خواهد بود.

جوامع کنونی از میلیون ها انسان با افکار و ایدئولوژی، اهداف، غرایز، شرایط اقتصادی و علمی و... متفاوتی، تشکیل شده اند و این منطقی است که در جامعه مشکلات و معضلات مادی به چشم بخورد. از طرفی با بررسی اجمالی بر روی جوامع مختلف می توان به راحتی مشاهده کرد که اکثر جوامع به مشکلاتی مشابهی مانند: فقر، اعتیاد و مشکلات اخلاقی و... روبه رو هستند که نیاز به عزم عمومی افراد جامعه برای حل آن معضلات است. اگر برای حل مشکلات جامعه اقدام شود، این پیام به تمام افراد منتقل خواهد شد که با کنار هم بودن، تلاش و عزم عمومی (همدلی و مواسات) می توان خود را از شر مشکلات رها کرده و به داشتن آینده روشن امید داشت.

#### ۴.۲. رشد و پیشرفت در ساحت سیاسی

التفات به مؤلفه های همدلی و مواسات در جامعه باعث می شود که ما به اوضاع سیاسی داخلی و خارج از کشور خود نیز اهمیت دهیم. به طوری که در مطالعات تاریخی جهان مشاهده می شود که، در اواخر قرن ۱۸ مبارزان بریتانیایی همدلی را علیه برده داری و تجارت برده داری ایجاد کردند و در راستای اشاعه الگوی همدلی در سطح جامعه حدود ۱۰ هزار نسخه متن چاپ کردند. همچنین بردگان سابق را وادار کردند که شهادت های شفاهی خودشان را علیه خشونت برده داری منتشر و در مورد مسائل و مصائب و مشکلات خود صحبت کنند. از این رفتار و اعمال سیاسی نتایج چشمگیری به دست آمد. اعتراضات عمومی و دادخواست های پارلمانی در کشور ایجاد شد. به نحوی که منجر به لغو برده داری و تجارت برده داری در سال ۱۸۰۷ میلادی شد. این اتفاق ناگهانی باعث تغییر سیاست در دول دیگر نیز شد، به طوری که در طول نیم قرن گذشته در ایالات متحده گسترش همدلی با تغییر سیاست و مبارزات سیاسی برای رعایت حقوق شهروندی، رعایت حقوق زنان،

رسیدگی به امورات افراد معلول در جامعه و حمایت از حیوانات باعث تغییر استراتژی این دول شد. (Ruben, 1976: 11)

ایجاد احساس و علاقه مشترک با مردم یک کشور را وقتی می‌توان فراهم آورد که همدلی را فراتر از مرزهای کشور ملی با مردم روی سیاره زمین به وجود آورد و لازمه این امر، تأثیر عمده در جهان‌بینی‌های اساسی و ایجاد نگرش همدلی و مواسات در نسل‌های آینده یک ملت است. اصلی که شبکه مدارس بین‌المللی را فرا گرفته است؛ لذا خدمات گسترده‌ای مانند: کمک و همیاری به خانه سالمندان، بهزیستی، کار با افراد دارای مشکل ناتوانی جسمی و... برای توسعه همدلی و مواسات در طول سال صورت می‌دهند. هدف از این آموزش رشد و پرورش همدلی و مواسات است. به نحوی که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا تشخیص دهند که بخشی از انسان به دنبال آن است که خود را برای خدمت به دیگران کنار گذارد. نخبگان سیاسی اروپا نیز در قرن ۱۹ برای تضمین هویت ملی و وفاداری شهروندان به ملت، از سیستم آموزش‌های عمومی جدید استفاده کردند. (Krznic, 2014: 18 \_ 19) امروزه می‌توان از این سیاست در رشد و تعالی مؤلفه‌های همدلی و مواسات در سطح جامعه ایران نیز بهره برد و از سیستم‌های آموزشی برای تغییر هویت از من به ما استفاده کرد. به نحوی که از تمرکز فردگرایانه یک جامعه که عمدتاً مبتنی بر ارزش‌های بیرونی است بتوان یک راه قدرتمند برای دستیابی به هویت اجتماعی‌گرایی و ارزش‌های ذاتی را منعکس کرد. چنانچه رهبر معظم ایران در سخنان خود به تأثیر سیاست بر همدلی اشاره نمودند:

«پیشرفت اقتصادی، اقتدار عزت منطقه‌ای و بین‌المللی، جهش‌های علمی به معنای واقعی عدالت قضایی و اقتصادی و از همه مهم‌تر ایمان و معنویت آرزوهایی هستند که برای ملت ایران داریم و همه این خواسته‌ها و آرزوها دست یافتنی است و خارج از ظرفیت عظیم ملت ایران و سیاست‌های نظام نیست. محقق این آرزوهای بزرگ مشروط به همکاری، همدلی و صمیمیت دوسویه ملت و دولت است.» (https:

### ۳.۴. رشد و پیشرفت در ساحت اجتماعی

تأثیر همدلی بر رشد و پیشرفت در ساحت‌های اجتماعی وابسته به اصل عدالت محوری در سطح جامعه است. عدالت از جمله اصول اعتقادی شیعیان و حقیقتی فطری است که در عرصه اجتماع و خانواده محقق می‌شود. لازمه داشتن حیات سالم در جامعه در گرو رعایت عدل و عدالت اجتماعی است و چنین است که همه مردم در هر وضع و شرایطی که هستند، هر جور در جامعه عمل می‌کنند و هر استعدادی که دارند، باید عیناً مثل یکدیگر زندگی کنند. این برداشت از عدالت اجتماعی، اجتماعی محض است. یعنی فقط روی جامعه فکر می‌کند و بر روی فرد به تنهایی فکر نمی‌کند. (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۰)

از آنجاکه تصور عدالت پیشه کردن انسان، به تنهایی ممکن نیست، پس می‌توان گفت عدالت مفهومی است که از روابط، تعامل و کنش متقابل انسان‌ها انتزاع می‌گردد. (معمار، ۱۳۹۳: ۴۷-۷۸)

از تعاریف متعددی که پیرامون مفهوم عدالت ارائه شده است، آنچه بیشتر مورد اقبال علمای مسلمان، به‌ویژه فلاسفه و متکلمین اسلامی قرار گرفته است، تعریف عدالت به «وَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ وَاعْطَاءَ كُلَّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ» است. عدالت مفهومی عقلی است و ریشه در فطرت انسان‌ها دارد. به‌گونه‌ای که اگر شریعت به ضرورت اجرای آن در زندگی جمعی امر نمی‌کرد. ضرورت آن برای عقل همچنان قابل درک بود. (برزگر؛ بهمن آبادی، ۱۳۹۷: ۱۳)

به عبارت دیگر، انسان به لحاظ ساختار وجودی مَدَنِيٌّ بِالطَّبَعِ است و نیازمندی‌های گوناگونی دارد؛ لذا حضور او در جامعه، اعم از کوچک و بزرگ اجتناب‌ناپذیر است. بر این، در اجرای عدالت اجتماعی تفاوت‌های موجود میان افراد اجتماع در برخوردای یا محرومیت، به تبع استعدادها و لیاقت‌های آنان است و این معنای بارز «عدل هر چیزی را سر جای خود قرار می‌دهد»<sup>۱</sup> است. همچنین سخن خداوند در آیه ۹۰ سوره

---

۱. از امام پرسیدند عدل یا بخشش، کدام یک برتر است، فرمود: عدالت؛ هر چیزی را در جای خود می‌نهد،

نحل، که در بخش آیات و روایات این مقاله در اهمیت مؤلفه‌های همدلی و مواسات بیان شد، تأکید دیگری بر این مطلب است.

از دیدگاه رهبر انقلاب تحقق اهداف عالی نظام اسلامی از جمله استقرار عدالت در جامعه ارتباط مستقیم با مسئله مواسات دارد به نحوی که آن در ردیف تکالیف مهم و دشوار مؤمنین است:

«علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است، تا کسانی که اهل دست‌اندازی به حقوق دیگرانند، نتوانند ثروتی را که حق همگان است، به سود خود مصادره کنند. این یک وظیفه دولتی و حکومتی است، اما مردم هم به نوبه خود وظیفه سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلند مدّت و میان مدّت و به تدریج امکان‌پذیر است، اما نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خود مردم و همه کسانی است که می‌توانند در این راه تلاش کنند. همه باید خود را موظف به مواسات بدانند. مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیتها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آن‌ها رفتن و دست کمک‌رسانی به سوی آن‌ها دراز کردن. امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسان‌هایی است که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی هستند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر این که یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفه دینی است.» ( ) <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1009>

هرگونه انحراف، تجاوز به حقوق دیگران، افراط و تفریط در جامعه در تناقض با اصل عدل است و مانع برقراری عدالت اجتماعی است. از طرفی التزام به قرار دادن هر چیز در

---

درحالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، درحالی که بخشش گروه خاصی را شامل است، پس عدالت شریف‌تر و برتر است. (رضی، ۱۳۷۹: ص ۱۷۵)



جای خود و رساندن حق به صاحب حق، مصداق اتم و اکمل عدالت اجتماعی است؛ زیرا مبنای آن محترم شمردن حقوق دیگران و در نظر گرفتن مصلحت عموم و توجه به حقوق طبیعی و قراردادی افراد جامعه است. بنابراین می‌توان گفت معنای عدالت با حق مطابقت دارد. زیرا ایجاد تعادل و توازن بین افراد جامعه مستلزم اعطاء حق به صاحب آن است و طبق این دیدگاه، گستره عدالت به وسعت آدای حقوق انسان‌ها است. هرچند آن‌ها در اخذ این حق به دلیل تفاوت در استحقاق‌ها و استعدادها برابر نباشند. (برزگر؛ همان، ۱۴)

از دیدگاه شهید مطهری عدالت رُقای انسانیت به حکم معنویت و شرافت روحی، درد انسان داشتن بر خود، به نحوی که مازاد مخارج خود را به برادران نیازمند تقدیم کند نه این که دارایی هایشان را به زور از آن‌ها بگیریم و به دیگران بدهیم. این اندیشه که تعبیر غربی آن سوسیالیسم<sup>۱</sup> (جامعه‌گرایی) اخلاقی است چیزی است که اسلام همیشه در پی تحقق آن بوده است. (مطهری، همان، ۱۱) پس لازمه به وجود آوردن چنین جامعه‌ای وابسته به ترویج دو مؤلفه همدلی و مواسات در سایه عدالت اجتماعی است.

به تعبیر روشن‌تر در طول زندگی انسان‌ها، مواقع حساسی پیش می‌آید که برای پیاده کردن عدالت، نیاز به احسان، ایثار، همدلی و گذشت است. مؤید این سخن، بیاناتی از امیرالمومنین علیه السلام است که در تعریف مفهوم عدالت، مقتضای عدالت را رعایت استحقاق‌ها می‌دانند، نه الغای تفاوت‌ها میان افراد.

امیرالمومنین علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «کسی که شنیدن حق، یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن، برای او دشوارتر خواهد بود». (شریف‌الرضی، همان، خطبه ۲۱۶ / ۴۴۵) به تعبیر رهبر انقلاب گفتن حق آسان، اما التزام به آن دشوار است. در مورد عدل هم عیناً این‌گونه است؛ زیرا حق همان عدل است و عدل همان حق است. توأصفش آسان، اما در عمل رسیدن به عدالت مشکل است؛ ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3304> ) لذا هر حکومتی در تحقق عدالت

اجتماعی ناگزیر است به حقوقی که برای ملت در نظر گرفته متعهد و ملتزم باشد. ایشان اجرای عدالت را هدف میانی دانسته و فلاح و رستگاری انسان‌ها را از جمله اهداف نهایی برای بشریت معرفی می‌کنند، (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10664>) که در سایه‌سار دو مؤلفه مواسات و همدلی و پیروی از الگوهای واقعی در متن زندگی فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد.

از دیدگاه رهبر انقلاب اصل عدالت اجتماعی و در نظر گرفتن حق توده‌های وسیع مردم و پر کردن فاصله طبقاتی یکی از اصول اصلی نظام و شعار اصلی جمهوری اسلامی است. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3126>) که تأثیری به سزا در تحقق اهداف عالی انقلاب دارد؛ لذا ایشان برقراری عدالت اجتماعی را از شاخصه‌های پیشرفت و توسعه کشورها می‌دانند و اذعان دارند که پیشرفت در علم و فناوری و جلوه‌های متفاوت تمدن مادی منهای عدالت اجتماعی با منطق اسلام ناسازگار است. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21208>) در بیانیه دوم انقلاب اسلامی نیز مقام معظم رهبری اشاره می‌کنند که:

«عدالت و مبارزه با فساد لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه حکومتها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است.» (<https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=44368>)

همان‌طور که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه‌ای ویژه نسبت به عدالت اجتماعی و فراهم نمودن شرایط استفاده عادلانه و مساوی از امکانات کشور برای آحاد جامعه تصریح شده است. بند ۹ از اصل سوم قانون اساسی اشاره به رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی دارد. (<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94166>) همچنین عنایت ویژه حاکم حکومت به اصول مطرح

شده در قانون اساسی در جامعه چنین است؛ تعهد به ایجاد فرصت‌های برابر، از میان برداشتن تمرکز ثروت، پرداختن حقوق مادی و معنوی ملت، ایجاد اشتغال، برطرف نمودن شکاف‌ها و خلأهای طبقاتی، جزء وظایفی است که حکومت در قبال جامعه دارد، البته بدیهی است که در غالب موارد، موانع و مشکلات در اجرا نمود پیدا می‌کند. (مهرپور، ۱۳۸۴: ۲۵)

#### ۴.۴. رشد و پیشرفت در ساحت فرهنگی

احساس همدلی در فرهنگ یک جامعه را همدلی و حساسیت فرهنگی می‌گویند و همدلی فرهنگی آن بعد و جنبه از اثربخشی چند فرهنگی است که بسیار از آن یاد می‌شود. در واقع تمرکز اصلی همدلی در فرهنگ، توجه به مهارت‌های میان فردی یا اجتماعی است. (Ruben, ibid, 332) یکی از موثرترین عوامل فرهنگی در جامعه استفاده از ابزار فرهنگی و ارتباطی است که تأثیر شگرفی بر فرهنگ جامعه و خانواده می‌گذارد. مانند: وسایل ارتباط جمعی که هم می‌تواند ساعت حضور اعضای خانواده را از یکدیگر کم کند و هم می‌تواند تأثیر مثبت بر روابط خانوادگی و اجتماعی داشته باشد. در واقع ترویج الگوی همدلی و مساوات با استفاده از ابزارهای فرهنگی مانند: فیلم، هنر، تأثیر ادبیات و برنامه‌های تعادلی (از جمله داستان‌های شخصی و گروهی)، کمک به مردم در قالب برنامه‌های فرهنگی (جشن عاطفه‌ها، جشن نیکوکاری) عوامل فرهنگی‌ای هستند که نقش به‌سزایی در توسعه الگوی همدلی و مواسات در جامعه دارند.

در یکی از مهم‌ترین مطالعات دانشمندان در میان ۱۴۰۰ دانشجوی بالای ۳۰ سال در دانشگاه‌های آمریکا، نشان داده شده است که همدلی و مواسات در حال کاهش با شدیدترین افت است. دانشمندان در پی ریشه‌یابی و بررسی افول همدلی در میان دانشجویان به این نتیجه رسیدند که، یکی از دلایل کاهش همدلی دانشجویان در فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی، بالا بودن مصرف رسانه؛ مانند: تماشای تلویزیون، سرگرمی آنلاین، تأثیر شبکه‌های اجتماعی (اینستاگرام، فیس‌بوک، تلگرام وات‌ساپ و...) و

کاهش درگیری دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی است. همچنین دلیل دیگر افزایش تمایلات خودشیفتگی و انزوای اجتماعی دانشجویان است. (Krznic, 2014: 9) متأسفانه در ایران نیز این فرهنگ غربی رو به افزایش است. اما اصل آن است که ما بتوانیم از رسانه و وسایل ارتباط جمعی به نفع ترویج دو مؤلفه همدلی و مواسات استفاده کنیم. البته خود غربی‌ها نیز به این نتیجه رسیده و تئوری تماس را مطرح کرده‌اند و گفته‌اند که می‌توان با گفت‌وگو، تجارب گفتگوها و منافع مشترک، موانع فرهنگی - اجتماعی را از بین برد و سطح همدلی اجتماعی را افزایش داد. به عنوان مثال: کمپین‌های آنلاین یا پخش تیزر یا فیلم‌های کوتاه ممکن است مردم را وادار به کمک مالی (مواسات) در کوتاه‌مدت کند. (ibid)

در ایران نیز تأثیر تیزر و تبلیغات فرهنگی در ترویج الگوی مواسات و همدلی مؤثر بوده است. به طور مثال؛ برنامه ماه غسل، یا پخش زنده برنامه خندوانه با موضوع کمک به ساخت مجموعه ورزشی برای کودکان ناتوان جسمی یا بد سرپرست، توسط خیریه و برخورد با کسری بودجه آن مؤسسه باعث شد که در طی چندین ساعت قریب به چند میلیارد تومان پول توسط مردم واریز و جمع‌آوری گردد. توصیه رهبر معظم انقلاب به مدیران فرهنگی را نیز می‌توان بر تأثیر فرهنگ بر ترویج دو مؤلفه همدلی و مواسات در جامعه دانست:

«فعالیت‌های فرهنگی باید با هدف تعمیق تدّین باورهای دینی و ارزشهای اسلامی صورت گیرد. تا آینده مستقل متعالی و سرافرازانه ملت تضمین شود». ( <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=18308> )

تشویق به همدلی و مواسات نوعی فرهنگ‌سازی است. تشویق کردن در امور مختلف می‌تواند موجب ایجاد انگیزه، امید و هدف در افراد و تحریک و تهییج آن‌ها برای انجام کاری شود. به همین دلیل از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در تشویق دیگران، گروه‌ها و نهادهای مختلفی تأثیرگذار هستند. (نمایندگی ولی فقیه سپاه، ۱۳۷۹: ۶۱) مانند: بزرگان و شخصیت‌ها برجسته علمی، دینی، ورزشی، سیاسی، اخلاقی و...، مسئولین و

سرپرستان امور اجرایی، رسانه‌ها در طیف‌های مختلف، آموزش و پرورش، خانواده‌ها و... از دیگر زمینه‌های همدلی، می‌توان به فضای مناسب فرهنگی در سطح جامعه اشاره کرد. گاه اتفاق می‌افتد که همدلی‌ها به جهت نبود فضای مناسب، کارایی خود را نندازند و یا اصلاً همدلی‌ای شکل نمی‌گیرد. (همان، ۶۵) چرا که با مشاهده فضای نامناسب، افراد انگیزه و اهداف خود را دست‌نیاافتنی دیده و از رسیدن به آن ناامید می‌گردند و به همین دلیل همدلی را امر بی‌فایده تلقی می‌کنند. بنابراین تاجایی که ممکن است، باید تلاش افراد جامعه و نهادهای مردمی و دولتی، جهت ایجاد فضای مناسب برای فرهنگ‌سازی مهارت همدلی باشد. البته به این نکته نیز باید توجه داشت که یکی از کارکردهای بسیار مهم همدلی، ایجاد فضای فرهنگی مناسب است. در واقع می‌توان گفت که ما یک رابطه دوری و تقابلی میان فضای فرهنگی مناسب و فرهنگ همدلی و مواسات را در جامعه ناظر هستیم به طوری که هر دو می‌توانند کمک‌کننده و مکمل یکدیگر باشند.

بنابر آنچه گذشت باید گفت همدلی و مواسات نقش اساسی در زمینه‌سازی شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی و ایجاد تمدن‌سازی نوین اسلامی خواهد داشت؛ زیرا که رشد در ساحت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال دارد که مقام معظم رهبری از آن‌ها در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان محورهای پیشرفت اسلام در جهان یاد کرده است.

### نتیجه

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب بر ایجاد سبک زندگی اسلامی تأکید کرده و معتقد است انقلاب اسلامی می‌تواند تمدن‌ساز باشد. همدلی و مواسات، دو مؤلفه اثرگذار در ایجاد سبک زندگی اسلامی و دلیل اصلی اصول آزادی و انفاق و از اجزای ضروری عدالت اجتماعی هستند. آنچه که از مبانی اسلام، قرآن و احادیث ائمه معصومین به دست می‌آید، ترویج الگوی همدلی و مواسات در جامعه برای تغییر هویت از من به ما است و عدم تصور همدلی و مواسات در جامعه ریشه تعصب استعمار و خشونت و بی‌عدالتی در جامعه

است. پس حذف شناخت همدلی و مواسات باعث عدم پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه می‌شود. از مبانی مهم همدلی و مواسات در آیات و روایات نهادهای سازی اصل برادری در جامعه مسلمانان و چنگ زدن به ریسمان الهی است و این دو رمز موفقیت جامعه اسلامی شمرده شده است. در نهایت آنچه که در ترویج الگوی همدلی و مواسات در جامعه نقش اساسی دارد، ایجاد تعادل بین دو دسته از ارزش‌ها (ارزش‌های درونی و بیرونی) است و شاه کلید آن ایجاد تعادل بین آثار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی است که به دست حکومت اسلامی و خانواده در جامعه محقق و نهاده می‌شود. در دوره زندگی هر یک از افراد جامعه، تفکر رفتار همدلی و مواسات باید با هر فردی از درون خانواده به عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی پرورش یافته و بزرگ شود تا ثمره آن در سطح جامعه دیده شود. آن‌گاه این جامعه، جامعه‌ای آرمانی می‌شود که انشاءالله اداره آن به دست صاحب‌العصر والزمان عَلَيْهِ السَّلَام سپرده خواهد شد.

## فهرست منابع:

قرآن

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

۴۶. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۲ش). ترجمه عیون أخبار الرضا علیه السلام، (ترجمه: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری)، چاپ اول، تهران، نشر صدوق.
۴۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق). لسان العرب، (تصحیح و تحقیق: جمال الدین میردامادی)، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۴۸. امام صادق علیه السلام، (۱۳۶۰ش). مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه، (ترجمه حسن مصطفوی)، چاپ اول، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۴۹. بستانی، فؤاد افرام، (۱۳۷۵ش). فرهنگ ابجدی، (مترجم: رضا مهبیار)، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی.
۵۰. تمیمی آمدی، (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد، (محقق سید مهدی رجائی)، چاپ دوم، قم، دارالکتاب الإسلامی.
۵۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، (تصحیح و تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام)، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۵۲. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، (تصحیح و تحقیق: علی هلالی و علی سیری)، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
۵۳. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، (۱۳۸۰ش). الحیات، (ترجمه: احمد آرام)، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹ش). نهج البلاغه، (ترجمه: محمد دشتی)، چاپ اول، قم، مشهور.
۵۵. شیخ صدوق، (۱۳۷۸): عیون أخبار الرضا علیه السلام، (تصحیح و تحقیق: مهدی لاجوردی)، تهران، نشر جهان.
۵۶. علی ابن الحسین، (۱۳۷۶ش). صحیفه سجادیه، (ترجمه: علی نقی فیض الاسلام)، تهران،

فقیه.

۵۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۶۶ش). روضة الواعظین، (ترجمه: مهدوی دامغانی)، چاپ اول، تهران، نشر نی.

۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ش). گزیده الکافی، (ترجمه: محمد باقر بهبودی)، چاپ اول، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹ش). أصول الکافی، (ترجمه: سید جواد مصطفوی)، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامی.

۶۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، (تصحیح و تحقیق: جمعی از محققان)، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۶۱. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۶۲. نمایندگی ولی فقیه سپاه، (۱۳۷۹). رهیافت‌های سیاسی در کلام مقام معظم رهبری، تهران، کوثر ولایت.

#### مقاله:

۶۳. برزگر، ابراهیم؛ بهمن‌آبادی، شهلا، (۱۳۹۷ش). "عدالت اجتماعی در آراء آیت‌الله جوادی آملی از منظر وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی"، اندیشه سیاسی در اسلام، زمستان، شماره ۱۸.

۶۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۷). "عدالت اجتماعی"، تربیت، آذر ماه، شماره ۳۳.

۶۵. معمار، ثریا، (۱۳۹۳). "تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی (ع)"، فصلنامه علمی پژوهی شیعه‌شناسی، پاییز، دوره ۱۲، شماره ۴۷.

۶۶. مهرپور، حسین، (۱۳۸۴). "برقراری عدالت هدف جمهوری اسلامی"، فقه و اصول، حکومت اسلامی، تابستان، شماره ۳۶.

#### سایت:

۶۷. دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir>.

۶۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون اساسی ایران جمهوری اسلامی، <https://rc.majlis.ir>.



منابع انگلیسی:

- 69.1. Krznaric, Roman, (2007) , Empathy and the Art of Living, Oxford the Blackbird Collective: published in by United Kingdom.
- 70.2. Krznaric, Roman, (2014) , The Empathy Effect, Penguin Random House.
- 71.3. Ruben, B, (September 1976) , Assessing Communication Competency for Intercultural Adaptation, Group & Organization Management

## فصل دوم

---

معنویت و اخلاق در سبک زندگی

---

## تبیین چگونگی تأثیر دعا بر معنویت و اخلاق به عنوان یکی از اهداف بیانیه گام دوم انقلاب با تأکید بر دعای مکارم الاخلاق

طاهره عبداللهی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)  
احسان شکوهمند<sup>۲</sup>

### چکیده

دعا در متون دینی به عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباط با خداوند مورد تأکید قرار گرفته است. از سویی دعای مکارم الاخلاق به جهت دربرداشتن مضامین بسیار غنی و مفاهیم اخلاقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ لذا این پژوهش برآن است تا با روش تحلیل محتوای کیفی، به تبیین چگونگی تأثیر دعای مکارم الاخلاق بر تحقق معنویت و اخلاق به عنوان یکی از اهداف بیانیه گام دوم انقلاب بپردازد. تحلیل محتوایی فرازهایی از این دعا، نشان می‌دهد که دعا، علاوه بر آثار تکوینی و هدایتی ناشی از استمداد دعاکننده از خداوند جهت نیل به کمال اخلاقی، ظرفیت‌های ویژه‌ای برای طراحی الگوهای تربیتی در

۱. دکتری تفسیر تطبیقی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام الله علیها. [abdolahee@gmail.com](mailto:abdolahee@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی، [shukuhmand@gmail.com](mailto:shukuhmand@gmail.com)

ساحت اخلاق و معنویت دارد به گونه‌ای که می‌توان از طریق کاربرست این الگوها در تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی، عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه افزایش داد. از جمله، در بخش نخست دعا، ضمن بیان مراحل کمال فردی، راهکارهای نیل به آن مراحل و آسیب‌ها و رذایل اخلاقی متناظر بیان شده است، به گونه‌ای که علاوه بر آثار تربیتی ذی قیمت بر روی دعاکننده می‌تواند الهام بخش طراحی الگوهای پیشرفته تعلیم و تربیت برای صاحب‌نظران تربیتی باشد.

کلیدواژگان: دعا، معنویت و اخلاق، دعای مکارم الاخلاق، بیانیه گام دوم.

## مقدمه

از محورهای مورد بحث در بیانیه گام دوم انقلاب توصیه به معنویت و اخلاق می‌باشد. این مسئله به‌ویژه در زندگی فردی و اجتماعی آحاد جامعه اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. رهبر انقلاب، معنویت و اخلاق را جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه می‌داند؛ بودن آن‌ها محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن‌ها، با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. (متن بیانیه گام دوم انقلاب)

از جمله راهکارهای تبیین معنویت و اخلاق مراجعه به سیره و روش امامان معصوم علیهم السلام است که بهترین و کاملترین الگوی عملی را ارائه می‌دهند در این میان ادعیه مؤثر از امامان نقش بسزایی در تبیین معنویت و اخلاق دارند. دعای بیستم از صحیفه سجادیه (مکارم الاخلاق و مرضی الافعال است که حاوی نکات اخلاقی بالایی بوده و بسیار مورد توجه عالمان دینی قرار گرفته است؛ اما تحقیق‌های انجام شده بیشتر به شرح و تفسیر این دعا پرداخته‌اند و تاکنون پژوهشی با تحلیل محتوای فرازهای دعا، به بررسی تأثیر این دعا در ابعاد مختلف اخلاق و معنویت فرد و جامعه نپرداخته است.

این پژوهش برآن است با روش تحلیل محتوا به عنوان یکی از کارآمدترین روش‌های

تحقیق به جهت بیان مراحل کمال انسان و ارائه راهکارهای نیل به این کمال در جهت ارتقای معنویت و اخلاق در فرد و جامعه از زبان گهربار امام سجاد علیه السلام پرداخته و فراتر از بیان نقش دعا به عنوان عامل جهت دهنده و اثر بخش در حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی به طراحی الگوی تعلیم و تربیت متناسب با اهداف بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته است.

به عبارتی دیگر آنچه در این دعا مورد نظر می‌باشد؛ بیان ویژگی‌های فرد حائز مکارم الاخلاق و جامعه برخوردار از کمال اخلاقی است و این‌که امام چه مسیری را برای نیل به این اهداف معرفی می‌کند و چه راهکارهایی را ارائه می‌دهد؟

از میان رویکردهای مختلف در اخلاق، موضوعات اخلاقی به تناسب متعلق افعال به «اخلاق الهی»، «اخلاق فردی»، «اخلاق جمعی» و «اخلاق محیط زیست» تقسیم می‌گردد که در تحلیل فرازهای دعا، به جهت رعایت حجم مقاله، بر سه محور اخلاق الهی، فردی و جمعی تأکید گردیده است. و با توجه به گستردگی فضایل مطرح در دعا- دو محور ۱. عبودیت، بندگی (اخلاق فردی) ۲. مودت، نیکی، اعتدلال، میانه‌روی و برقراری پیوند با دیگران (اخلاق اجتماعی) می‌باشد. همچنین شناخت آسیب‌های سیر معنوی به عنوان یکی از تأثیرات دعا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. مفهوم معنویت

واژه «Spirituality» به معنویت ترجمه می‌شود. «معنویت» اسم مصدر و به معنی معنوی بودن (دهخدا، واژه «معنویت») در مقابل صوری، مربوط به باطن و درونی است. (فرهنگ عمید، واژه «معنویت») مصباح می‌گوید برخی معتقدند معنویت، با آگاهی از بعد غیر مادی به وجود می‌آید و ارزش‌های تشخیصی، آن را مشخص معین می‌کند. این ارزش‌ها به دیگران، خود، طبیعت و زندگی مربوط هستند و به هر چیزی که فرد به عنوان غایت قلمداد می‌کند،

اطلاق می‌شود. (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۳۶) مروری بر تعاریف معنویت حاکی از آن است که اغلب تعاریف قائل به دو بعدی بودن معنویت هستند. بعد اول، معنویت مذهبی است و بعد دوم، معنویت وجودی است که در آن تجربیات روان‌شناختی خاصی که در واقع ارتباطی با وجود مقدس یا واقعیت غایی ندارد، مد نظر می‌باشد. تعریف سنتی معنویت، بر مذهب و دین تأکید می‌کند، در حالی که در سال‌های اخیر معنویت به‌طور وسیع‌تری تعریف شده و یکپارچه‌کننده همه جنبه‌های زندگی و تجربه بشر است. واژه معنویت و مشتقات آن گرچه در منابع اصیل اسلامی به کار نرفته است ولی در ادبیات مسلمانان رواج یافته است.

## ۲. دیدگاه اندیشمندان درباره معنویت

امام خمینی در صحیفه امام می‌نویسد: معنویت مجموعه صفات و اعمالی است که شور و جاذبه قوی و شدید و درعین حال منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم به‌طور اعجاب‌آوری پیش ببرد. (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶/ ۷) مرتضی مطهری نیز معنویت را نوعی احساس و گرایش ذاتی انسان نسبت به امور غیر مادی مانند علم و دانایی، خیرخواهی، جمال و زیبایی، تقدس و پرستش می‌داند که وجه تمایز انسان و موجودات دیگر می‌باشد. (مطهری، ۱۳۷۲: مقدمه‌ای بر جهان‌بینی توحیدی) علامه طباطبائی اساس سیر باطنی و حیات معنوی را پذیرش اصالت عالم معنی می‌داند؛ عالمی که شامل کمالات باطنی و مقامات معنوی به‌عنوان «واقعیت‌های حقیقی بیرون از واقعیت طبیعت و جهان ماده است» (علی مصباح، ۱۳۸۹، ص ۲۸، واکاوی مفهومی معنویت و مسئله معنا) مقام معظم رهبری در متن بیانیه گام دوم انقلاب، معنویت را به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و جامعه دانستند. (بیانیه گام دوم انقلاب)

## ۲. مفهوم اخلاق

«اخلاق» واژه عربی است که مفرد آن «حُلُق» و «حُلُق» می‌باشد و به معنای «سرشت،

طبیعت» به کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۰۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲؛ طریحی، ۱۳۷۵؛ واژه خلق). این واژه در اصطلاح دانشمندان معنای متفاوتی دارد. مهم‌ترین این معانی عبارتند از: ۱. صفت‌های پایدار نفسانی؛ ۲. صفت‌های فعل؛ ۳. اخلاق نیک و فضیلت‌های اخلاقی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۵)

در بیانیه گام دوم، اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع و اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکوست. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن‌ها، با برخورداری مادی، جهنم می‌سازد. (متن بیانیه گام دوم)

### اخلاق الهی

مراد از «اخلاق الهی»، آن دسته از فضیلت‌ها و رذیلت‌های انسانی است که با توجه به رابطه انسان و خداوند لحاظ می‌شوند؛ مانند خضوع و خشوع در برابر خدا در اثر درک عظمت خداوند بلند مرتبه، ایمان و یقین به خدا و... و یا رذیلت‌های اخلاقی و کارهای ناپسند انسانی همانند غفلت، کفر، نفاق و استکبار.

### اخلاق فردی

کارهایی است که به خود شخص مربوط می‌شود و رابطه با خدا در آن‌ها اصالتاً منظور نیست. «اخلاق فردی» همانند «اخلاق الهی» به دو دسته کلی فضیلت‌ها همانند زهد، قناعت، محاسبه نفس و رذیلت‌ها همانند دنیاگرایی، عُجب، کبر، سستی و تنبلی و پیروی از ظن و گمان تقسیم می‌شود.

### اخلاق اجتماعی

منظور ملکات و صفاتی است که در رابطه و معاشرت انسان و جامعه پیدا می‌شود



به گونه‌ای که اگر جامعه و اجتماعی در کار نباشد، آن صفات مفهومی نداشته و تحقق نمی‌پذیرند؛ «اخلاق اجتماعی» همانند «اخلاق الهی و فردی» به دو دسته کلی فضیلت‌ها همانند عفو و گذشت، مودت و اخوت با مؤمنان، نفرت از دشمنان، وفای به عهد، شنیدن سخن حق، مدارا، وجدان کاری.... و رذیلت‌ها همانند عیب‌جویی از دیگران، بخل، عزلت، سوء ظن، ظلم، غیبت، تهمت و تمسخر... تقسیم می‌شود. (صادقی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۴ به نقل از اخلاق اسلامی مصباح یزدی)

### ضرورت پرداختن به دعای مکارم الاخلاق با نظر به توصیه‌های بیانیه گام دوم:

دعای مکارم الخلاق یا دعای بیستم صحیفه سجاده‌ایه از دعاهای مأثور از امام سجاد علیه السلام که در آن برای کسب اخلاق نیک و انجام کارهای پسندیده و دوری از رذایل اخلاقی، از خداوند درخواست یاری می‌شود. درخواست‌ها در این دعا شامل اخلاقیات در سه محور اخلاق الهی، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی است. همچنین امام سجاد علیه السلام در این دعا به موانع رشد انسان و راه‌های نجات او از شر القائنات شیطان اشاره کرده است. این دعا به دلیل دربرداشتن تعالیم انسان ساز جهت کسب اخلاق و انجام کارهای پسندیده، دعای مکارم الاخلاق نامیده شده است.

رهبر کبیر انقلاب در زمانی که دشمنان انقلاب گمان‌های باطلی در سر داشتند و در آستانه چهل‌مین سالگرد پیروی انقلاب اسلامی و قدم نهادن در دهه پنجم حیات خود، با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» به تبیین دستاوردهای شگرف چهارده دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرمودند.

«بیانیه گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی و... خواهد بود. در توصیه‌های رهبری «معنویت و اخلاق» جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌ها فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. از سویی مضامین دعای مکارم الاخلاق در بردارنده محورهای اخلاق فردی و اجتماعی است که بیان‌گر اثر دعا بر معنویت و اخلاق می‌باشد.

## تحلیل محتوای دعای مکارم الاخلاق

تحلیل محتوا روشی کیفی است که به بررسی عمیق محتوای مورد نظر می‌پردازد؛ به گونه‌ای که منجر به استخراج الگو و در نهایت به استخراج نظریه منجر می‌گردد. از این رو با بهره‌گیری از این روش، فرازهایی از دعای مکارم الاخلاق در جدول ذیل پیاده‌سازی شده است که به جهت رعایت حجم مقاله تنها به ذکر جنبه اخلاق الهی، فردی و جمعی اکتفا شده است.

در فرازهای نخست دعای مکارم الاخلاق، ابتدا نقشه راه برای رسیدن به مراحل کمال انسان ترسیم شده است؛ با این توضیح که، در ابتدا چهار مرحله، تکمیل ایمان، نیت، یقین و عمل بیان می‌گردد. (اخلاق الهی) سپس راهکارهای برخورداری از فضایل اخلاقی و دفع رذایل در غالب آسیب‌های سیر معنوی برای رسیدن به رشد و کمال اخلاقی مطرح می‌شود. همانگونه که پیشتر مطرح شد با توجه به گستردگی فضایل مطرح در دعا- دو محور ۱. عبودیت، بندگی (اخلاق فردی) ۲. مودت، نیکی، اعتدلال، میانه‌روی و برقراری پیوند با دیگران (اخلاق اجتماعی) مورد نظر قرار گرفته، همچنین شناخت آسیب‌های سیر معنوی به عنوان یکی از تأثیرات دعا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## بیان مراحل کمال اخلاق

متن دعا	موضوع کلی	رویکرد اخلاقی
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،	درخواست درود بر پیامبر و خاندانش	اخلاق الهی
وَيَلِّغْ بِيَأْمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ	درخواست اکمال دین	اخلاق الهی
وَإِنَّهُ بِنِيَّتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَاتِ	درخواست احسن نیت	اخلاق الهی
وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ	درخواست افضل یقین	اخلاق الهی
بِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ	درخواست احسن اعمال	اخلاق الهی

### عبودیت و بندگی

متن دعا	موضوع کلی	رویکرد اخلاقی
عَبْدِنِي لَكَ	درخواست قرارگرفتن در مسیر بندگی	اخلاق الهی
وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ	عدم فساد عبادت با عجب	اخلاق فردی
وَعَمْرِي مَا كَانَ عُمْرِي بِدَلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكَمَ عَضْبُكَ عَلَيَّ.	درخواست طول عمر در مسیر بندگی و اطاعت	اخلاق فردی
وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ	دوری از سستی و تنبلی در عبادت	اخلاق فردی
فَلَا أَشْتَغَلْ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أَحْتَمِلُ إِضْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ.	دوری از عبادت به جهت طلب روزی	اخلاق فردی
وَاشْتَغِمْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ	اشتغال ب طاعت در ایام مهلت	اخلاق فردی
وَازْرُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ	درخواست صحت در عبادت	اخلاق فردی

### مودت، نیکی و برقراری پیوند با دیگران، اعتدلال و میانه روی

متن دعا	موضوع کلی	رویکرد اخلاقی
وَأَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَيَّ بِدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ	خیرخواهی و دوری از منت گذاری	اخلاق اجتماعی
إِضْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ	اصلاح گری	اخلاق اجتماعی
صَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ،	برقراری پیوند و اخوت با مومنان	اخلاق اجتماعی
حسن السیره	خوش رفتاری	اخلاق اجتماعی

### دوری از بدرفتاری، دشمنی و ظلم

متن دعا	موضوع کلی	رویکرد اخلاقی
أَبْدِلْنِي مِنْ بَعْضِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةِ	درخواست تبدیل کینه به محبت	اخلاق فردی - اجتماعی
وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبُغْيِ الْمَوَدَّةِ	درخواست تبدیل حسد به مودت	اخلاق اجتماعی
وَ مِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الْيَقَّةِ	تبدیل بدگمانی به اطمینان	اخلاق اجتماعی
وَ مِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنِيِّينَ الْوَلَايَةِ	تبدیل دشمنی به دوستی	اخلاق اجتماعی
وَ مِنْ عُقُوبِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَةِ،	دوری کردن خویشان را به خوشرفتاری	اخلاق اجتماعی

### بیان مراحل کمال اخلاق

در فرازهای ابتدایی دعای مکارم الاخلاق، امام سجاد علیه السلام پس از درخواست درود بر محمد و خاندانش، از خداوند کاملترین درجه ایمان، بالاترین مرتبه یقین، بهترین درجه نیت و بهترین اعمال را درخواست نمودند. (اخلاق الهی) سپس در ادامه دعا، راهکارهای رسیدن به این مراتب را بیان داشتند و آفت‌هایی که در مسیر حرکت اخلاقی و معنوی انسان قرار دارد را متذکر شدند. از میان راهکارها دو محور ۱. عبودیت، بندگی (اخلاق فردی) ۲. مودت، نیکی، اعتدلال و میانه روی و برقراری پیوند با دیگران (اخلاق اجتماعی) مورد نظر قرار گرفته و برخی آفت‌ها به اختصار بررسی می‌شود.

### درخواست بندگی و عبودیت

از آنجاکه جوهره انسان در بندگی خدا نهفته است، مهم‌ترین فضیلت انسان، پرستش و کرنش در مقابل خداوند می‌باشد و همین جنبه عبادی انسان، سبب امتیاز بر دیگر موجودات می‌گردد و زمینه‌ساز رسیدن به کمال انسانی می‌شود.

امام سجاد علیه السلام در پیشگاه الهی عرض می‌کند: «عَبَدْنِي لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ»  
بارالها! مرا به عبودیت و ذلت در مقابل ذات مقدست وادار ساز و عبادتم را بر اثر عجب

فاسد منما.

راغب اصفهانی در معنای عبودیت می‌نویسد: «العبودیه اظهار التذلل و العباده ابلغ منها لانها غايه التذلل» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ۱/ ۳۱۹) عبودیت به معنای اظهار ذلت است، ولی عبادت بالاتر از عبودیت است، زیرا عبادت نهایت درجه تذلل است و این تذلل نهایی، فقط و فقط شایسته ذات اقدس الهی است برای آن‌که او آفریدگار و مالک واقعی تمام عوامل هستی است و همه موجودات در پیشگاه مقدسش بندگی دارند.

در کتاب ریاض الساکین ذیل جمله و عبدنی لک آمده: ای ذللتی. یعنی بار خدایا! مرا در پیشگاه مقدس خود، ذلیل قرار ده. شاید بتوان در تفصیل و توضیح جمله و عبدنی لک این احتمال را ذکر نمود که امام سجاد علیه السلام می‌خواهد در پیشگاه خدا عرض کند: بارالها! همانطور که بر ابراهیم خلیل منت گذاردی و درباره‌اش فرمودی: و اتخذ الله ابراهیم خلیلاً. و فرمودی: خداوند، ابراهیم را خلیل خود گرفت و او را به دوستی خویش برگزید، بر علی بن الحسین نیز منت بگذار، مرا بنده خود بگیر و به این عزت و افتخار سر بلندم فرما. (مدنی شیرازی، بی تا: ۳/ ۲۹۶)

راغب در مفردات قرآن می‌گوید: و عبدت فلانا اذا اتخذته عبداً. موقعی که شخصی را به بندگی خود بگیری می‌گویی عبدت فلانا یعنی فلانی را بنده خود گرفتم. سپس راغب از قرآن شریف شاهد می‌آورد و سخن حضرت موسی را ذکر می‌کند که به فرعون گفت: و تلک نعمه تمنها علی ان عبدت بنی اسرائیل بر ما منت می‌گذاری که بنی اسرائیل را به بندگی و بردگی خود گرفتی؟ (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ۱/ ۳۳۰)

به عبارت روشنتر خداوند را دوست داشتن برای بندگان با ایمان مایه سربلندی و افتخار است، ولی از آن مهم‌تر این است که خداوند نیز بنده با ایمان را به دوستی خود برگزیند و او را خلیل خویش قرار دهد و این افتخار به تصریح قرآن، نصیب ابراهیم خلیل گردید. همچنین، افراد با ایمان به بندگی خداوند مباحات می‌کنند و از این‌که طوق بندگی غیر خدا را به گردن نگرفته و اسیر آن نشده‌اند مسرورند. البته بندگی خداوند به آدمی قدر و قیمت

می‌بخشد و به وی عزّ و بزرگی می‌دهد، ولی مهم‌تر از بندگی خدا این است که باری تعالی عبودیت بنده را بپذیرد و او را بنده خود بگیرد. جمله و عبدنی لک که در دعای امام سجاد علیه السلام آمده ممکن است ناظر به این مهم باشد و امام علی علیه السلام می‌خواهد عرض کند: بارالها! من بندگی و عبودیت را در پیشگاه مقدست و وظیفه قطعی خود می‌دانم و تا آن جا که بتوانم عمل می‌کنم ولی از تو می‌خواهم که بر من منت بگذاری، مشمول تفضلت قراردهی، تذلل را بپذیری و مرا به عبودیت و بندگی خودت بگیری. تذلل و عبودیت در پیشگاه الهی موجب طاعت و فرمانبرداری از اوست و اطاعت از اوامر باری تعالی مایه عز و محبوبیت است. بندگی و اطاعت از هوای نفس آدمی را به راه گناه سوق می‌دهد و گناه مایه خواری و ذلت گنهکار است، راه رهایی از ذلت گناه بازگشت به سوی خداوند و اطاعت از اوامر ذات مقدس اوست. (رک: فلسفی، ۱۳۹۸: ۱/ ۶۷)

عن ابی عبد الله علیه السلام قال: من اراد عزاً بلا عشیره و غنی بلامال و هیبه بلاسلطان فلینتقل عن ذل معصیه الله الی عز طاعته؛ امام صادق علیه السلام فرموده: کسی که می‌خواهد بدون داشتن عشیره و فامیل در جامعه عزیز باشد، آن کس که می‌خواهد بدون داشتن ثروت و مال غنی و بی‌نیاز باشد، آن که می‌خواهد بدون دارا بودن سلطه و قدرت واجد هیبت و ابهت باشد باید از محیط ذلت گناه به فضای نورانی اطاعت از باری تعالی منتقل گردد. (مجلسی، ۱۳۱۵: ۱۷۸ / ۶۸؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/ ۱۶۹).

#### درخواست طول عمر تا زمان خدمت در اطاعت

در سخن امام علیه السلام «عَمَّرَنِي مَا كَانَ عُمُرِي بِذُلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ...» دو کلمه به کار رفته که برای روشن شدن بحث، لازم است در مورد هر دو به اختصار توضیح داده شود: یکی کلمه بذله است و آن دیگر کلمه مرتع. بذله در لغت عرب به معنای لباس کار و خدمت است. به کار بردن این تشبیه بسیار لطیف در کلام امام می‌تواند روشنگر پاره‌ای از حقایق جالب باشد. امام سجاد علیه السلام از خدا درخواست عمری دارد که در تمام شبانه روز برای او لباس کار و خدمت در اطاعت ذات اقدس باری تعالی باشد، حتی عمری را که در خواب صرف می‌کند

به منظور حفظ سلامت و اطاعت از امر حضرت احدیت باشد، به عبارت دیگر، اگر لباس عمر در تمام شبانه روز، جامه اطاعت از فرمان خدا باشد، برای امام سجاد علیه السلام ارزشمند و پرقیمت است، اما اگر عمر گاهی در طاعت الهی صرف شود و گاه در عصیان سپری گردد، آن عمر در نظر امام سجاد علیه السلام لباس اطاعت نیست و فاقد ارزش مورد نظر امام است.

مرتع در لغت عرب به معنای چراگاه است. امام سجاد علیه السلام به پیشگاه خدا عرض می‌کند: بارالها! اگر عمر من چراگاه شیطان باشد آن را از من بگیر و به زندگیم پایان بخش. به کار بردن کلمه مرتع در مورد عمر، تشبیهی بسیار لطیف است و حاوی پاره‌ای از نکات دقیق و جالب توجه است. خوراک گاو و گوسفند را گاهی در کیسه‌ای می‌ریزند و به گردش می‌آویزند، تمام جیره غذایی حیوان چیزی است که در کیسه ریخته‌اند. اما اگر گاو و گوسفندان را به چراگاه ببرند در آن جا میدان وسیعی دارند، به هر طرف که بخواهند می‌روند، هر گیاهی را که سر راهشان باشد می‌خورند، خاصیت مرتع وسعت میدان فعالیت حیوان در چریدن است. (رک: فلسفی، ۱۳۹۸: ۱/۲۵۰)

شیطان نیز در مرتع عمر آدمی میدان فعالیت بسیار وسیع دارد، گاهی از اعضای ظاهری بدن استفاده می‌کنند مانند چشم و گوش و زبان و دست و پا و هر کدام را به مسیر گناه سوق می‌دهد و آدمی را به اعمال غیرمشروع وایمی‌دارد. گاهی در چراگاه باطنی عمر انسان وارد می‌شود، فکر و اندیشه و تخیل و توهم را زمینه فعالیت‌های خود قرار می‌دهد و انسان را به راه گناه می‌برد، گاه آدمی را وادار می‌کند که به اعمال غیر مشروعی راضی شود و بر اثر این رضایت به گناه با آنان که مرتکب معاصی شده‌اند شریک شود، خلاصه، مرتع عمر آدمی برای چریدن شیطان میدان بسیار وسیعی دارد، هم از نظر جنبه ظاهری و قوای مادی بدن و هم از نظر معنوی و نیروهای روحانی انسان. علی علیه السلام در موارد متعدد وسوسه‌های گوناگون شیطانی را خاطر نشان فرموده و پیروان خود را از آن برحذر داشته است، از آن جمله در یکی از خطبه‌ها فرموده است: **إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَيِّ لَكُمْ طُرُقَهُ، وَ يُرِيدُ أَنْ يَحْلَلَ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً، وَ يُعْطِيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِثْنَةَ، فَاصْدِفُوا عَنْ نَزْعَاتِهِ وَ نَفَثَاتِهِ، وَ اقْبَلُوا**

التَّصِيحَةَ مِمَّنْ أَهْدَاهَا إِلَيْكُمْ وَاعْقُلُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ: شیطان، راههای خود را برای شما آسان می‌کند و قصدش این است که پیوندهای دینی ضمیرتان را گره گره بگشاید، جماعت شما را به پراکندگی مبدل سازد، و با تفرق افکنی ایجاد فتنه و فساد نماید، و برای همیشه مسلمانان را سیه روز و بدبخت کند. (خطبه ۱۲۱ نهج البلاغه)

### درخواست استمرار خیرسانی به دیگران

«وَ أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقُهُ بِالْمَنِّ» اگر کسی یک یا چند بار در طول یک ماه صدقه بدهد عمل خیر انجام داده، ولی آن را صدقه جاریه نمی‌گویند.

امام علیه السلام که از خداوند جریان خیر را برای مردم به دست خود تمنی می‌کند شاید از این نظر باشد که می‌خواهد بگوید: بارالها! در طول زندگی و سایل را به گونه‌ای مهیا فرما که خیر من به طور مستمر عاید مردم شود و هرگز منقطع نگردد.

علی علیه السلام موقعی که مالک اشتر را مأمور مصر می‌نماید و حکومت آن کشور پنهاور را به وی می‌سپارد دستورهایی لازم را ضمن عهدنامه مبسوطی که مرقوم فرموده، به وی می‌دهد و در اوایل نامه از بشر دوستی و محبت سخن می‌گوید و توصیه می‌کند که این سجیه انسانی را درباره تمامی مردم از مسلمانان و غیر مسلمان رعایت بنماید.

وَ أَشْعُرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ، وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعاً صَارِيّاً تَعْتَبِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ... مالک! دلت را مهیا کن تا با رحمت و محبت و یا لطف و مهربانی با مردم برخورد نمایی. مبدا همچون درنده‌ای که خوردن شکار خویش را مغتنم می‌شمارد با آنان موجه گردی چه آن که مردم مصر دو گروه‌اند: یا از نظر دینی برادر تو هستند، یا از جهت آفرینش و خلقت همانند تو، و در هر صورت، انسان‌اند و باید با روش انسانی با آنان معامله نمایی. (نامه ۵۳ نهج البلاغه)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الخلق عيال الله تعالی - فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللهُ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللهُ - أو أَدَخَلَ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِ سُرُوراً وَ مَشِيٍّ مَعَ أَخٍ مُسْلِمٍ فِي حَاجَتِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللهُ تَعَالَى مِنَ اعْتِكَافٍ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. همه خلق عیال خدا هستند، پس



محبوب‌ترین خلق به درگاه خدا کسی است که به عیال خدا سودی رساند یا خانواده‌ای را خوشحال کند یا در پی برآوردن حاجت برادر مسلمانش باشد که این نزد خدا از اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام محبوب‌تر است.؛ (مجلسی، ۱۳۱۵: ۷۱ / ۳۱۶)

احساس نمودن و نفع رسانیدن به بندگان خدا لازمه دگردوستی و انسانیت است و این مهم در اسلام، پسندیده و ممدوح شناخته شده است. امام علیه السلام از خدا می‌خواهد که او را در طول ایام زندگی به انواع خوبی‌ها و خیرات نسبت به انسان‌ها موفق و موید بدارد.

ناگفته نماند که نه تنها احسان و نیکی به مردم باعث جلب رحمت باری تعالی است، بلکه احسان به حیوان نیز می‌تواند آدمی را مشمول رحمت خداوند بنماید و بر اثر آن گنااهش مورد عفو قرار گیرد.

### درخواست برقراری پیوند، صلح و سازش

امام سجاد علیه السلام در فرازی دیگر از خداوند درخواست نمودند «صَمِّ أَهْلَ الْفُرْقَةِ»، «بارالها! موفقم مدار تا آنان را که گرفتار پراکندگی و تفرق‌اند به هم پیوند دهم». اختلاف و پراکندگی می‌تواند منشأ فساد شود و افراد را به گناهای از قبیل بدگویی و دشنام، تحقیر و اهانت، غیبت و تهمت و گناهای بزرگتر وادار سازد، از این رو امام علیه السلام برای حفظ عدل از پیشگاه خداوند، پیوند دادن پراکندگان و اصلاح ذات البین را تقاضا نموده است.

قرآن شریف در موارد متعدد، مسلمانان را از تفرق و پراکندگی منع نموده و آنان را از این بلای بزرگ که ذلت و سقوط در پی دارد بر حذر داشته است. یک جا فرموده: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾؛ ریسمان خدا را محکم در دست نگاه دارید و پراکنده نشوید (آل عمران: ۱۰۳)

قرآن شریف اختلاف کلمه را در ردیف عذاب‌های سماوی و ارضی به حساب آورده و فرموده است: قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذابا من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعا و یذیق بعضکم بأس بعض؛ ای پیامبر! به مردم بگو: خداوند قادر است عذاب

را از بالای سر شما یا از زیر پای شما بفرستد یا شماها را دچار اختلاف کلمه نماید و بعضی به عذاب بعض دیگر گرفتار آیند. (انعام: ۶۵)

### درخواست اصلاح ذات البین

«إِصْلَاحَ ذَاتِ الْبَيْنِ» «توفیقم ده که اختلاف بین افراد را با اصلاح دادن آنان از میان بردارم».

اصلاح ذات البین و پایان دادن به اختلاف دو یا چند نفر مسلمان از اعمال مقدس در آیین اسلام می باشد و در این باره روایات بسیاری از اولیای گرامی اسلام رسیده است. عن النبی صلی الله علیه و آله: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مَنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، فَإِنَّ فَسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ؛ رسول اکرم (ص) فرموده: آیا به شما خبر ندهم به چیزی که درجه آن برتر و بالاتر از نماز و روزه و صدقه است؟ آن اصلاح ذات البین است. زیرا تیره شدن رابطه بین مردم ریشه کن کننده دین است. (ورام، ۱۴۱۰: ۳۹/۱)

الإمام الصادق عليه السلام: صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ: إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا، وَ تَقَارُبُ بَيْنِهِمْ إِذَا تَبَاعَدُوا. امام صادق عليه السلام: صدقه ای که خدا آن را دوست دارد عبارت است از: اصلاح میان مردم هرگاه رابطه شان تیره شد، و نزدیک کردن آن ها به یکدیگر هرگاه از هم دور شدند. (کلینی، ۱۳۶۹: ۲/۲۰۹)

علل و عوامل متعددی می تواند مایه اختلاف شود و دو نفر را از هم جدا کند. گاهی جدایی بر اثر عدم رعایت حدود و حقوق اخلاقی دوستان است و گاهی منشأ اختلاف، امر مالی است، و گاه عوامل دیگر. کسی که می خواهد اصلاح ذات البین نماید باید بکوشد که ماده اختلاف را از میان بردارد و ائمه معصومین علیهم السلام این مهم را به هر شکلی که بود اصحاب و دوستان خویش را حل می کردند.

در حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله صریحاً آمده است که اصلاح و صلاح ذات البین از نماز و روزه افضل و برتر است. اگر کسی سؤال کند که علت این مزیت و برتری چیست و چرا اصلاح و صلاح ذات البین بالاتر از نماز و روزه است، می توان گفت: نماز و روزه به منزله دو

شاخه بزرگ و ثمر بخش از شجره طیبه اسلام است و هر دو در پیشگاه الهی قدر و منزلت بسیار دارند ولی می‌دانیم که اصل درخت یعنی اسلام از دو شاخه نماز و روزه به مراتب مهم‌تر است زیرا شاخه از درخت ارتزاق می‌کند و موقعی زنده است و بار و برگ می‌دهد که درخت زنده باشد و اگر درخت دچار ضعف شود و در خطر مرگ قرار گیرد شاخه‌ها پیش از مرگ درخت می‌میرند و حیات خود را از دست می‌دهند، نگهبان شجره طیبه اسلام ذات اقدس الهی است.

البته در شرایط وحدت و محبت، حیات دین تجدید می‌شود، نماز جماعت و مجالس وعظ رونق می‌گیرد، به روزه ماه رمضان و دیگر امور دینی توجه می‌کنند و این همه موفقیت بر اثر صلاح و اصلاح است، پس اصلاح ذات البین برتر از نماز و روزه است.

### درخواست حُسن رفتار

امام سجاده علیه السلام از خداوند می‌خواهد مسلمانان را موفق بدار که در جمیع شئون زندگی سیره حمیده و روش پسندیده د پیش گیرند. «حسن السیره» حسن سیره ناشی از حسن سریره است و روش خوب از نیت خوب سرچشمه می‌گیرد؛ چراکه آدمی اگر از فکر بد و اندیشه پلید فاصله گرفت، در زندگی سیره و روش خوب خواهد داشت.

### آسیب‌ها و موانع

امام سجاده علیه السلام در متن دعای مکارم الاخلاق، علاوه بر بیان سجایای والای اخلاقی، رذایل و موانعی که در مسیر راه کمال انسان قرار دارد را برشمرده‌اند، که با در نظر گرفتن ظرفیت نوشتار، برخی موارد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### عُجب؛ عامل فساد عبادت

امام سجاده علیه السلام عُجب در عبادت را عاملی برای نابودی اعمال معرفی کردند و فرمودند: «و لا تفسد عبادتی بالعجب» در معنای عُجب گفته شده: «العجب فی العباده استعظام

العمل الصالح و استکباره و ان یری المعجب نفسه خارجاً عن حد التقصیر وهذا هو العجب المفسد للعباده» عجب در عبودیت و بندگی عبارت از این است که شخص معجب، عبادت خود را عظیم بشمارد و آن را مهم و بزرگ به حساب آورد و خویشتن را از حد تقصیر خارج پندارد و تصور کند که هیچ کمبودی در عبادات و اعمال صالحه خود ندارد، و این حالت روانی، آن عُجبی است که به موجب روایات اولیای اسلام فاسدکننده عمل است. (مجلسی، ۱۳۱۵: ۳۰۶/۶۹)

در روایتی پیامبر اکرم رذیله عجب را سبب هلاکت آدمی دانسته و فرمودند: عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «ثلاث مهلکات: شح مطاع و هوی متبع و اعجاب المرء بنفسه»؛ پیامبر اسلام سه خلق بد را مایه هلاک افرادی که به آن‌ها مبتلا هستند معرفی نموده: اول بخلی که شخصی بخیل مطیع آن باشد، دوم هوای نفسی که آدمی از فرمانش پیروی نماید، و سوم آن که شخص خود را و همچنین کارهای خود را با چشم غرور و اعجاب بنگرد. (عاملی، ۱۴۱۴: ۱۰۳/۱)

امام سجاد علیه السلام آن قدر، خودبینی و عجب در زمینه عبادات را خطرناک می‌داند که از پیشگاه الهی درخواست می‌کند:

«و لا تفسد عبادتی بالعجب» منظور از افساد الشیء: «اخراجہ عن ان ینتفع به؛ فاسد نمودن چیزی عبارت از آن است که آن چیزی را از فایده و نفعی که باید از آن عاید گردد خارج سازیم و از بهره بیندازیم.

ناگفته نماند که خودبینی و عجب، نه تنها در عبادات اثر بد می‌گذارد و آن‌ها را فاسد می‌کند بلکه در سایر امور مانند علم، اخلاق، درک حقایق، فکر واقع بین، مشاوره با دیگران، و سایر امور اجتماعی و شئون زندگی نیز اثر بد دارد و آدمی را از فعالیت صحیح باز می‌دارد، نیروی خرد را تضعیف می‌کند و موجبات انحطاط آن را فراهم می‌آورد.

در کلام گهربار امام علی علیه السلام عجب از دلایل ناتوانی عقل شمرده شده است. من کلمات علی علیه السلام قال: اعجاب المرء بنفسه یدل علی ضعف عقله؛ (کلینی، ۱۳۶۹: ۲۷/۱)

اولیای گرامی اسلام همواره مراقب اصحاب و دوستان خود بودند و اگر در پاره‌ای از مواقع بر اثر پیشامدی ممکن بود دچار عجب و خودبینی شوند تذکر می‌دادند و آنان را از خطر سقوط اخلاقی محافظت می‌نمودند.

حضرت در بندهای دیگر دعا نیز به این مطلب اشاره دارند که «عَمَّرَنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذَلِكَ فِي طَاعَتِكَ...» «وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ» «فَلَا أُشْتَغِلْ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أَحْتَمِلُ إِضْرَتِ بَعَاتِ الْمَكْسَبِ».

### کسالت، آفت در عبادت

«وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ»

امام علیه السلام در زمینه عبادت کلمه کسل را به کار برده و از خدا خواسته است که به آن حالت زیانبار مبتلایش ننماید. برای آن که مقصود امام روشن شود لازم است معنای کسل به خوبی واضح گردد. راغب در مفردات می‌گوید: الكسل التثاقل عما لا ينبغي التثاقل عنه و لاجل ذلك صار مذموما كسل عبارت از این است که آدمی انجام عملی را ثقیل و سنگین وانمود نماید، با آن که شایسته است در اتیان آن عمل از خود نشاط و تحرک نشان بدهد، به همین جهت کسل از صفات مذموم شناخته شده است. (راغب، ۱۴۱۲: ذیل ماده الكسل) تمام کارهایی که به دست مردم عمل می‌شود، خواه برای زندگی دنیا باشد یا سعادت آخرت، اگر خواسته باشند به خوبی انجام پذیرد باید با نشاط و علاقه‌مندی و منزّه از کسل و سستی تحقق یابد.

### اثر بخشی نشاط

دانشمندان بزرگ جهان که به اکتشافات و اختراعات حیرت زا موفق گردیدند و به سربلندی و افتخار نائل آمدند برای این بود که عاشق کاوشهای فرهنگی و تحقیقات علمی خود بودند و در محل کار خویش سر از پا نمی‌شناختند و تمام وجودشان غرق نشاط بود. اولیای گرامی اسلام که به تعالی مادی و معنوی مسلمین علاقه داشتند ضمن روایات

متعددی توصیه نموده‌اند که کارهای دنیوی و اخروی خویش را با نشاط و دلگرمی و منزّه از فتور و سستی انجام دهند. در این جا بعضی از روایات ذکر می‌شود.

عن ابی جعفر علیه السلام قال: إِنْني لأُبغضُ الرَّجُلَ أَوْ أُبغضُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ كَسْلَانًا [كَسْلَانًا] عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ مَنْ كَسِلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ؛ امام باقر علیه السلام فرمود: مورد بغض و بدبینی من است مردی که در امور دنیای خود مهمل و بی‌رغبت است، چنین انسانی اهمال و فتورش در امر آخرت بیشتر خواهد بود. (کلینی، ۱۳۶۹: ۵ / ۸۵)

### کینه، اختلاف و تفرقه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمُحَبَّةِ، وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبُغْيِ الْمُوَدَّةِ، وَ مِنْ ظَنِّهِ أَهْلِ الصَّلَاحِ النَّقَّةِ وَ مِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنَيْنِ الْوَلَايَةِ، وَ مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمُبْتَرَّةِ، وَ مِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ التُّصْرَةِ ...

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و کینه توزی کینه توزان را درباره من به محبت و دوستی مبدل فرما. حسادت اهل معصیت و ظلم را به دوستی مبدل فرما. دشمنی من با نزدیکانم را به دوستی تبدیل کن. جدایی‌ها و دورشدن از نزدیکان را به پیوند با آنها تبدیل کن. ترک یاری نزدیکانم را به یاری آنان درباره من، تبدیل فرما...  
در این فراز به برخی آسیب‌ها در حوزه روابط اجتماعی اشاره شده این آسیب‌ها در روابط اجتماعی پیامدهایی بدنبال دارد. از جمله این که:

### الف) غلبه اهل باطل

از جمله عذاب‌هایی که بر اثر تفرقه در امر دین دامنگیر جامعه می‌شود این است که اهل باطل غلبه می‌کنند، پیروزی به دست می‌آورند و اهل حق را در بلا و گرفتاری قرار می‌دهند

عن النبی صلی الله علیه و آله قال: «ما اختلفت امة بعد نبیها الا ظهر اهل باطلها علی اهل حقها؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: هیچ امتی بعد از پیامبر خود اختلاف نمود جز آن که

اهل باطل بر اهل حق پیروز گشتند». مجلسی، ۱۳۱۵: ۳۲/ ۵۹۵، ح ۴۷۴) در محیطی که اختلاف و تفرق حاصل گردد افراد نادرست از فرصت استفاده می‌کنند، فکرهای شیطانی و منویات خائنانه خویش را به کار می‌اندازند، از نظر معنوی، مردم را به ضلالت و گمراهی سوق می‌دهند و از نظر مادی به خیانت و تجاوز دست می‌زنند و جامعه را به راه سقوط و تباهی می‌کشانند.

### ب) غلبه شیاطین

عن علی علیه السلام قال: ایاکم و الفرقة فان الشاذ من الناس للشیطان، كما ان الشاذ من الغنم للذئب. علی علیه السلام فرموده: از پراکندگی و تفرق پرهیزید که انسان دور افتاده از جماعت طعمه شیطان است همانطوری که گوسفند جدا شده از گله طعمه گرگ. (نهج البلاغه، خطبه: ۱۲۷)

امام سجاد علیه السلام خواستار وحدت کلمه در بین مردم پراکنده است و در پیشگاه الهی عرض می‌کند: و ضم اهل الفرقة: بار الها! موفقم بدار تا اهل تفرق را به هم پیوند دهم و اختلافشان را به وحدت مبدل نمایم.

### راه درمان؛ بیدارسازی عقول

اگر کسی بخواهد مردمی را از بلای پراکندگی نجات دهد و بیماری تفرقشان را درمان نماید باید در قدم اول، عقلهای خفته آنان را بیدار کند، افکارشان را فعال نماید، آنان را به تعقل وادار سازد تا به خیر و شر خود بیندیشند، روا را از ناروا تمیز دهند، راه باطل را ترک گویند، و به راه حق و فضیلت گرایش یابند.

از کلام مولی الموحدین امیرالمؤمنین بر می‌آید که علت اصلی تفرق مردم در عصر آن حضرت این بود که عملاً عقل‌ها را از کار انداخته و بی‌اثر گذارده بودند، اما هوای نفسشان آزادانه فعالیت داشت و بر آنان حکومت می‌کرد.

ایها القوم الشاهدة ابدانهم الغائبة عنهم عقولهم، المختلفة هواؤهم، المبتلی بهم امرائهم؛

مخاطب علی علیه السلام در این عبارت قومی است که ابدانشان آشکار است، عقولشان از آنان غایب و نهان، هوی و تمایلاتشان مختلف، و فرمانروایشان مبتلا و گرفتار آنان هستند. (نهج البلاغه، خطبه: ۹۷)

متأسفانه واپس زدن هوای نفس و تضعیف قدرت آن، به کار انداختن نیروی خرد، و تقویت حکومتش در کشور تن، کاری است بس دشوار و مشکل. اولیای گرامی اسلام برای آن که وضع عقل را در مقابل هوای نفس بیان نمایند و پیروان خود را از این امر مهم آگاه سازند ضمن تشبیهات متعددی این حقیقت را توضیح داده‌اند.

عن ابی‌عبدالله علیه السلام قال: الهوی یقظان و العقل نائم؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هوای نفس بیدار است و عقل در خواب. (مجلسی، ۱۳۱۵: ۲۲۸/۷۸)

بزرگترین عامل وحدت انسان‌ها کلمه توحید و ایمان به خدای یگانه است و معبودهای متفرق منشاء تفرق افکار و در نتیجه، موجب اختلاف و پراکندگی افراد است.

امام سجاد علیه السلام در قسمت اول سخن خود در پیشگاه الهی فرمودند: و ضم اهل الفرقة: بارالها! موفقم بدار تا بین مردم متفرق و از هم جدا رابطه دوستی برقرار نمایم. برای آن که حضرت زین العابدین علیه السلام به مقصود خویش دست یابد و به این مهم نائل گردد باید مردم را از اطاعت هوای نفس و پیروی از تمایلات ناروا برحذر دارد، آنان را به تعقل و تفکر بخواند تا خوب را از بد و صلاح را از فساد تمیز دهند، به صراط سعادت گرایش یابند، و از راههای انحرافی که منشأ فساد و تباهی است دوری گزینند. البته انجام چنین کاری بسیار مشکل است ولی امام برای رسیدن به این مقصود مقدس از سختی‌ها نمی‌هراسد و برای آن که با توفیق الهی به خواسته درونی خویشتن جامه تحقق ببوشاند ناملازمات را تحمل می‌کند و به قدر توان خود مجاهده می‌نماید.

## ارائه الگو

با بررسی محتوایی دعای مکارم الاخلاق، امکان بهره‌گیری از مضامین دعا در طراحی الگوهای تربیتی معطوف به هدف معنویت و اخلاق از اهداف بیانیه گام دوم انقلاب فراهم



می باشد این الگو در سه زمینه:

فضایل و رذایل انسانی که با توجه به رابطه انسان و خداوند لحاظ می شوند؛ (اخلاق

الهی)

کارهایی که به خود شخص مربوط می شود؛ (اخلاق فردی)

ملکات و صفاتی که در رابطه و معاشرت انسان و جامعه پیدا می شود؛ (اخلاق

اجتماعی)

در صورت اجرا توسط دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت، صدا و سیما، وعاظ و....

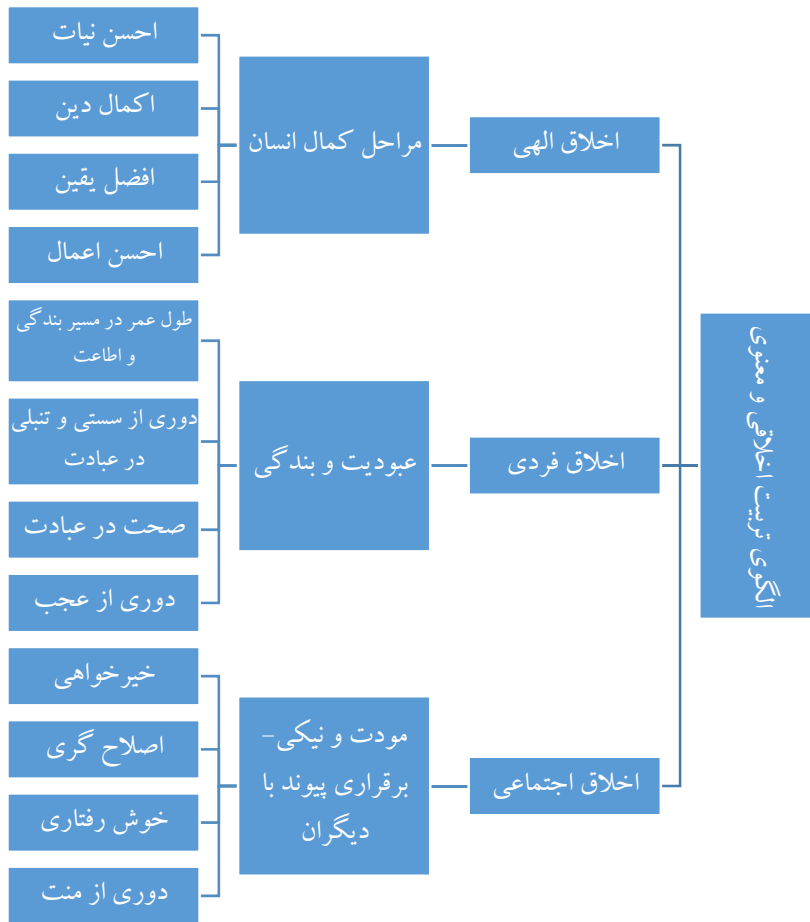
می تواند هدف معنویت و اخلاق را در جامعه محقق سازد. با این توضیح که، در متن بیانیه

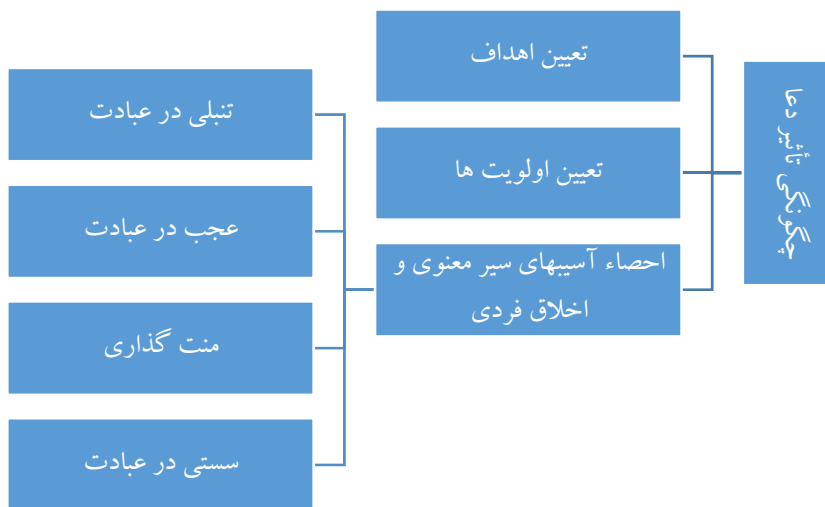
رهبر انقلاب، معنویت و اخلاق را جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و

اجتماعی و نیاز اصلی جامعه می دانند؛ بنابراین اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی

داشته باشند، ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی

در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛





### نتیجه

درخواست‌ها در دعای مکارم الاخلاق شامل اخلاقیات در سه محور اخلاق الهی، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی است که با توجه به فرازهای مختلف این دعا، امکان طراحی الگوهای تربیتی معطوف به هدف معنویت و اخلاق از اهداف بیانیه گام دوم انقلاب فراهم می‌باشد. همچنین تعیین اولویت‌های تعیین اهداف و شناسایی آسیب‌ها و موانع موجود در مسیر معنویت و اخلاق از تأثیرات بررسی دعا می‌باشد که با توجه به رعایت حجم نوشتار، فرازهایی از دعا مورد بررسی قرار گرفت. در واقع با تحلیل محتوایی دعای مکارم الاخلاق، الگویی از معنویت و اخلاق به‌عنوان یکی از اهداف بیانیه گام دوم رهبر کبیر انقلاب طراحی گردید.

## منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه صبحی صالح.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، بی تا، الخصال، قم، جامعه مدرسین.
۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، وسایل الشیعه، آل البيت.
۴. خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران، ج ۱۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ه. ق، مفردات ألفاظ القرآن، جلد ۱، لبنان - بیروت، دار الشامیة.
۶. صادقی، حسن، ۱۳۹۶، اخلاق اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ ه. ش. چاپ: ۳، مجمع البحرين، جلد ۶، تهران، مرتضوی.
۸. فراهیدی، خلیل ابن احمد، ۱۴۰۸ق، کتاب العین، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات (الطبعة الاولى).
۹. فلسفی، محمد تقی، ۱۳۹۸، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، اصول کافی، ترجمه مصطفوی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۱۵، بحار الانوار لدرر اخبار الائمه، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. المدنی الشیرازی، سید علی خان، بی تا، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج ۳، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۴، فلسفه اخلاق، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۱۴. مصباح، علی، ۱۳۸۹، «واکاوی مفهومی معنویت و مسئله معنا»، اخلاق پزشکی، دوره ۴، شماره ۱۴.
۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، مقدمه ای بر جهان بینی توحیدی، تهران، انتشارات صدرا.
۱۶. ورام، مسعود بن عیسی، ۱۴۱۰، مجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه.

---

## راهکارهای موثر بر توسعه معنویت از طریق خویشتن سازی در جوانان

---

نسترن بهرمان<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

نرگس نجاتی<sup>۲</sup>

### چکیده

توسعه معنویت یکی از مهم ترین بحث های امروز در جهان اسلام است. موضوع معنویت معمولاً فراتر از ارتباط انسان با جهان است. معنویت ارتباط مستقیم با زندگی روزمره انسان نیز دارد. معمولاً در قالب دویخس فردی واجتماعی بیان می شود. توسعه معنویت توسط جوانان، نیازمند مهارت است و باید با توجه به مقتضیات هر زمان، راهکارهایی را ارائه داد. در این راستا لازم است سطح جوانان، ارتقاء یافته، که آن ها بتوانند برحسب آن مبانی، معارف را نشر دهند و اگر چنین نشود فرصت بیشتری برای نفوذ دشمن در جوامع اسلامی فراهم می گردد. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی وازنوع کاربردی است. در این مقاله سعی بر آن شده است تا راهکارهای تحقق توسعه معنویت توسط جوانان از منظر قرآن و حدیث، بانگاهی

---

۱. دانش پژوه دکتری مدرسی معارف اسلامی (گرایش قرآن و متون) Na.bahreman@gmail.com

۲. کارشناسی علوم قران و حدیث narges.nejati137638@gmail.com

به بیانات معظم له " و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد بررسی قرارگیرد. پر واضح است که زندگی بر پایه معنویت بوده و نشر معارف آن از فرد به جامعه رواج پیدا می نماید، که در این میدان جوانان از انرژی و توانایی جسمی بیشتری نسبت به دیگر اقشار جامعه برخوردارند، لذا باید با ارائه راهکار و برنامه ریزی، آن ها را وارد عرصه نمود.

**کلید واژگان:** توسعه معنویت، قرآن و حدیث، توسعه معنویت توسط جوانان، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

## مقدمه

اسلام با تبلیغات دینی توسط پیامبر شروع شده و در توسعه، ترویج و نفوذ آن تا حد زیادی در جهان تأثیر گذار بوده است. این مسیر الهی توسط پیامبر ﷺ و معصومین به تمام جهان نشان داده شد و ادامه این حرکت توسط ائمه، اصحاب، فقها، علما و جوانان انقلابی صورت پذیرفته است.

معنویت به معنای وجود معنا یا حقیقت نهایی و یا راهی درونی است که شخص را به درک عمیق‌ترین معانی و ارزش‌های زندگی و کشف ماهیت هستی قادر می‌سازد که فرد بتواند به سطح بالاتری از هوشیاری و یا رسیدن به حکمت دست یابد تا علاوه بر کسب آرامش فردی، شادی و آرامش اجتماعی را به دیگران انتقال دهد. توسعه معنویت توسط جوانان، از دو زاویه مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت پرداختن به این موضوع، در کاربرد بودن آن نهفته است، چرا که؛ این امر در ابتدا رشد فردی جوان و در پی آن، رشد جامعه فعلی و همچنین تربیت نسل آینده را در بر خواهد داشت. چنانچه از نیروی جوانی افراد در این امر استفاده نشود، قطعاً دشمنان از روش‌های گوناگون بهره برده تا بر ذهن جوان مسلط گردند. پس لازم است تا قبل از تسلط دشمن بر ذهن جوانان، برای آن‌ها برنامه‌ریزی نمود. لذا لازم است استعداد های نهفته آن‌ها شکوفا، و در این راستا پرورش یابد.

در این پژوهش، در ابتدا؛ به مفهوم معنویت پرداخته و با تمسک به آیات و روایات و اشاره‌ای به بیانات مقام معظم رهبری، صورت گرفته است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

در این موضوع؛ کتاب‌ها و مقالات و پایان نامه‌های متعددی نگاشته شده است. در این پژوهش سعی بر آن است تا خلاءهای موجود در پژوهش‌های پیشین، رفع گردد. از مقالاتی که در این موضوع به نگارش درآمده عبارت است از: شاخص‌های جامعه معنوی از منظر قرآن کریم و حدیث به نویسندگی: سهیلا همتی مامو، سهراب مروتی، فاطمه اردشیری، زهرا رضایی که در فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران

مسلمان در سال ۹۶ به چاپ رسیده است. در این پژوهش شاخص‌های معنویت نام برده شده، که عبارت است از: آزادی، ظلم ستیزی، بصیرت، عدالت محوری، اشتغال، مداراوری، توانمندی، و... این موضوعات در آیات و روایات بررسی نموده ولی به بیانات رهبری، اشاره نشده است.

مقاله‌ای دیگر با عنوان کارکردهای معنویت در عرصه اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری، در سال ۱۳۹۵، توسط محمد جواد رودگر نوشته شده است. در این مقاله، به اقسام معنویت: معنویت دینی و غیر دینی و عرصه‌های گوناگون معنویت (عرصه اقتصاد، سیاست، خانواده و...) از نگاه مقام معظم رهبری، اشاره شده است، و به راهکارهای تحقق توسعه معنویت توسط جوانان اشاره‌ای نشده است. این در حالی است که پژوهش پیش رو به "ارائه راهکارهایی جهت توسعه معنویت توسط جوانان" از منظر آیات و روایات و با نگاهی به بیانیه گام دوم در قسمت معنویت و اخلاق و دیگر بیانات مقام معظم رهبری، اشاره شده است.

## مفهوم‌شناسی

### معنای لغوی و اصطلاحی معنویت

معنویت در لغت: «منسوب به معنی»؛ مربوط به باطن و درون، مربوط به فکر، عقل یا احساس درونی مقابل صوری (انوری، ۱۳۸۸، ج ۷، ۱۸۲) است. حقیقت و راستی و اصلی و ذاتی و مطلق و باطنی و روحانی (سباح، ۷۵۹: ۱۳۷۸). «منسوب به معنی» ضد لفظی، حقیقی و راست و اصلی و ذاتی و مطلق و باطنی و روحانی (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ۱۸۷۱۱). «منسوب به معنی» مربوط به معنی، باطنی و حقیقی، در مقابل مادی، ظاهری و صوری (معین ۱۳۶۴، ج ۴، ۴۲۴۴).

معنویت در اصطلاح، ایمان به خدا سرسلسله همه معنویات و فضایل اخلاقی و معنوی است؛ معنویت منهای خداشناسی مانند اسکناس منتشر شده بدون پشتوانه است؛ یعنی اعتبار ندارد و کاغذ بی اعتباری بیش نیست. به عبارت دیگر، معنویت مفهومی منفی



است؛ منظور از آن نبودن سلسله‌ای از امور است. اگر جامعه انسانی به افراد آن به مرحله‌ای برسد که خود پرست، خودخواه و سودجو نباشند، تعصب نژادی، منطقه‌ای و حتی مذهبی نداشته باشند، این نیست‌ها معنویت به حساب می‌آیند. (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۶۶). در نگاه کلی، می‌توان جامعه را مجموعه انسانهایی دانست که در جبر سلسله نیازها و تحت نفوذ سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها، آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده‌اند و در زندگی مشترک غوطه‌ورند روابط گوناگون مشترک، متقابل و نسبتاً پایداری آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۳۳).

اصولاً معنویت بی‌خدا، بی‌ریشه است و آدمی در چنین حالتی به سوی نیهلیسم کشیده می‌شود. (جهان‌بگلو، ۱۳۸۳، ج ۱/ ۲۸۹).

مقام معظم رهبری، در مورد معنویت می‌فرماید: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است. در تعریف مرکزی و اصلی معنویت از دیدگاه رهبری، معنویت ارتباط زنده با امر مقدس در بطن زندگی روزمره و در چارچوبی عقلانی دارد. (شاکرنژاد، ۱۳۹۸: ۹/۸). بنابراین با توجه به تعاریفی که از عنوان معنویت ارائه شد، این‌گونه به نظر می‌رسد که جامعه معنوی جامعه‌ای است که اساس و بنیاد آن بر حول محور مشترک ایمان حقیقی به خداوند و بندگی او و به عبارت دیگر، خدامحوری شکل گرفته باشد. چراکه؛ در حقیقت، معنویت و خدامحوری لازم و ملزوم همدیگر و در یک راستا می‌باشند. به واقع محال است جامعه‌ای خدامحور باشد، اما به معنویت دست نیابد یا به عکس، جامعه‌ای از معنویت دم‌زند و حال آن‌که عملکردش بر مبنای محور این اعتقاد استوار نباشد. بنابراین چنین جامعه‌ای برای نائل شدن به معنویت، باید به صورت جمعی و واحد از خود حرکت و عکس‌العمل نشان دهند و فقط به اجرای ظواهر دین اکتفا نکنند، بلکه حقیقت و کنه روح دین را، که همان بینش دینی نام دارد، هدف خویش قرار داده و عملکرد خویش را بر مبنای محور دینشان قرار دهند.

## ۱.۱. خویشتن‌سازی

خویشتن‌سازی به معنای پرورش ارزش‌های معنوی توسط جوان در خویشتن است. که لازمه این امر آماده بودن زمین خالی است برای پرورش بذر. یکی از راه‌های خویشتن‌سازی کسب اخلاص است.

لغت‌شناسان، خودسازی را (به تهذیب اخلاق خود کوشیدن و ظاهر خود آراستن) معنا کرده‌اند، اما در اصطلاح، خودسازی به معنای تکمیل و پرورش نفس و استفاده از تمایلات و خواست‌های نفسانی به صورت هماهنگ و در جای مخصوص خود می‌باشد (دهخدا، علی اکبر، ج ۶، ، ۸۸۳۳). واژه خودسازی در زبان فارسی، ترجمان و معادل تزکیه در ادبیات عرب است؛ بنابراین با بررسی معنای تزکیه نیز می‌توان به مفهوم خودسازی دست یافت. تزکیه از ماده «زک و» در لغت به معنای استوار ساختن و دور کردن شیء از عیب و کاستی؛ (فراهیدی، العین، ۳۴) و ایجاد رشد، برکت و طهارت در آن (ابن منظور، لسان العرب، ۶، ۶۴) و در اصطلاح علم اخلاق عبارت از پاک کردن و پیراستن نفس از نقایص و صفات رذیله و آراستن آن به صفات پسندیده و کمالات نفسانیه است. (نراقی، جامع‌السعادات، ۱، ۴۰۰) خودشناسی به معنای اطلاع بر خود، شناختن خود و عارف به نفس خود شدن می‌باشد (دهخدا، ۲۱، ۸۴۶) و در اصطلاح یعنی شناختن انسان از آن نظر که دارای استعدادها و نیروهایی برای تکامل انسانی می‌باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۶۶)

## اخلاص فردی جوان

«اخلاص» شریف‌ترین مرتبه رفتار و زمینه ساز کسب عالی‌ترین مراتب اخلاقی است. از منظر قرآن، کسی که دارای اخلاص و توکل به خدا باشد از روحیه قوی برخوردار بوده و خدا نیز او را یاری می‌کند. (حج، ۴۰) و کسی که خدا او را یاری کند شیطان به او دسترسی ندارد و در جای امنی قرار می‌گیرد. امام خمینی در این باره در کتاب صحیفه نور می‌فرماید: «اول باید اخلاصتان را قوی بکنید، ایمانتان را قوی بکنید بعد دنبال کار بروید به آن طوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است و این "اخلاص" شما را تقویت می‌کند». (خمینی؛

سال انتشار: ۲۰ / ۷۷) اخلاص پناهگاه مخلصین است؛ همان طور که در حدیث سلسله الذهب آمده است: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» (ابن بابویه (صدوق)؛ ۲۵ / ۱۳۸۵) پس همانا شایسته است که فرد برای خویشتن سازی، دینش را برای خدا خالص سازد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ «أَخْلَصْ قَلْبَكَ يَكْفِيكَ الْقَلِيلُ مِنَ الْعَمَلِ». تونیت را خالص کن، عمل کم هم تو را کفایت می کند. (مجلسی؛ ۷۳ / ۱۷۵) زیرا جوانی که مأمور به توسعه معنویت است مأمور است که دینش را برای خدا خالص نماید. ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾؛ بگو همانا من مأمورم که خدا را پرستش کنم و دینم را برای او خالص گردانم. (زمر: ۱۱) مقام معظم رهبری، در مورد موفقیت امام خمینی رحمته الله علیه، می فرماید: «که راز آن همان اخلاص و توجه و اتصال به خدا بود. ایشان توانست معنای «ایاک نستعین» (حمد/ ۵) را در عمل خود مجسم کند و به منبع لایزال قدرت الهی متصل شود. وقتی یک انسان کوچک و ضعیف و ظرف محدودی، خودش را به اقیانوس بی پایانی وصل می کند، دیگر هیچ عاملی وجود ندارد که بتواند بر او فایق آید. (بیانات مقام معظم رهبری، در مراسم بیعت اعضای شورای نگهبان امام خمینی رحمته الله علیه، اخلاص، رابطه با خدا، سال: ۱۳۶۸/۳/۲۱)

بنابر این جوانی که قصد دارد تا معنویت را توسعه دهد، در ابتدا باید بذر اخلاص را در وجود خود بکارد و آن را پرورش داده سپس آن را در اجتماع پیاده سازد.

### اخلاص اجتماعی

باتوجه به تعریفی که از اخلاص فردی ارائه گردید، فرد باید خود را از هرگونه آلودگی به غیر از خدا خالص نموده و در انجام کارهایش نیت خالص داشته باشد؛ در اخلاص اجتماعی نیز افرادی که خود را از هرگونه آلودگی به غیر از خدا خالص کردند در بین مردم حضور یافته و با سخن خویش دیگران را به داشتن نیت با اخلاص دعوت کند. جوان با اخلاص در تلاش است که نقاط ضعف اطرافیان خود را در قالب امر به معروف و نهی از منکر و... در جامعه گوشزد نموده و آن ها را به اخلاص در عمل دعوت نماید. در آیه ۱۴ سوره غافر اینچنین آمده

است که: ﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ خداوند (یگانه) را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هرچند کافران ناخشنود باشند. (غافر: ۱۴) و نتیجه این عمل یاری خداوند می‌باشد. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «إِنَّمَا يَنْصُرُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ بضعيفها، بِدَعْوَتِهِمْ وَصَلَاتِهِمْ وَإِخْلَاصِهِمْ». در حقیقت خداوند این امت را به واسطه دعا و نماز و اخلاص ضعیفان آن، یاری می‌کند (سیوطی؛ ۲/ ۷۲۴). عاملی که باعث جذب دل‌های مردم در توسعه معنویت می‌شود؛ اخلاص و معنویت است. مقام معظم رهبری، حفظه الله منشاء توسعه معنویت را علاوه بر فکر و اندیشه و مطالعه، اخلاص را ذکر نمودند و می‌فرمایند: «منشأ تبلیغ هم باید فکر و اندیشه و مطالعه باشد و هم "اخلاص و معنویت" و علاقه به مخاطب که برای او تبلیغ می‌کنیم.» بنابر این منشأ باید همان اخلاص و صفا و عشق و علاقه به مخاطبان را داشته باشد؛ ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (التوبه/ ۱۲۸). این، خصوصیت آن مبلغ اول و داعی اول است که شما دنبالش حرکت می‌کنید. باید با مردم این‌گونه بود. با این منشأ باید با مردم حرف زد. وقتی که مبلغ با این احساس و با آن مایه فکری سخنش وارد میدان می‌شود، مثل مغناطیس دل‌ها را جذب می‌کند، مثل قطرات آب زلال در سخت‌ترین سنگها هم اثر می‌گذارد و در زمین مناسب باروری می‌دهد؛ ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُشْكُرُونَ﴾. آنچه که شما از این زلال معنوی به سرزمین دل‌های مردم و ذهن‌های مردم سرازیر کنید، فوراً پرورش می‌یابد و رشد می‌کند، که نمونه‌های آن را در زندگی‌های خودمان مشاهده کردیم و یک نمونه‌اش همین انقلاب است. این انقلاب عظیم، مهم‌ترین رکن و عاملش همین تبلیغات بود. (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=286703/10/1376>

«جوانان، سرمایه‌های عظیم یک جامعه، آینده‌سازان نظام و افتخار آفرین مردم‌اند. جامعه‌شناسان معتقدند جامعه‌ای سالم است که جوانانی سالم داشته باشد. یکی از راه‌های مهم تربیت سالم، آشنایی جوانان با آموزه‌های دینی و بایدها و نبایدهاست. بایدها و

نبایدهای دین به مثابه نسخه دکتر است که انسان را از بیماری‌ها نجات می‌دهد و نتیجه آن، ایجاد جامعه‌ای قانون‌مند، متمدن و سالم است. از این رو بایسته است همه مردم به ویژه جوانان با دین بیشتر آشنا شوند» (انصاری؛ ۱۳۸۸: شماره ۷۷)

راهکارهای مؤثر بر توسعه معنویت توسط خویش‌سازي

راهکار اول: نهادینه کردن خدا باوری در جوان

توکل همان اعتماد بر خداوند تعالی در جمیع امور و تکیه بر اراده او و اعتقاد به مسبب‌الاسباب بودن خداوند است (باقی زاده، ۱۳۸۶: ۱۹) در واقع منظور از توکل آن است که انسان اعتقاد قلبی به خداوند داشته باشد و همه کارها را به حضرت حق واگذار نماید و از غیر او به طور کلی روگردان باشد (فیض کاشانی، ۱۳۵۴: ۱/۳۹۷) توکل به خدا، اعتماد و تکیه به خدا و واگذار نمودن کار خویش به قادر علی‌الاطلاق و اطمینان به تدبیر اوست (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۱/۵۵۱) اگر انسانی مضطرب شود یعنی به قدرت خدا اطمینان ندارد، و همین امر موجب می‌شود آرامش او متزلزل شود.

## ۱.۱. توکل

### توکل فردی جوان

دیگر نکته‌ای که پیرامون پرورش جوان باید در نظر گرفت توکل است. فرد باید بیاموزد که چطور این خصلت را در خود پرورش دهد، در این راستا شخصی به نام حسن بن جهم می‌گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و عرض کردم: جانم به فدایت، حدّ و مرز توکل چیست؟ حضرت فرمودند: "توکل آن است که با اتکای به خدا از هیچ کس نترسی..." (مجلسی، ۱۳۶۲، ۶۸، ۱۳۸) پس جوان با توجه به آموزش‌هایی که از انحاء گوناگون (توسط کلاس‌های آموزشی) فراگرفته به قدرت لایزال الهی ایمان آورده و به خدا توکل می‌کند.

جوان در این آموزش‌ها، باید به این باور برسد که با سلاح توکل می‌تواند در تصمیم‌گیری قدرت بیشتری یافته و با جرات و شجاعت، وارد عمل شود. رسول خدا به مسلمانان خطاب

نموده و می‌فرمایند: ﴿إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (هود: ۵۶) یقیناً من بر خدا که پروردگار من و پروردگار شماست توکل کردم؛ هیچ جنبنده‌ای نیست مگر این که او مهارش را به دست [قدرت و فرمانروایی خود] گرفته است، مسلماً پروردگارم بر راهی راست است. نتیجه توکل در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است، فرمود: ﴿مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يُغْلَبْ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمُ﴾؛ هر کسی که توکل بر خدا کند مغلوب نمی‌شود و کسی که به دامن لطف خداوند چنگ بزند شکست نمی‌خورد. سبزواری: (۱۳۷۲/ح/۹۰۷) همچنین در حدیث دیگری از امام علی بن ابی طالب علیه السلام آمده است که فرمودند: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ»؛ کسی که بر خدا توکل کند مشکلات در برابر او خاضع، و اسباب برای او سهل و آسان می‌گردد» (تمیمی آمدی، ح/۹۰۲۸)

مقام معظم رهبری، در دیدار با اقشار مختلف مردم در مورد توکل چنین می‌فرمایند: وقتی شما اطمینان به فضل الهی و برکات الهی پیدا کردید، اولین خاصیتش این است که احساس قدرت می‌کنید، احساس نیرومندی می‌کنید، ضعف و ترس و مانند اینها از شما دور می‌شود؛ و این خیلی با ارزش است. احساس دیگری که در شما به وجود می‌آید، چون؛ متکی به خدا، متکی به قدرت لایزال، متکی به نعمت بی‌زوال هستید، ایجاد امید است، در شما امید به وجود می‌آید، امید رشد می‌کند، دل شما روشن می‌شود به نور امید؛ وقتی امید بود، توکل بود، اعتماد به - نفس بود، "اتکاء به قدرت الهی" بود، آنوقت یک ملت، شکست‌ناپذیر می‌شود؛ یک انسان، تبدیل می‌شود به یک عنصر لایزال از لحاظ اقتدار، از لحاظ حرکت، از لحاظ پیشرفت. (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۷/۵/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40273>) معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از جمله توکل، ایمان در خود و در جامعه است. (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۹۷/۱۱/۲)

بنابر این توکل فردی جوان نقش موثری در پیشرفت و توسعه معنویت دارد، زیرا که این

خصلت در او اعتماد و اطمینان به نفس را پرورش می‌دهد و با توجه به حدیث «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» هر که خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است. (تمیمی آمدی، ۲۳۲) با اعتماد به نفس که در اصل اعتماد به خداست، این توکل شکل می‌گیرد.

## ۲.۱. توکل اجتماعی جوان

کسی که توکل بر خدا دارد در برابر شیاطین "جن و انس" تسلیم نمی‌شود و تحت تأثیر اقبال و ادبار مردم و اجتماع قرار نمی‌گیرد و آن چه مورد تأیید ذات اقدس اله است برای او ارزشمند می‌باشد و با توکل، تسلیم امر الهی می‌شود.

در بیان اهمیت توکل و تسلیم امر الهی در کلیه امور به آیاتی از قرآن کریم در ذیل اشاره می‌شود که این گونه در قرآن به رسولان الهی خطاب شده است: ای قوم من! اگر به خدا ایمان آورده‌اید، پس بر او توکل کنید اگر از تسلیم شدگان [در برابر فرمان‌های حق] هستید. ﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُسْلِمِينَ﴾ انه لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿يونس: ۸۴﴾ و در سوره نحل آیه ۹۹ همین مطلب تکرار شده است.

پس از درک اخلاص و رسیدن به قدرتی که توسط ارتباط خالق و مخلوق کسب نموده است، تجربه شخصی‌اش را برای دیگران بیان نموده و آن‌ها را به اخلاص دعوت می‌نماید. او با بیان مصداق‌هایی، جامعه را به این خصلت سوق می‌دهد. و این دعوت در سیره ائمه معصومین دیده می‌شود، چنانچه امام علی علیه السلام خطاب به مردم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ، تَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ وَثِقُوا بِهِ﴾؛ فَإِنَّهُ يَكْفِي مِمَّنْ سِوَاهُ؛ ای مردم توکل بر خدا کنید و به او اعتماد داشته باشید چرا که؛ انسان را از غیر خود بی‌نیاز می‌کند» متقی هندی (م ۹۷۵ یا ۹۷۷ هـ). و وصول این تفکر در فرد و انتقال آن در جامعه شروع خوبی برای توسعه معنویت می‌باشد.

مقام معظم رهبری، در توکل و ارتباط با خدا در راه ملت ایران می‌فرماید:

«در این راه عظمت و عزتی که ملت ایران در پیش دارد، توجّه به خدا و توکل به خدا و

ارتباط با خدا، یک نقش بزرگ و اساسی دارد. عده‌ای غافلند، همه‌اش روی محاسبات مادی محض محاسبه می‌کنند؛ در محاسباتشان معنویت و کمک الهی و توکل به خدا و حسن ظنّ به وعده الهی کأنه هیچ راهی ندارد. خب این محاسبات مادی را مستکبرین عالم هم دارند می‌کنند، بهتر از شما هم می‌کنند، چرا روزه‌روز عقب می‌روند؟ چرا دچار این همه مشکلات می‌شوند؟ چرا مجبور می‌شوند ظلم کنند؟ چرا مجبور می‌شوند لشگرکشی کنند - به افغانستان، به عراق، به پاکستان - انسانهای بی‌گناه را بکشند؟ «وَ إِنَّمَا يَحْتَاٰجُ إِلَى الظُّلْمِ ضَعِيفٌ؛ کسی ستم کند که ضعیف و ناتوان باشد» (رضایی، صحیفه سجادیه ۲۷۱/۱۳۹۰؛ صدوق؛ ۴۹۱/۱۳۸۵؛ مجلسی، ۱۳۶۲/۲۰۳). با سلاح قدرت توکل اجتماعی می‌توان بر دشمنان فائق شد در آیه شریفه آمده است ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (طلاق: ۳) داشتن توکل به خداوند یکی از مظاهر "ایمان" است.

## ۲. ایمان

ایمان یک ارتباط قلبی و اعتقادی به یک معبود (خداوند) است. به صورتی که فرد بر اساس مقررات به آن عمل می‌کند و به آن پایبند است و آن را در خود تقویت می‌کند. بنابر آیه ۲۸ سوره رعد که بیان شده است یاد خدا را در دل هایتان قرار دهید که این خود یک ارتباط با خداوند است و ایمان فرد را تقویت می‌نماید، ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [بازگشتگان به سوی خدا] کسانی [هستند] که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باشید! دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد.

### ۱.۲. ایمان فردی جوان

یکی از ویژگی‌های های جوان، داشتن قلب پاک است. او در این سن، نسبت به افرادی که از سن بیشتری برخوردار هستند، کمتر به مال و مقام تعلق خاطر دارد؛ به همین سبب زمینه تحول فکری و گرایش به حق، در جوانان بیشتر است.

پیامبر اکرم ﷺ در تعریف ایمان فرموده‌اند: «وَقَدْ سُئِلَ عَنِ الْإِيْمَانِ فَقَالَ ﷺ: الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ



بِالْقَلْبِ وَ إِفْرَازُ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ (سید رضی، ح ۲۱۸) (یعنی ایمان شناخت با دل و گفتن با زبان و عمل با ارکان بدن است و در حدیثی در کتاب نهج البلاغه آمده است که حضرت می‌فرمایند: إِنَّ الْإِيمَانَ يَبْدُو مُنْظَةً فِي الْقَلْبِ؛ كُلَّمَا أَزْدَادَ الْإِيمَانُ، أَزْدَادَتِ اللَّمُظَّةُ؛ ایمان در دل چون؛ نقطه سفیدی پیدا می‌شود، هرچند ایمان افزوده شود آن نقطه سفید فزونی می‌گیرد. (سید رضی، همان) پس در ابتدا جوان باید ایمان را توسط آموزش‌هایی که فراگرفته است در خود پرورش، سپس به بشریت انتقال دهد. مقام معظم رهبری، خطاب به جوانان با ایمان می‌فرمایند: «عزیزان من! جوانان مؤمن و پرشوری که خدا دل‌های شما را به نور ایمان روشن و منور کرده است! امروز بشریت به همان ایمانی که شما دارید محتاج است. (بیانات در دیدار مردم نوشهر، ۱۸/۰۲/۱۳۷۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2668>) جوان موظف است این نوری که در او پرورش یافته است را به دیگران تعلیم دهد.

## ۲.۲. ایمان اجتماعی

ایمان یعنی امنیت، کسی که ایمان دارد همانا امنیت او در اجتماع نیز تأمین شده است؛ اگر فاقد ایمان، احساس امنیت کند، باید آن را از مصادیق احساس امنیت کاذب و دروغین دانست که شخص را گرفتار توهم احساس امنیت کرده است. ارتباط ایمان و امنیت، ارتباط لازم و ملزومی است که هیچ‌گونه جدایی از هم ندارد. پس هر جا امنیتی هست ایمان نیز وجود دارد و هر جایی که ایمان باشد امنیت است. از این رو خداوند در آیات بسیاری بیان می‌کند که اهل ایمان، هرگز گرفتار خوف و ترسی از آینده نیستند؛ چنان که حزن و اندوهی نسبت به گذشته ندارند؛ زیرا ایمان ایشان تأمین‌کننده امنیت کاملی است که هر گونه حزن و خوفی را برمی‌دارد. (پوریا؛ ۱۳۹۶) انسان دائماً با اجتماع در ارتباط است، و بنا بر فطرت خود در جامعه عکس‌العمل نشان می‌دهد. اگر فرد نسبت به دیگران، دارای ایمان اجتماعی باشد زندگی سعادت‌مندی را خواهد داشت. و اما ایمانی که در اجتماع لازم الاجراست چیست؟ در حکمت سی و یکم

نهج البلاغه از حضرت تقاضا کردند درباره ایمان برای آن‌ها صحبت کند. «سُئِلَ عَنِ الْإِيمَانِ»؛ فرمودند: «الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ»؛ ایمان روی چهار پایه استوار است. منظور از چهار پایه این است که اگر پایه‌ها محکم بود، ایمان می‌ماند؛ اما اگر پایه‌ها سست شد یا فرو ریخت، ایمان به همان نسبت فرو میریزد. به طور کامل ساقط نمی‌شود، اما به همان نسبت فرو میریزد.

حضرت این چهار پایه را بیان فرمودند: «عَلَى الصَّبْرِ وَ التَّيَقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ».

صبر: اول، ایستادگی و استقامت در همه زمینه‌هاست. می‌خواهید برنامه‌ای را دنبال کنید؛ تا آخر پای آن برنامه بایستید. می‌خواهید کاری را انجام دهید؛ آن کار را تمام کنید. البته معنای ایستادگی، در همه جا یکی است؛ یعنی همان قوت انسانی و استقامت و پافشاری؛ منتها هر جایی یک طور خودش را نشان می‌دهد: صبر در مقابل اطاعت، صبر در مقابل معصیت، صبر در مقابل مصیبت. پایه دیگر ایمان بر یقین استوار است.

صبر، در برابر هر انگیزه‌ای است که انسان را از خداوند دور می‌کند؛ بنابراین تخلق به هر یک از اخلاقیات ایمانی، نیازمند صبر است، زیرا در اخلاق، ایمان و خلق نیکو، با معیار اثرگذاری آن در تقرب انسان به خداوند نیکو شمرده می‌شود و در برابر هر خلق نیک، خلق بدی قرار دارد که گرویدن به آن آسانتر است؛ ولی تخلق به اخلاق نیکو، نیازمند پایداری و تمرین و ممارست است. از این گذشته مقاومت در برابر چیزهایی که انسان را از خداوند دور می‌سازد، در صورتی انجام می‌گیرد که انسان به خداوند مؤمن باشد و نسبت به او معرفت داشته باشد. بدون شناخت خداوند و اوصاف او و بدون ایمان، نمی‌توان هیچ عملی را به سبب مقرب بودن نیکو شمرد و یا بالعکس. بنابراین ایمان به معنای معرفت و یقین به خداوند و اسماء حسناى او، شرط ضروری و مقدمه لازم صبر است. از طرف دیگر، ایمان علاوه بر اقرار زبانی و معرفت یقینی مشتمل بر عمل به ارکان نیز می‌باشد و عمل به مقتضای معرفت، خود نیازمند صبر و مقاومت است. در نتیجه می‌توان گفت بدون صبر، ایمان کامل که التزام عملی به دین خداست امکانپذیر نیست. پس رابطه ایمان و صبر، دو طرف دارد: از

یکسو ایمان نظری سازنده صبر است و از سوی دیگر، بدون صبر، ایمان عملی تحقق نمی‌یابد. بنابراین جوان در کلیه شئون فردی و اجتماعی نیازمند به این دو عامل مهم در انجام وظایف خویش است.

کسی که در مصیبت‌ها زبان به شکایت می‌گشاید، از ضعف معرفت و ایمان نظری خود خبر داده است. به عبارت دیگر، نقص شناخت و یقین، او را از شکیبایی عاجز کرده است. کسی نیز که بر طاعت صبر نمی‌کند، نتوانسته است به لوازم معرفت خود ملتزم بماند. او قادر نیست در راهی که معرفت خداوند در برابر انسان می‌گشاید گام نهد؛ پس ایمان او کامل نمی‌شود. همچنین است کسی که در برخورد با گناه اختیار از کف می‌دهد و مرتکب گناه می‌شود. او نیز به هنگام گناه، گویی از خدایی که می‌شناسد غافل می‌شود و به اقتضای ایمان نظری خود عمل نمی‌کند. در روایات بر رابطه ایمان و صبر تأکید بسیاری شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: *وَ عَلَیْكُمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيْمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَ لَا خَيْرَ فِی جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَ لَا [خَيْرًا] فِی إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ؛* (سیدرضی؛ کلمات قصار، ۸۲) صبر پیشه کنید! زیرا صبر برای ایمان همچون سر برای بدن است و هیچ خیری در بدن بدون سر نیست و هیچ خیری در ایمانی که صبر با آن نیست نمی‌باشد. یقین: یقین همان علم است. پایه‌های یقین را نباید متزلزل کرد؛ این شک را نباید مثل موربانه به پایه یقین انداخت. یقین را باید استوار نگه داشت. اگر به‌طور طبیعی در ذهن جوان سؤالی به ذهن آمد، باید برود آن سؤال را دنبال کند تا شک و تردید برطرف شود؛ اما خودش نباید وسوسه کند؛ جوان نباید یقین را در خودش یا در دیگران زایل کند؛ یقینیات را دچار تردید و تبدیل به مشکوکات نکند، بلکه یقینیات را در خود و جامعه پرورش دهد.

عدل: پایه سوم ایمان عدل است. عدل یعنی هر چیزی در جای خود قرار گرفتن. معنای لغوی عدل هم یعنی میانه. اعتدال هم که می‌گویند، از این واژه است؛ یعنی در جای خود، بدون افراط و بدون تفریط؛ بدون چپروی و بدون راستروی. این هم که می‌گویند عدل یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود، به‌خاطر همین است. یعنی وقتی هر چیز در جای خود

قرار گرفت، همان تعادلی که در نظام طبیعت بر مبنای عدل و حق آفریده شده، به وجود می‌آید. در رفتار انسان، عدل لازم است. برای حکمران، عدل لازم است. در موضع‌گیری، عدل لازم است. در اظهار محبت و نفرت، عدل لازم است. قرآن فرموده است: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَدْلًا لَا تَعْدِلُوْا﴾؛ دشمنی با کسی موجب نشود که شما دربارهی او از عدالت کناره بگیرید و عدالت را رعایت نکنید؛ «اعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ». بنابراین عدل هم یکی از پایه‌های ایمان است. اگر عدل بود، ایمان می‌ماند. (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3259> ۲۰/۰۸/۱۳۸۳)

باعنایت به تعاریفی که از ایمان اجتماعی و توسعه معنویت بیان شد به اهمیت این ارتباط پی برده می‌شود که اگر بنای پایه‌های ایمان محکم بود عدل اجتماعی به معنای اعتدال، بدون هیچ‌گونه افراط و تفریط و با همان تعادلی که هدف نظام آفرینش بر آن بنا گذاشته شده بوجد خواهد آمد.

**جهاد:** پایه آخر، جهاد است. جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی، جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. می‌گویی من دارم مبارزه می‌کنم؛ مبارزه علمی می‌کنم، مبارزه اجتماعی می‌کنم، مبارزه سیاسی می‌کنم، مبارزه مسلحانه می‌کنم؛ همه اینها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پُر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. در جاده آسفالته، انسان پایش را روی گاز بگذارد و با باک پُر از بنزین سفر کند؛ این را مبارزه نمی‌گویند. مبارزه آن جایی است که انسان با مانعی برخورد کند، که این مانع در جبهه‌های انسانی، می‌شود دشمن؛ و در جبهه‌های طبیعی، می‌شود موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آن‌ها را از میان بردارد، این می‌شود مبارزه. جهاد در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه جا به معنای جنگ مسلحانه نیست. البته یک جا با جنگ مسلحانه تطبیق می‌کند، یک جا هم با جنگ غیرمسلحانه تطبیق می‌کند. (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت <https://farsi.khamenei.ir/speech-> ۲۰/۰۸/۱۳۸۳)

(content?id=3259)

مقام معظم رهبری، در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور می‌فرماید: یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ ایمان و روحیه در مردم، همین نمازهای جمعه و خطبه‌های جمعه و حضور معنوی مردم در صحنه نماز جمعه است. (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۲۰/۰۸/۱۳۸۳ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3259>) انسان دائماً با جامعه و مسائل اجتماعی و اخلاقی برخورد می‌کند و بنابراین فطرت خود در برابر آن‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهد انسان اگر مکتب و عقیده و ایمان پیوسته داشته باشد هم سعادت‌مند و دارای زندگی بوده و هم تکلیفش در زندگی مشخص است. در بیانات مقام معظم رهبری، به اهمیت داشتن عقیده و ایمان که از عوامل مهم و مؤثر در سعادت‌مند شدن جامعه اشاره شده است که این موضوع خود بیان‌گر ارتباط عدل با ایمان فرد مکتبی می‌باشد که باید به صورت مستمر محور رفتار مردم در جامعه اسلامی باشد.

ایمان و امنیت، ارتباط مستقیمی باهم دارند و لازم و ملزوم هم هستند، و با موضوع خودسازی جوان نیز مرتبط است و در سایه این ایمان فرد در وادی امنیت و آرامش قرار می‌گیرد. در نتیجه ایمان که در ابتدا به صورت فردی سپس در اجتماع جلوه می‌کند باعث می‌شود که بر فرد هیچ‌گونه حزن و ترسی غلبه نکند و فرد به این باور و قدرت دست یابد.

بنابراین؛ می‌توان با توکل فردی و در پی آن توکل اجتماعی و ایمان فردی و به دنبال آن در جامعه خدا باوری را در جوان نهادینه نمود. جوان با توکل به خدا می‌تواند در تصمیم‌گیری‌هایش قدرت و توان بیشتری پیدا نموده و پس از درک آن، دیگران و افراد جامعه را به توکل و اخلاص دعوت نماید و همچنین با پرورش ایمان فردی، به باور توکل رسیده و اثر توکل را جامعه، مشاهده خواهد نمود. به این صورت توسعه معنویت توسط خویشن‌سازی که تأثیر آن بالتبع بازخورد آن در جامعه دیده می‌شود. برای نهادینه نمودن معنویت در جوانان اصل نهادینه کردن خدا باوری و سپس پرورش خودباوری در طول خدا باوری و نه عرض آن، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

### راهکار دوم: پرورش خود باوری در جوانان

خودباوری به معنی دیدن استعدادها و توانایی شخصی هر فرد است به گونه‌ای که؛ به فرد در رسیدن به چیزی که می‌خواهد به آن برسد کمک می‌کند. خودباوری گونه‌های مختلفی را شامل می‌شود از جمله گفتاری، رفتاری و... اعتماد به نفس شروع موفقیت هر انسانی، خویشتن‌سازی و خودباوری است که محصول این دو، اعتماد به نفس است. خداوند در آیه ۲۴۹ سوره بقره می‌فرماید:

﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (بقره: ۲۴۹)؛ چه بسا لشکریان اندکی که بر لشکریان فراوان به اذن پروردگار عالم پیروز شدند. و همچنین در آیه‌ای دیگر خطاب به عموم مردم می‌فرماید: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ، وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ (آل عمران: ۱۳۸) این، بیانی است برای عموم مردم؛ و هدایت و اندرزی است برای پرهیزکاران؛ و سست نشوید؛ و غمگین نگردید؛ و شما برترید اگر ایمان داشته باشید. و همچنین حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «بی‌نیازی و عزت در حرکتند، هنگامی که محل توکل را بیابند در آن جا وطن می‌گزینند.» (کلینی؛ ۱۳۸۸، ۳/۱۰۵) و در روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که جبرئیل پرسیدند: «توکل چیست؟» فرمودند: «علم به این که مخلوق نفع و ضرری نمی‌رساند و بنده‌ای که مایوس از کمک دیگران باشد، برای غیر خدا کاری انجام نمی‌دهد و به غیر از خدا امید نمی‌بندد و از غیر خدا نمی‌ترسد و به غیر خدا طمع نمی‌ورزد.» (مجلسی؛ ۱۴۵۷: ۶۸ / ۱۳۸) بر حسب این روایت، توکل بر خدا می‌تواند سبب تقویت اعتماد به نفس و خودباوری باشد.

در روایتی دیگر امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر آسمان‌ها و زمین درهای خود را بر روی بنده‌ای ببندند و او از خدا بترسد، خداوند راه نجاتی از میان آن دو برای او خواهد گشود. آرامش خود را در حق جست‌وجو کن و جز باطل چیزی تو را به وحشت نیاندازد.» (ابن ابی الحدید؛ ۶۴۹ق: ۲/۳۷۵) یکی دیگر از نشانه‌های اعتماد به نفس و خودباوری، آرامش است. در روایتی دیگر نیز، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ای بندگان خدا شما را به تقوای الهی

سفارش می‌کنم که زاد و توشه سفر قیامت است. تقوا توشه‌ای است که شما را به منزل رساند و پناهگاهی است که ایمن می‌گرداند.» سیدرضی، خ ۲۴ (۱۰) تقوای الهی داشتن، یکی از نشانه‌های افراد دارای اعتماد به نفس و خودباور است چون؛ هر کس تقوا پیشه کند و در پی آن ارزش خود را بشناسد خداوند را نیز می‌شناسد پس عظمت او را درک می‌کند و با درک عظمت الهی و اعتماد به قدرت او به خودباوری می‌رسد.

مقام معظم رهبری، می‌فرمایند: برای ملت ما هیچ عیدی بزرگتر از این عید نیست که انسان احساس کند جوانهایش به خودشان اعتماد دارند؛ اعتقاد دارند؛ باور دارند که می‌توانند کارهای بزرگ را انجام بدهند و این عزم راسخ را پیدا می‌کنند که این کار را انجام بدهند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۳/۲۵- [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3343)

مقام معظم رهبری، در بیانی دیگر می‌فرمایند: خطرپذیری می‌تواند جامعه را موفق کند. شما جوانها باید آماده باشید؛ ترس از این که شاید نشود، این خیلی چیز بدی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۶/۲۵- [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3351)

بنابراین جوان برای رسیدن به موفقیت به عامل خودسازی و خودباوری نیازمند است که این عوامل خود زمینه ساز اقدام به کارهای بزرگ و ایجاد عزم راسخ برای عمل به آن کارها می‌باشد و این روحیه خودباوری، موجب حق طلبی و ظلم ستیزی و نداشتن ترس و هراس از هیچ قدرتی به جز قدرت لایزال الهی می‌گردد که ایجاد این روحیه ستودنی است.

بنابر این؛ یکی دیگر از راهکارهای توسعه معنویت توسط خویشتن سازی جوان، پرورش خودباوری است، در این راستا جوان باید صبور باشد و در راه رسیدن به هدفش از هیچ تلاشی کوتاهی نکند. بنابراین در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی و جامعه ابتدا باید زمینه خودباوری را در خویش تقویت کند که لازمه آن، خدا باوری است که با تلاش و تقویت ایمان و توکل قلبی که در راهکار نهادینه کردن خدا باوری جوان به آن اشاره شد تکمیل می‌شود. این خودباوری، یک نیروی حرکت ساز است که جوان در خود، پرورش می‌دهد و

درسایه آن در جامعه با توسعه معنویت توسط خویشتن‌سازی جوان که در اقتدار و پایداری نظام و دستیابی به قله‌های پیشرفت و توسعه کشور اسلامی بسیار مؤثر بوده توسعه و ترویج می‌دهد... پس این روحیه انقلابی جوان و خودباوری و اعتماد به نفسش، و در پی آن افزایش نیروی اراده و توانمندی، لازمه گسترش معنویت در جوان می‌باشد.

### راهکار سوم: افزایش نیروی اراده و توانمندی

اراده، قدرتی است که توانایی کنترل افکار و رفتارها را می‌دهد در پی آن توانایی می‌توان اقداماتی را انجام داد. با این حال تنها یک توانایی نیست. اراده تنها زمانی اراده است که رفتارهایتان از تصمیمات آگاهانه پیروی کنند. زمانی که اراده باشد، می‌توان خود را از انجام یک کار برحذر کرد یا خود را وادار به کاری نمود، حتی اگر برعکس آن وسوسه شوند. که در آیات و روایات مختلفی به راهکار آن اشاره شده است در آیه ۴۵ سوره بقره می‌فرماید: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (بقره: ۴۵). از صبر و نماز یاری جوید و (با استقامت و کنترل هوس‌های درونی و توجه به پروردگار نیرو بگیرید) این کار جز برای خاشعان، گران است. در روایتی امام علی علیه السلام می‌فرماید: از تقوا به عنوان عامل تقویت اراده و مالکیت نفس که نقش عمده‌ای در ترک گناه و عادات ناپسند دارد، یاد می‌کند و می‌فرماید: آگاه باشید! خطاها و گناهان مانند اسب‌های سرکش و لجام گسیخته‌ای هستند که گناه‌کاران بر آن‌ها سوارند و آنان را در قعر دوزخ سرنگون خواهند ساخت و تقوا همان همانند مرکب‌های راهوار و آرامی است که صاحبانشان بر آن‌ها سوارند و زمامشان را به دست دارند و آنان را تا بهشت پیش می‌برند (سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶). تقوا همان اراده و توانمندی فرد برای غلبه بر اعمال و افکار ناپسند است.

مقام معظم رهبری، در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا در مورد همت، ایمان، نظام جمهوری اسلامی ایران و اراده ملی می‌فرماید: این کشور با عزم و اراده مستحکم شما که از ایمان دینی برخاسته باشد، می‌تواند روزبه‌روز مقتدرتر بشود. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۸/۱۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8339>)



یک ملت از لحاظ دانش باید پیشرفته باشد، از لحاظ اخلاق، از لحاظ ایمان، از لحاظ عزم و اراده، تا بتواند اقتدار خود را حفظ کند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۷/۱۴  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8162>)

بنابر این افزایش اراده انسان عزم راسخ را در جوان ایجاد می‌کند. که منجر به انجام یا عدم انجام کاری می‌شود. وجوان با اراده و عزم محکم، با امنیت و ایمان می‌تواند اقتدار فردی و اجتماعی خود را تقویت نموده و با توسعه معنویت از طریق خویشن‌سازی به هدف اصلی برسد. به عبارت دیگر اراده جوان در توسعه معنویت نیاز به پایداری و تلاش مستمر در خودسازی و همچنین از خود گذشتگی دارد.

بنابراین؛ از پراهمیت‌ترین راهکارهای توسعه معنویت توسط خویشن‌سازی جوان، افزایش نیروی اراده و توانمندی جوان است. هرچقدر جوان این نیرو را در خود تقویت کند توانایی کنترل افکار و رفتارها را دارد و در پی آن می‌تواند اقدامات مهم‌تری را نیز انجام دهد. پس در نتیجه جوان با عزم و اراده، می‌تواند روزه‌روز ایمان را در خود بیشتر تقویت کند سپس با تلاش، بر توسعه معنویت نقش خود را در جامعه و کشور، پررنگ‌تر نشان دهد. پس در این جا روحیه انقلابی جوان و عزم راسخ؛ اراده جوان در این زمینه افزایش یافته، و تفکر، توسط اراده جوان، به رفتار مبدل می‌شود.

## راهکار چهارم: از خود گذشتگی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های نیروی انسانی

### ۱.۱. ایثار فردی و اجتماعی

«ایثار، برگزیدن غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن، منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن، و این کمال درجه سخاوت است. کرامت کردن، ایثارگری آن است که ایثار می‌کند یا آماده ایثار است» (دهخدا ۱۳۸۵/ ۳۸۳)

مرگ و زندگی مهم‌ترین مسئله آدمی در طول تاریخ است. آدمی فطرتاً طالب حیات است و متقابلاً از مرگ فراری است، لذا جدی‌ترین مسئله در زندگی را مرگ تشکیل می‌دهد

که دغدغه انسان را به خود اختصاص داده است. نوع نگاه آدمی به مرگ تأثیر بسیار قابل توجهی در نحوه زندگی آدمی دارد. (بهرمان؛ ۵۲/۱۳۹۰) یکی از مصادیق مرگ، ایثار و از خودگذشتگی است. این خصیصه والای انسانی در همه بخش‌های زندگی انسان حضور و بروز دارد. در ابعاد فردی و اجتماعی و بخشهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، و... نمونه‌های آن را فراوان می‌توان یافت. ایثار در لغت چنین آمده است: درمکتب اسلام ایثار دارای دامنه گسترده‌ای است که از نفسانیت خویش در پیشگاه خداوند تا جنبه‌های توحیدی و سیاسی را در بر می‌گیرد در اسلام ایثار نه تنها بستری جهت طی طریق و نیل به درجات عالی برای انسان فراهم می‌سازد، بلکه زمینه ساز دفاع از آرمانهای متعالی اسلام که در فرد و اجتماع حلول یافته است در قرآن کریم در آیه ۲۰۷ سوره بقره می‌فرمایند: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾. و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا می‌فروشد [مانند امیرالمؤمنین علیه السلام و خدا به بندگان مهربان است.

و خداوند در آیه دیگر، آیه ۱۱۱ سوره توبه می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که: ) در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ.

و همچنین در روایتی امام علی علیه السلام می‌فرمایند: لَا تَكْهُلُ الْمَكَارِمَ إِلَّا بِالْعَفَافِ وَ الْإِيْثَارِ (تمیمی آمدی، ح ۱۰۷۴۵) خصلت‌های والای انسانی، جز با عفت و ایثار، کامل نمی‌گردد. و پیامبر اکرم ص در مورد جهاد در راه خدا و منزلت و جایگاه جهاد هم نکات زیبایی را بیان فرمودند: که به راحتی می‌توان این احادیث را از کتاب نهج الفصاحه تهیه و گردآوری

کرد، ایشان جهاد در راه خدا را جزء بهترین کارها در نزد خداوند می‌شمارند: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ الصَّلَاةُ لَوْ قَتَبَهَا، ثُمَّ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ، ثُمَّ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ یعنی: «بهترین کارها در نزد خداوند نماز به وقت است، آن‌گاه نیکی با پدر و مادر، آن‌گاه جهاد در راه خدا و البته نزدیکترین کار در نزد خداوند جهاد در راه خداوند است. (پایند؛ ۱۳۸۳، ح ۷۰)

در روایتی دیگر نیز پیامبر اکرم ص می‌فرماید: «اقْرَبُ الْعَمَلِ إِلَى اللَّهِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يُقَارِبُهُ شَيْءٌ»، یعنی: نزدیکترین کارها در نزد خداوند جهاد در راه خداست و چیزی مانند آن نیست. (پاینده؛ ۱۳۸۳، ح ۴۲۷)

مقام معظم رهبری، همچنین در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ایثار و شهادت طلبی در دفاع مقدس می‌فرماید:

شهید در قبال خدا، گذشت و ایثار کرده است. ایثار، یعنی ندیدن و به حساب نیاوردن خود. این، اولین موضعگیری شهید است. اگر او خود را به حساب می‌آورد و در معرض نابودی و خطر قرار نمیداد، به این مقام نمی‌رسید. این جوانانی که در جبهه‌های جنگ، در گرمای خوزستان، در زیر آفتاب شصت و پنج درجه حرارت و یا در سرمای کردستان، بر روی کوه‌های پر از برف، رفتند و جان را فدا کردند، همشان خانه داشتند، زندگی داشتند، پدر و مادر مهربان داشتند، بعضی همسر عزیز و نازنین داشتند، بعضی فرزندان و جگر گوشگان داشتند، آسایش داشتند، آرزو داشتند؛ اما همه را گذاشتند و رفتند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۷/۲/۷۶ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2838>) مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۲۲/۱۱/۹۷)

مقام معظم رهبری، در بیاناتی دیگر در دیدار اعضای ستادهای «کنگره شهدای امور تربیتی»، «کنگره شهدای دانشجوی»، و «کنگره شهدای هنرمند می‌فرماید: فرهنگ شهادت، عامل پیشرفت کشور خواهد بود. (<https://farsi.khamenei.ir/speech->)

(content?id=29033)

مقام معظم رهبری، در این مورد می‌فرمایند: فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ تلاش کردن با سرمایه‌گذاری از خود برای اهداف بلندمدت مشترک بین همه مردم؛ که البته در مورد ما آن اهداف، مخصوص ملت ایران هم نیست، برای دنیای اسلام بلکه برای جهان بشریت است. این فرهنگ در جامعه‌ای اگر جا افتاد، درست نقطه مقابل فرهنگ فردگرایی غربی امروز [است] که همه چیز را برای خود و با محاسبه شخصی می‌سنجند؛ برای همه چیز یک قیمت اسکناسی و پولی قائلند و آن، به دست آوردن آن پول است؛ این درست نقطه مقابل آن فرهنگ است؛ یعنی «و یؤثرونَ علیٰ أنفُسِهِمْ»؛ اینها کسانی هستند که "ایثار" می‌کنند (حشر، ۹)؛ فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و برای سرنوشت مردم. این فرهنگ اگر عمومی شد، این کشور و هر جامعه‌ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقف نخواهد شد؛ به عقب بر نخواهد گشت و پیش خواهد رفت.

(بیانات مقام معظم رهبری، ۹۳/۱۱/۲۷ - [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech)

(content?id=29033)

بنابر این؛ یکی از موثرترین خصلت‌های یک انسان مؤمن که در همه عرصه‌های مختلف زندگی ظهور می‌کند ایثار و فداکاری است که بالاترین درجه ایثار گذشتن از خود و مقدم داشتن کرامت انسانی در تمام زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی است و ارتباط ایثار فردی با توسعه معنویت توسط خویشتن‌سازی و پذیرش آن توسط جوان و سپس تعلیم آن، ظهور و درک درستی از ایثار در منظر جوان ایجاد می‌کند. همه این شاخص‌ها باید در ابتدا، در جوان پرورش یافته سپس او به دیگران تعلیم دهد. شهادت، بالاترین و بالاترین درجه از ایثار است. فرهنگ ایثار یک ارزش والا در سطح جامعه است. باید در این زمینه روحیه جوانان را تقویت نمود در نتیجه، تقویت کردن جوانان در این در زمینه در اولین مرحله به صورت فردی در خود و سپس به صورت اجتماعی در جامعه می‌توان در میزان اعتقادات افراد نقش بسزایی داشته باشد. پس جوان با روحیه ایثار و از خود گذشتگی پرورش یافته تا

در صورت لزوم دفاع از انقلاب اسلامی، آماده باشد که جان خود را در راه اسلام فدا کند.

راهکار پنجم: بعد از آموزش گرفتن (تعلیم) آموزش به دیگران (تعلیم)

در اسلام، آموزش هر علمی که مفید باشد، ارزشمند است، ولی ارزش همه علوم یکسان نیست. ارزش علم دین با سایر علوم، قابل مقایسه نیست. آموزش احکام و معارف دینی، مقدمه و شرط لازم رهایی انسان از آتش جهنم و رسیدن به سعادت ابدی است؛ از این رو در سیره معصومان علیهم السلام نیز به آن ارزش فراوان داده شده است. در آیات و روایات زیادی در خصوص تعلیم و تعلیم بیان شده است خداوند در سوره جمعه در آیه ۲ می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ او کسی است که در میان مردمی امی رسولی را از خودشان مبعوث کرد تا آیات او را بر آن‌ها بخواند و آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت را به آن‌ها بیاموزد.

و همچنین در روایتی از پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: ﴿لِيُنْزِلُوا لِمَنْ تُعَلِّمُونَ، وَلِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ﴾؛ با کسی که به او دانش می‌آموزید (شاگرد) و کسی که از او دانش می‌آموزید (معلم) نرم‌خو باشید.

مقام معظم رهبری، در مورد تحصیل علم و دانش می‌فرماید:

امروز جوانهای ما بایستی، هم سلامت جسمی، و هم سلامت معنوی، و هم سلامت فکری را با هم داشته باشند و برای خودشان نگه دارند. سلامت جسمی را با ورزش و با تغذیه مناسب؛ سلامت معنوی و قلبی را هم با توجه به خدا، با نماز، با دعا، با توسل، با یاد شهدا؛ سلامت فکری را هم با کتاب‌خوانی تأمین کنید. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۹/۲۳)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35137>

لذا؛ لازم است جوان پس از خویش‌سازي، و بعد از تادیب نفس خود به تعلیم دیگران پرداخته و با این عمل مهم، معنویت را توسعه داده و تا حد توانش جامعه را برای ظهور ولی عصر خود آماده ساخته و به این صورت خود یکی از سربازان آن حضرت در عصر غیبت به حساب می‌آید.

بنابراین؛ بعد از آموزش گرفتن (تعلم) آموزش به دیگران (تعلیم) است. پس از خویشتن سازی با کمک فراگیران، شایسته است که؛ او نیز آموخته‌ها و دانش خود را به دیگر جوانان جامعه آموزش داده و به آن‌ها در این زمینه یاری رساند و این امر باعث می‌شود تا معنویت توسعه پیدا نموده و علاوه بر تقویت معنویت خود، دیگران را نیز در این زمینه یاری رساند.

#### نتیجه:

اسلام با تبلیغات دینی توسط پیامبر شروع شده و در توسعه، ترویج و نفوذ آن تا حد زیادی در جهان تأثیر گذار بوده است. این مسیر الهی توسط پیامبر ﷺ و معصومین به تمام جهان نشان داده شد و ادامه این حرکت توسط، ائمه، اصحاب، فقها، علما و جوانان انقلابی صورت پذیرفته است. در حقیقت جوانان انقلابی در هر عرصه تلاش بر این داشتند تا معنویت را توسعه داده و جامعه را برای آمدن منجی آماده نمایند. اگرچه برخی از آن‌ها با توجه به اقتضای زمان خود جان بر کف گذاشته و تقدیم اسلام نموده و به فیض رفیع شهادت رسیده‌اند، اما جوانان انقلابی هستند که ادامه دهنده راه آن‌ها بوده و با عنایت به سخن بزرگان به توسعه معنویت اهتمام داشته و آرزوی رسیدن به فیض شهادت را دارند. اما در این میان موانعی وجود دارد که مانع پیوستن عده‌ای از جوانان به این گعده می‌شود؛ عواملی چون؛ تبلیغات سوء دشمن برای جوانانی که به هر دلیلی به طور کامل با معارف اسلام آشنایی ندارند. وهمین فضای خالی باعث می‌شود تا دشمن به خود اجازه نفوذ در قلب جوان را بدهد. پس برای پر کردن این فضا و جلوگیری از نفوذ دشمن ارائه راهکارهایی الزامی می‌باشد. که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

به صورت کلی: پرورش یک جوان انقلابی از طریق (خویشتن سازی) و بیان یافته‌ها

توسط همان جوان در جامعه

### به صورت جزئی:

نهادینه کردن خدا باوری اعم از: آموزش و پرورش نیت مخلصانه به جوان و تعلیم آن توسط او در جامعه

مستقر نمودن شاخصه توکل (فردی) و در نهایت ترویج آن توسط جوان در اجتماع پرورش روح ایمان (فردی) و در نهایت تبلیغ آن در جامعه توسط جوان نتیجه سه مرحله اول رسیدن به خدا باوری و خودباوری است، پس تثبیت این روحیه برای توسعه معنویت در جوان الزامی است. چرا که؛ توسط این باور به قدرت لایزال الهی متصل شده و با شجاعت در راه انقلاب گام بر داشته و دارای عزمی راسخ می‌شود. پس از تثبیت روحیه انقلابی جوان و اکتساب عزم راسخ؛ اراده جوان افزایش یافته، و تفکر، توسط اراده جوان، به رفتار مبدل می‌شود.

در مرحله پایانی لازم است جوان با روحیه ایثار و از خود گذشتگی و شهادت طلبی پرورش یافته تا در زمان دفاع از انقلاب، آماده جانفشانی باشد. پس از خویش‌سازي با کمک متعلمین و اراده شخص جوان؛ شایسته است که او نیز آموخته‌های خود را به دیگر جوانان آموزش داده تا همانند افرادی که به او یاری رساندند تا از شر دشمنان در امان بماند؛ در توسعه معنویت کوشا بوده و قطع‌کننده این زنجیره نبوده و علاوه بر تقویت معنویت خود دیگران را برای ظهور آن حضرت آماده سازد. نتایج استحصالی؛ از آیات و روایات و با توجه به سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد.

## منابع

### قرآن

### نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۲، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی - قم
۲. ابن بابویه، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی، ۱۳۸۵، کتاب من لا یحضره الفقیه، ترجمه و متن مترجم محمد جواد غفاری، نشر تهران، دارالکتب الاسلامیه،
۳. انصاری، علیرضا، پاییز سال ۱۳۸۸، راه کارهای جذب جوانان به دین، مجله معارف اسلامی شماره ۷۷
۴. انوری، حسن، ۱۳۸۸، فرهنگ سخن، تهران، چاپ پنجم، انتشارات سخن
۵. بهرمان، نسترن، ۱۳۹۷، الزامات اخلاقی برخاسته از ایمان به معاد از منظر نهج البلاغه، تهران، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران
۶. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۳، نهج الفصاحه، انصاریان
۷. جلال الدین السیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، ۷۲۴/۲، الاتقان، (المتوفی ۹۱۱هـ)؛ دار الفکر - بیروت.
۸. جهانبگلو، رامین، ۱۳۸۳، نقد عقل مدرن، ترجمه حسین سامعی، تهران، چاپ سوم، انتشارات نشر و پژوهش روزافزون.
۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۶، فرهنگ دهخدا، ج ۱۳، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۶، فرهنگ لغت نامه، ج ۶، ۸۸۳۳، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. شاکرنژاد، احمد ۱۳۹۸، «تحلیل گونه‌های معنویت‌گرایی بر اساس بیانات رهبر انقلاب، بی‌جا.
۱۲. صادقی، هادی، بی‌تا، ایمان در اسلام، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، شماره اول زمستان.
۱۳. علی بن الحسین، امام زین العابدین ۱۳۹۳، صحیفه سجادیه، رضایی، محمد مهدی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ سوم، نمایندگی مقام معظم رهبری، در دانشگاه‌ها



۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۳۸۳، العین، اسعد الطیب، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ج ۱
۱۵. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ هـ، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ج ۳ تهران، دارالکتاب الاسلامیه
۱۶. مجلسی، محمد تقی ۱۳۶۲ ق، بحارالانوار، ج ۶۸ و ۶۴ و ۸۴ تهران، دارالکتب اسلامیه
۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی؛ ۱۳۸۸ خودشناسی برای خودسازی، قم، چاپ اول انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۱۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸، جامعه و تاریخ، قم: ملامصدرا
۱۹. معین، محمد، ۱۳۶۴، فرهنگ معین، تهران، ج ۴، زرین: نگارستان کتاب
۲۰. KHAMENEI.IR
۲۱. پوریا، علی، ارزش امنیت فردی - اجتماعی، <http://kayhan.ir/fa/news/107571>، ۹۹/۱۱/۲۰
۲۲. <http://www.hadithlib.com/hadithtxts/view/300832> کتابخانه احادیث شیعه

---

## عوامل تقویت کننده حیا در سبک زندگی اسلامی

---

پرستو مجیدی پور<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)  
 پروانه اسدی<sup>۲</sup>

### چکیده

حیا از مهم‌ترین عوامل حفظ و بقای عفت عمومی جامعه است که در همه ادیان آسمانی، مورد تأکید قرار گرفته است. هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل تقویت کننده حیا در سبک زندگی اسلامی است. خداوند حکیم علاوه بر به ودیعه قرار دادن حیای فطری در انسان به عنوان یک ارزش دینی که قرین عقل و ایمان است، با ارائه توصیه‌ها و ایجاد محدودیت‌ها بین دو جنس، به افزایش حیا در آنان کمک کرده تا از طریق توجه به آن و تأمین سلامت جسم و روح و روان، به هدف نهایی از خلقت دست پیدا کند. در گام دو بیانیه انقلاب نیز به افزایش عیار معنویت و اخلاق در انقلاب اشاره شده است. مطالعه حاضر به بررسی حیا و عوامل تقویت کننده آن در سبک زندگی اسلامی پرداخته است. این مطالعه به روش توصیفی و تحلیلی بوده و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و جست‌وجوی اینترنتی

---

۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه کرمانشاه majidi.majidipour@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه کرمانشاه poone\_violet@yahoo.com

جمع‌آوری گردید. تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی از دو بخش مراقبت‌های لازم در خانواده و اجتماع تشکیل شده است.

کلمات کلیدی: حیا، عوامل تقویت حیا، بیانیه گام دوم، سبک زندگی اسلامی.

## مقدمه

حیا در لغت به معنی خودداری نفس است از زشتی‌ها (راغب اصفهانی؛ مفردات، ترجمه خسروی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۷۳) و به معنی شرمساری و خجالت می‌باشد و از جمله موضوعات اخلاقی است که در قرآن از آن یاد شده است، (خرمشاهی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۶۹) به تعبیر دیگر تأثر نفس است از امری که قباحت آن امر بر انسان ظاهر می‌شود و باعث انزجار او، از آن عمل می‌گردد (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۰۱). در اصطلاح علم اخلاق، یکی از انواع دوازده‌گانه جنس عفت به شمار می‌آید (حاج سید جوادی و همکاران، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۵۸۳). حیا مانع از آن می‌شود که انسان هر چیزی را که از قلبش می‌گذرد بر زبان بیاورد، حیا برای هر انسانی نیکو است اما در بانوان نیکوتر و زیبنده‌تر می‌باشد، لذا در روایات، حیا به ده قسمت تقسیم شده است که نه قسمت آن، از آن زنان و یک قسمت از آن مردان شمرده شده است. کسانی که پرده حیا را دریده و در ملاء عام مرتکب گناه می‌شوند از نظر اسلام آبرو و احترام و شخصیتی ندارند و لذا غیبت چنین افرادی جایز شمرده شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْحَيَاءُ نُوْرٌ جَوْهَرُهُ صَدْرُ الْإِيْمَانِ وَ تَفْسِيْرُهُ التَّنَبُّثُ غَيْرَ كُلِّ شَيْءٍ يُنْكِرُهُ التَّوْحِيْدُ وَ الْمَعْرِفَةُ». «شرم نوری است که گوهر آن سینه ایمان است، معنای شرم این است که در برابر هر آنچه با توحید و معرفت ناسازگار است خویشتن‌داری کنی.» (محمدی ری شهری؛ ترجمه شیخی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۳۶۰-۱۳۵۲).

علمای اخلاق حیا را دو گونه دانسته‌اند:

۱. حياء نفسانی: حياء نفسانی حیایی است که در سرشت و نهاد انسان نهاده شده است مثل شرمساری از عریان شدن و خجالت از آمیزش میان مردم.
۲. حياء ایمانی: خصلتی است که مؤمن را به سبب ترس از خدا از انجام دادن کردارهای گناه آلود باز دارد، بنابراین پرهیز از محرمات معلول حياء ایمانی است (حائری قزوینی، ۱۳۹۰، ص ۵۸۳).

در آیات مختلفی از قرآن به موضوع حیا پرداخته شده است.

زمانی که موسی علیه السلام از چنگال ظلم فرعون رها یافته و از راه دور خسته و گرسنه به کنار چاه مدین رسیده بود دختران شعیب را دید که برای سیراب کردن گوسفندان به آن‌جا آمده‌اند، حضرت موسی علیه السلام با دل‌وآب گوسفندان آن‌ها را سیراب کرد، (شریعت‌مداری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۴۴) به دنبال آن قرآن می‌فرماید: ﴿فَجَاءَهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ...﴾ (قصص: ۲۵).

«ناگهان یکی از آن دو زن، به سراغ او آمد درحالی‌که با نهایت حیا گام بر می‌داشت گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند...» پیدا بود که از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد وقتی به سراغ موسی آمد تنها این جمله را گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند تا پاداش و مزد آبی را که برای گوسفندان ما، از چاه بیرون کشیدی به تو دهد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۵۸).

مراد از این‌که راه رفتن او بر استحیا بوده، این است که عفت و نجابت از طرز راه رفتنش پیدا بود (طباطبائی ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۶۳، ج ۳۱، ص ۴۱) (در این داستان حیا را می‌توان به حیای گفتار و حیای رفتار تقسیم کرد و دختران شعیب یکی از بهترین الگوهای قرآنی برای زنان مسلمان در برخورد با نامحرمان می‌باشند) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا...﴾ (بقره: ۲۶).

«خداوند از این‌که به (موجودات ظاهراً کوچکی مانند) پشه و حتی کمتر از آن، مثال بزند شرم نمی‌کند...» مثال باید موافق مقصود باشد و مثال وسیله‌ای است برای تجسم حقیقت، گاه در مقام تحقیر و بیان ضعف مدعیان است، بلاغت سخن ایجاب می‌کند که برای نشان دادن ضعف آن‌ها موجود ضعیفی را برای مثال زدن انتخاب کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۶).

﴿إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ...﴾ (احزاب: ۵۳) «... این عمل، پیامبر را ناراحت می‌نماید: ولی از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گوید) اما خداوند از (بیان) حق، شرم ندارد...»

هنگامی که پیامبر ﷺ با "زینب بنت جحش" ازدواج کرد ولیمه نسبتاً مفصلی داد، مردم دسته دسته می آمدند و غذا می خوردند و از اطاق خارج می شدند، بعد از پایان مهمانی سه نفر همچنان در اطاق پیامبر ﷺ ماندند و مشغول گفت و گو شدند و سخنان آن ها به طول انجامید، آیه فوق نازل شد و دستورات لازم را در برخورد با این مسائل به آن ها تفهیم کرد، برای نزول این آیه روایات دیگری نیز وجود دارد (طبرسی، ترجمه کرمی، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص ۵۴۷ - ۵۴۳) (که ناظر به قسمتهای دیگر این آیه است) البته پیامبر خدا ﷺ نیز از بیان حق در مواردی که جنبه شخصی و خصوصی نداشت هیچ ابا نمی کرد اما در این مورد شخصی اصول اخلاقی ایجاب می کرد که پیامبر ﷺ به دفاع از خود نپردازد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، پیشین، ج ۱۷، ص ۴۰۰)

مقام معظم رهبری نیز در بیانات خود به موضوع حیا اشاره فرموده اند. پاره ای از بیانات ایشان در موضوع حیا در ذیل آمده است.

دشمن - نه دشمن ایران یا دشمن انقلاب؛ دشمن بشریت - تصمیم گرفته که نظام خانواده را در بین بشر از بین ببرد. خانواده سنت الهی است. دشمن بشریت یعنی جریان سرمایه داری بین المللی و صهیونیسم تقریباً از حدود صد سال پیش تصمیم گرفتند که خانواده را در بین بشر از بین ببرند؛ و یک جاهایی موفق شدند. در آن جاهایی که از خدا دور بودند موفق شدند، در یک جاهایی هم از جمله در ایران اسلامی ما موفق نشدند اما دارند تلاش می کنند. این ازدواجهای سخت، این ازدواجهای دیر، این فرزندآوری کم، این به تعبیر غلط زشتشان «ازدواجهای سفید» - که سیاه ترین نوع زندگی مزدوج است - همه اینها به خاطر این است که خانواده از بین برود. رواج شهوات، از بین رفتن حیا و عفت، امروز جزو برنامه های دشمن است. شما [مداحان] مبارزه با اینها را جزو برنامه های خودتان قرار بدهید. طهارت و پاکیزگی دامان جوانهای این کشور را مورد همت خودتان قرار بدهید، بر آن همت بگمارید، و این یکی از بهترین کارها و یکی از مؤثرترین شیوه ها برای حفظ انقلاب و برای رشد انقلاب و برای حفظ نظام اسلامی است. رواج شهوات، از بین رفتن حیا و عفت، امروز

جزو برنامه‌های دشمن است. شما مداحان مبارزه با اینها را جزو برنامه‌های خودتان قرار بدهید. که یکی از بهترین کارها و مؤثرترین شیوه‌ها برای حفظ انقلاب و برای رشد انقلاب و برای حفظ نظام اسلامی است

مقام معظم رهبری (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام)، ۱۳۹۷  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4181007/12/1397>).

حیا و اخلاق جوانان مایه اقتدار است، [لذا] با آن دشمنند. این همه در فضای مجازی و در رسانه‌ها فعالیت می‌کنند، میلیاردها خرج می‌کنند برای این که بتوانند از جوان ایرانی اخلاق را، ایمان را، پایبندی به شریعت را، حیا را سلب کنند و بگیرند؛ چرا؟ چون اینها مایه اقتدار کشور است. با جوان مؤمن متشجع باحیای باایمان که در مقابل این وسایل شهوت‌انگیز نمی‌لغزد و می‌تواند خودش را نگه دارد، و برای کشور مایه اقتدار است؛ دشمنند. در فضای مجازی و در رسانه‌ها فعالیت می‌کنند، میلیاردها خرج می‌کنند برای این که بتوانند از جوان ایرانی اخلاق را، ایمان را، پایبندی به شریعت را، حیا را سلب کنند و بگیرند؛ چرا؟ چون اینها مایه اقتدار کشور است (مقام معظم رهبری (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت

پاسداری امام حسین علیه‌السلام)، ۲۰/۰۲/۱۳۹۶-  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36490>

با توجه به مطالب فوق و ارزشمندی موضوع حیا در اسلام و سبک زندگی اسلامی و از آنجاکه به فرموده مقام معظم رهبری حیا باعث اقتدار است. مطالعه حاضر به بررسی عوامل تقویت‌کننده حیا در سبک زندگی اسلامی پرداخته است. مطالعه حاضر از نوع مروری است و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و جست‌وجوهای اینترنتی انجام شده است. در این مقاله به موضوعات حیا، مذموم، جلوه‌های حیا، عوامل تقویت‌کننده حیا در اسلام و فواید عفت و پاکدامنی، بخشهایی از متن بیانیه گام دوم انقلاب و در نهایت نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

## پیشینه

راغب اصفهانی گرفتگی روح و نفس و ترک زشتی را به خاطر خود عمل می‌داند نه برای ترس از مردم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۰). تفاوت حیا و خجالت در این است که معمولاً شخص خجالت زده از عملی که قبلاً انجام داده است ناراحت شده و تغییراتی در چهره‌اش پدیدار می‌شود، ولی شخص باحیا به وسیله همین ویژگی از عمل انجام شده خودداری می‌کند (العسکری، ق ۱۴۰۰، ص ۲۳۹) و تغییر هیئت و حالت او نسبت به عمل زشت می‌شود، ولی خجالت حالتی است که بعد از انجام عمل به وجود می‌آید (طیبی، ۱۳۸۶، ص ۲۶). قرآن کریم با بیان داستان آدم و حواء در دو سوره (اعراف ۲۲، طه ۱۲۱) به صورت غیر مستقیم فطری بودن حیا را گوشزد می‌نماید. همین که آدم و همسرش از آن درخت ممنوع چشیدند، بلافاصله لباسهایشان از تنشان فرو ریخت و اندامشان آشکار گشت. هنگامی که آدم و حوا چنین دیدند بلافاصله از برگ‌های درختان بهشتی برای پوشیدن اندام خود، استفاده کردند. روایان نیز حیا را از خصایص ویژه انسان برشمرده (مفضل ابن عمر، ۱۳۷۹، ص ۷۹). و حیا و ایمان را قرین هم می‌دانند. به گونه‌ای که با رفتن یکی از آن دو دیگری نیز رخت بر می‌بندد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۶). پیوند این دو به اندازه‌ای نزدیک است که اما صادق فرد بی حیا را بی ایمان معرفی می‌کند و می‌فرماید کسی که حیا ندارد ایمان ندارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۲۳). امام علی علیه السلام فرمودند جبرئیل بر آدم فرود شد و گفت ای آدم من مأمورم تو را میان سه چیز مخیر سازم تا یکی را بگزینی و دو تا را وانهی. آدم گفت ای جبرئیل آن سه چیز کدامند؟ گفت عقل و حیا و دین (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰). مقام معظم رهبری در خصوص حیا بیاناتی داشتند: چقدر فاجعه بار است سیاستی که امروز در دنیا به وسیله عوامل قدرتهای ضد بشری برای زدودن حیا رایج است؛ واقعاً الان با یک سیاستی، با یک تدبیری، در همه دنیا دارد کار انجام می‌گیرد برای این که حیا را از بین مردم بردارند. وقتی هم که می‌خواهند حیا را بردارند، این شعبی دارد و از راه‌های مختلف و ده‌ها راه وارد می‌شوند: مسئله اختلاط زن و مرد یک مسئله است، مسئله پوشش



زن و مرد یک مسئله است، چیزهایی که تحت عنوان حقوق زن بیان می‌شود، یکی از این پنجره‌های شیطانی است، [همچنین] چیزهایی که در مورد پوشش زن بیان می‌شود که «آقا چرا مجبور می‌کنید زنها را به حجاب؟» حرفهایی که حتی بعضی از افراد ظاهرالصلاح هم می‌گویند. مسئله حیا خیلی مسئله مهمی است. دنیا این جور نبوده که امروز هست. حتی انسان آثار هنری و ادبی اروپایی‌ها را که نگاه می‌کند، تا ۱۵۰ سال پیش، ۲۰۰ سال پیش مطلقاً این خبرها در اروپا نبوده؛ این فساد و این تهتک و این تهتر را عمدتاً از وقتی که صهیونیست‌ها و سرمایه‌دارها بر امور اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی مسلط شدند، بتدریج رایج کردند؛ انگیزه‌هایی هم دارند، اهدافی دارند که آن داستان خیلی طولانی و مفصّلی است. اسلام نقطه مقابل این است. حیا برای مرد فضیلت است، برای زن هم فضیلت است و این حیا مظاهری دارد؛ یکی از مظاهرش پوشش ظاهری است؛ یکی از مظاهرش معاشرت‌ها و مکالمات سخنورانه است که انسان در حرف زدن، در اظهار نظر کردن، در تبادل کلمات، حیا را ملاحظه کند. بی‌حیائی یکی از آن چیزهایی است که در حرف زدن و در نسبت دادن و در گفت‌وگو کردن و مانند اینها خودش را نشان می‌دهد. در عمل هم همین جور است؛ بعضی‌ها هستند که کارهای زشت بزرگی را انجام می‌دهند، و نگاه می‌کنند در چشم آدم و هیچ احساس شرم هم از این کار نمی‌کنند! بعضی از جنایات مالی است، بعضی از جنایات انسانی است؛ انواع و اقسام. بنابراین رأس صفات و مکارم اخلاق را فرمودند حیا [است]: وَرَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ (مقام معظم رهبری (بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره مسئله «حیا» ۱۳/۱۲/۱۳۹۷

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41899>)

### حیاء مذموم

گاهی انسان بسیار خجالت می‌کشد در حدی که حتی حاضر نمی‌شود مسائل شرعی خود را بپرسد، مشکلات علمی‌اش را مطرح سازد یا عبادتی را ترک می‌کند یا از گفتن حقی شرم می‌کند، قطعاً این‌گونه حیا مورد تأیید شرع و اخلاق نیست (سلطانی، ۱۳۷۲، ج ۲،

ص ۲۲)

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ رَقَّ وَجْهُهُ رَقَّ عِلْمُهُ» «هر کس کم رو باشد، کم دانش

شود» ری شهری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵۶)

## جلوه‌های حیا

### حیا در دیدار

با نوع نگاه افراد علاوه بر میزان حیای آنان، می توان میزان خرد و معرفتشان را نیز سنجید؛ چرا که حیای چشم، ناشی از عقل و معرفت و به قول معروف حیا در چشم است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۲۰، ص ۸۴۳). پیامبر در بیان صفات عقل می فرماید: خداوند عقل را از نوری اندوخته شده آفریده و دانش را نفس آن، فهم را روح آن ... حیا را چشم آن و حکمت را زبان آن قرار داده است (قمی، ۱۱۱۰ - ۱۰۳۷، ج ۱، ص ۱۰۷) و نهایتاً می فرماید: خداوند حیا را در چشمان قرار داده است (قمی، ۱۱۱۰ - ۱۰۳۷، ج ۷۳، ص ۱۶۶).

### حیا در گفتار

اصولاً زبان دارای کاربردهای گوناگونی است. یکی از این کاربردها که اغلب به آن توجه نمی شود، تنظیم و تعدیل حیا در ارتباطات است. به تعبیر قرآن کریم از نوع گویش آنان، آنان را خواهی شناخت (محمد: ۴۷). همان گونه که حضرت علی علیه السلام یادآور می شوند: سخن بگویند تا شناخته شوید؛ زیرا انسان زیر زبان خویش نهفته است (آشتیانی و همکاران، ۱۳۸۷، حکمت ۳۹۲).

حیا در گفتار با چند عامل نمایان می شود:

حیا در استفاده از زبان، بیان مطالب مناسب، حیا نسبت به مخاطب، تذکر دادن، درخواست کردن، بیان مسائل جنسی، بیان طنز و فکاهی، جذاب کردن رمان ها، غنا و آواز خوانی.

## حیا در شنیدار

حیا در شنیدن، از ظرافت و لطافت بیشتری نسبت به حیا در گفتار برخوردار است. انسان باید به گونه‌ای رفتار نماید که دیگران در حضور او جانب حیا و وقار را پیش بگیرند و هر سخنی را بر زبان جاری نسازند. باید بدانیم که انسان هرگاه با کسی صمیمی می‌شود، این حق را ندارد که از هر دری با او به صحبت پردازد و پرده حیا را یکی پس از دیگری بدرد؛ چرا که دوستی‌های بسیاری در اثر این تندروی‌ها و افراط‌ها به ورطه جدایی و نابودی کشیده شده است. رعایت حدود حیا در گفتار و شنیدار می‌تواند حل بسیاری از معضلات و چالش‌های اجتماعی را که امروزه دنیای غرب و شرق را آکنده ساخته است حل کند. در یک جامعه با حیا سخنان ناروایی که در صدد هتک حرمت دیگری است، خریدار ندارد، چون کسی که به این سخنان گوش فرا می‌دهد، شریک گوینده است. چنان چه امیرالمؤمنین علیه السلام تأکید می‌کنند: شنونده غیبت شریک گوینده است (آمدی، ۱۴۱۰، ح ۴۴۴۵، ص ۲۲۱) و یک شخص با حیا خود را شریک بی‌شرم نمی‌کند، بلکه دفاع از آن شخص را وظیفه خود می‌داند (پسندیده، ۱۳۸۴، ص ۲۲۶-۲۲۲).

## حیا در پندار

امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر فرمودند: در مقابل خداوند حق حیا را به جا آورید. گفتند ای پیامبر خدا چه کنیم؟ فرمود اگر کسی بخواهد حق حیا را به جا آورد نباید به بستر خواب رود مگر این که مرگ را بین دو چشمش ببیند و باید سر و اندیشه‌های درون آن و شکم و آنچه در آن می‌ریزد را مواظبت نماید و به یاد قبر و پوسیدن بدن در آن باشد و کسی که به دنبال آخرت است، باید زینت‌های زندگی دنیا را رها کند (حمیری قمی، ۴۱۳، ص ۱۳ و ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۹۳).

## حیا در کردار

مهم‌ترین جلوه حیا در کردار ترک گناه است؛ حتی گناهان کوچک. در صورتی که انسان

متوجه نعمت‌های خدا باشد یا خود را در محضر خدا ببیند یا اندک محبتی از خدا در دلش داشته باشد، حیا می‌کند گناهی را انجام دهد. حضرت یونس علیه السلام بعد از خارج شدن از شکم نهنگ، به خاطر ترک اولایی که انجام داده بود، از روبه‌رو شدن با مردم حیا می‌کرد (قمی، ج ۱۴، ص ۳۸۳). امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: حیا کن و هیچ گناهی را کوچک مشمار؛ چرا که روزی به تو ضرر خواهد رساند (قمی، ج ۶۸، ص ۱۸۴).

### حیا در خوابیدن

انسان با حیا تمام حالت و اعمالش تحت الشعاع حیای اوست؛ به گونه‌ای که در خوابیدن نیز حیا را رعایت می‌کند و پوششی را بر روی خود می‌افکند. توصیه حضرت مسیح علیه السلام است که، هر یک از شما که در منزل خویش می‌آرآمد، پوششی را بر روی خود بیافکند؛ چرا که خداوند تعالی بسان تقسیم می‌کند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۳۵).

### حیا در پوشش

یکی از جلوه‌های بارز حیا، نوع پوشش و اصل پوشش انسان می‌باشد. در بین حیوانات پوشش موضوعیت ندارد. این انسان است که به خاطر حیا خود را می‌پوشاند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدند: آیا در تنهایی می‌توانیم کشف عورت کنیم؟ حضرت جواب دادند: خداوند بیش از مردم سزاوار است که از او شرم شود (ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۱۸). و در جاهای مختلف می‌فرمودند: خداوند شما را از عریان شدن بازداشته است (قمی، ج ۵۶، ص ۲۰۰). لذا از عریان شدن پرهیزید (الترمذی، ج ۵، ص ۱۰۴).

### عوامل تقویت‌کننده حیا در اسلام

دیدن صحنه‌های بد و نشست و برخاست با افرادی که زبانشان رها است و حیای شان کم است، سبب کم حیائی می‌گردد و اگر پرده حیا دریده شد جبران آن دشوار است، بنابر این مراقبت از زبان و انتخاب دوستان عاقل و با حیا و پرهیز از دیدن و شنیدن مطالبی که

در آن‌ها پرده دری و بی‌حیائی موج می‌زند و اعتقاد به حضور خداوند و اشراف او بر بندگان و مضرات بی‌حیائی برای سلامتی روح و روان انسان، سبب می‌شود که انسان به حالت عادی بر گردد و حدود الهی را رعایت کند. باید دانست انسان فطرتاً از هر چیزی که به ضرر او باشد، اجتناب می‌کند. به‌طور قطع و یقین اگر انسان گنه کار باور کند، همانطور که زهر و سم برای جسم مضر است؛ گناه نیز، روح انسان را فاسد و خراب کرده، برایش مضر است، از گناهان اجتناب می‌کند. حیا و نقطه مقابل آن یعنی بی‌حیائی نیز چنین است. ما میدانیم حیا خوب است و بی‌حیائی زشت و قبیح، اما ممکن است این مطلب را باور نداشته باشیم؛ چرا که به مضرات آن یقین نداریم. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: الحياء مفتاح كل الخير (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۳۵۲) شرم کلید همه خوبی‌هاست. اگر باور کنیم که با وجود حیا، درهای همه خیرات به سوی ما باز می‌شود، مسلماً داشتن حیا در همه ابعاد زندگی را، سرلوحه افعال و کردار خویش قرار می‌دهیم.

شرم از خالق و ولی نعمت، موجب می‌شود، از آنچه که او نهی کرده است بپرهیزیم. مگر نه این است که وقتی کسی به ما نیکی می‌کند، ما نیز به او نیکی می‌کنیم؟ در حقیقت حیا می‌کنیم، جواب نیکی دوست را به بدی بدهیم. چگونه می‌شود انسان غرق در نعمات خداوند و خالق خویش باشد، اما به معصیتی که جز به ضرر خود او نیست پردازد؟ نه فطرت ما چنین چیزی را میپسندد؛ نه عقل و خرد، مجوز چنین کاری را می‌دهد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: اعقل الناس احیاهم (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۳۵۲) خردمندترین مردم، با شرمترین آنهاست.

به‌عنوان مثال: به دلایل متعدد، عقل حکم می‌کند که یک خانم، به یک مرد ابراز علاقه و دوستی نکند: ۱ - بر خلاف فطرت خود عمل کرده است؛ در نتیجه اگر جواب منفی بشنود، احساس افسردگی، سر خوردگی، شکست و خجالت زدگی می‌کند، درحالی که مرد چنین نیست. ۲. این ابراز علاقه، زمینه سوء استفاده مرد را فراهم می‌کند ۳ - در صورت ازدواج، معمولاً حربه‌ای است به دست مرد، برای سرزنش زن و..... و مهم‌ترین مطلب این که

این گونه ارتباطها، موجبات معاصی فراوانی را فراهم می‌کند، که پرده‌های حیای بین خالق و مخلوق را از بین می‌برد.

### جهت تقویت و کسب حیا، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. باور کردن این مطلب که: کسی که حیا دارد برای خود، ارزش قائل است. ما اگر برای خود، شخصیتی والا، قائل باشیم، به هر کاری تن نمی‌دهیم. انسانهای حقیر و پست، تن به هر فعل زشتی داده، کم کم از کارهای زشت خویش نیز نه تنها ناراحت نمی‌شوند بلکه لذت می‌برند. شخصیت هر انسانی توسط خود او شکل می‌گیرد؛ انسانهایی که از روح بزرگ برخوردارند، وجود خود را با کارهای زشت آلوده نمی‌کنند.
۲. کسب معرفت درباره عواقب گناهان، در دنیا و آخرت. به عنوان مثال، مطالعه احادیث وارده از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و کتب اخلاقی، درباره بد حجابی. کسب معرفت و آگاهی، مقدمه و زمینه ساز پرهیز از معاصی است.
۳. انتخاب دوستان با حیا ارتباط و دوستی با کسانی که اهل شرم و حیا نیستند، کم کم انسان با حیا را، به بی‌حیایی میکشانند؛ چرا که انسان هم رنگ دوست خود می‌شود. ارتباط نزدیک با افراد لا ابالی، قبح بسیاری از زشتیها را از بین می‌برد.
۴. تقویت ایمان داشتن ایمان (یعنی عمل به واجبات و ترک محرمات) حیا و شرم را در وجود انسان مستقر می‌کند. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: حیا و ایمان به هم پیوسته‌اند؛ هر گاه یکی از آنها برود دیگری هم در پی آن روانه شود (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۳۵۴).
۵. تفکر درباره آثار دنیوی و اخروی حیا از آثار دنیوی و اخروی حیا عبارتند از: بر طرف شدن عیوب، تسلط بر نفس، عامل بهره‌مندی و کامیابی، زینت بخش و آبرو ساز و... امیدواری، ایمنی روز قیامت، ترغیب به

کمال و قبولی عمل، پاکی از گناهان، حیا بهتر از هفتاد سال عبادت و... (بانکی پور فرد، حیا، ص ۲۷ به بعد)

۶. مهم‌ترین مطلب این‌که: بدانیم خدا ما را می‌بیند.

تقویت این مسئله در ذهن و روح انسان، موجب حیا و شرم از خالق همه موجودات می‌شود. خالقی که با وجود قدرت، صبور است و حلیم؛ او که حاضر است و ناظر. بدانیم که خدای بزرگ، در هر حال، نظاره‌گر اعمال ما بندگان ضعیف و گنه‌کار است.

۷. و نکته آخر این‌که: با دعا و نیایش به درگاه خدای مهربان، از او تقاضا کنیم، بر تن ما لباس حیا و اجتناب از معاصی را بپوشاند.

امام زمان علیه السلام در حق زنان چنین دعا می‌کنند: و علی النساء بالحیاء و العفة (مفاتیح الجنان، دعای امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف)) خدایا به زنان ما حیا و عفت عنایت فرما.

پروردگارا ما را از زمره کسانی قرار ده که پرده‌های عصمت اولیای خویش را بر آنان گسترانیده‌ای، و دل‌هایشان را به پاکی و زلالی اختصاص داده‌ای و قلب‌هایشان را به فهم و شرمساری در سرای بندگان برگزیده ات آراسته‌ای (بانکی پور فرد؛ حیا، ص ۲۰۸ (قمی، ۱۱۱۰ - ۱۰۳۷، ج ۹۱، ص ۱۲۸)).

اگرچه شما جوان عزیز حفظ حیا و عفت را برای خود از واجبات می‌دانید اما جهت افزایش اطلاعات خود در این زمینه به فواید عفت و پاکدامنی می‌پردازیم:

### فواید عفت و پاکدامنی

۱. عفت باعث می‌شود انسان از ایمان و اخلاصش نسبت به خدا اطمینان پیدا کند. هر شخصی با حفظ عفت و دوری از پلیدیها می‌تواند ایمان و اخلاص خود را محکم زده و بفهمد تا چه اندازه در ایمان خود صادق است

الله عزوجل درباره یوسف علیه السلام می‌فرماید: ﴿كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ (یوسف: ۲۴) ما این چنین کردیم (و در حفظ وی در همه مراحل کوشیدیم) تا بلا

و زنا را از او دور سازیم. چرا که او از بندگان مخلص ما است.

۲. عفت، زمینه مناسبی را برای ازدواج موفق انسان فراهم می‌کند.

کسی که عفت را در زندگی پیشه کرده با ازدواج وارد دنیای جدیدی می‌شود که می‌تواند آنرا به زیبایی بسازد و خداوند عزوجل در میان مردان و زنان عقیف محبت و رحمت و انسی را برقرار می‌کند که سبب سعادت آن‌ها می‌شود.

چرا که بی‌عفتی باعث تجربه‌های غلط در دوران مجرد خواهد شد که این تجربیات زود هنگام شخص را مجبور به ازدواجی تحمیلی خواهد نمود و یا باعث انتخاب غیر واقع بینانه او در همسرگزینی می‌شود.

۳. ایجاد امنیت و آرامش

اگر اجتماع موجبات هیجان مداوم شهوات را با بی‌عفتی و ابتدال فراهم کند، به تلاطم و نارضایی غریزه با هزاران عوارض روانی و جنایات ناشی از آن افزوده خواهد شد. از این رو لازمه دست یافتن به آرامش و امنیت، از بین رفتن شرایط تحریک آمیز و نهادینه کردن عفت و حیا در محیط است.

افزایش سرسام‌آور جرم و جنایت علیه زن در کشورهای بی‌بند و بار که امنیت زنان را به شدت به مخاطره انداخته، مؤید این مطلب است.

۴. ارزش آفرینی برای زن

مرد در عمق روح خود از تسلیم بودن زن نفرت دارد و همیشه عزت و بی‌نیازی و بی‌اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است. حجب و حیا که از ویژگی‌های فطری زن است، در واقع تدبیر آفرینش برای حفظ مقام و موقعیت زن در برابر مرد است. ویل دورانت می‌گوید: «زنان به‌طور تجربی دریافته‌اند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است. آن چه بجویم و نیابیم، عزیز و گران بها می‌شود» بنابراین، پوشیدگی زن او را از خطر «ابتدال» مصون می‌دارد و برحمت و ارزش او می‌افزاید. احترام حقیقی به یک زن از جانب مرد، تنها زمانی امکان‌پذیر است که آن مرد به دیده آلود در او ننگرد. زن پاک دامن از این که به دیده



شهوة و هوس نگریسته شود، سخت در عذاب است. پوشیدگی زن سبب می‌شود که جلوه‌های ظاهری زن به جای مقام انسانی او ملاک ارزش‌گذاری نشود.

#### ۵. قدر و منزلت الهی

عفاف باعث می‌شود قدر و منزلت و نزدیکی به درگاه الهی زیاد شود. علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که عفت داشته باشد، گناهانش سبک می‌شود» (ری شهری، ج ۶، ص ۳۶۳)

#### ۶. استحکام بنیان خانواده

عفاف موجب تحکیم بنیان خانواده می‌شود و بی‌عفتی باعث تزلزل آن. چه بسا طلاق‌هایی که بی‌عفتی مرد یا زن را باعث می‌شود چرا که هیچ یک از زوجین بی‌عفتی و لاپالایی بودن همسر خویش را نمی‌خواهد و بروز این نوع از رفتار باعث بدبینی‌ها و نهایتاً فرو ریختن بنیان خانواده است.

#### ۷. حفظ نفس

عفت و پاکی موجب کنترل و حفظ نفس از بدی‌ها می‌شود. علی (علیه السلام) می‌فرماید: «پاک دامنی نفس را حفظ و از پستی‌ها دور می‌کند.»

انسانی که عفت را رعایت نمی‌کند و به هر چیز نگاه می‌کند و به صوتی گوش می‌دهد و هر کاری که می‌خواهد انجام می‌دهد انتظاری جز دنباله روی از دستورات نفسانی‌اش ندارد (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۳۶۳).

#### ۸. نجات از امراض خطرناک و کشنده

بسیاری از امراض خطرناک و کشنده از طریق رابطه‌های نامشروع و بی‌عفتی به انسان منتقل می‌شود که در واقع عذابی است از طرف الله برای شهوت رانان. مانند مرض ایدز که یکی از عوامل مهم مبتلا شدن به آن بی‌عفتی است. البته باید توجه داشت که داشتن بیماری ایدز به تنهایی دلیل بر ناپاکی و بی‌عفتی نیست.

برای رهایی از افکار نادرست، سعی کنید همواره خود را مشغول کنید. به گونه‌ای

برنامه‌ریزی نمایید که وقت خالی نداشته باشید. و هرگاه این افکار به سراغ شما آمد تغییر حالت داده و خود را به کار دیگری مشغول نمایید. و تا زمانی که خسته نشده‌اید و احساس خواب‌آلودگی نمی‌کنید، به رختخواب نروید (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۳۶۳).

## آثار حیاء

حیاء منشأ آثار اعتقادی، اخلاقی، دنیوی و اخروی است.

## آثار اعتقادی

انسان با صفاتی همچون حیا و آزم محبوس و معشوق خداوند می‌گردد. همانگونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید خداوند انسان با حیای بردبار توانگر پاکدامن را دوست می‌دارد و با انسان ناسزاگو، بد دهان و فقیر سمج، دشمن است (قمی، ج ۷۶، ص ۱۱۱). توانگری که می‌تواند عامل طغیان بشود، اگر چنان چه با حیا توأم شد، محبوب خدا می‌گردد و بر عکس در حالت فقر و نداری، گدایی مردم را کرد و در گدایی پافشاری و سماجت نمود، حیای او می‌رود و باعث دشمنی خدا می‌گردد. امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس چهار چیز را پوشش خود سازد، اسلامش کامل گردد، بر ایمانش یاری شود، گناهانش پاک گردد و خدا را درحالی که از او راضی است ملاقات کند و اگر چه سر تا قدمش گناه باشد، خدا از او فرو ریزد. آن چهار چیز عبارتست از: وفا به قراردادهای الهی، راستگویی با مردم، حیا از زشتی پیش خدا و پیش مردم و حسن خلق با خانواده و مردم (قمی، ج ۶۶، ص ۳۸۰).

## آثار اخلاقی

### الف) حیا مبنای نظام اخلاقی

فلاسفه و انسان‌شناسان غالباً دو نظام اخلاقی را مشخص می‌کنند: اخلاق شرم (اخلاق یونان هومر) و اخلاق احساس گناه (اخلاق مسیحی). دکتر لنگهاوزن با معرفی این دو نظام، حیا را به عنوان نظام اخلاقی سوم برخاسته از تفکر اسلامی می‌داند. احساس شرم زمانی پدید

می‌آید که ما به نگاه دیگران و یا تصور نگاه آن‌ها پس از آن که مرتکب خلاف شدیم توجه کنیم؛؛ درحالی که احساس گناه احساسی کاملاً وجدانی است و به هیچ وجه به نظر دیگران نسبت به ما ربطی ندارد. شرم و احساس گناه هر دو حالت‌هایی هستند که انسان می‌خواهد از آن‌ها رها شود. حیا نیز انگیزه‌ای برای رعایت احکام اخلاقی است. حیا عاملی برای ممانعت از اعمال سوء و حتی بیشتر از آن عاملی است برای جلوگیری از موقعیت‌هایی که در آن فرصتی برای ارتکاب به گناه به وجود می‌آید. درحالی که شرم و احساس گناه حالت‌هایی هستند که پس از ارتکاب به گناه به وجود می‌آیند. در اسلام نیز با توصیه‌ای که برای حیا شده است، احساس شرم یا وجدان نابود نمی‌شود، بلکه مهم‌تر از هر دوی آن‌ها نیازی است که انسان برای حفظ حرمتی که به واسطه آن ارتباط با خدا را حفظ می‌کند احساس می‌نماید. این محافظت از حرمت فطری، به اخلاق مبتنی بر حیا ویژگی متعالی می‌دهد. خلاصه آن که در فرهنگ اسلامی، حیا احساسی است همچون احساس نگاهبان حرم، حرمی که در صورت غفلت آلوده می‌شود (حیا زیبایی بی‌پایان، ص ۲۱ - ۱۷). برخی از صفات اخلاقی ارثی هستند ولی برخی صفات اکتسابیند و جنبه ارثی بودن آن‌ها کم رنگ است. این صفات که مکارم اخلاق محسوب می‌شوند، ده صفت هستند که چه بسا در پسر یافت می‌شود ولی در پدر وجود ندارد یا بالعکس. امام صادق یکی پس از دیگری این مکارم اخلاقی را بر می‌شمرد:

مردانگی، راست گفتاری، امانتداری، صله رحم، میهمان‌نوازی، اطعام کردن سائل، جبران نیکی‌های دیگران، پاس داشتن حریم همسایه در ادامه حضرت یادآور می‌شوند که در رأس تمامی این صفات و ویژگی‌ها، حیا قرار دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۴۳۴).

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به اوج و تمامیت برسانم (قمی، ج ۶۸، ص ۳۸۲) و حضرت علی علیه السلام تمامیت کرم را به حیا دانسته‌اند و آن را نیکوترین خصلتها معرفی کرده‌اند (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۵۶، ح ۵۴۳۷).

ب) حیای از خود

در بین مخلوقات بیشترین و لطیف‌ترین حیا در پیامبر بود و پیامبر نه تنها تمامیت این مکارم اخلاق را در خود ظهور داد، بلکه انسان‌ها را متوجه جنبه‌ای از حیا به عنوان حیای از خود کرد. حیای از خود یکی از مصادیق تمامیت مکارم اخلاق است؛ چنانچه در روایت آمده است: تمامیت جوانمردی این است که از خود حیا کنی (آمدی، ۱۴۰۱، ح ۴۷۶). حیای از خود در اوج معارف دینی قرار دارد و این مسئله نشان از اتصال دینی ما با وحی الهی دارد. حیای از خود به این معناست که آن قدر انسان برای خود ارزش و کرامت داشته باشد که در خلوت خویش نیز خجالت بکشد کار زشتی انجام دهد؛ حتی اگر کس دیگری هم مشاهده نکند. در روایتی امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که در خلوت کاری کند که آشکارا از انجام آن حیا می‌کند، خودش نزد او ارزشی ندارد (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۸۲). حیای از خود باعث می‌شود انسان هیچ موقع از خود غافل نشود و همین امر موجب تثبیت و ملکه شدن صفات اخلاقی در نفس می‌گردد. بنابراین نیکوترین حیا (آمدی، ۱۴۱۰، ح ۵۴۵۲) و بالاترین درجه حیا را حیای از خود می‌دانند (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۳۶، ح ۴۷۵۸) و آن را ثمره ایمان دانسته‌اند (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۸۹، ح ۱۴۹۸).

حضرت علی علیه السلام علت این حیا را وجود گوهر عقل در انسان می‌دانند و می‌فرمایند: علت حیا از فرد سالخورده زیادی سن و سفیدی ریش او نیست، بلکه علت حیا از او عقل اوست. پس اگر گوهر عقل درون ما نیز باشد، شایسته است که از او حیا کنیم و عمل قبیحی را در محضر او انجام ندهیم (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۳۸).

هنگامی که عزت نفس در انسان نمایان گردد، حیای از خود در انسان پدیدار می‌شود. هر چه منزلت و عزت نفس در بینش ما والاتر و بالاتر باشد، حیای ما از خود نیز افزایش خواهد یافت. هر کس عزت و کرامت بیشتری دارد، ظرفیت و گنجایش بیشتری در خود احساس می‌کند و همین احساس زمینه را برای کسب معارف بیشتر برای او فراهم خواهد کرد. حضرت علی علیه السلام به مفضل ابن صالح می‌فرماید: از هر گونه عمل مخفیانه‌ای که در برابر دیدگان مردم از بروز آن حیا می‌کنی بپرهیز و از هر عملی که هرگاه بر فاعل وکننده آن عرضه

گردد از آن دوری می‌گزیند، اجتناب کن (ابن فهد حلی، عده الداعی، ۱۴۰۷، ص ۲۲۸ و قمی، ۱۱۱۰-۱۰۳۷، ج ۶۸، ص ۳۶۹).

### ج) حیا، آزادی و کرامت

حیا، آزادی را با کرامت پیوند می‌دهد. شروع حیا آزادی است و غایت آن کرامت. حیاست که بیش از هر چیز دیگر کرامت انسان را تضمین می‌کند. امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: نهایت کرامت در حیا منعکس است (آمدی، ۱۴۱۰، ح ۵۴۴۴).

اگر چه حیا از یک منظر، میدانی است در جهت پیوند آزادی و کرامت، اما از منظری دیگر، زمینه‌ای را فراهم می‌کند در جهت گسستن آزادی از کرامت. پیوند آن از این جهت است که حیا با آزادی شروع می‌شود و به کرامت ختم می‌شود و گسیختن آن از این جهت است که انسان در نقطه‌ای قرار می‌گیرد که آزادی را از خود سلب می‌کند تا کرامت خود و دیگران را حفظ کند. محمور ارزشها در غرب آزادی است و در اسلام کرامت. در غرب حاضر نیستند به هیچ وجه، آزادی را محدود کنند، اما اسلام در بعضی مواقع آزادی را به خاطر حفظ کرامت بشر محدود می‌کند. گروهی در یونان به نام کلبیون معتقد بودند که در بین مردم هم باید مانند خلوت رفتار کرد. آنان از انجام هیچ کاری در جمع ابایی نداشتند. آن‌ها همه قیود زندگی اجتماعی را ترک نمودند و حالت طبیعی را پیشنهاد کردند (فروغی، ۱۳۹۳، ص ۷۰).

### د) حیا و ادب

ادب و حیا درهای بسته را باز می‌کند و بی‌ادبی درهای باز را می‌بندد. ادب زبان ذکر است، ادب بدن، روزه است، ادب مال، زکات است. آداب شرع همین ادبهاست. هر چه محبت بیشتر شود، ادب بیشتر می‌شود. ائمه آرزو دارند که ما با ادب باشیم و آزار نرسانیم، تا پهلوی ما بنشینند. اگر ما یک خرده با حیا و با ادب باشیم، ائمه خدا را در ما می‌بینند (یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۴-۳۷۳).

### ه) حیا و عفاف

پیش درآمد عفت و پاکدامنی، حیا است (آمدی، ۱۴۱۰، ح ۵۴۴۴). در حقیقت علت حیاست و معلول عفت. امام سجاده علیه السلام در دعاهاى خود از خدا مى‌خواست: ایمان و خواسته‌هایمان را با حیایی همراه ساز که از شهوات منقطع شود (قمی، ۱۱۱۰ - ۱۰۳۷، ج ۹۱، ص ۱۵۷). عفت در روایات از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را بهترین اعمال شمرده‌اند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خداوند با چیزی بالاتر و والاتر از پاکدامنی شکم و شهوت عبادت نشده است (کلینی، ۱۴۲۱، جلد ۲، ص ۷۹).

هویت و شخصیت خانواده آن چنان در گرو پاکدامنی و عفت است که خداوند می‌فرماید: آنان که راهی برای ازدواج نمی‌یابند، عفاف و پاکدامنی پیشه سازند تا خداوند از فضل و رحمت خویش آنان را بی‌نیاز گرداند (نور: ۲۴). جامعه سالم در دامن مادران پاکدامن و عقیف شکل می‌گیرد. چنان‌که در حدیث آمده است: خوشا به سعادت کسی که مادرش عقیف و پاکدامن باشد (قمی، ۱۱۱۰ - ۱۰۳۷، ج ۵، ص ۲۸۵، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۶۴). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بهترین زنان را، زنان پاکدامن می‌دانند (کلینی، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۳۲۴).

### آثار دنیوی

آثار دنیوی شامل: برطرف شدن عیوب، تسلط بر نفس، عامل بهره‌بری و کامیابی، زینت بخش و آبرو ساز، به ثمر نشانیدن خیرات حتی برای بی‌دین‌ها و مسبب و کانون زیبایی‌ها می‌باشند.

### آثار اخروی حیا

آثار اخروی شامل: امیدواری، ایمنی روز قیامت، ترغیب به کمال و قبولی عمل، پاکی از گناهان می‌باشد و همچنین حیا بهتر از هفتاد سال عبادت است (بانکی پور فرد؛ حیا، ص ۱۸۴ - ۱).

با توجه به آثار مهم حیا در زندگی انسان توجه به آن و سعی در تقویت و ترویج آن در بین

خانواده‌ها و جامعه امری ضروری به نظر می‌رسد. لذا تحقیق حاضر به بررسی عوامل تقویت‌کننده حیا و جلوه‌های حیا در زندگی می‌پردازد.

### نتیجه‌گیری

در این مطالعه به بررسی عوامل تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی پرداخته شد. با توجه به آثار مهم حیا در زندگی انسان‌ها تلاش جهت تقویت آن امری ضروری به نظر می‌رسد. سؤال پژوهش حاضر این بود که عوامل تقویت‌کننده حیا کدامند؟ منظور از سبک زندگی اسلامی این است که تمامی گرایشها، تمایلات، رفتارها، عقاید، ارزش و مجموعه تلقی‌ها، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و... یک فرد یا جامعه در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی بر مبنای آموزه‌های دین اسلام و عمل بدانها پایه‌ریزی شود. به گونه‌ای که این سبک چنانچه مقام معظم رهبری فرموده‌اند بتواند بخشی از تمدن نوین اسلامی قرار گیرد. هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش ابزاری است و یک بخش اصلی و اساسی است. بخش اصلی آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است. مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در فعالیت سیاسی و... است. تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی از دو بخش مراقبتهای لازم در خانواده و اجتماع تشکیل شده است. این دو قسمت طیف وسیعی از مراقبتها را در طی دوران قبل از تولد تا پایان زندگی انسان را در بر می‌گیرد. بنابراین وجود برنامه‌هایی که موجب تقویت حیا در خانواده و به تبع آن اجتماع می‌گردد امری ضروری به نظر می‌رسد که این امر مستلزم همکاری همه‌جانبه علما و روحانیون و همچنین خانواده‌ها و دولت می‌باشد.

چگونگی تربیت جنسی، توصیه به حفظ عفت در نگاه، پوشش و رفتار و از سویی

غیرت‌ورزی مردان در جامعه، مراقبت‌های لازم جنسی زن و شوهر در ارتباط با یکدیگر، توجه به تمایلات جنسی همسر و پرهیز از حیای احمقانه، عدم خروج زن و شوهر از محدوده روابط جنسی مشروع، مراقبت‌های لازم جنسی در ارتباط پدر و مادر با فرزندان و بالعکس، مراقبت‌های لازم پیش از تولد، مراقبت‌های لازم پس از تولد فرزند در سطح خانواده باید مد نظر قرار گیرد. در سطح جامعه پوشش مناسب زن و مرد در جامعه، پرهیز از نگاه‌های هوس‌آلود، پرهیز از خودآرایی و تبرج، پرهیز از تبذل، پرهیز از اختلاط با نامحرم، رعایت حدود در سخن گفتن با نامحرم، پرهیز از خلوت با نامحرم، پرهیز از تماس بدنی با نامحرم از عوامل تقویت‌کننده حیا می‌باشند.



## منابع عربی

۱. ابن ابی الحدید. عبدالحمید ابن هبه الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ج ۲۰، ص ۳۳۸
۲. ابن فهد حلی، عده الداعی، (۱۴۰۷ه). دارالکتاب الاسلامی، بیروت. ص ۲۲۸ و مجلسی. محمدباقر ابن قمی. محمد تقی، قمی. (۱۱۱۰ - ۱۰۳۷ق). دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۶۸، ص ۳۶۹
۳. ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۴۱۸ق). سنن ابن ماجه، دار الجیل، بیروت، ج ۱، ص ۶۱۸
۴. احزاب: ۵۳.
۵. آمدی. ابوالفتح. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم، دارالکتاب الاسلامی، قم
۶. بقره: ۲۶.
۷. ترمذی. ابو عیسی محمد. (۱۴۱۹ق). سنن الترمذی، دارالحدیث، قاهره، ج ۵، ص ۱۰۴
۸. حر عاملی. محمد ابن حسن (ق ۱۴۰۹). وسائل الشیعه، آل البيت لإحياء التراث، قم
۹. حمیری قمی. عبدالله ابن جعفر. (۱۴۱۳ق) قرب الاسناد، مؤسسه آل البيت للإحياء التراث، قم، ص ۱۳ ابن بابویه محمد ابن علی. (۱۳۷۷). خصال شیخ صدوق، کتابچی، تهران، ج ۱، ص ۲۹۳
۱۰. العسکری. حسن ابن عبدالله، (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغه، بیروت دارالآفاق الجدیده
۱۱. قصص: ۲۵
۱۲. کراجکی. محمد ابن علی. کنزالفوائد. (۱۴۱۰ق). دار الذخایر، قم، ج ۲، ص ۱۸۲
۱۳. کلینی. محمد ابن یعقوب (۱۴۰۷) کافی، تهران، دارالکتاب الاسلامی
۱۴. مجلسی. محمدباقر ابن محمد تقی، قمی. (۱۱۱۰ - ۱۰۳۷ق). دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۵. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۷۶). عین الحیاة، تحقیق مهدی رجایی، بی تا، قم، اول، ج ۲، ص ۱۰۱.
۱۶. محمد: ۴۷
۱۷. نوز: ۲۴
۱۸. یزدی. محمد کاظم ابن عبدالعظیم. (۱۳۸۴). مصباح الهدی، بی نا، ص ۳۷۴ - ۳۷۳
۱۹. یوسف: ۲۴

### منابع فارسی

۲۰. امامی. محمدجعفر، آشتیانی. محمدرضا، زیر نظر مکارم شیرازی. ناصر. (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، حکمت ۳۹۲
۲۱. بانکی پور فرد، امیر حسین. (۱۳۹۴). حیا، حدیث راه عشق، اصفهان
۲۲. بن محمد (راغب اصفهانی). ابی القاسم الحسین. (۱۳۷۵) مفردات، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی، دوم، ج ۱، ص ۵۷۳.
۲۳. پسندیده. عباس (۱۳۸۴). فرهنگ حیا، دارالحدیث، قم، ص ۲۲۶-۲۲۲
۲۴. حرزاده. محمدمهدی. (۱۳۸۳). حیا زیبایی بی پایان، شفق، قم، ص ۲۱-۱۷
۲۵. خامنه‌ای، سید علی. بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ۲۰/۰۲/۱۳۹۶
۲۶. خامنه‌ای، سید علی بیانات مقام معظم رهبری در ابتدای درس خارج فقه درباره مسئله حیا ۱۳۹۷/۱۲/۱۳
۲۷. خامنه‌ای، سید علی بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۷/۱۲/۱۳۹۷.
۲۸. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۱) دانش نامه قرآن، قرآن پژوهی، تهران، دوستان و ناهید، اول، ج ۱، ص ۹۶۹.
۲۹. رفیعی مهرآبادی. ابوالقاسم، زریاب خویی. عباس، مشایخ فریدنی. محمدحسین، ورجاوند. پرویز، حائری قزوینی. سید مهدی، انوشه. حسن. (۱۳۹۰) دائرةالمعارف تشیع، حکمت، تهران، ص ۵۸۳.
۳۰. دهخدا. علی اکبر. (۱۳۴۱). لغت نامه دهخدا، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران، ۲۰، ص ۸۴۳
۳۱. سلطانی. غلامرضا. (۱۳۷۲). تکامل در پرتو اخلاق، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چهاردهم، ج ۲، ص ۲۲.
۳۲. شریعتمداری، جعفر. (۱۳۷۲). شرح و تفسیر لغات بر اساس تفسیر نمونه، بنیاد نشر آستان قدس رضوی، مشهد، اول، ج ۱، ص ۶۴۴.
۳۳. صدر حاج سید جوادی. احمد، فرشاهی. بهاء‌الدین، فانی. کامران. (۱۳۷۶). دائرةالمعارف

- تشیع، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت (ع)، تهران، اول، ج ۶، ص ۵۸۳.
۳۴. طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۶۳). تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، کانون انتشارات محمدی، تهران، سوم، ج ۳۱، ص ۴۱.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۵). تفسیر مجمع‌البیان، ترجمه علی کرمی، فراهانی، تهران، اول، ج ۱۱، ص ۵۴۷-۵۴۳.
۳۶. فروغی. محمد علی. (۱۳۹۳). سیر حکمت در اروپا، زوار، تهران، ص ۷۰.
۳۷. قمی، شیخ عباس. (۱۳۴۴ق). مفاتیح‌الجنان، مشهد، باب سوم، دعای امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف)
۳۸. کلینی. ثقه الاسلام (۱۴۲۱ق). اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، جلد ۲، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۳۹. محمدی ری شهری. محمد، مترجم شیخی حمیدرضا. (۱۳۸۹) میزان الحکمة، دارالحدیث، قم
۴۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷). میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، دارالحدیث، قم، ج ۳، ص ۱۳۶۰-۱۳۵۲.
۴۱. مفضل ابن عمر، (۱۳۷۹). توحید مفضل، ترجمه محمد باقر مجلسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۲. مقام معظم رهبری، (۱۳۹۷) بیانیه گام دوم انقلاب
۴۳. مکارم شیرازی. ناصر، جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۰). تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱، ص ۱۴۶.

---

## عوامل و موانع رشد معنویت و اخلاق و تأثیر آن در پیشرفت جامعه اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

---

سعید خدادادی<sup>۱</sup>

### چکیده

مقام معظم رهبری در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بیانیه‌ای تحت عنوان "بیانیه گام دوم انقلاب" صادر کردند که در آن، ضمن توصیه‌هایی که به جوانان داشتند، موضوعات متفاوتی را مطرح نمودند، یکی از این توصیه‌ها، سفارش به معنویت و اخلاق بوده به‌گونه‌ای که جوانان در تمام مراحل زندگی خویش این دو مؤلفه را جاری نمایند که یکی از اثرات وجود معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی، فراهم شدن موجبات پیشرفت آن جامعه است؛ بنابراین ضرورت پرداختن به این موضوع از این جهت است که رابطه معنویت و اخلاق با پیشرفت به دست آید که نوشتار پیشرو به بررسی ارتباط دو عنوان معنویت و اخلاق با یکدیگر و سپس عوامل رشد آن‌ها در جامعه اسلامی مانند عبرت گرفتن، توجه و عنایت خداوند و غیره و موانع رشد آن‌ها در جامعه مانند شرک، ارتکاب گناه و غیره و نهایتاً ارتباط آن‌ها با پیشرفت جامعه اسلامی به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع

کتابخانه‌ای پرداخته است.

کلید واژگان: اخلاق، معنویت، پیشرفت، بیانیه گام دوم انقلاب.

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از برکات الهی بود که حضرت امام رحمته الله علیه با قیام خودشان آن را به تمام مردم عالم هدیه دادند؛ زیرا گستره ابعاد این انقلاب در حد و اندازه‌ای است که برای تمام ملت‌ها می‌تواند راهگشا و سر مشق باشد. به مناسب چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری مد ظله العالی بیانیه‌ای تحت عنوان "بیانیه گام دوم انقلاب" صادر کردند که مخاطب اصلی آن جوانان بودند. مقام معظم رهبری در این بیانیه توصیه‌هایی اساسی را مطرح کردند که مورد دوم آن، معنویت و اخلاق، محل تأمل و دقت و واکاوی است در این نوشتار سعی بر آن است که در مقوله این دو مورد و ارتباط با همدیگر و عوامل و موانع رشد آن‌ها در جامعه اسلامی و در نهایت تأثیر آن دو بر پیشرفت جامعه اسلامی مطالبی ارائه گردد و به سؤالاتی که در ذیل آورده می‌شود، پاسخ مناسب داده شود:

معنای معنویت و اخلاق چیست؟ رابطه معنویت و اخلاق چگونه است؟ تأثیر معنویت و اخلاق بر پیشرفت کشور چگونه است؟ آثار معنویت و اخلاق در جامعه تا چه حدی می‌باشد؟

## مفهوم معنویت و اخلاق

«اخلاق» از ماده «خلق» گرفته شده است. مرحوم شبر در کتاب اخلاق می‌فرماید: «ماده خلق (خ ل ق) اگر با "خا"ی مفتوح استعمال شود، به معنای "صورت ظاهری" است و اگر با "خا"ی مضموم به کار رود به معنی "صورت باطنی" است و اخلاق یک انسان، همان صورت و هیئت نفسانی و باطنی اوست که از نفوذ یک سلسله صفاتی در نفس ترکیب یافته است» (اخلاق شبر، ۱۳۸۶: ۳۳). در ضمن روایتی راوی نقل می‌کند به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «حدّ حسن خلق چیست؟ حضرت فرمود: با مردم به نرمی و گرمی برخورد کنی، پاک و منزّه و در کمال ادب سخن بگویی و در مواجهه با برادرانت متبسم و گشاده‌رو باشی» (صدوق، بی‌تا: ۲۵۳).

مقام معظم رهبری در ذیل بیانیه مذکور برای معنویت و اخلاق تعاریفی را بیان می‌کنند:

«معنویت» به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی، از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و «اخلاق» به معنی رعایت فضیلت‌هایی است چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو» (مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷).

### مفهوم پیشرفت

«پیشرفت» از نظر لغوی و ظاهری، یعنی رسیدن از مرحله‌ای به مرحله بالاتر یا ارتقا درجه‌ای به درجه‌ای بالاتر؛ اما از نظر اصطلاحی: دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی در مورد اصطلاح «پیشرفت» در کتاب امام مهدی، موجود موعود چنین است:

«پیشرفت فرایندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی است و انسان در این جریان می‌تواند به کمال برسد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

### اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی

جامعه اسلامی به دلیل این که اسلامی است و مبنای دینی و قرآنی دارد، لازم است برای اداره آن، اخلاق و معنویت حاکمیت داشته باشد. به این معنا که در بین مسئولین و مردم، اخلاق و معنویت حکم فرما باشد و در تمام مراحل زندگی جاری باشد. لازم است که ابتدا فرق بین این دو بررسی شده و رابطه آن‌ها بیان شود.

معنویت در برداشت و روایت اسلامی، امری است که تمام ساحات و شئون زندگی انسان را دربرمی‌گیرد و انسان مؤمن، چه در عالم نظر و چه در عالم عمل، فقط و فقط، رضایت خدای متعال را مبنا و اساس می‌انگارد.

عمل اخلاقی، عملی است که در آن، ملاحظاتی سوداندیشانه، راه نداشته باشد و انسان تنها به سبب حکومت‌موجدان الهی و فطری خویش، به آن متمایل باشد و در این حال، حتی از منافع و مطامع مادی خویش نیز درگذرد.

بنابراین رابطه بین معنویت و اخلاق عوم و خصوص مطلق است به این صورت که معنویت در برگیرنده اخلاق است و شامل امورات دنیوی و اخروی می‌شود در حالی اخلاق مربوط به امور رفتاری دنیوی است.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب آثاری را برای اخلاق و معنویت در جامعه بیان می‌کنند: «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.» (بیانیه گام دوم انقلاب)

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در هر جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد و این، بی‌گمان به جهاد و تلاش نیاز دارد و تلاش و جهاد نیز بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید. پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند؛ اما اولاً، خود مسئولان باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً، زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این زمینه میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند (بیانیه گام دوم انقلاب).

در کتاب "حکومت دینی و حقوق انسان" در باب آثار و اهمیت اخلاق در جامعه اسلامی و حکومت دینی نکاتی بیان شده است: «در حکومت و جامعه دینی، پاسداری از اخلاق جلوه بارزتری دارد و در حاکمیت اسلامی به آن توجه بیشتری شده است، تا آن جا که پیامبر اکرم، هدف از بعثت خود را کامل کردن اخلاق پسندیده اعلام می‌فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من برای تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام» (طوسی، ۱۳۷۷: ۲۵۰). از منظر آموزه‌های دینی ارزش‌های اخلاقی، حتی می‌توانند در کنار برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و تأمیننی تحقق‌پذیر باشند، و این اخلاقیات زمینه خویشتن‌داری



جامعه را نسبت به جرم می‌کنند. بدون شک افراد فقیر، مضطرب و درگیر با مشکلات روحی و روانی، اگر دارای معنویت باشند و به اخلاق آراسته باشند، از گرایش به فساد و جرم و ناشکیبایی خودداری می‌کنند» (منتظری، ۱۴۲۹ق: ۲۸).

### عوامل رشد معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی

در هر جامعه اسلامی لازم است اخلاق و معنویت رشد کرده و به تمام زوایای جامعه سرایت و آثار آن در جامعه بروز پیدا کند که با آشکار شدن اخلاق و معنویت در جامعه، می‌توان به پیشرفت‌هایی در همه زمینه‌ها امیدوار بود. البته که برای پیشرفت معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی، عواملی وجود دارند که بر آیات و روایات مبتنی هستند. برخی از این عوامل به شرح ذیل می‌باشند:

#### ۱. تفکر کردن

از مهم‌ترین عواملی که موجب رشد معنوی در انسان و جامعه می‌شود، تفکر نمودن است که تفکر نمودن در آیات و روایات به سه گونه سفارش شده است:

اول تفکر در عالم خلقت: خداوند آدمی را دعوت به تفکر در عالم خلقت (مثل خلقت آسمان‌ها و زمین، رؤیت نظام عالم و...) می‌کند؛ به عنوان مثال می‌فرماید: ﴿أَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ...﴾: آیا در حکومت و نظام آسمان‌ها و زمین و... (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند؟! و...» (اعراف/۱۸۵). در این آیه به تفکر نمودن در آفاق و انفس سفارش می‌کند که البته این تفکر باید به همراه دقت و عبرت آموزی باشد.

دوم: تفکر در تاریخ: تفکر در تاریخ از متعلقات دیگر تفکر است. سیر و سیاحت در سرگذشت اقوام پیشین و تاریخ زندگی ایشان و "عبرت گرفتن" از سرگذشت آن‌ها از عواملی است که قرآن و روایات به آن سفارش ویژه کرده و دستور داده‌اند که در تاریخ و داستان اقوام پیشین خود سیر کنید و آن‌ها را مورد مطالعه قرار دهید. بسیاری از آیات قرآن به داستان‌گویی و بیان تاریخ اقوام گذشته اختصاص دارد و از این زاویه می‌توان به اهمیت این موضوع

پی برد و با مطالعه تاریخ پیشینیان عوامل سعادت و پیروزی و تکامل آن‌ها را شناخت و نتیجه این مطالعه را در زندگی فردی و اجتماعی خود و جامعه، اعمال کرد. این کار می‌تواند به تکامل و سعادت و رشد معنوی فرد و جامعه کمک بسیاری کند.

امام علی علیه السلام در این مورد به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «أَخِي قَلْبِكَ بِالْمُوعِظَةِ ..... اَعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِيْنَ... جان را با یقین نیرومند کن... تاریخ گذشتگان را بر او بنما...» (نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۳۱).

البته شناختن عوامل سقوط و نابودی آن‌ها و پرهیز از آن عوامل در زندگی، از جمله مؤلفه‌هایی است که باعث رشد منوی انسان و جامعه می‌شود؛ همان‌طور که لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی ادبان. خداوند متعال می‌فرماید: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ»؛ پس عبرت بگیرید، ای اهل بصیرت! (حشر: ۲).

سوم: تفکر در خود انسان: خلقت خود انسان، از موضوعات تفکر است. خداوند در مورد تفکر در خود می‌فرماید: ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ \* وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾؛ و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما (نیز آیاتی است)؛ آیا نمی‌بینید؟ (یونس/ ۲۱ - ۲۰)؛ تفکر موجب رشد است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَلْفَكْرٌ يَهْدِي إِلَى الرَّشَدِ: فِكْرٌ، عَامِلٌ هِدَايَةِ آدَمِيٍّ بِرِشْدِ اسْتِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۳؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۰)؛ "تفکر موجب می‌شود آدمی به وابسته بودن مخلوقات پی برده و به این نتیجه برسد که نظام خلقت نیاز به پروردگاری دارد که مدبّر عالم است." با تلخیص (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۸ / ۴۵۵)؛ بنابراین، تفکر مقدمه ایمان به خدا است.

## ۲. ایمان و پرهیزکاری

دومین عامل برای رشد معنویت و اخلاق، ایمان و پرهیزکاری می‌باشد. چنانچه شخص در ایمان خود ثابت قدم باشد و نسبت به شبهات دشمنان و حرفه‌های مخالفان استقامت بورزد و در مقابل مشکلاتی که برای مؤمنان به وجود می‌آید (مثل گرفتاری و مصیبت) ایستادگی کند و نسبت به ایمانش استوار باشد؛ قطعاً به رشد معنوی می‌رسد. البته برای

رسیدن به این درجه از استقامت در ایمان لازم است که تقوای الهی را رعایت و پرهیزکاری را پیشه کند؛ به خاطر این که پرهیزکاری باعث رشد معنوی انسان شده و او را در مقابل مشکلات مقام کرده و در نتیجه شخص نسبت به ایمانش ثابت قدم می‌شود.

این شخص از دو جهت به رشد معنوی می‌رسد: اولاً، به خاطر رسیدن به استقامت در ایمان و پایبندی به عقاید خود؛ ثانیاً، به خاطر پرهیزکاری و رعایت تقوای الهی و ترک معاصی. علت این تقدم و تاخیر این است که انسان باید اول به مراتب ایمان دست پیدا نماید تا بتواند به رشد معنویت دست پیدا نماید که یکی از لوازم این رسیدن، تقوا و پرهیزکاری است؛ بنابراین پرهیزکاری مرتبه بعد از ایمان است.

ایمان، جایگزین شدن اعتقاد در قلب است، همچنین شخص با ایمان به کسی که به درستی، راستی و پاکی وی اعتقاد پیدا کرده، امنیت می‌دهد؛ یعنی آن چنان دلگرمی و اطمینان می‌دهد که هرگز در اعتقاد خویش دچار شک و تردید نمی‌شود، چون آفت اعتقاد و ضد آن شک و تردید است" (طباطبائی، پیشین: ۱/ ۷۳). خداوند در مورد ایمان می‌فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند، (بگو: ) من نزدیکم! دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند)!» (بقره/۱۸۶).

علم، عامل ایمان است، اما تمام ایمان نیست. ایمان بدون معرفت حاصل نمی‌شود، ولی ظرف آن را تنها علم پر نمی‌کند. آیه قرآن به این امر اشاره‌ای گویا دارد: «وَجَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا: و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، درحالی که در دل به آن یقین داشتند!!» (نمل/۱۴)؛ قوم بنی اسرائیل در عین حال که معرفت و یقین داشتند، عناد و کفر ورزیدند؛ ایمان به جز معرفت باید به زیور تسلیم و خضوع نیز آراسته شود. ایمان از امن گرفته شده است. از آن روی ایمان نامیده شده که انسان را از آفات اعتقاد، یعنی شک و تزلزل، درامان می‌دارد؛ بنابراین ایمان با شک جمع نمی‌شود " با تلخیص (فعالی،

پاییز و زمستان ۸۳: ۱۳ و ۱۴).

### ۳. توجه و عنایت خداوند

تا زمانی که خداوند تبارک و تعالی نخواهد، هیچ حادثه‌ای رخ نمی‌دهد؛ زیرا همه کارها به اراده و مشیت الهی منوط است و دلیل آن قادر بودن خداوند و همچنین فضل و کرم ایشان است. در رشد معنوی و اخلاقی فرد هم تا زمانی که خداوند به فرد توجه و عنایت نکند رشد معنوی شامل حال وی نمی‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ»؛ امکان ندارد که خدا مؤمنان را به همان وضعی که شما دارید، به حال خود رها کند» (آل عمران: ۱۷۹).

مصطفوی در ذیل این آیه می‌گوید: «لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ: خداوند متعال مؤمنان را که به او گرایش داشته و به او وابسته هستند، مانند دیگران ترک نمی‌کند که برای تربیت و رشد معنوی و سیر کمالی آنان توجه و نظری نداشته باشد و علامت نظر و توجه به آن‌ها این است که آن‌ها را در مورد تحوّل و ابتلا و امتحان و آزمایش و برخورد به نامالیمات قرار داده، و سبب پختگی و ثبوت قدم و تحمّل و استقامت و روشن ضمیری آن‌ها گردد» (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۱۶۹/۵).

بر این برای رشد و موفقیت ابتدا باید توفیق و عنایت الهی شامل حال انسان گردد تا انسان آماده حرکت شود و سپس انسان باید تمام تلاش خود را به کار ببندد که بتواند تداوم توفیق و عنایت الهی را جذب کند. امام هادی علیه السلام می‌فرمایند: «المؤمنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثٍ، تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ وَ وَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ قَبُولٍ بِمَنْ يَنْصَحُهُ؛ مؤمن، به توفیق الهی و واعظ درونی و حسّ نصیحت‌پذیری محتاج است» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۵۸).

### ۴. انجام دادن کار خیر نیک

رسیدن به سعادت و رشد معنوی و تکامل منوط به انجام دادن کار خیر و اعمال صالح منوط می‌باشد و قرآن کریم در بسیاری از آیات خود می‌فرماید که برای رسیدن به سعادت،

عمل صالح انجام دهید در دعاها هم این نکته تأکید شده؛ چنان که در دعای روز اول ماه مبارک رمضان می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَ قَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى؛ خدایا! توفیق بده به من که هر کاری که رضایت تو در آن هست و مرا به تو نزدیک می‌کند، انجام دهم.» (کفعمی، ۱۴۱۹ق: ۲۱۹)

دلیل این درخواست آن است که انجام دادن کار خیر، باعث رشد معنوی فرد می‌شود و هر مقدار که انجام دادن عمل صالح بیشتر باشد، رشد معنوی انسان هم بیشتر شده و انسان سریع‌تر به سعادت و تکامل می‌رسد. یکی از کارهای خیر "انفاق کردن" می‌باشد. در ذیل آیات انفاق، بعضی از مفسران مطالبی را بیان کرده‌اند، مبنی بر این که انفاق کردن باعث رشد معنوی انسان می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛ مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا می‌بخشند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر کس که بخواهد چندین برابر می‌افزاید. خدا وسعت بخش داناست» (بقره: ۲۶۱).

مکارم شیرازی در ذیل آیه مذکور آورده است: «... اشاره به این است که انسان‌های نیکوکار در پرتو نیکی‌هایشان نمو و رشد معنوی پیدا می‌کنند و این افراد همچون بذره‌های پرمی هستند که به هر طرف ریشه و شاخه می‌گسترانند و همه جا را زیر بال و پر خود می‌گیرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/۳۱۴).

﴿قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْ كُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾؛ بگو، اگر شما با دلخواه و یا با کراهت بخشش کنید، هرگز از شما پذیرفته نمی‌شود، زیرا شما جماعتی فساد کار هستید» (توبه: ۵۳).

قرائتی ذیل آیه مذکور آورده است: «انفاق تنها برای سیر کردن شکم نیست، اصلاح روح و رشد معنوی هم مورد نظر اسلام است» (قرائتی، ۱۳۸۳: ۵/۷۸).

در این آیه خداوند به افرادی که انفاق نمی‌کنند، خطاب فاسقین می‌نماید که فاسق کسی است که از معنویت و اخلاق به دور است؛ فلذا کسی که اهل انفاق باشد از فسق به دور است و در نتیجه به رشد معنوی دست پیدا می‌کند.

## ۵. محیط سالم

برای رسیدن انسان به رشد معنوی عوامل بسیاری لازم است یکی از آن‌ها این که انسان در محیطی سالم رشد کند محیط "مطلق" می‌باشد و محیط خانواده، اجتماع و دوستان را شامل می‌باشد. اهمیت محیط سالم از آن روست که انسان وقتی در محیط خانواده‌ای که سالم باشد تربیت شود، مسلماً به رشد معنوی می‌رسد. در کنار خانواده، محیط اجتماعی هم باید سالم باشد تا باعث شود شخص سریع‌تر به رشد معنوی برسد. اگر دوستان وی دارای معرفت و رشد معنوی باشند مسلماً بر او هم تأثیر می‌گذارند و به مرور زمان باعث شده که رشد او سریع‌تر شود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾؛ همانا کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کردند... (انفال: ۷۲). تفسیر نور در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: «هجرت، اختصاص به پیامبر اکرم ﷺ ندارد، بلکه هجرت از محیط شرک، کفر و گناه، برای حفظ دین و ایمان و یا برای برگشت از نافرمانی خداوند لازم است؛ چنان که خداوند در پاسخ کسانی که عذر آلودگی خود و ارتکاب به گناه را محیط ناسالم می‌دانستند و می‌گفتند: ﴿كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ﴾؛ می‌فرماید: زمین خداوند که پهناور بود، چرا به مکانی دیگر هجرت نکردید؟ ﴿قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً﴾ البته با توجه به عبارت «مُسْتَضْعَفِينَ»، معلوم می‌شود که اگر توانایی امر به معروف و نهی از منکر باشد، باید به این مهم اقدام نمود و جامعه را ترک نکرد و آن را مورد اصلاح قرار داد» (قرائتی، پیشین: ۴ / ۳۷۰).

رسیدن به محیط سالم در خیلی مواقع مستلزم هجرت است. هجرت به جایی که امکان رشد معنوی وی بیشتر باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إذا عصى الله فى ارض انت

فی‌ها فاخرج منها الی غیرها؛ هنگامی که در محل و سرزمینی که در آن زندگی می‌کنی، نافرمانی و معصیت خدا می‌کنند؛ از آن‌جا به جایی دیگر هجرت کن» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۹/۳۶).

## موانع رشد معنوی و اخلاقی

همان‌طور که در بحث پیشین بیان شد برای رسیدن به پیشرفت باید عواملی که باعث رشد معنوی انسان می‌شوند در جامعه بروز پیدا کنند و در مقابل، موانعی هم که برسر راه پیشرفت و رشد معنوی وجود دارند، شناسایی و از سر راه برداشته شوند که انسان بتواند به رشد معنوی و به تبع آن، به پیشرفت‌هایی دست پیدا کند. موانعی برای رشد معنوی وجود دارند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

### ۱. غرور و تکبر

مانع بزرگ در رشد معنوی، تکبر است. خداوند در قرآن در مورد تکبر می‌فرماید: ﴿سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ﴾؛ به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می‌سازم! آن‌ها چنانند که اگر هر آیه و نشانه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی‌کنند؛ اگر طریق گمراهی را ببینند، آن راه خود انتخاب می‌کنند! (اعراف/۱۴۶).

مقام معظم رهبری، تکبر را یکی از آفت‌هایی که سلامت جان و روح را به خطر می‌اندازد مطرح نموده و برای درمان آن راه‌حل ارائه می‌کنند و می‌فرمایند: «در میان خصلت‌های نکوهیده که سلامت جان و راحت زندگی را با خطر و مانع مواجه می‌سازند، تکبر از پرافت‌ترین آنهاست. خودبرتربینی و سرکشی برخاسته از آن، چه بسیار حقیقت‌ها را ناشناخته و چه راه‌های فضیلت را ناپیموده می‌گذارد و چه کینه‌ها و خصومت‌های نابه‌حق و چه زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها که پدید می‌آورد. آری، تکبر، حجاب حقیقت و خار راه

فضیلت و دشمن صفا و صداقت و انگیزه دشمنی و شرارت است. آحاد و جامعه‌های بشری از آغاز عمر خود تاکنون ضایعات بی‌شماری را از کبر و خودپسندی اقوام و افراد و سرکشی‌ها و تعصبات ناشی از آن تحمل کرده‌اند و می‌کنند. عبادات اسلامی و بیش از همه نماز، برای زدودن این آفت از جان آدمیان، از جمله درمان‌های مؤثر و کارآمد می‌باشند».

(مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۶/۱۹ - [https://farsi.khamenei.ir/speech-1379/6/19-\(content?id=21429](https://farsi.khamenei.ir/speech-1379/6/19-(content?id=21429))

بنابر فرمایش مقام معظم رهبری، غرور و تکبر از مهم‌ترین موانع برای رسیدن به رشد و کمال می‌باشد و لازم است افرادی که به دنبال رسیدن به کمال و رشد معنوی هستند از این رذیله اخلاقی دوری نمایند. بنابراین وجود غرور و تکبر از مهم‌ترین و بزرگترین موانع رسیدن به کمال و رشد معنوی است که لازم است افراد طالب معنویت از این گناه و رذیله دوری نمایند.

## ۲. شرک و کفر

از بزرگ‌ترین موانع رشد معنوی انسان، "شرک" به خداوند متعال می‌باشد. شرک از گناهان کبیره است و خداوند هرگز شخص مشرک را نمی‌بخشد، بلکه عذاب و جهنم را به وی وعده داده است. در این باره می‌فرماید: ﴿...لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَتْ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾: ... ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده و (به عکس) کفر، فسق و گناه را منفورتان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفات‌اند، هدایت یافتگانند! (حجرات/۷).

در این آیه خداوند به بیان مواردی مورد نفرت خداوند و مومنان است اشاره می‌کند که یکی از این موارد، کفر و شرک است؛ فلذا اگر کسی از مؤمنین به دنبال هدایت‌اند، لازم است که از این گناهان نام برده من جمله کفر و شرک دوری نمایند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «آری؛ ای عمرو! بزرگ‌ترین کبائر شرک خداست. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ﴾؛ خداوند نمی‌بخشد آن که برای او شریک



بگیرند» (نساء: ۴۸). و نیز می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾؛ همانا که هر کس شرک بخدا آورد خداوند بهشت را بر وی حرام ساخته و جایگاه او دوزخ است و این ظالمان یار و یابوری ندارند» (مائده: ۷۲). (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۳ / ۵۶۳).

پس وقتی شرک باعث عذاب و عدم بخشش خداوند می‌شود، به طریق اولی مانع پیشرفت و رشد معنوی انسان می‌شود، زیرا رشد معنوی، یعنی به سمت خداوند متعال سیر کردن و به قرب الهی رسیدن وقتی انسان برای خداوند شریک قائل شود، نمی‌تواند به قرب وی نائل آید و لذا از رشد معنوی باز می‌ماند.

### ۳. محیط تاریک و آلوده

در بحث عوامل رشد معنوی بیان شد که یکی از این عوامل، محیط سالم (اعم از خانواده، اجتماع، دوستان و...) می‌باشد و در مقابل، محیط تاریک و آلوده می‌تواند مانع رشد معنوی انسان شود، به خاطر این که هر قدر انسان خوب و پاک باشد، محیط آلوده و تاریک به تدریج قلب و روح انسان را تاریک و آلوده می‌کند.

شاید برخی افراد بتوانند مدتی در محیط آلوده پاک بمانند و مقاومت کنند تا دچار آلودگی و تیرگی نشوند؛ اما در اکثر موارد انسان تسلیم آلودگی‌ها و انحرافات می‌شود و از رشد معنوی باز می‌ماند (سوره انفال آیه ۷۲ به این نکته اشاره می‌کند) در داستان‌های قرآنی هم برای این مورد مصادیقی بیان شده است، مثل پسر نوح که چون محیط اجتماع و دوستانش آلوده بودند؛ او هم دچار آلودگی شد و از مسیر حق منحرف گردید (هود: ۴۵ تا ۴۷).

### ۴. ارتکاب گناه

در بحث عوامل رشد معنوی بیان شد که یکی از عوامل رشد معنوی انسان، پرهیزکاری و ترک معصیت و گناه است. در مقابل اگر کسی دچار گناه شود رشد معنوی او کُند شده و هر مقدار که گناهان او بیشتر شود، رشد معنوی او کمتر می‌گردد. ارتکاب گناه، انسان را چنان

سقوط می‌دهد که رشد وی را متوقف می‌کند و انسان را به مرحله حیوانیت می‌رساند بلکه بدتر. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ... أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾؛ هر که را خدا هدایت کند او راه‌یافته است و کسانی را که گمراه نماید آنان خود زیانکارانند... آن‌ها همچون چهار پایانی هستند بلکه گمراه‌تر از آن‌ها» (اعراف: ۱۷۸ و ۱۷۹).

پس، ارتکاب گناه عامل مهم سقوط انسان از مرحله کمال است؛ همان‌طور که ترک آن باعث رشد و ترقی و تکامل می‌شود. در مقابل، انجام دادن گناه می‌تواند انسان را از زمره انسانیت خارج و وارد حیطة حیوانیت کند. این برداشت با توجه به آیه قبل است که خداوند به معرفی زیان‌کاران می‌پردازد و از عوامل زیان‌دین، گناه کردن افراد است.

### رابطه معنویت و اخلاق با پیشرفت جامعه اسلامی

از مهم‌ترین اثراتی که معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی می‌تواند داشته باشد، این است که موجبات پیشرفت او را در تمام زمینه‌ها فراهم نماید. برای رسیدن به جامعه مطلوب و آرمانی لازم است موانع و آسیب‌ها را شناخت و برای رفع آن‌ها راهکارهایی ارائه نمود. بشر امروزه بحران‌هایی را در جامعه نظاره‌گر است و گاه در تحلیل اشتباه خود عوامل آن را در مسائلی جست‌وجو می‌کند، غافل از این‌که ریشه نابسامانی‌ها را باید جای دیگری جست و برای آن چاره‌جویی کرد. رهبر فرزانه انقلاب علت اصلی مشکلات را غفلت از امور معنوی و ارزش‌های اخلاقی می‌داند و می‌فرماید:

«امروز علت اصلی بسیاری از مشکلات بشری در نظام‌های مختلف، ناشی از غفلت از معنویت و گرایش به سوی مادیگری و مادی پرستی است. بحران اخلاقی معاصر نابودی بشریت را به همراه خواهد داشت و باید اندیشمندان جهان و دلسوزان بشریت برای احیای ارزش‌های اخلاقی قیام جدی نمایند. گاهی افراد تمام سعی و تلاش خود را صرف تحصیل دانش نموده و به اخلاق بی‌توجه یا کم‌توجه هستند، غافل از این‌که علم بدون اخلاق آفت جامعه است و زمانی دانش می‌تواند مفید باشد که در حوزه‌های گوناگون اعم از فردی و

اجتماعی اخلاق حاکم باشد. رهبر انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرماید: «اگر انسان‌ها از نظر سواد و دانش و سیاست بحرالعلوم هم باشند؛ ولی اخلاق نداشته باشند کوچک‌ترین نفعی برای جامعه نخواهند داشت. تواضع، اخلاص، مهربانی در رابطه با بندگان خدا، صلابت در مقابل دشمنان، فداکاری و اصالت ندادن به مال و جاه و مقام و از جان و فرزندان و آسایش و سلامتی خود، خیلی راحت برای رضا خدا گذاشتن، از اساسی‌ترین جوهرها و بالاترین ارزشی است که برای آن باید خود را به زحمت بیندازیم و تلاش کنیم و در آموزش‌های خود و در عمل آن را به کار گیریم». (بانکی پور فرد و قاشچی، ۱۳۸۰: ۱۳۲-۱۴۰)

ایشان در سخنی دیگر به این حقیقت چنین اشاره می‌کنند:

اخلاق اسلامی در همه زمینه‌ها باید رعایت شود. کوهی از معلومات بدون اخلاق درست، هیچ ارزشی نخواهد داشت. یک انسان متفکر و دانشمند اما خودخواه و بدبین عملاً وجودش فایده‌ای برای جامعه ندارد.

ایشان تحصیل کمالات معنوی را بیشتر از تحصیل علم برای نسل جوان حائز اهمیت می‌دانند و می‌فرمایند: «ما ارزش‌های اخلاقی و معنوی را برای جوان ضرورتی می‌دانیم که اهمیت آن بیشتر از علم است و معتقدیم انقلاب ما به خاطر همین ارزش‌ها بوده است». (همان)

مقام معظم رهبری در سخنانی به اهمیت معنویت و اخلاق اشاره می‌کنند که برای پیشرفت جامعه اسلامی لازم است که این دو مؤلفه در افراد و جامعه به وجود بیاید.

ایشان در یکی از سخنان خود به این نکته اشاره می‌کنند که معنویت و ارتباط با خدا، مهم‌ترین عامل پیشرفت جامعه است. «عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهم‌ترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خودش تضمین می‌کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۱۸). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33362>. این کلام نشان دهنده آن است که هر ملتی که به دنبال پیشرفت در هم جوانب است، مهم‌ترین راه آن، معنویت و ارتباط با خداوند می‌باشد.

در کلام دیگری ایشان می‌فرماید که یکی از جوانب پیشرفت، پیشرفت در زمینه اخلاق و معنویت است: «مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه‌جانبه است. از همه ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور. هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری. ارتقای بهره‌وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم، بهترین استفاده را بکنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6082>). نکته‌ای که در این کلام وجود دارد این است که اولاً یکی از جوانب پیشرفت، پیشرفت در زمینه معنویت و اخلاق است و دیگر این که اگر در این جهت دچار عقب‌ماندگی شود، در تمام زمینه‌های دیگر دچار عقب‌ماندگی می‌شوند.

مقام معظم رهبری در کلام دیگری برداشت قبلی را تأیید می‌کنند که پیشرفت اقتصادی باید به همراه پیشرفت اخلاقی و معنوی باشد زیرا این دو لازمه هم هستند: «اسلام می‌خواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طیبه اسلام است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۷/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2770>)؛ لذا اگر جامعه‌ای دارای پیشرفت مادی باشد ولی از پیشرفت اخلاقی عقب مانده باشد، ضرر می‌کند و برعکس آن هم یعنی جامعه‌ای به پیشرفت اخلاقی رسیده باشد ولی پیشرفت مادی نداشته باشد، متضرر شده است. پس برای سعادت جامعه این دو لازم هستند.

ایشان کلام دیگری در تأیید برداشت قبلی بیان می‌کنند: «غربی‌ها این جور نیستند؛ بله، پیشرفته‌ای مادی زیاد آوردند، در این زمینه‌ها حرفه‌های جدید زدند، هنوز هم دارند می‌زنند، منتها این را همراه کردند با چیزی که سقوط از این نردبان در آن حتمی است؛ بله، نردبان را جلوی پای بشر می‌گذارند منتها کاری می‌کنند که از این نردبان حتماً بشر سقوط خواهد

کرد؛ اخلاق را فاسد می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۶/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>). این کلام نشانگر آن است که اگر جامعه‌ای از لحاظ مادی دارای پیشرفت‌هایی باشد ولی از نظر اخلاقی عقب مانده باشد، مسلم بدانند که به‌زودی دچار سقوط می‌شوند و آن پیشرفت‌ها هم نمی‌تواند کمکی به آن‌ها نماید.

در کلام آخر از مقام معظم رهبری به این نکته اشاره می‌کند که شاخص اول برای دولت اسلامی، اعتقاد و اخلاق درست می‌باشد: «اولین شاخص [دولت اسلامی]، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - به خصوص در مسئولان رده‌های بالا - سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می‌شود. این شاخص اول است» (۱۳۹۲/۶/۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>)؛ بنابراین لازمه پیشرفت دولت اسلامی، بلا بودن اعتقاد و اخلاق اسلامی در بین مسئولان رده بالا و دیگران می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

موضوع معنویت و اخلاق دو مقوله با هم هستند که مقام معظم رهبری هم در بیانیه گام دوم انقلاب، این مؤلفه‌ها را با هم بیان فرمودند؛ اما وقتی سیر بحث را مرور کنیم به این نتیجه می‌توان رسید که این موضوعات با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند تا این مقدار که اگر کسی از اخلاق و معنویت به دور باشد، هرچند دارای پیشرفته‌ای مادی باشد، به مرحله سقوط انسانی می‌رسد (در دنیا مصادیق آن قابل مشاهده است).

اما در مورد ارتباط این دو با پیشرفت جامعه اسلامی، به این نتیجه می‌توان رسید که برای پیشرفت جامعه اسلامی دو مرکب و دو بال وجود دارد که یکی "معنویت" است و دیگری "اخلاق" که برای پیشرفت، باید هر دو آن‌ها با هم وجود داشته باشند. اگر اخلاق در کار نباشد، عملکرد کشورهای متجاوز به دیگران، مثل آمریکا و انگلیس اتفاق می‌افتد که متأسفانه پیشرفت دارند، ولی از وادی اخلاق به دور هستند.

در مقابل، اگر جامعه‌ای دارای اخلاق باشد، ولی از پیشرفت محروم باشد، باز هم نقض در کار آن‌ها مشاهده می‌شود در دنیا مصادیق این رویکرد بسیاری از کشورهای جهان سوم هستند که بعضاً اخلاق دارند و اهل ظلم به کشورهای دیگر نیستند و حتی از ظلم به آن‌ها هم حمایت نمی‌کنند؛ اما چون از پیشرفته‌ای جدید بی‌بهره‌اند، از بسیاری مؤلفه‌ها به دور هستند.

کلام آخر این که هر فرد یا جامعه برای رسیدن به پیشرفت در تمام زمینه‌ها نیازمند دو چیز است: یکی اخلاق و دیگری معنویت. این دو، بال‌هایی هستند برای به پرواز در آمدن آن جامعه یا شخص لازم‌اند.

## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۸ ه. ش.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۸۷ ش.
۳. بانکی پور فرد امیرحسین و قماشچی احمد، (۱۳۸۰)، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، تربیت اسلامی، اول.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ (۱۴۱۰ق)؛ غررالحکم و دررالکلم؛ محقق/مصحح: سید مهدی رجائی، قم: دارالکتب الاسلامی.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، امام مهدی موجود موعود، قم، مؤسسه اسراء.
۶. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، جامعه مدرسین قم.
۷. شُبر، عبدالله (۱۳۸۶)، اخلاق، بی جا.
۸. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (بی تا)، معانی الاخبار، محقق علی اکبر غفاری، بیروت: دار المعرفه للطباعة و النشر.
۹. طباطبائی، محمدحسین؛ (۱۳۷۴)؛ المیزان فی تفسیرالقرآن؛ مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، ۴، ۸، ۱۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. فعالی، محمدتقی؛ (پاییز و زمستان ۱۳۸۳)؛ «ایمان چیست؟»، قم: مجله صباح، شماره ۱۳ و ۱۴، کاری از مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه.
۱۱. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. قرآنی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۳. کفعمی، شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۱۸ق)، البلد الامین و الدرع الحصین، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۴. لیثی واسطی، علی بن محمد؛ (۱۳۷۶)؛ عیون الحکم و المواعظ (للیثی)؛ محقق/مصحح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۱۶. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، قرن ۱۵، تهران، مرکز نشر کتاب.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۲۹ق)، حکومت دینی و حقوق انسان، قم، ارغوان دانش.
۱۹. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۷۷)، اخلاق محتشمی، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، سوم.



---

## گام دوم انقلاب و مولفه های دستیابی به سبک زندگی اخلاقی جامعه از منظر قرآن و حدیث

---

مهسا قربانی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

سید معصوم حسینی<sup>۲</sup>

### چکیده

سبک زندگی اسلامی به مجموعه رفتارها و کنش‌هایی اطلاق می‌شود که از آموزه‌های دینی نشئت گرفته و نیل به آن در حوزه فردی و اجتماعی از بنیادی‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده است. در سالهای اخیر نفوذ سبک زندگی غربی در ایران خسارات جبران ناپذیری را بر کشور وارد کرده که مقام معظم رهبری با استنباط درست از این وضعیت یکی از توصیه‌های مهم در بیانیه گام دوم انقلاب را به این امر اختصاص داده‌اند. هدف از نگارش این مقاله اشاره به برخی از مهم‌ترین مولفه‌های سبک زندگی اسلامی برای دستیابی به افق ترسیم شده در بیانیه گام دوم از منظر آموزه‌های دینی و رهنمودهای رهبری می‌باشد که با روش کتابخانه‌ای، و رویکرد توصیفی - تحلیلی به آن پرداخته شده است. این مولفه‌های

---

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآن ghorbanizms@gmail.com

۲. استاد یار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآنی آمل MASOOMHOSSEINI@GMAIL.COM

اخلاقی جامعه عبارتند از: ایدئولوژی اسلامی در نفی طبقات اجتماعی، تقویت روحیه جهادی و استقامت، بصیرت افزایی، اصلاح ذات البین، وجوب کمک به مسلمانان جهان، اثر ترویج ذکر خدا و دعا، برپایی امنیت اجتماعی و...

کلید واژگان: گام دوم انقلاب، سبک زندگی اسلامی، اخلاق اجتماعی، مقام معظم

رهبری.

## ۱. مقدمه

سبک زندگی به مجموعه در هم تنیده‌ای از رفتارها و کنش فردی و جمعی اطلاق می‌شود که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد؛ تمام اجتماعات انسانی با هر فرهنگ، دین و آیینی، از کهن تا کنون سبک زندگی خاص را برای خود برمی‌گزینند و از الگوهای رفتاری متناسب با خود استفاده می‌کنند بنابراین با توجه به ویژگی‌های گزینشی که در سبک زندگی وجود دارد، می‌توان هر مجموعه منسجمی از الگوهای رفتاری برآمده از تعالیم دینی را که در چارچوب خاصی از آموزه‌های دین باشد، یک سبک زندگی دینی قلمداد کرد.

برحسب واقعیت اقتضائات زندگی در جامعه مدرن امروزی و نفوذ نامتعارف فرهنگ غربی در تمامی سرزمین‌ها، علت تثبیت و ترویج سبک خاصی از فرهنگ و سبک زندگی شده که با تعالیم اسلامی هماهنگی و همخوانی ندارد. بدیهی است که پذیرش منفعلانه این‌گونه از سبکها، برای جوامع اسلامی که خود در پرتو تعالیم ناب اسلامی، هستند شایسته نبوده و با توجه به ناکارآمدی تمدن غرب برای برطرف کردن نیازهای بشر، باید به آموزه‌های غنی و اصیل اسلامی، یعنی سبک زندگی اسلامی روی آورند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری تلاش غرب برای ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی را به کشور و ملت عزیزمان وارد کرده که نیازمند جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌باشد تا این معضل و آسیب اجتماعی برچیده شود که ایشان این مسئولیت خطیر را برعهده جوانان مؤمن انقلابی واگذار کردند.

حال با توجه به اهمیت موضوع و تأکید مقام معظم رهبری بر این مهم؛ بازخوانی تعلیمات دینی، تفکر و تأمل در آن، راه روشنی را برای فرهنگ‌سازی و ارائه الگوهای رفتاری مناسب پیش روی انسان قرار می‌دهد؛ آموزه‌های قرآنی، تعالیم معصومین علیهم‌السلام، و در ذیل آن بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری از عمیق‌ترین لایه‌های اعتقادی و معرفتی تا ملموس‌ترین سطوح رفتاری را تحت عنوان سبک زندگی اسلامی برای بشر روشن می‌سازند تا

انسان در مسیر تکامل و سعادت برای زیستی مومنانه قرار گیرد و تفکرات اسلامی جایگزین تفکرات پوچ غربی شود. در این راستا پژوهش حاضر درصدد آن است تا با روش کتابخانه‌ای، و رویکرد توصیفی - تحلیلی به برخی از مهم‌ترین مولفه‌های سبک زندگی اخلاقی در جامعه برای دستیابی به افق ترسیم شده در بیانیه گام دوم اشاره کند و بدنبال استخراج و تبیین اهمیت و جایگاه سبک زندگی اخلاقی جامعه در قرآن و کلام معصومین علیهم‌السلام و بیانات رهبری می‌باشد که به نظر می‌رسد تعالیم و آموزه‌ها دینی و همچنین رهنمودهای رهبری تا حدود زیادی خط و مش و ریشه زیست مومنانه را در شیوه‌های صحیح زندگی برای رسیدن به مدینه فاضله و حیات طیبه پی‌ریزی کرده باشند که در این مقاله تبیین می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

- عیسی عیسی زاده و حجت‌الاسلام جلال عراقی (۱۳۹۸) در پژوهش «بیانیه گام دوم انقلاب و راهکارهای سبک زندگی اسلامی» با تکیه بر آموزه‌های دینی و بیانات رهبری راهکارهای اسلامی شدن سبک زندگی را مطرح کردند و برخی از مولفه‌های آن را بیان نمودند.

- علی درزیان و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «سبک زندگی ایرانی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری مبتنی بر گام دوم انقلاب اسلامی» اذعان داشته‌اند: «علت ضعف رسانه‌های کشورهای اسلامی و نبود زیرساخت‌ها و برنامه ریزی‌های مناسب ۸ فرهنگی در جامعه اسلامی و وجود رسانه‌ها و ابزارهای متعدد فرهنگی در عصر جهانی شدن فرهنگ غربی و نیز با توجه به سلطه نظام سرمایه‌داری در جهان، شاهد زوال سبک زندگی، هویت و فرهنگ اسلامی مسلمانان و نیز جامعه ایرانی هستیم و اگر برای مقابله با تهدیدها و اختلال‌های پدید آمده در جامعه اسلامی، برنامه‌ریزی در سطوح و بخش‌های مختلف انجام نشود، این روند تشدید می‌شود و به ایجاد مشکلات بیشتر می‌انجامد.»

- نوروز امینی و کوثر حلال خور (۱۳۹۷) در «مولفه‌های سبک زندگی دینی ازدیدگاه مقام

معظم رهبری» آنچه در این پژوهش به چشم می خورد مولفه هایی در حوزه فکر و اندیشه، خلیات فردی، خلیات اجتماعی، خانواده، کسب و کار است.

پیرامون موضوع انتخاب شده یعنی در قسمت بیانیه گام دوم و مسئله سبک زندگی مقالات فراوانی یافت می شود که به ذکر همین مقدار بسنده شده است آنچه پژوهش حاضر را از سایر مقالات متمایز می کند مطرح کردن سبک زندگی و اخلاق در جامعه از دیدگاه آموزه های دینی و رهنمودهای رهبری است که مولفه های آن در مقالات دیگر یافت نمی شود.

### ۳. مفهوم شناسی

#### ۱.۳. اخلاق اجتماعی

راغب اصفهانی در المفردات خود اخلاق را این گونه تعریف می کند «اخلاق جمع خُلق و خَلق است به معنای توان و سرشت باطنی انسان می باشد. خُلق ویژگی های رفتار اکتسابی آدمی است؛ درونی بودن خُلق مانع از آن می شود که ظهورش را در رفتار فرد ببینیم در مقابل خَلق به گونه ای محسوس و قابل درک با امور ظاهری گفته می شود.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۵۹)

مقام معظم رهبری در توضیح اخلاق فرموده اند: «اخلاق یعنی چه؟ یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاکدامنی». (بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۱۳۹۳  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28344>)

یکی از شاخه های اخلاق، اخلاق اجتماعی است که در مبادرت و معاشرت با دیگران شکل می گیرد به طور کلی می توان گفت: «اخلاق اجتماعی پیرامون مسائلی است که محور آن ها را ارتباط اجتماعی انسان با دیگران شکل می دهد عموماً اخلاق در بیشتر موارد به این مورد از مسائل اخلاقی اطلاق می شود وقتی در محاورات عرفی می گویند که کسی اخلاقش

خوب است یا خوب نیست، منظور ملکاتی است که در روابط او با دیگران دیده می‌شود.»  
(مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۳)

به عقیده شهید مطهری رحمته‌الله: «اخلاق اجتماعی صفات و ملکات نفسانی می‌باشد که در روابط انسان و جامعه مطرح می‌گردد؛ به گونه‌ای که فرضاً اگر جامعه و اجتماع در کار نباشد آن صفات مفهومی نداشته و تحقق نمی‌پذیرد.» (فولادوند، ۱۳۹۰: ۱۱۹)

رهبر انقلاب اخلاق در جامعه را به هوای سالمی تشبیه کردند که انسان را به سلامت می‌رساند: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند.» (بیانات عید سعید مبعث، ۱۳۸۸  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7435>)

### ۲.۳. سبک زندگی اسلامی

واژه سبک زندگی اسلامی از معادل سه واژه «سبک»، «زندگی» و «اسلامی» تشکیل شده است. معنای زندگی و اسلام تا حدودی برای ما روشن است اما سبک در لغت به معنای «طرز، شیوه، روش» (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۳۳۹) بکاررفته است.

در اصطلاح منظور از سبک زندگی «شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های فرد یا گروه است و همچنین عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و... که با هم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را تشکیل می‌دهند.» (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۵۱)

مسئله سبک زندگی یکی از دغدغه‌های دیرینه مقام معظم رهبری بوده است؛ از دیرباز تا کنون همواره رهنمودهای را در این باره برای ملت گوشزد می‌کنند؛ از نظر ایشان: «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیرهای ما از زندگی است. هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به‌طور طبیعی متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود.» (بیانات در دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱)

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>)

ایشان دو سبک توحیدی و غیر توحیدی را برای زندگی مطرح کردند: «سبک زندگی غیر توحیدی که در آن تعالیم مکاتب مادی در صدر است و مفاهیم مصرف گرایی، لذت گرایی و عرفی بودن دین حاکم است؛ و سبک زندگی توحیدی که در آن دستورات الهی در صدر است؛ سیاست، فرهنگ و اقتصاد از این مفاهیم تأثیر می پذیرد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>)

به طور کلی می توان گفت: مراد از سبک زندگی اسلامی این است که انسان برنامه های زندگی خود را اعم از برنامه های فردی، اجتماعی خود، گرایش ها، علایق و... را از قرآن کریم و آموزه های دینی دریافت می کند. به عبارت دیگر مجموعه عرصه های رفتار و گفتار فردی یا جمعی که از آموزه های قرآن کریم و سیره معصومین علیهم السلام تأثیر یافته در ابعاد سیاسی، خانوادگی، هنری، تفریحی، خوراک، پوشاک، علمی، حقوقی، و... سبک زندگی اسلامی است.

### ۳.۳. بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب در سال ۱۳۹۷ از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی با هدف «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی» صادر شد که شامل ۷ توصیه مهم می باشد. «بیانیه گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافداه) هست» نزدیک خواهد کرد. (مقدمه بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷)

### ۴. مولفه های دستیابی به سبک زندگی اخلاقی جامعه از منظر آموزه های دینی و رهنمودهای رهبری

در تمدن اسلامی، منبع و ماخذ کلیه ارزش ها و اخلاقیات اجتماعی را باید در قرآن کریم

و آموزه‌های دینی جست؛ و تمام ارتباطات اجتماعی انسان در تمامی محورها را با دستورات مستخرج از آن‌ها تطبیق داد چرا که تأثیر مستقیمی در احداث جامعه مطلوب آرمانی و اخلاقی دارند. یکی از راه‌های دستیابی به تعالیم دینی، پیروی از رهنمودهای مقام معظم رهبری می‌باشد چرا که ایشان هدف حقیقی از تعلیمات خود را هدایت انسان به مقام قرب الهی می‌دانند؛ بنابراین در این قسمت به برخی از مهم‌ترین مولفه‌های دستیابی به سبک زندگی اخلاقی جامعه از منظر آموزه‌های دینی و رهنمودهای رهبری اشاره می‌شود.

#### ۱.۴. ایدئولوژی اسلامی در نفی طبقات اجتماعی

از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی که همواره جامعه بشری را تهدید کرده و با پیشرفت‌های صنعتی و مادی چشمگیر شده، معضل فاصله طبقاتی است؛ مردم در ابتدای امتی واحد و منسجم بودند و با گذر زمان و پیدایش حکومت‌ها به مرور زمان اختلاف‌ها گسترش پیدا کرد طبقات اجتماعی شکل گرفت به همین دلیل از مهم‌ترین اصولی که باید در خط مشی‌گذاری جامعه اسلامی مورد توجه قرار گیرد اقامه عدالت در تمامی سطوح می‌باشد چرا که انسان پی برد تنها اصلی که باعث زندگانی حکومت می‌شود؛ اصل عدالت است. اساس دین اسلام ظلم و تعدی ستیزی متجاوزان و احقاق حقوق تمامی افراد جامعه می‌باشد قرآن کریم عدالت را امری ضروری و لازم الاجرا در عرصه‌های سیاسی، قضایی، اجتماعی، اقتصادی و... معرفی می‌کند و تمامی انسان‌ها را در خلقت با یکدیگر برابر می‌داند؛ در زیر به برخی از راهکارهای قرآنی برای رفع این امر مهم اشاره شده است:

آیات	راهکارهای قرآنی برای نفی فاصله طبقاتی
﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات، ۱۳)	نفی امتیازات مجعول اجتماعی
﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ﴾	تغییر ملاک منزلت و برتری



<p>لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿</p> <p>(حجرات، ۱۳)</p> <p>﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (انعام: ۵۲)</p> <p>﴿وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ، وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ﴾ (هود: ۲۹)</p>	
<p>﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَعَةً سَابِغًا فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۶۱)</p> <p>﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره: ۱۹۵)</p> <p>﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ﴾ (ابراهيم: ۳۱)</p> <p>﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ﴾ (منافقون: ۱۰)</p> <p>﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ (حديد: ۷)</p>	<p>انفاق مالی</p>

در جامعه اسلامی کرامت و شرافت تمامی انسان ها مطرح است و آفرینش موجودات واحد و منسجم و تمامی مخلوقات با یکدیگر در ارتباط اند این گونه نیست فردی یا افرادی از جامعه به علت ثروت، علم و تحصیلات، موقعیت شغلی و... در صدر جامعه باشند و یا برعکس افرادی بی ارزش تلقی گردند؛ همه افراد در هر رتبه و طبقه ای که هستند می توانند به برترین و عالی ترین مقامات نیل آیند و نزد خداوند جایگاهی فراتر از جایگاه مادی و دنیوی داشته باشند و ریشه این مقمات نامتنهی تنها در تقوا الهی است که سعادت دنیوی و اخروی را برای انسان به ارمغان می آورد. مقام معظم رهبری در متن بیانیه گام دوم مسئولین را

از این امر بر حذر داشتند و فرمودند: «در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷)

به فرموده رهبر کبیر انقلاب اقامه عدالت سد محکمی در برابر تبعیضات و فاصله‌های طبقاتی است که تمامی امکانات و فرصت‌ها را در برابر تمام اقشار جامعه به طور یکسان تقسیم می‌کند: «به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این جور نباشد که اگر منطقه‌ای در نقطه جغرافیایی دور از مرکز کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد اما آنجایی که نزدیک است، برخوردار باشد. این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود و هم برابری در استفاده از امکانات و فرصت‌ها باید به وجود آید.» (اجتماع زائران مشهد، ۱۳۸۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6082>)

از مهم‌ترین راه‌های رفع فاصله طبقاتی تصمیمات سران یک نظام است که پیرامون اتفاقات، رخدادها و... نظر می‌دهند و برنامه‌ریزی می‌کنند اگر تصمیمات آن‌ها از روی اخلاص و خارج از قشربندی باشد تا حدود زیادی عدل و عدالت اقامه می‌شود و چرا که مردم یک جامعه همه در یک گروه و هم برادر و برابرند و از دیدگاه مقام معظم رهبری: «در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همه مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های مختلف اجرایی، به خصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همه اخلاص، در صدد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعه ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهی‌دست و کم‌درآمد است.» (پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه 1370/03/13 <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2459>)

#### ۲.۴. تقویت روحیه جهادی و استقامت

یکی از اندوخته‌هایی که از آموزه‌های قرآنی و مجاهدت‌های ائمه و شهدا در طول تاریخ برای ما به دست آمده است فرهنگ استقامت در برابر سختی‌ها و جهاد همه‌جانبه در تمامی عرصه‌ها می‌باشد. دامنه معنایی این امر انسانی هر گونه سعی و تلاش مشقت بار برای وصول به اهداف الهی را شامل می‌شود و اقسام متفاوتی همچون: جهاد مالی، جسمی، معنوی، علمی، فرهنگی و... دارد. خداوند در آیات قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (مائده، ۵۴)

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَلَا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء، ۹۵)

این آیه در صدد مقایسه مجاهدان و غیر مجاهدان است و اشاره به جهاد مجاهدان با جان و مال در راه خداوند دارد «این آیه در صدد تشویق مؤمنین به جهاد است و می‌خواهد روح ایمان آن‌ها را بر سبقت گرفتن در خیر بیدار کند.» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵/۴۶)

در سراسر بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری جوانان را به جهادی همه‌جانبه دعوت می‌نمایند و استقلال و آزادی کشور در چهل سال اول را نتیجه جهاد مردم معرفی می‌کنند:

- جهاد برای ساختن ایران اسلامی

- مدیریت‌های جهادی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» رساندن ایران به عظمت و

پیشرفت در همه عرصه‌ها

- جهاد معنوی والدین و همسران در زمان شهادت و جهاد جوانان

اردوهای جهاد و سازندگی، اعتکاف، پیاده روی‌های معنوی، صدقات و...

- جهاد علمی در عرصه دانش‌ها و فناوری‌های نوین (هسته‌ای، سلول‌های بنیادین، نانو،

هوا و فضا و...)

- نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شکستن محاصره سیاست تبلیغی دشمن، خبرهای دروغین و مایوس‌سازی مردم  
 - جهاد در زمینه سبک زندگی در جبران زیان‌های بی‌جبران غرب در ترویج سبک زندگی غربی

(بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷)

امروزه مقام معظم رهبری برطرف کردن تمامی گره‌های جامعه و خسارت‌های جبران ناپذیری که غربیان در عرصه‌های مختلف بر ما تحمیل کردند را در گرو جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه جوانان می‌داند: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت زده است؛ مقابله با آن جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید من به شما جوان‌هاست» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷)

امروزه گروه‌های جهادی دانش‌آوزی، دانشجویی، محلات در سراسر ایران در حال خدمت‌رسانی می‌باشد که از برنامه‌های مهم این گروه‌ها علاوه بر خدمت‌رسانی به دیگران، خودسازی معنوی می‌باشد، اگر از این گروه‌ها حمایت به عمل آید تا حدود زیادی ضعف‌های جامعه برطرف می‌شود چا که از نزدیک با مشکلات مردم و کمی و کاستی‌ها روبه‌رو می‌شوند و در صدد جبران آن بر می‌آیند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «روحیه جهادی را بر روحیه تافته جدا بافته بودن ترجیح بدهید. راهش هم این است که کار جهادی و روحیه جهادی را در خودتان تقویت کنید. روحیه جهادی یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفه خود دانستن، همه نیروها را در راه کار درست به میدان آوردن؛ این روحیه جهادی است. برای این‌که این روحیه جهادی در شما تقویت بشود، حضورتان در اردوهای جهادی خیلی خوب است. نگویید وقتان تلف می‌شود؛ نه، بیشترین و بهترین استفاده از وقت همین است... این شما را با متن مردم آشنا می‌کند، این شما را با مشکلات و معضلات جامعه که غالباً از چشم مسئولین دور میماند، آشنا می‌کند. جوان هستید، نیرو

دارید، حوصله دارید، وقت دارید، گرفتاری زیادی ندارید، از این فرصت استفاده کنید. یکی از فرصتها هم همین اردوهای جهادی است. انسان وقتی خدمت کرد به طور مستقیم، خدمت در چشم انسان عزیز می شود؛ نقاط ضعف را پیدا می کنید» (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در نهمین همایش ملی نخبگان فردا، ۱۳۹۴  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31105>)

#### ۳.۴ بصیرت افزایی

همواره در طول تاریخ اساسی ترین عامل شکست جبهه حق در مقابل باطل می توان به بی بصیرتی پیروان آن اشاره کرد؛ امروزه با توجه به تحولات سیاسی اجتماعی جهان، اصل بصیرت افزایی در جامعه برای مقابله با جنگ نرم از جمله راهبردی ترین نقشه ها برای عوام و خواص می باشد؛ چرا که اگر تصمیمات و موضع گیری های مهم کشور بدون بصیرت صورت گیرد جامعه را به انحطاط و نابودی می کشاند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد شخص با بصیرت می فرماید: «فإنَّما البصیر من سمع فتفکر و نظر فأبصر و انتفع بالعبر ثم سلک جددا واضحا يتجتب فيه الصرعة فی المهاوی» (همانا بینا کسی است که بشنود پس تفکر کند و نظر کند پس بینا شود و از عبرتها و پندها نفع گیرد سپس راههای روشن را پیماید و در پیمودن راه از افتادن در سقوطگاهها خودداری کند.) (خزائلی، ۱۳۸۷: ۴۳۲)

از تعلیمات دینی این گونه تعبیر می شود که بصیرت تنها به دیدن و شنیدن اطلاق نمیشود بلکه تعقل و عبرت پذیری شاه کلید تشخیص خیر و صلاح است خداوند در سوره مبارکه یوسف می فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ (یوسف، ۱۰۸)

در تفسیر این آیه کریم آمده است: «۱. رهبر باید بصیرت کامل داشته باشد. ۲. مردم را چشم بسته و بدون آگاهی نباید به انجام کاری ترغیب کرد. ۳. پیروان پیامبر باید هر کدام مبلغی باشند که با بصیرت و آگاهی مردم را به سوی خدا دعوت کنند.» (قرائتی، ۱۳۸۸:

رهبر کبیر انقلاب در چند سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به ضرورت بهره‌مندی جامعه به بصیرت در عرصه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی داشتند، امروزه در میان بحبوحه تلاش‌های غربیان و غرب زدگان در جنگ‌های نرم تنها با مؤلفه بصیرت و دشمن‌شناسی است که می‌تواند حق و باطل را از هم جدا ساخت و راه مستقیم را شناخت و این امر از رسالت‌های مهم نخبگان و هسته‌های فکری جامعه است تا هریک با تخصص و مهارتی که دارند راهکارهای تشخیص عالمانه و صحیح را در اختیار مردم قرار دهند و خلل و کاستی‌ها را برطرف سازند. رهبر انقلاب در این باره فرمودند: «امروز ما به این بصیرت احتیاج داریم. امروز دشمنان دنیای اسلام، دشمنان وحدت اسلام، با ابزارهای دین وارد می‌شوند، با ابزارهای اخلاق وارد می‌شوند؛ باید هشیار بود. آنجائی که می‌خواهند افکار عمومی مردم غیرمسلمان را فریب بدهند، نام حقوق بشر را می‌آورند، نام دموکراسی را می‌آورند؛ آنجائی که می‌خواهند افکار عمومی دنیای اسلام را فریب بدهند، نام قرآن را می‌آورند، نام اسلام را می‌آورند؛ درحالی‌که نه به اسلام و قرآن اعتقادی دارند، نه به حقوق بشر اعتقادی دارند. این را امت اسلامی باید بداند.» (بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی علیه السلام، ۱۳۸۹  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9655>)

ایشان در پیامی دیگر تصریح کردند: «بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد؛ و آن ملتی موقّ می‌شود که فریب نخورد. بصیر باشید در شناسایی دشمن. بصیر باشید در شناسایی ترفندهای دشمن.» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج، ۱۳۷۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2643>)

#### ۴.۴. اصلاح ذات البین

اصلاح ذات البین یکی از اساسی‌ترین پرسمان‌های جوامع بشری به معنای نفی خصومت و نفاق و همچنین اصلاح معاشرت و ارتباطات می‌باشد که اجرای آن زمینه را برای سلامت ارتباطات فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد. در تعلیمات اسلامی نیز در زمره یکی از حقوق‌هایی به شمار می‌رود که مسلمانان نسبت به یکدیگر دارند. در روایتی از حضرت

رسول اکرم ﷺ نقل شده است که: آیا شما را به چیزی بافضیلت تر از نماز و روزه و صدقه (زکات) آگاه نکنم؟ آن چیز اصلاح میان مردم است؛ زیرا تیره شدن رابطه میان مردم، مهلک و دین برانداز است. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ۱۰/۳۵۸۶)

«اسلام سطح پیوند علائق دوستی مسلمین را به قدری بالا برده که به صورت نزدیکترین پیوند دو انسان با یکدیگر آنهم پیوندی بر اساس مساوات و برابری، مطرح می‌کند، و آن علاقه "دو برادر" نسبت به یکدیگر است. و می‌فرماید: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (حجرات، ۱۰) روی این اصل مهم اسلامی مسلمانان از هر نژاد و هر قبیله، و دارای هر زبان و هر سن و سال، با یکدیگر احساس عمیق برادری می‌کنند، هرچند یکی در شرق جهان زندگی کند، و دیگری در غرب.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲/۱۷۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت به امام حسن و امام حسین علیهم السلام فرمودند: «أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَ لَدَى وَ اَهْلِ وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ تَنْظِيمِ أَمْرِكُمْ وَ صِلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: صِلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ.

شما و همه فرزندان و خاندانم و هر که این وصیتم به او می‌رسد را به تقوای الهی، و نظم در زندگی و اصلاح بین مردم سفارش می‌کنم، چرا که از جد شما صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: اصلاح ذات‌البین از عموم نماز و روزه بهتر است.» (نهج البلاغه: نامه ۴۷)

در جامعه کنونی با توجه به وجود احزاب و تفکرات مختلف و گرایش‌های متفاوت، نزاع و درگیری‌ها نیز سیر صعودی پیدا می‌کند و جامعه را از درون متلاشی کرده و راه نفوذ را برای سودجویان و فرصت طلبان باز می‌کند؛ در صدر تمامی این مشکلات سد محکمی در برابر تکامل و پیشرفت مردم و جامعه می‌شود؛ بنابراین همدلی، یکدلی و برطرف کردن نفاق راه را برای رشد و بهورزی جامعه مرتفع می‌کند درچنین شرایطی مقام معظم رهبری راز موفقیت کشور را در استحکام رابطه قلبی با خداوند و پرهیز از ورود به مناقشات احزاب بیان می‌کنند: «پرهیز از ورود به مناقشات جناحی و حزبی اگر بخواهید در کارتان موفق باشید،

باید بعد از توکل به خدای متعال و مستقیمتر کردن و مستحکمتر کردن رابطه قلبی خودتان به طور دائم با ذات مقدس ربوبی، از ورود در مناقشات جناحی و حزبی - که عده‌ای می‌خواهند در کشور ما اینها را روزه‌روز بیشتر کنند - پرهیز کنید. راز موفقیت شما این است. دستهایی در کار است تا سر مسائل هیچ و پوچ، عده‌ای را به جان هم بیندازد و سر موضعگیریهای گوناگون حزبی و جناحی و گروهی و گاهی گروهکی، افراد را با همدیگر مسأله‌دار کند؛ درست نقطه مقابل «أئمة المؤمنون أخوة فاصلحوا بین اخویکم» (۱). قرآن بعد از آن که بحث «وإن طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما» (۲) را می‌کند، می‌فرماید: «أئمة المؤمنون أخوة»؛ مؤمنین به خدا، مؤمنین به دین، مؤمنین به راه انبیا با هم برادرند. دو برادر ممکن است با هم دعوا کنند، اما تکلیف ما چیست؟ «فاصلحوا بین اخویکم»؛ بین دو برادرتان اصلاح ایجاد کنید. درست نقطه مقابل این، عده‌ای دائم می‌خواهند با جناح‌بندی و اظهارات حزبی و ایجاد ولایت حزبی (!) به تنور اختلاف افکنی و آتش‌افروزی بدمند. در مفهوم و معنای ولایت که جزو تعالیم اصلی دین و قرآن و جزو مصدحات قانون اساسی است، شبهه می‌اندازند و خدشه ایجاد می‌کنند؛ ولی به جای آن، ولایت حزبی به وجود می‌آورند و این تناقض وحشتناک را ایجاد می‌نمایند. خودتان را از این مسائل برکنار بدارید.» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱)

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3130>)

#### ۴.۵. وجوب کمک به مسلمانان جهان

اصل صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی به سیاست حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال مستضعفین جهان با هدف ترویج حق و عدالت و تمهید سعادت بشر در کل جامعه در کنار جلوگیری از مداخله در امور داخلی ملت‌ها اشاره دارد. در تعلیمات دینی نیز همانگونه که ظلم و ستم منفور بوده است وجوب کمک به مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان ممدوح و مورد سفارش قرار گرفته است. مرحوم کلینی در کتاب «کافی» در باب «بابُ الأئمةِ بِأَمْرِ المُسلمین» روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که پیامبر



اسلام ﷺ فرمودند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» هر کسی که، صبح کند و اهمتami به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۳/۲)

حمایت از مستضعفین و کمک به مردم نیازمند جهان یک وظیفه اسلامی است که بر گردن همه مردم و در راس مسئولین جامعه قرار دارد، عدم تحقق آن در واقع ادا نکردن یکی از وظایف دینی است. بارها و بارها در سخنان و پیام های مقام معظم رهبری به این اصل مهم اشاره شده است که این تاکید سبب می شود مسئولین و زمامداران با فرکنیها و بهانه تراشی ها این اصل حیاتی را کوچک و کم اهمیت به شمار نیاورند و در صد وظایف خود قرار دهند.

طبق مفاد اصل ۱۵۴ قانون اساسی "جمهوری اسلامی ایران در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان، حمایت می کند و همواره شریک غم مظلومان جهان می باشد؛ حضرت آیت الله خامنه ای حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان را از ویژگی های بارز انقلاب اسلامی معرفی کردند: «این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی رحم و خون ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷)

و این فضیلت اخلاقی را چکیده احساسات مردم ایران، جوانمردی و مروت انقلابی نظام دانستند: «این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷)

مقام معظم رهبری در بیانات خود حمایت از مستضعفین را مورد تأکید قرار داده و پیروزی آنان را در گروی انقراض مستکبرین دانسته اند: «ما همه ملت های مسلمان را برادران خود میدانیم، و با غیر مسلمانانی که در جبهه معارض وارد نشده اند با نیکی و عدالت رفتار

میکنیم. غم و گرفتاری جوامع مسلمان را گرفتاری خود به شمار می‌آوریم و برای علاج آن تلاش می‌کنیم. کمک به فلسطین مظلوم، دلسوزی برای پیکر مجروح یمن و دغدغه مسلمانان زیر ستم در هر نقطه جهان را اهتمام همیشگی خود قرار می‌دهیم. نصیحت به سران برخی کشورهای مسلمان را وظیفه میدانیم؛ دولتمردانی که به جای تکیه به برادر مسلمان خود، به آغوش دشمن پناه می‌برند و برای سود شخصی چند روزه، تحقیر و زورگویی دشمن را تحمّل می‌کنند و چوب حراج به عزّت و استقلال ملّت خود می‌زنند - آنان که بقاء رژیم غاصب و ظالم صهیونیست را می‌پذیرند و پنهان و آشکار دست دوستی به آنان می‌دهند - اینان را نصیحت می‌کنیم و از پیامدهای تلخ این رفتار بر حذر می‌داریم. حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا را به زیان ملّتهای این منطقه و موجب ناامنی و ویرانی و عقب‌ماندگی کشورها میدانیم. در قضایای کنونی آمریکا و حرکت ضدّ تبعیض نژادی در آن هم، موضع قاطع ما جانب‌داری از مردم و محکوم کردن رفتار قساوت‌آمیز دولت نژادپرست آن کشور است.» (پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج، ۰۷/۰۵/۱۳۹۹  
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=46127>)

#### ۶.۴ اثر ترویج ذکر خدا و دعا

جهان نوین در شکل دهی توسعه علمی و تأمین نیاز نسبی انسان‌ها تا حدودی موفق بوده است، لکن از برطرف کردن نیازهای معنوی و روحی انسان عاجز و ناتوان ماند. با توجه به دلمشغولی دائمی انسان در گِیرو دار دنیا، طرح معنویت و عبادت یکی از موضوعات کلیدی در ایجاد پیوند میان ارزشهای دنیای سنتی و دنیای نوین در حوزه‌های مختلف است. جامعه امروز محتاج ترویج و تزریق معنویت است چرا که جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های جامعه می‌باشد و سعادت و شقاوت آن را معین می‌سازد. آیات فراوانی در این باره به چشم می‌خورد که خداوند متعال بندگان خود را به اندکی تضرع و آرامش دعوت می‌کند:

﴿وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾	ترویج ذکر خدا و دعا
---	---------------------

<p>وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿اعراف، ۲۰۵﴾</p> <p>﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ (احزاب، ۴۱)</p> <p>﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد، ۲۸)</p> <p>﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ (طه، ۱۴)</p> <p>﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ﴾ (عنكبوت، ۴۵)</p> <p>﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا﴾ (اعراف، ۲۰۱)</p>	
---	--

اگرچه انسان در عرصه علم و فناوری و صنعت در پیچه‌های چشم‌نوازی را بر گشود و ناممکن‌هایی را ممکن کرد لکن در آسیب‌های اخلاقی با معضلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند و روح او گمشده‌ای دارد که جز با معنویت و اخلاق‌ورزی بدان دست نیابد، گمشده‌هایی از جنس بشریت، نوع دوستی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، عدالت، دگراندیشی، انفاق، از خودگذشتگی و... برحسب ضرورت موضوع مقام معظم رهبری در دومین توصیه خود در متن بیانیه گام دوم اصل "معنویت و اخلاق" را مطرح کردند و فرمودند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق‌چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و

خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷)

زندگی کردن در عصر ارتباطات و تکنولوژی علاوه بر مزایای فراوان معایبی دارد که در صورت چشم پوشی می‌تواند خانواده و در پی آن جامعه‌ای را به نابودی بکشاند. امروزه جوانان و نونهالان با مسلط شدن به تکنولوژی‌های نوین، ماهواره، شبکه‌های مجازی و... که بدون داشتن هیچ برنامه پرورشی و تربینی، اغلب با گسترش اهدافی غیراخلاقی و خانمان سوز برای همسان‌سازی افکار عمومی جهانیان و نابودی مولفه‌های فرهنگی و تربیتی و تغییر تعالیم دینی، آینده بی‌جبرانی را برای خود رقم می‌زنند و خطرات زیادی را متحمل می‌شوند. تنها راه برطرف کردن این معضل و آسیب اجتماعی نظارت و کنترل همه‌جانبه خانواده و در راس آن مسئولین جامعه می‌باشد؛ مقام معظم رهبری این دغدغه مهم را در ضمن بیانات خود مطرح کردند و فرمودند: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره پیشرو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدّت و میان‌مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاء الله.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷)

#### ۷.۴. برپایی امنیت اجتماعی

امنیت ضروری‌ترین نیاز بشر و جامعه و همچنین زمینه‌ای برای حیات هر حکومتی است که بدون برخورداری از آن نیل به سایر نیازها و ادامه حیات محقق نمیشود زیرا با توسعه شهرنشینی و پیچیده شدن قوانین و مقررات حکومت‌ها، مفهوم امنیت از حالت اولیه و لفظی خارج شد و گستره بیشتری را در بر گرفت؛ لذا برای ساخت یک جامعه مطلوب پیش از هر چیز مؤلفه «امنیت» لازم است زیرا استقلال یک کشور و رشد و توسعه آن در ابعاد

سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و... در گرو نیل به این حقوق اساسی مردم می باشد.

خداوند در سوره مبارکه قریش از امنیت به عنوان یک نعمت الهی یاد می کند که به بندگان خود هدیه داده است:

﴿الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (قریش، ۴)

«این آیه اشاره است به منت واضحی که در ایلاف دو رحلت وجود دارد، و نعمت ظاهری که نمی توانند آن را انکار کنند، و آن تأمین معاش قریش و امنیت آنان است که در سر زمینی زندگی می کردند که نه نانشان تأمین بوده و نه جانشان، و نه سر زمین خرمی بود که دیگران بدانجا آیند، و نه جان دیگران در آن جا تأمین می شد پس باید ربی را بپرستند که این چنین به بهترین وجه امورشان را تدبیر نمود، و او همان رب بیت است» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۶۳۱/۲۰)

امنیت یکی از مهم ترین و اساسی ترین حقوق هر فردی در جامعه است که حفظ و حرست از آن بر عهده دولت می باشد زیرا از دیدگاه اندیشمندان سیاسی، برقراری امنیت در جامعه از اصلی ترین وظایف دولت چه در زمینه داخلی و چه در زمینه خارجی است. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «این همیشه باید آویزه گوش مسئولان نیروهای مسلح باشد: حفظ امنیت کشور، حفظ امنیت مرزها، حفظ امنیت عمومی زندگی مردم، چیزهایی است که به عهده مسئولانی است که در این زمینه فعالیت کنند.» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29472>)

همچنین ایشان امنیت را هم پای نیازهای اساسی انسان معرفی کردند و فرمودند: «امنیت، شعار و وظیفه اصلی و اساسی شماست و برای زندگی مردم و یک جامعه، گاهی از نان شب واجب تر و مهم تر است. خداوند متعال در قرآن کریم در مقام ذکر نعمتهای بزرگ خود به جامعه، می فرماید: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ»؛ یعنی گرسنگی و ناامنی در

مقابل امنیت و راحتی و رفاه قرار دارد؛ اینها دو عنصر مقابل و مهمند.» (بیانات در دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3253>)

### نتیجه‌گیری:

۱. اسلام دینی جامع است که برای همه ابعاد زندگی بشری برنامه‌ریزی کرده است با بررسی و تحقیق موشکافانه در آیات، سیره معصومین علیهم‌السلام و بیانات رهبری این نتیجه حاصل می‌گردد که آموزه‌های دینی و رهنمودهای مقام معظم رهبری مولفه‌هایی را برای سبک زندگی پیش روی انسان قرار دادند تا به سعادت مقرب شود.

۲. اسلامی شدن سبک زندگی جامعه در تمام محورهای زندگی از آرمان‌های بزرگ انقلاب اسلامی بوده است لکن به دلیل تهاجم و نفوذ فرهنگ غرب در سطح جهان کشور ما نیز از این نفوذ مستثنی نبود و فرهنگ آن دستخوش تغییراتی شده است که ازدغدغه‌های مهم مقام معظم رهبری می‌باشد.

۳. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را می‌توان نقشه راهی دانست که حیات طیبه‌ای را ترسیم می‌کند و پیش روی جامعه بشری قرار می‌دهد. در این بیانیه مقام معظم رهبری توصیه‌هایی را در هفت قالب مطرح می‌سازند که محور هفتم آن به «سبک زندگی» اختصاص دارد.

۴. مقام معظم رهبری در هفتمین توصیه خود صحبت از سبک زندگی را به میان آوردند و خاطر نشان کردند که متأسفانه کشور عزیز ما در سال‌های اخیر در زمینه‌های اقتصادی، اخلاقی، سیاسی و... تحت تأثیر فرهنگ غلط غرب قرار گرفته است.

۵. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم علاج کشور در تمامی بخش‌ها به خصوص در سبک زندگی را زمانی می‌دانند که زمام اداره کشور به دست جوانان مؤمن و انقلابی بیفتد تا خسارت‌های جبران‌ناپذیر غریبان برطرف شود، بنابراین تبیین مولفه‌های سبک زندگی می‌تواند مسیر را تسهیل بخشد.

۶. مولفه‌های اخلاقی همچون: ایدئولوژی اسلامی در نفی طبقات اجتماعی، تقویت

روحیه جهادی و استقامت، بصیرت افزایی، اصلاح ذات البین، وجوب کمک به مسلمانان جهان، اثر ترویج ذکر خدا و دعا، برپایی امنیت اجتماعی که در تعالیم قرآنی و بیانات رهبری مورد تأکید قرار گرفته اند تا حدود زیادی می تواند جامعه را به اهداف اسلامی خود و سعادت نزدیک سازد.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش
۳. بیانات در اجتماع زائران مشهد، (۱۳۸۸)
۴. بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، (۱۳۹۳)
۵. بیانات به مناسبت فرارسیدن ایام حج، (۱۳۹۹)
۶. بیانات در دانشگاه علوم انتظامی، (۱۳۸۳)
۷. بیانات در دومین سالگرد ارتحال امام خمینی رحمته الله علیه، (۱۳۷۰)
۸. بیانات در دیدار با جوانان خراسان شمالی، (۱۳۹۱)
۹. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج (۱۳۷۱)
۱۰. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۴)
۱۱. بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۸۱)
۱۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» (۱۳۹۴)
۱۳. بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی علیه السلام، (۱۳۸۹)
۱۴. بیانات در عید سعید مبعث، (۱۳۸۸)
۱۵. بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج
۱۶. خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم
۱۷. خزائلی، محمد علی، (۱۳۸۷)، متن، شرح و تفسیر دعای ابوحمزه ثمالی (موضوعی، قرآنی، روایی، اخلاقی، عرفانی و تربیتی)، قم، ابتکار دانش
۱۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۱۹. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، (۱۴۱۲)، «المفردات فی غریب القرآن»، دمشق بیروت، چاپ اول، دارالعلم الدار الشامیه
۲۰. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، «ترجمه تفسیر المیزان»، قم، چاپ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - دفتر انتشارات اسلامی
۲۱. فولادوند، فردین، (۱۳۹۰)، «بررسی اصول اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه»، فصلنامه علمی



- پژوهشی دانشگاه قم و انجمن معارف، سال دوم، شماره اول

۲۲. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران، ۱۰ جلد، چاپ اول، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، کافی، تهران، ج ۲، دار الکتب الاسلامیه

۲۴. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۹) میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شفیعی، قم، ج ۱۰،

چاپ دوم، دارالحديث

۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۰)، «اخلاق اجتماعی»، قم، مؤسسه آموزش و پژوهشی امام

خمینی

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، ۲۸ جلد، چاپ: دهم، دار الکتب الإسلامية

۲۷. مهدوی کنی، محمدسعید، (۱۳۸۷)، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی،

تهران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱۳

---

## واکاوی مولفه های معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب

---

زهرا توکلی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

### چکیده

معنویت یکی از محورهای اصلی در بیانیه گام دوم انقلاب است. معنویت در انقلاب اسلامی، عامل قوت و قدرت ملت ایران معرفی شده و همواره در کنار دو مؤلفه عقلانیت و عدالت مطرح می‌شود به گونه‌ای که مقام معظم رهبری این سه بعد را شاخصه اصلی مکتب امام خمینی دانسته و معتقد است، انقلاب اسلامی است که می‌تواند معنویت را به مردم جهان هدیه داده و سر آغاز تمدنی نوین را رقم زده و پاسخگوی نیاز جوانان غربی باشد که گرفتار معنویت پست مدرن شده و به جهت فقدان پشتوانه حقیقی الهی به نوعی پوچ‌گرایی معرفتی دچار شده‌اند. در این پژوهش با عنوان واکاوی مولفه‌های معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب به روش توصیفی و تحلیلی با بررسی مفاهیم عدالت، معنویت و عقلانیت به رابطه تنگاتنگ این سه مؤلفه پی می‌بریم. عقل ابزار انسان در شناخت شریعت و تشخیص معنویت حقیقی است و برای تحقق این هدف متعالی، انسان باید عدالت را به عنوان یک فضیلت اخلاقی در نفس خود به وجود آورد تا بتواند هم در قوای نفسانی خویش و هم در بعد

عدالت اجتماعی اثرگذار باشد. از طرف دیگر عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری، دروغ، انحراف و ظاهرسازی تبدیل خواهد شد. معنویت که همراه با عقلانیت و عدالت باشد نقش اساسی در نیل انسان به قرب باری تعالی داشته و می‌تواند جامعه را به ایمان، عزم و جهاد آراسته کند، سه خصلتی که افتخارات زیادی برای مسلمانان به ارمغان آورده است و می‌تواند در تمدن‌سازی اسلامی نقش اساسی داشته باشد.

کلید واژه: معنویت، عقلانیت، عدالت، بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی.

## مقدمه

انسان وجودی دارد که نه می‌توان آن را سراسر قوای حیوانی و لذت‌طلبی دانست نه آن که تنها آن را عقل محض به حساب آورد. قطره‌ای است که غایتش وصول به دریای هستی و موجی است که آسودگی خود را در لقای الهی دیده و تنها به یاد او آرام می‌گیرد. در تفکر اسلامی و بر اساس انسان‌شناسی اسلامی، انسان بزرگ‌تر از آنست که در قالب‌های صرف مادی بگنجد زیرا او فقط ماده نیست و دارای یک عنصر غیرمادی است، این عنصر غیرمادی چنان که مکتب اسلام به ما می‌آموزد، همان روح الهی نام دارد. انسان باید با اختیار خود برگزیند که کدامیک از جنبه‌های وجودی خود را تقویت کند. اگر روح مجرد خود را انکار نماید و تنها به جسم توجه کند، نوع خاصی از لذت را برای خود رقم می‌زند اما اگر در گوهر درون خود و امانت الهی که در او دمیده شده تفکر کند با انتخاب مرتبه مجرد وجودش قدم به عالم معنا گذاشته و اینجاست که معنویت تعریف می‌شود. در انتخاب بعدی انسان با پذیرش روح الهی باید مسیر ارضای نیازهای روحی خود را از طریق معنویت‌های حاصل از مکاتب بشری یا ادیان الهی انتخاب نموده و قدم در مسیر تعالی خویش گذارد.

جریان تحولات فکری و اجتماعی دو قرن اخیر موجب این تصور شد که ارزش‌ها و اصول دینی و معنوی، نقش تعیین‌کننده‌ای در صحنه‌های سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی نخواهد داشت. بدین ترتیب معیارها و مبانی مادی و دنیاگرایی بنیاد تمامی تجزیه و تحلیل‌های فردی، اجتماعی، داخلی و خارجی قرار گرفت. این فرایند به تدریج توانست عنصر دین و اعتقادات مذهبی را آن‌چنان خلع سلاح کند که دیگر کسی ضرورت توسل به آن‌ها را احساس نمی‌کرد. حاکمیت و شمول نظریه‌های ماده‌گرایانه، به اندازه‌ای بود که دوران دین و معنویت تمام شده و سخن از عصر «پایان تاریخ یا پایان ایدئولوژی» و حکومت جهانی «لیبرال دموکراسی» شروع می‌شود. رواج این‌گونه بحث‌ها به حدی بود که به تدریج به صورت مکتب بشریت نوین و پاسخگوی نیازهای بشر پست مدرنیسم و فراصنعتی مطرح شد.

تفکر مدرنیته با انکار عالمی فراتر از ماده و با تأکید بر عقل بشری، جهان را محدود به

تجارب حسی دانست و این بن بست، منجر به نظریه های جایگزینی چون پدیده باوری هیوم و کانت و ایدئالیسم بارکلی و هگل شد که آن ها نیز به نوع خود مشکل ساز بودند؛ زیرا که وجود واقعی جهان طبیعی که در زندگی روزمره در جریان بود با این نظریه های ایدئالیستی قابل تبیین نبود. اما در تفکر پسامدرن شاهد پذیرش امکان وجود ناشناخته هایی در عالم (راز) و همچنین به رسمیت شناختن تجربه گرایی غیر حسی در عین نپذیرفتن متافیزیک سنتی هستیم که قادر شد گونه ای نحیف از متافیزیک را در درون جهان فیزیکی اثبات کند. (دباغ، ۱۳۹۰، ۴) بر همین اساس معنویت گرایی جدید که متأثر از همین جهان بینی است بدون این که تمایزی بین زندگی دنیوی و زندگی معنوی قائل شود و بدون تمایزگذاری بین جهان طبیعت و ماورای طبیعت توانست معنویت را در چارچوب مادیت معرفی کند. به گفته چندلر نقطه اوج این جریان همان معنویت گرایی نهضت فرهنگ ستیز در دهه شصت میلادی (معنویت گرایی «عصر جدید») بود که در تقابل با نهادهای دینی و تصویر سلسله مراتبی آن ها از جهان، قائل به تصویری یکپارچه از هستی شد که همگان در این تصویر جایگاهی یکسان داشته و می توانستند از طریق الوهیت درونی اتحاد خود را با جهان واحد تجربه کنند. این تغییر رویکرد در جهان بینی معنوی زمینه رواج استفاده از محرک های روان گردان برای درک تجربی یگانگی هستی را فراهم کرد و موجب ایجاد ایده های مونیستی و تجربه محور معلمان هندویی و بودایی شد. (Chandler, 2011: 256 \_ 257) معنویت مدرن امیال انسان را به کلی تغییر داده و او را به سمت آرامش و آسایش دنیوی و لذت های مادی فرا می خواند در حالی که معنویت اصیلی که انقلاب اسلامی آن را به دنیا معرفی می کند کاملاً پیوسته با شریعت و قوانین اسلامی بوده و می تواند انسان را به کمال نهایی برساند و علاوه بر آن نقش مهمی در تمدن نوین داشته باشد.

در این میان انقلاب اسلامی با بالابردن پرچم معنویت به این حرکت ضربه وارد کرده و موجب کند شدن آن شد. چنان که در همان کشورهایی که مهد گرایش به مادگرایی بود، شاهد بروز گرایش های معنوی به شکل های مختلف هستیم. از آن جا که گفتمان نهضت

اسلامی، انسان و ویژگی‌های آن را هدف قرار داد و از یک سو به‌نگری و تحلیل‌های تک‌بعدی و تکیه بر امور مادی، لذت و رفاه پرهیز کرد جامع‌تر، عمیق‌تر و انسانی‌تر از نهضت‌ها و انقلاب‌های دیگر در قرون معاصر بود.

این نوشتار در صدد شناخت ماهیت معنویت در انقلاب اسلامی و مولفه‌های آن است تا ملاکی باشد برای تشخیص معنویت اصیل از معنویت‌های نوظهور که امروزه در مکتب پسامدرنیسم قابل مشاهده است و معیاری ارائه دهد تا مولفه‌های معنویت اصیل در تمدن نوین اسلامی مشخص گردد تمدنی که شالوده‌های آن با بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب<sup>۱</sup> (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) مشخص گردیده است. از این رو سؤالات اساسی که در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرند، عبارتند از:

- شاخصه‌های معنویت اصیلی که انقلاب اسلامی آن را به جهان معرفی می‌کند

چیست؟

- چه ارتباطی بین معنویت، عدالت و عقلانیت وجود دارد؟

- تبلور معنویت اصیل بر اساس گام دوم انقلاب اسلامی چه تفاوتی با معنویتی که غرب

در قرن معاصر به دنبال آن است دارد؟

## ۱. معنویت

معنویت مصدر جعلیست به معنای معنوی بودن. معنوی منسوب به معنی، مقابل

---

۱. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت.

لفظ، باطنی و روحانی، مقابل مادی، مقابل صوری و ظاهری است. معنایی که فقط به وسیله قلب شناخته می شود. (دهخدا، ۱۳/۱۸۷۱۱)

از این رو اموری که مربوط به روح و روان و اندیشه آدمی بوده و با حواس ظاهری قابل درک نباشند، امور معنوی نامیده می شوند. معنویت می تواند امر قدسی یا غیبی، اخلاقی، دینی، عرفانی و... باشد و هر نوع معنابخشی به زندگی را در بر بگیرد. البته زندگی معنوی لزوماً به معنای تعلق به یکی از ادیان نهادین و تاریخی نیست بلکه به معنای داشتن نگرشی به عالم و آدم است که به انسان آرامش، شادی و امید بدهد. (ملکیان، ۱۳۸۱، ۳۷۶)

در مورد ارتباط معنویت با دین باید گفت برخی افراد مفهوم معنویت را فقط در چارچوب دین می پذیرند و معتقدند غیر از ادیان آسمانی هیچ مکتبی نمی تواند از معنویت به عنوان مفهومی معنادار سخن بگوید. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۳/۳۶۸)

اما برخی متفکران معنویت را در حد یک نیاز عاطفی و روان شناختی تنزل داده و برای رفع نیازهای معنوی، الزامی برای اعتقادات دینی قائل نمی شوند. (ملکیان، ۱۳۸۱، ۸۰)

کاملاً روشن است که معنویت های برآمده از ادیان توحیدی که در قالب دستورات عملی الهی شکل گرفته اند، برترین شکل معنویت شمرده می شوند و مکاتب بشری به علت جزئی نگر بودن و نواقص بشری کارآمدی لازم را نخواهند داشت. فرد معنوی در واقع کسی است که قابلیت های روحانی و الهی وجود خویش را شناخته و به دنبال تعالی و شکوفایی آن است. شناخت این استعدادها تنها از طریق وحی و مکتب انبیا میسر است و در نتیجه رشد و حرکت دادن این قابلیت ها هم از این طریق خواهد بود. در مکتب رسولان الهی، انسان معنوی کسی است که همه امورش برای رضای خالق خویش و مطابق با دستورات او انجام می پذیرد. کمال بشر این است که دل و فکر او تطهیر شود. انسان با معرفت، خداشناس و خداپرست و خیر خواه، انسانی است که اعمال، گفتار، کردار و حتی خطورات ذهنی او طبق رضای خدا انجام می گیرد. انبیا می خواهند چنین انسانی را به وجود آورند. (خمینی، ۱۳۸۵، ۱۹/۲۵۰)

انسانی که بر اساس مکتب انبیا پرورش می‌یابد، متخلق به اخلاق حسنه است و می‌تواند موجبات تعالی و تکامل معنوی و روحی را در خود فراهم نموده و به معرفت الهی دست یابد. به عبارت دیگر معنویت باید بر محور توحید و نگرش توحیدی بنا شود، در غیر این صورت تنها احساسی به ظاهر معنوی بر انسان عارض می‌شود که نمی‌تواند در رشد معنوی او مؤثر باشد.

مجموعه‌هایی از نگرش‌ها و اعتقاداتی که زمینه‌های لازم و زیرساخت‌های شناختی برای هدایت انسان به معنویات را فراهم می‌کنند، باورهای معنوی نام دارند. انسان با کمک از عقل و وحی به برخی باورها دست یافته و برخی دیگر که باورهای فطری هستند را مورد تأیید قرار می‌دهد که عمده‌ترین این باورها به هستی‌شناسی و خداشناسی اسلامی باز می‌گردد. از آنجاکه عقل نقش مهمی در هستی‌شناسی ایفا می‌کند یکی از مولفه‌های مهم معنویت در تفکر اسلامی و تفکر پسا مدرنیسم است.

عقلانیت در معنویت مدرن وصف و حال انسان است و برای معنوی بودن به چیزی جز عقلانیت همه‌جانبه نیازی نیست درست بر خلاف نظر کسانی که در طول تاریخ معتقد بودند که انسان یا باید عقلانیت داشته باشد یا معنویت داشته و عقلانیت را از دست بدهد. (ملکیان ۱۳۸۹، ۲۸۷)

## ۲. عقلانیت

شاخصه اصلی انسان، نسبت به حیوان عقلانیت و خردورزی است و عقل به عنوان یک ابزار، ارزشمندترین چیزی است که در اختیار انسان قرار گرفته تا بتواند به واسطه آن مسیر صحیح زندگی خود را انتخاب نماید. عقل ابزار تشخیص خیر از شر و حق از باطل است. البته باید گفت عقلانیت معنای وسیعی داشته و می‌تواند هرگونه اندیشه‌ورزی از راه تدبیر و تامل یا تحصیل و اکتساب را شامل شود.

عقل یکی از منابع مهم معرفت در مکتب شیعی است و از آنجاکه در عرفان شیعی، معرفت و شناخت از ارکان اساسی محسوب می‌شود، می‌توان گفت عقل در کنار شهود



عرفانی، مراتب معرفت انسان را تعالی می بخشد. (خمینی، ۱۳۸۰، ۲۰۰)

در دیدگاه امام خمینی کمال انسان به عقل عملی است نه عقل نظری (اردبیلی، ۱۳۸۱، ۳/۳۵۴) درست بر خلاف اکثر فلاسفه از جمله ملاصدرا که عقل عملی را خادم عقل نظری معرفی کرده و کمال را به عقل نظری می دانند (ملاصدرا، ۱۳۸۱، ۴۳۷/۲). در اندیشه او علم غیر از ایمان است و معنای لغوی آن‌ها را نیز تاییدی بر این مدعا می داند. ایمان به معنای تصدیق و گرویدن است و این با معنای علم متفاوت است (خمینی، ۱۳۸۲، ۸۳ - ۸۹) چنان که در برخی مواقع علم حجاب اکبرنامه‌یده می شود. (خمینی، ۱۳۸۰، ۱۵)

ایمان در اندیشه او عبارت است از تنزل علم عقلانی بر مرتبه قلب و قلب مرتبه مجرد خیالی است که در آن معقول به صورت جزئی‌ه یافت می شود (اردبیلی، ۱۳۸۱، ۳/۳۴۴ - ۳۴۲) این مرتبه همان لوح نفس است که اگر چیزی در آن منقش گردد، ایمان است بدین ترتیب که علم اگر صورت نفسانی شود و به مرتبه قلب تنزل پیدا کند و از عالم مفهومیت بیرون آید و حقیقه النفس شود و با پوست و گوشت و خون متحد گردد ایمان نامیده می شود. (همان جا) با دقت در این عبارات می توان گفت در اندیشه امام علم و ایمان با یکدیگر هم پیوند است به گونه‌ای که ایمان از تنزل علم عقلانی بر لوح نفس ایجاد می شود در واقع از نظر او علمی که از قالب مفهومیت خارج و حقیقه النفس شود مولود عمل صالح و ایمان می شود.

نظر به آنچه گذشت ایمان در اثر تنزل علم از مرتبه عقل به قلب حاصل می شود. قلب از نظر امام سر آغاز کمالات انسانی است البته نه این قلب حیوانی بلکه قلب انسانی. اگر قلب انسان سرچشمه نور هدایت گردد زبان هم به نورانیت قلب منور می شود بلکه تمامی اعضا و جوارح الهی می شوند (خمینی، ۱۳۸۵، ۵۳/۸ - ۵۲)

از نظر امام رسیدن به مرتبه فنا غایت عقل نظری و عملی است. اگر قلب به درک شهودی و حضوری تمام معانی و حقایق عالم غیب از مرتبه ملائکه الله (عقول) و بالاتر از آن (مرتبه ذات و اسماء و صفات الهی) گرفته تا برسد به مراتب پایین و مراتب جن و شیاطین را

درک کند به مرتبه فنا می‌رسد که این مرتبه همان غایت عقل نظری است (اردبیلی، ۱۳۸۱، ، ۳/۳۵۲) عقل عملی نیز غایتش فنا فی الله است که همان فنای نفس از ذات خود و قطع نظر از غیر خداوند است با این تفاوت که کمال انسانی به عقل عملی است زیرا که در آن ارجاع کثرت به وحدت به صورت عملی و خارجی است (همان، ۳۵۴).

بنابراین اتصال به عالم بالا در اندیشه امام از طریق عقل نظری و عقل عملی بدین صورت است که عقل نظری حقیقت اشیاء را درک می‌کند و عقل عملی با تصفیه قوای جسمانی و عمل به این اتصال کمک می‌کند. لذا امام خمینی نفس انسان را تشبیه به آینه‌ای در غلاف می‌کند که هم نیاز به صفای آینه و هم خروج از غلاف دارد تا صور در آن آینه نقش بندد به عبارت دیگر هم صفای معنا لازم است و هم خروج از علایق دنیوی (همان، ۴۶۶).

امام معتقد است کسی با علم تهذیب نمی‌شود بلکه علم انسان را به جهنم می‌فرستد، علم توحید، علم عرفان، علم فقه... نفس نیازمند تزکیه است. او به مخاطبان توصیه می‌کند صاحب عزم و اراده شوند که اگر خدای ناکرده بی‌عزم از این دنیا هجرت کنند انسانهایی صوری و بی‌مغز هستند که در آن عالم که محل کشف باطن است به صورت انسان محشور نمی‌شوند (خمینی، ۱۳۷۱، ۸).

بنابراین باید گفت خردورزی در اندیشه امام به معنای اکتفا به عقل و به حاشیه راندن شریعت نیست. اگرچه در متون دینی، عقل را پیامبر درونی انسان‌ها نامیده «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأُمَّةُ ع وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/۱۶) و دستور به احیای این رسول باطنی داده‌اند اما عقل رقیب دین شمرده نشده و پرورش قوه عاقله و تربیت آن از مهم‌ترین رسالت‌های ادیان الهی معرفی شده است. پرداختن به عقل و به کارگیری دستورات و راهنمایی‌های آن، شاخص مهم زندگی معنوی است که در کنار میزان شریعت، عامل مهمی در تعالی روحی است.

هدف دین و غایت بعثت در درجه اول، تربیت عقلانی است. یعنی استخراج نیروی خرد انسانی و حاکم قرار دادن آن بر تفکرات و اعمال انسان و سپردن مشعل خرد انسانی به دستش تا راه را با این مشعل تشخیص داده و طی کند، این مهم ترین مسئله است.

بنابراین مطابق با نظرات امام خمینی شریعت است که قوه عاقله را تربیت کرده و آن را از انحراف باز می‌دارد. به عبارت دیگر تربیت عقلانی غایت فعل پیامبران دانسته شده زیرا عقل ابزار انسان برای طی مسیر تعالی است. از نظر امام تنها انبیا هستند که با قوت وجودی که دارند هم نگاه به عالم طبیعت و هم نگاه به عالم غیب دارند و جامع میان طبیعت و فوق طبیعت می‌باشند (اردبیلی، ۱۳۸۱، ۳ / ۳۵۰ - ۳۴۸) از راه وحی و مکتب انبیا نه تنها فطرت و بینشهای فطری انسان به فعلیت و تجلی درمی‌آیند بلکه افق عقل و میدان دید آن گسترده‌تر می‌شود (خمینی، ۱۳۷۱، ۳۴۴ - ۲۸۴)

در عرفان امام غایت عقل نظری و عملی جز از راه شریعت حاصل نمی‌شود زیرا ظاهر طریق باطن است و در واقع عبادتی که در ظاهر انجام می‌شود معمار باطن است (خمینی، بی تا، ۲۰۰)

نظر به آنچه گذشت می‌توان گفت عقل و وحی در اندیشه امام با رابطه تشابکی که با یکدیگر دارند راه اتصال به عالم معنا را برای انسان با ایجاد باورهای معنوی و تأیید باورهای فطری می‌گشایند و انسان معنوی در اندیشه او انسانی است که با استفاده از عقلانیت و تحت تربیت مکتب انبیا می‌تواند راه سعادت را پیموده و به نهایت کمال انسانی که مرتبه فناء فی الله است دست یابد.

معنویت در وجود یک انسان برای او موجب هدف‌دار شدن بوده، زندگی او را معنا و به آن جهت می‌دهد. همچنین می‌توان گفت آرمان‌های معنوی و اخلاقی است که زندگی یک جامعه و یک ملت را جهت‌دار و به مبارزه آن‌ها معنا می‌بخشد و برای انسان هویت‌سازی می‌کند. در واقع معنویت نوعی توجه به جنبه‌های باطنی انسان و عالم هستی است. به عبارت دیگر هر ادراکی که توجه آدمی را از عالم ماده به عالم معنا معطوف سازد،

معنویت‌بخش خواهد بود. در حقیقت سلوک معنوی بر اساس مکتب امام مجموع کنش‌هایی است که انسان معنوی برای کسب تعالی به کار بسته و در دو حوزه خلیات و رفتار عملی دنبال می‌کند.

از منظر امام بر اساس عقل و شریعت جمیع ابعاد وجود از اعلی مراتب تا ادنی منازل شهود عین تعلق و ربط محض و وابسته به قیوم مطلق است (خمینی، ۱۳۷۱، ۱۳۰) و آفرینش انسان مقصود اصلی خلقت جهان است و با پیدایش انسان آفرینش انسان به تمامیت و اکمال خود دست یافت (خمینی، بی‌تا، ۶۰) بنابراین انسان در حیات فردی و اجتماعی خود در محضر خداست و یک لحظه خدا از او غافل نیست زیرا که اگر یک لحظه اراده خدا از او قطع شود، حیات انسان نیز در این جهان خاتمه می‌یابد.

«موعظه من به شما آقایان این است که شما در محضر خدا هستید؛ و همه ما در محضر خدا هستیم. همین جا که ما نشسته‌ایم، با هم صحبت می‌کنیم محضر خداست. همه پیش چشم خدا هستیم، همه در علم خدا هستیم؛ حضور دارد خدا در همه جا: «و هو معکم اینما کنتم» وقتی این معنا را ما به خودمان درست تلقین کنیم و بفهمانیم که ما مسئولی هستیم که آن کسی که مسئولیت را به عهده ما گذاشته است، حاضر است؛ مثل مسئولیت‌های دیگری نیست که (باز خواست‌کننده) غایب باشد و بتواند انسان از آن تخلف بکند، هیچ تخلفی به آن معنا که نداند او، نمی‌شود، هر کاری بکند در محضر اوست و ثبت می‌شود». (خمینی، ۱۳۷۷، ۳۹۶)

درک حضور خداوند در اندیشه امام خمینی اولین رکن خداشناسی معنوی است؛ درک حضوری فراگیر که همه هستی را دربرگرفته و انسان خویش را غرق در آن می‌یابد، به طوری که همه نمودهای هستی را جلوه خدا می‌بیند و این همان مفهومی است که در آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾. (فاطر/۱۵) ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است. «بدان اشاره شده است.

عمق این ارتباط با افزایش درک معنوی بیشتر شده تا بدان جا که از مرحله رابطه ربوبی به

مرحله ربط عبودی می‌رسد و مشخص می‌شود که جز خداوند قهار هیچ نیست و هرچه هست اوست. در این مرتبه از معرفت و ارتباط، انسان به طور کامل هستی خود را در برابر خداوند از دست داده و به این حقیقت آگاهی می‌یابد که همه هستی برای خداست و انسان عبد و مملوک محض است. نه تنها افعال و اراده انسان، بلکه هستی و حیات او از خدا و جریانی از حیات الهی است. «فان مقام العبد الكامل هو التذلل بین یدی سیده» (خمینی، بی تا، ۱۷۹)

درک ربط عبودی با خداوند، شخص را به مرحله‌ای از معرفت می‌رساند که همه عالم را لبریز از نور، حضور، لطف، رحمت و حیات الهی خداوند می‌بیند و کسی که این حقیقت را دریابد، در جاذبه لطف الهی قرار گرفته، جاذبه‌ای که توهم استقلال هستی‌شناختی پدیده‌های هستی را از دل و اندیشه زدوده و نور خدا را در همه جا نمایان می‌سازد. زمینه‌گشایش این مرحله از شناخت خدا، از طریق تزکیه نفس میسر می‌شود. انسان مختار است از این رو می‌تواند میان نیازهای جسم و روح، زندگی مادی و معنوی، دست به انتخاب زده و به علت بهره‌مندی از قوه عقل احساساتی فراتر از احساسات حیوانی را تجربه کند. انسان می‌تواند از بدن جسمانی و تعلقات مادیش دور شده به مرتبه روح مجرد خود توجه نماید. می‌توان گفت، در حقیقت در این نقطه است که انسان معنویت را تجربه می‌کند.

### ۳. عدالت

امام خمینی هدف از بعثت انبیا را علاوه بر شکوفا کردن استعدادها و هدایت مردم به سمت شناخت معنویت حقیقی، اقامه عدالت دانسته‌اند. اگر انسان در تعالیم انبیا اندک تاملی نماید، این دو شیوه را به عیان مشاهده خواهد کرد. به طور مثال در قرآن و سنت رسول الله ﷺ، هم دعوت به معنویات شده، هم به اقامه عدل. (ر. ک، خمینی، وصیت نامه بند ب)

منطق اسلام این است که باید معنویت را توأم با عدالت در جامعه برقرار کرد. تفاوت عمده میان مکتب اسلام با سایر مکاتب در این جهت، این است که اسلام معنویت را پایه و

اساس می‌شمارد. حساسیتی که اسلام در زمینه عدالت اجتماعی و ترکیب آن با معنویت اسلامی از خود نشان می‌دهد، در هیچ مکتب دیگری نظیر و مانند ندارد. (مطهری، بی‌تا، ۲۴/۲۳۳)

متأسفانه در جامعه‌های بشری معمولاً نوعی نوسان وجود دارد، به این معنی که ابناء بشر اغلب بین دو حالت افراط و تفریط نوسان می‌کنند و کمتر طریق اعتدال را در پیش می‌گیرند. در جامعه خودمان اگر به گفته‌ها و نوشته‌های پنجاه سال پیش نگاه کنیم می‌بینیم درباره معنویت زیاد سخن گفته‌اند اما درباره عدالت یا سخن نگفته‌اند یا بسیار کم گفته‌اند. حالا که تحول پیدا شده، درباره عدالت سخن گفته می‌شود ولی گویا مد شده که درباره معنویت زیاد سخن گفته نشود، مثل این که اگر درباره معنویت سخن گفته شود، ضد انقلاب است. نه، یک انقلاب اسلامی چنین نیست. اگر معنویت را فراموش کنیم، انقلاب خودمان را از یک عامل پیش‌برنده محروم کرده‌ایم. (مطهری، بی‌تا، ۲۴/۲۵۷)

بنابراین عدالت مفهومی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در سعادت انسانی داشته و معنویت بدون عدالت نمی‌تواند انسان را به سعادت برساند.

«عدل» واژه‌ای عربی است، در لغت عرب «مستقیم» معنا شده و متضاد واژه «جور» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۸۳/۹) گذشته از معنای لغوی و تحت‌اللفظی واژه «عدل» در معنای اصطلاحی این واژه می‌توان تعاریف متعددی ارائه کرد. مرحوم علامه طباطبائی در تعریف عدالت می‌نویسد: «حقیقت عدل برپاداشتن مساوات است و برقراری موازنه بین امور، به طوری که هرچیزی سهم مورد استحقاق خویش را داشته باشد و در همه امور که در این نکته در جایگاه مستحق خویش هستند، مساوی گردند.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۲/۴۷۷)

استاد مطهری در این باره می‌نویسد: «قطع نظر از اجتماع، عدالت عبارت است از اعطاء حق به ذی حق یا عدم تجاوز به حق ذی حق» (مطهری، بی‌تا، ج ۱، ۸۰) همچنین گاهی عدالت را «رفتار مطابق قانون» تعریف کرده‌اند. البته در سخنان حضرت علی علیه السلام عدالت در یک مورد به معنای «انصاف و میانه‌روی و اجتناب از افراط و تفریط، در جای

دیگر به مفهوم قرار دادن هر چیز در جای خود و در موردی به معنای سیاست عمومی آمده است.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ۴۰۰)

اما معنای مشترک تمام این عرصه ها را می توان در تعریف ذیل جمع بندی کرد: افراد بشر در دنیا برحسب خلقت خودشان و برحسب فعالیت هایی که می کنند و استعدادهایی که از خود نشان می دهند، استحقاق هایی پیدا می کنند. عدالت عبارت است از این که آن استحقاق و آن حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است، به او داده شود. نقطه مقابل ظلم است، یعنی آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند. همچنین نقطه مقابل تبعیض است، یعنی دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند، یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند. (مطهری، بی تا، ۱۸/۱۵۴)

باید گفت تعریف عدالت در هر مکتبی، مبتنی بر پایه های هستی شناسی آن مکتب است به همین علت نباید در شناخت نظریه اسلامی عدالت، از مکاتب دیگر استفاده کرد. عدالت در اسلام، ناشی از حق است و عدالت ورزی یک وظیفه الهی محسوب می شود، در حالی که در مکاتب بشری این نگاه وجود ندارد. (ر.ک، مطهری، بی تا، ۲۳/۶۶۵-۶۶۴)

عدالت برحسب ظاهر، مفهوم ساده ای است، همه می گویند و آن را تکرار می کنند، منتها در مصداق و عمل، رسیدن به عدالت خیلی دشوار است. همان نکته ای که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حق فرموده است: «الحق اوسع الاشياء فی التواصف و اضيقها فی التناصف». (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ۳۳۲) به یک معنا حق همان عدل و عدل همان حق است. وصفش آسان است اما در عمل، رسیدن به عدالت بسیار مشکل است.

باید توجه داشت که الفاظ عدل و عدالت هم در مورد فرد و هم در مورد اجتماع به کار می روند؛ عدالت فردی و عدالت اجتماعی. عدالت فردی به این معناست که هر فرد بتواند در وجود خود و بین قوای نفسانی خود اعتدال برقرار نماید. نتیجه این اعتدال نفسانی دوری از انحرافات بزرگ است.

انسان باید در استفاده از قوای نفس خود (غضب، شهوت و وهم) حدّ وسط را در نظر داشته و از افراط و تفریطی که در اطراف آن قرار دارد و هر دو ردیلتند، پرهیز نماید. زمانی می‌توان از این قوا به‌طور صحیح استفاده کرد که عقل بر آن‌ها حاکم باشد و آن‌ها را کنترل نماید، در این صورت هر سه قوه به اعتدال رسیده و عدالت به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی در نفس انسان به وجود می‌آید. (خمینی، ۱۳۸۵، ۴۹۲/۷ - ۴۹۰)

جنبه دیگر عدالت بشری، عدالت اجتماعی است، به این معنی که انسان‌ها درصدد باشند عدالت را در سطح جامعه برقرار نمایند. عالمان اخلاق معتقدند برای اجرای این نوع عدالت لازم است افراد ابتدا عدالت را در وجود خود برقرار کنند و خود عادل باشند تا بتوانند درصدد ایجاد عدالت در دیگران و جامعه باشند. زیرا کسی که از ایجاد عدالت در وجود خودش عاجز است و نمی‌تواند قوای نفس خود را معتدل کند، چگونه می‌تواند در عرصه‌ای وسیع‌تر به عدالت رفتار نماید. از نظر امام خمینی انبیا آمده‌اند تا عدالت اجتماعی برپا کنند و عدالت باطنی را در افراد ایجاد کنند (ر.ک، خمینی، ۱۳۸۵، ۳۸۶/۱۱)

از نظر مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، "عدالت در صدر هدفهای اولیّه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه زمانها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیّ عصر (ارواح‌نافداه) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است." ( <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

در این جستار فرصت آن نیست که بیش از این به تبیین مفاهیم عقلانیت، اعتدال و معنویت پرداخته شود، بنابراین تنها به بیان این نکته بسنده می‌کنیم که این سه مؤلفه ارتباط تنگاتنگی دارند. به عبارت دیگر همان‌طور که بیان شد، هدف انسان قرب باری تعالی است و نیل به این هدف بدون شریعت امکان‌پذیر نیست. عقل ابزار انسان در شناخت شریعت و تشخیص معنویت حقیقی است و برای تحقق این هدف متعالی، انسان باید مجهز به قوه



اعتدال بوده تا بتواند هم در قوای نفسانی خویش و هم در بعد عدالت اجتماعی اثرگذار باشد. عقلانیت یا همان ورزیده شدن قوه اندیشه آدمی و تعالی مراتب ادراک و به ویژه به کمال رساندن قوه عاقله، منجر به نوع نگاهی می شود که موجب فاصله گرفتن بیشتر از تعلقات جسمانی و توجه به جنبه های باطنی وجود خودمان و البته هستی می شود و این موضوع از مهم ترین مولفه های معنویت شمرده می شود.

#### ۴. هم پیوندی مولفه های عدالت، عقلانیت و معنویت

عدالتی که با معنویت و توجه به افق های معنوی عالم وجود و کائنات همراه نباشد، به ریاکاری، دروغ، انحراف، ظاهرسازی و تصنع مبدل خواهد شد، همچنانکه نظام های کمونیستی با این که شعارشان عدالت بود، اما واقعیت زندگی آن ها مطلقاً نشان دهنده عدالت نبود. البته معنویت بدون گرایش به عدالت نیز یک بُعدی است. برخی اهل معنا هستند اما نگاهی به عدالت ندارند در حالی که در مکتب اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسان ها هیچ جایگاهی ندارد؛ «من اصبح و لم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۶۳/۲)

جوهره اصلی تعالیم اسلامی روح توحید و دعوت به اخلاق، معنویت و عبودیت، است و این امر ما را به این نکته مهم رهنمون است که در چارچوب تفکر اسلامی، عدالت اجتماعی به تنهایی تأمین کننده فضایل یک جامعه اسلامی نیست و در کنار اندیشه عدالت باید معنویت نیز به دغدغه اصلی مبدل شود. این همان نکته ای است که مقام معظم رهبری بر اساس مکتب امام خمینی بارها بدان اشاره کرده است. ایشان از سویی بر این نکته اصرار دارند که تحقق عدالت، نیازمند بسط اعتقاد به مبدأ، معاد و معنویت در سطح جامعه است و تا این اعتقادات در میان آحاد جامعه دامن گستر نشود، عدالت اجتماعی واقعی و مورد نظر اسلام پیاده نمی شود و از سوی دیگر بر لزوم برخورداری مسئولان دولتی و مجریان عدالت اجتماعی از معنویت و عقلانیت تأکید دارند. عقلانیت اقتضا می کند که مجریان و دست اندرکاران تحقق عدالت در هر عرصه از عرصه های اجتماع از

تجارب عقلایی سایر ملت‌ها و نیز از تدبیر، محاسبه و دقت کافی بهره‌مند باشند. ایشان در این باره می‌گویند:

«در عدالت، هم عقلانیت باید مورد توجه باشد، هم معنویت. اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت می‌شود یک شعار توخالی و بیشتر جنبه سیاسی و شکلی پیدا می‌کند. دوّم عقلانیت، اگر عقلانیت در عدالت نباشد، گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود... در عدالت، عقلانیت شرط اوّل است.» (خامنه‌ای، ۸۸/۶/۸)

از نظر ایشان عقلانیت گاهی منشأ تحولات عظیمی است. بسیاری از تحولاتی که در نظام دیده می‌شود نتیجه یک نگاه عقلانی، دقیق و موشکافانه به وضع موجود و وضع دنیاست. حالت خواب‌رفتگی و تن دادن به آنچه در جریان عمومی سیاسی و اقتصادی دنیا می‌گذرد و تسلیم شدن به آن، خطر بزرگ جامعه ماست و اگر کسی درست بفهمد و بیندیشد، راه دگرگون کردن وضع موجود در زمینه مسائل اقتصادی سیاسی را خواهد یافت. بنابراین اجرای درست عدالت محتاج محاسبه عقلانی و به کار گرفتن خرد و علم در بخش‌های مختلف است. (ر.ک، خمینی، ۱۳۸۹، ۱۷۱؛ خامنه‌ای، ۸۸/۶/۸)

چنان‌که گذشت عدالت و معنویت دو مفهوم درهم تنیده‌اند، از طرف دیگر عقل نقش اساسی در تشخیص مصادیق عدالت و شناخت معنویت حقیقی دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت این سه مؤلفه با یکدیگر رابطه مسقیم داشته و نقش اساسی در دست یافتن انسان به اهداف متعالی ایفا می‌کنند.

معظم‌له مکتب امام را نمونه‌ای بارز از ترکیب این سه مؤلفه برشمرده معتقد است، مکتب امام رحمته‌الله‌علیه یک بسته کامل و یک مجموعه دارای ابعاد است. ابعاد اصلی در مکتب امام بزرگوار بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه بر عوامل و ظواهر مادی، راه خود را پی نمی‌گرفت. اهل ارتباط با خدا، سلوک معنوی، توجه، تذکر، خشوع و ذکر بود. به کمک الهی باور داشت. امید او به خدای متعال، امید پایان‌ناپذیری بود. از فرصت‌های زندگی برای تقرب به خدای متعال، برای پاکیزه‌کردن دل و جان مطهر خودش

استفاده می‌کرد. دیگران را هم به این امر دعوت کرده می‌گفت: ما در محضر خدا هستیم. عالم، محل حضور جلوه‌های الهی است و همه را به این راه سوق می‌داد. به کار گرفتن خرد، تدبیر، فکر و محاسبات، شاخصه بعد عقلانیت در مکتب امام است. بُعد سومی که در مکتب امام دیده می‌شود عدالت است که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است. این سه بعد باید در کنار یکدیگر دیده شود. تکیه بر روی یکی از این ابعاد، بدون توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا و انحراف می‌کشاند. بُعد عدالت در مکتب امام بسیار برجسته است. اگرچه به یک معنا عدالت هم از همان عقلانیت و معنویت برمی‌خیزد اما برجستگی بُعد عدالت در منظر امام بزرگوار، آن را به طور مشخص تری در مقابل ما قرار می‌دهد. از اول پیروزی انقلاب، امام بر تکیه به طبقات ضعفا اصرار می‌ورزید. تعبیر «پابرهنگان» و «کوخ‌نشینان» جزء تعبیراتی بود که در کلام امام بارها و بارها تکرار می‌شد. (خامنه‌ای، ۹۰/۳/۱۴)

رژیم پهلوی با ویژگی‌های وابسته غربگرا و ضد دین و با تکیه بر حمایت مشترک شرق و غرب نیز مروج تفکر ماده‌گرایانه فاسد و مبتذل بود. در نظام اسلامی، آن تحوّل که به وجود می‌آید، صرفاً تحوّل سیاسی نیست. فرق اساسی نظام الهی با نظامهای دیگر، همین است. درحالی که در نظام الهی، انسان‌ها تحوّل معنوی پیدا می‌کنند. انسان مادی، انسان معنوی و الهی می‌شود و آرزوهای مادی به آرزوهای والای انسانی و خدایی تبدیل می‌گردد.

«این انقلاب بر پایه اصول مستحکمی بنا شد، هم اجرای عدالت را مورد نظر قرار داد، هم آزادی و استقلال را که برای ملت‌ها از مهم‌ترین ارزش‌هاست، هم معنویت و اخلاق را. این انقلاب ترکیبی از عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی و مردم‌سالاری و معنویت و اخلاق است، منتها این عدالت را نباید با آن عدالت ادعایی و موهومی که کمونیست‌ها در شوروی سابق یا در کشورهای اقمار خویش شعارش را می‌دادند، اشتباه کرد... این معنویت و اخلاقی را هم که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی جزء اصول خود قرار داده است، نباید با دینداری متحجر و ایستا در بسیاری جوامع اشتباه کرد.» (همو، ۸۶/۳/۱۴)

مقایسه اجمالی شعار انقلاب‌های مختلف معاصر و انقلاب اسلامی می‌تواند گویای تفاوتی عمیق و اساسی باشد. اهداف مادی، شعار مشترک انقلاب‌های معاصر بود، به طوری که این ذهنیت شکل گرفت که انقلاب و دگرگونی کامل ساختار حکومتی و ایجاد نظامی جدید در واقع برای بهبود و توسعه اقتصادی، رفاهی و خدماتی است.

همزمان با حاکمیت این فرهنگ در جهان، انقلاب اسلامی با خصلت‌ها و ویژگی‌های خود تمامی معادلات و محاسبات و پیش‌بینی‌های متداول و متعارف جهان را بر هم زد. (خمینی، ۱۳۸۵، ۳۴۱/۲۰)

دشمنان و معارضین تلاش‌های زیادی تا کنون برای جلوگیری از صدور انقلاب انجام داده‌اند و جمهوری اسلامی ایران نیز هزینه سنگینی در این راه پرداخته است اما با وجود این مشکلات متعدد، به واسطه عللی از جمله معنویت و الهی بودن انقلاب، گسترش اسلام و گرایش به ارزش‌های آن به حدی است که نظام بین‌الملل را آن‌گونه به چالش کشیده که این نظام امروز محور بسیاری از استراتژی‌ها و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی در راستای چگونگی دستیابی به راه‌های مقابله با موج گرایش به اسلام و دشمنی با جریان‌ها، سازمان‌ها و کشورهای مدافع آن می‌باشد.

پس از این‌که مدرنیته با نگرشی اومانیستی خدا را نادیده انگاشت و انسان را جانشین خدا ساخت، دنیای غربی بر آن شد تا جنبش‌های معنوی نوینی را تاسیس کند. جنبش‌های دینی که از آسمان بریده و تنها می‌تواند سعادت را در روی زمین برای انسان‌ها به ارمغان بیاورد. در جهان پست مدرنیسم نگاه مردمان دیگر رو به آسمان نیست ولی آن‌ها همچنان در احساسی نوستالژیک در جست‌وجوی امر معنوی هستند. به عبارت دیگر در این سیاق، الوهیت به منزله ذهن، روح و عنصر خلاق است که موجب شکوفایی جهان و حفظ امتداد آن است. البته باید به این نکته توجه داشت که بر اساس تفکر مونیستی الوهیت چیزی جدای از ماده نیست و در این تفکر متافیزیک در درون جهان فیزیکی معرفی می‌گردد. به همین علت و بر اساس نظریه‌های جدید فیزیکی، از نظر معنویت‌گرایان، جهان

یک میدان وسیع انرژی است که تمام وجوه آن در اثر نقش یک انرژی پیوسته، حیات و ممت می‌یابد. (Lynch, 2007: 47)

مقام معظم رهبری معتقدند روزی فرا خواهد رسید که این دنیای متمدن غربی از نبود معنویت دچار هلاکت و نابودی خواهد شد و از اوج توانایی‌ها و اقتداری که امروز از آن برخوردار است به حضيض ذلت و ناتوانی خواهد افتاد. آنان علاوه بر پیشرفت در علم، حداکثر استفاده‌های مشروع و نامشروع را از علم بردند، با همین علم استعمار کردند و کشتارهای گوناگون انجام دادند. باید دانست که علم بدون معنویت، فضیلت و انسانیت، ناظر به این دنیاست، جلوه‌ای به این دنیا می‌دهد، قدرت و ثروت می‌آورد اما باعث وحشی‌گری اخلاقی می‌شود و این وحشی‌گری روزه‌روز بیشتر شده و لغزشگاه بزرگ تمدن غربی خواهد شد و آن‌ها را سرنگون خواهد کرد اما اگر جامعه‌ای دانش دین را بدانند و از پارسایی و پرهیزگاری به قدر لازم برخوردار باشند، شجاعت لازم را داشته، برای خدا وارد میدان بشوند و عاقلانه و مدبرانه کار کنند، هرچه پیشرفت دنیایی آنان بیشتر شود، معنویت آنان هم پیشرفت خواهد کرد. (همان، ۸۴/۳/۲۵)

طلب معنویت، عشق به معنویت و گرایش به معنویت در بین جوان‌های غربی به وجود آمده است اما وقتی این معنویت درست اداره نمی‌شود، فرقه‌های مختلف به وجود می‌آید. (همان، ۸۷/۴/۴)

بی‌توجهی به خداوند و شریعت از خصوصیات جریان معنوی پست مدرن است. خردگرایی افراطی، لادری‌گری، اصرار بر نگرش اومانستی و لیبرالیستی از عمده‌ترین مبانی تفکر غربی است که معنویت پست مدرن ریشه در آن دارد. (نگارش، ۱۳۹۰، ۲۶ - ۲۴) متصدیان جریان معنوی در غرب به جهت فقدان پشتوانه حقیقی الهی به نوعی پوچ‌گرایی معرفتی دچار شده‌اند.

بر اساس مکتب امام خمینی راه علاج و درمان این جریان‌ها نفوذ اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به قلب امپراطوری مادی غرب است. مقام معظم رهبری معتقد است، مبارزه و

پیروزی ملت ایران در راه اسلام با وجود تمام مشکلاتی که کشورهای غربی و شرقی در مقابل آن ایجاد کردند، روحی تازه در پیکر جدید معنویت‌گرایی دمید که نقش امام خمینی رحمته‌الله علیه در آن بسیار حائز اهمیت است و این تنها برای اسلام نبود بلکه ادیان دیگری مانند مسیحیت را نیز تکانی تازه داد. (همان، ۱۷/۱۱/۷۲)

می‌توان گفت انقلاب اسلامی به عنوان گفتمانی در جهان معاصر از معنویتی اصیل برخوردار است که در حقیقت از ارکان و اساس بنیادی آن است و این معنویت بر اساس ایدئولوژی آن یعنی اسلام اصیل شکل گرفته است. انقلاب اسلامی چه از نظر صورت و چه از نظر محتوا با انقلاب‌های دیگر تفاوت‌هایی دارد که مهم‌ترین آن بعد معنوی و عرفانی ناشی از انسان‌شناسی و حیوانی آن می‌باشد و بنابراین اصل است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم معتقد است:

برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها. (https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)

بنابراین توجه به سه مؤلفه تأثیرگذار در شکل‌گیری معنویت‌اصیلی که انقلاب اسلامی به دنبال نهادینه‌سازی آن در جامعه اسلامی است می‌تواند بستر ایجاد تمدن نوین اسلامی را در جهان امروز فراهم آورده و زمینه را برای پذیرش حکومت مهدوی فراهم سازد.

### نتیجه

معنویت یکی از محورهای مهمی است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به آن

اشاره کرده است. معنویت در انقلاب اسلامی در کنار دو مؤلفه عقلانیت و عدالت مطرح می‌شود. استفاده از این سه مؤلفه در کنار یکدیگر به این نتیجه رهنمون است که رابطه تنگاتنگی بین سه مؤلفه وجود داشته و قرار گرفتن آن‌ها در کنار یکدیگر می‌تواند مسیر زندگی انسان را به سمت کمال هموار سازد. هر آنچه توجه انسان را از بعد مادی به بعد مجرد انسان معطوف کند، معنویت بخش خواهد بود و موجبات تعالی وجود انسان را فراهم می‌کند. معنویت در وجود یک انسان برای او موجب هدف‌دار شدن است، زندگی او را معنا و به آن جهت می‌دهد. همچنانکه آرمان‌های معنوی و اخلاقی زندگی یک جامعه و یک ملت را جهت‌دار کرده، و به مبارزه آنان معنا می‌بخشد و برای انسان هویت می‌سازد. از طرف دیگر عقلانیت نقش مهمی را در نیل به کمال انسانی ایفا می‌کند. عقلانیت ابزار انسان برای تشخیص معنویت حقیقی است. در روایات عقل، حجت باطنی و رسول، حجت ظاهری نامیده شده است و پرورش قوه عاقله و تربیت آن از مهم‌ترین رسالت‌های ادیان الهی معرفی شده است. انسان معنوی باید تقوای فکر و عقل داشته باشد تا بتواند در سیر الهی موفق باشد.

بنابراین عقلانیت نقش بسزایی در زندگی معنوی بشر داراست ضمن آن که توجه به رابطه تنگاتنگ عقلانیت و عدالت - که شخص برای تشخیص مصادیق عدالت محتاج عقلانیت است - ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که بحث عدالت می‌تواند از یک جهت با معنویت و از جهت دیگر با عقلانیت در ارتباط باشد.

مکتب امام علیه السلام که در انقلاب اسلامی تبلور یافته مکتبی است که دارای معنویت اصیل است زیرا که این سه بعد، ارکان اساسی آن را تشکیل می‌دهد. انقلاب اسلامی جامعه‌ای را به جهان معرفی می‌کند که به ایمان و عزم و جهاد آراسته است. این همان سه درس جاودانه دین اسلام به بشریت است. ایمان، عزم و جهاد از مولفه‌های عقلانیت، معنویت و عدالت برمی‌خیزد. همین امر است که به فرمایش مقام معظم رهبری یک روز مسلمانان را بر قله افتخارات تاریخی نشانید و امروز آنان را از اسارت هوس‌های خوارکننده و

هوسران‌های بر کرسی تحکیم نشسته نجات خواهد داد و تمدن نوین اسلامی را رقم خواهد زد.



## منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق): لسان العرب، بیروت، دارصادر
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق): غررالحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی
۳. اردبیلی، عبدالغنی (۱۳۸۱): تقریرات فلسفه امام خمینی، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۴. دباغ، سروش (۱۳۹۰) «طرحواره‌ای از عرفان مدرن (۱): تنهایی معنوی»، مجله آسمان، دوره جدید، شماره ۱، پیاپی ۱۰۲.
۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۸): لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶): سرچشمه اندیشه، محقق: عباس رحمان محقق، نشر اسراء
۷. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق): نهج البلاغه، قم، هجرت
۸. خامنه‌ای، سید علی (۷۲/۱۱/۱۷): دیدار با روحانیون و مبلغان اعزامی، آرشیو موضوعی بیانات مقام معظم رهبری.
۹. - (۸۴/۳/۵): دیدار با اقسام مختلف، آرشیو موضوعی بیانات مقام معظم رهبری.
۱۰. - (۸۶/۳/۱۴): هجدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی، آرشیو موضوعی بیانات مقام معظم رهبری.
۱۱. - (۸۷/۴/۴): دیدار با مداحان، آرشیو موضوعی بیانات مقام معظم رهبری.
۱۲. - (۸۸/۶/۸): در دیدار با هیأت دولت، آرشیو موضوعی بیانات مقام معظم رهبری.
۱۳. - (۹۰/۳/۱۴): بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی آرشیو موضوعی بیانات مقام معظم رهبری.
۱۴. - (۱۳۷۱): شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی
۱۵. - (۱۳۸۵): صحیفه امام، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی
۱۶. - (بی تا): تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و علی مصباح الانس: قم، پاسداران
۱۷. - (۱۳۸۲): شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی
۱۸. - (۱۳۸۰): آداب الصلوه، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق): الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲۰. نگارش، حمید (۱۳۹۰): فرقه‌های نو ظهور، زمزم هدایت

۲۱. ملکیان، مصطفی (۱۳۸۰): راهی به رهایی جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت، تهران، نشر

نگاه معاصر

۲۲. مطهری، مرتضی (بی تا): مجموعه آثار، تهران، صدرا

23.. Chandler, Siobhan (2011) , " The Social Ethic of Religiously Unaffiliated Spirituality ". ProQuest Dissertations Publishing.

24.. Lynch, Gordon (2007) , New Spirituality: An Introduction to Progressive Religion, Touris

25.3. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

## فصل سوم

---

سبک زندگی و علوم انسانی

---

## واکاوی همبستگی معنویت و اقتصاد در سبک زندگی جوانان به سنجه آیات و روایات؛ با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

دکتر سید مهدی رحمتی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)  
کوثر السادات آقاپور حصیری<sup>۲</sup>

### چکیده

جهت‌گیری جامعه‌شناسی معاصر به سمت پذیرش اهمیت رو به افزایش حوزه مصرف و فعالیت‌های سبک زندگی در شکل دادن به هویت شخصی و جمعی است. در این میان واکاوی ارتباط معنادار معنویت و اقتصاد در سبک زندگی جوانان به‌عنوان بزرگترین سرمایه‌های کشور در ریل‌گذاری و راه‌اندازی قطار پیشرفت و دفاع از ارزش‌های ایران اسلامی، دارای جایگاه ویژه در اندیشه اسلامی است. یافته‌های نوشتار حاضر که با روش کتابخانه‌ای، مبتنی بر توصیف و تحلیل آیات و روایات، به ارزیابی جایگاه جوانان در منظومه فکری ثقلین پرداخته و همبستگی معنویت و معیشت را در سبک زندگی ایشان

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث و عضو هیئت علمی دانشگاه گنبد کاووس، rahmati@gonbad.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران،  
kosareaghapour@gmail.com

کاویده از یک سو حاکی از آن است که بسامد حداکثری جوان باوری و جوان سپاری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ریشه در تنوع مؤلفه‌های شکل دهنده هویت و شخصیت و ویژگی‌های نگرشی و رفتاری، حالات و رفتارهای متمایز جوانان از سایر اقشار اجتماعی داشته و از سوی دیگر میان معنویت و سبک زندگی (بعد هنجارهای مصرف) رابطه معناداری وجود دارد؛ آن‌طور که پایبندی به موازین کوثرگزین و تکاثرستیز در حوزه طلب روزی و مصرف، کاهش احساس فقر، افزایش رضایتمندی معیشتی و بهباشی روانی جوانان را به دنبال خواهد داشت.

کلیدواژه: بیانیه گام دوم، جوان، معنویت، سبک زندگی، معیشت.

## ۱. مقدمه

پیشرفت عمومی صنعت و تکنولوژی، برای توده‌های مردم آن‌قدر اسباب رفاه و برخورداری فراهم آورده که شاید پادشاهان گذشته، نمی‌توانستند به آن‌ها دست یابند. با این وصف، روان بی‌شماری از مردم، آشفته و متشنج است. طمع و هوس بی‌حد و مرز، اشک ریختن برای خواسته‌های اندک، بهره‌برداری و شور خوشبختی از داشته‌ها را تباه و آتش کینه را در عالم برافروخته است. چه تأمل برانگیز است که عضلات جهان از اندیشه‌اش بزرگ‌تر می‌نماید. جهان کنونی، جهانی است که خود را به یاد دارد، ولی معنویت و خدایش را فراموش نموده است. معنویت‌گرایی دینی امری مرتبط با زندگی انسان‌ها و حیات سیاسی اجتماعی آنان است. موضوعی که اگرچه آثار فکری و عملی زیادی از خود در ساحت‌های گوناگون حیات بشری بر جای گذاشته و در تاریخ ایران و جهان مصادیق فراوانی دارد (کندی ادی، ۱۳۸۱: ۶۵) اما امروزه به سبب برنتابیدن سیاست مسلط بر جوامع انسانی و به‌طور ویژه غرب، تلاش بر به حاشیه راندن آن از زندگی افراد، و شخصی‌سازی و مستقل جلوه دادن آن از روابط اجتماعی و حکومتی است. آن‌طور که مذهبی بودن در مسیحیت متأخر، یک صفت شخصی به حساب آمده و هر فردی در تجربه دینی خود می‌تواند با خداوند و موجودات ماورایی ارتباط برقرار کند. (براون، ۱۳۷۵: ۱۳۱۱۲۴) این درحالی است که وقوع انقلاب اسلامی ایران و طلوع گام دوم آن، معادلات معنویت‌زدا را بر هم زد و طرح نو و بی‌بدیل از پیوند و همبستگی معنویت و سیاست را در انداخت. آن‌طور که امام خمینی رحمته‌الله علیه به‌عنوان پایه‌گذار انقلاب، از معنویات در رأس امور مرتبط با تشکیل حکومت اسلامی یاد نمود (خمینی، ۱۳۸۴: ۱۰۳) و فوکو که خود از نزدیک شاهد این نوآوری و دگرگونی بود، انقلاب اسلامی ایران را، روحی در جهان بی‌روح نامید. (فوکو، ۱۳۸۴: ۶۱) رهبر معظم انقلاب نیز همواره در سخنان و سفارش‌های خود، از جمله در بیانیه گام دوم با تأکید بر اهمیت نقش جوانان در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تداوم، توسعه و صدور آن، و توجه به جوان‌ستایی و مهم‌تر از آن جوان‌سپاری در نظام اسلامی، معنویت را عامل زنده نگاه داشتن

روح جامعه و استمرار حیات آن قلمداد کرده‌اند. ایشان انقلاب اسلامی را یک انقلاب معنوی دانسته‌اند که حضور و رسوخ معنویت، در جامعه به وضوح دیده می‌شود و در همه ابعاد آن، از جمله جنگ که اولین مسئله است تا کارخانه، خانه، مدرسه و حتی در نحوه مصرف و راه و روش زندگی روزمره مردم به چشم می‌خورد. (بیانات، ۱۳۶۷/۹/۲۷: <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=۲&year=۱۳۶۷>)

پژوهش حاضر با عنایت به بیانیه گام دوم به‌عنوان آبخاری از حکمت، فرهیختگی و پختگی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی که در چهل سالگی انقلاب بر قلم ظریف و لطیف و نکته‌سنج ایشان جاری شده است، و آگاهی از فقدان پژوهشی مستقل در عرصه واکاوی کلام ایشان به سنجه ثقلین شریف، بر آن است که پس از مفهوم‌شناسی و دریافت جایگاه عناصر متغیر پژوهش با محوریت «جوانان، معنویت و اقتصاد» در کلام رهبری به بررسی مهم‌ترین نقاط تمایز جوانان و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری موتور محرک نظام اسلامی در سایه‌سار ثقلین بپردازد. و در انجام تحقیق، مهم‌ترین آثار اقتصاد پویا و سازنده بر معنویت و سلامت روحی اجتماع و چگونگی تعامل این دو رکن قابل اعتنا را به سنجه آیات و روایات بیان نماید.

## ۲. درنگی بر جایگاه مفاهیم «جوانان، معنویت و اقتصاد» در بیانیه گام دوم

### ۱.۲. جوانان

مقام عظمای ولایت در بیانیه گام دوم که به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی صادر کرده‌اند، بیش از پیش بر مسئله جوانان و جایگاه ایشان در تمدن‌سازی نوین اسلامی تأکید کرده‌اند. پیش از بررسی محتوای ثقلین در این زمینه، به گزارش گزیده بیانات ایشان با فراوانی کاربریست ۳۸ باره کلید واژه جوان و مشتقات آن می‌پردازیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مطلع بیانیه با عنوان «ورود انقلاب به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» پس از یادکرد نسل آغازگر و ادامه دهنده راه انقلاب، نسل جوان را، نسل تلاشگر

در مسیر فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم انقلاب معرفی می‌نمایند. معظم له برآنند که فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این فاصله‌ای طی شدنی است و با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پیرانگیزه با قدرت بیشتری طی خواهد شد. ایشان با تأکید بر این که دهه‌های آینده از آن جوانان است، معتقدند که جوانان باید با کارآزمودگی و انگیزه والا از انقلاب حراست کرده و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنند. گام‌های استواری که جز در سایه شناخت درست گذشته و درس گرفتن از تجربه‌ها برداشته نخواهد شد.

امام خامنه‌ای وارد ساختن جوانان به عرصه مدیریت و تزریق روحیه و باور ما می‌توانیم به همگان را، از برکات بزرگ انقلاب اسلامی برمی‌شمارند. انقلاب جوان‌مداری که سبب ثبات، امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران، موتور پیشران در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی، اقتصادی و عمرانی شد، مشارکت مردمی و سابقه خدمت‌رسانی را به اوج رسانید و با ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم، کفّه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور را سنگین نمود و این‌گونه چشم امید همگان را در عدالت‌گستری برتر را به سوی جوانان خیر ساخت. جوانان طلّیعه‌داری که در سایه رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی و دگرگونی فضا به سوی اخلاق، باوجود سقوط اخلاقی روز افزون غرب و پیروانش و تبلیغات پر حجم آنان به فساد، و منزوی ساختن اخلاق و معنویت در بخش‌های عمده عالم، دل‌های مستعد و نورانشان جذب گشت و با مجاهدت‌های خود در میدان‌های سخت همچون دفاع مقدس و رقابت در صفوف اعتکاف و عبادات، اردوهای جهادی، بسیج‌سازندگی و پیاده‌روی‌های زیارتی ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همگان کردند. ایستادگی روز افزون در برابر قلدران و زورگویان و مستبدان جهانی در سایه سار این معنویت مبتنی بر شناخت حاصل شد و خصوصیت شناخته شده ایران و ایرانی، به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به شمار آمد.



ایشان در فرازی اختصاصی، محور تحقّق نظام پیشرفته اسلامی را همّت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی دانسته و می‌نگارند: «مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویّت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند... مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجاد شده در دهه ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوّم جهان در دانش آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقّق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ این‌ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد... گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده نشده طبیعی و انسانی در رتبه اوّل جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه دوّم چشم انداز، باید زمان تمرکز بر بهره برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.»

آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) بخش پایانی توصیه‌های هفت‌گانه<sup>۱</sup> خود را با تأکید بر امید و نگاه خوشبینانه به آینده، متوجّه جوانان ساخته و جوانان را پیشگام در هم شکستن

---

۱. علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزّت ملی، روابط

خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی، هفت توصیه نهایی بیانیه گام دوم است.

محاصره تبلیغاتی دشمنان در تزریق روحیه ناامیدی و ترس معرفی کرده و خطاب به ایشان می‌نگارند: «رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست و دل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.»

## ۲.۲. معنویت

سویه و متغیر دیگر این پژوهش معنویت است، امری که در کلام بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و رهبری ایران اسلامی ریشه داشته و ارتباط معناداری میان آن و سرنوشت جامعه اسلامی برقرار شده است. آن‌طور که امام خمینی رحمته‌الله‌علیه انقلاب اسلامی را متکی به معنویات و خداوند دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۱۵/۳۰۸) و رهبری انقلاب بر آن هستند که روح و اساس کار ما معنویت است و ما هیچ‌گاه از آن صرف نظر نخواهیم کرد. (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۵/۲۵: <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=۲&year=۱۳۸۳>) تأمل بر ناخوشایندی حیات برای انسان امروزی با وجود دستیابی به پیشرفت‌های مادی کم نظیر و بی‌سابقه، به سبب دور شدن از خداوند و زندگی اخلاقی شاهد بر این باور و گواه صدق آن است. چه گویا بشر با وجود دسترسی به منابع شادکامی و خوشبختی، ارمغان نجات‌بخش و نسخه شفا بخش انبیاء را از کف داده و یا آن که به آن در ابعاد فردی و اجتماعی اعتنا نمی‌کند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۰۹/۰۱: <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=۲&year=۱۳۷۷>)

درنگ بر روح معنویت‌گرایی در اندیشه حرکت به سوی تمدن اسلامی زمینه ساز ظهور منجی بشریت، بیش از همه نشان از جایگاه معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی دارد. مبنایی که در دو بخش دیرینه‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی و آینده‌انگاری فرجام آن نمود یافته است. به گونه‌ای که مطابق سخنان رهبری انقلاب در بیانیه، افزایش چشم‌گیر

معنویت در فضای عمومی جامعه، سابقه‌ای امید آفرین و معجزه انقلاب اسلامی به حساب می‌آید. ایشان درباره برکات مهم انقلاب اسلامی و نقش آن در افزایش عیار معنویت و اخلاق بیان می‌دارند: انقلاب عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آن‌گاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا به ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزبه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.»

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی همچنين با رویکردی پسینی و آینده‌نگاری انقلاب اسلامی، در بخش «سرفصلها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده» از معنویت و اخلاق یاد کرده و پس از بیان مفهوم معنویت و اخلاق، فرد فرد جامعه را بدان توصیه می‌نمایند و با تأکید بر ناممکن بودن دستوری ساختن معنویت و اخلاق، به نقش مهم حاکمیت در زمینه‌سازی و تبلور این عنصر سازنده اشاره می‌کنند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره پیشرو باید

در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود.»

### ۲.۳. اقتصاد

سومین مفهوم و متغیر اساسی در کلام رهبری انقلاب اسلامی، «اقتصاد» است. مفهومی که در سخنان ایشان در چند سال گذشته پربسامد بوده و از سال ۱۳۷۸ شمسی به عنوان مطلع دوران نام‌گذاری سال‌های شمسی و سیاست‌گذاری کلان جامعه در قالب پیام‌های نوروزی، بیش از همه از اواخر دهه هشتاد تاکنون نمایان است:

عنوان	سال
امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small>	۱۳۷۸
امام علی <small>علیه السلام</small>	۱۳۷۹
اقتدار ملی و اشتغال‌آفرینی	۱۳۸۰
عزت و افتخار حسینی	۱۳۸۱
خدمت‌گزاری	۱۳۸۲
پاسخگویی	۱۳۸۳
همبستگی ملی و مشارکت عمومی	۱۳۸۴
پیامبر اعظم <small>صلوات الله علیه</small>	۱۳۸۵
اتحاد ملی، انسجام اسلامی	۱۳۸۶
نوآوری و شکوفایی	۱۳۸۷
حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف	۱۳۸۸
همت مضاعف، کار مضاعف	۱۳۸۹
جهاد اقتصادی	۱۳۹۰
تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی	۱۳۹۱
حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی	۱۳۹۲
اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی	۱۳۹۳
دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی	۱۳۹۴
اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل	۱۳۹۵

اقتصاد مقاومتی؛ تولید. اشتغال	۱۳۹۶
حمایت از کالای ایرانی	۱۳۹۷
رونق تولید	۱۳۹۸
جهش تولید	۱۳۹۹
تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها	۱۴۰۰

جایگاه اقتصاد در بیانیه گام دوم را بیش از همه باید در بخش توصیه‌های پایانی رهبری جست‌وجو نمود. آن‌جا که پس از یادکرد اقتصاد به‌عنوان یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور به اثرگذاری فقر و غنا بر مادّیات و معنویات بشر می‌پردازدند. ایشان گرچه اقتصاد را هدف جامعه اسلامی نمی‌دانند، اما آن‌را وسیله‌ای مهم معرفی می‌نمایند که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. رهبر فرزانه انقلاب با تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است از وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویات و وجود هزینه‌های زائد و حتّی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی به‌عنوان مهم‌ترین عیوب حاضر یاد کرده و نتیجه آن را مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف می‌دانند. معظّم له در بخش پایانی سخنان خود به ارائه راهبردها و راه‌کارها پرداخته و با تأکید بر اجرایی نمودن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی گفته‌های خود را پایان می‌بخشند: «راه‌حلّ این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه بخش‌های آن تهیّه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولّد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهمّ این راه‌حل‌ها است.

بی‌گمان یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد. جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است. این‌که کسی گمان کند که مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است، خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود.»

### ۳. جایگاه جوانان از نگاه قرآن و روایات

قرآن کریم پس از یادکرد مرحله بنیادین؛ کودکی، جوانی و کهنسالی از حیات بشری (روم، ۵۴) از جوانی به عنوان دوره کمال و نهایت قوای جسمانی و عقلانی یاد کرده است. (حج، ۵؛ قصص، ۱۴) رویکردی که در روایات پیامبر اکرم ﷺ نیز دنبال شده و از این دوران در ردیف نعمت‌های ارزشمندی همچون سلامتی، ثروت، فراغت و حیات نام برده شده است. (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۶) جوانی دوران هویت‌پذیری به همراه رشد عزت نفس، نگرش مثبت و اتخاذ تصمیم‌های سرنوشت‌ساز و پراثر، ورود به عرصه زندگی اجتماعی و عطای مورد سؤال الهی است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۴/۲) و مغبون و زیان دیده آن است که به ارزش این ایام پس از فقدان آن آگاه شود. (میبدی یزدی، ۱۴۱۱: ۱۵۲) تمامی ادیان، مذاهب و مکتب‌های فکری، بدون استثنا بر این نکته اذعان و اتفاق نظر دارند که زیربنای شخصیت انسانی و شالوده حیات مفید او در زمان جوانی تکوین خواهد یافت و سرنوشت غیرتمند یا ذلت‌بار او در جوانی رقم خواهد خورد. (احمدی، ۱۳۸۲: ۸) جوانان بزرگترین سرمایه‌های هر کشوری می‌باشند که چرخ‌های عظیم صنعت، عمران و دفاع از ارزش‌های فرهنگی و جغرافیایی و... همگی بر توان ایشان استوار است. آن‌طور که می‌توان، حیات و بقای موفق

اجتماعی را در گرو موقعیت و تلاش آنان در جامعه داست. (آموزگار، ۱۳۷۲: ۱/۲۴۷)

شناخت و بصیرت نسبت به امور و خصایص جوان و جوانی، رهگشا و رافع مسائل و نیازهای ایشان است چراکه ویژگی‌های نگرشی و رفتاری جوانان، حالات و رفتارهای متمایزی از سایر اقشار اجتماعی به آنان می‌بخشد و اهمیت پرداختن به مسائل ایشان را به مراتب افزایش می‌دهد. (منصور و دادستان، ۱۳۸۱: ۱۳) امری که در آیات و روایات منعکس شده و اهتمام حداکثری رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز آن متمرکز است. ویژگی‌های بی‌نظیر این دوران همچون فطرت پاک و بی‌آلایش، استعداد و نشاط، خودجوشی و خودباوری، خلاقیت و ابتکار، قدرتمندی و خستگی‌ناپذیری و... از یک سو و نقایصی مانند غرور، بحران هویت، عدم هماهنگی میان عقل و احساس در کنار نیازها و آسیب‌های روانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و... از سوی دیگر همه و همه نشان‌گر اهمیت این دوران و نقش محوری برنامه‌ریزی صحیح و مدبرانه و استفاده درست و به موقع از آن در جهت فلاح و سعادت جامعه انسانی است. در ادامه نوشتار پیش‌رو به اختصار مهم‌ترین ویژگی‌ها، آسیب‌ها و نیازهای اساسی جوانان را توصیف خواهیم نمود که توجه آیین شریف اسلام، آیات و روایات اسلامی و رهبر فرزانه انقلاب را به خود معطوف داشته است.

### ۳.۱. ویژگی‌ها؛ رشد اجتماعی، الگویابی، نوگرایی، ارزش‌گرایی

رشد اجتماعی از مهم‌ترین جنبه‌های رشد آدمی است که در دوره جوانی می‌تواند به کمال نسبی برسد (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۷۵: ۷۸۳) و بسته به فرهنگی که جوانان در آن تربیت یافته‌اند، متفاوت است. (سید محمدی، ۱۳۸۵: ۲/۱۵۱) جوانی که در فرهنگ متکی بر استقلال فردی رشد می‌یابد، معمولاً فردی متمایز، پیرو اهداف شخصی و متمرکز بر اندیشه‌ها و عقاید خویش می‌باشد، اما از سوی دیگر جوانی که در فرهنگ آرمانی متکی بر سعادت جامعه نمو می‌یابد خود را فارق از اجتماع ندانسته و تمام تلاش خود را در راستای نیل به کمال جمعی سوق داده و نشانه‌های این رویکرد کمال‌گرا و برخوردار از روحیه جمعی



در مسئولیت‌پذیری، انتقادپذیری و روحیه منتقدانه، خودکفایی و استقلال، اعتدال، سعه صدر و آینده‌نگری توأم با امیدواری و هدف‌مندی، در زندگی و فعالیت‌های وی نمایان است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۴۶۴)

از سوی دیگر یکی از ویژگی‌های شخصیت انسان در دوره جوانی الگویابی است، چراکه به تعبیر روایات اسلامی دل جوان همچون زمین خالی و مستعد از برای کشت و پذیرش است (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: نامه ۳۱) جوان در تاریخ و در شرح حال بزرگان برای خویش الگوی تقلید جست‌وجو می‌کند. ادبیات، هنر و مذهب برای او معنای تازه‌ای پیدا کرده و با شکل‌گیری علاقه‌ای شگفت‌آور به افکار انتزاعی بر آن است که با عبور از تلاطم اندیشه‌ها و گفته‌ها، خود را دریابد. (لطف آبادی، ۱۳۸۴: ۱۰۰) اگر جوان از شرایط مساعد فرهنگی و وجود الگوهای ارزشی محروم باشد (احزاب، ۲۱) به‌طور طبیعی، کورکورانه از الگوهای غیر ارزشی و بی‌ثمر تبعیت می‌نماید و با دور شدن از اذحق به ورطه نابودی درمی‌افتد. (مائده، ۱۰۴؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۴۰۱)

رشد اجتماعی و الگویی‌یابی با همراهی نوگرایی، سرزمین وجودی جوان را بسی ناشناخته‌تر و درک صحیح آن را گاه سخت‌تر می‌سازد. از ویژگی‌های بارز دین مبین اسلام که آن را از دیگر مکاتب متمایز می‌سازد، پابندی فراوان به اعتدال و میانه‌روی در همه جوانب حیات است. (بقره، ۱۴۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۱۳۷؛ ۸/۱۲۵؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۲۹۲) تجدد طلبی، نوگرایی و هم‌گامی با زمان نیز از این خصیصه مستثنی نیست چراکه انسان تصویر شده در اندیشه‌آرمانی دین خاتم، نه عقده سنت شکنی دارد و نه تعصب بر قدمت‌گرایی، تنها دغدغه چنین انسانی حقیقت و حقانیت است. پیشرفت و تکامل از یک سو و فساد و انحراف از سوی دیگر دو امر جدانشدنی و همراه با زمان است، مصلح و مرتجع هر دو علیه زمان قیام می‌کنند، با این تفاوت که مصلح، علیه انحراف زمان و مرتجع علیه پیشرفت آن، اما اسلام خواهان نوگرایی مثبت و اصلاح‌گرایانه است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۳۰۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۷۲)

دیگر ویژگی قابل توجه و پرداخت در جوانان، حق طلبی و گرایش به ارزش‌ها است که گاه موجب آن می‌گردد که این بازه حیاتی از عمر آدمی، به دوران ماوراء طبیعت نام‌گذاری شود. (دبس، ۱۳۳۵: ۱۲۲) آن‌طور که پیامبر مکرم اسلام جوانان را نخستین و راسخ‌ترین حامیان خویش معرفی نموده و جامعه را به برخورد توأم با احسان و خیر با این نازک دلان سفارش می‌کنند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۵۲) و در متون اسلامی از ایشان به‌عنوان پیشرانان و پیشروان حرکت به‌سوی ارزش‌ها (حمیری، ۱۴۱۳: ۴۴۳) و همگامان بی‌بدیل عدالت بخش جهانیان، حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام یاد شده است. (القندوزی الحنفی، ۱۴۱۶: ۲۲۰/۳) جوانان به سبب نزدیکی به سرشت خدایی و حق طلبی (روم، ۳۰؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۸: ۳۳۱) هرگاه در خلأ اعتقادی و فقر ارزشی و دینی واقع شده‌اند، به صورت وسیعی به دین متمایل گشته‌اند و گروندگان به انبیاء الهی همچون نوح، موسی، عیسی و خاتم‌الانبیاء (علیهم‌السلام) شاهد بر این مدعا هستند. (یونس، ۸۳؛ هود ۲۷)

### ۳.۲. آسیب‌ها؛ جنون و مستی جوانی

رهیافت به ویژگی‌ها و توانمندی‌های منحصر به فرد دوره جوانی، نباید موجب غفلت از کاستی‌ها و آسیب‌های تهدیدکننده این دوران خطیر شود. جوان در دوره جوانی با مشکلات و آسیب‌های چندی روبه‌رو است از جمله؛ غرور و مستی جوانی، جهل و ناپختگی، طغیان و سرکشی، احساس حقارت یا خودکم‌بینی، خودباختگی فرهنگی، نوگرایی جاهلانه و... با نگاه دقیق به روایات صادر شده در این باره متوجه خواهیم گشت که این تکثر در تقسیم از سر تسامح است و آفات و نقائص یاد شده نه در عرض هم بلکه همگی در طول عنوان فراگیر جنون و مستی جوانی جای می‌گیرد. در فرهنگ اسلامی همواره از غرور و خودبزرگ‌بینی نهی شده است. (لقمان، ۱۸؛ اسراء ۳۷) دوره جوانی، زمان ابهام، سردرگمی‌ها و اشتباهات است. چه جوان از یک‌سو، احساس بزرگی و کمال جسمی و روحی می‌نماید و از سوی دیگر به سبب نقصان تجربه و علم کافی، مشکلات فراوانی را بر سر راه خود می‌بیند که قادر به حل آن‌ها نیست، حالتی که در روایات اسلامی از آن به‌عنوان «مستی یا جنون جوانی» یاد

شده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۷۷/۴؛ نوری، ۱۴۰۸: ۳۷۱/۱۱) رفتاری که گاه با افراط و سوء استفاده از استدلال‌های به ظاهر منطقی و به ویژه جدل‌ها و قیاس‌های بی‌اساس همراه شده و مبدل به «جنون خودنمایی» می‌گردد. (دبس، ۱۳۳۵: ۱۰۷)

اولیای دین برای درمان این آسیب و بیماری، راه‌های فردی و اجتماعی و به تعبیر دیگر وظایف فردی و اجتماعی گرانمایه‌ای را معین نموده‌اند. ایشان فرد را به شناخت خود، خداوند و فروتنی در برابر ذات ازلی و جامعه را به درک شرایط و موقعیت بحران شخصیت جوان و جذب و اصلاح وی به جای تحقیر و طرد او رهنمون ساخته و خطاهای جوان و عذر وی را معذور قلمداد کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۱/۷۰؛ ۱۳۴/۷۵)

### ۳.۳. نیازها و مسائل

ویژگی‌ها، کاستی‌ها و آسیب‌های یاد شده در این نوشتار، در کنار آگاهی از نرخ رشد جمعیت جوان در ایران اسلامی، همگی نشان از ضرورت توجه به مسائل جوانان و رفع مشکلات شغلی، تحصیلی، اجتماعی و اقتصادی آنان دارد. جوان نیازمند به اظهار نظر و طرح اندیشه خود و استقلال فکری و عملی است و در مقابل هرکدام از نیازها، پاسخ مثبت و همسوی جامعه را خواهان است و این اساساً خصیصه فطری بشر است که متمایل به برخورد شایسته و منزجر از عکس‌العمل نامناسب است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۸۱/۴)

بنابراین می‌بایست در خانواده و اجتماع در محدوده حقوق جوان و متناسب با نیازها و مسائل وی و توان عمومی جامعه برخورد مناسب صورت پذیرد تا ادبار و واکنش نامناسب و سرکشانه جوانان را در پی نداشته باشد. (فلسفی، ۱۳۶۸: ۳۰۶/۱)

اشتغال، ازدواج، آموزش، بهداشت، مسکن، اوقات فراغت، آگاهی از قوانین و سیاست‌ها، حقوق و مشارکت اجتماعی، و... از جمله نیازهایی است که برای جوانان برشمرده‌اند. (آقاپور و فرخی، ۱۳۸۳: ۸-۱۰) می‌توان این نیازها و مسائل را در عناوین عمده و اساسی: زیستی، روانی، فرهنگی و معرفتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جای داد و بر فرد جامعه ایرانی اسلامی، به‌طور ویژه مسئولان و متولیان امر لازم دانست تا پیرو تحقق

اهداف و آرمان‌های جمعی، از رفع این نیازها، هدایت، مدیریت و تسهیل بهره‌مندی از آن‌ها غافل نشده و با برنامه‌ریزی متقن و پی‌گیری سیاست‌های خرد و کلان، جوانان را از برآورده‌سازی نیازهای ابتدائی و بنیادین خود دور ن سازند.

#### ۴. واکاوی تعامل و همبستگی اقتصاد و معنویت

دستیابی به تمدن نوین اسلامی به‌عنوان یک دغدغه اساسی و مسئله مورد توجه اندیشمندان کشور، نیازمند رعایت بایسته‌ها و الزاماتی است که بدون توجه به آن‌ها، محقق نخواهد شد. امری که در واقع تصویری کلان و جامع از یک نمونه ایده‌آل و البته دست‌یافتنی است که باید حاوی مبانی، اهداف، راهبردها، خط‌مشی‌ها و خطوط اساسی و نقشه راه باشد؛ چراکه اداره یک جامعه، الزامات و اقتضائات خاصی دارد که هر نظام و مکتب مدعی رهبری اجتماع ناچار از پذیرش و مدیریت صحیح تحولات و تغییرات آن است. بی‌تفاوت بودن نسبت به اقتضائات جدید و ارائه ساز و کار متناسب با آن، تنها منجر به بی‌ثمر و یا حداقلی جلوه نمودن آموزه‌های اسلامی در سطح گزاره‌های فردی اخلاقی و تنزل آن از ساحت مدیریتی، نظام‌سازی و ارائه الگویی فراگیر و متکامل می‌گردد. بنابراین با توجه به مبانی و جهت‌گیری قانون اساسی درباره حاکمیت موازین و اصول اسلامی بر همه دستورات عمل‌ها و ساز و کارهای پیشنهادی، نظام‌سازی اسلامی دارای مؤلفه‌ها و اصول ارزشی برخاسته از دین است که بر مفاهیم اصیل و بنیادین عدالت، معنویت، عقلانیت، آزادی مبتنی بوده و بیانیه گام دوم با عنایت به این افق والا تدوین شده و اصول، راهبردها، راهکارها و آسیب‌های پیش‌رو را بیان نموده است.

در ساختار اندیشه و تمدن نوین اسلامی نقش معنویت به‌عنوان امری مهم و تأثیرگذار بر تمامی زوایای زندگی انسان‌ها و به‌طور خاص فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی غیر قابل انکار و تغافل است. چراکه نوع تلقی و برداشت‌های معنوی و تعامل آن با واقعیت‌های اقتصادی بیش از همه در عرصه‌های شغل‌گزینی، ازدواج و فرزندآوری در سبک زندگی جوانان مشهود و مؤثر است. در این میان دین مبین اسلام به‌عنوان جامع رهاورد بعثت‌های

آسمانی (مائده، ۳) و پاسخ دهنده نیازهای عقلانی، جسمانی و تربیتی. روحانی آدمیان در سه ساحت معرفت، معنویت و شریعت، نه تنها از موضوع ارائه الگوی صحیح در زندگی فردی و اجتماعی در مسیر نیل به سعادت دنیوی و اخروی غافل نبوده بلکه با دعوت فراگیر جامعه انسانی به قسط و حیات طیبه و تقدّم تکوین ملّت و جهاد تربیتی بر تکوین دولت و جهاد اقتصادی و سیاسی مبارزه همه جانبه فکری و عملی با جهل، تحجّر، جمود و عوام‌زدگی پرداخته است. به طوری که به اعتقاد برخی از اندیشمندان، تکیه بر عقل و تأکید بر جنبه عقلانی در سایه سار حریم وحی از ویژگی‌های اصلی تربیت و سبک زندگی اسلامی است. (حدید، ۲۵)

این پژوهش با عنایت به اهمّیت تأثیرگذاری اقتصاد در جهت‌دهی و پایه‌ریزی تمدّن نوین اسلامی و لزوم تأمل در مبانی معرفتی و فرهنگی آن در جامعه اسلامی، در ادامه بر آن است که پس از بیانی اجمالی از مفهوم معنویت مورد پذیرش اسلام و تبیین نگاه قرآن کریم و منابع روایی به اقتصاد، به واکاوی تأثیرگذاری معنویت بر ابعاد اقتصادی سبک زندگی جوانان با تمرکز بر دو بعد ازدواج و فرزندآوری بپردازد. چه ظهور و تثبیت تمدّن نوین اسلامی، افزون بر شناخت مبانی و ارائه راهبردها و راهکارهای دقیق، نیازمند تشکیل تحکیم خانواده و به دنبال آن پرورش نسل توحیدی پیشران این هدف متعالی است. شایان ذکر است که یافته‌های این پژوهش و تأکید آن بر همبستگی معنویت و اقتصاد و نقش بی‌بدیل آن بر سبک زندگی جوانان از نگاه بیانیه گام دوم به سنجه ثقلین، به معنای نادیده گرفتن فقر عینی و ملموس و تأثیرات منفی آن بر اقتصاد و روند زندگی را ندارد. چراکه فقر واقع و عینیّت یافته در جوامع انسانی مشکلی پذیرفته و غیرقابل انکار است و لزوم فعلیّت بخشی به نظام توزیع درآمد و تحقق عدالت اجتماعی را طلب می‌نماید. (صدر، ۱۳۷۵: ۳۷۵، ۲۸۹ و ۶۸۰۶۶۱) چالشی اساسی که در صورت مدیریت ناصحیح، توانایی تبدیل معضل به بحران خرد و در صورت تراکم، شدّت یابی و دوام، شکل‌گیری بحران‌های کلان و تاّم را داشته و حیات جامعه را به خطر می‌افکند.

#### ۴.۱. خاستگاه معنویت در فرهنگ اسلامی

اصلاح و تکمیل مسیر حرکت نظام کلان سیاسی، جزء متمم نظام‌سازی محسوب می‌شود و در این راستا، پیشرفت و تعالی جامعه با حفظ اصول و هویت نظام اصلی امکان‌پذیر است. (بیانات رهبری، ۱۳۹۰: <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=۲&year=۱۳۹۰>) در این میان، معنویت و اخلاق، رکن امنیت بخش و تعدیل‌کننده سیاست‌ها و راه‌کارهای حقوقی، سیاسی و اقتصادی حاکم بوده و ضامن اجرایی هر چه بهتر چشم‌اندازهای در نظر گرفته شده در نظام اسلامی است. ریشه و بنیان این امر را باید در ماهیت نظام اسلامی دنبال کرد، چه نظام شکل گرفته در جغرافیای ایران زمین، واقعی و تکوینی. الهی است و راهبردها و راهکارهای ارائه شده در آن جنبه اعتباری و موقت نداشته و سویه دنیامدارانه صرف ندارد. این رابطه در نظام اسلامی، تنها حول محور قرارداد و امور صرفاً اعتباری نمی‌باشد؛ چرا که انگیزه اصلی در این نظام، برقراری و صیانت پیوند با خداوند است که همگان با ذات اقدسش ارتباط وجودی دارند و سایر مسائل؛ مانند ساختار و عناوین نظیر ریاست، مروت‌سیت، معاونت و... فقط به منظور ایجاد نظم صوری در جامعه می‌باشد؛ وگرنه تنها عامل ارتباط بین افراد مسلمان در یک نظام اسلامی، همان حفظ پیوند بندگی با خدای سبحان است. (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۷)

مهم‌ترین ویژگی و تفاوت نظام اسلامی با سایر نظام‌ها در نحوه نگرش به انسان و سازمان نهفته است. جهت دهی مجموعه نظام اسلامی، در چارچوب احکام اسلامی و تعالی به سوی خدا است. بر این، رهبر معظم انقلاب، شعارهای انقلاب دینی و نظام اسلامی را برخاسته از یک امر حقیقی که همان فطرت بشری است، دانسته و بیان می‌دارند:

«برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب از این قاعده مستثنی است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای

بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دلزده شوند.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

در نگاه حاکمیت اسلامی، معنویت و اخلاق در عینیت جامعه تحقق یافته و معنا می‌یابد. چه معنویت همان برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. دو تکیه‌گاهی که جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ و بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

#### ۴.۲. اقتصاد در نگاه ثقلین

بی‌تردید دین مبین اسلام، تنها ناظر به ابعاد معنوی و روحی انسان نیست، بلکه برای پیروان خود، سعادت مادی و معنوی را، توأمان می‌خواهد. (بقره، ۲۰۱؛ نساء ۱۳۴) اسلام نه بسان رهبانیت مسیحی، بهره‌گیری از مواهب مادی را به کلی نکوهش می‌کند، و نه همچون یهودیت افراطی، غرق شدن در مادیات و غفلت از معنویات را رخصت می‌دهد. (مراغی، ۱۹۸۵، ۶/۲) بلکه افزون بر آن که دینداران را از وارد ساختن افکار منفی توسط شیطان آگاه ساخته و آنان را متوجه توکل و باور قلبی به توانمندی و رزاقیت خداوند متعال می‌سازد، با ارائه راهکارهایی ایشان را در مسیر خداباوری و دستیابی به آرامش روانی و رهایی از القائنات شیطانی در زمینه تنگدستی، با تمرکز صحیح بر منابع مادی و مدیریت صحیح آن یاری می‌نماید. (شاذلی (سید قطب)، ۱۳۸۶، ۱/۱۸۰؛ مغنیه، ۱۹۹۰، ۴۰/۵)

به حکم عقل، به‌عنوان رسول باطنی آدمیان، و شرع شریف، رفاه و توسعه اقتصادی پایدار، جز در سایه بهره‌وری معتدل محقق نخواهد شد؛ امام صادق علیه السلام در روایتی، میانه‌روی را که خود از لوازم اصلاح الگوی مصرف است، از سپاهیان عقل، و مصرف بی‌رویه و

مسرفانه را از سپاهیان جهل برشمرده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۲/۱) همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «العقلُ أُنْكُ تَقْتَصِدُ فَلَا تُسْرِفُ»؛ خرمندی، این است که میانه‌روی کنی و اسراف نکنی. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۱۲۲) اصلی‌ترین مبانی اعتقادی و اخلاقی اصلاح‌الگویی مصرف را می‌توان «باور به اصالت مالکیت الهی»، «باور به اخوت ایمانی»، «ملازمه تکامل معنوی و مهار لذات مادی» دانست. (شاذلی (سید قطب)، ۱۳۹۲، ۱۸۱۱۶۱) در پارادیم اقتصاد اسلامی، در عین ارزش‌بخشی به مالکیت فردی، اموال از آن خداوند است و اوست که آن‌ها را نزد آفریدگانش به امانت نهاده است، آن‌طور که بهره‌مندی مسرفانه و خارج از حد اعتدال، خروج از فرمان الهی، حرام و ناقض توحید عملی محسوب می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۱۰۰) چراکه از منظر معجزه خاتم، مؤمنان برادر یکدیگرند (حجرات، ۱۰) و این پیوند برادری، چنان مستحکم است که آحاد جامعه اسلامی، همانند اعضای پیکر یک فرد انسانی هستند (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۶۶/۲) و بی‌تفاوتی و رفاه‌زدگی در صورتی که برادران ایمانی در رنج ناداری و تنگنای معیشتی باشند، خلاف مروّت اسلامی و تکامل معنوی و بهره‌مندی از مغفرت الهی تلقی شده است. آن‌طور که رسول مکرّم اسلام در این باره می‌فرمایند: «مَا آمَنَ بِي مِنْ بَاتٍ شَبَعَانَ وَ جَاؤُهُ جَائِعٌ قَالَ وَ مَا مِنْ أَهْلِ قَرْبَةٍ يَبِيْتُ وَ فِيهِمْ جَائِعٌ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»؛ هر کس با شکم سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد، به آیین من ایمان ندارد (حق ایمان را ادا نکرده است و آن را به کمال نیافته است)، مردم هر آبادی که شب به خواب روند و در میان آن آبادی یک نفر گرسنه بخوابد، بروز رستاخیز، خداوند به چهره آنان نمی‌نگرد. (عاملی، ۱۴۰۹، ۱۳۰/۱۲) بی‌تردید روح از بدن و سلامت و نیرومندی آن بی‌نیاز نیست، اما غرقه شدن در تنعمات مادی و اقبال تمام به لذت‌گرایی جسمانی، مجال و فراغتی برای بهره‌برداری از کانون روح و منبع بی‌پایان ضمیر، باقی نمی‌گذارد و در حقیقت، نوعی تضاد میان تنعمات روحی و تمتعات مادی. اگر به صورت غرقه شدن و محو و فانی شدن در آن‌ها باشد. وجود دارد. (مطهری، ۱۳۷۲، ۲۱۹) اما ساده‌زیستی و دوری از تجملات و تمتعات اضافی، انسان را مقاوم، استوار و سخت‌کوش



می‌پرورد؛ و این مهم، به‌ویژه برای رهبران معنوی و حاکمان و تصمیم‌سازان جامعه، امری حیاتی است. (الرضی، ۱۳۷۹، ۴۱۷)

آیات و روایات فراوانی تأکید بر آن دارند که انسان باید از نعمت‌های حلالی که در اختیار دارد بهره‌بردار، چراکه خداوند دوستدار آن است که جلوه‌های نعمت و بهرمندی از آن را بر بنده‌اش ببیند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۳۴۵/۱ - ۳۴۷) در این میان گشاده‌دستی برای خانوار به هنگام رفاه (التوسع علی العیال) (عاملی، ۱۴۰۹، ۵۴۰/۲۱ - ۵۴۲)، آینده‌نگری و پس‌انداز (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۸/۵) بخشی از درآمد با در نظر داشتن اهمیت سرمایه‌گذاری و بازاری از انباشت ثروت (طوسی، ۱۴۰۷، ۳۲۷/۶)، انفاق و مشارکت اجتماعی (بقره، ۳ و ۲۶۱؛ الترمذی، ۱۴۱۹، ۶۴۴/۴) از مهم‌ترین نکات روایات مطرح شده در مدیریت منابع مالی است.

نظام اقتصاد اسلام، با در نظر داشتن تفاوت طبیعی افراد در دستیابی به مال، جلوگیری از شکل‌گرفتن شکاف طبقاتی عمیق در میان مردم و اداره جامعه بر اساس اقتصاد متوازن، برپایی عدل و قسط و برخورداری تمام اقشار جامعه از سطح متوسط مصرف را هدف قرار داده است. از این‌رو هرگونه انباشت ثروت نزد عده‌ای خاص که منجر به فقر و محرومیت جمعی می‌گردد را نپذیرفته و با تمامی عوامل و ریشه‌ها و نیز مظاهر فقر و تکاثر سخت به مبارزه پرداخته است؛ از یک‌سو، مخالف قرار گرفتن ثروت‌های جامعه، نزد گروهی محدود، ویژه‌خواری و ایجاد قطب‌های سرمایه‌داری است. (حشر، ۷؛ توبه، ۳۴؛ تکاثر، ۱ - ۶؛ واقعه، ۴۵) و از سوی دیگر، هرگز فقر و محرومیت را برای جامعه اسلامی مورد تأیید قرار نداده است، بلکه گاه فقر کمرشکن (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳۶۵/۴) را موجب کفر دانسته (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۲۹۵)، گاه آن را بالاتر از مرگ معرفی نموده (برقی، ۱۳۷۱، ۶۰۱/۲) و دیگرگاه، آن را تلخ‌ترین چیزها برشمرده (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۲/۴) که می‌بایست از شرش به خدا پناه برد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۸/۷۲)

کوتاه سخن این‌که نظام اقتصادی اسلامی در جامعه اسلامی، فراتر از یک توصیه اخلاقی

باید با مدیریت و تخصیص بهینه منابع مالی بر پایه نفی فقر و محرومیت و تکاثر و کاهش اختلاف طبقاتی تنظیم گردد تا تمامی آحاد جامعه از سطح متوسط مصرف، برخوردار گردند؛ اصولاً تشریح انفاق‌های واجب و مستحب و تأکید فراوان بر اهمیت آن، همگی در راستای ریشه کن شدن فقر است نه کمک ناچیزی که تنها به رفع موقت نیازهای نیازمندان بیانجامد.

### ۴.۳. ازدواج و فرزندآوری جوانان

در نظر نداشتن عوامل غیربازاری (ارزشی، فرهنگی و روانی) در مدیریت اقتصادی و تعیین سطح مصرف افراد، تحلیلی ناقص و ناکافی را ارائه می‌دهد. هرچند در نظام متعارف اقتصاد، تمرکز بر عوامل بازاری و به‌طور ویژه افزایش مصرف، منجر به رونق اقتصادی می‌گردد، ولی دشواری تأمین مالی مخارج مصرف، در موارد بسیاری بدهی‌های مالی را در پی داشته، و پیوند تأمین مالی با نوسان‌های بازارهای آن، رونق اقتصادی را دچار مشکل می‌سازد. در این میان نظام اقتصاد اسلامی، با جهت‌دهی و برانگیزاندن محرک‌های درونی افراد و وضع محدودیت‌های تقنینی و سفارش‌های ارزش‌مدار، رونق و شکوفایی اقتصادی را هدف قرار داده و با اهمیت دادن به آرامش روانی و اطمینان خاطر افراد، بحران‌های کلان اقتصادی را کنار گذاشته است. ساز و کارهایی که از یک سو با وجود اهتمام به ارزش کار و هم‌وزن قرار دادن آن با جهاد در راه خداوند، تصفیه اخلاقی، انگیزه‌ها و سلیق را پیش از ورود به بازار تصحیح می‌کند و از سوی دیگر با ارائه راهکارهای قابل اجرا و جامع‌نگر، میانه‌روی در مصرف را تجویز نموده و از اسراف و اتلاف منابع باز داشته و با تأکید بر توجه به نیازمندان و نقش انفاق در سلامت اقتصاد جامعه، زمینه‌های تقاضای لازم برای تداوم رشد اقتصادی و پیش‌گیری از رکود را فراهم آورده است. از این رو با عنایت به این مهم که مدیریت بهینه منابع مالی و ثروت‌های ملی، فقط یک مسئله اقتصادی نیست؛ بلکه ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز دارد (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۱/۱: <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=۱۳۸۸&year=۲>) در ادامه مسئله رکود ثبت ازدواج

جوانان و در پی آن کاهش فرزندآوری را از منظر تعامل معنویت و اقتصاد دنبال خواهیم کرد. ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری، یک انتخاب است که افزون بر نیاز طبیعی و فطری آدمیان، تابع عوامل متعدد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. در این میان اقتصاد و پیوند آن با معنویت به معنای باورمندی به حمایت الهی از پیشگامان در ساحت تشکیل خانواده و به دنبال آن پرورش نسل توحیدی، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش و افزایش نرخ ازدواج و باروری مورد اهتمام نوشتار حاضر است. چه بررسی پدیده‌های اجتماعی همواره نیازمند بررسی جوانب مختلف آن پدیده بوده و ازدواج و فرزندآوری نیز از بستر تحقق خود جدا نمی‌باشد. البته بیان پیش‌رو گرچه بر نقش باورهای دینی و معنوی و تأثیر آن بر تشکیل و تحکیم خانواده ناظر است، اما به هیچ وجه نافی وظایف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت‌ها در تأمین مالی و امنیت روانی جوانان در گام گذاردن در این میدان ارزشمند نیست. امری که با وجود بداهت، نیازمند پژوهشی مستقل و توجه‌ای ویژه بوده و تلاش بیش از پیش زمامداران و مسئولان امر را می‌طلبد.

فراهم بودن امکانات اولیه جهت تشکیل خانواده و در پی آن فرزندآوری امری ضروری و غیر قابل انکار است. به بیان دیگر نمی‌توان وجود فقر مطلق را به عنوان عامل کاهنده حیات مادی و معنوی نادیده گرفت. اما گاه ترس و نگرانی‌هایی غیر ضروری عرصه را بر جوانان تنگ کرده و ایشان را از قدم نهادن در این میدان بازمی‌دارد. امری که می‌توان از آن با نام «فقر ذهنی» یاد نمود. در ادامه پس از ارائه تعریف دقیق این مفهوم، به بیان ریشه‌های بروز، درمان و کیفیت رویارویی با آن از نگاه آیات و روایات پرداخته و با برقراری پیوند میان حوزه اقتصاد و معنویت، ساز و کارهای مواجهه و از میان برداشتن این چالش را بیان خواهیم کرد.

### ۳.۱-۴. فقر ذهنی و تأثیر آن بر زندگی جوانان

فقر مفهومی به معنای حاجت و نیاز و ضد غنی و کفاف است. (ابن منظور، ۱۴۱۰)، ، ۶۰/۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ، ۱۵۰/۵) تعریف فقر و میزان حد کفاف و خط فقر با دگرگونی جوامع در طول زمان تغییر یافته و میزان مشخص و یکسانی برای همه ادوار ندارد. (رئیس

دانا، ۱۳۸۴، ۶۴؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۱۵۷/۲)

موضوع فقر در حدود ۵۰ آیه از قرآن کریم را با مفاهیم نزدیک به هم، شامل شده است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ۳۱۱۲۷۷) بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم و روایات در اطراف آن، درباره حل معضل فقر به عنوان عاملی کاهنده از منظر جایگاه و گستره تأثیر اجتماعی و گاه قوای ایمان و راهکارهای فقرزدایی و رسیدگی به امور تهیدستان و ناداران است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۴۲۵۴۰۵) به گونه‌ای که نادیده گرفتن حقوق فقیران برانگیزاننده خشم و عذاب الهی است (قلم، ۲۰۱۷)، و ائمه علیهم‌السلام نیز آنان را که نسبت به حقوق ناتوانان بی تفاوت بوده و گره‌ای را نمی‌گشایند در زمره شیعیان خود به حساب نیاورده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۷۳/۲) بخشی دیگر از گزاره‌های قرآنی و روایی نیز که در آن فقر ستایش شده و در مقابل آن غنا و توانگری مذمت گردیده موضوعاً از مورد پژوهش خارج بوده و در جای خود قابل تتبع و پی‌گیری است. گزاره‌هایی که گاه در موضوع فقر الی الله و نیاز بایسته و پیوسته مخلوقات به ذات اقدس الهی است (فاطر، ۱۵؛ محمد، ۳۸؛ قصص، ۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۹۱/۶۹) گاه به انتخاب اولیای الهی و وسیله‌ای برای تعالی روح است؛ نه فقر اضطراری که زاییده سیاست‌های نظام‌های جائرانه مالی و اقتصادی است و توده مردم را تا سر حد کفر پیش می‌برد؛ در حقیقت این نوع فقر افتخارآمیز<sup>۱</sup>، خط بطلانی بر مفاخرات پوچ و ارزش‌های توخالی است نه حمایت از فقر و توجیه آن برای مردمی که با آن روزگار به سختی می‌گذرانند. (حکیمی، ۱۳۸۰، ۴۴۰۴۳۹/۴) و گاه تنها در آن صبر فقیر بر نداری مدح شده، و نه فقر، چه، فقیر صابر، غالباً مقامش از غنی شاکر بالاتر است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۴۰۳۰/۷۲)

اما آنچه در این میان بیشتر با مقاله حاضر همسوست، آیات ۳۰ فجر، ۳۳ نور، ۲۶۷ و

۱. اشاره به روایت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این زمینه دارد که فرمودند: «الْفَقْرُ فَخْرِي وَبِهِ أَفْتَخِرُ»؛ فقر مایه مباهات من

است و بدان می‌بالم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۰/۷۲)

۲۶۸ بقره است که به ترتیب در آن‌ها به این موضوعات پرداخته شده است؛ فقر و تهی دستی، زمینه‌ساز بدگمانی به خداوند و لب گشودن به اعتراض و گلایه از او (فجر)، زنان و مردان غیر متأهل، فقیر و فاقد امکانات ازدواج، بیشتر از دیگران، در معرض بی‌عفتی و آلودگی به فساد جنسی هستند (نور) و ترس از فقر زائیده جهل به گشایشگری و علم خداوند به حال انسان است که شیطان، برای بازداشتن انسان از انفاق و بدگمانی به خداوند آن را القا می‌کند. (بقره) این درحالی است که به بشارت قرآن کریم، خداوند خود وسعت بخش و آگاه از حال بندگان خود است و به هنگام سختی و تنگدستی آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد ساخت. (نور، ۳۲)

مفهوم به کار رفته در آیات فوق و به‌ویژه در آیه ۲۶۸ سوره بقره<sup>۱</sup>، همان مفهوم «فقر ذهنی» است. احساسی متفاوت از فقر که در روانشناسی مثبت‌گرا<sup>۲</sup> به عنوان چالشی برای بهباشی، شادکامی و رضایت‌مندی مورد بررسی قرار می‌گیرد. (کیت هفرن، ۱۳۹۷، ۸۴:۷۶) چراکه فقر امری کمی و عینی است که فرد خود را در مواجهه با آن درمی‌یابد، اما احساس آن، امری کیفی و روانی است و لزوماً همراهی با فقر عینی ندارد، به گونه‌ای که فرد گاه با وجود ابتلای به فقر عینی، از چالش ذهنی درگیری با فقر رها بوده و در بند مسائل آن قرار ندارد. (تمیمی آمدی، ۱۴۲۰، ۸۲۰) احساس فقر، به عنوان یکی از عوامل انحرافات اجتماعی، در جوامعی که توزیع ثروت و امکانات عادلانه نیست، ممکن است به سبب تلاش حداکثری محرومان و افراد کم‌برخوردار، منجر به بروز اعمال غیراخلاقی و نادرست شود، کج‌رفتاری‌ای که به‌طور ویژه در جوامع مبتلا به مانور تجمل و اشرافی‌گری، شکاف طبقاتی را عمیق‌تر کرده، احساس

---

۱. دلیل تکیه بر آیه مذکور در سوره بقره و عدم یادکرد دو آیه سوره فجر و نور، صراحت آیه سوره بقره است. چراکه مفسران به گاه تأثیر از روایات، دو آیه دیگر از سوره‌های فجر و نور را مرتبط با مسئله احساس فقر دانسته‌اند و این پژوهش به منظور دریافت مستقیم مفاهیم از خود قرآن کریم، تنها بر آیه مذکور متمرکز خواهد شد.

۲. positive psychology

فقر و خلأ اقتصادی را تشدید و افزون بر بی‌تاب ساختن روانی طبقات فقیر و عدم موفقیت آنان در کامیابی و دسترسی به منابع، احتمال وقوع رفتارهای انحرافی را قوت بخشد و زمینه‌ساز رخداد جرم و جنایت‌های گسترده گردد. معضلی که قرآن کریم از یک سو با نادرست معرفی کردن فرهنگ مال‌پرستی و تفاخر از آن تحذیر نموده (سوره تکاثر) و از سوی دیگر با ترویج فرهنگ مشارکت اجتماعی و انفاق، سعی بر جلوگیری از وقوع آن داشته و می‌فرماید: {وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ} (بقره، ۱۹۵)؛ و در راه خدا، انفاق کنید! و (با ترک انفاق)، خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲/۳۵)

نگارنده تفسیر میزان در ذیل آیه ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup> (بقره، ۲۶۸) این نوع فقر را تبیین کرده و می‌نویسد: «و چون ممکن بود کسی توهم کند که ترس نامبرده ترسی است بجا، هرچند از ناحیه شیطان باشد، لذا برای دفع این توهم بعد از جمله: "الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ" دو جمله را اضافه کرد، اول این که فرمود: "وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ"، یعنی هرگز از شیطان توقع نداشته باشید که شما را به عملی درست بخواند چرا که او جز به فحشا نمی‌خواند، پس خودداری از انفاق مال طیب به انگیزه ترس از فقر هرگز عملی بجا نیست، زیرا این خودداری در نفوس شما ملکه امساک و بخل را رسوخ می‌دهد، و به تدریج شما را بخیل می‌سازد، در نتیجه کارت‌ان به جایی می‌رسد که اوامر و فرامین الهی مربوط به واجبات مالی را به آسانی رد کنید، و این کفر به خدای عظیم است، و هم باعث می‌شود که مستمندان را در مهلکه فقر و بی‌چیزی بیفکنید، و از این راه نفوسی تلف و آبروهایی هتک گردد، و بازار جنایت و فحشا رواج یابد،

۱. شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد؛ ولی [خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می‌دهد، و خداوند گشایشگر دانا است.

جمله دومی که اضافه فرمود این است که فرمود: " وَ اللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ"، در این جمله خدای تعالی این نکته را بیان نموده که در این مورد حقی است و باطلی، و شق سوم ندارد، و حق همان طریق مستقیم است که از ناحیه خدای سبحان است، و باطل از ناحیه شیطان است. (طباطبائی، ۱۴۰۲، ۲/۳۹۴، ۳۹۵)

بنابراین حاصل حجّتی که در آیه شریفه اقامه شده این است که ترس از فقر، القایی شیطانی است، او این ترس را به دل‌ها می‌اندازد، و هیچ منظوری به جز گمراهی و به فحشا کشاندن ندارد، پس نباید از او پیروی شود. همچنین باید افزود که واژه "فحشاء" تنها به معنای گناه بی‌عفتی نیست و به معنی هر کار زشت و بسیار قبیح است، و در این جا به تناسب بحث، به معنی بخل و ترس از تصرف در اموال و دارایی به کار رفته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲/۳۳۶) تعبیر به امر کردن شیطان نیز اشاره به همان وسوسه‌های او است، و اصولاً هر نوع فکر منفی و بازدارنده و هلاک‌کننده همچون بیم از فقر، سرچشمه‌اش تسلیم در برابر وسوسه‌های شیطانی است (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱/۶۹) و در مقابل، هر گونه فکر مثبت سازنده و آمیخته با بلند نظری، سرچشمه‌اش الهامات الهی و فطرت پاک خدادادی است.

## ۲.۳ - ۴. راه‌کارهای رویارویی با فقر ذهنی

مدیریت صحیح منابع مالی و آگاهی از راه‌های بهینه سرمایه‌گذاری و تجارت و در نهایت شناخت هرچه بیشتر تعدیل انتظارات مصرفی از مهم‌ترین شیوه‌های مطرح شده در زمینه رویارویی با فقر و رشد داشته‌های مادی است. اما آنچه بیان گشت بیش از همه با فقر عینی و از میان رفتن ثروت به صورت واقع در ارتباط است. چه فرد در افتاده در رنج ترس از فقر یا همان فقر ذهنی، لزوماً از منظر اقتصادی دچار بحران نشده است، بلکه اختلال به وجود آمده ریشه در باورهای او دارد. از این رو با در نظر داشتن راهکارهای رویارویی و بازسازی از فقر عینی، می‌بایست به ارائه راه و روش‌هایی پرداخت که مسئله روانی توهم ناداری را رفع کرده و آرامش را در سرزمین وجودی فرد حاکم سازد.

از منظر گزاره‌های دینی در گستره قرآن کریم و روایات اسلامی، احساس فقر عاملی کاهنده و مختل‌کننده در تصمیم‌گیری درباره ازدواج و مسئله فرزندآوری است که هزینه‌ها و مسئولیت‌های تشکیل و تحکیم خانواده را بیش از مقدار واقعی آن نشان داده و منجر به نادیده‌انگاری داشته‌ها و توانمندی‌ها فرد می‌شود. (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۱۹۰/۹) از این رو ثقلین، از طریق بیان فرصت‌های پیش‌روی جوانان در موضوع ازدواج و باروری، تلاش می‌کند تا با دو شیوه به حل این معضل بپردازد.

شیوه نخست آن است که با بهره‌گیری از تشویق و ترغیب و بیان منافع ملموس تشکیل خانواده و فرزندآوری همچون؛ زینت بخشی زندگی دنیا (کهف، ۴۶؛ فرقان، ۷۴)، امداد الهی (نوح، ۱۲۱۰)، بقا و تداوم نسل (انبیاء، ۹۰، ۸۹؛ مریم، ۵۴) فقر ذهنی را از نهاد دین‌مداران زدوده و مطلوبیت محبوب‌ترین بنیاد در پیشگاه خداوند متعال را یادآور شود. از جمله این موارد می‌توان به روایت امام کاظم علیه السلام اشاره کرد. بر اساس این روایت، شخصی نزد امام علیه السلام رسید و عرض کرد: پنج سال است که به سبب اکره همسرم از تنگ‌دستی من و ناتوانی‌ام در مدیریت معاش، از فرزندان شدن پرهیز دارم. نظر مبارک شما چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند: تو در طلب اولاد باش، خداوند روزیشان را می‌دهد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۶) بنیان قرآنی این بیان را می‌توان در کلام خداوند دنبال نمود. آن‌طور که خداوند رزاق پس از نکوهش رفتار جاهلی از میان بردن فرزندان به سبب ترس، آنان را موهبت روزی گستر الهی معرفی می‌نماید. (اسراء، ۳۱) بیانی که در آیاتی دیگر از قرآن با صراحت و تأکید بیشتری مطرح شده (نور، ۳۲؛ ذاریات، ۲۳، ۲۲) و از راه پیوند مفهومی با رازقیت خداوند (شوری، ۱۹؛ یونس، ۳۳، ۳۱؛ سبأ، ۳۹؛ مائده، ۶۴)، آرامش و رویکرد مثبت به تشکیل و تحکیم خانواده را به ارمغان آورده است. (طباطبائی، المیزان، ۱۳۷۴، ۱۵/۱۵۷)

شیوه دوم، کاربست تعابیر تحذیری و نکوهش‌محور، با هدف خشکاندن ریشه احساس فقر در ذهن و ضمیردین‌داران است. از جمله این روایات می‌توان به حدیث عبد الله بن مسعود اشاره کرد. ابن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره بزرگترین گناه سؤال کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله پس



از شرک، ترس از فرزندآوری و کشتن فرزندان را با این تصور که با فرد هم غذا شوند را در مرتبه بعد یاد کرد. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴/۳۳۲) نمونه دیگر از روایات نکوهش محور حدیث گزارش شده از امام صادق علیه السلام است. آن جا که امام با بیانی قرآنی و استناد به آیه ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ (نور، ۳۲) و ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾ (زمر، ۳۶)، خداوند را برای نجات و یاری بنده کافی دانسته و آنان را که از ترس مخارج زندگی ازدواج نکنند، مصداق کسانی دانسته که به خداوند گمان سوء برده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۳۳۰)

آشکار است که گزاره‌های یاد شده ناظر به شرایطی است که احساس ناداری فرد را از ازدواج و باروری بازداشته و فقر مطلق و ناتوانی در اداره معیشت خانواده موجب سرباز زدن از پذیرش مسئولیت تشکیل خانواده نشده است.

## ۵. نتیجه‌گیری

این نوشتار، جهت تبیین واکاوی همبستگی معنویت و اقتصاد در سبک زندگی جوانان به سنجه آیات و روایات؛ با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نگاشته شده و با بررسی و تحلیل محتوای سخنان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی و عرضه آن بر آیات و روایات به نتایج ذیل دست یافته است:

۱. دین مبین اسلام برخلاف مکاتب نظری بشری، آیینی عملی است و اصول اعتقادی آن هم زیربنای تفکری صحیح است که بازده آن می‌بایست در عرصه زندگی دین‌باوران هویدا و آشکار باشد. چراکه باور سطحی، ظاهری و فاقد هرگونه برون‌داد اجتماعی، نه بهروزی دنیا را به بار می‌آورد و نه رستگاری در آخرت را به ارمغان خواهد آورد.

۲. بیانیه گام دوم به‌عنوان آبخاری از حکمت، فرهیختگی و پختگی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی که در چهل سالگی انقلاب بر قلم ظریف و لطیف و نکته‌سنج ایشان جاری شده است، دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی را به‌عنوان یک دغدغه اساسی و حلقه وصل به حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام مورد اهتمام قرار داده و تحقق آن را وابسته رعایت

بایسته‌ها و الزاماتی کرده است. امری که در واقع تصویری کلان و جامع از یک نمونه ایده‌آل و البته دست یافتنی است که باید حاوی مبانی، اهداف، راهبردها، خط مشی‌ها و خطوط اساسی و نقشه راه باشد؛ چراکه اداره یک جامعه، الزامات و اقتضائات خاصی دارد که هر نظام و مکتب مدعی رهبری اجتماع ناچار از پذیرش و مدیریت صحیح تحولات و تغییرات آن است.

۳. کاربست حداکثری کمی و کیفی مفاهیم «جوانان، اقتصاد» و پیوند میان آن با «معنویت و اخلاق» به عنوان ضامن اجرایی و تأمین‌کننده حیات بهشتی، امر قابل توجه و تحلیل در گفتار رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

۴. واکاوی مفاهیم سه‌گانه «جوان، اقتصاد و معنویت» در بیانیه گام دوم و سنجش آن با قرآن کریم و روایات اسلامی، نشان از همسویی کلام رهبری با قرآن و سنت و بنیان‌ثقلینی راهبردها و راهکارهای ایشان دارد.

۵. وابستگی و ناتوانی قوای اقتصادی جامعه اسلامی مغایر با روح تعالیم شریف نبوی و عامل سلطه‌پذیری و تضعیف آن در جوامع و ارتباطات بین‌المللی، نارضایتی داخلی و اخلال در همبستگی ملی و تحقق‌ناپذیری پیشرفت خواهد شد. از این رو اقتصاد از نگاه اسلام، اصلی خطیر و تأثیرگذار است که گرچه هدف تلقی نمی‌شود اما مدیریت صحیح آن موجب تسریع روند دستیابی به تمدن نوین اسلامی و سبک زندگی رشد یافته ایرانی اسلامی می‌گردد.

۶. بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم و روایات در اطراف آن، درباره حل معضل فقر به عنوان عاملی کاهنده از منظر جایگاه و گستره تأثیر اجتماعی و گاه قوای ایمان و راهکارهای فقرزدایی و رسیدگی به امور تهیدستان و ناداران است.

۷. «احساس فقر» برداشتی متفاوت از فقر است که در روانشناسی مثبت‌گرا به عنوان چالشی برای بهباشی، شادکامی و رضایت‌مندی مورد بررسی قرار می‌گیرد. چراکه فقر امری کمی و عینی است که فرد خود را در مواجهه با آن درمی‌یابد، اما فقر ذهنی، امری کیفی و

روانی است و لزوماً همراهی با فقر عینی ندارد، به گونه‌ای که فرد گاه با وجود ابتلای به فقر عینی، از چالش ذهنی درگیری با فقر رها بوده و در بند مسائل آن قرار ندارد.

۸. تأکید بر جایگاه باور نادرست فقر ذهنی بر تأخیر و یا پشیمانی از تشکیل خانواده و فرزندآوری، به معنای نادیده گرفتن فقر عینی و تأثیرات منفی آن بر اقتصاد و روند زندگی را ندارد. چالشی اساسی و انکارناپذیر که در صورت مدیریت ناصحیح، استعداد زمینه‌سازی تکوین بحران‌های خرد و در صورت تراکم، شدت‌یابی و دوام، شکل‌گیری بحران‌های کلان و تأم را در پی داشته و حیات و پویایی جامعه را به خطر می‌افکند.

۹. بی‌تردید دین مبین اسلام، تنها ناظر به ابعاد معنوی و روحی انسان نیست، بلکه برای پیروان خود، سعادت مادی و معنوی را، توأمان می‌خواهد. اسلام نه بسان رهبانیت مسیحی، بهره‌گیری از مواهب مادی را به کلی نکوهش می‌کند، و نه همچون یهودیت افراطی، غرق شدن در مادیات و غفلت از معنویات را رخصت می‌دهد. بلکه افزون بر آن که دینداران را از وارد ساختن افکار منفی توسط شیطان آگاه ساخته و آنان را متوجه توکل و باور قلبی به توانمندی و رزاقیت خداوند متعال می‌سازد، با ارائه راهکارهایی ایشان را در مسیر خداآوری و دستیابی به آرامش روانی و رهایی از القائنات شیطانی در زمینه تنگدستی، با تمرکز صحیح بر منابع مادی و مدیریت صحیح آن یاری می‌نماید.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۲۶. آقاپور، سید مهدی و احمد فرخی، ۱۳۸۳ش، گزارش ارزیابی عملکرد صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران طی برنامه سوم توسعه (۸۳ - ۱۳۷۹) رویکرد جوانان، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی علمی، معاونت فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۷. آموزگار، محمد حسن، ۱۳۷۲ش، اخلاق و تربیت اسلامی، تهران، اول، انجمن اولیاء و مربیان.
۲۸. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ش، الخصال. تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۹. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۳ش، الامالی. تهران، کتابچی.
۳۰. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۲ش، الخصال، محقق و مصحح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۳۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۸ق، التوحید، محقق و مصحح هاشم حسینی، قم، اول، جامعه مدرسین.
۳۳. ابن منظور، محمد بن مُکَرَّم المصری الأنصاری، ۱۴۱۰ق، لسان العرب. بیروت، دار صادر.
۳۴. احمدی، سید احمد، ۱۳۸۲ش، روان شناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان، دهم، انتشارات مشعل.
۳۵. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، کشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام، تصحیح و تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی.
۳۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، المحاسن، قم، دوم، دار الکتب الإسلامیة.
۳۷. برک، لورای، ۱۳۸۵ش، روان شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، ارسباران.
۳۸. بی‌ریا، ناصر و همکاران، ۱۳۷۵ش، روان شناسی رشد (۱ و ۲) با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت.
۳۹. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۹۶ش، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۴۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱ش، مفاتیح الحیاة، قم، اسراء.
۴۱. حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول، قم، دوم، جامعه مدرسین.
۴۲. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۰ش، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۳. حمیری، عبد الله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، قرب الاسناد، قم، اول، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۴۴. دبس، موریس، ۱۳۳۵ش، بلوغ، ترجمه حسن صفاری، تهران، دوم، کتابفروش علی اکبر علمی.
۴۵. رئیس دانا، فریبرز، ۱۳۸۴ش، «اندازه گیری شاخص و پویش فقر در ایران»، رفاه اجتماعی، شماره ۱۷.
۴۶. شاذلی، سید قطب، ۱۳۸۶ق، فی ظلال القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲ش، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه محمد علی گرامی و سید هادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.
۴۸. شریعتمداری، علی، ۱۳۶۶ش، روان شناسی تربیت، تهران، امیرکبیر.
۴۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۹ش، نهج البلاغة، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
۵۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، اول، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۵۱. صدر، سید محمد باقر، ۱۳۷۵ش، اقتصاد ما، ترجمه محمد مهدی برهانی، تهران، مؤسسه انتشارات اسلامی. انتشارات برهان.
۵۲. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۵۳. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ق، مکارم الاخلاق، قم، چهارم، الشریف الرضی.
۵۴. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق، الامالی، قم، اول، دار الثقافة.
۵۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، العین، قم، نشر هجرت.
۵۶. فلسفی، محمد تقی، ۱۳۶۸ش، الحدیث (روایات تربیتی)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۷. القندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۱۶ق، ینایع المودّة لذوی القربی، تحقیق علی جمال اشرف الحسینی، تهران، اول، دارالاسوة.

۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، الکافی، محقق و مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، چهارم، دارالکتب الإسلامية.
۵۹. کندی ادی، سموئیل، ۱۳۸۱ش، آیین شهریاری سیاسی در شرق، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶۰. لطف آبادی، حسین، ۱۳۸۴ش، روان‌شناسی رشد (۲) نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، تهران، سمت.
۶۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، دوم، دار احیاء التراث العربی.
۶۲. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۹ش، حکمت نامه جوان، ترجمه مهدی مهریزی، قم، هشتم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
۶۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸ش، میزان الحکمة، قم، دهم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
۶۴. مراغی، احمد مصطفی، ۱۹۸۵م، تفسیر المراغی. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲ش، سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا.
۶۶. مغنیه، محمد جواد، ۱۹۹۰م، تفسیر الکاشف، بیروت، دار العلم للملایین.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، اول، دارالکتب الإسلامية.
۶۸. منصور، محمود و پریخ دادستان، ۱۳۸۱ش، روان‌شناسی ژنتیک (۲) از روان تحلیل‌گری تا رفتارشناسی، تهران، انتشارات رشد.
۶۹. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
۷۰. هفرن، کیت و ایلونا بونیول، ۱۳۹۷ش، روان‌شناسی مثبت‌گرا؛ نظریه‌ها، پژوهش‌ها و کاربردها، ترجمه محمد تقی تبیک و محسن زندی، قم، دارالحديث.

---

## کارکرد اعتقاد به توحید ربوبی در بُعد اقتصادی سبک زندگی از منظر قرآن

---

فاطمه همایون<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)  
احمد خدارحمی<sup>۲</sup>

### چکیده

سبک زندگی یکی از ابعاد مهم زندگی اجتماعی است که در سالهای اخیر از سوی مقام معظم رهبری مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. عقاید بنیادین از قوی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری سبک زندگی است. اعتقاد به توحید ربوبی که تدبیر و مدیریت همه‌جانبه خداوند متعال نسبت به شئون زندگی انسان و همه مخلوقات است تأثیر بسزایی در همه ابعاد سبک زندگی از جمله رفتارهای اقتصادی دارد. در این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که اعتقاد به ربوبیت خداوند چه نقشی در سبک زندگی اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف دارد؟ با بررسی تحلیلی - توصیفی آیات قرآن و نظرات مفسران، نتایج قابل توجهی به دست می‌آید که اعتقاد به اصالت مالکیت خداوند، تقید به تقوای

---

۱. طلبه سطح چهار علوم و معارف قرآن جامعه الزهرا (س)، a.fhomayoon@ymail.com

۲. کارشناسی ارشد رشته مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی قم a.fhomayoon@ymail.com

الهی، اجتناب از کم فروشی، اجتناب از معاملات حرام، مصرف امور حلال، اعتدال در مصرف، کمک به محرومین و... از جمله آنهاست.

کلید واژگان: توحید ربوبی، سبک زندگی، اقتصاد، توزیع، مصرف.



## مقدمه

سبک زندگی از این جهت که از مؤلفه‌های شکل‌گیری تمدن‌های بشری محسوب می‌شود، اهمیت مضاعف دارد. سبک‌هایی از زندگی که تا امروز مقابل دیدگان بشر بوده و الگوی رفتاری و عملی او شده است معمولاً از پشتوانه‌های نظری برخوردار بوده است و بر اساس آن پشتوانه‌های نظری سبک‌های مختلف، شکل یافته‌اند. گاهی این پشتوانه‌های نظری (زمینه‌ها) انسانی و غیر الهی و با نگاه‌های مادی و محوریت انسان (امانیسمی) و لذت، سود و زیان‌های او شکل گرفته، خروجی آن، سبک زندگی است که امروزه در جوامع غربی، مشاهده می‌شود.

اما دسته دیگری از پشتوانه‌های نظری (زمینه‌ها) که بر اساس آن اسلوب و سبک زندگی می‌تواند شکل بگیرد و مبنای رفتار و عمل بشر قرار گیرد، آموزه‌های الهی دینی است. در این نوع از سبک زندگی به جای محوریت قرار گرفتن انسان، مبدأ عالم هستی و دستورات او به عنوان خالق عالم هستی، مبنای عمل در شکل‌گیری سبک زندگی قرار می‌گیرد. باور این که ربوبیت و تدبیر عالم هستی به دست خداست چون او خالق عالم است و تدبیر عالم از خلقت جدایی‌پذیر نیست، با عنوان توحید ربوبی، یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های دینی است. اگر این باور در ابعاد مختلف زندگی نهادینه شود، آن گاه سبک زندگی فرد در همین بستر شکل خواهد گرفت و زندگی انسان همانی خواهد شد که پروردگارش برایش ترسیم کرده است. قرآن، کتاب هدایت و در بردارنده برنامه زندگی انسان است. در همین راستا آیات بسیاری با مضامین متفاوت این برنامه را ترسیم می‌کند. انسان موحد، نیاز دارد برای دستیابی به این سبک به مهم‌ترین منبع دینی که قرآن است مراجعه کند.

در قرآن، شیوه زندگی انسان جهت دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی در ضمن آیات متعددی، بیان شده است. از جمله آیاتی که می‌توان برای به دست آوردن سبک زندگی به آن‌ها مراجعه نمود، آیاتی است که به مسئله توحید ربوبی، پرداخته است.

براین اساس در این نوشتار، با توجه به اهمیت اقتصاد در زندگی چه فردی و چه

اجتماعی و توصیه رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم نسبت به توجه به سبک زندگی، تلفیق بین این دو سرفصل انجام شده و بخشی از الگوی اعتقاد به ربوبیت خدای یگانه و برخی از تأثیرات رفتاری و بینشی این اعتقاد در بُعد اقتصادی زندگی با نظر به آیات الهی ترسیم شده است.

با اعتقاد به این که خدا مالک حقیقی است و قبض و بسط رزق و روزی یک انسان به دست خداست و همراهی این اعتقادات با تقوا، راهگشا و راهنمای عملی انسان در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف در زمینه اقتصاد، خواهد بود.

#### پیشینه

باتوجه به بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته، به صورت عام و کلی در موضوع «توحید ربوبی» تالیفات متعدد و مفصل در منابع تفسیری، کلامی تشیع و تسنن وجود دارد. در ارتباط با کارکردها و آثار نیز به صورت جزئی‌تر پایان‌نامه‌هایی با عناوین «آثار تربیتی توحید ربوبی» و «توحید ربوبی و نقش آن در تربیت انسان از منظر آیات و روایات» و... همچنین مقالاتی نزدیک به این موضوع با عنوان «کاربست توحید ربوبی در تربیت انسان» ارایه شده است.

در بحث سبک زندگی نیز آثار متعددی به رشته تحریر در آمده که به برخی از آن‌ها مانند کتاب «دین و سبک زندگی» نوشته محمد سعید مهدوی کنی و کتاب «ظرفیت‌های پژوهش سبک زندگی از منظر آیات و روایات» با قلم سید محمد تقی موسوی فر، می‌توان اشاره کرد. همچنین رساله‌ای با عنوان «بررسی نظریه توحید ربوبی و نقش آن در سبک زندگی اسلامی از دیدگاه ملاصدرا» به قلم احمد محمدی پیرو در مقطع دکتری، مورد پژوهش واقع شده است. این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین در دو جهت تفاوت خواهد داشت.

کارکرد توحید ربوبی در سبک زندگی با محوریت آیات قرآن و به‌طور خاص در بُعد اقتصادی از سبک زندگی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته تا نقش مؤثر اعتقاد به توحید ربوبی به‌طور واضح و ملموس در زندگی برای هر مخاطبی روشن گردد.

## تعریف مفاهیم

### توحید

توحید از جهت ریشه لغوی از ماده «و. ح. د» به معنای یکی بودن، منفرد بودن (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۲۵ / ۵) تنها در ذات یاصفت است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۵۰) از جهت ساختار صرفی باب تفعیل است. «وَحَدَّه: جعله واحدا» (حسین یوسف، ۱۴۱۰، ج ۲ / ۱۲۵۲).

مشتقات این ماده بارها در قرآن به کار رفته است. «ذَرْنِي وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا» (مدثر ۷۴) اما خود واژه توحید در قرآن نیامده است از آنجاکه توحید فقط برای خداوند صحیح است در بسیاری از کتب لغت در تبیین معنای لغوی توحید، آن را برای خدا به کار برده‌اند. باتوجه به این اصل، توحید به معنای ایمان به خدای یگانه (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳ / ۴۵۰) و یا به معنای یگانه دانستن خداوند است. (فیروز آبادی، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۷۷) «التوحید: الایمان بالله وحده لا شریک له؛ (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳ / ۲۸۱) توحید، ایمان به خداوند است درحالی که یگانه است و هیچ شریکی ندارد.»

در معنای اصطلاحی، مراد از توحید، یگانگی و یکتا بودن خدای تعالی است و از این چنین وحدتی در فلسفه به وحدت حقه حقیقیه تعبیر می‌شود و این چنین وحدتی، مختص موجودی است که صرف الوجود، محض الوجود، عین الوجود و واجب الوجود است چرا که موجودی با اوصافی این چنینی یکی بیش نیست: «صرف الشیء لا یتثنی و لا یتکرر.» (طبا طبایی، ۱۴۳۴: ۲۷۸)

### رب

مالک (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱، ۳۹۹) مدبّر (طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۶۳) در حالت غیر مضاف، استعمال آن در ذات کبریایی الله است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۲۵۶)

در کتاب‌های لغوی که بر اساس آیات قرآن به واژگان پرداخته می‌شود، «رب» را به تربیت یعنی ایجاد آن به آن شیء، تارسیدن به حد کمال آن شیء معنا کرده‌اند (راغب

اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶).

هدایت شیء به سمت کمال و رفع نواقص آن به وسیله زدودن نقائص و آراستن آن است. خواه این هدایت به سمت کمال و رفع نواقص در امور ذاتی شیء، عوارض، اعتقادات، معارف، صفات، اخلاقیات، اعمال یا آداب، در مورد انسان یا حیوان یا نبات باشد. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۸/۴)

### توحید ربوبی

«رب» به معنای مالک و صاحب اختیاری است که هر لحظه در حال ربوبیت مملوک است و «رب العالمین» مالک تمام عالمین است چون او خالق است و همو که خالق است، مالک است و چون ملک حقیقی از تدبیر و ربوبیت، تفکیک پذیر نیست، صاحب اختیار مخلوقات است و برای تصرف و تدبیر و هدایتشان، به اذن کسی نیاز ندارد. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۳۴/۱)

با توجه به معنای «رب» که تدبیرکننده و کسی است که امر تربیت یک چیز را به عهده می‌گیرد؛ حقیقت تدبیر، تنظیم و نظام دهی اشیاء، به ترتیبی است که به واسطه آن نظم و نظام، آنچه که مطلوب و مقصود از آن شیء می‌باشد، تحقق پیدا کند.

بنابر این مراد از تدبیر و ربوبیت الهی این است که، او خالق عالم است و اسباب و علل را به نحوی ترتیب داده و تنظیم نموده است که مسببات و معلولات، به دنبال آن‌ها تحقق پیدا کند و هر یک از اجزاء عالم به نحو مناسب و مطلوب بردیگر اجزاء اثر گذاشته تا آن جا که هر موجودی، به کمال مناسب و هدف نهایی خود در عالم خلقت، نائل گردد. (سبحانی، ۱۳۸۹: ۶۸)

### مراتب توحید

در منابع مختلف دسته‌بندی و عناوین گوناگونی برای توحید عنوان شده است، اما از مهم‌ترین مراحل توحید می‌توان به: توحید در ذات، توحید در صفات، توحید در خالقیت،

توحید در ربوبیت و توحید در عبادت نام برد. (سبحانی، ۱۳۸۹: ۴۳). علامه طباطبائی در نهایت، توحید در خالقیت و ربوبیت را از انواع توحید افعالی بر شمرده‌اند. (طبا طبایبی، ۱۴۳۴: مرحله ۱۲)

### کارکرد

این واژه در معنای عمل (دهخدا، ۱۳۶۱: ۳۶ / ۱۳۵). کردار، فعل و رفتار (معین، ۱۱۳۸۶: ۱۱۵۷) آمده است. به‌اندازه و مقیاس کار انجام شده، کارکرد آن عمل گفته شده است. (عمید، ۱۳۶۷: ۸۰۸). مترادف با راندمان و عملکرد است.

بانظر براین معنا در این پژوهش بدنبال بررسی عملکرد و رفتار انسان‌های معتقد به توحید ربوبی در بخشی از زندگی اجتماعی انسان آن هم در جنبه اقتصادی هستیم. به بیان دیگر در این نوشتار برآنیم تا تاثیرات، نتایج و فواید آموزه توحید ربوبی در سبک زندگی انسان مؤمن به ربوبیت الهی را در ضمن آیات قران کریم که یا مستقیم به ربوبیت الهی و یا آن‌که غیر مستقیم به این مقوله پرداخته است، بررسی نماییم.

### اقتصاد

اقتصاد" به معنای گرفتن " قصد" (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۶ / ۳۹) و قصد، به معنی میانه روی، بین افراط و تفریط آمده است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳، ۱۲۸) اقتصاد در زندگی، اعتدال، حد وسط زیاده روی و تنگی در معیشت معنا شده است. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۵، ۱۹۰) علم اقتصاد سیاسی، علمی است که در مورد توزیع ثروت و نتایج و استهلاکات آن بحث می‌کند. (صلیبا، ۱۴۱۴: ۱، ۱۰۹)

### سبک

این واژه از مصدر ثلاثی مجرد به معنای گداختن و قالب‌گیری طلا و نقره است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۳۸) در گذشته این واژه در ادبیات کاربرد داشته و سبک را مجازاً به معنی طرز خاصی از نظم و نثر در مقابل استایل در زبان انگلیسی استعمال کرده‌اند. (دهخدا، ۱۳۶۱: ۲۸ / ۲۴۹) طرز، روش. (عمید، ۱۳۶۷: ۵۹۷)

## زندگی

زیستن، عمر و معاش (عمید، همان: ۵۷۸). صفتی که مقتضی حس و حرکت است. (دهخدا، همان: ۲۷/ ۴۱۱).

## سبک زندگی

سبک زندگی امروزه از مفاهیم بنیادینی محسوب می‌شود که توجه بسیاری از دانشمندان و متفکران حوزه‌های مختلف علوم را به خود جلب کرده است. (موسوی فر، ۱۳۹۵: ۱۹)

با وجود دشواری‌ای که در ارائه یک تعریف دقیق و قطعی از مفاهیم فرهنگی و اجتماعی وجود دارد، می‌توان سبک زندگی را اینطور معنا کرد:

الگوی همگرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها (سلیقه‌اش) و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند. «یا به اختصار» الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح است. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۷۸)

با این تعریف مجموعه عناصر زندگی وقتی به سبک زندگی تبدیل می‌شوند که به حد نصاب از انسجام و هم بستگی رسیده و همخوانی و تناسب داشته باشند. (حسین زاده، ۱۳۹۳: ۲۲)

در یک نگاه کلی «دین» و «سبک زندگی» اجزای فرهنگ هستند پس در حال تعامل اند. افزون بر این، تعریف‌ها و ویژگی‌های دین و سبک زندگی، نشان می‌دهد، امکان ذاتی برقراری یک رابطه میان این دو مفهوم وجود دارد. زیرا سبک زندگی مطابق تعریف، الگو یا کلیت رفتاری ناشی از تمایلات و ترجیح‌ها است و می‌دانیم تمایلات و ترجیح‌ها متأثر از نظام معنایی افراد است و یکی از نظام‌های معنایی، دین است. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۸۶).

آموزه‌ها و ساختارهایی در دین اسلام، وجود دارد که هر شخصی با نظر به آن می‌تواند به سبک زندگی اسلامی دست پیدا کند؛ یکی از این آموزه‌ها، مربوط به مباحث اعتقادی در

دین است که بخشی از این آموزه‌ها به توحید و یگانگی خدا می‌پردازد. در ذیل مباحث مربوط به توحید، شاخه‌ای از معارف با عنوان توحید ربوبی، بررسی می‌شود که الگوگیری از این آموزه‌ها موجب پیشرفت برای انسان موحد خواهد بود.

دستورات و الگوهای مورد نیاز انسان از طریق آیات و روایات برای بندگان ارسال شده تا به واسطه آن سعادت دنیا و آخرت را تأمین کند.

بر این در جهت رسیدن به یک الگویی خاص که شاخصه‌های موجود در تعریف سبک زندگی را تأمین می‌کند، در ضمن آیات در بردارنده آموزه توحید ربوبی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از رهگذر این بررسی مجموعه‌ای منظم و منسجم (سبک، روش، الگو) که در رفتار اجتماعی انسان مسلمان در حوزه اعتقادات و رفتار او قابل مشاهده باشد را تبیین و ارایه نماید.

تحقق دسته‌ای از اهداف و رفع بخش وسیعی از نقص‌ها و نیازهای انسان در گرو زندگی اجتماعی و حضور اجتماعی اوست که این حضور اجتماعی او بخشی در خانواده و بخش دیگر در اجتماع به معنای خاص آن یعنی جامعه انسانی، تعریف می‌شود.

از آن جا که در زیست اجتماعی انسان مسائل مالی و اقتصادی بخش قابل توجهی از زندگی را به خود اختصاص می‌دهد، اهمیت و ضرورت وجود یک نظام و ساختار در این بُعد از زندگی نمایان می‌شود. بر این است که در دین مبین اسلام به این بُعد از زندگی انسان توجه ویژه شده و در قالب ارائه آموزه‌ها و دستوراتی که مقتضای ربوبیت الهی است یک نظام اقتصادی را شکل داده است که رفتار و تعاملات مالی و اقتصادی یک انسان مسلمان و موحد را ذیل ربوبیت الهی دارای سبک و ضابطه‌مند می‌کند.

بانظربه فرمایشات رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم جهت تحقق تمدن نوین اسلامی، نیز، لازم است الگوی مناسبی در بُعد اقتصادی زندگی انسان موحد برای محقق ساختن این تمدن، ارائه شود.

عمل و رفتار انسان موحد معتقد به ربوبیت الهی در زمینه عملکردهای اقتصادی اش را

می‌توان به دو عنوان بینشی و رفتاری تقسیم کرد که در هریک از این عناوین، آموزه‌های والایی بر اساس آیات قرآن، راهگشا در پیشبرد اهداف اقتصادی زندگی وجود دارد.

### کارکردهای بینشی

بنابر آیه ۹۶ سوره اعراف ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...﴾ توجه و تقویت معنویت در جامعه، بازده اقتصادی دارد (قرائتی، ۱۳: ۱۲۴/۳) طبق آیه ایمان همراه تقوا می‌تواند بسیاری از رزق و روزی را برای انسان بدنبال داشته باشد. این‌که انسان بپذیرد خالق یکتا، یگانه در ربوبیت است، او را به سمت پذیرش برخی از امور می‌برد که روشن‌گر مسیر زندگی او خواهد بود.

### ۱.۱. خدا، مالک حقیقی اموال و دارایی‌ها

این‌که انسان نوع نگاهش به مالکیت حقیقی عالم و اموال و دارایی‌ها چگونه بوده و در این مسئله برای خودش چه نوع ملکیتی قائل باشد، در نوع رفتار او در مواقع برخورداری از روزی‌ها و از دست دادن اموال تأثیر مهمی دارد، این جاست که خدای متعال در آیات بسیاری از کلام معجیدش ملک عالم را از آن خود دانسته و از جمله فرموده: آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ملک خداست. «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ...» (آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، ملک خداست. بقره (۲): ۲۸۴) و نیز فرموده ملک آسمانها و زمین از آن اوست. «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»: (ملک آسمانها و زمین از آن او است، و بازگشت همه امور به سوی خداست. حدید (۵۷): ۵) پس ملکیت حقیقی عالم و آنچه در عالم هستی وجود دارد برای خداست و مالکیت انسان ملکیتی اعتباری و زائل شدنی است. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱، ۹۴)

ارائه این نوع از بینش و نگرش به مالکیت در عالم از سوی خداوند متعال به انسان: اولاً به انسان می‌فهماند که مالکیت‌های او در دنیا اعتباری است، ثانیاً آن‌که دستیابی به آن‌ها موجب غرور و سرمستی و طغیان او نشود و از جانب دیگر هم از دست دادن آن‌ها او را اندوهگین و ناامید نکند چرا که جنس مالکیت این دست امور فانی و زائل شدنی است و



بقاء و مالکیت حقیقی فقط از آن خداست و تدبیر تمامی این امور نیز به دست او بوده و ربوبیت اوست که بود و نبود هریک از این امور را رقم می‌زند.

به بیان دیگر از آن جهت که خداوند متعال خالق هستی است و ربوبیت عالم نیز از آن کسی که خالقیت از آن اوست پس لازمه این خالقیت و ربوبیت، مالکیت مطلقه و حقیقی او نسبت به عالم هستی و از جمله انسان و متعلقات انسان است چون بدون مالکیت مطلقه ربوبیت مطلقه امکان‌پذیر نیست. براین اساس که مالکیت مطلقه و حقیقی فقط برای خداوند متعال است پس هرآنچه از مالکیت برای غیر خدا متصور است غیر حقیقی و اعتباری و فانی است.

## ۱.۲. خدا؛ رزق و قبض و بسط آن

عده‌ای بر این پندارند که کثرت مال آن‌ها دلیلی بر برتری و کرامت و سعادت آن‌هاست. کما این‌که در صدر اسلام عده‌ای از مشرکان در مقابل دعوت پیامبر عظیم الشان اسلام با یادآوری برخورداری خود از مال و ثروت و دارایی، این مسئله را دلیلی بر برتری خود به حساب می‌آوردند. «وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ: و نیز گفتند: ما اموال و اولاد بیشتری داریم، و هرگز عذاب نمی‌شویم.» (سبأ (۳۴): ۳۵)

حال آن‌که در نگاه توحیدی، مال و ثروت و زیادی و کمی آن دلیل بر برتری و کرامت در نزد خدا نمی‌تواند باشد، از این روست که خداوند در آیه ۳۶ سوره سبأ «إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ... بگو این پروردگار من است، که روزی را برای هر کس بخواهد بسیار، و برای هر کس بخواهد اندک می‌سازد...» به این گفتار مشرکین جواب می‌دهد.

فرمایش علامه طباطبائی رحمته‌الله‌علیه ذیل آیه شریفه، به این بیان است:

رزق یعنی اموال و اولاد و کمی و زیادی آن به دست خداست؛ که هر کسی را به مقتضای حکمت و مصلحت از آن روزی می‌کند و اسباب به دست آوردنش را هم فراهم می‌کند و خواست انسان و کرامت و حرمتی که نزد خدا دارد هیچ اثری در کمی و زیادی رزقش ندارد. پس زیادی مال، هیچ دلالتی بر سعادت و کرامت نزد خدا ندارد. (طباطبائی،

۱۱۳۹۰: ۱۶ / ۵۷۹)

خداست که به اقتضای ربوبیت خویش به هر که بخواهد می‌دهد و از هر که بخواهد باز می‌دارد.

بنابراین کسی که معتقد به ربوبیت الهی است و منشاء و مبداء تمام ارزاق و دارایی‌های عالم را فقط خدا می‌داند و معتقد است اوست که به اختیار خود و به صلاح و مصلحت و حکمت به هرکس و به هر مقدار بخواهد می‌دهد و اگر اراده به عدم دادن کند نمی‌دهد، پس دارایی و زیادی اموال را ملاک برتری قلمداد نمی‌کند، چون این امر را اساساً مربوط به ربوبیت الهی و در اختیار او می‌داند.

در ذیل آیه ۲ سوره فاطر بیان می‌دارد، آنچه را که خدا از نعمت‌هایش یعنی از ارزاق (اعم از مادی و معنوی) که به بندگان خود عطا می‌کند، در همه عالم هستی کسی نیست که بتواند از آن جلوگیری کند و مانع از رسیدن آن به بندگان شود و آنچه را که او به مصلحت از بندگان دریغ می‌کند و به آن‌ها نمی‌دهد، کسی نیست که به جای خدا آن نعمت را به بندگان خدا بدهد. (طباطبائی، ۱۱۳۹۰: ۱۷ / ۱۵) براین اساس رساندن روزی و ارزاق و منع از آن اختصاصاً از آن خداوند متعال بوده و از اقتضائات ربوبیت اوست.

لازم به ذکر است که استشهاد و استناد به این آیات از آن جهت است که تحقق ربوبیت مطلقه خداوند متعال در این بُعد از زندگی انسان (اقتصادی و مالی) در قالب تشریح احکام و قوانین و دستورات و سفارشات است که در ضمن آیات مورد اشاره به آن‌ها پرداخته شده است. (ربوبیت تشریحی). و توجه و عمل به این دستورات است که سبک زندگی مالی توحیدی را برای انسان مؤمن میسر می‌نماید.

### ۱.۳. تقوا در امور اقتصادی

«وقی» به معنی حفظ شیء از آن چه به آن زیان و ضرر می‌رساند؛ "تقوا" از این ریشه به

معنی حفظ نفس از آن چه از آن می‌ترسد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۸۱)

انسان موحد که به ربوبیت خدای یگانه معتقد است، خود را از هر آن چه او را در معرض

مخالفت با خدای یگانه قرار دهد، حفظ می‌کند و از هر عملی که او را از رب یکتا دور کند پرهیز می‌کند؛ این همان پرهیز گاری یا همان "تقوا" است که در عرصه‌های مختلف زندگی او به صورت‌های مختلفی بروز می‌کند.

اعتقاد به تقوا در بُعد اقتصادی زندگی انسان زمینه بر خورداری از برکات الهی را فراهم می‌کند. آن چه که خداوند متعال در آیاتی از قرآن به بندگان خود متذکر می‌شود ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ...﴾ آن چه در تفسیر این آیه قابل توجه است آن است که برکات به معنی خیر کثیر بهره‌مندی از نعمات الهی در موقع مناسب و بجا و دیگر این که این انفتاح به شرط ایمان و تقوی آن هم، تقوای جامعه، نه این که تقوای یک نفر یا دونفر در اجتماع زمینه بهره‌مندی یک اجتماع را فراهم کند. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۸، ۲۰۱)

رهبر انقلاب، عملی شدن تقوا در بعد اقتصادی در جامعه را اقتصاد مقاومتی می‌داند یعنی مصداق تقوا در اقتصاد، اقتصاد مقاومتی است. بنابراین نظر می‌توان گفت اگر مردم ایران بنابر دستورالعمل‌های اقتصاد مقاومتی برنامه‌ریزی کنند از مواهب الهی به بهترین شکل آن‌ها بهره‌مند خواهند شد. "لفتحننا علیهم برکات"

ماه رمضان ماه تقوا است؛ تقوا چیست؟ تقوا عبارت است از آن حالت مراقبت دائمی که موجب می‌شود انسان به کج‌راهه نرود و خارهای دامن‌گیر، دامن او را نگیرد... در بخش‌های مختلف تقوای اجتماعی را می‌توان تعریف کرد؛ در بخش اقتصاد، تقوای جامعه عبارت است از اقتصاد مقاومتی... اقتصاد مقاومتی عامل استحکام است در مقابل آن کسانی و آن قدرتهایی که از همه ظرفیت اقتصادی و سیاسی و رسانه‌ای و امنیتی خودشان دارند استفاده می‌کنند برای این که به این ملت و این کشور و این نظام ضربه وارد کنند...؛ این می‌شود تقوای اجتماعی ما در زمینه مسئله اقتصادی ". (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۴/۲۰)

### کارکردهای رفتاری

با استناد به آیات قرآن می‌توان دریافت که باورها تأثیر بسزایی در اعمال و رفتار آدمی دارد.

(رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۲۱، ۲۵۵) آن جاکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ﴾ (هود (۱۱): ۱۲۱)

این آیه نشانگر آن است که باور و عقاید آن چنان در مخالفان تأثیر داشته که هیچ یک از اقدامات در جهت هدایت آن‌ها به حق و حقیقت رهنمون نبوده و در نهایت خداوند متعال فرموده بر اساس همین اعتقاد تان عمل کنید، ما هم بر اساس اعتقاد خود عمل می‌کنیم تا در نهایت حقیقت روشن شود.

از این منظر است که می‌توان به کارکرد اعتقاد به توحید ربوبی در عمل و رفتار و مطابق هدف این نوشتار، کارکرد آن در بعد اقتصادی زندگی، پرداخت.

اگر اقتصاد را درسه حزه تولید، توزیع و مصرف، مورد بررسی قرار دهیم، اعتقاد به توحید ربوبی در این سه حوزه تأثیرات رفتاری و عملکردهایی در راستای ساماندهی به سبک زندگی اسلامی خواهد داشت.

## ۱.۲. کارکرد اعتقاد به توحید ربوبی در حوزه تولید

قرآن به گستردگی منابع تولید عقیده دارد ﴿وَأَتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا...﴾: از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آن‌ها را شماره نتوانید کرد" (ابراهیم (۱۴): ۳۴) با توجه به این که همه چیز در زمین هستباید با مدیریت صحیح، از منابع موجود استفاده کنند.

فَعَالِيَتِ هَاي تُولِيْدِي، عنصر اساسی در طلب روزی است و برای اهمیّت و تشویق به آن، می‌توان از آیات متعدّد قرآن کریم استفاده کرد. قرآن تصرّف در عوامل تولید و نهادهایی که خداوند برای بشر خلق کرده، توصیه و به شکر این نعمت‌ها و استفاده درست از آن‌ها تأکید و نیز دوری کردن از تصرّف در عوامل تولید را پیروی از گامهای شیطانی دانسته است و نکوهش می‌کند. (عبداللهی عابد، ۱۳۹۳: ۱۲۲) به طور مثال در آیه ۱۲ سوره اسراء، خداوند اگر روز که یکی از عناصر طلب روزی است را آیت و نشانه دانسته برای آن بوده که بندگان رزق پروردگار خود را در روز طلب می‌کنند و این امر از مدبرات رب عالم است.

همچنین در آیاتی اینچنینی ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...﴾ (ابراهیم (۱۴): ۳۲ - ۳۴) خداوند متعال از راه اختصاص تدبیر عام موجودات از قبیل نظام خلقت و فرستادن آب از آسمان، بیرون کردن رزق از زمین، تسخیر دریاها (جائیه (۴۵): ۱۲ - ۱۳)، آفتاب و ماه، شب و روز (نحل (۱۶): ۱۲ - ۱۴) و... اختصاص ربوبیت را برای خداوند متعال توصیف می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۵۸/۱۲)

## ۲.۲. کارکرد اعتقاد به توحید ربوبی در حوزه توزیع

در آیه شریفه ﴿تَوَاتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾ دلالتی است بر حکم عمومی که متوجه جامعه اسلامی است و آن حکم این است که جامعه برای خود شخصیتی واحد دارد که این شخصیت واحده مالک تمامی اموال روی زمین است و خدای تعالی زندگی این شخصیت واحده را به وسیله این اموال تأمین کرده و آن را رزق وی ساخته است، پس بر این شخصیت لازم است که امر آن مال را اداره نموده، در معرض رشد و ترقی قرار دهد. (طباطبائی، همان: ۴، ۲۷۳) برنامه ریزان اقتصادی در نظام اسلامی باید به تعدیل ثروت و عدم تمرکز آن در دست یک گروه خاص توجه داشته باشد. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۴۴/۹) ﴿...كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...﴾ (حشر (۵۹): ۷)

اسلام برای توزیع عادلانه ثروت، به جای توسل به زور و سلب مالکیت افراد، با پیوند دادن امور اقتصادی با مسائل اعتقادی و بالا بردن سطح ایمان و اخلاق در جامعه اسلامی، تمام روابط اقتصادی اجتماعی و به ویژه روابط توزیعی را مربوط به خود انسان می‌داند و او را مسئول آن‌ها می‌شمارد. از این رو می‌بینیم در اسلام پیوند بین اقتصاد و باورهای اعتقادی به اندازه‌ای قوی است که تفکیک بین آن‌ها در بعضی موارد امکان‌پذیر نیست برای مثال هرچند بعضی از واجبات مالی مانند خمس و زکات و برخی انفاق‌ها به ظاهر در زمره مباحث اقتصادی قرار می‌گیرند، ولی در واقع جزء مسائل عبادی به شمار می‌رود و به همین جهت قصد قربت شرط نخست برای قبولی آن‌هاست. (محقق نیا، ۱۳۹۴: ۴۲)

## ۲.۲-۱. اجتناب از کم‌فروشی

معاملات مالی، مخصوصاً خرید و فروش از ارکان حیاتی انسان اجتماعی است، آن چه را انسان به آن نیاز دارد و آن بهایی که در مقابل نیازش می‌پردازد با کیل اندازه‌گیری می‌کند و بر اساس این اندازه‌گیری تدبیر امور زندگی را می‌کند بنابراین اگر در معامله‌ای از راه نقص و مکیال و میزان به او خیانت شود که خود شخص متوجه آن نگردد، تدبیر او در زندگی‌اش باطل می‌شود و در این مسیر دچار سردرگمی می‌شود و این خود فساد است. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۰/۳۶۳)

در آیه ۸۵ سوره اعراف خداوند متعال در جهت شکل‌گیری روابط مالی و اقتصادی سالم انسان‌ها را به توحید ربوبی و اصول توحیدی توجه می‌دهد و به آن‌ها یادآور می‌شود:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ﴾.

اولاً: بنده خدا باشید. ثانیاً: از جانب پروردگار شما بین و نشانه‌ای آمده (دستور) و در ضمن آن از شما خواسته شده است که اقتضای ربوبیت خدا را در زندگی اقتصادی خود رعایت کنید و در روابط مالی و اقتصادی بین خود به دستورات الهی ملتزم بوده و درست رفتار کنید و با نقض دستورات الهی کم‌فروشی در زمین ایجاد فساد نکنید. پس مؤمن واقعی کسی است که در این جنبه از زندگی (مالی و اقتصادی) خود را ملزم به دستورات الهی و ربوبیت او می‌داند.

بنابر نص آیه شریفه لازمه اعتقاد به ربوبیت خداوند، اجتناب از کم‌فروشی است. یادآوری این نکته مفید است که مفهوم کم‌فروشی در هر شغل و صنفی مصادیق خاص خود را دارد، کارمندان، معلمان، کارگران و... هر کدام به نوعی می‌توانند مخاطب این دستور ویژه قرآنی باشند.

## ۲.۲-۲. کمک به مؤمنین

انسان مؤمن و متعبد به بندگی خدا و مترقی به ربوبیت الهی و دستورات او در زندگی اجتماعی نسبت به مشکلات و گرفتاری‌های افراد جامعه ایمانی بی‌تفاوت نبوده و کمک و

احسان به مؤمنین و رفع گرفتاری از آن‌ها را از جمله وظایف اجتماعی خود می‌داند. بر اساس آیات قرآن این کمک و مساعدت او نسبت به مؤمنین نه تنها برای گیرنده کمک و جامعه آثار و فوایدی خواهد داشت، علاوه بر آن برای شخص کمک‌کننده نیز اجر و پاداش اخروی و آثار دنیوی همچون افزایش و برکت در اموال و دارایی را در پی خواهد داشت و لذاست که در پی انفاق و احسان و قرض دادن به مؤمنین نیازمند، آثار و فوایدی برای احسان‌کننده نیز حاصل می‌شود. در ادامه آیاتی که در آن‌ها مسئله کمک به دیگران در قالب انفاق و قرض به دیگران، هم به عنوان یک دستور دینی اجتماعی و هم آثار این امور برای شخص احسان‌کننده پرداخته شده است، اشاره می‌شود.

## ۲.۲ - ۳. انفاق دستور الهی

در آیه ۲۵۴ سوره بقره، خداوند متعال اهل ایمان را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾: شما که ایمان دارید پیش از آن‌که روزی بیاید که در آن معامله و دوستی و شفاعت نباشد از آنچه روزیتان کرده انفاق کنید و کافران خود، ستمگرانند. (بقره (۲): ۲۵۴)

انفاق در اصطلاح، بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه و یا بخشش کردن مال‌های خویش در راه جهاد و دین و هر آن چه که خدا به آن دستور داده است می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۵۱۵)

از جمله مصادیقی که می‌توان در آن راه، انفاق و بذل مال کرد و مورد دستور و تأکید خداوند متعال می‌باشد کمک به مؤمنین و رفع گرفتاری از آحاد جامعه ایمانی است. در این آیه شریفه به مسئله رزق «رزقناکم» به عنوان یکی از شئون ربوبیت که از جانب خداوند متعال به انسان و دیگر مخلوقات هریک به تناسب نیاز آنها اعطا می‌شود، اشاره شده و خداوند متعال می‌فرماید از آنچه که به اقبضای ربوبیت خویش به شما اهل ایمان روزی داده‌ایم انفاق کنید. به بیان دیگر مخاطب قرار دادن اهل ایمان از جانب خداوند متعال و امر کردن آن‌ها به انفاق در دایره ربوبیت او نسبت به مسائل مالی جامعه ایمانی و آثار این عمل، هم برای

خود انفاق کننده و هم در جهت کمک به دیگران و رفع فقر و نیاز عده‌ای از جامعه قابل طرح است. و نکته‌ای که در این آیه هست این است که ذیل آیه دلالت دارد بر این که سرپیچی کردن از انفاق، کفر و ظلم است. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲/۳۲۳)

در آیه ۲۶۱ سوره بقره ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾: حکایت آنان که اموال خویش را در راه خدا انفاق می‌کنند حکایت دانه‌ای است که هفت خوشه رویانیده که در هر خوشه صد دانه باشد، و خدا برای هر که بخواهد، دو برابر هم می‌کند، که خدا وسعت بخش و دانا است.» نیز به مسئله انفاق و آثار آن برای انفاق کننده پرداخته شده است.

این آیه و آیات بعد از آن که در یک سیاق هستند به مسئله انفاق، اشاره دارد. مؤمنین را تشویق به انفاق در راه خدا می‌کند و برای زیاد شدن و برکت مال انفاق شده، مثلی را بیان می‌کند، که یک درهم از مال انفاق شده هفتصد درهم می‌شود و چه بسا که خدا بیشترش هم کند.

بدیهی است زیاد شدن مال یا ثواب برای انفاق کننده از شئون ربوبیت الهی است. بنابراین اعتقاد به ربوبیت خداوند و وعده‌ای که در این آیه و امثال آن داده شده تأثیر شگرفی بر انفاق و کمک به محرومین دارد.<sup>۱</sup>

کوتاه سخن این که این آیات مردم را دعوت به انفاق می‌کند و هدف از انفاق، نه برای مردم که باید برای خدا باشد.

## ۲.۲-۴. قرض

از دیگر مصادیق کمک و احسان به مؤمنین قرض دادن به آنهاست. مسئله‌ای که در آیه ۲۴۵ سوره بقره ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعفه له أضعافاً كثيرةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾: کیست که خدا را وامی نیکو دهد و خدا وام او را به دو برابری بسیار افزون

۱. بقره (۲): ۲۶۲ و ۲۷۴، انفال (۸): ۳ و ۴، سبأ (۳۴): ۳۹.



کند خدا است که تنگی می‌آورد و فراوانی نعمت می‌دهد و به سوی او بازگشت می‌یابید.» (بقره (۲): ۲۴۵) و در همین آیه به آثار این عمل برای قرض دهنده نیز اشاره شده است. زیبایی ادبی این فراز از آیه نیز قابل توجه است که همین نوع بیان نیز از ربوبیت یگانه‌ای خداست این‌که خداوند متعال کلام خود در مورد قرض را مانند درخواست جهاد به صورت امری بیان نکرد و با سیاق استفهام دعوت و تشویق نمود؛ این امر در ذهن مخاطب تأثیر مثبتی در انجام این عمل خواهد داشت. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲/۲۸۴)

خدای تعالی هزینه‌هایی را که مؤمن در راه او خرج می‌کند (قرض)، قرض گرفتن خودش نامیده است. این به خاطر آن است که اولاً می‌خواهد مؤمنین را بر انجام این کار (قرض دادن) تشویق کند و هم برای این است که انفاق و خرج‌های او می‌کند برای خاطر خدا بوده و دیگر آن‌که خدای سبحان در مقابل این انفاق و قرض دادن به زودی عوض آن را چند برابر به صاحبش برمی‌گرداند. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲/۲۸۵)

بنابر این قرض دادن نیز به عنوان یکی دیگر از دستورات الهی و ربوبیت و تدبیر او در ارتباط با زندگی مالی انسان و سامان دادن به این بعد از زندگی انسان بر اساس دستورات الهی مورد توجه قرار گرفته است. عملی که برای قرض دهنده باعث رشد در اموال اوست و آثار و پاداش آخروی را برایش بدنبال دارد و هم برای جامعه و دیگران در برآورده کردن نیاز آن‌ها مؤثر است.

بنابراین یکی از آثار اعتقاد و ایمان به ربوبیت الهی در ساحت زندگی اجتماعی و خصوص مسائل مالی، عنوان کمک به دیگران بوده که از جانب خداوند متعال و به اقتضای ربوبیت او در این بعد از زندگی مؤمنین در قالب امر و دستور و یا توصیه و سفارش به اموری مثل انفاق و قرض و... مورد توجه قرار گرفته است.

### ۳.۲. کارکرد اعتقاد به توحید ربوبی در حوزه مصرف

یکی از آثار اعتقاد به ربوبیت الهی و تدبیر او در نظام عالم و زندگی و رفتار عملی انسان در جریان الگوی مصرف و کیفیت و کمیت در بهره‌مندی و استفاده انسان از مواهب و

نعمت‌ها است. مؤمن و معتقد به ربوبیت پروردگار عالم، دستورات او را ملاک عمل قرار می‌دهد تا در مصرف، بر آن اساس عمل کند. ربوبیت الهی در این بخش از زندگی انسان در قالب ربوبیت تشریحی که در ضمن بیان آیات صورت گرفته، محقق است.

### ۳.۲-۱. اعتدال در مصرف

اعتدال مصدر باب افتعال از ریشه «ع دل» به معنای حد متوسط بین دو وضعیت دیگر است. (ابن منظور، ۸۵/۹؛ فیروز آبادی، ۱۳/۲). (عدل). مقابل اعتدال، افراط و تفریط است. (مصطفوی، ۶۱۶/۹؛ فرط).

اعتدال مفهومی فراگیر است و طبق آیات قرآن و آموزه‌های دینی همه شئون زندگی انسان اعم از افکار، کردار، خواب و خوراک، کار و عبادت و مصرف و حتی عالم خلقت و اجزای آن را شامل می‌شود.

از دیدگاه قرآن انسان موجود نیازمندی است که خداوند برای رفع نیازهایش زمین و طبیعت را رام او گردانیده و امکانات و منابع و نعمت‌هایش را در اختیار او قرار داده تا مصرف نماید. شکل و الگوی مصرف و استفاده از این امکانات در زندگی فردی و اجتماعی اهمیت فراوانی دارد.

الگوی نادرست مصرف قطعاً تبعات، مفساد و مشکلات فردی و اجتماعی را در پی خواهد داشت و در طرف مقابل، وجود یک الگوی صحیح مصرف، زمینه استفاده بهتر و بیشتر فرد و اجتماع را فراهم می‌آورد.

در جوامع امروزی به علت افزایش جمعیت و وجود سبک‌های مختلف زندگی، اصلاح الگوی مصرف بیشتر از پیش مورد اهتمام و توجه قرار گرفته است.

در جامعه دینی بهترین راه جهت دستیابی به این الگوی صحیح مصرف، مراجعه به دستورات الهی و دینی می‌باشد. با مراجعه به آیاتی از قرآن که در ضمن آن‌ها مسئله مصرف مورد بررسی قرار گرفته است؛ این امکان فراهم می‌شود که انسان در استفاده و بهره‌برداری و مصرف از یک الگوی رفتاری صحیح برخوردار باشد.

## ۳.۲- ۱- ۱. اعتدال در قرآن

الگوی که قرآن در مصرف معرفی می‌کند، اعتدال و میانه‌روی است. الگویی که اولاً، همه امور زندگی انسانی را شامل می‌شود و ثانیاً، در آن هم جانب تفریط و به زحمت انداختن و محروم ساختن خود و دیگران از امکانات و مواهب و هم جانب افراط و زیاده‌روی که زمینه فساد و تباهی و محرومیت دیگران فراهم می‌شود مردود است و حد متوسطی از رفتار در مصرف را معرفی می‌کند.

آن جا که خداوند متعال اجازه خرید و فروش را صادر کرده و در مقابل به حرمت ربا، ریال، اشاره نموده است، خود، رهنمون به این نکته است که در اقتصاد و امور مربوط به اقتصاد در مصرف، باید برخط اعتدال، پیش رفت و زیاده‌خواهی، اثرات بدی بر جامعه خواهد گذاشت. (خویی، ۱۳۸۲: ۱۰۰)

در این الگوی قرآنی میانه روی حتی در امور خیر همچون انفاق مورد سفارش است و میانه روی عامل پایداری خانواده و اجتماع معرفی می‌شود. ﴿وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ و کسانی که چون خرج می‌کنند اسراف نکنند و بخل نورزند و میان این دو معتدل باشند. " (فرقان (۲۵): ۶۷)

انفاق به معنای بذل مال و صرف آن در رفع حوائج خویشتن و دیگران است. کلمه «اسراف» به معنای بیرون شدن از حدی است که رعایت آن حد سزاوار و پسندیده است. در مقابل اسراف کلمه قتر است که به معنای کمتر انفاق کردن است و کلمه «قوام» به فتح قاف به معنای حد و سطر و معتدل است و همین کلمه به کسر قاف «قوام» به معنای مایه قوام هر چیز است. بندگان رحمان انفاق می‌کنند و انفاقشان همواره در حد و سطر و میان اسراف و اقتار است. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۲۴۰)

در مقابل اعتدال و میانه‌روی اسراف قرار می‌گیرد (چه در جانب تفریط و چه در جانب افراط) که در آیات فراوانی این مسئله به شدت مورد نهی و نکوهش قرار گرفته است. قرارگیری آیاتی که اعتدال و میانه‌روی را معرفی می‌کنند در کنار آیاتی که از اسراف و

تبذیر نهی و پرهیز می‌دهند، الگوی قرآنی در مصرف را شکل می‌دهند.

آیه ۳۱ اعراف از جمله آیاتی است که خداوند متعال در این آیه نهی از اسراف کرده‌اند. ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾: ای فرزندان آدم! زینت و آراستگی خویش را نزد هر مسجدی اتخاذ کنید و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید زیرا او اسراف کنندگان را دوست ندارد. (اعراف (۷): ۳۱) در این آیه دو امر اباحی «کلوا و اشربوا» و یک نهی تحریمی (لا تسرفوا) است و جمله «انه لایحب المسرفین» نهی تحریمی را تعلیل می‌کند. در این آیه اسراف که به معنای تجاوز از حد در هر عملی (از جمله مصرف) است حرام اعلام شده و حکم تکلیفی اسراف را بیان می‌کند. (طباطبائی، همان: ۸۲/۸)

آیه دیگری که به مسئله اسراف و حرمت (نهی تحریمی) آن اشاره دارد آیه ۱۴۱ سوره انعام است. ﴿وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾. (انعام (۶): ۱۴۱) در این آیه نیز نهی از اسراف به نحو تحریمی است با توجه به عبارت «انه لایحب المسرفین». مراد از اسراف آنست که در این آیه مورد نهی واقع شده این است که از این میوه‌ها و غلات از آن حدی که برای معاش شما صالح و مفید است تجاوز نکنید درست است که شما صاحب آن هستید و لکن نمی‌توانید در خوردن آن و و بذل و بخشش از آن زیاده روی کنید و یا در غیر آن مصرفی که خدا معین کرده است به کار برید مثلاً در راه معصیت خدا صرف نمایید. (طباطبائی، همان: ۳۶۴/۷)

بررسی آیاتی که به مسئله اعتدال اشاره کرده و نیز آیاتی که از اسراف پرهیز داشته‌اند از آن جهت است که این آیات در واقع دستورات الهی که همان تحقق ربوبیت تشریحی الهی است را بیان می‌کنند، براین اساس است که در ذیل کارکردهای توحید ربوبی، اعتدال در مصرف نیز به‌عنوان یکی از کارکردهای عملی اعتقاد به ربوبیت و تدبیر مطلقه الهی ذکر می‌شود.

### ۳.۲- تبذیر؛ عمل شیطانی

تبذیر زیرمجموعه اسراف محسوب می‌شود و به معنای پاشیدن با اسراف است. تبذیر،

افشاندن و پاشیدن به منظور افساد است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۴۱۰)

مسئله تبذیر و آثار و تبعات آن در سوره اسرا ذکر شده است. ﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾: چه اسرافکاران برادران شیطان هایند، و شیطان کفران پروردگار خود کرد. (اسراء (۱۷): ۲۷). علامه طباطبائی رحمته الله علیه در تفسیر این آیه چنین می‌فرماید:

جمله ﴿ان المبدیرین كانوا اخوان الشیاطین کان الشیطان لربه کفورا...﴾ تعلیلی بر نهی از تبذیر و حرمت آن است. در این آیه شریفه تبذیر عملی شیطانی معرفی می‌شود و در ایجاد پیوند و وجه ارتباط بین مبذرین و شیطان، به ویژگی خاصی از شیطان تعلیل می‌آورد و آن کفران او به مقام ربوبیت است ﴿كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كُفُورًا﴾. (طباطبائی، همان: ۱۳ / ۸۲)

بنابراین کسی که در مصرف اهل تبذیر است و الگوی او در مصرف غیر از الگویی که خداوند متعال به اقتضای ربوبیت خود برای انسان مؤمن در این بخش توصیه کرده، باشد در واقع ربوبیت خدا را نادیده گرفته و مرتکب کفران و ناسپاسی نسبت به ربوبیت می‌شود.

در نگاه قرآنی، انسان مؤمن اگر قرار است بر اساس الگویی که پروردگارش در مسئله مصرف و استفاده از مواهب و امکانات ترسیم کرده است رفتار کند؛ اولاً، لازم است در همه شئون اعتدال و میانه روی را سرلوحه عمل خود قرار داده ثانیاً، از اسراف و تبذیر پرهیز نماید که آیات قرآن کریم با ارایه دستوراتی در هر دو جهت مورد اشاره نوعی از الگو در مصرف را در سبک زندگی معرفی می‌کند که در این الگوی مصرف، حد وسط و اعتدال معیار بوده و دو طرف آن یعنی افراط و تفریط در مصرف منهی و مذموم برشمرده می‌شود.

این الگوی مصرف با توجه به دستورات خداوند متعال در ضمن آیات کریمه که ناظر به رفتار و عمل انسان در حوزه مصرف اوست به دست می‌آید و به عنوان یک ضابطه و قانون الهی بر سبک زندگی او در این بخش (مصرف) حاکم و مبنای عمل خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

اقتصاد ورشد و پیشرفت در آن، مؤلفه مهم تمدن اسلامی است و به جهت تأثیر زیاد این موضوع در سبک زندگی انسان‌ها، نیاز است با بررسی و تحلیل آیات قرآن، کتاب جامع انسان ساز، برنامه عملی مناسبی جهت ارائه تمدن نوین اسلامی، تبیین گردد.

رهبر معظم انقلاب در بیانات مختلف به سبک زندگی و بحث اقتصاد و اهمیت آن، توجه داده و در موارد مختلفی چون بیانیه گام دوم، راهکارهایی در راستای اقتصاد مانند اقتصاد مقاومتی و دستورات مهمی در توجه به سبک زندگی داشته‌اند.

با تحلیل و بررسی آیات قرآن در زمینه اقتصاد با رویکرد توجه به توحید ربوبی، آیات بسیاری با تکیه بر این اعتقاد کارکردهای بینشی و رفتاری را برای انسان تصویر می‌کند.

انسان با اعتقاد به توحید ربوبی درمی‌یابد که مالکیت حقیقی از آن خداست و برنامه‌های اقتصادی در زندگی را برپایه این اعتقاد برنامه‌ریزی می‌کند و در اجرای برنامه‌های اقتصادی خویش با تقوا برخورد کرده تا از خیر کثیر الهی بهره‌مند گردد و متوجه براین موضوع است که قبض و بسط اموال دنیا به دست خداست و تأسف بر نداشته‌ها و از دست دادن داشته‌ها نخواهد خورد.

همچنین آیات قرآن در زمینه رفتار اقتصادی در هر سه حوزه تولید، توزیع و مصرف، کارکردهایی را بر اساس اعتقاد به توحید ربوبی ترسیم می‌کند. خداوند متعال، شب و روز و آسمان و زمین، دریاها و... را به تسخیر انسان در آورده تا در تولید در پیشبرد زندگی از آن‌ها بهره‌برد. در بحث توزیع نیز، جامعه اسلامی به طور عادلانه توزیع ثروت کند و در همین راستا کمک به مؤمنین، انفاق و قرض را می‌توان از برخی کارکردهای اعتقاد به توحید ربوبی در حوزه توزیع دانست. در مرحله مصرف نیز آموزه‌هایی چون اعتدال در مصرف و دوری از تبذیر الگویی کاربردی است که از اعتقاد به ربوبیت خدای یگانه نشئت می‌گیرد.

## منابع

### قرآن

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، جلد ۱ و ۳ و ۹، چاپ سوم، دارصادر.
۲. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، تهذیب اللغة، بیروت، جلد ۵، چاپ اول، داراحیاء التراث العربی.
۳. بیانات رهبری [/https://farsi.khamenei.ir/](https://farsi.khamenei.ir/)
۴. حسین زاده، علی، ۱۳۹۳، سبک زندگی، زمینه‌های پذیرش آداب، قم، مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۵. حسین یوسف، موسی، ۱۴۱۰ق، إفصاح اللغة، قم، جلد ۲، چاپ چهارم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. خویی، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، مترجم: هاشم زاده هریسی، هاشم و نجمی، محمدصادق، تهران، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۱، لغت نامه دهخدا، تهران، جلد ۸ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۶، بی‌چا، وزارت ارشاد اسلامی.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، چاپ اول، دارالشامیه.
۹. زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ه.ق، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق: علی شیری، بیروت، جلد ۵، چاپ اول، دارالفکر.
۱۰. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۹، محاضرات فی الإلهیات، قم، چاپ ۱۱، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۱. صلیبا، جمیل، ۱۴۱۴ ه.ق، المعجم الفلسفی بالألفاظ العربیة و الفرنسیة و الإنکلیزیة و اللاتینیة، بیروت، جلد ۱، چاپ اول، الشركة العالمیة للکتاب.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، جلد ۲ و ۶، چاپ سوم، ناصر خسرو.
۱۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، محقق: احمد حسینی اشکوری، جلد ۲ و ۳، چاپ سوم، مرتضوی.

۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ ه. ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، جلد ۱ و ۲ و ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷، چاپ دوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۵. \_\_\_\_\_، ۱۴۳۰ ق، نهایه الحکمه، ۲ جلد، قم، چاپ پنجم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۶. عبدالهی، عابد، مهتری قبادی، ۱۳۹۳، راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی، تهران، سراج منیر (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۱۲۲.
۱۷. عمید، حسن، ۱۳۶۳، فرهنگ عمید، تهران، بی جا، امیرکبیر.
۱۸. فراهیدی، خلیل ابن احمد، ۱۴۰۹ ق، العین، قم، جلد ۳ و ۸، چاپ دوم، دارالهیجره.
۱۹. فیروز آبادی، محمد بن مکرم، ۱۴۱۵ ق، القاموس المحيط، ۴ جلد، بیروت، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، دارالکتب العلمیه.
۲۰. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر نور، تهران، جلد ۹ و ۱۳، چاپ اول، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۱. محقق نیا، محمد جواد، الگوی بانکداری اسلامی، ۱۳۹۴، قم، چاپ سوم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۲. مصطفوی، حسن، ۱۳۷۴، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، جلد ۴ و ۹ و ۱۳، چاپ اول، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، مؤسسه الطباعة و النشر.
۲۳. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، تهران، چاپ دوم، انتشارات زرین.
۲۴. موسوی فر، سید محمد تقی، ۱۳۹۵، ظرفیت‌های پژوهش سبک زندگی از منظر آیات و روایات، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۵. مهدوی کنی، محمد سعید، ۱۳۸۷، دین و سبک زندگی، تهران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۳، فرهنگ قرآن، قم، جلد ۱۲، چاپ دوم، بوستان کتاب.



---

## مبانی نظری و مؤلفه‌های سبک زندگی در حوزه اقتصاد مقاومتی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

---

محمد قربانی مقدم<sup>۱</sup>

### چکیده

اقتصاد و سبک زندگی، به ترتیب توصیه‌های شماره سه و هفت بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. از این گذشته در جای جای این بیانیه مهم، از این دو مقوله نیز سخن به میان آمده که نشانگر نقش کلیدی آن‌ها در تحقق اهداف گام دوم انقلاب است. از سوی دیگر تحقق تمامی اهداف انقلاب اسلامی بدون جهاد و مقاومت ممکن نیست. از این رو رهبر انقلاب در سالهای اخیر و مخصوصاً در بیانیه گام دوم، بر اقتصاد مقاومتی تأکید زیادی کرده‌اند. در این مقاله جمع بین این سه مقوله (اقتصاد، مقاومت، سبک زندگی) مورد بررسی قرار گرفته و مؤلفه‌های لازم برای تحقق سبک زندگی در حوزه اقتصاد مقاومتی تبیین شده است. طبق بررسی انجام شده از آیات متعددی که در مورد جهاد در قرآن کریم وجود تمامی آیات به استثنای یک مورد جهاد اقتصادی، مقدم بر گونه‌های دیگر جهاد شمرده شده است. در این مقاله، از میان ۱۲ راهکار و مؤلفه‌ای که در تحقق اقتصاد مقاومتی تأثیر

دارند، چهار نمونه بازشناسایی، تأکید و مورد توضیح قرار گرفته که عبارتند از: فهم جهاد اقتصادی، اصلاح الگوی مصرف، قناعت و توجه به نقش تقوا و معنویت در مقاوم‌سازی اقتصاد. در این نوشتار اثبات خواهد شد که اقتصاد مقاومتی بسان ستون فقرات دفاع ملی و سازوکاری در جهت افزایش سطح مقاومت هوشمندانه محسوب می‌شود. این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته مبتنی بر آیات، احادیث و رهنمودهای رهبری امت، قرار گرفته است و سعی شده از مفاهیم انتزاعی صرف، اجتناب گردد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، سبک زندگی، بیانیه گام دوم، تولید ملی، حق، باطل.

## مقدمه

در بیانیه گام دوم اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده معرفی شده است. اقتصاد قوی، به عنوان نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور و اقتصاد ضعیف، به مثابه نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان اعلام گردیده است. این به این خاطر است که فقر و غنا در مادّیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. این درست است که اقتصاد هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید.

از سوی دیگر رسیدن به اهداف والای انسانی بدون تلاش، جهاد و مقاومت جدی ممکن نیست. زیرا اساساً انسان با دشمنش پا به روی زمین گذاشت و از همان اولین روزها، جنگی تمام عیار میان آن‌ها آغاز گشت. اصلاً قبل از آن که آدمی آفریده شود، فرشتگانی که خبر پدید آمدن گونه جدیدی از مخلوقات بر روی زمین را شنیدند، پیش‌بینی کردند منازعه نفس‌گیری در پیش روی این تحفه جدید قرار دارد.

ماجرا از آن‌جا آغاز شد که انسان به عنوان خلیفه و جانشین الهی بر روی زمین انتخاب شد و سایر بندگان الهی مکلف به حفظ احترام او و سجده به پیشگاه وی شدند. در این میان همه پذیرا شدند جز موجود سابقاً بنده‌ای که از این دستور سرپیچی کرد و رانده درگاه الهی شد. همین کینه سبب شد تا جناب ابلیس از خدای سبحان فرصت بخواهد برای انتقام و تلافی عقب ماندگی از رقیب جدیدش و این‌گونه تا مدت زمان معلومی فرصت نبردی پیدا کرد تا انسان به آنچه به خاطرش از او پیشی گرفت نرسد؛ ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ \* قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ \* قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ (ص ۷۹) - (۸۲).

توجه به سه مقدمه حساسیت این مصاف نفس‌گیر را روشن‌تر می‌کند و راه‌گشای حل مسائل مسائل خواهد بود:

ابلیس (که به خاطر مزاحمتش برای نوع انسان، شیطان نیز نامیده می‌شود) نیروهای

کمکی زیادی دارد که از پتانسیل همه آنها استفاده کرده و آنها را به میدان مبارزه با انسان فرا می‌خواند هرچند خودشان از طایفه بنی بشر باشند. در سوره انعام آیه ۱۱۲، به خوبی از ارتباطات پنهان و آشکار شیطان‌های انسانی و جنی پرده برداشته و چنین می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾؛ اینچنین در برابر هر پیامبری دشمنی قرار دادیم از شیاطین انسانی و جن. آنها برای فریب مردم، سخنانی (به ظاهر) زیبا به یکدیگر القا می‌کنند.

ابلیس از اینان حزبی ساخته و همه کسانی که در اثر غفلت از خدا زمینه شیطانی شدن را پیدا کرده‌اند به عضویت آن در می‌آورد:

﴿اسْتَجْوَدَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (مجادله/۱۹).

آیه ۲۷ سوره اعراف علاوه بر افشای فعالیت‌های قبیله‌ای شیطان صفت، به نحوه عضوگیری شیطان در حزب خود اشاره کرده و نیز خبر از توانایی‌های خاص آنها در این کارزار می‌دهد: (إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ)

حزب شیطان برنامه‌ها و اهداف کوچک و بزرگی در تمامی ابعاد و ساحت‌های انسان تدوین کرده تا به هدف نهایی برسد. یعنی زمینه دوری انسان از هدف آفرینشش که عبارت است از: رسیدن به کمال و سعادت الهی و در پرتو رهبری ولی الهی، فراهم سازد.

﴿قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لَأَفْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ \* ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمُ مِنَ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾ (اعراف/۱۷).

چهار طرف آدمی مورد تهاجم شیطان است. چنانچه ملاحظه می‌شود این آیه رجز خوانی ابلیس در برابر خدای سبحان است که به تلافی برتری بخشیدن به انسان صورت می‌گیرد. در این جا شیطان اعلام می‌دارد که از چپ و راست و نیز پس و پیش انسان بدو حمله می‌کند تا بنده‌های شاکری نباشند. حال سؤال این جاست که این جهات مختلف به

چه معناست؟ شیطان چه می‌خواسته بگوید؟ آنچه مسلم است وی می‌خواسته جنگی همه‌جانبه علیه انسان را اعلام کند به نحوی که هیچ حوزه از ابعاد زندگی انسانی از آن خالی نباشد. به عبارت دیگر انسان در هیچ ناحیه‌ای خود را از دسترس ابلیس و هجمه‌ها و برنامه‌های شیطانی او دور نداند. اگرچه خود شیطان از توضیح بیشتر در این رابطه خودداری کرده است اما بنابر نظر برخی مفسرین و نیز مطابق پاره‌ای آیات و روایات رؤوس این برنامه در چهار جهت اصلی عبارتند از:

الف) حوزه فکری و عقیدتی. ب) حوزه گرایش‌های نفسانی. ج) حوزه اقتصاد. د) حوزه تعصبات فردی و گروهی - اجتماعی.<sup>۱</sup>

مقدمه سوم آن است که بدانیم یکی از هنرهای شیطان، ایجاد نزاع و درگیری بین انسان‌هاست. یعنی وی از هرگونه فرصتی استفاده می‌کند تا بین انسان‌ها درگیری ایجاد کرده و خود در کناری بنشیند و نظاره‌گر درگیری تمام انسانی مدنظر خویش باشد. بر همین اساس است که قرآن کریم دستور می‌دهد باید انسان‌ها مراقب باشند تا زمینه بهره‌برداری شیطان و سوء استفاده او ایجاد نشود. مثلاً می‌فرماید از سخنان شبه‌زا و دوپهلوی در مواجهه با دیگران پرهیزند تا شیطان نتواند از آن وسوسه‌ای در جهت ایجاد دشمنی بسازد:

﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾  
(اسراء/۵۳))

نیز آمده است: ﴿وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾  
(انعام/۱۲۱)؛ و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند، تا با شما به چالش برخیزند و اگر از آن‌ها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود!

خلاصه این سه مقدمه عبارت است از این که بدانیم نبرد جبهه حق و باطل نبردی به وسعت تمام تاریخ است و باطلیان از هر راهی برای ضربه زدن به انسان کمک می‌گیرند حتی

اگر شده از انسان‌های دیگر. این نیز نباید فراموش گردد که گمراهی‌های شیطان تنها به صورت وسوس فردی نیست. یعنی وقتی شیطان حزب و قبیله تشکیل می‌دهد و به تعبیر دیگر به سازماندهی نیروهایش می‌پردازد، می‌رساند که وی نگاه کلان‌تری نسبت به اضلال انسان داشته و به گمراهی جمعی و نوع انسان می‌اندیشد. (این را می‌توان از گفته خود وی که هم‌تس بر گمراهی تمام انسان‌ها به جز مخلصین استوار شده (اعراف/۱۷) هم فهمید.) این جاست که در مقابل حزب شیطان، حزب‌الله تأسیس شده (مائده/۵۶) نزاع بین انسان و شیطان از حالت فردی خارج شده و به صحنه اجتماع و سیاست نیز کشیده می‌شود.

بنابراین بحث جهاد اقتصادی و یا به تعبیر خاص‌تر اقتصاد مقاومتی، مبتنی بر دیدگاهی واقع‌گرایانه است. یعنی حوزه اقتصاد، از بارزترین میدان‌های جدال تاریخی و کلاسیک شیطان (رانده شده درگاه الهی و حزب و قبیله‌اش) با انسان (جانشینان الهی بر روی کره زمین) به شمار می‌رود. در سفارشات و توصیه‌های پیشوایان توانایی خارق العاده اقتصاد برای ایفای نقش ابزاری نیرومند پیاپی تأکید شده و به مسلمین و پیشوایانشان دستوراتی در جهت خنثی‌سازی آن گفته شده است. این‌که اقتصاد به‌عنوان عنصری تعیین‌کننده در جهت اهداف شیطانی در هر دو جهت سلبی و ایجابی لحاظ شده است. به‌طور نمونه در جهت سلب آمده است: اگر فقر و نداری بر افرادی غلبه کند منجر به کفر آن‌ها خواهد شد: *كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا*<sup>۱</sup>. نیز در جهت ایجابی آمده است: *أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ ... فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُنْسِي الدُّنُوبَ*<sup>۲</sup>؛ خدای عزوجل به حضرت موسی وحی کرد: ای موسی! به زیادی مال خوش حال مباش که که مال زیاد گناهان را از یاد می‌برد. نیز در روایتی دیگر آمده است که موجب از بین رفتن

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹، ص ۳۰۷.

۲. همان، ص ۴۹۷.

دین و قساوت قلب خواهد شد.<sup>۱</sup> همچنین در قرآن کریم آمده است: ﴿وَالَّذِينَ يَكْمُرُونَ اللَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه/۳۴). این نکته می‌رساند که اقتصاد چه به شکل دارایی و چه به شکل نداری مجال و فرصت خوبی به دشمن انسان می‌دهد تا در جهت دوری انسان از سعادتش به کار گرفته شود. با توجه به نکاتی که بیان شد، شاید نیازی هم نباشد تا یادآوری کنیم در این گونه بزنگاه‌ها شیطان تمام امکانات خود و هم پیاله‌های حزبش را ولو در خلقت نامشان انسان باشد را به کار می‌گیرد و به همین دلیل می‌توان حدس زد که در اقتصاد جریان‌ناتی شکل بگیرد که اهداف شیطانی را تحقق بخشد. با این تفاسیل می‌توان حدس زد که اگر جریان باطل در ضربه زدن به حریف دیرینه‌اش از راه جنگ و جدال به مقصود نرسد، رو به تهاجم فرهنگی می‌آورد. و اگر در این راستا به توفیق نهایی دست پیدا نکند مجبور می‌شود تغییر تاکتیک دهد و هم و غم خود را در جهت فشار اقتصادی متمرکز سازد و یا این‌که تهاجم اقتصادی را به روش‌های قبلی اضافه کند.

اگر بناست یک دفاع ملی همه‌جانبه در برابر این تهاجمات پی‌ریزی گردد، بدون تردید باید به مقاوم‌سازی ستون فقرات آن یعنی اقتصاد پرداخت. با ستون فقرات فقیر نمی‌توان ایستاد، چه برسد قیام و یا دفاع کرد. جالب اینجاست که این ابزار مهم دفاعی یعنی اقتصاد مانند رگ و ریشه در تمامی آحاد جامعه چنان ریشه دوانده که قطعاً هیچ کس نمی‌تواند دست خود را از آن خالی بداند. درحالی‌که ابزارهای دفاعی دیگر معمولاً نمی‌توانند این قدر گسترده و به صورت واقعاً ملی و همه‌جانبه قرار گیرند تا بتوان از ظرفیت یکایک مردم استفاده کرد.

با این توضیحات به نظر می‌رسد که نظریه اقتصاد مقاومتی که توسط امام خامنه‌ای مطرح می‌شود در چه راستا و بر اساس چه دیدگاهی شکل گرفته است:

---

۱. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۹.

ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همه کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، می‌توانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحی‌ها نشان میداد که اینها میخواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آن‌ها نقطه مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دل‌زده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان می‌توانست مشاهده کند.<sup>۱</sup>

همچنین ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب پس از برشمردن مشکلات اقتصادی کشور راه‌حل تمامی آن‌ها را سیاست‌های اقتصاد مقاومتی معرفی می‌کنند که لازم است با تدوین برنامه‌های اجرائی برای همه بخشهای آن، به حل مشکلات ممکن‌الارتفاع کشور پرداخت. لکن پیش‌نیاز همه آن‌ها یا شرط لازم حل شدن کامل آن‌ها اصلاح سبک زندگی در حوزه‌های گوناگون مخصوصاً در حیطة اقتصاد است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم و در آخرین بند آن با اشاره تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران زیادی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه اقتصادی بر آن مترتب دانسته و برای مقابله با آن، همگان را به جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه دعوت کرده‌اند. جهادی که چشم امید در آن (مانند بخشهای دیگر بیانیه) به جوانها است.

به همین منظور و در جهت تبیین شاخصه‌های سبک زندگی در حوزه اقتصاد مقاومتی نگاهی گذرا به مبانی نظری اقتصاد مقاومتی پرداختیم و در آینده و پس از طرح موضوع، مهم‌ترین مؤلفه‌های آن را از نظر خواهیم گذراند.

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳



## ۱. تعریف اقتصاد مقاومتی

پیش از هرچیز باید منظور از اقتصاد را روشن کنیم. به نظر می‌رسد که بتوان اقتصاد را چنین تعریف کنیم: فعالیت‌های مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر طبق اصول و قوانینی که در عرف و قانون شناخته شده است. اما مقاومت نیز معنای روشنی دارد؛ ایستادگی بر اصول ارزشها در مقابل فشارهایی که از بیرون و درون بر زیر پا نهادن آن‌ها وارد می‌شود. بر این می‌توان اقتصاد مقاومتی را این‌طور تعریف کرد: «مدیریت روابط مالی در جهت مقابله با جبهه شیطان و استکبار جهانی.»

با این بیان روشن می‌شود که اقتصاد مقاومتی به معنای انزوا و خزیدن در لاک تنهایی نیست. بلکه به رسمیت شناختن اقتصاد است به عنوان یکی از خاک‌ریزهای اساسی در مقابله با دشمنان. به تعبیر دیگر می‌توان اقتصاد مقاومتی را، مدیریت اقتصاد، در جهت رشد و تکامل امت نمونه، و خارج ساختن آن از ابزاری در دست شیطان می‌باشد.

امام خامنه‌ای می‌فرماید:

اقتصاد مقاومتی فقط جنبه نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفائی خودشان را داشته باشند.<sup>۱</sup>

تمرین این مقاومت موجب می‌شود تا فشارهای دشمن بی‌نتیجه گشته و زمینه برای آینده‌ای آباد فراهم گردد:

اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن -از جمله در مقابل همین تحریمها و از این چیزها - مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه کُند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار

---

۱. بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۶/۰۵/۱۳۹۱

چنین چیزهائی دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون این یک گذرگاه است، این یک برهه است؛ کشور از این برهه عبور خواهد کرد.<sup>۱</sup>

نباید فراموش نمود که اقتصاد در دیدگاه اسلامی با همه اهمیتی که دارد، از حد ابزار خارج نیست. یعنی نباید اقتصاد اسلامی را با اقتصاد غربی و سرمایه‌داری در تعریف و هدف مشترک دانست. در نظام سرمایه‌داری سود هرچه بیشتر و ثروت هرچه انبوه‌تر، ارزش و سعادت بیشتر قلمداد می‌شود، اما اقتصاد در مجموعه جهان‌بینی اسلامی ابزاری است برای برطرف کردن نیازهای انسانی در جهت نیل به اهداف والای الهی و سعادت واقعی. بر همین اساس می‌توان تفاوت اساسی نظام اقتصادی اسلام با نظام سرمایه‌داری را دخالت ربوبیت و اراده تشریحی الهی در عرصه اقتصادی دانست.<sup>۲</sup> این بدین معناست که اقتصاد از منظر اسلام باید در چهارچوب عقل و شرع قرار بگیرد تا بتواند به هدف مدنظر از این مقوله نائل شد.

## ۲. سبک زندگی

سبک زندگی مفهوم نسبتاً جدیدی است که ابتدا در مغرب زمین بررسی شد و در ادامه موضوع بررسی دانشمندان رشته‌های گوناگون در سراسر دنیا شد. لذا بحث از آن مجال زیادی می‌طلبد. برای پرهیز از اطاله کلام و پرداختن به موضوع اصلی نوشتار به کلامی از مقام معظم رهبری در این زمینه بسنده می‌شود. ایشان در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی می‌فرماید:

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم... این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20534>.

۲. احمدعلی یوسفی، الگوی آزادی اقتصادی انسامحور بر اساس مبانی اسلامی.

اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است... اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. (۱۳۹۱/۰۷/۲۳ - 1391/07/23 - بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>)

### ۳. مؤلفه‌های سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی

#### ۳.۱. جهاد اقتصادی

قبل از هرچیز باید نگرش یک ایرانی متعهد به همه مسائل و از جمله اقتصاد اصلاح گردد. نگاه ایدئولوژیک و جهان‌شمول به مقوله‌هایی همچون اقتصاد می‌تواند اهمیت راهبردی بسیاری مسائل ساده را تبیین کند. نماز، یعنی یکی از فردی‌ترین روابط انسانی است که وقتی صورت اجتماعی به خود بگیرد و جماعت ادا شود، ارزش بی‌نهایت بیشتری پیدا می‌کند؛ به ما می‌فهماند که مسلماً همین نسبت در دیگر روابط انسانی نیز قابل حدس است.

با این توضیح می‌توان به راحتی پذیرفت که اولین قدم در راه اقتصاد مقاومتی آن است که روابط مالی را یکی از ابعاد فراگیر مفهوم مقدس «جهاد» دانست و بلکه از مهم‌ترین اقسام آن برشمرد. ایرانیان متعهد و انقلابی‌های مسلمان باید بپذیرند که جهاد با اموال، امروزه مهم‌ترین قطعه پازل جهاد بوده و بی‌تردید این پازل تکمیل نخواهد شد مگر آن که هرکدام از ما، از رسالت تاریخی خود در این بخش غفلت نکرده و به وظیفه خود عمل نماید.

جالب است بدانیم که در قرآن کریم، هرجا سخن از جهاد آمده است، جهاد اقتصادی نیز تذکر داده شده و پیشاپیش گونه‌های مختلف جهاد مورد سفارش و تشویق واقع شده

است. به این چند آیه نگاه کنید:

سوره صف آیات ۱۰ و ۱۱:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ \* تَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

در این آیه پس از آن که خدای سبحان مؤمنین را به تجارتی پرسود دعوت می‌کند. (به روح معنایی «تجارت» که مفهومی اقتصادی است توجه ویژه کنید.) عناصر تشکیل دهنده آن تجارت دو چیز است: الف: ایمان به خدا و رسول. ب: جهاد در راه خدا. اما جالب این است که جهاد اقتصادی بر جهاد با جان (که بارزترین مصداقش شهادت در راه خداست) مقدم داشته شده است. چرا؟ من نمی‌دانم. اما هر چه هست در اهمیت فوق‌العاده آن است. شاید هم به این خاطر باشد که جهاد اقتصادی، جهادی است همیشگی، اما جنگ و جهاد نظامی مخصوص زمان‌های خاص است؛ به تعبیر دیگر: جهاد نظامی عنوان آخرین حلقه تشکیل دهنده عنصر فطری دفاع است و به تعبیر علامه طباطبائی انسان وقتی برای دفاع دست به اسلحه می‌برد که راه دیگری نداشته باشد:

دفاع مردم از منافع حیاتی خود و حفظ استقامت وضع زندگی، سنتی است فطری که (چه این آیه بفرماید و چه نفرماید) در میان مردم جریان دارد، هرچند که این سنت فطری هم منتهی به خدای تعالی می‌شود. اوست که آدمی را به چنین روشی هدایت کرده، چون می‌بینیم که انسان را مانند سایر موجودات مجهز به جهاز و ادوات دفاع نموده، تا به آسانی بتواند دشمن مزاحم حقش را دفع دهد، و نیز او را مجهز به فکر کرده، تا با آن به فکر درست کردن وسایل دفع، و سلاحهای دفاعی بیفتد، تا از خودش و هر شأنی از شئون زندگی که مایه حیات و یا تکمیل آن و تمامیت سعادت او است دفاع کند. البته دفاع با قتال، آخرین وسیله دفاع است و وقتی به آن متوسل می‌شوند که راه‌های دیگر به نتیجه نرسد، مانند

آخرین دواء که همان داغ کردن است.<sup>۱</sup>

اما سود این جهاد چیست؟ جالب است که بدانیم نتیجه و سود این جهاد نیز از سنخ خود تجارت است؛ یعنی پس از مغفرت الهی (که به تنهایی نتیجه درخشان و بزرگ هرگونه رابطه با خداست)، باغ‌هایی با آب فراوان، خانه‌هایی پاک و سرشار از آرامش، چیزهای دوست داشتنی دیگر!، یاری خدا و پیروزی و... به عنوان سود سرشار این جهاد اقتصادی برشمرده شده است.

نساء: ۹۵

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾؛ آن دسته از مؤمنانی که مشکلی ندارند اما از جهاد، گریزان بوده و در خانه نشستند، با جهادگرانی که با مال و جان در راه خدا به جهاد برخاستند، برابر نیستند، خداوند جهادگران به مال و جان را بر جهادگريزان خانه نشین به درجه‌ای خاص برتری بخشیده است. (گرچه) خداوند به همگان وعده نیکو داده است (اما) جهادگران را بر جهادگريزان به پاداشی سترگ، برتری بخشیده است.

انفال: ۷۲

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾؛ مسلماً کسانی که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد نمودند، و کسانی که مهاجران را پناه و جا دادند و یاری کردند، اینانند که یار و دوست یکدیگرند.

توبه: ۲۰

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾؛ آنان که ایمان آورده‌اند و هجرت کرده‌اند و در راه خداوند با مال و جان خود، جهاد

۱. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۱۴، پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق، ص ۳۸۵.

ورزیده اند، نزد خداوند بلند پایگاه ترند و آنانند که رستگارند.

توبه: ۴۱

﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾؛ (همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید سبکبار باشید یا سنگین بار! و با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید این برای شما بهتر است اگر بدانید!

نکته جالب در آیه بعد، این است که منافقین کسانی اند که تنها وقتی پایه جهاد می شوند که بازدهی سود، کوتاه مدت و زود باشد، یعنی از دوراندیشی نسبت به نتایج و دست آوردهای جهاد (اعم از نظامی، اقتصادی و...) غافل بوده و بلکه چه بسا باور نداشته باشند: ﴿لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكُمْ...﴾<sup>۱</sup>.

حجرات: ۱۵

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾؛ مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده اند آن‌ها راستگویانند.

تنها در آیه ۱۱۱ سوره توبه «اموال» بعد از «جان‌ها» آمده است و البته تعبیری متفاوت دارد: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد (به این گونه که: ) در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده اید و این است آن پیروزی بزرگ!

۱. در سوری توبه آیات متعدد دیگری با همین مضمون وجود دارد مانند آیات ۴۴، ۸۱، ۸۸ و...

به همین خاطر است که امام صادق ۷ یکی از اصحاب خود را طلبیده و به وی ۱۷۰۰ دینار طلا داده تا برایش با آن تجارت کند. اما خاطرنشان می‌سازند: هرچند از به دست آوردن شادمان می‌شوم، اما علت درخواست این تجارت، نه به دست آوردن سود که توجه به فواید نفس الامری آن است و خدا را شاهد بگیریم که من هم در این امر سهمی دارم.<sup>۱</sup> این نشانگر آن است که نفس شرکت در جهاد اقتصادی از نگاه حضرتش مطلوبیت ذاتی دارد. در جای دیگری به ارث گذاشتن «مال صامت» یعنی پول نقد را تقبیح کرده و توصیه می‌کنند، باید سرمایه را به شکل باغ و بستان در آورد.<sup>۲</sup>

با این بیان روشن می‌شود، جهادی فکر کردن و جهادی زیستن تأثیر مستقیمی در سبک زندگی و به‌ویژه مقوله اقتصاد دارد و پیش از هرگونه اقدامی در راستای اصلاح سبک زندگی و نیز ترویج مقاومت اقتصادی باید این تفکر را تبیین، ترویج و گسترش داد.

### ۳.۲. اصلاح الگوی مصرف

وقتی سخن از الگو می‌شود، یک سیستم همه‌جانبه به ذهن می‌رسد. یعنی باید مجموعه منسجمی از رفتارهای ایجابی و سلبی را در نظر گرفت که از پشتوانه عقلی و منطقی محکمی برخوردار باشد و از طرف دیگر تمام ابعاد و زوایای آشکار و پنهان مقوله مد نظر را پوشش دهد. بر این پرداختن صرف به مسئله اسراف و ذکر آیات و احادیثی در مذمت این پدیده، اصلاحی در زمینه الگوی مصرف به دست نمی‌دهد. این سخن به این معنا نیست که از سهم عمده اسراف و تبذیر در مصرف غلط جامعه ما غافل گردیم. حتی می‌توان گفت جلوگیری از اسراف را مرادف با اصلاح الگوی مصرف دانست. اما در این راستا باید نهادهای فکری و اجرایی جامعه به شناسایی مصادیق اسراف و تبذیر در انواع و گونه‌های مختلف و متعددش بپردازند و نیز راه کارهای اجرایی و عملیاتی در مقابله با آن،

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، اول، قم، آل البیت، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳.

۲. همان، ص ۶۹.

دقیقاً تبیین و پیشنهاد گردد. با این تعریف می‌توان نقش دولت (به معنای عام آن) را مهم‌تر، اساسی‌تر و فوری‌تر دانست. زیرا اصلاح الگوی مصرف در حقیقت اصلاح فرهنگ است و باید دانست که فرهنگ سازی‌ها معمولاً از نوک هرم آغاز می‌گردد. مجموعه این اقدامات را «مدیریت مصرف» می‌نامیم؛

یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه اسراف و زیاده‌روی، قضیه مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه اول و بیش از همه مسئولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمان علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، این قدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگی مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود. در گزارشهای شماها من خواندم، حالا هم بعضی از دوستان اظهار کردند که دولت درصدد صرفه‌جویی است و می‌خواهد صرفه‌جویی کند؛ بسیار خوب، این لازم است؛ این را جدی بگیرید. دولت خودش یک مصرف‌کننده بسیار بزرگی است. شما از بنزین بگیرید تا وسائل گوناگون، یک مصرف‌کننده بزرگ، دولت است. حقیقتاً در کار مصرف، صرفه‌جویی کنید.<sup>۱</sup>

در این جریان آرام و ملایم مدیریت مصرف، لازم نیست که هر روز در برنامه‌های تلویزیونی یا روزنامه و مجلات و کتاب‌ها از بدی و عقاب اسراف گفت. مردم مؤمن این مرز و بوم هم بدان اعتقاد دارند و هم هر جا اسراف صریحی دیده حتی الامکان از آن دوری می‌کنند. اسراف‌هایی که امروز صورت می‌گیرد، بیشتر ناشی از اسراف ندانستن

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۲/۰۶/۱۳۹۱.



اسراف هاست. مثلاً خیلی از مردم وقتی چراغی را ببینند بی جهت روشن است آن را خاموش می‌کنند که اسراف نشود، اما همین فرد بدون جهت چندین لیتر را صرف جابه جاشدن خود از نقطه‌ای به نقطه دیگری در شهر می‌کند درحالی که نیازی بدان نیست، یعنی با استفاده از وسائط نقلیه عمومی از هدر رفتن این سرمایه می‌توان جلوگیری کرد. اقداماتی که در این راستا می‌تواند صورت بگیرد عبارتند از:

با فراهم کردن امکانات و آسان سازی دسترسی به وسائل نقلیه عمومی؛  
تبلیغ استفاده از این امکانات؛

برجسته کردن هزینه‌های ناشی از عدم استفاده از این امکانات؛  
این بسته پیشنهادی، راه‌کاری است که خودبه خود ارتکاب اسراف را کمتر کرده و بدیهی است که نقش مسئولین در این مجموعه اقدام، زیربنایی تر است.

### ۲.۱ - ۳. مدیریت مواد غذایی

در منزل همه ما ایرانی همیشه مقدار زیادی مواد غذایی مانند نان، برنج، گوشت و... یافت می‌شود. برای نگه‌داری این مواد مجبور به استفاده از وسایل برقی پرمصرفی مانند یخچال، فریزر و مانند آن هستیم. خدا نکند که شایعه‌ای خبر از کمبود چیزی مانند گوشت هم پخش بشود که در این صورت فریزر بزرگ خانه هم جواب‌گوی احتیاجات ما نخواهد بود. این حالت توصیفات نگران‌کننده‌تری هم دارد اما بهتر است به همین مقدار بسنده کنیم و تبعات این عادت بد را بازگو کنیم.

احتکار این مواد در منازل خود عاملی است برای گرانی و افزایش قیمت و البته رفتن سود نه به جیب کشاورز و تولیدکننده که به جیب دلال. این احتکار عمومی علی‌رغم نقش به‌سزایی که در گرانی و در نتیجه اسراف پول و قدرت خرید ایفا می‌کند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. زیرا به کمی احتکار در هر خانه چندان به چشم نمی‌آید اما توجه داشته باشید که هرچند به‌طور متوسط در هر خانه بیش از ۵۰ کیلو نیست، اما شما همین مقدار کم احتکار را اگر در ده‌ها میلیون خانواده ایرانی ضرب کنید، بزرگی و نقش تعیین‌کننده‌اش

را به دست خواهید آورد.

موادی مانند گوشت نیازمند یخچال و فریزر هستند. این وسایل که متأسفانه به خاطر همین روحیه احتکار طلبی (مخصوصاً در زمان‌ها شایعه) روز به روز هم بزرگتر می‌شوند اسراف عمده‌ای در مصرف برق و در نتیجه هزینه‌هایی چون خرید دستگاه، قبض برق، تعمیر و... در پی دارد. این در حالی است که اگر به فلسفه وجودی این وسایل که نگهداری کوتاه مدت از مواد غذایی فاسد شونده است دقت شود، دستگاه‌های کوچک آن جوابگوی نیازهای اکثر خانواده‌های ما و مخصوصاً زوج‌های جوان (که بزرگتر خریدن در بین اینان رواج بیشتر دارد) خواهد بود.

در اثر نگهداری بلند مدت مواد غذایی در منازل، بسیاری از آنان فاسد شده و دور ریخته می‌شوند.

در اثر نگهداری بلند مدت، این مواد، خاصیت غذایی خود را از دست داده و بیماری‌ها و هزینه‌هایی از این دست به اسراف ما اضافه می‌گردد.

این‌ها نمونه‌هایی از اسراف که به خاطر یک الگوی غلط رخ می‌دهد می‌باشد. هرکس با کوچک‌ترین تأملی می‌تواند بدان پی ببرد و چه بسا با مقداری فکر و مطالعه بیشتر آثار و تبعات فراوان‌تری برای آن قابل ذکر باشد. حمام رفتن، ظرف شستن، جارو کردن خانه، نوع مصرف کاغذ و کتاب، مصرف پوشاک و... مقوله‌های دیگری است همه جای تأمل فراوان دارد، اما چه کسی لااقل در سال اصلاح الگوی مصرف و بعد از آن به آن‌ها پرداخته است. آیا تا به حال در رسانه‌های مختلف کشور ما کوچک‌ترین اشاره‌ای به این مقوله‌ها شده است؟

### ۲.۲ - ۳. مدیریت مصرف دارو

هنگامی که بیمار می‌شویم و نیاز به درمان پیدا می‌کنیم بدون درنگ، به پزشک مراجعه کرده و تا داروهای متعددی مصرف نکنیم خیالمان راحت نمی‌شود. این درحالی است که

مصرف دارو، هرچند سبب بهبودی عضوی شود، اما مسلماً عوارضی دارد که این نکته در روایات اسلامی نیز مورد تذکر واقع شده است.<sup>۱</sup> به همین خاطر طبق آموزه‌های اسلامی تا وقتی که بیماری شدت نگرفته لزومی در مورد مصرف دارو مشاهده نمی‌شود و اگر کسی چنین کند به نوعی اسراف مرتکب شده است. بلکه می‌توان آن را بدترین نوع اسراف دانست؛ زیرا هم اسراف در مال است و هم اسراف در جسم. به این روایات دقت شود: لَا يَتَدَاوَى الْمُسْلِمُ حَتَّى يَغْلِبَ مَرَضُهُ صِحَّتَهُ؛<sup>۲</sup> تا وقتی بیماری بر سلامتی غلبه نکرده، (یعنی حال عمومی شخص خوب باشد) مسلمان به مداوا اقدام نمی‌کند.

نیز در نهج‌البلاغه آمده است: امشِ بِدَائِكَ مَا مَسَّى بِكَ؛<sup>۳</sup> تا وقتی بیماری با تو کنار می‌آید (زیاد موجب اذیت نشده است)، با آن کنار بیا.

در روایت دیگری به طور معمول سه روز جهت کنار آمدن با بیماری مناسب دانسته شده است. یعنی اگر بیماری بیش از سه روز ادامه پیدا کرد، آن وقت نوبت مراجعه به پزشک و مصرف دارو می‌رسد.<sup>۴</sup>

در پایان این بحث دو نکته را به عنوان تکمیل بحث یادآور می‌شویم:

نکته ۱: مدیریت مصرف، گاه اقتضا می‌کند که در راستای جلوگیری از اسراف خرید بیشتری داشته باشیم. به طور نمونه باید گفت که در روایات تأکید شده است که انسان پوشاک متعدد داشته باشد به نحوی که اگر لباس‌های فاخر مجلسی را روزانه بر تن کنیم خود نوعی اسراف شمرده شده است.<sup>۵</sup>

این روش در سیره امام خمینی رحمته‌الله علیه هم قابل مشاهده است. عروس حضرت امام نقل

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۵، اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹، ص ۶۲۱.

۲. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش، ص ۶۲۰.

۳. محمد بن حسین شریف رضی، نهج‌البلاغه، صبحی صالح، اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۷۲.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ص: ۲۰۳.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۳، اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹، ص ۶۲.

می‌کند ایشان دم‌پایی‌های متعددی داشتند: یکی برای روی فرش، یکی برای حیاط، یکی برای دستشویی، دیگری برای حمام و... وقتی به ایشان گفتیم شما که می‌گویید اسراف نکنید این تعداد زیاد دم‌پایی اسراف نیست؟ ایشان فرموده بودند: خیر، بلکه به عمر مصرف این‌ها اضافه می‌شود.<sup>۱</sup>

نکته ۲: اصلاح الگوی مصرف معنی مهم دیگری نیز دارد که عبارت است از اولویت‌سنجی نیازها؛ بسیاری از افراد در مدیریت هزینه‌های زندگی اولویت‌سنجی نمی‌کنند. این‌که نیاز واقعی فرد و خانواده در نظر گرفته شود، خود باعث جلوگیری از هدررفت بسیاری از خریدهای غیرضروری می‌شود که خریده شده اما به دلیل عدم نیاز به گوشه افکنده شده و یا جایگاهی بهتر از سطل زباله پیدا نکرده است. به این ترتیب باید فرهنگ انتخاب الگوی مناسب، بر اساس نیازسنجی و رتبه‌بندی نیازها در جامعه رواج یابد. در این خصوص اگر در هنگام درجه‌بندی نیازها نیم‌نگاهی هم به آموزه‌های دینی باشد، می‌توان منتظر نتایج بسیار درخشانی باشیم. مدیریت هزینه در زندگی شخصی پیامبر گرامی اسلام ﷺ نمونه خوبی برای الگوبرداری و راه‌نمای بی‌بدیلی در پیدا کردن روش اولویت‌سنجی است. به طور نمونه می‌توان به این نکته اشاره کرد که هزینه استعمال عطر در زندگی پیامبر ﷺ از هزینه خوراک ایشان بیشتر بود<sup>۲</sup> و همین نکته را هم در هنگام ازدواج حضرت زهرا<sup>۳</sup> با امیرالمؤمنین علیه السلام به این دو سفارش کردند.<sup>۳</sup>

۱. فاطمه طباطبائی، اقلیم خاطرات، اول، تهران، پژوهشکده امام خمینی، ۱، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۳۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۳، اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹، ص ۱۹۵.

۳. فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، اول، قم، رضی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۴۶؛ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: لَمَّا زَوَّجَ فَاطِمَةَ عَلِيًّا عَلَى أَرْبَعِمِائَةٍ وَ ثَمَانِينَ دِرْهَمًا فَأَمَرَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله أَنْ يَجْعَلَ ثُلُثِيهَا فِي الْعُظُرِ وَ ثُلُثًا فِي الثِّيَابِ.

### ۳.۳. قناعت

قناعت به معنای اجتناب از مواهب الهی نیست که خالق این نعمت‌ها تأکید می‌کند: چه کسی شما را از روزی پاک ممنوع کرده است: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصَّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup>، بلکه قناعت بدین معناست که اگر دستمان به متاعی نرسید برایش جزع و فرع نکنیم و یا اگر چیزی از کفمان خارج شد غصه دار نشویم: ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾<sup>۲</sup> به تعبیر بهتر قناعت راهکار و ابزاری است برای حفظ و صیانت از عزت و کرامت انسان که علی علیه السلام فرمود: «ثمره القناعة العز». <sup>۳</sup> با این توصیف به نظر می‌رسد نیازی به توضیح بیشتر درباره نقش قناعت در اقتصاد مقاومتی نباشد مخصوصاً این‌که در محبت اصلاح الگوی مصرف اشاره‌ای به موضوع هم گردید.

### ۳.۴. توجه به نقش ایمان و تقوا در توسعه و اقتدار اقتصادی (برکت)

در جهان بینی توحیدی، همه کارها برای خدا و در جهت اهداف الهی صورت می‌گیرد و از این هدف، برکت می‌گیرد. توضیح این‌که طبق سنت الهی هرگونه تلاشی در دنیا بدون نتیجه نمی‌ماند. به تعبیر قرآنی، خدای سبحان به هرگونه تلاشی مدد می‌رساند: ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾<sup>۴</sup> هر یک را از عطاء پروردگارت مدد می‌کنیم، اینها را (دنیاگرایان) و آن‌ها را (خداگرایان)، و عطاء پروردگارت منعی نیست. اما آنچه مسلم است، مدد الهی نسبت به دو جریان کلی بشریت بی‌تفاوت نیست. شهید مطهری<sup>۱</sup> در این باره می‌نویسد:

۱. اعراف: ۳۲.

۲. حدید: ۲۳.

۳. محمد ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳، اول، تهران، دارالحديث، ۱۴۱۶، ص ۲۶۳۸.

۴. اسراء: ۲۰.

جهان، سرزمین مستعدّ و مناسبی است برای کاشتن و رویدن و رشد کردن و درو کردن، بستگی دارد به این که انسان چه بذری برای رشد و پرورش انتخاب کند و چه محصولی بخواهد به دست آورد؛ هر بذری انتخاب کند همان بذر عینا در مزرعه مستعدّ و مناسب این جهان رشد داده می شود.

اما، یک حمایت مخصوص از برای اهل حقیقت هست که رحمت رحیمیّه نامیده می شود؛ دنیا طلبان از این رحمت محرومند، زیرا خواهان آن نیستند. بنابراین حسن فعلی برای پاداش اخروی عمل کافی نیست، حسن فاعلی هم لازم است؛ حسن فعلی به منزله تن و حسن فاعلی به منزله روح و حیات است.<sup>۱</sup>

ممکن است در این جا سوالی پیش آید که یعنی آیا دو تلاش همسان می تواند تنها به خاطر نیت فاعلی (الهی) در نتیجه متفاوت باشند؟ قبل از پاسخ مفصل به این سؤال بد نیست روایت شیرینی از امام صادق علیه السلام بیان شود، تا زحمت توضیح مطلب کمتر گردد. ایشان می فرمایند: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَسَّعَ فِي أَرْزَاقِ الْحُمَقِيِّ لِيُعْتَبِرَ الْعُقَلَاءَ وَيَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَ يُتَأَلَّ مَا فِيهَا بِعَمَلٍ وَلَا حِيلَةٍ﴾<sup>۲</sup>؛ خدای عزوجل در انسان های سفیه را رزق زیادی می دهد تا عاقلان دریابند که امور دنیوی این طور نیست که تنها با کار و چاره اندیشی به دست می آیند!

اما توضیح این که: مسلماً اسلام و قرآن کریم جریان اسباب و سامانه علت و معلول را در نظام طبیعت به رسمیت می شناسد: (أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا)<sup>۳</sup> اما این طور نیست که انسان از همه اسباب و علل آگاه باشد. نیز اطلاعی از خنثی کننده های اسباب و همچنین از تشدیدکننده علل ندارد و یا کمتر دارد. به طور نمونه، قرآن کریم وقتی می خواهد مسلمین را در جنگ بدر بر کفار پیروز گرداند، تصرفی در دیدگان دو طرف میدان کرده و

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، اول، صدر، ۱۳۷۸، ص ۳۰۷.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص: ۴۸.

۳. طلاق: ۳.

کفار را در چشم مسلمان اندک نشان می‌دهد تا روحیه خویش را از دست ندهند و مسلمین را نیز زیاد به چشم کفار نمی‌آورد تا از تهیه سازوبرگ کافی خودداری کنند: ﴿وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّقَاتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلاً وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمراً كَانَ مَفْعُولاً وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾<sup>۱</sup>.  
برای عدم اطاله کلام به همین مقدار از توضیح اکتفا می‌کنیم و به منظور نتیجه‌گیری، تأکید می‌شود که:

الف) اقتصاد مقاومتی، امری جهادی و الهی و در نتیجه مستحق پاداش اخروی محسوب می‌شود به شرطی که در انجام آن، به جهت معنوی و الهی آن توجه شود.

ب) این توجه معنوی به دلیل هماهنگی با نظام آفرینش، (مانند شناگری که در جهت آب شنا کند) موجب برکت و پایداری اقتصاد نیز خواهد شد همانگونه که خدای سبحان فرموده است: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم.<sup>۲</sup> نیز فرموده است: (وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا)؛ و اگر انس و جن بر طریق حق پایداری کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد.<sup>۳</sup>

مستحب است مشتری پس از هر معامله‌ای اذکاری خاص بر زبان جاری کند؛ به امید آن‌که به فضل الهی این وجیزه، بهای ناقابلی برای خرید رحمت الهی باشد آن را بر زبان جاری می‌کنم؛ امید است که بر برکتش بیفزاید: اللَّهُ اكْبَرُ؛ اللَّهُ اكْبَرُ؛ اللَّهُ اكْبَرُ؛ اشهد ان لا اله الا الله؛ اشهد ان محمداً عبده و رسوله؛ اللَّهُمَّ إِنِّي اشترَيْتُهُ اَلْتَمَسُ فِيهِ مِنْ فَضْلِكَ فَاجْعَلْ لِي فِيهِ فَضلاً، اللَّهُمَّ إِنِّي اشترَيْتُهُ اَلْتَمَسُ فِيهِ رِزْقاً فَاجْعَلْ لِي فِيهِ رِزْقاً.<sup>۴</sup>

۱. انفال: ۴۴.

۲. اعراف: ۹۶.

۳. جن: ۱۶.

۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، اول، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ق، ص ۵۱.

## نتیجه‌گیری

از مباحث مطرح در این نوشتار به دست می‌آید که جهاد و رویارویی با دشمنان راه حق ابعاد مختلفی دارد و هر روز لباس خاصی بر تن می‌کند. این موضوع می‌طلبد که دفاع همه‌جانبه ملی را در تمام ابعادش مخصوص جولانگاه مهم اقتصاد مورد بررسی دقیق‌تری قرار گیرد. اگرچه میدان اقتصاد همیشه میدان مهیایی برای تلاش‌های شیطانی دشمنان بوده است و به همین خاطر فوری‌ترین جهاد از منظر قرآن جهاد اقتصادی است، اما امروزه این عرصه نقش اول را در رویارویی تاریخی حق و باطل ایفاء می‌کند به نحوی که اصلاً در قرن بیست و یک توان‌مندی‌های اقتصادی و کنترل نظام تولید، عرضه و مصرف کالاهای اقتصادی ملاک قدرت شمرده می‌شود. در اقتصاد مقاومتی فرا خواهیم گرفت که این مهم را در مبادلات خود مد نظر قرار دهیم و با نگرشی اعتقادی به این مقوله به وظایف ملی و مذهبی خود عمل کنیم. با این توصیف دانسته می‌شود که اقتصاد مقاومتی از لوازم و ابزار پیشرفت محسوب شده و با ریاضت اقتصادی که درمان اورژانسی مشکلات و بحران‌های اقتصادی است تفاوت اساسی دارد. بنابراین ضرورت دارد که در این راستا فرهنگ‌سازی شود که ما به دوازده راه‌کار کاربردی آن اشاره کرده‌ایم. به نظر نویسندگان، تبیین بُعد اعتقادی و جهادی این عرصه در درجه اول، و توجه به جایگاه بی‌بدیل اقتصاد مقاومتی در دفاع ملی، مهم‌ترین و ضروری‌ترین اولویت‌ها در این رابطه شمرده می‌شود و پس از آن است که پذیرش مصرف تولیدات داخل و ملی آسان خواهد شد و هر چه از نقش شرکت‌های دانش‌بنیان و نیز قناعت یا اصلاح الگوی مصرف و حمایت از سرمایه ایرانی و مانند آن صحبت کنیم، ملال‌آور نخواهد بود و نتایج درخشانی به دست خواهد داد.



## فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. صحیفه سجادیه.

۲. آمدی عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

۳. ابن فهد حلی احمد بن محمد، عده الداعی، اول، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.

۴. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۷، سوم، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.

۵. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، غفاری علی اکبر، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

۶. أنصاری مرتضی، کتاب المکاسب، ج ۱، اول، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.

۷. بجنوردی سید حسن، القواعد الفقهیه، ج ۱، اول، قم، الهادی، ۱۴۱۹.

۸. بحرانی سید هاشم، البرهان، ج ۲، اول، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

۹. حرانی ابن شعبه، تحف العقول، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

۱۰. محمدی ری شهری محمد، میزان الحکمه، ج ۳، اول، تهران، دارالحديث، ۱۴۱۶ق.

۱۱. سایت دانشگاه علوم پزشکی تهران: [siuco.tums.ac.ir](http://siuco.tums.ac.ir).

۱۲. شریف رضی محمد بن حسین، نهج البلاغه، صبحی صالح، اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.

۱۳. شهید ثانی زین الدین بن علی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية ج ۳، اول، قم، داورى، ۱۴۱۰ق.

۱۴. صدوق محمد بن علی، خصال، ج ۲، اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.

۱۵. صدوق محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.

۱۶. طباطبائی فاطمه، اقلیم خاطرات، اول، تهران، پژوهشکده امام خمینی، ۱، ۱۳۹۰ش.

۱۷. طباطبائی محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.

۱۸. عاملی شیخ حر، وسائل الشیعة، ج ۱۷، اول، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ق.

۱۹. عیاشی محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، اول، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.

۲۰. فتال نیشابوری محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، اول، قم، رضی،

۱۳۷۵ش.

۲۱. کاظمی حسن، فرهنگ کار و همت مضاعف، فصلنامه کوثر، سال دهم، ش ۳۶، ۱۳۸۹ ش.
۲۲. کلینی محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱۳، اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹.
۲۳. مجلسی محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۸، دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. مطهری مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، اول، صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۲۵. مطهری مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۳، اول، صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. مکارم شیرازی ناصر، القواعد الفقهیه، ج ۲، سوم، قم، مدرسه امیرالمؤمنین ۷، ۱۴۱۱ ق.
۲۷. موسوی خمینی سیدروح الله، صحیفه امام خمینی، ج ۱، ۱۹، اول، تهران، مؤسسه تنظیم نشر، ۱۳۷۸ ش.
۲۸. نجفی موسی، عرفان، مرجعیت و سیاست، اول، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۲۹. نوری طبرسی حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.

## فصل چهارم

---

آسیب شناسی سبک زندگی معنوی

---

---

## موانع امید و راهکارهای مقابله با ناامیدی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

---

محترم قوی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)  
فاطمه بغدادی<sup>۲</sup>

### چکیده

رهبرانقلاب در بیانیه گام دوم مقابله با ناامیدی را نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد برشمردند که بدون آن هیچ گامی نمی‌توان برداشت این پژوهش با مراجعه به آیات، روایات، منابع تاریخ اسلام و بیانات رهبری انقلاب و از نظر تحلیل محتوا به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موانع امید و راهکارهای مقابله با آن می‌پردازد. موانع بر اساس منشا بروز آن‌ها به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم شده‌اند، موانع درونی با توجه به ساحت‌های وجودی انسان شامل موانع بینشی، موانع گرایشی، موانع رفتاری و موانع بیرونی هم در سه دسته موانع فرهنگی، موانع اقتصادی و موانع سیاسی بررسی شده‌اند. راهکارهای مقابله نیز متناسب با موانع در سه حوزه بینشی، گرایشی و رفتاری ارائه شده‌اند.

---

۱. دانش پژوه سطح ۴ جامعه الزهراء ۱۳۵۹mrsghavi@gmail.com

۲. طلبه سطح سه رشته تعلیم و تربیت جامعه الزهراء ع

کلید واژه: امید، موانع امید، راهکارهای مقابله با ناامیدی، بیانیه گام دوم.

## مقدمه

با وجود گسترش امکانات رفاهی شاهد نوعی ناامیدی و افسردگی در جوامع هستیم، گواه این مطلب افزایش روز افزون مصرف قرص‌های روان گردان، مواد مخدر و مصرف الکل است. این شرایط گویای این واقعیت است که پیشرفت‌های مادی تأمین‌کننده نیازهای روحی و روانی انسان‌ها نیستند به همین دلیل در یکی دو دهه اخیر روانشناسان به‌طور جدی به بررسی نقش امید در درمان بیماری‌ها پرداخته‌اند که حاصل آن پیدایش نظریه امید بوده است.

در حوزه علوم اسلامی هم از دیرباز امید، موضوع مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است اسلام عزیز امید داشتن به خداوند متعال را رمز موفقیت و پویایی و راه رسیدن به یک جامعه آرمانی می‌داند. بسیاری امید را یکی از پایه‌های تمدن نوین اسلامی می‌دانند. امید اساس تمام تلاش‌های انسان است و ناامیدی منشاء بسیاری از فسادها و تبه‌کاری‌هاست که حتی ممکن است منجر به شقاوت ابدی او شود. اگر امید نبود انسان دست به هیچ کاری نمی‌زد و دچار ایستایی و افسردگی می‌شد. در حدیث نبوی آمده است: «إِنَّمَا الْأَمَلُ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لِأُمَّتِي وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ أُمَّمٌ وَلَدَهَا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا؛ امید و آرزو رحمت برای امت من است و اگر امید و آرزو نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت.» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۵ / ۸)

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم به ترسیم نقشه راه پرداخته و از مقابله با ناامیدی به نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد یاد کرده‌اند. به تعبیر ایشان «ناامیدی سمی است که اگر بنا بود در مقابل مشکلات ناامید بشویم، آن نسل‌های قبل هم حرکتشان متوقف میشد و ما امروز باز در همان دوران طاغوت و انجماد و عقب‌ماندگی و ابستگی و فساد بودیم.» (۱۶/۰۵/۱۳۹۸ بیانات در دیدار مدال‌آوران المپیادهای علمی و اعضای تیم ملی والیبال جوانان <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43188>) ایشان ناامیدی را عامل مهم نابودی ملت‌ها معرفی می‌کند: «ناامیدی درد بزرگی است و برای نابود کردن یک ملت، از

همه وسایل مؤثرتر، ناامید کردن آن ملت است. ملتی را ناامید کنید، نابود می‌شود. وقتی امید نبود، حرکت و نشاط نیست. وقتی حرکت و نشاط نبود، آینده نیست (۱۳۸۳/۰۴/۱۹ بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و نخبگان استان همدان <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3245>)

پژوهش حاضر در راستای رسالتی که رهبر فرزانه انقلاب بر دوش جوانان نهاده و به دنبال شناسایی موانع امید و راهکارهای مقابله با آنهاست که در آن هم به موانع درونی امید که فرد با آن‌ها مواجه می‌شود و هم موانع بیرونی که از ناحیه دشمنان بر فرد هجوم می‌آوردند توجه دارد.

موانع درونی با توجه به ساحت‌های وجودی انسان شامل موانع بینشی، موانع گرایشی و موانع رفتاری و موانع بیرونی هم در سه دسته موانع فرهنگی، موانع اقتصادی و موانع سیاسی دسته‌بندی شده‌اند و سپس راه کارهای مقابله بیان شده است.

### پیشینه

پژوهش‌هایی در رابطه با امید و ناامیدی انجام شده است از جمله این پژوهش‌ها:

۱. مفهوم «امید از منظر قرآن کریم» نوشته فاطمه زارع بیدکی (۱۳۹۵) ایشان در فصل دوم به عوامل و موانع ایجادکننده امید پرداخته است.
۲. «امید در نهج البلاغه»، نوشته علی اکبر دهقانی (۱۳۹۰). در این پژوهش ابتدا به علل امیدواری پرداخته شده و سپس موانع امیدواری بیان شده است.
۳. «عوامل ناامیدی و راهبردهای انگیزشی نهج البلاغه و درمان آن‌ها» مرتضی قائمی ۱۳۹۲.
۴. «دشمنان امید (مروری بر برنامه‌های دشمن برای ایجاد ناامیدی با محوریت بیانات مقام معظم رهبری)» اسماعیل باوند ۱۳۹۰.

نکته قابل ذکر آن است که این موضوع به نحو مستقل بررسی نشده است و عمدتاً آثار موجود در حد یک فصل و یا کمتر به آن پرداخته‌اند همچنین تنظیم ساختار مقاله در سه

حوزه بینشی و گرایشی و رفتاری وجه تمایز اثر حاضر با آثار موجود در این مسئله است

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱.۱. امید

امید به معنای آرزو، رجاء، انتظار، اعتماد و استواری است. (معین، ۱۳۷۴: ۱/۳۱۱) در عربی امید به معنای رجاء است که نقیض یأس می‌باشد. (فراهیدی، ۱۹۲۱: ۶/۱۷۶) در اصطلاح علم اخلاق امید به راحتی و لذتی که از انتظار تحقق امری محب وب در قلب حاصل می‌شود می‌گویند. (فیض کاشانی، ۱۴۲۱: ۷/۲۸۷)

### ۲. موانع امید

این موانع به دو دسته موانع درونی و بیرونی قابل تقسیم هستند. ملاک این تقسیم آن است که ریشه ناامیدی به درون انسان بازگردد یا به محیط پیرامون.

#### ۲.۱. موانع درونی

با توجه به ساحت‌های وجودی انسان، موانع درونی در سه دسته موانع بینشی، موانع گرایشی و موانع رفتاری قابل تقسیم هستند.

#### ۱.۱-۲. موانع درونی بینشی

### الف) عدم شناخت صحیح اوصاف الهی

خداوند تنها خالق مستقل و اصیل است و هر گونه تأثیر و تأثیری در نظام خلقت به صورت تبعی و به اذن خداوند سبحان صورت می‌پذیرد. صدرالمتألهین در تفسیر این نوع توحید فرموده‌اند: «تنها مؤثر در وجود واجب الوجود است و هر نوع فیضی از جانب اوست و واسطه‌ها در ایجاد فقط نقش اعدادی دارند.» (ملاصدری، ۱۳۶۶: ۲/۲۱۷)

علامه طباطبائی در تعریف توحید مالکی می‌فرماید: «جهان آفرینش هر چه هست و هر



کمالی که فرض شود ملک خدای آفریدگار است از جزئی تا کلی عطیه و بخشش اوست بدون این که موجودی از راه استحقاق حقی به عهده خدا داشته باشد که او را ناگزیر به عطیه و بخشش بنماید و هر حقی که فرض شود جاعل و ملک حقیقی آن خداست انسانی که نگاهی این چنینی به مراتب توحید داشته باشد تدبیر امور خود را در عرصه تکوین و تشریح به او می سپارد و به بیان دیگر از اسباب ظاهر چشم خود بسته و فقط خداوند متعال را یگانه مؤثر در جهان می دانند و به او توکل می کنند. این جاست که با شناخت صحیح خداوند متعال و درک مراتب توحید او می توان با این موانع مبارزه کرد و بر ناامیدی غلبه کرد.» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲/ ۱۹۸)

### ب) ضعف جهان بینی

امید و ناامیدی تا حد بسیار زیادی تابع نگرش انسان ها و نوع جهان بینی آنهاست. انسانی که به پدیده های هستی نگاه توحیدی دارد و می داند که دارای هدفی حکیمانه هستند. همواره خدای سبحان را به عنوان عالی ترین موجود این نظام هستی که همه کمالات را به صورت بی نهایت داراست حاضر و ناظر می بیند و در تاریخ ترین لحظات زندگی هم احساس تنهایی نمی کند. و می داند که تمامی اتفاقات و حوادث خواست خدای متعال می باشد که منشاء تمام حوادث است و از طرفی هم باید شناخت صحیح از اتفاقات و حوادث دنیا داشته باشد باید بداند دنیا دنیای بیماری ها شادی ها، خوبی ها و ناراحتی هاست و همه آن ها هم طبیعی هستند. عدم شناخت این خصوصیات عالم دنیا انسان را به رنج و ناامیدی وارد می کند. معصومین علیهم السلام با بیانهای مختلف در صدد اصلاح این نگرش افراد نسبت به حقیقت دنیا بوده اند تا کسی که حقیقت دنیا را بپذیرد دچار یأس و ناامیدی نمیشود چرا که می داند دنیا جای راحتی نیست دنیا آمیخته با رنج و سختی است. (شریف رضی، ۱۳۸۷: نامه ۵۹)

### ج) هدف گذاری نادرست و فراموشی اهداف صحیح

در بسیاری از موارد وقتی هدف گذاری صحیسی برای حرکت فردی و اجتماعی نداشته باشیم به محض برخورد به اولین مانع و چالش دچار یأس و ناامیدی و پوچی میشویم اما وقتی سلسله اهداف و آرمانها را لحاظ کنیم در مییابیم که فداکاری در راه آنها چقدر مقدس و امید آفرین است

رهایی از سلطه اجانب یکی از ابتدائی ترین نیازهای یک جامعه است. و یکی از ارکان انقلاب اسلامی ایران است. مقام معظم رهبری می فرمایند: «ابتدای حرکت با انقلاب اسلامی آغاز شد و افق رو به روی آن ایجاد تمدن اسلامی است که با انگیزه و تلاش باید به سوی آن حرکت کرد. ما یک انقلاب اسلامی داشتیم بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است. مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است مرحله بعد تشکیل تمدن بین الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار دادیم (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3256>)

### ۱.۲-۲. موانع درونی گرایشی

#### الف) داشتن آرزوهای واهی

آدمی باید فرق آرزوهای واهی و دراز را با آرزوهای عقلانی و دست یافتنی بداند و عمر خود را صرف خیالاتی نکند که هیچ وقت بدانها نخواهد رسید. معمولاً انسان در اثر نادانی چیزهایی را طلب می کند که باعث پایین آمدن درجات ایمان او می شود و باعث آلودگی اخلاقی و عملی می شود و چه بسا حتی عمر او به سرآید بدون آنکه به آنها دست یابد حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «فی غرورِ الآمالِ انقضاءُ الآجلِ؛ در فریب آرزوها عمرها به پایان میرسد.» (آمدی، ۱۴۱۰: ح ۶۳۵۶).

در کلام دیگری منسوب به آن حضرت آمده است: «إِنَّ الدنیا حلوه خَضیره تفتن الناس

بالشهوات و تزین لهم بها ملها و ایم الله ائها لتعمرن املها و تخلف من رجاها؛ دنیا شیرین و سبز است، مردم را با خواسته‌های نفسانی می‌فریبید و زندگی این جهانی را در چشم آنان زیبا می‌نماید به خدا سوگند که دنیا آرزومندان خود را گول می‌زند و امیدوارانش را مأیوس می‌کند.» (کلینی، ۱۳۸۲: ۲/۲۸۹)

### ب) غفلت و فراموشی نعمت‌ها

خداوند متعال در آیات بسیاری به بیان نعمت‌ها و شکرگزاری نسبت به آن‌ها پرداخته است تا حس شکرگزاری را در انسان‌ها بیدار کند. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾؛ ای اهل ایمان روزی حلال و پاکیزه‌ای که نصیب شما کرده‌ایم بخورید و شکر خدا را به جای آورید و تنها سپاس او را گویند اگر شما خالق خود را می‌پرستید.» (بقره/۱۷۲)

یکی از راههای زنده کردن نور امید در دلها همین یادآوری نعمتهای الهی است. ولی غفلت باعث ندیده شدن هر روزه این نعمت‌ها می‌شود مخصوصاً اگر این نعمت‌ها از ضروریات زندگی انسان‌ها باشند که اگر روزی از انسان‌ها گرفته شوند، تازه آن روز به نعمت بودن آن‌ها متذکر خواهیم شد.

### ۱.۳- ۲. موانع درونی رفتاری

#### الف) کسالت

در قرآن و در روایات اسلامی بسیار به این موضوع پرداخته شده است در قرآن می‌خوانیم ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ﴾؛ ای پیامبر هنگامی که از کاری فارغ شدی به کار دیگری بپرداز» (انشراح/۷۹) هدف از این دستور آن است که انسان را از استراحت مطلق بعد از یک کار مهم باز دارد جدا که بیکاری و فراغت، مایه خستگی و کم شدن نشاط و فراهم آمدن زمینه فساد و انواع گناهان می‌شود.

امام موسی بن جعفر علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الصَّجَرَ فَإِنَّكَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تَعْمَلْ وَ إِنْ صَجِرْتَ لَمْ تُعْطِ الْحَقُّ؛ از بی‌حوصلگی و سستی بپرهیز زیرا اگر بی‌حوصلگی کنی دنبال کار نمی‌روی و اگر سستی کنی حق را ادا نمی‌کنی (کلینی، ۱۳۸۲: ۸۴/۵)

به فرموده رهبر انقلاب: «علاج همه دردهای یک ملت، تلاش و کار است؛ کارِ متکی به... امید، علاج همه دردهای یک ملت است. ملت بی‌کار، ملت تنبل، ملت کسل، ملت ناامید و ملتی که بگوید: «ای آقا! از دست ما چه کاری برمی‌آید، آن‌ها هر کار که بخواهند، می‌توانند بکنند، چنین ملتی به جایی نخواهد رسید. آنچه ما به دست آورده‌ایم، به خاطر این بوده است که ملت ما در این مدت، این روحیات را - که در طول دهها سال سعی کرده بودند در او تزریق کنند - بکلی دور ریخت. ملت ما ملتی است باامید» (۱۳۸۵) <https://farsi.khamenei.ir/speech-17/08/istan-saman> (content?id=3361)

### ب) اعتماد کردن به دشمنان

اعتماد نکردن به دشمن یک دستور قرآنی و دینی است «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا؛ هرگز بر ظالمان تکیه نکنید» (هود/۱۱۳) علتها و حکمت‌های بی‌شماری می‌توان برای این دستور حکیمانه بیان کرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها به مسئله «امید» گره خورده است.

در منطق اسلام یکی از پیامدهای اعتماد به دشمن، افتادن به ورطه یأس و ناامیدی است. علت این مسئله هم واضح است چرا که هویت ذاتی دشمن، انتخاب-ها و رفتارهایی است که بیشترین آسیب و ضربه را به جریان حق بزند. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «جماع الغرور فی الاستنامة الی العدو؛ اعتماد کردن به دشمن عامل فریب خوردن از اوست.» (آمدی، ۱۴۱۰: ح ۴۷۷۵)

تکیه و اعتماد به دشمن نتیجه‌ای جز بدبختی نخواهد داشت و تمام آن تصورات و انگیزه‌هایی که باعث رفتن به سوی دشمن شد جز سرابی و توهمی بیش نیست. وسوسه دشمن طوری است که گمان کنیم با دراز کردن دست اتحاد و همدلی با او به بخشی از

اهداف و نیازهایمان خواهیم رسید اما در بسیاری از مواقع همین نزدیک شدن به دشمن عامل اصلی یأس و ناامیدی از تحقق وعده است. هویت دشمن آن است که وعده دهد و بر خلاف آن عمل کند تا در دستگاه محاسبه ما بتواند رخنه کند از همین روست که قرآن همواره تأکید بر عدم دوستی و اعتماد با دشمن حق دارد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید» (ممتحنه/۱)

رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر این تأکید کرده‌اند و به‌طور مکرر نتیجه اعتماد به دشمن را ناامیدی و عدم تحقق نیازها و وعده‌ها عنوان فرموده‌اند و حتی معنای اجتماعی «تقوا» را هم در همین زمینه تحلیل کرده‌اند «به دشمن اعتماد نکنید! تقوا به این معناست» (بیانات در <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=40049> ۹۷/۴/۹)

## ۲.۲. موانع بیرونی

این اقدامات توسط دشمنان بر پایه جایگزین کردن یأس به جای امید از طریق عملیات روانی صورت می‌گیرند و عبارتند از:

### ۲.۱-۲. موانع فرهنگی

#### الف) ضعف در نظام خانواده

ارجمندترین نهاد جامعه، نهاد خانواده است، همچنین لطیف‌ترین رابطه‌ها، رابطه اعضای خانواده و گران‌بارترین ثمره‌ها ثمره نهال خانواده است. اساس نظام خانواده باید درست بنا شود. جامعه تابع خانواده است زیرا جامعه از خانواده‌ها تشکیل شده است از این رو حیات و فرجام جامعه بسته به حیات و فرجام خانواده دارد..

بی‌تردید وضعیت خانواده و تنش‌های حاکم بر آن نیز در ایجاد ناامیدی در فرد تأثیرگذار هستند. خانواده نابهنجار دارای مشخصاتی است که قادر به تأمین نیازهای تکاملی و حل

مشکلات و تعارضهای خود نبوده و کارکردهایش مختل می‌شود. همدلی بین اعضا دیده نمی‌شود. احساساتی مانند: ترس، ناامنی، غمگینی در این خانواده-ها دیده می‌شود. به‌عنوان مثال رهبر انقلاب تأثیر مسئله حجاب در فروپاشی خانواده-ها این‌چنین پرداخته‌اند:

«احتجاب زن، حجاب قراردادن زن برای خود، تکریم زن است. احترام زن است. ایجاد حریم برای زن است، این حریم را شکستند و دارند روز به روز هم بیشتر می‌شکنند اسمهای گوناگون هم رویش گذاشتند و می‌گذارند. اولین و شاید یکی از اولین آثار سوئی که این مسئله گذاشت ویران کردن خانواده بود. بنیان خانواده سست شد وقتی در یک جامعه‌ای خانواده متزلزل شد و از بین رفت مفسد در آن جامعه نهادینه می‌شود». (بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۱/۰۲/۱۳۹۲ - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443>)

### ب) نبود سیستم آموزشی کارآمد

پس از خانواده مهم‌ترین محیط مؤثر در رشد امید در کودک را محیط آموزشی تشکیل می‌دهد. هر قدر محیط مدرسه و سیستم آموزش موفق و از نظر فرهنگی غنیتر باشد امکان دستیابی سریع دانش‌آموزان به موفقیت بیشتر می‌شود و در نتیجه آن امید افزایش می‌یابد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «ما اگر مشکلاتی در زمینه‌های اخلاقی و رفتاری، علمی، اعتماد به نفس ملی و عمومی و در زمینه‌های گوناگون دیگر داریم در ریشه‌یابی این‌ها به آموزش و پرورش می‌رسیم.» (بیانات در دیدار معلمان سراسر کشور، ۱۲/۰۲/۱۳۸۵ - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3339>)

رهبر معظم انقلاب به‌عنوان راهکار این مسئله می‌فرماید: «برای تحول در نظام آموزش و پرورش باید سنتها و نیازهای کشور را اصل قرار دهیم و از تجربیات دیگران حداکثر استفاده را ببریم. اما از الگو برداری و تقلید از کشورهای غربی کاملاً بپرهیزیم. لوح آماده ذهن کودک فقط با آموزش ساخته نمی‌شود. بلکه پرورش لازم دارد. حال که اهمیت آموزش و

پرورش بر ایمان مشخص شد می‌توان به راحتی پذیرفت که نبود موفقیت در این نظام آموزشی چه ضررهای غیرقابل جبرانی بر جای خواهد گذاشت و چقدر افراد جامعه را به سوی ناامیدی سوق خواهد داد. (دیدار جمعی از پرستاران و معلمان و کارگران، ۸۸/۲/۹  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6386>)

## ۲.۲- ۲. فشار اقتصادی

اقدام عملی دیگر دشمنان که بسیار رایج هم هست ایجاد فشار اقتصادی است. آنان به این طریق زندگی و مبارزه را برای مؤمنین مشکل می‌کنند تا آن‌ها از ادامه مسیر ناامید گردند بدیهی است که فقر و بیکاری سهم عمده‌ای در ناامیدی افراد دارند، افرادی که در وضعیت حداقلی مالی قرار دارند سطح امیدواری کمتری دارند امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «هر کس فقیر شود ناامید و سست می‌شود».

چند سال از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله که گذشت کم‌کم قریش متوجه شدند افراد بزرگی مانند حمزه بن عبدالمطلب بدین پیغمبر اسلام درآمده و گروهی از مسلمانان نیز به حبشه رفته و در پناه پادشاه حبشه در کمال آسایش و امنیت بسر می‌برند و در میان قبائل عرب نیز کم و بیش اسلام پیروانی پیدا کرده است. برای جلوگیری از ادامه کار و تبلیغات پیغمبر اسلام تعهد نامه‌ای نوشتند که از آن پس نه از مسلمانان چیزی بخرند و نه به مسلمانان چیزی بفروشند و همگی در مقابله با محمد صلی الله علیه و آله و یارانش متحد باشند این تصمیم عملی شد بنی هاشم و فرزندان مطلب به جز ابو لهب همگی به دره‌ای که منسوب به ابوطالب بود و به شعب ابو طالب معروف شده بود رفتند و بالجمله دو سال یا سه سال بر این منوال گذشت، در این مدت قریش دیده‌بانانی گماشته بودند تا کسی به نزد ایشان نرود و آذوقه و خوراکی به ایشان نرساند

طبق بیان قرآن کریم: ﴿هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَيَلَّهٖ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾. آنان همان کسانی هستند که می‌گویند: بر کسانی که نزد رسول خدا هستند، انفاق نکنید تا پراکنده شوند؛ درحالی که خزانه‌های

آسمان‌ها و زمین برای خداوند است ولی منافقان نمی‌فهمند» (منافقون / ۷) زیرا افراد مادی تحلیل مادی دارند و فکر می‌کنند مردم برای دنیا دور پیامبر جمع شده‌اند، لذا می‌گویند: کمک نکنید تا پراکنده شوند

امروزه هم ابرقدرت‌ها برای به تسلیم کشاندن کشورها از فشار محاصره اقتصادی استفاده می‌کنند. نداشتن یک امنیت اقتصادی در محیط جامعه می‌تواند یکی از موانع بیرونی امید محسوب شود و بهداشت روانی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. پخش شدن شایعات و حتی واقعیات هر روزه از تریبونهای مختلف و تزریق کردن احساس ناامنی و اضطراب در بازار در مواردی همچون نرخ ارز و خشکسالیهای احتمالی و... نتیجه‌ای جز اضطراب و نگرانی و ناامیدی نخواهد داشت.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «از جمله چیزهایی که مردم را به بهشت نزدیک می‌کند بهبود معیشت مردم است» «كَادَ الْفَقْرُ يَكُونُ كُفْرًا؛ نزدیک است که فقر به کفر بینجامد» (کلینی، ۲۱۳۸۲: ۳۰۷) جامعه‌ای که در آن فقر باشد بیکاری باشد مشکلات معیشتی غیرقابل حل وجود داشته باشد، اختلاف طبقاتی باشد، تبعیض باشد شکاف طبقاتی باشد آرامش پیدا نمی‌کنند» (بیانات در دیدار مردم استان ایلام، ۹۳/۲/۲۳  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26388>)

### ۲.۳-۲. موانع سیاسی

#### الف) سیاه‌نمایی و بحرانی جلوه دادن اوضاع

منظور از سیاه‌نمایی عبارت است از عملیات روانی برای بدتر جلوه دادن وضع حقیقی موجود. این اقدامات در زمان پیامبر ﷺ نیز انجام میشد، برخی از آن‌ها که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از:

قرآن کریم بیان می‌کند زمانی که بعد از جنگ احد مسلمانان به تعقیب دشمن پرداختند منافقین میگفتند چگونه خدا به ما وعده پیروزی داد درحالیکه هیچ قدرتی نداریم



و در حال کشته شدن هستیم؟ این سخن آنان درحالی است که جنگ تمام شده بود و سپاه مهاجم مکه عقب نشسته بود. ﴿ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغِيثُ طَائِفَةً مِّنْكُمْ وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ﴾؛ سپس به دنبال این غم و اندوه آرامشی بر شما فرستاد، این آرامش به صورت خواب سبکی بود که در شب بعد از حادثه احد جمعی از شما را فرا گرفت اما جمع دیگری در فکر جان خویش بودند و خواب چشمان آن‌ها را فرا نگرفت. آن‌ها گمان‌های نادرستی درباره خدا همچون گمانهای دوران جاهلیت داشتند و می‌گفتند: آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می‌شود؟ بگو همه کارها و پیروزیها به دست خداست آن‌ها در دل خود اموری را پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند. (آل عمران/۱۵۴)

همچنین هنگامی که جنگ احزاب طولانی شد و محاصره اصحاب رسول الله ﷺ تنگ‌تر شد منافقین سخنانی را به زبان آوردند که خداوند در قرآن ذکر نموده است: ﴿وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾. و [نیز به خاطر آورید] زمانی را که منافقان می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند. (احزاب/۱۲) رسول خدا ﷺ پیش از این به اصحاب خود گفته بود که احزاب عرب با یکدیگر متحد می‌شوند و به ما حمله می‌کنند و یهود نیزنگ می‌ورزند، آنان تلاش زیادی می‌کنند ولی سرانجام و عاقبت امر، به نفع ما و به ضرر آن‌ها است. چون قریش برای جنگ آمدند و یهود، نیزنگ ورزیدند، منافقان گفتند: ﴿مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾؛ وعده خدا و رسولش، فریبی بیش نبوده است، بیایید بگریزیم و به اعراب بادیه‌نشین پناهنده شویم» (قمی، ۱۸۶/۲). منافقان می‌گفتند: «محمّد به ما وعده می‌دهد که مدائن کسری و قیصر را فتح می‌نماید درحالی‌که ما برای قضاء حاجت امنیت نداریم. به خدا قسم این وعده‌های فریبنده است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۲/۲)

در شأن نزول سوره کوثر می‌خوانیم: «عاص بن وائل» که از سران مشرکان بود وقتی «عبدالله» پسر پیامبر اکرم ﷺ از دنیا رفت حضرت را «ابتر» (یعنی بلا عقب) خواند عرب طبق

سنت خود، برای فرزند پسر اهمیت فوق العاده‌ای قائل بودند و او را تداوم بخش برنامه‌های پدر می‌شمردند، بعد از این ماجرا، آن‌ها فکر می‌کردند با رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برنامه‌های او به خاطر نداشتن فرزند ذکور، تعطیل خواهد شد لذا به مسلمین طعنه می‌زدند و آنان را دلسرد و مایوس می‌کردند. خداوند در سوره کوثر به آن‌ها پاسخ گفت و خبر داد که دشمنان او ابرتر خواهند بود و برنامه اسلام و قرآن هرگز قطع نخواهد شد.

به فرموده مقام معظم رهبری: «گاهی روی یک مشکل خاص که چندان هم مهم نیست مدام تکیه می‌کنیم، مدام تکرار می‌کنیم، مدام می‌گوییم، مدام مرثیه خوانی می‌کنیم، امید در دل جوان فرو می‌نشیند و کم‌فروغ می‌شود» (۱۷/۰۷/۱۳۹۸) بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43719>) سم مهلکی است سیاه‌نمائی و ناامیدسازی و آینده را تاریک نشان دادن؛ و این سم مهلک به وسیله تبلیغات معارض و خصمانه، سعی می‌شود در کشور پراکنده شود؛ با این مبارزه کنید. همه نشانه‌ها مژده امید به ما می‌دهند؛ مژده پیشرفت می‌دهند؛ در همه بخشها. و امیدواریم که ان‌شاءالله این مژده‌ها در کمتر از یک نسل، تحقق پیدا کند (بیانات در دیدار نخبگان و فرهیختگان استان فارس ۱۷/۰۲/۱۳۸۷ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3435>)

### ب) ایجاد ترس

یکی دیگر از اقدامات دشمنان این است که با القای ترس به شیوه‌های گوناگون، سعی در ناامیدی مؤمنین نموده تا آن‌ها را از ادامه راه باز دارند و در این راه منافقین و سست ایمان‌های داخلی نیز با آن‌ها همدستی می‌کنند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَتُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا». اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و آنان که در مدینه شایعه‌پراکنی می‌کنند (از کارشان) دست بردارند، حتماً تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، آن‌گاه جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند» (احزاب/۶۰)

«مرجفون» از «ارجاف» به کسانی گفته می‌شود که با شایعه‌سازی در جامعه اسلامی دلهره ایجاد می‌کنند. قضیه از این قرار است که گروهی از منافقین در مدینه بودند و انواع شایعات را پیرامون پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگامی که به بعضی از غزوات می‌رفت در میان مردم منتشر می‌ساختند، گاه می‌گفتند: پیامبر کشته شده، و گاه می‌گفتند: اسیر شده، مسلمانانی که توانایی جنگ را نداشتند و در مدینه مانده بودند سخت ناراحت می‌شدند و شکایت نزد پیامبر ﷺ آوردند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳/۶۳۱) رهبر معظم انقلاب با استناد به آیه شریفه فوق می‌فرماید که در قران کریم ترساندن مردم، ناامید کردن مردم و بی‌اطمینان کردن آن‌ها مذمت شده است (۲۵/۰۶/۱۳۸۹) بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10141>)

در قران کریم می‌خوانیم: ﴿وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾. و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه! (در صحنه جنگ) برای شما جای ماندن نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه (بازگشت) می‌خواستند (و) می‌گفتند: همانا خانه‌های ما بی‌حفاظ است. درحالی که بی‌حفاظ نبود و آنان جز فرار (از جنگ) قصد دیگری نداشتند.» (احزاب/۱۳)

در جنگ احزاب گروهی از منافقان با شایعه‌پراکنی و ایجاد ترس گروهی با فرار از جبهه در صدد تضعیف روحیه مؤمنان بودند. (قرائتی، بی‌تا: ۳۳۷/۷) این افراد از عظمت و قدرت حریف صحبت میکردند و سعی میکردند دل‌های مؤمنین را متزلزل کنند و آن‌ها را بترسانند و همانطور که در سوره مبارکه نساء نیز آمده اینها بیشتر از خدا از مشرکان مکه میترسیدند. کلمه «خَشْيَةِ» که در این آیه آمده به ترسی گفته می‌شود که برخاسته از عظمت و بزرگ دانستن طرف مقابل باشد. «چون جهاد بر آنان مقرر شد، گروهی از آنان چنان می‌ترسیدند که گویا از خدا می‌ترسند، بلکه بیش از خدا (از کفار می‌ترسیدند) و (از روی اعتراض) گفتند: پروردگارا! چرا جنگ را بر ما واجب کردی؟» (نساء/۷۷)

در داستان حضرت موسی نیز می‌خوانیم هنگامی که موسی علیه السلام و یارانش درحالیکه فرعونیان در تعقیب آن‌ها بودند به دریا رسیدند افراد ضعیف الایمان قومش گفتند: «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ؛ آنان به ما دست خواهند یافت» (شعراء/۶۱)

### ج) ایجاد باور به لزوم حاکمیت ظلم

یکی از بهترین و کم هزینه‌ترین روشهای القای ناامیدی توسط دشمنان این است که این باور را در مظلومان ایجاد کنند که وجود حکومت ظلم ضرورت دارد. در این صورت هم نسبت به قیام و اعتراض مردم مصونیت خواهند داشت و هم خود مردم برای بقای حاکمیت ظلم تلاش خواهند کرد و اهداف دشمنان محقق خواهد شد.

اطاعت در نظام فاسد بر اساس تحقیر مردم است و خود باختگی و تهی شدن از هویت سبب تسلیم شدن در برابر طاغوت‌ها است (قرائتی، بی‌تا: ۸ / ۴۴۴). اگر بتوان در کسی این احساس را برانگیخت که احساس کند از دیگران پست‌تر است، می‌توان بر او تسلط روانی پیدا کرد. در طول تاریخ مستکبران پیوسته بدین شیوه عمل کرده و بر مردم حاکم شده‌اند. فرعون از جمله مستکبرانی است که از این شیوه برای حاکم شدن بر اراده مردم استفاده نمود: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ. پس قوم خود را سبک‌مغز یافت [و آن‌ها را فریفت] و اطاعتش کردند چراکه آن‌ها مردمی منحرف بودند» (زخرف/۵۴)

فرعون می‌خواست تمام مردم مطیع او باشند و از ثروت آن‌ها استفاده کند و اصلاً او را بپرستند و در مقابل او به خاک بیافتند. از این رو گفت: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى. من پروردگار بزرگ شما هستم» (نازعات/۲۴) او نقشه‌ای کشید تا بتواند همه مردم را تحت فرمان خود درآورد. جمعیت مصر در آن زمان چند میلیون نفر بود که از میان آن‌ها، جمعیت بنی‌اسرائیل به بیش از یک میلیون نفر رسیده بود و براین اساس، اولین نکته‌ای که به ذهن فرعون رسید این بود که اگر همه این مردم بر علیه من متحد شوند من هیچ‌کاری نمی‌توانم بکنم؛ پس باید تدبیری بیاندیشم. اولین اصلی که مورد توجه فرعون قرار گرفت این بود که مردم را گروه‌گروه کند و به جان هم بیندازد زیرا تنها چیزی که می‌تواند او را از شر انقلاب و کودتای مردم حفظ

کند همین امر بود. در این باره قرآن در آیه دیگری می‌فرماید: «عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا. میان اهل آن سرزمین تفرقه و اختلاف افکند» (قصص/۴). یکی از بهترین راه‌های ایجاد اختلاف، تکیه بر اختلافات قومی و نژادی است. یک راه دیگر، دامن زدن به اختلافات مذهبی است که این نوع اختلاف به راحتی می‌تواند مردم را به جان هم بیندازد. راه دیگر، ایجاد اختلافات طبقاتی از لحاظ ثروت و مکنت و قدرت کار و قدرت علمی است. این‌ها عواملی است که می‌شود از آن‌ها برای ایجاد شکاف و تفرقه میان توده‌های مردم بهره‌برداری کرد و فرعون از همه ابزارها استفاده کرد که مردم را دسته‌دسته کند.

(<http://www.qudsonline.ir/news/475456>)

فرعون در تبلیغات خود، مخالفان را گروه کوچکی معرفی می‌کرد. اما در تفاسیر از ابن عباس روایت کرده‌اند که افرادی که با حضرت موسی علیه السلام حرکت کردند حدود ۶۰۰۰۰ نفر بوده‌اند و فرعون به این جمعیت زیاد می‌گوید: ﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ﴾؛ اینها گروه اندکی هستند» (شعراء/۵۴). کلمه «شِرْذِمَةٌ» به معنای گروهی محدود است که از اصل بزرگتری جدا شده باشد. فرعونیان در تبلیغات، خود را گروهی متحد می‌دانستند و میگفت: «إِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ. ما لشکری همگی نیرومند و مسلح به اسلحه کاملیم» (شعراء/۵۶). ولی بنی اسرائیل را «قَلِيلُونَ» می‌خواندند، نه «قلیله»، یعنی آنان گروه گروه بوده و با هم متحد و منسجم نیستند و ما خیلی زود آن‌ها را قلع و قمع می‌کنیم (قرائتی، بی تا: ۶/۳۲۰)

#### د) ایجاد شکاف بین مردم و مسئولین

یکی دیگر از اقدامات رایج دشمنان این است که با هر روش ممکن بین مردم و مسئولین شکاف و فاصله ایجاد کنند تا مردم مسئولین را تنها بگذارند و به این صورت دیگر تدبیر مسئولین هم کارساز نباشد و موجب مشکلات بیشتر در جامعه و ناامیدی هرچه بیشتر مردم شود محیط هرج و مرج و محیطی که در آن امید وجود نداشته باشد، ضد پیشرفت است. (بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی

دانش‌آموزان ۱۳۸۳/۱۲/۲۴ ۳۲۷۳ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3273>

منافقین حتی در وسط میدان جنگ نیز سعی میکردند رزمندگان را از سپاه پیامبر ﷺ جدا کنند و لشکر اسلام را تضعیف کنند تا شکست بخورد. آن‌ها گروهی را با ترساندن از جنگ و گروهی را با نصیحت کردن و ظاهر خیرخواهانه فریب میدادند:

﴿وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾؛ و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه! (در صحنه جنگ) برای شما جای ماندن نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه (بازگشت) می‌خواستند (و) می‌گفتند: همانا خانه‌های ما بی‌حفاظ است. درحالی که بی‌حفاظ نبود و آنان جز فرار (از جنگ) قصد دیگری نداشتند» (احزاب/۱۳).

### ۳. راهکارهای مقابله با ناامیدی

این راهکارها در سه دسته شناختی و گرایشی و رفتاری ارایه می‌شوند:

#### ۳.۱. راهکارهای شناختی

##### الف) آشنایی با اسماء و صفات الهی

مهم‌ترین سرچشمه امید را باید در اسماء جمالی خداوند جست‌وجو کرد. قرآن خداوند را هم با صفت «رحمان» و هم با صفت «رحیم» یاد می‌کند. (بسم الله الرحمن الرحيم) که خود آیه‌ای از قرآن است هم مشتمل بر رحمان است هم مشتمل بر رحیم. رحمان و رحیم هر دو مشتق از «رحمت» می‌باشند با این تفاوت که «رحمت رحمانی» عبارت است از رحمت عمومی که شامل همه-ی موجودات است. به این معنا که وجود هر موجودی برای آن موجود رحمت است، و تمام احتیاجات وجودی او و سائلی که برای ابقاء و ادامه وجود او آفریده شده است رحمت است اما «رحمت رحیمیه» عبارت است از الطاف و دستگیریهای خاصی که یک موجود مکلف در اثر حسن انجام وظیفه مستحق آن می‌گردد. لطف خاصی است که طبق قانون خاص نه قانون عام طبیعت شامل حال می‌گردد.

توجه قلبی به اسماء رحمانی خداوند شاهراه غلبه بر ناامیدی است. در منظومه فکری شیعه خداوند بر اساس اسماء خویش سر رشته تدبیر تمام هستی را در دست دارد و بندگان تشویق می‌شوند که خداوند را به این اسماء بخوانند: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ (اعراف: ۱۸۰)

در این میان اسم رحمان و رحیم جایگاه ویژه‌ای دارند چنان که قرآن می‌فرماید: ﴿كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ﴾ (انعام: ۵۴) و ﴿رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ﴾ (انعام: ۱۴۷) این ویژگی رحمانی حضرت حق هر ناامیدی را امیدوار می‌کند مخصوصاً اگر بداند که این رحمت الهی شامل همه موجودات می‌شود: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (اعراف: ۱۵۶).

اساساً در نظام اسماء الهی جایگاه رحمت مقدم بر غضب است چنان که در منابع شیعی چنین می‌خوانیم «خَلَقْتُ رَحْمَتِي قَبْلَ غَضَبِي» (عیاشی، ۱۱۴۱۰: ۳۵ / ۳۵) و در حدیث مشهور منابع اهل سنت همچنین آمده است «سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي» (صحیح مسلم، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۰۸) این شناخت از خداوند جایی برای ناامیدی باقی نمی‌گذارد و این باور را در شخص موحد به وجود می‌آورد که باید تمام تلاش را در مسیر هدفم انجام دهم.

کلمات و جملات زیبا و امیدبخش در دعاهای مأثور فروان است. معصومین علیهم السلام، انسان غرق در مصیبت را به سوی خدایی هدایت می‌کنند که سر منشأ تمام امیدها و رهایی از ناکامی‌ها است. «... خدایا به راستی امیدم از تو قطع نشود، ... خدایا چطور ناامید شوم، و تو آرزوی منی، یا چگونه خوار شوم، و بر تو تکیه زدم، ...» (قمی، ۱۳۶۰: ۴۵۳) «... ستایش برای خدایی که امید او را دارم و امید ندارم به دیگری، و اگر به دیگری امید بندم بر نیارم امیدم را...» (همان، ص ۲۳۹) «... خدایا من دریافتم راه هر مقصودی به سوی تو در رفت و آمد است، و چشمه‌های امید به سوی تو سرشار است، و یاری جستن به فضل تو برای هر که امیدوار باشد، روا است، و درهای دعا به آستانت، برای فریادکنان باز است، و می‌دانم که تو برای امیدواران در مقام اجابتی...» (همان، ص ۳۰۶)

## ۲.۳. راهکارهای گرایشی

### الف) توکل بر خداوند

به تعبیر رهبر انقلاب «یکی از مایه‌های مهم امید عبارت است از توکل به خدای متعال» (۱۷/۰۷/۱۳۹۸ بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43719) در صدر اسلام منافقین که دل‌هاشان خالی از ایمان و توکل بود در جنگ‌ها پیامبر ﷺ را تنها می‌گذاشتند و شرکت نمی‌کردند تا اگر پیامبر ﷺ شکست خورد به آن‌ها ضرر و آسیبی نرسد: ﴿وَلْيَعْلَمِ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبْعُنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾. و چهره منافقان معلوم شود، (کسانی که چون) به آن‌ها گفته شد: بیایید شما (هم مثل دیگران) در راه خدا بجنگید و یا (لااقل از حریم خود) دفاع کنید، گفتند: اگر (فنون) جنگی را می‌دانستیم، حتماً از شما پیروی می‌کردیم. آن‌ها در آن روز، به کفر نزدیک‌تر بودند تا به ایمان. با دهانشان چیزی می‌گویند که در دلشان نیست و خداوند به آنچه کتمان می‌کنند، آگاه‌تر است» (آل عمران / ۱۶۷)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «هرکس در یقین ضعیف شده به اسباب و وسایل توسل پیدا می‌کند و خود را آزاد می‌سازد و از عادت‌ها و عرفیات پیروی می‌نماید. او از گفته‌های مردمان پیروی می‌کند که در آن گفته‌ها حقیقتی نیست او در اسباب و وسایل دنیایی خود را مشغول می‌سازد و به جمع‌آوری و نگهداری مال اشتغال پیدا می‌کند. در زبان خود اقرار می‌نماید که هرچه خدا بخواهد همان می‌شود و مانع و معطی خداوند است. روزی را خداوند بین مردمان تقسیم می‌کند و با جهد و کوشش روزی را می‌تواند به دست آورد ولی در عمل و قلب با آن مخالفت می‌کند خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۱ / ۱۹۹)

رهبر انقلاب با اشاره به این حدیث قدسی که «لَأَقْطَعَنَّ أَمْلَ كُلِّ أَمَلٍ غَيْرِي؛ من قطعاً



امید آن کسی را که به غیر من امید ببندد، قطع خواهم کرد» (طوسی، بی تا: ۴۳۱) تأکید می‌نمایند که ما باید امیدمان به خدا باشد و در آن دوگانه امیدواری و نومیدی [از دوگانه‌های مواجهه با حوادث]، دچار نومیدی نباید بشویم «لَا تَأْيِسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ ا» (یوسف/۸۷) [اگر] تلاش کنیم، همت کنیم، بخواهیم، به خدا توکل کنیم، از خدا بخواهیم، می‌شود (۲۳/۱۲/۱۳۹۷) بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41994)

### ب) باور و به وعده نصرت الهی

کمک‌های غیبی گاهی به صورت فراهم شدن شرایط و مقدمات است و گاهی به صورت الهامات و هدایتها و روشن بینیها و گاهی به شکل‌های دیگر «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ اگر خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری می‌کند و ثابت قدمتان می‌دارد.» (محمد/۷)

اما باید دانست که این گونه الطاف غیبی، گزاف نیست به تعبیر رهبر انقلاب چنین نیست که انسان در خانه‌اش بنشیند، دست روی دست بگذارد و منتظر باشد که «دستی از غیب برون آید و کاری بکند». خیر؛ چنین انتظاراتی بر خلاف قانون آفرینش است. خدا می‌گوید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ اگر شما نصرت کردید خدا را، یعنی به سمت تمدن اسلام و جامعه اسلامی و تحقق دین خدا پیش رفتید، خدا شما را یاری می‌کند؛ این نقطه امید است «وَمَنْ أٰصَدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيْلًا؛ چه کسی از خدا راستگوتر است؟ (نساء/۱۲۲) وعده چه کسی از خدا درست‌تر است؟ (۱۳۹۸/۰۳/۰۱) بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42633)

آیه شریفه یاری الهی را که همان مدد غیبی است مشروط می‌کند به این که خدمت و عمل و مجاهدتی که در راه خیر عموم باشد صورت بگیرد یعنی هم عمل و مجاهدت و کوشش شرط است و هم اخلاص و حسن نیت. در آیه دیگری می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ آنان که در راه ما کوشش و جدیت به خرج می‌دهند ما

راه‌های خود را به آن‌ها ارائه می‌دهیم خداوند با نیکوکاران است.» (عنکبوت/۶۹)  
 در این آیه نیز هم کوشش و هم این‌که در راه خدا باشد ذکر شده است پس هم صرف  
 نیروی بدنی و هم صرف نیروی روحی را شرط قرار می‌دهد و در این صورت است که  
 هدایت و روشنی باطنی به انسان داده می‌شود. زندگی انسان اگر مقرون به حق جوئی و  
 حقیقت‌خواهی و اخلاص و عمل و کوشش باشد مورد حمایت حقیقت قرار می‌گیرد و از  
 راه‌هایی که بر ما مجهول است دست غیب الهی ما را تحت عنایت و رحمت خود قرار  
 می‌دهد. (مطهری، ۱۳۸۵: ۷۱)

### ۳.۳. راهکار عملی

#### الف) رعایت تقوای الهی

در قرآن کریم می‌خوانیم که «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ  
 يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوید، و استقامت  
 پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار  
 می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است» (اعراف/۱۲۸) رهبر انقلاب با استناد به  
 این آیه شریفه می‌فرماید که: «وقتی شما اهل تقوا بودید، پاکدامن بودید، رعایت امر و نهی  
 الهی را کردید، خدا با شما است. وقتی خدا با انسان است یعنی پیروزی با انسان است،  
 موفقیت با انسان است، شادکامی با انسان است، بهجت معنوی با انسان است. من مؤکداً  
 شما جوانها را توصیه میکنم تا از این پاکی، از این صفا، از این نورانیت هر چه می‌توانید  
 استفاده کنید؛ خدای متعال را در دل خودتان، در ذهن خودتان، در عمل خودتان همواره  
 همراه داشته باشید. ان شاء الله پیش خواهید رفت» (۱۷/۰۷/۱۳۹۸) بیانات در دیدار نخبگان  
 و استعداد‌های برتر علمی (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43719>)

## ب) یادآوری نعمتهای پروردگار

یادآوری نعمتهای الهی از چنان اهمیتی برخوردار است که در آیات بسیاری از قرآن بر آن تأکید شده است. توجه به این نعمت‌ها یعنی توجه به تمام داشته‌ها و ظرفیت‌های بالفعل شده که یکی از مقدمات اصلی امیدواری است.

در سوره ضحی پس از ذکر نعمتهایی که بر پیامبرش ارزانی داشته است در پایان می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾؛ نعمتهای پروردگارت را بازگو کن» (ضحی/ ۱۱) در جای دیگری از قرآن به شکل مستقیم مؤمنان را متوجه نعمتهای بیکران الهی می‌کند و مورد خطاب قرار می‌دهد ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمتی را که خدا به شما بخشید، به یاد آورید.» (احزاب/ ۹)

این شیوه دیدن نعمت‌ها و ذکر آن‌ها می‌تواند ذهن انسان را از کمبودها منصرف کند تا به جای حوادث تلخ و ناخوش‌ها به دنبال یادآوری نعمت‌های الهی باشیم اگر کسی به دیدن زشتیها و تلخی‌ها عادت کند دیگر نخواهد توانست دست پر مهر الهی را در جای جای زندگی خویش ببیند. بلکه با یادآوری‌های منفی و ملال‌آور به تدریج ناامید می‌شود و به رحمت و فضل الهی بدگمان می‌گردد.

حضرت ابراهیم علیه السلام در گفت‌وگو با بت پرستان خدای خویش را به زیبایی معرفی کرده است و بخشی از نعمت‌های مادی و معنوی خداوند را یادآور می‌شود.

﴿الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ \* وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ \* وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ \* وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ \* وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ﴾؛ آن کسی که ما آفرید و هدایت می‌کند. و کسی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید و هنگامی که بیمار می‌شوم مرا شفا می‌دهد. و کسی که مرا میمیراند و سپس زنده می‌کند و کسی که امیدوارم گناهام را در روز جزاء ببخشد» (شعراء/ ۷۸ تا ۸۳) نعمتهایی که حضرت ابراهیم علیه السلام در این آیات برمی‌شمرد، نعمتهای با ارزش و مهمی می‌باشند که به‌طور معمول در زندگی مؤمنان نیز جریان دارد. اما دیدن این نعمت که و ذکر آن‌ها بسیار زیبا است و مایه امیدواری به خداوند متعال

می باشد.

مقام معظم رهبری در بیاناتشان به این مسئله مهم اشاره دارند و می فرمایند: «شهیدان به ما می گویند شما خوف و حزن نداشته باشید. دلسردی و نومیدی نداشته باشید. نعمت، لطف و برکات الهی را در مقابل چشم ما نگه میدارند و این آن چیزی است که ما امروز به آن احتیاج داریم. (بیانات در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استانهای کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی ۱۳۹۵/۷/۵ - [https://farsi.khamenei.ir/speech-  
\(content?id=34514](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34514)

### ج) گسترش فرهنگ انتظارمهدوی

امید در کنار انتظار که واژگانی مترادفند، همواره برای شیعه پرمفهوم بوده، و رنگ و بوی خاصی داشته و دارد. شیعه منتظر، قرن‌ها به انتظار مهدی موعود روزشماری می‌کند و هر هفته با سوز دل دعای ندبه می‌خواند. سراسر این دعای زیبا و امیدبخش، آینده‌ای روشن و نورانی را برای انسان ترسیم می‌کند که در سایه ظهور منجی عالم بشریت محقق خواهد شد. رهبر انقلاب در تبیین این مسئله می‌فرماید: «خصوصیت نیمه شعبان و جشن ولادت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) عبارتست از امید و عدالت. دو نقطه برجسته‌ای که در انتظار ما و جشن‌گیری ما برای نیمه شعبان وجود دارد، یکی مسئله امیدزایی است که نوید این ولادت و آینده‌ای که بر اثر این ولادت، دنیای بشر در انتظار آن است، خود این امیدزاست؛ و دیگر این‌که در آن جهانی که پس از آمدن آن بزرگوار شکل خواهد گرفت، برجسته‌ترین خط، خط عدالت است. شما وقتی در همه روایات و آثاری که راجع به آن بزرگوار و راجع به آن دوران آمده نگاه می‌کنید، می‌بینید اغلب تکیه بر روی این نیست که مردم در آن دوران دیندار می‌شوند - با این‌که دیندار هم می‌شوند - بلکه تکیه بر روی این است که مردم در آن وقت برخوردار از عدالت می‌شوند و قسط و عدل اقامه می‌شود؛ این مطلب در دعاها و زیارت‌های آن بزرگوار و روایات هست. (رک: صدوق، ۱۳۵۵/۱: ۲۵۸، ح ۳؛ کلینی، ۳۳۸۲/۱: ۳۳۸، ؛ طبرسی، ۱۳۷۷/۲: ۴۹۴) یعنی نقطه برجسته در آن آینده پر از

نوید، عبارتست از عدالت بشر تشنه عدالت است». (۱۳۸۶/۰۶/۰۴ بیانات در دیدار  
رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت - <https://farsi.khamenei.ir/speech->  
(content?id=3398)

## نتیجه

این پژوهش کوشید تا ضمن بیان تعریف و اهمیت امید و خوش بینی، موانع آن را معرفی نماید تا با شناخت آن‌ها بتوان از بروز ناامیدی به عنوان عامل نابودی حرکت و پویایی جامعه جلوگیری کرد، این عوامل بر اساس منشا بروز آن‌ها به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند

موانع درونی با توجه به ساحت‌های وجودی انسان در سه دسته ۱. موانع بینشی: مثل عدم شناخت اوصاف الهی و ضعف جهانبینی ۲. موانع گرایشی نظیر غفلت و فراموشی نعمت‌ها، داشتن آرزوهای واهی ۳. موانع رفتاری مانند: کسالت، اعتماد کردن به دشمنان موانع بیرونی که توسط دشمنان بر پایه جایگزین کردن یأس به جای امید بیشتر از طریق عملیات روانی صورت می‌گیرند عبارتند از: ۱. موانع فرهنگی از قبیل ضعف در نظام خانواده و نبود سیستم کارآمد آموزشی ۲. موانع اقتصادی و ۳. موانع سیاسی مانند سیاه نمایی و بحرانی جلوه دادن شرایط جامعه و ایجاد باور به لزوم وجود حکومت ظالم در کلام رهبری حکیم و فرزانه انقلاب که منطبق بر تعالیم نجات بخش قران کریم و روایات اسلامی است آشنایی با اسماء و صفات الهی و توکل به خداوند و باور به امداد و نصرت الهی از مهم‌ترین راهکارهای شناختی و گرایشی مقابله با ناامیدی هستند اما از نظر عملی رعایت تقوا و یاآوری نعمتهای الهی و گسترش فرهنگ انتظار از مهم‌ترین راهکارهای مقابله‌ای هستند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، لسان العرب، ۱۹۸۸م، لبنان، دارالذات العربی.
۳. بهشتی، احمد، ۱۳۸۷، خانواده در قرآن، بوستان کتاب، چاپ دهم.
۴. تحریری، محمدباقر، ۱۳۹۰، شرح حدیث عنوان بصری، انتشارات سبحان.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰، غررالحکم و دررالکلم، محقق و مصحح: سید مهدی رجائی، قم، دارالکتاب اسلامی.
۶. شریف رضی، ۱۳۸۷، نهج البلاغه، مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴، مفردات فی غریب القرآن، تهران.
۸. ستاد فرهنگی فجر انقلاب اسلامی، گام دوم انقلاب اسلامی، سراج اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۹. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمته الله علیه، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، نشر وزارت ارشاد، تهران.
۱۰. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۱۳۵۵، نشر اسلامی، تهران.
۱۱. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، احتجاج، نشر آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، الامالی، نشر دارالثقافه، قم.
۱۴. علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، الصحیفه سجادیه، نشر الهادی، قم.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۴۱۰، تفسیر عیاشی، المطعبه العلمیه، تهران.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۵، العین، قم، مؤسسه دارالهجره.
۱۷. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۲۱، محجه البیضاء، قم، مؤسسه النشر اسلامی.
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۲۰، تفسیر قمی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۲۰. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ۱۳۶۰، انتشارات بوستان کتاب، قم.

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۲، اصول کافی، ج ۲، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۳. مسلم، صحیح مسلم
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۶، اخلاق در قرآن، ج ۱ و ۳، قم، مؤسسه امام خمینی.
۲۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، امدادهای غیبی در زندگی بشر، انتشارات صدرا، قم.
۲۶. معین محمد، ۱۳۳۰، فرهنگ لغت، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. ملا صدرا، ۱۳۶۶، الحکمة المتعالیه فی اسفار اربعه، نشر بیدار، قم.



---

## آسیب شناسی ترویج سبک زندگی غرب با تاکید بر آیات و روایات

---

علی حسن بگی<sup>۱</sup>

ملیحه غلامی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

### چکیده

ترویج سبک زندگی غرب مسئله‌ای است که درگام دوم انقلاب به عنوان عاملی مهم تلقی شده که می‌تواند زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت وارد کند. امروزه تمدن منحط و سرگشته غرب تمامیت‌خواه در صد دبر آمده است تا برای ترویج انسان محوری و اومانیسم در برابر خدا محوری با استفاده از رسانه‌ها و ابزارهای نوین جنگ نرم، ملت‌های مستقل جهان به ویژه جمهوری اسلامی را زیر سلطه خود قرار دهد و بدین ترتیب به اهداف خود جامه عمل بپوشاند. با توجه به ضرورت شناخت سبک زندگی غربی و آسیب‌های آن برای ملت و به خصوص جوانان درمی‌یابیم که طبق بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب بی‌توجهی به آن جامعه را در تمام زمینه‌ها تحت الشعاع قرار می‌دهد. لذا این نوشتار با هدف بررسی شناخت این سبک و پیامدهای آن در زندگی قصد دارد دبا روش

---

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه الهیات دانشگاه اراک [a.hasanbagi@araku.ac.ir](mailto:a.hasanbagi@araku.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک [malihegholami1393@gmail.com](mailto:malihegholami1393@gmail.com)

توصیفی تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای به این مهم پردازد. پیرامون این موضوع کتب و مقالات زیادی نگاشته شده اما آسیب‌شناسی ترویج سبک زندگی غرب از منظر آیات و روایات کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با پژوهش پیرامون ترویج سبک زندگی غرب در جامعه اسلامی به این نتیجه می‌رسیم که این نوع سبک زندگی به خصوص برای جوانان می‌تواند آسیب‌های زیادی در برداشته باشد.

**کلیدواژه:** آسیب‌شناسی، سبک زندگی، سبک زندگی غربی، غرب زده، قرآن و روایات.

### بیان مسئله

در دهه‌های گذشته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، غرب در تلاش گسترده به خصوص از طریق رسانه‌ها کوشیده است تا اسلام را تحریف کرده و با القای مفاهیم نادرستی پیرامون اسلام تصویری منفی از آن ترسیم کند و در نتیجه سبک زندگی دلخواه خود را در میان مردم ترویج دهد تا علاوه بر تأمین منافع اقتصادی، اقتدار و سلطه سیاسی فرهنگی گذشته خود را بازیابد. نظری رسد که استعمار برای از بین بردن جامعه و به تبع آن سبک زندگی اسلامی و جلوگیری از پیشرفت اسلام راهی جز نابود ساختن فرهنگ اسلامی از طریق مشغول ساختن مردم جامعه به دنیا و روی آوردن آن‌ها به غفلت از هدف اساسی آفرینش که همان اعتلای اسلام باشد، هر کاری خواهد کرد. البته مردم در این فریفتگی نقشی اساسی ایفا می‌کند به جهت فریفته شدن نسبت به قانون جهانی و پیشرفت مادی غرب ارتباط لباس پوشیدن و عادات و دور بودن از دین آن‌ها سبب پیشرفت آن‌ها شده و این که اسلام نمی‌تواند همراه قافله زمان پیشرفت داشته باشد و این فکری است که در نتیجه جهل به قوانین اسلام پدید آمده است. اما رهبر فرزانه انقلاب اسلامی این نکته را با دقت در گام دوم انقلاب مورد نظر قرار داده‌اند و به جوانان توصیه کردند که مراقب این حربه دشمن باشد چرا که مسئله دشمنی غرب از آن مسائلی است که باید مفصلاً به آن پرداخت و بی توجهی به آن خسارات جبران ناپذیری برای جامعه اسلامی و سبک زندگی اسلامی خواهد داشت. لذا این نوشتار در صدد است تا در ابتدا با بیان مفاهیم پژوهش و روشن شدن موضوع، به بیان پیشینه

پژوهش پرداخته، سپس با بررسی دلایل آسیب شناخته شدن سبک زندگی غرب برای جامعه اسلامی، به شناخت آسیب‌های آن و علل تجویز سبک زندگی اسلامی مدنظر مقام معظم رهبری پردازد. اکنون سوالی که مطرح است این است که ترویج زندگی غرب در میان مسلمانان به ویژه ملت و جوانان ایران چگونه می‌تواند یک آسیب محسوب شود؟

### مفاهیم پژوهش

#### آسیب شناسی

پاتولوژی (آسیب شناسی) از ریشه یونانی PHATHOS به معنای آسیب و رنج و درد و وقفه و LOGOS به معنای علم و دانش و گفتار، باهم ترکیب شده اند که پاتولوژی را شناخت علل و عوامل و نشانه‌های بیماری گویند. (آراسته‌خو، ۵۳۹، ۱۳۷۰)

این واژه از جمله مفاهیمی است که از علم پزشکی وارد حوزه جامعه‌شناختی شده و از همین رو و در آغاز، همان معنایی از آن مراد می‌شود که از آسیب در علم پزشکی مورد نظر بوده است؛ یعنی جامعه و اجزای آن را موجود زنده می‌پنداشتند، و آسیب اجتماعی، نقصان حادث شده و عارضه پدید آمده در کل پیکره جامعه معنا می‌داده، همچنان که بدن به‌عنوان یک سیستم برای بقا تلاش می‌کند و هر عضوی در این راستا، وظایفی برعهده دارد، در جامعه نیز بروز آسیب به معنای وجود خلل در عضو یا اعضایی است که به هر دلیل نتوانسته‌اند وظایف خود را به نحو مطلوب انجام دهند. این رویکرد به آسیب، متأثر از نگاه زیست‌شناختی و تکاملی جوامع است. (نک عمید، ۱۳۸۵، ۳۹) «آسیب شناسی در حوزه اجتماع و جامعه، به شناخت علل و عوامل، نشانه‌ها و علائم آسیب‌پذیری انسان در جامعه و زندگانی اجتماعی یعنی تربیتی، فرهنگی و... می‌پردازد.» (آراسته‌خو، ۱۳۷۰، ۵۳۹)

پس به‌طور کلی می‌توان بیان کرد که آسیب، اختلال درون یک نهاد یا یک زیرمجموعه اجتماعی، یا اختلال بین نهادها و یا زیرمجموعه‌های اجتماعی در ایفای وظایف و کارکردهای مورد انتظار آنهاست. (نک دورکیم، ۷۴، ۱۳۷۳)

بنابراین، آسیب یک مفهوم نظری است که همواره باید نسبت به یک امر دیگر، مثلاً

نسبت به وضع موجود، وضع مطلوب، انتظارات موجود و یا اعتقادات آرمانی، شناخته شود. که در حوزه کار این تحقیق «آسیب شناسی» نسبت به وضع مطلوب، بررسی می شود. از این رو هر پدیده‌ای که موجب تباهی و فساد چیزی شود، آسیب یا آفت نامیده می شود. لازم به ذکر است آسیب و آفت مفاهیمی مشابه هستند و وجه مشترکی که در این دو واژه می توان یافت عبارت است از: عدم پای بندی به آنچه که باید باشد، بنابراین عدم التزام عملی به هنجارهای مورد قبول، آسیب می باشد و آسیب شناسی به معنای آن است که در عمل، هنجارها، به چه میزان رعایت نگردیده اند. (نک حسامی، ۲۳، ۱۳۸۰) در واقع، در هر حوزه و قلمرویی اگر وجه آرمانی و بایدی به تصور درآید، عدم رسیدن به آن و یا کشاکش بین هست و باید، نوعی آسیب محسوب می شود

### ترویج

ترویج واژه‌ای است که برای رواج دادن، رونق دادن یا رواج کردن چیزی به کار می رود و معادل کلماتی همچون ابلاغ، اشاعه، انتشار و رواج به کار می رود، ترویج نوعی تغییر در جهت توسعه منابع انسانی است (انوری، ۱۷۱۸، ج ۵، ۱۳۸۱) ترویج به طور کلی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم و یا به شکل رو در رو یا غیر حضوری (غیر رو در رو) انجام می پذیرد. ترویج حضوری همچون سخنرانی‌ها، برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها، کنگره‌ها و روضه خوانی‌ها، ترویجی هستند که مروج و مخاطب رو در رو با هم مواجه می شوند و پیام و مفهوم ارائه شده، بی واسطه به سمع و نظر مخاطب می رسد و بازخورد و بازتاب این پیام ارائه شده قابل مشاهده است؛ اما در ترویج غیر حضوری مروج، پیام و مفهوم خود را در قالب رسانه‌ای به سمع و نظر مخاطب می رسد همچون کتاب، نمایش نامه، فیلم، رادیو، تلویزیون و روزنامه. در این گونه ترویج پیام چه به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم به مخاطب انتقال می یابد، امکان این که بازتاب هم زمان نظرات و احساسات مخاطبان به مروجین برسد، وجود ندارد.

سبک زندگی

سبک در لغت به معنی طرز شیوه روش طرز بیان ما فی الضمیر را گویند (فرهنگ معین،

ج ۱، ص ۶۷۷) زندگی به معنای زنده بودن، زیست حیات، مدت عمر، وضع مالی مال و منال بیان شده است. سبک زندگی که از آن به عنوان life style تعبیر می شود همان سبک یا طرز زندگی است که هرکس در یک جامعه برای خود برگزیده و براساس آن رفتار و کردار خود را شکل می دهد. ترکیب سبک زندگی در کتاب های لغت به معنای روش خاصی از زندگی و فعالیت یک شخص یا گروه آمده است. در این راستابه مواردی چون عاداتها، نگرش ها، سلیقه ها، معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی توجه می شود که باهم شیوه زندگی فرد یا گروه را تشکیل می دهد. برابر تعریف برخی از دانشمندان سبک زندگی هر فرد گروه ملت منبث از فرهنگ و آداب و رسوم آن فرد گروه و ملت است (فاضل قانع، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۷)

#### پیشینه

پیرامون غرب گرایی و یا تغییر سبک زندگی به شیوه غربی کتب و مقالات متعددی نگاشته شده است، که برای مثال می توان به کتاب سبک زندگی بر اساس آموزه های اسلامی از حمید فاضل قانع اشاره کرد که در آن به مواردی از قبیل نگرشها و ارزشها در سبک زندگی اسلامی و آسیب های تهدید کننده آن می پردازد، اما در این کتاب بیشتر از جهت رسانه ای به بررسی این موضوع پرداخته است. همچنین کتاب مادی شدن دین از اصغر طاهر زاده به بررسی خطرات تهدید کننده دین و تمدن دینی پرداخته، اما این که چه خطرات و تهدیدهایی وجود دارد مورد توجه نبوده است. و یاد در کتاب سبک زندگی از محمد علی رستمی پیرامون مقایسه سبک زندگی در عصر حاضر با عصر ظهور می باشد و در شاخصه های عصر حاضر آسیب های سبک زندگی به چشم می خورد. البته در کتب دیگری از جمله راز خوشبختی از محمد بیستونی، و یا انقلاب اسلامی و بیرون رفت از عالم غربی از اصغر طاهر زاده و یا اسلام شناسی و پاسخ به شبهات از علی اصغر رضوان به این موضوع اشاراتی شده است اما هیچ یک به طور اخص به بررسی این آسیب از نظر قرآن و روایات نپرداخته است و نگارندگان قصد دارند در این نوشته به بررسی این مهم بپردازند.

## غرب زدگی

درباره تمایز مفهومی غرب گرایی، غربی شدن و غرب زدگی چند نکته لازم به ذکر است: غربی شدن جریانی است که عملاً به غرب روی آورده، در طی آن، نهادها، روابط و ارزشهای غربی پذیرفته می‌شوند. اما غرب گرایی یک نوع گرایش فکری است که به پذیرش هر آنچه غربی است تمایل دارد و از سنت‌های خودی و شرقی متنفر است.

غرب زدگی به آن نوع گرایشی گفته می‌شود که در آن علاقه مندی زیادی به غرب وجود دارد و اقتباس فرهنگ غربی نه از روی شناخت، بلکه کورکورانه و لجام گسیخته می‌باشد و این تمایل در کلیه شئون زندگی فرد دخالت دارد. انگیزه تمایل به غرب در فرد از روی احساسات یا علاقه به حفظ سنت‌ها و ارزشهای فرهنگ خودی در برابر همه استعماری غرب نیست، بلکه دل‌بستگی یا وابستگی به غرب می‌باشد. این جریان به از خود بیگانگی منجر می‌شود که در آن شخصیت، هویت اسلامی و ملیت شرقی وجود ندارد. گرچه در اصطلاحاتی که ذکر شده اند به لحاظ مفهومی، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شوند، امامی توان آنها را بر روی یک طیف قرارداد، به گونه‌ای که غربی شدن و غرب گرایی عملاً به غرب زدگی منتهی شده، و در مقابل مفهوم غرب ستیزی که مدنظر مقام معظم رهبری است قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، غرب گرایی را می‌توان در بین ملت‌ها سه دوره تقسیم کرد:

الف) مرحله گرایش آگاهانه برای اقتباس برخی از شیوه‌های غربی برای مقابله با قدرت غرب که در طی زمان، این گرایش به علاقه مندی و دل‌بستگی تبدیل می‌گردد (غرب گرایی)

ب) مرحله تسلیم در برابر غرب و تقلید و پیروی کورکورانه (غرب زدگی)

ج) مرحله‌ای که در آن عناصر بیگانه طرد می‌شوند و با آگاهی از فرآیند از خود بیگانگی، به

خویشتن خود بازگشت خواهند کرد (غرب ستیزی)

تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی و به تبع آن سبک زندگی اسلامی با خطرات جدی و هجوم‌های سرتاسری به جهت نابودی روح معنویت و ارزشهای اصیل و شخصیت‌های اسلامی مواجه است و از خطرناکترین جنبه‌هایی که بر روی زندگی اسلامی باز شده است

دعوت مردم جامعه اسلامی به غرب زدگی و انتخاب روش غربی در اجتماعات مسلمین است. انتخابی که دربرگیرنده تمام شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... است. این پیروی کورکورانه تاثیر بسزایی در رفتار اسلامی چه در زمینه فردی و چه در زمینه اجتماعی و خطر سقوط حکومت اسلامی در جهان گذاشته است. و جامعه اسلامی را به مرحله ای رسانده که انسانی که تاملتی قبل مؤمن و مقید به آداب و رسوم دینی است را شخصی متخلف و مرتجع از اسلام نموده است و نیز کسانی که تاملتی قبل از افرادی بودند که مردم را به ارزشهای اخلاقی دعوت می کردند و امر به معروف و نهی از منکر می نمودند، اکنون این مسائل را تحجر و دشمنان آزادی شخص می دانند این انحرافات؛ خبر از عواقب و نتایج وخیمی برای جامعه اسلامی می دهد. (رضوانی، ۱۳۸۶، ۶۰۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید: ( همانا خداوند به یکی از انبیائش وحی فرستاد که به مومنان بگولباس دشمنان مرانپوشید و غذای دشمنان مرانخورید و بر روش دشمنانم سلوک نداشته باشید که در این هنگام شما همانند آنها دشمن من خواهید بود). (حرعاملی، ج ۴، ۳۸۵)

غرب زدگی عبارت است از تهی شدن از هر چه ارزش و عرفیت شرقی دارد و در مقابل، خود را در بست مقلد کورکورانه غرب کردن در تمام زمینه ها. این جا مقصود از شرق عالم و جامعه اسلامی و منظور از غرب، دولت های اروپایی به شکل گسترده است. این پیروی کورکورانه از غرب انسان مسلمان را از آزادی فکر و اندیشه و قابلیت نوآوری باز می دارد و او را در حد یک انسان سطحی نگر نگاه می دارد که شخصیت اسلامی خود را از دست داده و در نتیجه از تاریخ اصیل اسلامی و فرهنگ و تمدن خود باز می ماند این خود تهدیدی جدی برای جامعه اسلامی است زیرا جامعه اسلامی دچار مشکلاتی می شود که غرب با آن درگیر است (ر. ک رضوانی، ۱۳۹۶، ۶۰۵ - ۶۰۴) همانطور که قرآن کریم در آیه ۵۴ سوره زخرف می فرماید: ( قوم خود را سبک شمرده و در نتیجه از او اطاعت کردند آن ها قومی فاسق بودند). صموئیل زویمر رئیس جمعیت های تبشیری مسیحیت در کنفرانس قدس به مبشرین کلیسا گفت: ( مفهوم تبلیغ که دولت های مسیحی از شما می خواهند تا در

کشورهای محمدی انجام دهید این نیست که هر مسلمانی را مسیحی کنید زیرا این کار هدایت و تکریم آنان است، بلکه وظیفه شما آن است که مسلمانان را از اسلام خارج کرده تا افرادی بدون هیچ گونه ارتباط با خدا باشند و در نتیجه هیچ گونه ارتباطی با مسائل اخلاقی که امت‌ها در طول حیات خود با آن‌ها مانوس بوده‌اند، نداشته باشند و از این رو شما با این رفتارتن طلیعه داران کشورگشایی در ممالک اسلامی باشید. شما به طور قطع تمام عقول را در ممالک اسلامی به جهت پذیرش حرکت در راهی که همانا خارج کردن مسلمانان از اسلام است، آماده کرده‌اید شما با این رفتار خود کاری کنید که استعمار می‌خواهد با آن مسلمانان را از مسائل مهم باز داشته و آن‌ها را به کسالت و راحتی بکشاند و او را طوری تربیت کند که تمام کوشش او به جهت دسترسی به شهوات به هر نحو ممکن است. به حدی که شهوات هدف اساسی او در زندگی دنیا است و اگر علمی را می‌آموزد به جهت دسترسی به شهوات است. و اگر مالی جمع می‌کند همه و همه برای شهوات است...)) (رضوانی، ۶۰۶، ۱۳۸۶) همچنین مسئله‌ای مانند لیبرالیسم به عنوان یک جریان متأثر از رنودمدرنیستی که اساساً ریشه در بسترهای فکری اجتماعی غرب دارد با ورود به جامعه ایران و باتاکید بر آزادی مطلق آدم از قید و بندها و به ویژه قیود دینی سبب ایجاد چالش‌ها و مشکلاتی در جامعه اسلامی می‌شود چرا که در قوانین جامعه اسلامی انسان آزاد، اما محدود به آزادی‌های مشروع می‌باشد و یا عقل‌گرایی و نفی منابع معرفت دینی (وحی و شهود) و رواج آن در جامعه اسلامی تهدید و مانعی در تقویت و توسعه فرهنگ دینی و به دنبال آن اقتدار جامعه اسلامی می‌شود.

## دلایل و شاخصه‌های آسیب سبک زندگی غرب زده

### ۱. توجه به علل هلاکت تمدن‌ها

تمدن غربی با توجه به خصوصیات که دارد، از جمله مصادیق همان تمدن‌هایی است که در طول تاریخ به انتهای هلاکت بارخورد رسیدند و بیشتر به کثرت و عالم محسوس نظر دارد و از عالم وحدت و ارتباط با آسمان معنویت نظر خود را برگردانده است. می‌توان گفت:



هرامتی «دوره» خودرابایدطی کندحال یاخوب طی می‌کندیاابد، هرمرحله ازمراحل این دوره شاخصه‌های خاصی دارد. مثل حوادثی که درجهان امروزبان روبه روئیم که به جهت شیطنانی بودنِ روحیه دوران مدرنیته واینکه شتاب زدگی وعجله یکی ازخصوصیات شیطان است، فرهنگ غربی باسرعتی که درزمان‌های گذشته سراغ نداریم به‌سوی پایان دوره خودنزدیک می‌شود. درروایت داریم «الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالتَّأْنِي مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ (فیض کاشانی، جلد ۵، ص ۶۰). می‌توان گفت روحیه شتاب زدگی که درتمدن جدیدحاکم است، علت سطحی کردن تفکردراین تمدن شده وهمین امرموجب سیرسقوطی ونزولی آن گشته وبه جای آن که باسرآمدی سعادت‌مندانه روبه روشود، زندگی انسان‌ها دراین تمدن منجربه هلاکت می‌گردد.. (طاهرزاده، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷). اگر اصول وتعلیمات اسلام متروک بماند ودرعوض فرهنگی دیگررواج پیداکنند بایدمنتظرهلاکت وانحطاط جامعه خودنیز باشیم (رک. بیستونی، ۴۷، ، ۱۳۸۵)

## ۲. جامعه بحران زده

ازآنجایی که انسان درعالم زندگی می‌کندونه برعالم، اگرجامعه صرفاًبافکرانسان‌ها اداره شودچنین جامعه‌ای ازعالم قدس ومعنابریده خواهدشدوازحضوردرگستره بیکرانه عالم وجودمحروم می‌گرددوسیرباطنی به‌سوی حقایق راکه منشأنوروکمال‌اند، ازدست می‌دهد. این فکرشبه همان فکری است که بعدازپیامبرصلی الله علیه وآله باطرح اجتهادوصواب دیدفکری، خلیفه جامعه را اداره کردوبا حذف علی علیه السلام به صحنه حکومت اجتماع مسلمین پا گذاشت. چنین فکری یک فکرمادی است ونه قدسی، به فرسایش و بحران می‌رسد وجامعه رابه بحران می‌کشاند، مثل هرپدیده مادی که محکوم تغییروفرسایش است. جامعه شبیه پارچه پوسیده‌ای خواهدشدکه هرکجایش راوصله کنی، جای دیگرش پاره می‌شودوتمام زندگی انسان گرفتارجامعه‌ای می‌گرددکه هیچ ثبات وآرامشی درآن نیست تاامکان زندگی آرام که شرط صعودانسان است فراهم شود، درآن حال این انسان است که بایددائم تلاش کندجامعه‌اش رایک طوری نگه داردوبه جای آن که انسان درآغوش جامعه درآنس باعالم

قدس به سربرد، هرروزبامعضلی روبروست که بایدبه آن بپردازد. جامعه‌ای که باقراردادهای بشری اداره شود، جامعه‌ای است بحران زده که دائماً انسان درآن جامعه متوجه معضلی می‌شودکه قبلاًبه آن فکرنکرده وقراردادی برای آن تنظیم ننموده است، وهیچ وقت هم ازاین بحران بیرون نمی‌آید، چون حکم قدسی همه‌جانبه نگربرجامعه حاکم نیست. درشرایطی قرارداریم که بخواهیم یانخواهیم تحت تأثیرفلسفه جدیدغرب هستیم وجاداردمقایسه‌ای بین فلسفه غربی ونگاه آن به جامعه وافراد، بافکرخلفاءبشود ودرهمان راستایی که شیعه برای عبورازتفکرخلفاراهکارهایی رامی‌شناسد، بتوانیم نسبت به عبورازتفکرغربی ازذخیره فرهنگی مهمی که اهل البیت علیهمالسلام دراختیارماگذاشتندبهره بگیریم. نقطه شروع انحراف درهرملتی آنست که راه برون رفت از ظلمات دورانش را نشناسد وازآن استقبال کندوباتحلیل غلط ازشرایط پیش آمده به جای معنویت موضوع راتحلیل مادی کندواین مادی‌گرایی همان فرهنگ مدرنیته‌ای است که غرب به همراه آورده است (طاهرزاده، ۹۱، ۱۳۸۹)

فلسفه جدیدغرب به‌خصوص پوزیتیویسم، علم به حقایق واعیانِ اشیاءرامنکراست و علم رابه علم به ظاهر، محدودمی‌داندودراین حال یابه کلی منکر دین است ویادین رادرحدقراردادهاوآداب ورسوم اجتماعی پائین می‌آورد. درحالی که قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ الْأَعْيُنُ لَا رَأْيَ لَهُ وَمَآ نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ»؛ (حجر، ۲۱) هیچ چیزی نیست مگرآنکه خزائن آن چیزنزدماست ونازل نمی‌کنیم آنرا مگر به اندازه‌ای معلوم ومحدود. این آیه بیانگرووجودخزینه هرچیزی است نزدخدا، به این معنی که هر مخلوقی از نظرباطنی، دارای خزائنی است درنزدخداوندکه جنبه غیبی وملکوتی آن مخلوق است. وقتی منکرحقایق غیبی واعیان اشیاءشدیدم عملایکی ازاساسی‌ترین عقایددینی راکه عامل حرکت انسان‌ها به سوی عالم غیب است، منکرشده‌ایم، دراین حال دینداربودن به معنی پذیرفتن مجموعه‌ای ازباورهای ذهنی است، درآن حدّکه ما درذهن به آن‌ها باورداریم، بدون آن‌که نظربه واقعیت خارجی آن‌ها داشته باشیم، نهایتاًاعتقادبه غیب درحدیک باورمفهومی خواهدبودمثل باوربه مفاهیم ریاضی ونه باوربه حقایق ملکوتی که به جهت درجه وجودی شدیدتردرمعرض حس

قرارنمی گیرند. (ر.ک طاهرزاده، ۱۳۹۰، ۴۱-۴۵)

### ۳. ظلم استکبار

وقتی حوادث رادرست تحلیل کنیم معنی شکست‌ها و پیروزی‌ها رادرست می‌یابیم و لذا هم معنی سختی مقابله با استکبار رانفی نمی‌کنیم و هم برکات مقابله با آن رافراموش نمی‌نماییم، دراین حالت است که نه خودمان طعمه ظلم می‌شویم و نه فرصتی راکه دراختیارنظام استکباری قرار داده اند برای آن یک امتیاز می‌دانیم. فرهنگ غربی که امروز در میدان است و از بسیاری کشورهای تروریستی که ظالمانه بابرخی کشورها برخورد میکنند و به خون مردم بی‌گناه در کشورهای مختلف آلوده شده ناشی از فرهنگ یونانی است یعنی فرهنگ عقل بریده از دین، دراین زمان، باطن آن فرهنگ از طریق غرب ظاهر شده و باید فکرو فرهنگ یونانی، تاریخ رادر نورددتابه چنین شکلی خود را نشان دهد. هم اکنون کشورهای به اصطلاح حافظ حقوق بشر با پشتیبانی ساختارهای حقوقی، حمله نظامی به یک کشور مستقل راتصویب کرده و به ظلم جنبه حقوقی داده‌اند (رک، رستمی، ۳۵۲، ۱۳۹۷) ریشه ماندن آن فرهنگ راباید در این دانست که خداوند در بستر این فرصت‌ها حق راروشن می‌کند و از این جهت شایسته است که به همه فرهنگ‌ها این فرصت داده شود. باین دیدگاه هر چیزی در دنیا هست به نحوی حق است و می‌خواهد حقی راروشن کند. خداوند در رابطه با کسانی که با پیامبر صلی الله علیه و آله مخالفت می‌کنند، می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقْنَا لِلَّهِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ» (روم آیه ۸) آیا آن‌ها پیش خود فکرنمی‌کنند که خداوند خلق نکرد آسمان‌ها و زمین و آنچه در بین آنهاست مگر به حق و برای فرصتی مشخص و اکثر مردم به لقاء پروردگار و به انتهار رسیدن این فرصت، کافرند و همین فرصت موقت رامقصد می‌گیرند. در آیه ۶۱ سوره نحل نیز پس از آنکه فرمود اگر جان مردم به جهت ظلمی که می‌کنند گرفته می‌شده هیچ جنبنده‌ای بر روی زمین نمی‌ماند، لذا می‌فرماید: «وَلَكِن يُّؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى»؛ و لکن خداوند هلاکت آن‌ها راتاسیر آمدی مشخص به تأخیر می‌اندازد. روی این نکته

که عقاب و هلاکت ظالم تامدتی به تأخیر می‌افتد باید تحلیل داشته باشید و فریب شیطان رانخورید که به مآل‌کند حالاکه آمریکابا تمام قدرتش مانده است و برای این که شما نابود نشوید دست به دامان آمریکابزنید. این یک بدبختی بزرگ است. در این فریب شیطانی، انسان، اولاً نابودی آمریکارانی بیند، ثانیاً: نمی‌فهمد ظلم نابودشدنی است و لذا چنگ به دامن نابودشده می‌زند. چون سنت ﴿يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ رانفهمید. (همان، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵)

### راه‌های نفوذ فرهنگ غرب در کشور

گرچه تاریخ غرب زدگی در ایران دقیقاً مشخص نیست، اما به نظرمی‌رسد اولین برخورد های ایرانیان باتمدن اروپایی و دولت‌های خارجی به دوره ساسانیان برمی‌گردد. در این دوره، ایران یگانه راه مرآوده بین یونان، روم، آسیای صغیر و مصر از یک سو و چین، هند و آسیای وسطا از سوی دیگر بود. بدین سان، به تدریج در اثر مبادلات اقتصادی و فرهنگی پای استعمار به ایران باز شد و مهمترین انگیزه‌ها یی که سبب استعمار شد، منافع اقتصادی بود. بیگانگان بر اساس نیازهای خود در مبادلات کالا، بانفوذ سیاسی در پیکره دولت با امتیاز خواهی درصد استفاده از زمین‌های کشاورزی، چاه‌های نفت و جنگل‌ها بودند. آنان برای بهره برداری بیشتر، بخشی از نیروهای کاری مورد نیاز خود را توسط آموزشهای افراد بومی تأمین نمودند و باتشویق آنان به تحصیلات غربی، گروه‌های منورالفکر را ترویج دادند و باتوجه به فنون جدیدی که به کار گرفتند و با استفاده از اشاعه پول، اعتبار، ارزش‌ها و الگوهایی که با خود به ایران وارد کردند، توانستند در جایگاه نوآور، سبب بروز نیازها و تمایلاتی شوند که ناشناخته بوده اند و با گسترش خدمات مصنوعی، به هدف‌های خود دست یافتند و باتبلیغات بسیار تلاش کردند جامعه ایرانی را به سمت غرب سوق دهند. (واحد تحقیقات جوانان اصفهان، ۱۳۸۸، ص ۹۵۵).

## نتایج و پیامدهای غرب زدگی

### الف) شیوع تفکر بی دینی

فرهنگ و عقاید غرب بر محور انسان مداری (اومانیسم) شکل گرفته که تأکید آن بر ارزشهای انسانی قراردردوبانفی عبودیت واحکام الهی وانکارغیب به تشکیل جامعه‌ای اندیشیده که خدای آن انسان است. اومانیسیم باتضعیف دین ودوری جستن ازدیانت، به دنیایی روی آورده که در تمامی اصول وباورهای فطری انسان در تمایل به خداگرایی تشکیک کرده است. اصلی ترین و خطرناک ترین پیامد غرب زدگی یاتغییرزندگی به شیوه غربی در کشورهای مذهبی، تضعیف عقاید و فرهنگ دینی است. غرب باتمسک به نظریه پردازان خودپس از عصرنوزایی، توانست مکتب‌های ساختگی زیادی از قبیل "تئیسیم"، "راسیونالیسم"، "فراماسونری"، و "سکولاریسم" رابرای جایگزینی خلافکری بشر به نام دین اختراع نماید.

### ب) شکاف نسل

ازدیگرپیامدهای غرب زدگی، دوگانگی میان نسل‌ها، ملت ها و تمدن‌هاست. غرب همواره سعی دارد رابطه مردم راباسنن و آداب ورسوم وارزشهای فرهنگیشان قطع کند و آنان رابه اقتباس فرهنگی از غرب وادارد. نسل جدیدرابی دین و لاابالی پرورش دهد تا با ایجاد فاصله بین نسل جدید و نسلهای گذشته، آنان رابه سمت ارزشهای غربی سوق دهد و با ایجاد لاابالی گری جوانان را وادارد تا بزرگان و گذشتگان خود راعقب افتاده و خرافاتی بیندازند و آنان رابه موضع گیری علیه اصول وارزشهای سنتی و خانوادگی خود تشویق نماید تا جامعه به دودسته "متجدد" و "مرتجع" تبدیل شود. پیدایش روشنفکر مآبان در این گونه جوامع، زاییده همین شکاف است.

در اینجا، بجاست برای روشن شدن بحث به تمایز مفهومی «روشنفکر» و «منورالفکر» اشاره

نماییم:

عده‌ای معتقدند که «روشنفکر» یک مفهوم مناقشه آمیز است، به طوری که در فرهنگهای

گوناگون معانی متعددی دارد و در عرف‌های متفاوت، ترجمه آن گوناگون است. عده‌ای دیگر چنین تعریف کرده اند که روشنفکران گروهی هستند که نسبت به روابط جامعه و دولت انتقاد داشته، از وضع موجود راضی نیستند و تسلط سنت را به قدمی‌کشند. روشنفکران مدافعان ارزشهای شناختی و اخلاقی و خالق نمادها و افرادی هستند که با قلمروهای معنادار و ارزشهای مقدس فرهنگ درگیرند.

روشنفکری در حوزه‌های گوناگونی به کار می‌رود که عبارتند از:

حوزه معرفت‌شناسی که معتقد است معرفت تنها از راه استدلال و تعقل به دست می‌آید.

دوم حوزه روانشناسی که معتقد است همه اعمال ذهنی به شناخت برمی‌گردند.

سوم حوزه متافیزیک که می‌گوید: واقعیت اصلی، طبیعت، اندیشه و یا افکار است.

اما «منورالفکر» واژه‌ای است اروپایی؛ به این معنا که هر مرجعی به جز عقل را بی اعتبار می‌داند. این عقل مصحلت اندیش به صورت یک علم جدید درآمد. منورالفکر تصور می‌کرد تاریخ بشر به آن درجه از رشد و آگاهی رسیده است که انسان بتواند تمام مسائل را خودش حل کند. وقتی این مفهوم با بار ایدئولوژیکی خود، اعم از مارکسیسم، لیبرالیسم و غیر آن به ایران آمد، شکست خورد. منورالفکرها غافل از شرایط تاریخی ایران، می‌خواستند همان وضعیتی را که در اروپا پیدا شده بود، در کشورشان به وجود آورند. آنان نیز به نقد دین و تقویت تفکرات سکولاریسم پرداختند. بنابراین، آنچه موجب غرب زدگی جامعه ایران شد، منورالفکری بود که بآیین سرستیز داشت. بعدها که واژه "روشنفکری" مطرح شد، این واژه خوشایند منورالفکران قرار گرفت و آنان خودشان را "روشنفکر" نامیدند، در حالی که کارآنان نقد دین بود، ولی روشنفکر نقد دین نمی‌کرد. مامی‌توانیم روشنفکر دیندار داشته باشیم، ولی منورالفکر دیندار تناقض‌گویی است.

### ج) پوچ‌گرایی

بن بستی که دنیای غرب با آن روبروست، بی‌هدفی انسان متمدن غربی است. تفکر مادی

و انسان محوری تمام ابعاد معنوی و روحانی انسان را در قالب نفع و سود رسیدن به نهایت لذت

جسمانی تلقی می‌نماید. در نتیجه، تمام فعالیت‌های انسانی بر محور کار و درآمد می‌چرخند. از این رو عده‌ای که در این راه موفق نباشند، گرایش به سمت پوچی و بی‌هدفی خواهند داشت. روحیه پوچ‌گرایی به تدریج، به مردم غرب زده جهان شرق نیز تزریق شد، به نحوی که امروزه زندگی روزمره بسیاری از مردم راتحت تأثیر قرار داده است. متأسفانه در عده‌ای از جوانان پس از انقلاب حالت تخفیف یافته‌ای از همان پوچ‌گرایی غربی وجود دارد که به صورت بی‌مبالاتی، گذراندن بی‌هدف اوقات جوانی و بی‌رغبتی به تحصیل و کار و فعالیت بروز کرده است.

#### د) بی‌غیرتی دینی

یکی از زمینه‌های اصلی گسترش غرب‌گرایی در جامعه اسلامی ایران رامی‌توان ترویج فرهنگ بیگانگان از جمله نسبیت‌گرایی در دین و تمدن دانست. "غیرت" از جمله مفاهیمی است که فهم و درک معنای آن در فرهنگ غرب دشوار است؛ زیرا فرهنگ غربی بر پایه مادی‌گری بنا شده و هر چه دارای سود، نفع و فایده مادی باشد، در آن قالب گنجانده می‌شود. "غیرت" در لغت، به معنای جانبداری همراه با تعصب انسان در امور مورد علاقه‌اش می‌باشد. از این رو غرب همواره تلاش کرده است که انسان‌ها نسبت به دین خود جدی نبوده، بی‌تفاوت باشند و در عمل به دستورات و شعائر دینی، لاپرواہی را در پیش گیرند. یکی از زمینه‌های بی‌غیرتی دینی، که غرب بر روی آن سرمایه‌گذاری می‌کند، ساختن برنامه‌های غیراخلاقی است که امروزه از طریق ماهواره، اینترنت، سینما و مجلات برای به دام انداختن جوانان و گسترش انحراف‌های اجتماعی آنان از آنها استفاده می‌نماید؛ زیرا دیدن این مناظر نه تنها نیاز جنسی را تأمین نمی‌کند، بلکه آتش آنرا شعله و رترمی‌کند و به همین دلیل، زیانبار است؛ حتی افرادی با ایمان قوی نیز ممکن است به لحاظ روحی صدمه دیده و چیزی جز افسردگی و سرخوردگی برایشان به دنبال نداشته باشد. این برنامه‌ها زیان‌های روحی غیرقابل جبرانی ایجاد می‌نمایند که احساس ناکامی و خودخوری به دنبال دارند. عده‌ای فکر می‌کنند که دیدن این صحنه‌ها در فرزندان آنان تأثیر ندارد و یا آنها را درک نمی‌کنند، در حالی

که این مسئله توهمی بیش نیست، بلکه آنان به خوبی درک می‌کنند و با رشد جسمی، که در آنان ایجاد می‌شود اثرات سویی در رفتارشان بروز پیدا خواهد کرد. صحنه‌های تلویزیونی غرب مملو از این نمایشها هستند و حتی در برنامه‌های کارتونی کودکان نیز چنین صحنه‌هایی به نمایش گذاشته می‌شود. تمام اینها زمینه‌ساز انحراف‌های اجتماعی هستند که از نتایج غرب زدگی محسوب می‌شوند.

### ه) مدگرایی

یکی از زمینه‌های ترویج غرب‌گرایی، که جامعه رابه سمت غرب زدگی به پیش می‌برد، ترویج مدهای غربی توسط وسایل ارتباط جمعی است. پخش فیلمها و تصویرهای مبتذل توسط رسانه‌های بین‌المللی و روابط نامشروع و نشرمدها و برچسب‌هایی باکلمات غربی بر روی لباسهای گوناگون از سوی کشورهای غربی، در درازمدت بر دیگر جوامع اثر می‌گذارد و به تدریج، به صورت فرهنگ خودی درآمده، حساسیت‌های الگوهای غربی را از بین می‌برد. از این رو مشارکت با فرهنگ بیگانگان در انتخاب مدوالگوهای پوششی بانوان، خودزمینه غرب زدگی را در جامعه فراهم می‌سازد.

### و) تجمل‌گرایی

از جمله پیامدهای مضر غرب زدگی، که جامعه را به سمت فقرروانی و آسیب‌های دیگر اجتماعی، به‌گرایی است. زندگی انسان را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: ۱. زندگی ضروری ۲. زندگی رفاهی ۳. زندگی تجملی. در زندگی ضروری، انسان به دنبال تأمین نیازهای اولیه و ضروری خود می‌باشد و تأمین خوراک و پوشاک را سرلوحه فعالیت‌های اقتصادی روزانه خود قرار می‌دهد. در اسلام، این حد از تأمین معیشت برای مردم در زندگی مشترک واجب بوده و از آن به "نفقه" تعبیر شده است. در زندگی رفاهی، انسان در صد تأمین رفاه بیشتر برای خانواده است و تلاش می‌کند امروزه خود را از حد ضرورت فراتر برده، خوراک و پوشاک و مسکن بهتری برای خانواده خود فراهم نماید. این قبیل تلاش‌ها نیز در دستورات اسلامی ستوده شده و از آنها به "جهاد" تعبیر شده است. از این رو در اسلام، زندگی بهتر همراه با رفاه بیشتر منع نشده است.



اما آنچه جامعه رابه سمت هلاکت نزدیک می‌کند، زندگی تجملی است. مصداق روشن زندگی تجملی اسراف در مصرف است. برای مثال، اگر فردی که در خانه خود دارای وسیله سردکننده مناسبی برای نگهداری غذاهاست، در صد بیفتد که چون در خانه خویشان نوع جدیدی از این وسیله وجود دارد، او نیز باید با فروش وسیله خود به سمساری، مدل جدید آن را فراهم نماید، این برخورد اولین گام به سمت ورطه تجمل پرستی است؛ زیرا غرب، امروزه با همین تفکر، دردنیای مصرف زدگی بیشتر برای کسب لذت و سود انسانی (اومانیزم) گرفتار آمده است و در این دنیا هویت خود را فراموش کرده و هستی اش را بی ارزش، بی کرامت و بی معنا قلمداد می‌کند.

غرب با سرمایه و قدرت صنعت توانسته است اشیای گرانبها و جواهرآلات و کالاهای شیک رابه بازار مصرف وارد کند و وجودش را که تجسمی از عدم، پوچی و بیهودگی است معنا و ماهیت ببخشد و به یاری این تمدن مادی و باتوسل به این کالاها، عقده گشایی کند و کمبودهایش را ترمیم نماید. در جامعه اسلامی ما، با وجود فرهنگ ضد غربی، ریشه های مصرف زدگی و تجمل پرستی در بعضی خانواده های شهری و روستایی نهفته است که باید به عنوان یکی از مظاهر غرب زدگی، آسیب شناسی گردد و راه حلی برای آن پیشنهاد شود. (همان، ص ۹۷۰-۹۷۷)

### ی) از خود بیگانگی

یکی از پیامدهای غرب زدگی، "از خود بیگانگی" است. از خود بیگانگی نقطه مقابل اعتماد به نفس است. از نظر اجتماعی - سیاسی، ایجاد روحیه اعتماد به نفس و تکیه بر خود، می‌تواند در حفظ هویت و استقلال جامعه مؤثر باشد. اولین قدم برای خود اتکایی، حفظ روحیه روی پای خود ایستادن است. اما فرهنگ استکباری همواره به مالقامی کند که هر چه دارید، از صدقه سر غرب است. به دنبال آن، روحیه خود اتکایی را در افراد جامعه مامی‌کشد و حس تسلیم و بدین روی، دنبال روی در جامعه پرورش یافته، خود کم بینی افراد افزایش می‌یابد و در نهایت، با پیروی کورکورانه و بارو حیه خوار و مغلوب، جامعه مبتلا به

تمایلات غربی خواهد شد.

### تجویز سبک زندگی دینی

تجویز سبک زندگی یعنی با دخالت دادن مجموعه‌ای از باورها و ارزشها، به ترسیم و شکل‌گیری سبک یا سبک‌های خاص زندگی که البته در این‌جانب دینی آن و همان شیوه مورد تأیید آموزه‌های دینی است که پیامبران الهی پیگیری می‌کردند. با توجه به سیره پیامبرگرمای اسلام، می‌بینیم آن حضرت در محیطی برانگیخته می‌شود که مردمان به زندگی روزمره و عرفی خود مشغولند و به شیوه‌های گوناگون به نیازهای طبیعی خود پاسخ می‌دهند و به کسب و کار، تجارت، جنگ، آموزش و زناشویی می‌پردازند. به دلیل آن که وضعیت زندگی مردم و الگوهای انتخابی آنان برای زندگی، با ایده آل‌هایی که دین برای زندگی بشر تجویز کرده، تفاوت دارد و اساساً بروز همین تفاوت و چاره‌جویی درباره آن، موجب بعثت و رسالت پیامبر بود، آن حضرت موضعی آسیب‌شناسانه در پیش می‌گیرند و الگوهای نادرست زندگی را به آنها گوشزد و الگوهای جایگزین را نیز معرفی می‌کند. ایشان از ابزار حاکم ساختن باورها و ارزش‌های دینی نیز برای ایجاد دگرگونی در سلیقه و شیوه انتخاب مردم بهره می‌گرفت تا آنها با رضایت خاطر، الگوهای سبک زندگی خود را اصلاح کنند.

### علت تجویز سبک زندگی دینی

۱. اسلام و آموزه‌های آن، یک نظام مفهومی «کامل است؛ یعنی همانگونه که در نظام‌های عینی، ویژگی‌هایی مانند تعدد اجزا و ارتباط دقیق و تعریف شده میان آن‌ها وجود دارد و کارکرد هر بخش، تکمیل‌کننده کارکرد دیگر بخش‌هاست و «کل» چیزی بیش از «حاصل جمع ساده اجزا» به شمار می‌رود، در نظام‌های مفهومی، مانند مجموعه آموزه‌های یک دین نیز چنین ویژگی‌هایی قابل تحقق است. مادرباره دین اسلام چنین باوری داریم.

۲. پس از مرحله ایمان و باور به حقانیت اسلام که پایه و نشانه مسلمانی است، میزان تعهد و تلبس به آموزه‌های آن در مقام عمل می‌تواند حالت تشکیکی و سلسله‌مراتبی داشته

باشد. به عبارت دیگر با توجه به حالت پیوستاری محقق شده در خارج، می توان گفت فرد یا گروهی کمتر مؤمن است و دیگری بیشتر مؤمن است. بدین ترتیب، می توان نمره ایمانی و تلبس عملی افراد و گروه ها را بر اساس میزان پایبندی ایشان به آموزه های اسلامی تعیین کرد. این پیش فرض رامی توان از آیات متعدد قرآن استفاده کرد:

﴿هُم لِّلْكَفْرِ يَوْمًا أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ﴾. (آل عمران، ۱۶۷) آنها در آن هنگام به کفر نزدیک تر بودند تا به ایمان.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾. (انفال، ۲)

مؤمنان، تنها کسانی هستند که وقتی نام خدا برده شود، دلهاشان ترسان می گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می شود، ایمانشان افزون تر می گردد و تنها پروردگارشان توکل دارند.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾ (فتح، ۴) او کسی است که آرامش را در دل های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند.

۳. جامعیت دین اسلام، همه جنبه ها و زوایای زندگی انسان را در بر می گیرد. بر این اساس، بر این باوریم که پیروان واقعی این آیین، در هیچ مرحله ای از زندگی به بن بست نمی رسند و همواره آموزه های اسلامی، راه گشای مشکلات آنان در انتخاب مسیر درست زندگی است. این پیش فرض، هنگام ترسیم سبک زندگی اسلامی در بعد حکومتی، اهمیت و برجستگی خود را کاملاً آشکار می سازد.

بدین ترتیب، سبک زندگی اسلامی بر مبنای خداشناسی، هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی خاصی استوار خواهد بود که خاستگاه آنها اسلام و آموزه های آن است. این باورها و نگرشها، اصول ثابتی است که هم به عنوان جزئی از سبک زندگی وهم به عنوان چارچوبی برای رفتارهای عینی سبک زندگی ایفای نقش می کند و عدول از آنها به معنای عدول از سبک زندگی اسلامی است. برای نزدیکی به ذهن می توان از تشبیه سبک زندگی به درخت استفاده کرد. درخت طبیعی ریشه دارد، از ریشه رشد می کند و سپس قسمت های

دیگران شکل می‌گیرد. دردرخت همان هویتی که از ریشه شکل گرفته است، در شاخه‌ها و سرشاخه‌ها و در نهایت در میوه‌ها نیز انتظار می‌رود؛ یعنی ریشه، هویت شاخه و سرشاخه‌ها و میوه‌ها را تعیین می‌کند و اگر ریشه‌ای خراب شود، به همان نسبت در رشد ساقه، شاخه‌ها، سرشاخه‌های درخت و میوه آن نیز اثر منفی می‌گذارد. همین روند را می‌توان در سبک زندگی نیز تصور کرد. پس دیگر پذیرفتنی نخواهد بود که بگوییم سبک زندگی اسلامی از اصول ثابتی به‌عنوان چارچوب کنش‌های فردی و اجتماعی برخوردار است، ولی زمانیکه نوبت به امور روزمره و مواجهه با اقتضائات عصری می‌رسد، رفتار و کردار خود را با فرهنگ‌ها و سبک‌های دیگر زندگی هماهنگ سازیم. اگرچه سبک زیست مؤمنانه لزوماً به معنای مغایرت و تفاوت کامل با دیگر الگوهای زندگی رایج در جهان نیست، مهم آن است که الگوهای انتخابی در سبک زیست مؤمنانه باید از آموزه‌های دینی اثر پذیرد و در چارچوب تعیین شده دین صورت گیرد. به این نکته هم باید توجه کرد که سبک زندگی دینی، لزوماً منحصر در یک سبک نیست بلکه می‌توان در محدوده یک چارچوب برگرفته از اصول اسلامی، سبک‌های متعددی پذیرفت. برای مثال، می‌توان به دوسبک زندگی فردنوجوانی اشاره کرد که با عنوان طلبه و برای تحصیل علوم دینی، واردیکی از حوزه‌های علمیه می‌شود. او پیش از ورود به حوزه علمیه نیز نوعی سبک زندگی خانوادگی دارد که اجمالاً می‌توان آن را مرتبه‌ای از یک سبک زندگی دینی دانست. پس از ورود به حوزه علمیه، نوع لباس پوشیدن او با دوران پیش از طلبگی اختلاف فاحشی می‌یابد. به همین ترتیب، غذا خوردن، ساعت خوابیدن، شیوه درس خواندن و مطالعه کردن و نیز سبک و سیاق جدیدی پیدامی‌کند. حتی نوع اندیشیدن و باورهای دینی، سیاسی و اجتماعی یک طلبه نیز تحت تأثیر استادان و شیوه حاکم بر نظام آموزشی و پرورشی حوزه علمیه تغییر می‌کند و با اندک هم نشینی می‌توان این تغییر را دریافت. در همین مجموعه، می‌توان مشاهده کرد که از میان طلبه‌ها، برخی بر عبادت تأکید دارند، گروهی بر خدمات اجتماعی، دسته‌ای بر علم آموزی و تحقیق و بعضی هم بر معنای واقعی دین. با این همه، الگوهای انتخابی هیچ کدام رانمی‌توان خارج از چارچوب سبک زندگی دینی دانست. سیره

عملی پیامبرگرمی اسلام ﷺ و پیشوایان معصوم ﷺ در رفتار با اصحاب خود نیز نشان می‌دهد ایشان، اختلاف سبک و سیاق رامی‌پذیرفتند و این اختلاف و تفاوت، در سبک زندگی اصحاب آنان به خوبی دیده می‌شود. به تفاوت‌های موجود در سبک زندگی و الگوهای رفتاری سلمان و ابوذر که پیامبر میان ایشان عقد برادری بسته بود، توجه کنید. ماهیچ گاه در سیره پیامبر اسلام نمی‌بینیم به سلمان توصیه کرده باشد مانند ابوذر زندگی کند و از آن طرف، روایت شده است که بی‌گمان اگر ابوذر از قلب سلمان آگاه می‌شد، او رانفی می‌کرد (کلینی، ج ۱، ص ۴۵۵). هر کدام از آن دو، سبک زندگی خاص خود را داشتند و پیامبر نیز هیچ کدام از آنها رانفی نمی‌کرد؛ هر چند در این مراتب تشکیکی، دستیابی به مرتبه ایده آل و آرمانی، مطلوب است و جامعه اسلامی باید بکوشد خود را به آن نزدیک سازد. حتی درباره انسان کامل هم می‌توان گفت سبک زندگی او بر اساس شرایط زمانی و مکانی و اقتضائات عصری شکل می‌گیرد؛ مگر نه این است که امیر مؤمنان، علی ﷺ کفش‌های خود را وصله می‌زد (نهج البلاغه، ص ۳۴، خطبه ۰۳۳). و امام صادق ﷺ لباس‌های آراسته می‌پوشید؟ (حرانی، ۱۲۹۷ ش، ص ۲۵۶) علت آن چیزی نیست جز تفاوت شرایط زمانی و مکانی که هر فرد بر اساس آن، الگوهای خاصی را در پیش می‌گیرد. پس می‌پذیریم که ارزش‌ها و نگرش‌های همسان، لزوماً به سبک زندگی یکسان نمی‌انجامد و البته برخورداری از سبک زندگی یکسان نیز لزوماً به معنای بهره‌مندی از باورها و ارزش‌های همسان نیست. اما با توجه به ویژگی انتخابگری که در سبک زندگی وجود دارد، می‌توان هر مجموعه یکپارچه از الگوهای رفتاری برآمده از آموزه‌های دینی را که در چارچوب معین شده از سوی دین قرار دارد، یک سبک زندگی دینی برشمرد. بنابراین، اگر بر اساس اختیار انسان، مسئولیت اصلی او را حرکت به سوی خدا و در چارچوب معین شده از سوی دین دانیم، طبیعی و پذیرفتنی خواهد بود که با توجه به اقتضائات زمانی، مکانی و اجتماعی، با الگوهای متنوع رفتاری و سبک‌های متعدد زندگی روبه‌رو شویم. مهم این است که الگوهای یاد شده در چارچوب آموزه‌های دینی بگنجد و با آن ناهماهنگی نداشته باشد. مثلاً اگر از رنگ لباس کسی پرسیده شد، فقط پاسخ او تمایلات شخصی نباشد، بلکه دلیل

دیگری چون خشنودی همسرادرکنارآن بیان کند. یا اگر کسی برای خدمت به دین به رفاه خاصی نیازمندااست، شایسته است چنین رفاهی رابه دست آورد. هنگامی که امیرمؤمنان، علی علیه السلام باغلام خودبرای خریدلباس می رود، برای اولباسی زیباترواندکی گران می خردوبرای خویشتن به اندک پوششی بسنده می کند. آن حضرت حکمت رفتارخویش راجنین بیان می کندکه قنبر، جوان است ولباس فاخروزیبابرای اومناسبتراست. هدفازبیان این مثالها، روشن شدن این نکته بودکه باتیین اصول اسلامی درجامعه، درهرزمان ومکان می توان الگوهای مناسب رابرای زندگی تعیین کردوازانهابهره برد. بدین ترتیب، برای تأمین هدف درسیدن به سبک زندگی دینی، به ویژه درمقام نتیجه گیری چارچوب کلان واستنباط الگوهای کلی، از نظرروشی بایدحرکت ازکلی به جزئی، وازکل به جزء، وازامورثابت به سوی امورمتغیرو زمان مندصورت بگیرد. براین اساس، خطوط کلی وباورهای اصلی، مثل نگرش به هستی، به خویشتن، به نوع انسانی وبه دیگران، دررده های نخست وبالاترجاهی می گیرد. اگراین مواردبه دست آمدوبراساس نگرش های اسلامی شکل گرفت، آن گاه درمراتب بعدی، پرسش وابهام زیادی باقی نمی ماند، بلکه می توان گفت بامشخص شدن راه، تصمیم گیری درباره بسیاری ازمواردعینی ورفتاری های جزئی آسان خواهدبود. برای مثال، می توان به الگوی برخوردبامشکلات اشاره کرد. دربینش اسلامی، وقوع سختی هادرزندگی برای شخص مؤمن یک نعمت پنداشته می شود (کلینی، ج ۲، ص ۲۷۹) وحتی درمراتب عالیترا، این پدیده می تواندنوعی ارتقای درجه به شمارآید (کلینی، ج ۲، ص ۲۷۷) تاجایی که درمقام تشبیه، سرعت جریان مشکلات به سوی مؤمن، بیشترازسرعت جریان آب ازروی تپه به سوی گودی دره دانسته شده است. درروایات اسلامی به این نکته اشاره است که دشواریها، نگرش انسان راتصحیح می سازد، خطاهای آدمی رابه اوگوشزدمی کندوظرفیت های درونی اوراشکل می دهد. (آمدی، ۱۴۲۹ق، ۹۹) حال اگربااین نگاه به دشواری های پیش روی خودبنگریم وآن رابزارتکامل ورشدخودبدانیم، نه تنهاازرویارویی بامشکلات هراسی نخواهیم داشت، بلکه بهره مندی ازچنین رویکردی، موجب اشتیاق افرادوگروه های اجتماعی برای

برخورد با مشکلات زندگی خواهد بود. اگر الگوهای زیستی در چارچوب‌های دیگری باشد و از آموزه‌های متفاوتی گرفته شده باشد، گریز از دشواریها، واکنشی طبیعی است و در مراتب نازلتر، حتی اموری که واقعا مشکل به شمار نمی‌آید، در نظر برخی افراد مشکل دانسته می‌شود. روشن است که به دست آوردن الگوهای زیست مؤمنانه با تکیه بر آموزه‌های دینی، فرآیند پیچیده و دشواری است که زمانی طولانی و نیروی فکری بسیاری می‌طلبد. البته جامعه اسلامی در حوزه عمل نمی‌تواند سرگردان و متوقف باقی بماند. اسلام یک نظام مفهومی پیچیده است و این پیچیدگی باید با روش‌شناسی خاص خود و ترکیب مباحث به شکل مناسب، روشن شود. در قرآن کریم با آیاتی روبه رومی شویم که می‌توان از آن، احتمال اثرگذاری متقابل رفتار را بر شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی به دست آورد.

﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السُّوءِ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ...﴾ (روم، ۱۰)

عاقبت آن‌هایی که بدکردند، این شد که به تکذیب آیات الهی برخاستند. و یا درجایی دیگر می‌فرماید: ﴿بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾. (مطففین، ۱۴) بلکه آنچه مرتکب می‌شدند، زنگار بر دل هایشان بسته است. و همچنین در سوره هود می‌فرماید: ﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا زَهْرُكَ لَرَجِمْنَا كَوْمًا أَنتَ عَلَيْنَا بَعِيزٌ﴾. (هود، ۹۱)

گفتند: ای شعیب! بسیاری از آنچه راکه می‌گویی نمی‌فهمیم و واقعات تورادرمیان خودضعیف می‌بینیم و اگر عشیره تونبود، قطعاً سنگسارت می‌کردیم و تو بر ما پیروز نیستی (رفتار حرام خواری آنها در درکشان اثر گذاشته بود). پس از آن که الگوهای زیست مؤمنانه از آموزه‌های دینی به دست آمد و نیز وضعیت موجود جامعه، بررسی و الگوهای انتخابی آن توصیف شد، نوبت به مرحله‌ای می‌رسد که در آن، ذایقه و سلیقه اجتماعی به سوی الگوهای هنجاری و تجویزی کشیده می‌شود. این مرحله، زمانی امکان پذیر خواهد بود که مطلوبیت الگوهای یادشده از سوی افراد و گروه‌های اجتماعی به درستی درکوفه می‌شود. پس افزون بر توصیف خوب و بد بودن امور، برای نهادینه ساختن یک الگوی رفتاری باید حس زیبایی‌شناسی مخاطب را نیز در اختیار گرفت. این یک واقعیت است که تبلیغ، ترویج،

تثبیت و حفظ الگوهای برتر برای سبک زندگی، نیازمند تصرف حس زیبایی شناسانه مخاطب و رساندن اوبه مرتبه‌ای است که هماهنگی این الگوها با فطرت و نیازهای خود درک کند. این مرحله، نیازمند روی آوردن به امکانات و تجهیزات تبلیغی مناسب و سازگار با اقتضائات عصری و اجتماعی است. نتیجه و کارکرد این تبلیغ آن خواهد بود که مخاطب در سطح عینی و روبنایی زندگی خود که شامل مواردی چون شیوه پوشش، تنوع غذایی، نوع خودرو، سبک معماری منزل، میزان و تنوع مصرف، انواع سرگرمی و نیز رفتارهای اجتماعی مانند عادات ها و رسوم، شیوه برخورد و سخن گفتن، شیوه برپایی مراسم و جشن ها و بسیاری از موارد دیگر است، به چارچوب برگرفته از آموزه‌های دینی توجه می‌کند و در پرتو درپیش گرفتن چنین رویکردی، دیگر دچار تضاد درونی و پارادوکس دنیا و آخرت در زمینه لذت و حکمت، شهوت و معنویت و معیشت و ابدیت نخواهد شد.

نکته مهم دیگر آن است که می‌پذیریم سبک زندگی به میزان بسیار زیادی، محل بروز فردیت است و هر شخصی می‌تواند باتکیه بر این مسئله، سبک زندگی خاص خودش را برگزیند. به همین دلیل، اگر بکشیم تنها باتکیه بر نهادها و ابزارهای قدرت، الگوهای متناسب با سبک زندگی خاصی را در جامعه ترویج کنیم و از دادن فرصت‌های برابر فرهنگی به دیگر سبک‌های زندگی و بازنمایی آنها در سطح جامعه به صورت قهرآمیز جلوگیری کنیم، طبیعی خواهد بود در سبک‌های زندگی موجود در جامعه، دوگانگی به وجود آید. پس لازمه زندگی در این محیط، به ویژه برای جوانان آن است که افراد، حوزه‌های زندگی خود را جدای کنند. روشن است که چنین رویکردی مورد تأیید آموزه‌های اسلامی نیست و باید در حوزه‌های فرهنگی، با روش‌های فرهنگی به پا خاست تا اقبال مناسب را دریافت کند و از حمایت اجتماعی کافی برخوردار شود. (ر.ک فاضل قانع، ۱۳۹۲، ۲۰۸-۲۱۷)

ما برای این که به صراط مستقیم فرهنگی برسیم و در آن شاهراه گام برداریم، باید جایگاه خویش و نیز جایگاه عناصر تأثیرگذار و فرهنگ ساز را در یک نقشه (plane) فرهنگی که با معیارهای صحیح رسم شده باشد، بیابیم. بدین ترتیب است که می‌توانیم نسبت خویش



و دیگر عناصر فرهنگی رادریک تلقی درست با آن صراط مستقیم و جریان صحیح فرهنگی پیدا کنیم و تازه اینجاست که به مرحله‌ای رسیده‌ایم که مبدأ و مقصد را یافته‌ایم و از حیرانی و «چه کنم چه کنم» و سرگردانی که نهادهای فرهنگی و افراد دلسوز را به خود مبتلا ساخته، خارج شده‌ایم. این خلاصه‌ای تمثیلی و انتزاعی از بخشی از راهی است که باید پیموده شود. آنچه ما به عنوان آسیب شناسی جامع مطرح می‌کنیم، به طراحی و ترسیم آن بخش از نقشه فرهنگی مربوط می‌شود که می‌خواهد برای نظام‌ها و دستاوردهای تمدن غرب جایگاه ویژه‌ای تعیین کند و نسبت و فاصله آن را با اندیشه و پارامترهای دینی مشخص سازد. تلویزیون و سیستم‌های مبتنی بر آن نیز از پدیده‌های غربی هستند که بدین وسیله (یعنی آسیب شناسی) جایگاه و بعد خویش را از جنبه‌های گوناگون با پارامترهای دینی که قرار است ادبیات فرهنگی ما را تشکیل دهند، به دست می‌آورند. (حسنی، ۲۹۷، ۱۳۸۴)

### نتیجه

امروزه اگر مواظب نباشیم و حقیقت اسلام را در نیابیم تحت تأثیر فرهنگ یهودیت و مسیحیت قرار می‌گیریم و به مرور آثار آن تفکرات انحرافی را در دین خود وارد می‌کنیم. قرآن مکرراً هشدار می‌دهد که مواظب باشیم معنویات را صورت مادی ندهیم مقام معظم رهبری نیز معتقدند آن جامعه‌ای که در آن جامعه مردم قدر مردان نیک را ندانند و معیارهای نیکی را عوضی بگیرند، و یا مردم نتوانند آن کس که مثل آنان است و ناصح مشفق آن‌ها، را بشناسند این جامعه چقدر باید رویش کار شده باشد تا به اینجا رسیده باشد و یک چنین وضعیتی پیدا کرده باشد؟ خلافت‌های ظالمانه و جائزانه غرب به قدری افق معلومات و بینش مردم را عوض کرده است که مردم سیاهی را سفیدی بینند و سفیدی را سیاهی. نتیجه چنین بینشی آن می‌شود که پس از مدتی جهان اسلام گرفتار سطحی‌ترین افکار شود و فرقه‌ها در هر گوشه‌ای سر برمی‌آورند که از اسلام ناب هیچ چیز درک نکرده‌اند. بنابراین طبق فرمایشات مقام معظم رهبری بایستی به این آسیب به علت ایجاد خطرات متعدد توجه ویژه‌ای شود و سبک زندگی دینی جایگزین غرب زدگی و ترویج سبک زندگی غربی گردد.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. انوری، حسن، ۱۳۸۱، ((فرهنگ بزرگ سخن))، جلد ۵، تهران، انتشارات سخن
۳. آراسته خو، محمد، ۱۳۷۰ش، ((نقد و نگار بفرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی))، تهران، نشرگستره، تهران
۴. آمدی، عبدالواحد، ۱۴۲۹ق، ((غررالحکم و دررالکلم))، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، مؤسسه دارالکتاب اسلامی
۵. بیستونی، محمد، ۱۳۸۵، ((رازخوشبختی ازدیدگاه قرآن و نهج البلاغه))، قم، انتشارات جوان
۶. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، فرمایشات مقام معظم رهبری در سالگرد چهل سالگی انقلاب اسلامی،
۷. حرانی، ابن شعبه، ۱۲۹۷ق، ((تحف العقول عن آل الرسول))، تهران، ترجمه محمدصادق حسن زاده
۸. حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، ((وسائل الشیعه))، ج ۴، قم، مؤسسه آل البیت
۹. حسامی، فاضل، ۱۳۸۰ش، ((آسیب شناسی دین در سیره علوی))، نشریه معرفت، شماره ۴۸، آبان.
۱۰. حسنی، محمد، ۱۳۸۴، ((موجودیت غرب و رسانه های تکنولوژیک))، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما
۱۱. دورکیم، امیل، ۱۳۷۳ش (، قواعد و روش جامعه شناسی))، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران
۱۲. رستمی، محمدعلی، ((مقایسه مولفه های زندگی بشر در دوران غیبت و عصر حضور))، ۱۳۹۷، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۳. رضوانی، علی اصغر، ((اسلام شناسی و پاسخ به شبهات تالیف))، ۱۳۸۶، قم، مسجد مقدس جمکران
۱۴. صبحی، صالح، ۱۳۹۵ق، ((نهج البلاغه))، قم، انتشارات هجرت
۱۵. صهبا، ۱۳۹۲، ((طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن))، فرمایشات مقام معظم رهبری در سلسله

جلسات، مشهد، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی

۱۶. طاهرزاده، اصغر، ۱۳۸۹، ( انقلاب اسلامی، برون رفت ازعالم غربی))، اصفهان، انتشارات لب المیزان

۱۷. طاهرزاده، اصغر، ۱۳۹۰، (خطرمدادی شدن دین))، اصفهان انتشارات لب المیزان

۱۸. عمید، حسن، ۱۳۹۰، (فرهنگ فارسی عمید))، انتشارات امیرکبیرعیوضی، رحیم، ۱۳۸۵ش،

آسیب شناسی انقلاب اسلامی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران

۱۹. فاضل قانع، حمید، ۱۳۹۲، (سبک زندگی بر اساس آموزه های اسلامی))، قم، انتشارات

صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی

۲۰. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۸۳ق، (محجه البیضاء))، قم، جامعه مدرسین

۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۷۷، (اصول کافی))، ج۱، ترجمه جوادمصطفوی، تهران،

انتشارات گلگشت

۲۲. معین، محمد، ۱۳۸۸، (فرهنگ معین))، تهران، انتشارات امیرکبیر

۲۳. واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه، ۱۳۸۸، (دانستنیهای جوانان))، اصفهان، مرکز

تحقیقات رایانه ای قائمیه.

---

## چالش‌های تحقق بیانیه گام دوم انقلاب از منظر آموزه‌های دینی

---

ابراهیم رضایی آدریانی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

عبدالمجید فقیهی<sup>۲</sup>

### چکیده

«بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» به مثابه اساسنامه‌ای که در جامعه اسلامی ما از هر جهت، باعث رشد و تعالی بوده و نوید بخش پیشرفت همه‌جانبه برای ما می‌باشد، از بدو صدور تا کنون مورد اقبال جامعه علمی و فرهنگی واقع شده و در حال تبدیل به یک گفتمان است. بدون شک اجرای دستورالعملی اینچنین جامع و گسترده، چالش‌های پرشماری در پیش خواهد بود که برنامه‌ریزی جهت مدیریت آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. خصوصاً آن که افق بلند «تمدن‌سازی» را پیش روی خود می‌بیند.

این نوشتار می‌کوشد به روش توصیفی تحلیلی مهم‌ترین چالش‌های اجرای بیانیه گام دوم انقلاب را با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی تحلیل نماید. این بیانیه از سویی ریشه در مبانی اصیل اسلامی دارد و از دیگر سوی، یک دستورالعمل فراگیر و قابل اجراست؛ ازاین‌رو با

---

۱. عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه erezaei@ymail.com

۲. کارشناسی ارشد تفسیر اثری، دانشکده علامه مجلسی اصفهان abdolmajidfaghihi@gmail.com

دسته‌بندی آن‌ها به «چالش‌های بنیادین» و «چالش‌های مرحله اجرا»، این دو ساحت از یکدیگر تفکیک شده‌اند.

از مهم‌ترین چالش‌های بنیادین و تئوریک می‌توان به اختلاف مبانی مسئولان، رویکردهای افراطی و تفریطی، غفلت از جنبه‌های تخصصی بیانیه، منفعت محوری، مادی‌گرایی، چشمداشت به بیگانگان و مقدم داشتن کمیت بر کیفیت اشاره کرد. همچنین اهم چالش‌های اجرایی عبارتند از مانع تراشی دشمنان و مخالفان، تبعیض، دروغ، شتابزدگی، رانت، ضعف نظارت، و غفلت از کار گروهی و رقابتی.

در یک جمع‌بندی می‌توان سه عنصر مهم «پیروی از آموزه‌های دینی»، «ولایت‌مداری» و «بهره‌گیری از تجارب گذشته» را راهبرد اصلی جهت مصون ماندن از چالش‌های پیش رو در اجرای بیانیه گام دوم انقلاب برشمرد.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم انقلاب، مطالعات راهبردی، آسیب‌شناسی، چالش‌ها، آموزه‌های دینی.

## مقدمه

آسیب‌شناسی و پیش‌بینی «چالش‌های پیش‌رو» و پس از آن توجه به راهکارها و تدبیر «فرایند برون‌رفت از مشکلات پیش‌بینی نشده» پیش از اجرای هر «طرح راهبردی و افق‌نگر» ضرورت دارد. به‌ویژه هنگامی که یک طرح، استکبارستیز باشد و در راستای رشد و توسعه یک ملت بکوشد. بیانیه گام دوم انقلاب از آنجاکه کشور را به اهداف اسلامی و انسانی خود نزدیک‌تر می‌کند مخالفان خارجی خواهد داشت و از آنجاکه الگویی گسترده و جامع است و نیاز به مساعدت همگانی دارد در داخل نیز با چالش‌های پرشماری مواجه خواهد بود. این به معنای ناامیدی و دست‌کشیدن از ادامه حرکت نیست؛ بلکه لازم است با تدبیر و دوراندیشی مضاعف و پیش‌بینی چالش‌های پیش‌رو، خود را برای اجرای آن مهیا کرد. مقاله حاضر با این هدف نگاشته شده و دسته‌بندی چالش‌ها و تحلیل آن‌ها بر اساس آموزه‌های دینی را در دستور کار دارد.

منظور از «چالش» در این نوشتار، هر گونه مشکل یا آسیب پیش‌رو اعم از تحمیلی یا ناخواسته، مادی یا معنوی، عمومی یا اختصاصی و داخلی یا خارجی است که اجرای این سند ملی را با دشواری مواجه نماید.

## بیانیه گام دوم

بیانیه گام دوم انقلاب، متنی حدوداً بیست صفحه‌ای (۶۱۰۰ کلمه) است که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، آیه الله سید علی خامنه‌ای به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردید. در این بیانیه بر «استمرار راه انقلاب» و «تبیین دستاوردهای چهل سال گذشته» تأکید شده است. در این متن پس از بیان چند نکته مقدماتی، سخنان اصلی ایشان خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان در هفت محور: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، و سبک زندگی صادر شده است.

### پیشینه پژوهش پیرامون بیانیه

در زمان کوتاه طی شده از صدور این بیانیه تا کنون، پژوهش‌های پرشماری در این رابطه صورت گرفته و اهل قلم از زوایای مختلف، خصوصاً در حیطه علوم انسانی و اسلامی به آن پرداخته‌اند. همچنین همایش‌های متعددی با این موضوع برگزار شده و می‌توان ادعا کرد تبدیل به یک گفتمان شده است.

### چالش‌ها

مشکلات و آسیب‌های پیش روی بیانیه گام دوم انقلاب را می‌توان به دو بخش بنیادی و اجرایی تقسیم کرد.

### الف) چالش‌های بنیادین

منظور از چالش‌های بنیادین، آسیب‌هایی است که ناشی از اندیشه‌ها، باوها و رویکرد دست اندرکاران و شخصیت‌های مؤثر و مسئولان مملکت است که ضرورت دارد پیش از مرحله اجرا، به دنبال «افق مشترک» در این زمینه بود. اهم چالش‌های بنیادین عبارتند از:

#### ۱. اختلاف مبانی مسئولان

بیانیه گام دوم به گونه‌ای نگاشته شده است که انحصاری به یک مذهب یا قوم یا زبان و حتی جغرافیای خاص نداشته باشد و حتی قائم به شخص یا اشخاص کنونی نیز نباشد؛ اما بدون شک اگر هنگام اجرای آن مسئولان و دست اندرکاران باورهای یکسان یا حداقل نزدیکی در زمینه ضرورت و فرایند پیشرفت نداشته باشند، اجرای آن با مشکلات عدیده مواجه خواهد بود.

برخی، بیانیه گام دوم را تنها در برخی از شئون جامعه معتبر و اجرایی دانسته و یا محدود به زمان می‌کنند درحالی‌که در متن بیانیه چنین آمده است: «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و

اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بینند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند... کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید.»

بدون شک تحقق چنین آرمانی نیازمند گذشتن از منافع شخصی جهت دستیابی به منافع ملی و اجتماعی است. قرآن کریم از قول حضرت هارون، برادر و جانشین حضرت موسی چنین نقل می‌کند که پدیده شوم گوساله پرستی را تحمل کرد اما حاضر نشد شکاف بین گروه‌های مختلف مردم با باورهای مختلف را شاهد باشد. (طه، ۹۴) در روایات نیز برای کسانی که محور تصمیم‌گیری آن‌ها اتحاد و همدلی اعضای جامعه در مسیر الهی است، پاداش قابل توجه و شاید منحصر به فردی تعیین شده است. مانند روایت زیر:

«إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَأُنَاسًا مَا هُمْ بِأَنْبِيَاءَ وَ لَا شُهَدَاءَ لِمَكَانِهِمْ مِنَ اللَّهِ فَقِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الَّذِينَ يَتَخَابُونَ بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ أَرْحَامِ بَيْنَهُمْ وَ لَا أَمْوَالٍ يَتَعَاطُونَ بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ لَنُورًا وَ إِنَّهُمْ لَعَلَىٰ مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ لَا يَخَافُونَ إِذَا خَافَ النَّاسُ وَ لَا يَحْزَنُونَ إِذَا حَزَنُوا.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص: ۲۲۴)

## ۲. رویکردهای افراطی و تفریطی

برخی به کلی با حرکت روبه‌رشد و استقلال کشور مخالف‌اند و آنرا غیرعملی می‌دانند. برخی نیز ایده آل گرا هستند و کمبودهای موجود را باور ندارند. این دو رویکرد قطعاً مسئله ساز خواهند بود.

امیرمؤمنان در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُقَرَّبًا؛ انسان نابخرد را نمی‌بینی مگر در یکی از این دو حالت: یا اهل زیاده روی؛ یا اهل کوتاهی و سطحی‌نگری» (سیدرضی، ۱۳۹۲ش، حکمت ۷۰) در کلامی دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است: «ما مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ.» هر چیزی برای خود حد و اندازه‌ای دارد. (تحف‌العقول، ۱۳۸۷ش، ص ۳۶۱)



در طلّیعه بیانیه آمده است: «نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفلها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. آنچه می‌گوییم یک امید صادق و متکی به واقعیتهای عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومییدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم.» و این مهم محقق نخواهد شد مگر با اجتناب از نگاه‌های افراطی و تفریطی. به نظر می‌رسد راهکار برون رفت از این چالش، توجیه منطقی و مستدل نخبگان، حوزویان و دانشگاهیان و در مراتب بعدی بهره‌گیری از ظرفیت رسانه و فضای مجازی و همچنین جامعه نخبگانی برای توجیه توده مردم است تا امیدوار به آینده، در مسیر تحقق این بیانیه قرار گیرند.

### غفلت از جنبه‌های تخصصی بیانیه

هر حوزه دانشی مشتمل بر اصطلاحات تخصصی، تعریف متفاوت از برخی واژگان رایج، و ادبیات خاص خود است. به‌عنوان نمونه واژه قیاس مصدر باب مفاعله از ماده قاس و به معنای مقایسه کردن و سنجدیدن دو شیئی هم‌نوع با یکدیگر است. (ابن منظور، ۲۰۰۳: ماده قیس) اما این واژه در دانش منطق به «قول مؤلف من قضایا متی سلمت لزم عنه لذاته قول آخر» (مظفر، ۱۳۸۳: ص ۲۳۱) تعریف شده و مراد از آن استدلال‌هایی هستند که از چینش دو یا چند قضیه پدید می‌آیند و از آن‌ها نتیجه‌ای استخراج می‌گردد.

درحالی‌که همین کلمه در دانش فقه و اصول به «اجرای حکم اصل در فرع، از جهت جامعی که بین آن‌هاست» (قوانین الاصول، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۷۹) تعریف شده که تقریباً معنایی نزدیک با معنای لغوی آن دارد و ناظر به مقایسه و تطبیق یک حکم در دو موضوع متفاوت است.

در چنین شرایطی اگر یک فقیه وارد بحث منطقی شود اما از معنای واژه قیاس در دانش منطق آگاهی نداشته باشد، آن را به معنای فقهی به کار خواهد برد و این موجب لغزش در انتقال مفاهیم خواهد شد؛ بدون آن که خود پژوهشگر مطلع شود یا احتمال اندک خطایی در

فهم خود را بدهد.

بیانیه گام دوم برآمده از قلم کسی است که چندین دهه سکان دار انقلاب اسلامی بوده و علاوه بر دانش لبریز و تدبیر مثال زدنی، از مشاوران و متخصصان نخبه نیز بهره می برد. لذا در مقام اجرا نباید افراد بیگانه با حوزه های تخصصی مربوطه، زمام آن را به دست گیرند. قرآن کریم، اصل «لزوم تخصص گرایی» را در ماجرای حضرت یوسف ع و مدیریت وی بر منابع اقتصادی سرزمین مصر به زیبایی بیان می کند:

﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾ (یوسف، ۵۵)

(یوسف) گفت: مرا بر منابع اقتصادی این سرزمین بگمار چراکه من متعهد و دانایم. در آیه فوق دو ویژگی تعهد و تخصص (حفیظ و علیم) برای متصدیان امور اجتماعی و اقتصادی لازم شمرده شده است. (طباطبائی، ج ۱۱، ص: ۲۰۱) امام جعفر صادق علیه السلام نیز می فرمایند:

كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ يَجْتَلِبُ بِهَا الْمَكْسَبَ وَ هُوَ أَنْ يَكُونَ حَازِقًا بِعَمَلِهِ مُؤَدِّيًّا لِلْأَمَانَةِ فِيهِ مُسْتَمِيلاً لِمَنْ اسْتَعْمَلَهُ

هر اهل فنی برای موفقیت در کسب و کار خود به سه مطلب نیازمند است: تخصص و باهوشی در فن و حرفه مورد نظر؛ امین باشد و در کار و مال مردم، امانت و درستی را حفظ کند. با کارفرما و صاحب کار، خوش برخورد و خوش قلب باشد. (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۹۱)

#### ۴. منفعت محوری به جای خدامحوری:

مدیریت اسلامی مبتنی بر خدامحوری است. این زیربنا در جای جای یک سازمان خود را نشان می دهد و تقوای الهی بر عملکرد همگان سایه می افکند. مدیر به زبردست ظلم نمی کند، کارمندان حق یکدیگر را ضایع نمی کنند، اعضاء سازمان در غیاب یکدیگر مدافع حقوق هم هستند، حتی اگر نظارتی نباشد کسی در انجام وظایف محوله کوتاهی نمی کند (چون همگان خدا را ناظر می دانند)، و... این در حالی است که در مدیریتی که مبتنی بر

خدا محوری نباشد این معادلات به گونه دیگری رقم می خورد. قرآن کریم می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا﴾. (هود، ۱۲۳)

و نهان آسمان ها و زمین، فقط از آن خداست و همه کارها تنها به سوی او بازگردانده می شود.

آیه فوق، آخرین آیه سوره هود است که پس از نقل چندین داستان در این سوره، به نوعی جمع بندی حکایت های پیشینیان و عبرت گیری از آنهاست.

با توجه به ال جنس در کلمه امر و تأکید «كُلُّهَا» آیه شریفه تأکید می ورزد که تمامی امور بدون استثنا به خدا بازمی گردد. مفسران بر این باورند که «امر» در این آیه به معنای تدبیر عالم است و از نگاه قرآن هر تدبیر دیگری نیز زیرمجموعه تدبیر الهی، و اصطلاحاً «خدا محور» است. (ابن عاشور، بی تا: ج ۱۱، ص ۳۵۴)

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرمایند: «مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَمَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ».

هر کس رضایت خدا را بخواهد هرچند با خشم مردم همراه شود؛ خداوند او را از امور مردم کفایت می کند و هر کس که با به خشم آوردن خداوند دنبال رضایت مردم باشد، خدا او را به مردم وامی گذارد. (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۲۰۱)

بدون شک در اجرای بیانیه گام دوم انقلاب در نظر گرفتن منافع شخصی یا حزبی و غفلت از خدا محوری، این حرکت پرشتاب را با چالش جدی مواجه خواهد کرد. در متن بیانیه به این امر زیربنایی تأکید شده است:

«طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص بر حذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند.»

## ۵. مادی گرایی به جای آخرت گرایی:

﴿الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ (اعلی، ۱۷)

آخرت بهتر و پایدارتر است.

اعتقاد و ایمان به آخرت و زندگانی جاوید و درک مفهوم آخرت‌گرایی بر این استوار است که در انسان حقیقتی وجود دارد که با متلاشی شدن بدن از بین نمی‌رود. اگر کسی به وجود این حقیقت اعتقاد نداشته باشد از معاد نیز نمی‌تواند تصور صحیحی داشته باشد. بنابراین نیاز به تفصیل در این باره نیست که از دیدگاه اسلام انسان دارای دو بعد مادی و غیر مادی است. بُعد اصلی همان بُعد غیر مادی یا روح است. پذیرش مسئله وجود روح غیر مادی در انسان است که اعتقاد به جاودانگی و پایان‌ناپذیر بودن حیات انسان را در پی دارد.

با عنایت به چنین دیدگاهی است که حقیقت ابدی و فنا‌ناپذیر وجود انسان مورد توجه قرار گرفته، نیازهای حقیقی انسان مطرح شده و راه پاسخ‌گویی به این نیازها ارائه می‌گردد. همانگونه که امیرالمومنین علیه السلام در یک جمله کوتاه اما راهبردی می‌فرماید: **فَإِنَّ الْغَايَةَ الْقِيَامَةَ** (لیثی، ۱۳۷۶ش: ص ۱۵۸)

قرآن مجید ایمان به آخرت یا روز آخر را برای سعادت بشر یک امر حتمی و لازم می‌شمارد. منبع و منشأ ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی نیز، قبل از هر چیز دیگر وحی الهی است که بوسیله پیامبران به بشر ابلاغ شده است. یعنی پس از آن که انسان، خدا را شناخت و به صدق گفتار پیامبران ایمان آورد و دانست که آنچه به‌عنوان وحی ابلاغ می‌کنند واقعاً از جانب پروردگار عالم و تخلف‌ناپذیر است، به روز قیامت و حیات جاوید اخروی که همه پیامبران ایمان به آن را مهم‌ترین اصل پس از توحید معرفی کرده‌اند ایمان پیدا می‌کند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۷).

ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی یکی از اصول جهان‌بینی اسلامی و از ارکان ایمانی و اعتقادی دین مبین اسلام می‌باشد. پیامبران الهی - بدون استثنا - پس از اصل توحید، مهم‌ترین اصلی که مردم را به آن متذکر کرده‌اند و ایمان به آن را از مردم خواسته‌اند، همین اصل است که در اصطلاح متکلمان اسلامی به نام "اصل معاد" معروف شده است (سبحانی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۶).

اما سخن بر سر اصالت دنیا یا آخرت است که از آیه مبارکه پیش گفته و ده ها آیه و روایت دیگر به روشنی فهمیده می شود که اصالت با آخرت است و هر گاه امر دایر بین دنیا و آخرت باشد بدون شک آخرت مقدم است. بنابراین می توان نتیجه بحث را در کلام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دید که فرمودند: اعظم الناس هما المؤمن یهتم بامر دنیا و امر آخرته با همت ترین مردم مؤمنی است که هم به کار دنیایش و هم به کار آخرتش اهتمام دارد (متقی، ۱۴۵۱ق، ح ۷۰۲)

در بیانیه گام دوم توحید محوری و معادباوری موج می زند و راز این همه امید به آینده و اطمینان به امداد الهی و نرسیدن از مستکبران که در قلم و سخن رهبر انقلاب مشاهده می شود همین است. تنها در صورتی این بیانیه محقق می شود که این روحیه به خواص و سپس به توده مردم نیز سرایت کند.

#### ۶. مقدم دانستن کمیت بر کیفیت:

در آموزه های دینی بر تقدم کیفیت بر کمیت تأکید شده است. به عنوان نمونه در آیه ای می خوانیم:

﴿إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (انفال، ۶۵) اگر از شما بیست نفر شکیبیا باشند، بر دویست نفر پیروز می شوند و اگر صد نفر از شما باشند، بر هزار [نفر] از کسانی که کفر ورزیدند، پیروز می گردند.

در آیه فوق عنصر کیفی صبر، عامل غلبه بر عنصر کمی قلمداد شده است. همچنین در جای دیگر می خوانیم:

﴿لَتَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (کهف، ۷)

تا آنان را بیازماییم که کدامیک از ایشان نیکوکارتر است.

در برخی روایات به این نکته اشاره شده است که تعبیر فوق می توانست این گونه باشد: لیبلوکم ایکم اکثر عملا (کدامیک عمل بیشتری انجام داده است) اما نظر به این که در نگرش قرآنی کیفیت بر کمیت ترجیح دارد عبارت «احسن عَمَلًا» به کار رفته است. (فیض

کاشانی، ج ۵، ص: ۲۰۱)

همچنین خداوند خطاب به حضرت داوود ع می فرماید:

﴿اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ﴾ (سبأ، ۱۱)

زره‌های کامل و مناسب بیاف و آن را درست و دقیق اندازه‌گیری کن.

این محکم کاری و کیفیت‌گرایی به زره و مانند آن انحصار ندارد و یک راهبرد کلی برای

تمامی فعالیت‌های ماست. (مکارم، ج ۱۸، ص: ۳۱)

از مجموع آموزه‌های فوق می‌توان تقدم کیفیت بر کمیت را به خوبی استنباط کرد.

پیامبر خدا ﷺ در این زمینه فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ مِنَ الْعَامِلِ إِذَا عَمَلَ أَنْ يَحْسِنَ؛

خداوند، دوست دارد که هر کارگزاری که کار می‌کند، نیکو کار کند». (پاینده، ۱۳۸۲ش،

ص ۸۰۱) نیز آن حضرت در حدیثی دیگر اینچنین فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ

الإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ؛ خداوند، در هر کاری، نیک انجام دادن آن را فرمان داد». (حسن بن

علی رضی الله عنه، امام یازدهم، ۱۴۰۹ق، ص ۶۷۰) لذا اگر در هر فعالیت فرهنگی اجتماعی عکس

این عمل شود و کمیت، اصیل قلمداد شود، علاوه بر آن که بهره‌وری و کارایی آن طرح

کاهش می‌یابد، امدادهای غیبی و الهی نیز تقلیل خواهد یافت. بیانیه گام دوم نیز از این

سنت الهی مستثنی نیست.

## ۷. ضعف باورهای دینی

در جای جای قرآن کریم و روایات، می‌توان وعده‌ها و بشارت‌های الهی را که منشأ امید و

انگیزه مضاعف در این‌گونه حرکت‌هاست مشاهده کرد. اما اگر باور به این وعده‌ها کم‌رنگ

باشد طی مسیر با چالش مواجه خواهد بود. به‌عنوان نمونه قرآن کریم دو عنصر «ایمان» و

«تقوا» را عامل جذب سرمایه‌های طبیعی برمی‌شمارد و این تأثیرگذاری را ضمانت می‌کند:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ اعراف، ۹۶ «و اگر اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و خودنگهداری می‌کردند،

حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم».

در روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: **خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَنَفْعُ الْإِخْوَانِ**؛ دو خصلت است که بالاتر از آن‌ها چیزی نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به برادران. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸۵)

یکی از محورهای هفت گانه بیانیه گام دوم، معنویت و اخلاق است. در آن جا چنین می‌خوانیم:

«معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است... شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد»

## ۸. چشمداشت به بیگانگان

طنین کلام وحی در آیه راهبردی و تأثیرگذار زیر هر فعالیت انقلابی و توسعه‌گرایی را به تکیه بر نیروهای خودی فرامی‌خواند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (المائدة: ۵۱)

ای اهل ایمان! یهود و نصاری را سرپرستان و دوستان خود مگیرید، آنان سرپرستان و دوستان یکدیگرند [و تنها به روابط میان خود وفا دارند]. و هر کس از شما، یهود و نصاری را سرپرست و دوست خود گیرد از زمره آنان است؛ بی‌تردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند.

بر اساس آیه فوق، دشمنان اسلام هرچند با یکدیگر اختلافاتی داشته باشند اما در مقابله با اسلام و مسلمانان متحد هستند و هر یک از مسلمانان که چشم امید به سوی آنان داشته باشد نیز از زمره آنان به حساب خواهد آمد.

عبارت زیر در صفحه پایانی بیانیه گام دوم، در این زمینه فصل الخطاب است:

«دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه‌حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.»

### ب) چالش‌های اجرایی

گذشته از چالش‌های زیربنایی که تحقق بیانیه گام دوم انقلاب با آن‌ها مواجه است، در مقام اجرا نیز آسیب‌هایی پیش‌بینی می‌شود که لازم است با دوراندیشی و شناخت هر یک از آن‌ها، راهکار برون رفت از هر یک را پیش‌بینی کرد. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از:

#### ۱. مانع تراشی دشمنان و مخالفان

آیات متعددی از قرآن کریم، بر اصرار دشمنان نسبت به سنگ‌اندازی پیش روی توسعه جوامع اسلامی تأکید دارند. مانند بقره: ۱۲۰ - آل عمران: ۱۱۸ - نساء: ۸۹ - ممتحنه: ۲ - قلم: ۹ و فرقان: ۳۱.

در روایات نیز توصیه‌های مکرری نسبت به لزوم دشمن‌شناسی و تدبیر متناسب در برابر مخالفان آمده است. تا آن‌جا که حتی از تشابه ظاهر و لباس مسلمانان به دشمنان نهی شده است. در حدیث قدسی می‌خوانیم:

«أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قُلْ لِقَوْمِكَ لَا تَلْبَسُوا مَلَابِسَ أَعْدَائِي وَ لَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَ لَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي.» (ورام، ج ۱، ص: ۱۵)

در حدیثی دیگر در مورد عدم غفلت از دشمنی دشمنان و مکر آنان از امام علی علیه السلام آمده است: و من نام لم ینم عنه. هرکه از دشمن خود غافل شود، دشمن از او غافل نباشد. (بحرانی، ج ۲، ص ۸۷۸)



بدون تردید اجرای بیانیه گام دوم که در راستای رشد و توسعه کشور صادر شده و به شدت دشمن ستیز است، بیش از پیش با مانع تراشی دشمنان مواجه خواهد بود و لازم است پیش بینی های لازم در این رابطه (خصوصاً با توجه افکار عمومی) صورت گیرد. مقام معظم رهبری در متن بیانیه، در مقوله «اقتصاد» و «فرهنگ» را بیشترین حوزه فعالیت دشمنان به شمار می آورند و می فرمایند: «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذ ناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است... دشمنان انقلاب با انگیزه ای قوی، تحریف و دروغ پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می گیرند. رهنمان فکر و عقیده و آگاهی بسیاری؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی توان شنید.»

## ۲. غفلت از کار گروهی و رقابت سالم

ممکن است علی رغم تدابیر اتخاذ شده، همچنان چالش «عدم تخصص» در زوایای مختلف اجرای بیانیه به قوت خود باقی باشد، اما بدون شک با کار گروهی می توان بخشی از آن را جبران کرد.

در قرآن کریم و جای جای سیره اهل بیت علیهم السلام، نمونه هایی از کار گروهی موفقیت آمیز منعکس شده تا الگویی برای همگان باشد. مانند اقدام ذوالقرنین در بستن راه یاجوج و ماجوج (کهف، ۹۵) یا توصیه به تعاون و همکاری متقابل (مائده، ۲) و عملکرد یکپارچه (شوری، آیه ۴۲) و عبادات جمعی (آل عمران، ۳).

همچنین نمونه ای از تأکید بر کار رقابتی در قرآن کریم را می توان در داستان حضرت سلیمان ع و هدهد دنبال کرد. جایی که آن حضرت برای احضار تخت ملکه سبا، فراخوان عمومی صادر کردند:

﴿قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ (نمل، ۳۸)

سلیمان گفت: ای اطرافیان! کدام یک از شما تخت او را برای من می آورد پیش از آن که

تسلیم شده نزد من آیند؟

این عملکرد حضرت سلیمان ع، تک تک اعضاء سازمان را در فضایی دوستانه به رقابت وامی دارد و انگیزه آنان را ارتقا می بخشد.

به هر حال تک روی و غفلت از ظرفیت تعاون و کار جمعی و رقابتی می تواند هر جامعه ای را از رشد و توسعه محروم کند و تحقق بیانیه گام دوم نیز از این قاعده مستثنی نیست.

### ۳. سرپیچی از مافوق

آموزه های قرآنی در این زمینه بسیار صریح هستند. مانند آیه:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء، ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و فرستاده [خدا] و صاحبان امر (خود) تان را اطاعت نمایید.

و همچنین آیه:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ

يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (نساء، ۶۵)

چنین نیست، به پروردگارت سوگند! که آن ها ایمان نخواهند آورد، تا این که در مورد آنچه در میان شان اختلاف کردند، تو را داور گردانند سپس از داوری تو در جان شان هیچ (دل) تنگی نیابند، و کاملاً تسلیم شوند.

گفتنی است این مورد را می توان از اشتراکات تمامی مکاتب مدیریتی به شمار آورد. فایول در اصول چهارده گانه خود با عنوان "تمرکز" (centralization) به این مطلب اشاره دارد که سازمان ها مانند سایر ارگانیزم های حیوانی یا اجتماعی به هماهنگی و هدایت از سوی یک سیستم مرکزی نیاز دارند. (رضائیان، ۱۳۸۰، ص ۱۴)

در عین حال سیستم اطاعت پذیری «از بالا به پایین» قرآن کریم از سنخ دیگری است و بر مبانی معنوی و فکری استوار است. در این راستا همچنین قرآن کریم سخن از میثاق

اطاعت پذیری از انبیا را مطرح می نماید:

﴿وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ﴾ (آل عمران، ۸۱)

و (یاد کنید) هنگامی را که خدا، از پیامبران پیمان محکم گرفت، که هر گاه به شما کتاب و فرزاندگی دادم، سپس فرستاده ای به سوی شما آمد که مؤید آن چیزی است که با شماست، حتماً به او ایمان آورید و قطعاً یاریش کنید.

در روایتی از امیرمومنان علیه السلام در مورد فلسفه اطاعت از مافوق این چنین آمده است: اطع من فوقک یطعک من دونک. از بالادست خود فرمان ببر تا زیر دستت از تو فرمان برد. (آقا جمال، ج ۷، ص ۳۱۷)

نظر به این که هر مدیری ممکن است پایان دوره مدیریت خود را برنتابد و در برابر آن موضع گیری نماید، چنین میثاقی می تواند اطمینان خاطر برای مدیر کل در انتصابات باشد. (گرچه انبیاء الهی از چنین مخالفتی پیراسته هستند.)

#### ۴. تبعیض

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ﴾. (نحل، ۹۰)

در واقع خدا، به عدالت و نیکی فرمان می دهد.

عدالت اجتماعی عبارت از این است که با هریک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است و این خصلتی اجتماعی است که فرد مکلفین مامور به انجام آنند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۴۳)

در آیه دیگری می خوانیم:

﴿أَمْرٌ لِيَُعَدَلَ بَيْنَكُمْ﴾. (شوری، ۱۵)

فرمان داده شدم تا در میان شما عدالت پیشه کنم.

یکی از سیاست های کلان قرآن پیشگیری از دو قطبی شدن جامعه (اقلیت برخوردار و اکثریت محروم) است. این راهبرد در اقتصاد، سیاست، و مدیریت کاربرد دارد و بر رفع

تبعیض پای می فشارد. قرآن کریم در آیه ذیل از تبعیض اقتصادی و انحصار ثروت در میان گروهی خاص از شهروندان، انتقاد می کند:

﴿كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ (حشر، ۷)

تا (ثروت‌ها) در میان توانگران شما [دست به دست] نگردد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد اهمیت عدل این چنین می خوانیم: ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرًّا إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْحِصْبُ؛ سه چیز است که همه مردم به آن‌ها نیاز دارند: امنیت، عدالت و آسایش. (آرام، ج ۶، ص ۶۲۱) و یا این که امام صادق علیه السلام فرمودند: إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تُنزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى؛ اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی نیاز می شوند و به اذن خداوند متعال آسمان روزی خود را فرو می فرستد و زمین برکت خویش را بیرون می ریزد. (طوسی، ج ۴، ص ۱۳۶)

عدالت، یکی از محورهای اصلی بیانیه گام دوم است و تبعیض را می توان از چالش‌های اصلی و کلان در مسیر تحقق این بیانیه به شمار آورد. در فرازی از این بیانیه چنین آمده است:

«در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی عدالتی می انجامد، بشدت ممنوع است.»

## ۵. دروغ

در زشتی گناه دروغ شاید اشاره به روایت زیر از امام باقر علیه السلام مکفی باشد:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَفْقَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَفْقَالِ الشَّرَابَ وَ الْكَذِبَ شَرًّا مِنَ الشَّرَابِ؛ خداوند عزوجل برای بدی‌ها قفل‌هایی قرار داد و کلید تمامی آن قفل‌ها شرابخواری است؛ اما دروغگویی از شرابخواری نیز بدتر است.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص:

(۳۳۹)

متقابلاً در منابع اسلامی به قدری روی دو مسئله (امانت) و (صداقت) تأکید شده که

درباره کمتر موضوعی دیده می‌شود، و این به دلیل نقش حیاتی این دو، در زندگی اجتماعی بشر است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ؛ خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد مگر بر مبنای راستگویی و امانتداری در برابر نیکوکار و بدکار.» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۹، ص ۷۳)

مقام معظم رهبری در محور دوم بیانیه که به موضوع معنویت و اخلاق اختصاص دارد، بر مسئله راستگویی تأکید ورزیده و نقش کلید آن را در جهت دهی به سایر فعالیت‌های فردی و اجتماعی متذکر شده‌اند.

## ۶. شتابزدگی

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ (طه، ۲۵)

(موسی) گفت: پروردگارا سینه‌ام را برایم بگشا.

شرح صدر به معنای گسترده‌ی روح است که کنایه از توان‌مندی روحی و معنوی و ظرفیت بالا در مدیریت شرایط مختلف می‌باشد. همان توسعه‌ای که باعث می‌شود انسان هر حقی را بپذیرد و به آن عمل نماید. (مصطفوی، ماده شرح)

نقطه مقابل شرح صدر، شتابزدگی و اقدام عجولانه است که در روایات، به شیاطین نسبت داده شده و از آن نهی شده است. (آمدی، ص ۴۳) رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌فرمایند: «الاناة من الله و العجلة من الشيطان»، تانی و خویشتن‌داری از سوی خداست و عجله و شتاب از شیطان است. (برقی، ج ۱، ص ۲۱۵) در حدیث دیگری همان حضرت صلی الله علیه و اله می‌فرمایند: «انما اهلك الناس العجلة ولو ان الناس تثبتوا لم يهلك احد» عجله و شتاب مردم را هلاک کرده و اگر مردم دارای تانی و خویشتن‌داری بودند، هیچ کس به هلاکت نمی‌رسید. (حرعاملی، ج ۱، ص ۳۶) از این رو می‌توان شتابزدگی را آفت مشترک تمامی فعالیت‌های راهبردی در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی به شمار آورد و سند تاریخی مانند بیانیه گام دوم نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از صاحب‌نظران

دانش مدیریت، ضمن برشمردن «رشد اجتماعی و وسعت نظر» از ویژگی‌های مدیر، می‌نویسد:

«ظرفیت فکری و نفسانی رهبر باید به گونه‌ای باشد که از لحاظ روحی، مغلوب ناکامی‌ها یا مغرور از موفقیت نگردد از این رو باید در مقابل موانع و تلخی‌ها قدرت تحمل زیادی داشته باشد.» (رضائیان، ۱۳۸۰: ص ۲۰۱)

### ۷. خشونت و انتقادپذیری مجریان

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

از اموال آنان بخشش خالصانه و زکات را بگیر، که به وسیله آن، پاکشان سازی و رشدشان دهی و برایشان دعا کن چراکه دعای تو، برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست. (توبه، ۱۰۳)

امیرمؤمنان علیه السلام در در عهدنامه مالک اشتر بر این نکته تأکید دارند: مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: نامه ۵۳) و امام هادی نیز در این زمینه می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ إِذَا غُوتِبَ قَبْلَ. هرگاه خداوند، خیر و خوبی بنده‌ای را بخواهد، او چنان می‌شود که اگر مورد عتاب و سرزنش قرار گرفت، می‌پذیرد. (ابن ادریس، ج ۳، ص ۵۸)

قرآن کریم این ویژگی را برای پیامبر خود به زیبایی ترسیم نموده است:

﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (توبه، ۱۲۸)

همچنین به ایشان این گونه دستور می‌دهد:

﴿وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾

(مائده، ۱۳)

همیشه از خیانتی (تازه) از آنان آگاه می‌شوی، مگر اندکی از آنان (که خیانت نکردند) پس آنان را ببخش و درگذر که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

خدای سبحان در آیه دیگری می فرماید:

﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾: از آن ها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: او (سراپا) گوش است (آدم خوش باوری است)! بگو: او گوش خوبی برای شماست (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد و (تنها) مؤمنان را تصدیق می کند. (توبه، ۶۱)

علامه طباطبائی «اذن خیر لکم» را به شنیدن همراه با تغافل و مدارا تفسیر کرده اند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۲۳) این راهبرد همچنین در توصیه های حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر مشهود است، (نامه ۵۳ و حکمت ۲۲۲)

در آیه دیگر نیز می خوانیم:

﴿وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء، ۲۱۵)

و بال (عطوفت و فروتنی) خود را برای کسانی از مؤمنان که از تو پیروی می کنند فرو آر. ﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ...﴾ (لقمان، ۱۸)  
روی خود را از مردم به تکبر برمگردان.

تواضع و فروتنی از شاخصه های اصلی و ضروری کار اجرایی به حساب می آید. در روایات، افراد متواضع خردمندترین مردم شمرده شده اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ص: ۵۵) لازم به ذکر است این تواضع نباید صلابت و قاطعیت مسئولان را تحت الشعاع قرار دهد. چنان که قرآن نمونه هایی از صلابت مدیران الهی را گزارش نموده است. (نمل، ۲۰)

## ۸. سهم خواهی بستگان برخی مسئولان

قرآن کریم از هر گونه جانبداری بستگان و نزدیکان نهی می کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ﴾.

(نساء، ۱۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید! برپادارندگان دادگری باشید و برای خدا گواهی دهید، و گر چه (این گواهی) به زیان خودتان، یا پدر و مادر و نزدیکان شما باشد.

در برخی آیات نیز موضع‌گیری انبیاء در برابر بستگان و اعضاء خانواده خود را گزارش می‌کند:

﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ﴾ (شعراء، ۷۰)

هنگامی که به پدر (عموی) خود و قومش گفت: چه چیز را می‌پرستید؟! بنابراین نباید رابطه خویشاوندی ملاک انتصاب‌ها یا امتیازها باشد. در ماجرای انتخاب طالوت به فرماندهی گروهی از بنی اسرائیل می‌خوانیم:

﴿قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾. (بقره، ۲۴۷)

براستی که خدا او را بر شما برگزیده، و وسعتی در دانش و (نیروی) بدنش افزود. اصطفاء از ریشه «صفو» گرفته شده و به معنای «صاف و پاک» می‌باشد. در نتیجه، اصطفاء بهترین و پاک‌ترین را انتخاب کردن است. بر اساس آیه فوق، قدرت علمی و توانایی جسمی برای انجام مأموریت، دو شرط لازم برای مدیران است.

اساساً قرآن کریم نقش بسزایی برای نیروهای لایق قائل است. هارون برادر حضرت موسی نیز بر اساس همین معیار برگزیده شد:

﴿وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَدِّبُونَ﴾

و برادرم هارون زبانش از من فصیح‌تر است، پس او را همراه من کمک و پشتیبان فرست، تا مرا تصدیق کند زیرا می‌ترسم مرا تکذیب کنند (و من نتوانم هدفم را به روشنی بیان کنم)» (قصص: ۳۴)

## ۹. ضعف نظارت و بازرسی

برای هر اقدام اجرایی و عملیاتی، عنصر نظارت ضروری است ضمانت اجرا به حساب می‌آید. قرآن کریم نظارت مستقیم مدیر بر نیروهای سازمان را در داستان حضرت سلیمان ع این‌گونه حکایت می‌کند:

﴿وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ﴾ (نمل، ۲۰)

و (سلیمان) در جست‌وجوی پرنده برآمد و گفت: مرا چه شده که هُدْهُد را نمی‌بینم.



در بیانیه گام دوم بر مبارزه همه‌جانبه با فساد و سایر انحرافات اجتماعی تأکید شده و ده‌ها آموزه راهبردی بیان شده و تکلیف هر قشر مشخص است اما اگر نظارت نباشد ممکن است ابتر بماند. الگوی قرآن کریم نظارت بر عملکرد دیگران، امر به معروف و نهی از منکر است:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (آل عمران، ۱۰۴)

از میان شما باید گروهی باشند که دیگران را به خیر دعوت نمایند و از بدی‌ها بر حذر دارند. بر اساس آیه فوق، باید همواره گروهی جهت نظارت بر امور، در جامعه احساس مسئولیت کنند. با این وجود شایان ذکر است که نظارت را نمی‌توان منحصر به نهاد خاصی دانست و سایرین را از آن معاف به شمار آورد. بلکه مطالبه قرآن کریم، «نظارت عمومی و جمعی» توسط تک‌تک اعضای یک جامعه است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران، ۱۱۰)

و در نهایت به این قسمت از کلام امیرمومنان استشهد می‌کنیم که به کارگزار خود فرمودند: ثم تفقد اعمالهم و ابعث العيون من اهل الصدق والوفاء عليهم فان تعاهدك في السرلا مورهم حدوه لهم على استعمال الامانه و الرفق بالرعيه و تحفظ من الاعوان. سپس تمام کارهای کارگزاران را تحت نظر بگیر و بازرسانی مخفی از کسانی که اهل صدق و وفا هستند بر آنان بگمار زیر نظر داشتن امور کارگزاران به صورت پنهان و مخفی آنان را وادار به امانت‌داری و مدارا با رعیت می‌نماید و از تشکیل شبکه یارگیری در خلاف کاری بازمی‌دارد. (بروجردی، ج ۲۲، ص ۶۵۰)

### جمع‌بندی

پاره‌ای از چالش‌های پیش روی بیانیه گام دوم انقلاب به اختصار بیان شد اما با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و دوراندیشی در مقام نظر و مدیریت انقلابی در مقام عمل، می‌توان با امید به خدا از تمامی چالش‌های پیش رو گریخت و این طرح راهبردی را جامه عمل پوشانید.



## منابع

۱. قرآن کریم (با ترجمه گروهی دکتر رضایی اصفهانی و همکاران)
۲. امام علی ۷، نهج البلاغه، جمع آوری: سید رضی، تحقیق: صبحی صالح، چاپ اول، دارالهجره، قم، ۱۴۱۴ ق.
۳. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، حسینی ارموی محدث، جلال الدین، چهارم، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۴. آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، محمد علی انصاری، امام عصر، قم، ۱۳۸۵ ش.
۵. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی قم، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، الموسوی، حسن بن احمد و ابن مسیح، ابو الحسن، دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ ق.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، علی اکبر غفاری، چاپ دوم، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ ق.
۸. ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر و التنویر، چاپ اول، مؤسسه التاریخ، بیروت، بی تا.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثة، اول، بنیاد بعثت، تهران ۱۴۱۶ ق.
۱۱. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء الی الإمام الجواد، موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایران؛ قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. برفی، احمد بن محمد، المحاسن، محدث جلال الدین، دوم، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱ ق.
۱۳. بروجردی، آقا حسین، جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، ۱۳۸۶ ش.

۱۴. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چهارم، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، آل البيت، قم، ۱۴۰۹ ه. ق.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش های اسلامی. گروه حدیث، آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. حرانی، ابو محمد، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی - آرام، احمد، الحیاة، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، چاپ دوم، سمت، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۱. رضائیان، علی، مدیریت رفتار سازمانی، چاپ دوم، سمت، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۲. سبحانی، جعفر، الالهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل، چاپ چهارم، : مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، قم، ۱۳۷۵ ش.
۲۳. صدوق، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۲۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، خراسان، حسن الموسوی، چهارم، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ ق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.

۲۹. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیہ السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
۳۰. متقی ہندی، علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرسالہ، پنجم، ۱۴۵۱ ق
۳۱. مصطفوی، حسن، ۱۳۷۱ ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران، الطبعة الاولى.
۳۲. کاشانی، محمد محسن فیض، تفسیر صافی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۲ ق، الطبعة الثانية، ۵ جلدی.
۳۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، حسنی بیرجندی، حسین، دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش، قم.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، رسولی محلاتی، سید ہاشم، دوم، دارالکتب الإسلامیة، تہران، ۱۴۰۴ ق.
۳۵. مظفر، محمد رضا، المنطق، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۶۸ ش، ۱۴۰۲ ق
۳۶. مطہری، مرتضی، آشنایی با قرآن، انتشارات صدرا، قم، چاپ ہفدهم، ۱۳۸۲ ش.
۳۷. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹ ش)، مجموعہ ورام، مشهد، بنیاد پژوهشہای اسلامی آستان قدس رضوی.